[illegible]

فرزادکوه در بای نرخ ده بزرگ ... دره لعلک واقع است یک دره معظم ... [illegible]

[illegible]

سه بلوک

[illegible]

قصبه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تمور	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

نرخ و جعفری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مجلس خاص وکلای فخام

اعضای مجلس: عبارت از دو رسته اشخاص محترم است که یکی را **اعضای طبیعیه** و دیگری را **اعضای منتخبه** مینامند. (وزیر امور داخله) (وزیر جنگ) (وزیر امور دریا) (وزیر امور خارجه) (رئیس شورای دولت) (وزیر عدلیه و مذاهب) (وزیر توپخانه و قورخانه) (وزیر امور مالیه) (وزیر تجارت و فلاحت) (وزیر اوقاف) (وزیر علوم) (وزیر فوائد) (مستشار صدارت) اعضای طبیعیه این مجلس است. اما اعضای منتخبه آن را (ولاة ولایات و بعضی کبار از رجال دولت) (از وزرا و بعضی معزولین که لازم باشد ترجیح) — مقصود از وزرای معزول این وزرا است که یا معزول از یک وزارتخانه شده یا معزول از والیگری یکی از ولایات [illegible] اول کرده یا اینکه از پیری خانه نشینی شده است تا از جانب [illegible] انتخاب کرده میشوند) تشکیل مینماید.

صدراعظم رئیس اول **شیخ الاسلام** رئیس ثانی این مجلس است. رئیس ثانی در غیاب رئیس اول اجرای ریاست میکند و بعضی رئیس اول را دارای دو رأی است اما در هنگام حضور رئیس اول صاحب یک رأی و یکی از اعضا محسوب است. در غیاب هر دو رئیس هر کدام از اعضا مسن‌تر است ریاست میکند.

ریاست دارالتحریر این مجلس محول بمستشار صدارت است. مدیر دارالتحریر وقایع نگار دولت که چند نفر منشی و ثبات و یک حافظ اوراق و منشی رموز در تحت اداره او سپرده شده است. اما غیر از وقایع نگار احدی حق دخول مجلس ندارد. اگر کاغذ و کتابچه لازم شود باید که شخص وقایع نگار مجلس [illegible] هر کاغذ و کتابچه را که مجلس از دارالتحریر بخواهد باید که اسم آن چیز را بیک کاغذ نوشته از جانب رئیس امضا کرده بوقایع نگار داده شود که آن کاغذ را [illegible] مجلس بجهت [illegible] نماید و بعد از آنکه استفاده از [illegible] آن حاصل شود [illegible] ثبت و با کاغذ باز [illegible] میشود.

غیر از شخص سلطان احدی حق دخول مجلس خاص ندارد خواه یکی از شاهزادگان باشد مگر [illegible] مجلس بخواهد. چند نفر بی زبان و کر [illegible] تربیت شده است که هر یک فقط [illegible] در صف النعال مجلس ایستاده اگر اطلاع امری لازم شود بکار آورده و هر امر راجع مجلس [illegible] است [illegible] و اشارات آنها که [illegible] [illegible].

ادای مجلس: میز کلان یا مستطیل بزرگی که در وسط مجلس گذارده باید که [illegible] در اطراف میز است نشسته [illegible] مستشار صدارت [illegible] بعد از مذاکره هر یک رأی خود را [illegible] اگر آرا توافق [illegible] باید که هر شخص رأی خود را بکاغذ [illegible] نوشته امضا [illegible] اگر موافق شود در کتابچه [illegible] مذاکره نوشته با امضای اعضا [illegible] میشود. در مذاکره [illegible]

درجه‌ای که در خارج شنیده شود بلند گفتن ممنوع است. در وقت غلیان و قهوه مذاکره موقوف است. حرف زیر گوشی زدن و گفتگوئی که راجع بکار نباشد ممنوع. و معارضه لفظی سخت ممنوع است. و فاش اسرار دولت ولو مختصر باشد از جمله [illegible] وزارت تا تقریر [illegible] دارد.

دائرهٔ مجلس عبارت از سه اطاق است در یک حیاط علیحده که در بر حیاط قراول گذارده و یک سلطان بیشتر قراول نشسته است که غیر از وزرا و یک پیشخدمت هر وزیری احدی را نگذارد که [illegible]. سه اطاق مخصوص باعضا تعیین است. اول اطاق مذاکره است این اطاق خیلی بزرگ است و در وسط آن میز بزرگی بود و در اطراف میز مقدار کافی صندلی گذارده شده. [illegible] در مقابل درب اطاق گذارده [illegible] چهل چراغ و دیوار کوب و ساعت [illegible] و نقشه‌ها [illegible] از دیوارها آویزان کرده‌اند. تمام قوانین دولت و عهدنامه‌ها را یک طاقچه در دیوار گذارده‌اند. ثانی اطاق محاکمه است که در وسط میز علیحده و در دیوارها نقشه ندارد و اسباب [illegible] آن مثل اسباب اطاق مذاکره است. ثالث اطاق تنفس است یکی دو یا چند نفر از اعضا کدام خسته باشند رفته قدری در آنجا رفع [illegible] میکنند و [illegible] این اطاق [illegible] و یک عدد ساعت و [illegible] و چند عدد [illegible] سجاده برای گذاردن نماز و آفتابه لگن [illegible] برای [illegible] و [illegible] است. ۲ عبارت از

دارالتحریر — عبارت از سه اطاق است که اول مخصوص بوقایع نگار و منشی اسرار و منشی رموز و چند نفر محرر است ثانی مخصوص به ثبات است ثالث مخصوص بجهت اوراق یعنی حافظ اوراق است.

غیر از این اطاقها قهوه خانه و اطاق نوکرنشینی و اطاق مخصوص [illegible] و در وسط [illegible] از سنگ و یا آجر [illegible] ساخته شده خزانه اوراق و در [illegible] خزانه اوراق اطاق [illegible] و [illegible] است.

تکالیف عمدهٔ این مجلس عبارت از تدقیق کلیه دفتر و خرج دولت [illegible] (سوق قشون) (تکالیف دول) (امور عمده داخله) (وضع و تغییر قوانین) (عزل و نصب حکام و روسای مأمورین) (صلح و جنگ و معاهده و مشارکت) (تزیید و تنقیص قشون) (انشاءات و ابتیاعات و احالات) و [illegible] است.

معاملات: چون عمده مقصود این فقره است لازم می‌آید که ایضاح شود در
هر وزارتخانه وظائف و تکالیف مأمورین را قوانین موضوعه معین نموده و در آن حال هر [illegible]
هر مأمور در دایره تکلیف خود حرکت کند قدمی خارج از دایره تکلیف نگذارد از این جهت هر مأموری که
کاری خارج از حد معین قانونی [illegible] رجوع به فوق خود کند دستورالعمل می‌خواهد از این قبیل کارها که
به وزراء و رؤسا می‌رسد اگر آنها هم خارج از تکلیف می‌بینند رجوع به صدراعظم می‌کنند و اگر صدراعظم هم خود
از عهده برنیاید حواله به مجلس خاص وزراء می‌نماید یا به عرض سلطان می‌رساند سلطان هم به مجلس مذاکره
مجلس خاص حکم فرمایند. مثلاً جمعی عشیرت [illegible] می‌خواهند از خاک عثمانی کوچ کنند به ایران بیایند
رئیس عشیرت مراجعت به حاکم سرحد کند حاکم سرحد مجبور است که این فقره را به والی ولایت اطلاع بدهد
بگذارد زیرا نه حق دارد که مستقیماً با دربار مکاتبه نماید و نه قبول عشیرت مذکوره داخل در
دایره تکلیف اوست. والی ولایت هم به وزیر امور داخله می‌نگارد چون فقره در حقیقت به وزیر امور خارجه
هم دارد وزیر امور داخله مجبور است که اطلاع به وزیر امور خارجه بدهد مسلم است که این فقره را [illegible]
عثمانی هم نوشته [illegible] به وزارت امور داخله و خارجه و [illegible] اظهار داشته‌اند بعد از قدری مذاکره وزراء
داخله با سفیر ایران دستورالعمل به سفیر مخصوصی که در طهران است داده‌اند و او هم رجوع به وزارت
خارجه این دولت کرده است [illegible] وزیر امور خارجه این دولت مجبور است که [illegible] صدراعظم
اطلاع نوشته اطلاع کاملی از این فقره بدهد [illegible] و چند قطعه کاغذ که در این باب رد و بدل شده همراه
اظهار هم [illegible] تقدیم نماید. این را که صدراعظم می‌بیند فوراً فهرست مختصری نوشته [illegible]
می‌فرستند در آنجا هم [illegible] وزیر [illegible] آن را [illegible] رسانیده هر وقت صادر شود [illegible]
بر فوق کاغذ صدراعظم می‌نگارد [illegible] که در مسئله [illegible] عثمانی [illegible] قرار [illegible] که سلطان
فقط این قدر می‌نویسد (کوزلری [illegible] تدقیق اولنسون نتیجه قرار [illegible])
یعنی دیده شد در مجلس [illegible] خوب تدقیق کرده نتیجه قرار به عرض برسد [illegible])
صدراعظم هم در وزراء [illegible] دستخط (موجبنجه) یعنی بر موجب دستخط همان کاغذ را با مهر صدارت
بعد از اوراق مجلس می‌دهد ثبت می‌کنند بعد از اوراق هم در ثبت [illegible]
و وزارت وزیر امور داخله و خارجه و سفیر [illegible] و فهرست صدارت راجع به عشیرت [illegible] سال
شماره و دفتر بعد از ثبت خلاصه [illegible] وقایع‌نگار آن هم لب مطلب را گرفته به ثبت [illegible]
عیناً در دفتر ثبت کرده [illegible] بعد به منشی صدارت می‌دهند منشی صدارت هم
با [illegible] در مجلس می‌خواند یعنی اول [illegible] می‌خوانند و قرار قطعی

و وقت دستخط سلطان را به اعضا [illegible] می‌کنند [illegible] از جانب هر یک از اعضا اعتراض واقع شود در وقت
انعقاد خود فقط یک جمله اعتراضیه [illegible] را به یک جزء [illegible] نوشته [illegible]
با آن کاغذ را چسبانده به دارالتحریر می‌فرستند در آنجا هم یک فهرست نوشته بعد [illegible] صدراعظم
تقدیم حضور می‌نمایند سلطان اگر اعتراض [illegible] وزرا را [illegible] جهات اعتراض [illegible] نماید اگر
فقط لفظ (موجبنجه) یعنی بر وفق [illegible] جواب [illegible] می‌نویسد [illegible] اعلام
صدراعظم هم به دارالتحریر [illegible] فرستاده [illegible] به وزیر امور داخله و خارجه نوشته
[illegible] به مجلس می‌فرستند در آنجا هم ثبت شده [illegible]
اوراق حفظ می‌شود. وزیر امور داخله و خارجه هم [illegible] صدراعظم را در [illegible]
دربار [illegible] چاپ کرده به دولت [illegible] یک نسخه ارسال [illegible] اطلاع [illegible]
اما اگر مواد مذاکره راجع [illegible] مملکت و دولت باشد [illegible]
[illegible]
ارسال می‌دارد [illegible] باشد [illegible]
[illegible]

تمهید قرار   قرارنامه را [illegible] منشی صدارت مهر می‌کند بعد [illegible]
[illegible] وزارت هرکدام [illegible] وزارت [illegible] مهر می‌کنند [illegible]
[illegible]
بعد صدراعظم مهر می‌کند که [illegible] قرار ذیل است

[illegible]

در مجلس هم [illegible] قرار و تشریفات [illegible]

اگر جنس این اطلاع لازم می‌آید [illegible] سال [illegible]

ترجمه امتیازنامه دخانیات

فصل اول — صاحبان امتیاز نامه متعهد میشوند که در سال مبلغ پانزده هزار لیرای انگلیس بخزانه دولت علیه ایران بپردازند اعم از اینکه از امتیاز این رژی نامبرده نفع ببرند یا ضرر و این مبلغ را کمپانی دخانیات در آخر هر شش ماه بقسط خواهد پرداخت

فصل دوم — صاحبان امتیاز نامه محض تعیین مقدار تنباکو و توتون که در ایران عمل میآید حق دارند هر ساله از زارعین آنها اطلاعات لازمه بخواهند و دولت اعلیحضرت شاهنشاهی بحکام ولایات احکام لازمه صادر فرمایند که آنها جهت حصول این اطلاعات از زارعین توتون و تنباکو اسباب تسهیل فراهم آورند

و غیر از صاحبان امتیاز نامه احدی حق نداشته و نخواهد داشت در تجارت خرید و فروش توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه و مثله بی اجازه کتبی از صاحبان امتیاز اشخاصی که حال توتون و تنباکو را خرده فروشی میکنند میتوانند باین تجارت مداومت نمایند ولی مشروط براینست که از کمپانی دخانیات در باب اجازه حاصل نمایند

فصل سیم — از آنچه عاید کمپانی میشود مخارج که بتوسط کمپانی شده بعلاوه پنج درصد کسر شود و پس از وضع مخارج و پنج درصد هر چه باقی بماند و عاید خالص میشود سه ربع آنهم راجع بکمپانی خواهد بود و یک ربع آن باید که بخزانه دولت پرداخته شود و محض اینکه دولت علیه ایران حق دارد که رسیدگی بامور حساب سنوی کمپانی نموده تحقیقات لازمه را بعمل بیاورد .

فصل چهارم — جمیع اسباب و آلات لازمه دخانیات که صاحبان امتیاز نامه بایران می‌آورند از جمیع رسوم گمرکی و هر گونه مالیات معاف خواهند بود

فصل پنجم — حمل و نقل توتون و تنباکو در ایران ممنوع است مگر در صورتیکه صاحبان این امتیاز نامه اجازه بدهند ولی مسافرین میتوانند مقداری از توتون و تنباکو که جهت استعمال لازمه شخص خودشان همراه داشته باشند

فصل ششم — صاحبان امتیاز نامه متعهد میشوند که تمام مقدار توتون و تنباکو که در ایران حاصل میشود و قابل استعمال باشد نقداً ابتیاع نمایند اما در باب قیمت آنها باید مابین صاحبان امتیاز نامه و زارع موافقت و رضای طرفین ملحوظ شود و در ظهور اختلاف در قیمت از طرفین یک نفر حکم انتخاب کرده و هر قیمتی که آن حکم معین نماید باید طرفین آن قیمت را قبول کنند

فصل هفتم — دولت علیه ایران تعهد میفرمایند که بر رسوم گمرکی و سایر عوارضی که حالا از توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه گرفته میشود از روز اعطای این امتیاز نامه تا پنجاه سال هیچ چیز نیفزایند و صاحبان امتیاز نامه هم متعهدند که آنچه را که دولت علیه ایران تا حال از دخانیات بابت گمرکات میگرفت بدولت علیه ایران بپردازند .

فصل هشتم — کسانی که از شرایط فصل تخلف نمایند گرفتار تنبیه سخت خواهند شد و هر کس معلوم شد

موازنهٔ مالیهٔ دولت بهیهٔ روس مخصوص به سال هزار و هشتصد و هشتاد و هشت میلادی موافق سال ۱۳۰۵ هجری که بتاریخ ۲۹ ماه دسامبر ۱۸۸۷ حکم امپراطوری به ستود العول آن صدور یافته است .

مداخل مخصوصهٔ دولتی در سال ۱۸۸۸

گروه	اسامی نوع و جنس مالیات	موازنهٔ سال ۱۸۸۸ منات	موازنهٔ سال ۱۸۸۷ منات
مالیات ثابته	مالیات املاک و اراضی و جنگل	۰۳۳/۱۱۶/۸۹۷	۰۴۰/۱۶۸/۷۴۱
	مالیات تجارت در نسبت مداخل بازرگانان	۰۲۹/۷۵۸/۰۰۰	۰۲۷/۲۰۰/۰۰۰
	مالیات از اجارات املاک و عقار از صد پنج	۰۱۰/۹۸۳/۰۰۰	۰۱۰/۳۹۷/۰۰۰
مالیات عرضیه	مصرفیات داخله: رسوم زنجیره از مسکرات	۲۵۲/۱۳۷/۰۸۰	۲۲۶/۴۵۰/۳۸۰
	مصرفیات داخله: رسوم عرقیه از دخانیات	۰۲۶/۵۹۶/۰۰۰	۰۱۹/۵۴۹/۰۰۰
	مصرفیات داخله: مالیات قند	۰۱۷/۱۶۴/۰۰۰	۰۱۹/۷۰۸/۰۰۰
	مصرفیات داخله: مالیات نفت	۰۰۵/۰۰۰/۰۰۰	ندارد
	مصرفیات داخله: مالیات از کبریت و رنگ	۰۰۷/۰۰۰/۰۰۰	ندارد
	رسم گمرکخانه‌ها	۱۲۴/۵۸۳/۰۰۰	۱۱۵/۷۴۴/۰۰۰
مالیات در رسمی	تمبر (تمبر) مخصوص به احکام و اسناد و تمسکات و عرایض و غیره	۰۱۹/۸۰۰/۰۰۰	۰۱۶/۵۴۴/۰۰۰
	حق ثبات دفاتر و سجلات مقاولات و محاکم	۰۱۰/۱۱۰/۰۰۰	۰۱۰/۴۲۰/۰۰۰
	حق فراغ و انتقال و استقلال اراضی	۰۰۴/۷۰۰/۰۰۰	۰۰۳/۴۰۰/۰۰۰
	قیمت تذاکر مرور و پاسپورت	۰۰۳/۴۹۵/۰۰۰	۰۰۳/۴۹۴/۰۰۰
	رسوم استعمال راه آهن که از برای واگونهای سریع السیر از مسافرین و صاحبان مال التجاره گرفته میشود	۰۰۸/۱۰۰/۰۰۰	۰۰۹/۰۰۰/۰۰۰
	رسم امنیت از شرکتهای بیمهٔ حریق	۰۰۳/۲۷۷/۰۰۰	۰۰۳/۳۱۱/۰۰۰
	تفاوت حمل از مواجب مأمورین و غیره	۰۰۱/۱۵۱/۰۰۰	۰۰۱/۰۹۰/۰۰۰
	عوارض مختلفه	۰۰۳/۶۵۲/۱۵۹	۰۰۳/۲۸۸/۸۴۰
	مخصوص بضرب سکه‌ها: قیمت معادن از معدنها	۰۰۲/۷۷۳/۷۸۹	۰۰۲/۰۰۷/۲۵۵
	مخصوص بضرب سکه‌ها: مسکوکات جدید معدنیه	۰۰۰/۲۰۱/۸۰۰	۰۰۰/۲۶۸/۲۴۰
	مخصوص بضرب سکه‌ها: مداخل پستخانه‌ها	۰۱۷/۳۵۲/۵۰۰	۰۱۷/۱۰۹/۰۰۰
	مخصوص بضرب سکه‌ها: مداخل تلگرافخانه‌ها	۰۰۹/۶۵۴/۰۰۰	۰۰۹/۶۴۴/۶۳۰
املاک [illegible]	مداخل املاک و قرای خالصه	۰۰۸/۹۲۲/۸۸۴	۰۰۸/۶۸۲/۳۳۵
	مبایعات از حاصلات اراضی دولتی	۰۰۰/۶۳۷/۸۱۹	۰۰۰/۸۹۲/۲۸۸
	مداخل جنگلهای دولتی	۰۱۲/۷۸۸/۳۰۴	۰۱۲/۹۱۸/۱۳۶
	قیمت حاصلات معادن امپراطوری و از موسسات آنها	۰۰۵/۷۸۳/۴۰۰	۰۰۵/۷۸۳/۰۴۸
	مداخل راههای آهن دولتی	۰۲۱/۸۳۶/۲۱۰	۰۱۵/۷۴۳/۷۶۶
	منافع قرای تیول و املاک ضبط دولت	۰۴۳/۲۲۹/۷۷۳	۰۴۳/۰۷۴۴/۲۰۸
	مالیات اهالی قرای خالصه	۰۵۳/۴۶۲/۷۸۲	۰۵۳/۰۶۶/۹۱۱
	رسم امتیاز از تأسیسات علمیه و فنیه و صناعیه و کتب و رساله و روزنامه و ولایات	۰۰۱/۶۰۸/۰۳۳	۰۰۱/۴۲۷/۸۵۰
	منافع فروش محصولات	۰۰۲/۰۴۰/۶۹۷	۰۰۲/۱۱۱/۲۵۸
	وجهی است که شرکتهای راه آهن از برای ادای تنزیل اسناد شرکتی خود بخزانه میدهد	۰۴۷/۰۹۲/۰۳۰	۰۴۲/۱۶۱/۹۵۲
	مداخل و تنزیل اسناد اعتباری دولت که در بانک محفوظ و متداول است	۰۰۸/۲۵۷/۸۲۸	۰۲۱/۷۵۴/۶۹۴
	حق تعلیم علوم است که از شاگردان مدارس مخصوص هر ساله گرفته میشود	۰۰۰/۷۱۷/۱۴۹	۰۰۰/۷۱۲/۳۲۸
	اقساط وجهی است که در تعلق با اهالی بعضی بلاد از جانب خزانهٔ دولت قرض داده شده	۰۲۱/۵۰۵/۳۳۷	۰۲۰/۲۴۰/۰۸۱
	جزای نقدی و خرج محاکم و حقوق تحصیلیه	۰۰۱/۴۶۷/۵۱۸	۰۰۱/۶۴۰/۸۹۶
	مداخل عایده از تفاوت حمل بلاد و غیره بخزانه	۰۱۳/۲۴۱/۷۰۶	۰۱۲/۰۵۹/۸۳۱۴

منقول از صفحهٔ اول

۱۸۸۷	۱۸۸۸	
۰۱۰/۲۵۲/۰۱۵	۰۱۵/۰۸۰/۹۲۷	مالیات متنوعه
۰۰۳/۴۶۴/۱۱۵	۰۰۳/۷۲۲/۱۰۰	امدادیه از جانب اهالی بجهت تجهیز قشون
۰۰۸/۶۲۰/۰۰۰	۰۰۰/۷۶۵/۰۰۰	بدل سندات حصر
۰۰۱/۶۲۵/۰۰۰	۰۰۱/۰۰۰/۰۰۰	اقساط طلب خزانه از شرکتهای راه آهن
۰۰۹/۵۰۰/۰۰۰	۰۰۷/۵۰۶/۹۱۰	وجوهی است که از جانب اشخاص بخزانه قرض داده شده و در موعد معین مسترد [illegible] میگردد
۰۲۲/۰۵۸/۶۴۴	۰۲۵/۷۸۰/۸۸۵	بقیه وجوهی است که از مداخل دولتی سال گذشته در بقایا مانده است
۰۲۴/۶۶۳/۰۷۹	ندارد	مقابل اسناد دولتی که در سال گذشته از برای ساختن بنادر و راه آهن بتدابیر دولت انتشار شده
۰۰۲/۳۰۶/۱۵۷	۰۰۱/۸۵۵/۰۹۰	قیمت فلزات قیمتی و مصرفی که از معادن و کارخانجات دولتی بعسکریه و بحریه داده میشود
۰۰۰/۸۶۴/۹۲۱	۰۰۰/۷۳۴/۵۰۷	قیمت مأکولات و ملبوس و سایر لوازم که از وزارت جنگ و بحریه به سایر وزارتخانه‌ها داده شده است
۸۸۷/۳۳۱/۶۷۲	۸۸۸/۰۸۲/۱۱۰	تمامی مداخل دولت روس در سال ۱۸۸۸ عبارت از هشتصد و هشتاد و هشت
۵۹۷/۲۸۰/۵۵۷	۵۹۲/۰۲۷/۳۲۰	ملیون و هشتاد و دو هزار و یکصد و ده منات. یعنی پانصد و نود و دو کرور و بیست و هفت هزار و سیصد و هفتاد [illegible] تومان رایج ایران است.

ازین موازنه معلوم میگردد که: چهار کرور و دویست و سی و شش هزار و هشتصد و سیزده تومان نسبت بسال گذشته مالیات امسال اضافه شده است.

مخارج مخصوصهٔ دولتی در سال سابق و حال

موازنهٔ سال ۱۸۸۷ منات	موازنهٔ سال ۱۸۸۸ منات	قروض	تنزل	رأس المال
۳۳/۹۲۸/۹۹۷	۰۳۳/۸۷۱/۲۷۷	از برای تنزیل و اقساط رأس المال قروض محققهٔ دولتیه	۲۳/۸۳۷/۳۶۶	۱۰/۰۳۴/۹۱۱
۲۲/۸۵۸/۲۴۹	۰۲۷/۲۱۷/۰۵۸	فرق قیمت مسکوکات و حق الجعالهٔ قروض مذکوره		
۱۲۰/۱۲۱/۲۷۷	۱۲۳/۶۰۰/۹۹۵	از برای تنزیل و اقساط رأس المال پانزده فقره دیون	۷۴/۳۲۷/۵۷۹	۴۸/۲۷۳/۴۱۶
۰۷۵/۲۹۳/۲۵۳	۰۷۰/۷۷۸/۱۳۳	از برای جمعیت راه آهن و تخلیصیه	۶۱/۶۷۰/۷۲۳	۹/۱۰۷/۴۱۰
۰۲۶/۳۶۹/۹۲۶	۰۳۱/۴۲۱/۵۰۹	فرق قیمت مسکوکات و حق الجعاله صرافخانه	۱۶۹/۸۳۹/۶۶۸	۶۷/۴۲۲/۰۶۳۷
			۰۵۳/۴۲۳/۲۲۲	۲۲/۳۷۴/۰۵۰
۲۷۸/۵۹۱/۶۹۳	۲۸۷/۹۳۹/۴۷۲			
۰۹۳/۲۶۳/۸۹۸	۰۹۶/۳۷۹/۸۲۴			

ازین موازنه معلوم میگردد که: دولت روس در همین سال دویست و هشتاد و هفت ملیون و نهصد و سی و نه هزار و چهارصد و هفتاد و دو منات یعنی نود و شش کرور و سیصد و هفتاد و نه هزار و هشتصد و بیست و چهار تومان فقط از برای تنزیل و اقساط رأس المال قروض متفرقه خود کارسازی خواهد کرد و ازین مبلغ پنجاه و [illegible] کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و دویست و بیست و دو تومان تنزیل و بیست و دو کرور و چهارصد و هفتاد و سه هزار و پانصد و چهل و پنج تومان مقابل اقساط رأس المال قروض باقی فرق قیمت مسکوکات و حق الجعاله بانک است.

هیئت مجمعهٔ عظمی

۱۸۸۷	۱۸۸۸	
۹۴۸/۹۸۰	۱/۰۱۳/۳۰۵	مواجب توقعات و مخارج خلوت و دوائر تحریریه و حسابیه امپراطوری
۳۳۲/۹۴۶	۰/۳۱۸/۴۳۱	مواجب مشاوران و جمعیت قوانین و احکام صادره از امپراطور و امپراطوریس
۰۹۳/۴۶۰	۰/۰۹۷/۷۷۵	مواجب مأمورین ادارهٔ تقدیم معروضات وزراء
۵۰۷/۹۹۳	۰/۵۰۸/۰۷۰	مواجب منشیان مخصوص امپراطوری
ندارد	ندارد	مواجب اعضای کمیسیون مخصوص بقبول عرایض و منشیان اسرار و ادارهٔ [illegible]
۱۰۳/۲۵۵	۰/۱۰۹/۱۳۵	خرج سفر تمامی مأمورین و خدام عمارت سلطنتی
۰۷۸/۷۴۲	۰/۷۰۸/۵۸۹	مواجب مربیان اطفال
۲/۰۶۶/۴۷۶	۲/۱۲۵/۳۰۵	

	۱۸۸۷	۱۸۸۸	
مواجب و مخارج امور مذهبیه	۲۴۶/۷۸۹	۲۴۶/۷۸۹	مواجب و مخارج ادارهٔ مرکزیه
	۱/۴۳۷/۴۹۳	۱/۴۳۱/۹۶۳	مواجب خلفاء رهبانان و شماسان و جمعیات ایشان
	۰/۴۰۲/۴۹۲	۰/۴۰۲/۴۷۳	مخارج دیرکریات و معتکفات
	۶/۳۹۲/۰۲۲	۶/۳۹۹/۹۰۴	مخارج و مواجب ادارات روحانیه شهرها و مواضع
	۱/۷۴۸/۰۶۰	۱/۷۴۴/۸۶۰	اعانهٔ نقدیه از جانب دولت بجهت تأسیس و تشکیل مکاتب رهبانان
	۰/۱۸۸/۱۲۲	۰/۱۹۷/۲۵۱	از برای نشر آئین ارتدکسی در میان پیروان سایر مذاهب
	۰/۲۶۵/۵۴۱	۰/۲۷۵/۴۹۹	از برای تعمیرات اماکن مذهبیه
	۰/۳۰۷/۶۴۳	۰/۳۲۱/۷۳۹	مخارج متفرقه
	۱۰/۹۹۹/۱۳۲	۱۱/۰۳۰/۴۷۷	جمع مخارج امور مذهبیه
وزارت دربار	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	مبالغ مخصوصه مخارج مخصوصهٔ امپراطور و امپراطوریس و شاهزادگان و شاهزاده خانمها
	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	۱۰/۵۶۰/۰۰۰	جمع مخارج وزارت دربار یعنی سه کرور و چهارصد و هشتاد و چهار هزار و ششصد تومان [illegible]
وزارت امور خارجه	۳۹۹/۰۷۱	۳۹۶/۱۷۱	مواجب وزیر و مأمورین مرکزیه و کارگزاران داخله و غیره
	۱/۸۳۹/۳۵۰	۱/۱۶۱/۶۰۰	مواجب سفراء و مأمورین سفارات
	۶۲۵/۷۷۸	۶۱۵/۷۷۸	مواجب جنرال قونسولها و قونسولها
	۱/۸۳۹/۶۵۹	۲/۰۴۲/۴۲۸	مخارج فوق العاده وزارت امور خارجه
	۰/۲۶۴/۵۵۰	۰/۲۶۴/۶۴۱	مخارج متفرقه
	۴/۳۲۸/۴۰۸	۴/۵۴۵/۴۲۸	جمع مخارج وزارت امور خارجه
وزارت جنگ	۲/۳۰۵/۸۲۷	۲/۳۰۰/۶۴۳	مواجب وزیر و سایر مأمورین مرکزیه
	۶/۴۵۷/۸۸۲	۶/۵۰۳/۰۴۷	مواجب ولاة عسکریهٔ ولایات
	۷/۰۰۱/۳۱۱	۶/۸۲۵/۶۶۸	مواجب معلمین مکاتب و مخارج مدارس عسکریه
	۳/۷۶۰/۲۴۷	۳/۷۵۱/۹۱۲	مواجب و مخارج مأمورین محاسبهٔ عسکریه
	۱۸/۰۰۸/۳۱۱	۱۹/۸۹۹/۶۰۹	ملبوس
	۴۰/۱۴۳/۷۵۱	۳۹/۱۱۲/۹۵۵	جیرهٔ سرباز
	۱۹/۰۳۰/۱۱۶	۱۸/۷۵۷/۳۸۸	علیق حیوانات عسکریه
	۴۸/۲۹۹/۵۵۴	۴۹/۱۸۸/۹۵۸	مواجب قشون
	۱۳/۸۹۰/۷۶۱	۱۳/۶۶۴/۷۹۰	مواجب و مخارج قشون ذخیره در هنگام اجتماع
	۱۵/۱۹۱/۴۳۷	۱۳/۴۶۱/۰۱۸	مخارج تعمیر ابنیهٔ عسکریه
	۱۰/۷۹۹/۵۸۲	۱۰/۹۸۱/۸۵۹	مخارج کارخانجات اسلحه و مأکولات
	۱/۹۴۸/۴۰۴	۱/۹۹۲/۰۸۸	مخارج تسفیر و مشق و تیراندازی توپچیان
	۷/۰۳۱/۷۰۷	۷/۳۴۲/۴۹۱	مخارج نقلیهٔ عسکریه و اجرت پست و سوخت عماره
	۲/۲۹۵/۶۰۰	۲/۳۷۰/۶۰۰	مبلغ مخصوص از برای ادوات قورخانهٔ عسکریه
	۰/۸۲۴/۸۸۳	۱/۲۲۲/۸۰۴	مبلغ مخصوص بجهت ترتیب و مشق قشون احتیاط
	۰/۴۵۵/۵۰۰	۰/۴۶۰/۰۰۰	مبلغ مخصوص بجهت برداشتن نقشهٔ عسکریه از مواقع لازمه
	۲/۴۲۱/۱۵۵	۲/۵۳۹/۴۹۱	مبلغ مخصوص بجهت انعامات و امدادیهٔ عسکریه
	۲/۷۴۷/۴۸۶	۲/۰۴۳/۱۷۱	مبلغ مخصوص از برای صندوق [illegible] قشون
	۰/۹۸۳/۲۲۱	۰/۸۸۶/۳۲۴	مخارج و مواجب مأمورین عسکریه ولایت ترکستان
	۰/۶۴۲/۹۶۵	۰/۵۳۱/۷۵۳	مخارج فوق العادهٔ عسکریه
	۱/۹۲۱/۲۵۵	۰/۹۳۸/۵۹۹	مخارج از برای امداد و احیاء [illegible]
	۰/۹۵۰/۷۴۷	۱/۱۸۸/۱۶۲	مخارج متفرقه
	۲۰۸/۴۶۶/۵۵۱	۲۰۸/۴۱۲/۱۰۸	جمع مخارج وزارت جنگ

مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه و محافظین قلاع		
اعانه دولتی و مطلق از برای تربیت و تعلیم اطفالی که بخواهند و مطالع برای بحریه و اتمام ابنیه ها		
مبالغ مخصوصه بجهة مدارس بحریه		
مواجب و مخارج مأمورین صحیه بحریه		
مواجب قشون بحری		
جیره سرباز		
ملبوس		
مبالغ مخصوص بجهة مخارج سیر سفاین جنگی در آبهای روسیه		
مبالغ مخصوص بجهة مخارج سیر سفاین در آبهای مملکت خارجه		
مبلغ مخصوص بجهة خدمات فوق العاده و تعریفات بحریه		
مبالغ مخصوصه بندرها و مرشدهای بحری		
مبالغ مخصوصه انشاء سفاین		
مبالغ مخصوصه به دیگ کارخانه و بندسازخانه		
اجارات اداره خانه‌ها و از برای انشاء و تعمیرات ابنیه بحریه		
مبالغ مخصوصه از برای مخارج مهندسین بحریه		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت دریا		
مواجب وزیر و سایر مأمورین مرکزیه		
مواجب مأمورین ولایات		
مخارج مدرسه‌ها		
مبلغ مخصوص از برای کاغذ و کاغذ و سایر اسباب تحریر و اجلاد کاغذ		
مواجب و جیره و اجاره خانه‌ها و ایتام و بیوه‌زنان		
بابت مبلغ وزارت مالیه مخصوص اعانه مستدات ... که مبالغ آنرا ابتیاع مینماید		
مبالغی است که از برای اطمینان دولت به کومپانیهای راه آهن میدهد		
مبالغی است که از برای تفحصات در وقت تفریق حساب معاملات مجلس خانه‌ها العاده داده میشود		
مبالغی است که در مقابل خسارات نقود کم عیار و ناقص الوزن کداده شده است		
اعانات نقدیه از جانب دولت بجهة داده خواهد شد که قد روسی را مخارج وده میشود		
مخارج سفر بیه ...		
مخارج تعمیرات ابنیه عمومیه که کارخانه‌های نقد و مسکوکات و غیره		
مبلغ مخصوصه از برای مخارج فقرا و ایتام و بیوه‌زنان		
مبلغ مخصوص از برای اینکه جیره اولات ... ابتیاع نماید و تنخواه ...		
مبلغ مخصوص از برای مصارف قیمتی و مصرف و تادیه		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت مالیه		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمورین ولایات		
مبلغ مخصوص بعملیات و تأسیسات راجعه بجنگل و مدارس زراعت و مزروعات قوت		
مبلغ مخصوص بجهة مکافات تشویقیه زراع و صنایع متعلقه بمعدنیات		
مواجب محافظین و ادارات جنگلها		

وزارت دریا

وزارت مالیه

مخارج تحریر و مساحت املاک و اراضی و ممیزین مالیات		
مخارج ابنیه		
از برای مبایعات معروفات معدنیه که در وزارت جنگ و دریا و راه آهن و غیره ابتیاع میشود		
از برای مالیات املاک و اراضی و جنگل دولتی که بزرگ و مسیح ها داده میشود		
مبلغ مخصوص بجهة تصفیه نقره خام و اخراج آنها		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت املاک		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمور تفتیش		
مواجب و مخارج ولاة و ولایات و مأمورین		
مخارج مدارس ملکیه		
مواجب علماء مذاهب مختلفه خارجه		
مخارج امور حفظ الصحه داخلیه و قرانتین		
مخارج محبوس‌خانه‌ها		
از برای اجاره اماکن و انشاء ابنیه میدهد		
از برای اعانه که دولت بولایات بلدیه میدهد		
مخارج عمارات تلگرافخانه و پست		
مخارج چاپارخانه‌ها		
مخارج تعمیر و محافظت ابنیه و ادوات متعلقه تلگراف و تلفون دولتی		
خرج راه مأمورین که از ادارات بخارج فرستاده میشود		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج وزارت داخلیه		
مواجب و مخارج وزیر علوم و مأمورین مرکزیه		
مخارج مدارس اطفال (مکاتب ابتدائیه)		
مخارج مدارس درجه ثانیه (مکاتب رشدیه) و دارالفنونها		
مخارج مدارس (ژیمناس) و صنایع و غیره		
مخارج مدارس علوم مذهبیه		
مخارج مدرسه موصوف بدارالمعلمین		
مخارج ابنیه متعلقه بوزارت علوم		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج مخصوصه بوزارت علوم		
مواجب و مخارج وزیر و مأمورین مرکزیه		
مواجب و مخارج مأمورین ولایات		
مدارس متعلقه بوزارت فوائد		
مخارج تطهیر انهار		
مخارج راههای شوسه		
مخارج راههای آهن دولتی		
مخارج متفرقه		
جمع مخارج مخصوصه بوزارت فوائد		

مواجب هیئت مجلس جلالة الاحکام عدلیه و مجلس تمیز				
مواجب وزیر و مأمورین مرکزیه وزارت عدلیه				
مواجب هیئت قضاة ولایات و نواحی و محال و مجالس مخصوصه فوق العاده				
مواجب هیئت محاکم وضع قدیم				
مواجب مأمورین تحریر املاک و اراضی و ممیزین و مهندسین				
مخارج مدرسه دولتی علم حقوق				
خرج راه مأمورین عدلیه که بجهة تحقیق بعض مطالب بخارج فرستاده میشوند				
مخارج خفیه عدلیه				
مخارج متفرقه				
جمع مخارج وزارت عدلیه				
مواجب و مخارج هیئت تفتیشیه جریان حقوق سلطنتی یعنی پولیس مخفی				
مواجب مدیر و مأمورین مرکزیه انجمنهای دولتی یعنی عدول				
مخارج تمامی انجمنها و مؤسسات راجعه بتحویل ولایت سکنه و ثبت تسجیل				
مخارج احیاء اراضی موات				
مخارج متفرقه				
جمع مخارج اداره عدول				
جمع تمامی مخارج — یکساله				
وجوهاتی است از برای مخارج غیر مترقبه و مخارج از مخارج معینه در وقت مواقع ضروری				
جمع المجموع مخارج				
وجهی که از برای مخارج ساختن راه آهن و لنگرگاه و غیره				
علاوه قیمت نشان و سایر مزینات نقره مانند که بحساب دولت در ضرابخانه یا کارخانه های ملی یا در کارخانجات وزارت حربیه و بحریه ساخته میشود				
مبلغ مخصوص از برای اینکه قبل از وقت بر سهمیه تجهیزیه و تعلیم قشون و سایر اسباب و آلات که از جانب وزارت تجارت ها کارخانجات اطلاعات آن از قرار فرمان میخواهد داده شود				
جمع مخارج فوق العاده				
جمع کل مخارج				

راه آهن ایران عهده که نسخه پلتیک

بسط تجارت که در چندین سال باینطرف در جمیع ممالک مشاهده میشود و روز بروز
توسعه پیدا میکند هواخواهان ایران را وادار مینماید براینکه در بسط تمول
و قوت و تجارت این مملکت امعان نظر نمایند

این مطلب مسلم عام است که دولت ایران در زمان قدیم یکی از ممالک با ثروت
مشرق زمین و ملت ایران بسبب ترقی در صنایع و فنون فاتح خود
مفاخرت و برتری بر اکثری از ملل داشت

ولیکن ثروت و برتری این مملکت این بود که سابقاً بمنزله امروز دولت
و ممالک ایران فیمابین حرص و ولع دولتین انگلیس و روس چون
منگنه معامله نشده بود

دولت انگلیس نزدیک دو با خود قد مسعور در خیال دارد که در این مملکت جائی برای
خود باز کند ولی در صورتیکه بخواهد او را پیش برند و بخت و اتفاق آنها
استمداد که کرور چندی در هوا آرامش و خوشی خود ممالک را در دفع تر قوت نماید
دولت روس چون خود خوش از نژاد اهل مشرق زمین است بهمین جهت

بهتر از انگلیسها میتواند خود را تابع رعونت این قطعه خاک نماید فتوحات
این دولت بر خلاف هجوم و جسارت انگلیس در نهایت تأنی است ولیکن
بر امثال هر چه همیشه در خیال گرد آوردن و جمع کردن آذوقه و تدارک غذا و
خیامت تسخیر پیش بر آمال خود ساعی است چنانکه بسیار انگلیز اطراف کالاها
دولت فراهم آورد چنانچه سرباز متعدد بجنگ پیش میبرند و هرگونه کار
تمام شده راه دیگر چاره نیست باید حکماً قبول کرد

دولت ایران ناچار دیده است که پیش بندی ولع و حرص این دو دولت
رقیب را نماید و تا نهایت آزادی و ولی در کمال جرئت و آمال آینده
نشان بدهد که دولت مشار الیها هم جائی در جهان دارد و میخواهد که در راه
ترقی قدمی پیش گذارد

این مطلب مسلم است که اولین اسباب زندگانی و ترقی یک مملکت راه آهن است
چنانچه بواسطه این راه تجارت زراعت و صنایع که منابع ثروت
و قوت است توسعه پیدا میکند و راه آهن موجب تهیه حمل و نقل در داخله
و خارجه بوده منتهی مملکت را بکار خود جهت میرسد و جلب فرد بر ثروت میشود
اگر بدقت نقشه خاک ایران ملاحظه شود معلوم میشود که بنادر انزلی و محمره برای آنکه

یک خط راه آهن از شمال بجنوب این مملکت باید ساخته شود
امروز محل خروج شعبه ایران منحصر بهمین دو بندر بزرگ و محمره است خط
راه آهن از راه تهران کشیده از عراق عجم کردستان فراهان
و لرستان که همه از ممالک حاصلخیز ایران میباشند عبور کرده بمحمره
خواهد رسید محمره در شط العرب و در مصب رود کارون و تقریباً در مسافت
کیلومتر دریا در نقطه اتصال شط و فرات بهمدیگر واقع شده محمره بهمین ملاحظه
بهترین راههای تجارتی ایران است بلکه میتوان گفت راهی است که موجب
استخلاص و آزادی ایران در آتیه خواهد گردید چنانچه از آنجا به ارتباطات سرازیر شود
بندر محمره بازاری است که تجارت غربی مملکت ایران را در دوره خلیج و بین النهرین
و ولایات توسعه میتواند بدهد
بمناسبات مذکوره فوق بندر محمره به بندر بوشهر رجحان کامل دارد و از زمان
محمره و رود کارون است که بعد از این راه تجارت ایران به اروپ و هندوستان
و قسمتی بلاد مشرق زمین باز خواهد شد
دولت انگلیس اهمیت تجارتی و جنگی محمره را در نظر دقت سنجیده و آنها را در نظر دارد است
در فکر و مدارک این است که در آن حوالی قلعه بندر جنگی جهت مهیا کردن در آب گرفته نگاه بکند

ولی چون اعلیحضرت تزار روس و ایرانیان اهل بصیرت به در کارها دارند و میدانند
بسبب رقابت دولتین انگلیس و روس در این نقطه مشرق زمین دیر یا زود
حوادثات عظیمه روی خواهد داد همسایه مانع از اجرای مقصود انگلیس در خصوص
محمره بوده و میباشند و الحق بصیرترین ملت ایران وجود ایشان را غنیمت است
دولت روس همواره خیالاتش صرف تصرف و تسخیر
ممالک مشرق زمین است فصلی از نامه وصیت نامه پطر کبیر شاهد این
مدعا است چنانچه پطر کبیر در همان فصل قید کرده اول فریضه تکلیف دولت
روس این است که همیشه این نکته را در نظر داشته و در تحقق آن بکوشند
انتها بهره برده و بسیار مجال داد خود را بخلیج و بندر هندوستان نزدیک کرده
بهمین دولت عثمانی و دولت ایران نیز دلاوری که این دو دولت را
مشکوک و متزلزل دارند در عالم سیاست ایجاد کشتی سازی نموده این دریا را
بتصرف خود در آورند خصوصاً دولت ایران که بکوشند و خود
خلیج فارس نزدیک و بندرهای در جنب مملکت با ثروت ترین قطعات
روی زمین است خود را برسانند)
خالی از زیادت نیست که تفصیل مذاکره رئیس اداره شرقیه دولت روس را

که یکی از دوستان فرنگی کرده بود برای آگاهی اولیای دولت ایران در اینجا درج میکنم

دولت روس بهیچوجه رضا نمیدهد که دولت ایران راه آهن داشته باشد

و بدین جهت تا بتواند خود را از قید ذلت خارج کند تکلیف دولت ایران آنکه

که نگذارد دولت ایران پیش برود پس مستاصل شده از میان برود

از حوادث اخیر این عهد معلوم شد که وصیت پطر کبیر از نظر روسها محو نشده

و پیروی کلمه‌های او در سینه‌هاست چنانچه روسیه خط راه آهن خود را در ترکستان

از عشق آباد گذرانده هر روز به سرحد ایران و افغانستان نزدیکتر شده

و بطرف هندوستان که منتهی آمال اوست پیش میکشد

با خط راه آهن بادکوبه و تفلیس و باطوم دولت روس منظور دارد که تجارت

ایران را در چنگ خاک قفقاز زیر بگیرد و میخواهد که قفقاز زیر راههای تجارت آسیا

و شمال و اروپ قرار دهد چنانچه در زمان قدیم در دریای سیاه و بحر الخزر

تجارتخانه‌های بزرگ همین کار را کرده بودند علاوه بر این دولت روس در خیال

این است که در خلیج فارس شده انگلیس را در تصرفات هندوستانی

متزلزل نموده تجارت او را با هندوستان و چین و ماچین

هرگاه دولت روس از طرف شمال و مغرب و شمال غربی تصرفات

هندوستان انگلیس از هر طرف هجوم آور شود و از طرف دریای هند با کشتیهای خود مانع

از عبور و مرور قشون انگلیس و مهمات دولت شود قیاس حکم نمود که کار دولت انگلیس در تصرفات

هندوستانی خود زیاد صعب و دشوار خواهد گردید

پس دولت ایران باید بهر راهی و بهر درجه که ممکن است از مداخله این دو همسایه

رقیب احتراز کند و نگذارد که دولت انگلیس حق کشتی رانی در رود کارون

چنانچه سالهاست این آرزو را دارد داشته باشد و همچنین بهر دو دولت اجازه ساختن

راه آهن خلیج فارس را ندهد

ساختن راه آهن در ایران که امروز لابد شده است باید بتوسط سرمایه یک دولت

دوست باشد که دولت در ایران غیر از منافع تجارتی مقاصد دیگر نداشته باشد و نیز

بقدر استعداد داشته باشد که در حین ظهور منافع رقابت انگلیس و روس استقلال

دولت ایران را نگاه داشته باشد از مداخله دولتین معهود با ثبات و

گرده نگذارد این ملت قدیم طعمه حرص و ولع دو دولت متجاوز گردد

از آنجا که سالهاست عمر خود را در ایران صرف کرده مدت چاکری و بندگی در آستان

ملوکانه تحصیل نموده برای این مملکت میل مفرط دارم و با کمال صمیمیت مقدر آزادی

و همچنین بهر سابقه تکلیف است که در ادای حق نمک و شکر نعمت

در تهیه اسباب ترقی ایران بقدر قوه خود سعی و کوشش نمایم و آنچه تعهد نمایم بانجام
برسد و خیرخواهی از شخص اول خود دارا نکنم

اگر فعلاً راه آهن ایران را از دریای خزر بخلیج فارس با پول و ثروت کشور ادا کنم اولاً
حق وطن پرستی خودم را ادا کرده ام و ثانیاً پس حقوق معهودی را ادا کرده ام که محبوب
ملت فرزانه باشد

دولت ایران با مخارج تجارتی خارج از غیر داشته است نیز آنچه که حاضر و ولید
بدست ری سرمایه دولتهای خارجی که بسیج حظوظ پولتیکی داشته است نیز
این مقاصد عالیه همیشه منظور نظر اعلیحضرت همایونی و نیز دولت ایران بوده و هست
از حسن نیت و علو همت پادشاه عادل دولت ایران بسرمایه
دولت و ثروت میتواند بمدارج عالیه بازگشته بر ثروت خود افزوده بمال مملکت
کیومرث ساختگی گشته و ترقیات گذشته خود را از نو تحصیل کند

وصل نمودن طهران بخلیج فارس یکی از کارهای بزرگ و مهمه دنیا است
و این یک اثر و یادگار گران بها بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

و همینطور دولت علیه که مسافرین آن هستند منتفع خواهند بود هرگاه این خط آهن
بعالم ظهور و بمکان برسد منافع حاصله از آن بیشمار است اولاً
دولت ایران راه مراوده جدیدی با ممالک اروپ بدست آورده
ثانیاً از حیث تجارت بروس و انگلیس چنانچه تا امروز گرفتار است در کار
تجارتی خود آزاد و خلاص خواهد شد در اینصورت تجارت ایران از مخارجی که
تا امروز متحمل آن میشد و دولتین انگلیس و روس میبردند آزاد گشته
تجارت توسعه پیدا نموده و بسبب از این که در قبضه خارجه حاصل
خواهد گشت پول ایران کمتر بخارجه خواهد رفت

علاوه بر منافع مسطوره فوق راه آهن از نقاطی از خاک ایران عبور
خواهد کرد که در زمان قدیم این نقاط مایه شرف و افتخار و ثروت
و بزرگی دولت ایران بود و بزودی ایجاد بسط تجارت و ترقیه صنایع
و ضبط مهم پولتیکی در آنجا نموده دولت ایران از عمده و ظهور
آنها بهره‌مند خواهد شد

راه آهن باعث پیشرفت و ترقی عمده زراعت شده و حاصل مملکت را
بخارجه و جاهای فروش خواهد رساند این راه زراعت تنباکو و قهوه

و یا نیشکر و پنبه و تنباکو و غیره را که بعضی از آنها در ایران کلیتاً یا جزئاً
معدوم شده‌اند از نو بکار خواهد نمود و بدین سبب ثروت ملی را
فزوده اهالی فقیر و بی‌استطاعت ایران را که همواره عادت بکار
کردن و زراعت دارند از فقر خلاص خواهد نمود بدیهی است که عمارات
راه آهن جزئاً نموده چندین هزار نفر در عمل کرده خواهد داشت

حال لازم است که بطور قطعیت این راه را تعیین کنیم از کجاها بگذرد
چه قدر مخارج لازم دارد عایدش بچه اندازه میشود و مختصراً ملاحظه
سود و زیان او را کرده باشیم تعداد آنکه منافع این راه را در مقابل
سرمایه مصرف شده ثبوت رسانیم بدلایل خواهیم نمود که
منافع عایده از آن برای مملکت تا چه درجه میباشد و نیز بیان
خواهیم نمود که بچه راه و طریقه به این مقصود را اجرا داشت

دو خط برای راه آهن ایران در نظر است یکی خطی است که از بندر
بوشهر و دیگری راهی است که بمحمره منتهی میشود خط اولی که از قم
و کاشان و اصفهان و شیراز عبور کرده به بوشهر میرسد در بادی
نظر راه‌تر و مستقیم‌تر میباشد ولی ارتفاعات او از سیصد الی چهارصد

کیلومتر بیشتر از خط راهی است که بمحمره میرود

علاوه اشکال زیاد در خط اولی رسیدن این راه از شیراز به بوشهر است
و در بندر بوشهر نیز نقصی در این بکارات افزوده میشود زیرا که
بندر مزبور بواسطه کثرت ریگ دریا برای لنگر انداختن کشتیها
بسیار صعب و دشوار است و کشتیها باید در فاصله سه یا ده کیلومتر
دورتر از ساحل لنگر بیندازند چند سنین که راه بوشهر را بازدید کرده‌اند
متفقاً صرف نظر از رسیدن سر خط راه آهن به بوشهر نموده از و راه
محمره را ترجیح داده‌اند این خط راه هم مثل اولی از طهران الی قم
و سلطان‌آباد میرسد ولی از آنجا که گذشته اختلاف آراء پیدا میشود
بعضی از مهندسین معتقد بر این هستند که خط راه آهن از سلطان
آباد به بروجرد و خرم‌آباد که پایتخت لرستان است و از آنجا
به دزفول که شهر معمور در زمان داراب بوده منتهی شود برخی میگویند
که خط راه آهن به کرمانشاهان رسیده و از همدان که اکباتان قدیم
بگذرد و از آنجا به دزفول برسد از دزفول هم دو خط یک بشوشتر
منتهی شده و از آنجا بمحمره میرسد

هرگاه خط اراکه را که از بروجرد و خرم آباد و سایر جاها است ملاحظه بکنیم
راه آهن از طهران الی محمره بیشتر از هشتصد و شصت کیلومتر مسافه از
نخواهد داشت و حال آنکه راه کرمانشاهان زیاده از هزار کیلومتر طول
خواهد داشت ولی در هر دو صورت باید که شعبه از راه آهن شوشتر جدا شده
باصفهان برسد و در قم بهمان خط جمع خواهد رسید شهر قم و اصفهان
در این صورت عمده تجارت بیزد خواهد شد و بار شعبه از راه آهن
در سلطان آباد یکی کرمانشاهان جدا شده به بغداد و دیگر به خواهد رسید علی الحال
و بملاحظه اتفاقات آتیه باید حتمیت راه آهن از محمره شروع بشود چنانچه
محمره با بودن راه آهن عمده کلی حاصل خواهد نمود
تفصیل ساختن راه در اینجا بیان نخواهیم کرد مقصود فعلی این است ثانی
بهم ثروت زراعتی و معدنی و صنعتی را که راه آهن از آنجا عبور خواهد کرد
و ربط تجارتی که از این سبب جاری خواهد شد و کمتری در عمل که راه آهن باقی
نخواهد گذاشت زیرا که این صفحات برای حاصل خیزی و ثروت طبیعی دارای
گندم جو کنجد کرچک نیل نیشکر تنباکو زعفران ... مازو
خرما تریاک حریر و غیره در اینجاها زراعت میشود

در شوشتر نفط از زمین جاری میشود در کمال صفا و زلالی و بمراقبت جزئی
میتوان این نفط را بفروش خوب رساند از ربع و اقسام انگور در آنجا
بعمل میاید و اگر از که توجهی بشود بمقدار آن مراتب افزوده خواهد شد
و میتوان این متاع را بهندوستان و اقصی بلاد شرق زمین و حتی
بممالک اروپ رسانده منافع بسیاری از آن حاصل کرد
تجارت تریاک که امروز از ده الی دوازده میلیون قلمداد میشود بسبب
راه آهن مبالغ هنگفت وجه افزوده شده ترقی کلی بهم
خواهد رسانید
معدن نمک هر یک از اهالی ایران سالیانه یک پول نمک میدهند
که همه جمع کرده را میتوان در سالی سیصد هزار تومان قلمداد کرد اگر این نمک را
بخارجه حمل بکنیم و بتوسط راه آهن در حمل و نقل بسیار اثر دارد
میتوان بیقین گفت که سالی از صد الی دویست هزار تومان بهندوستان
که نمک در آنجا خیلی کمیاب است حمل کرده بفروش رساند کشتیهای انگلیسیها
کمی نمک در بنادر هندوستان از لیورپول نمک بآنجا میآورند
و بواسطه داشتن راه تجارت این خاک حاصل خیز در اکثر نقاط عالم طلبکار

مانده دهقان فقط بقدر لزوم خود زمین را تخم میکند و دیگر زیادی
باشد جای فروش ندارد حاصل آن می پوسد ولی اگر راه تجارتی در این جا
بکار بیفتد زراعت روش دیگری پیدا خواهد کرد

در سال ۱۸۹۰ گندم از همدان و کردستان بجای دیگر برده نمیشد لیکن در سال ۱۸۹۱
بیست و یک سال بعد از تاریخ شصت زنده کرور خروار گندم از همدان و کردستان
بخارج حمل و فروخته شد که سیصد و پنجاه هزار تومان فقط حمل آن انگلیسیها
شد و در کرمانشاهان و در سایر محال حاصلخیز ایران جاهائی که خروار گندم
غالبا به پنج قران فروخته میشود و اکثر اوقات بواسطه نبودن راه در انبار
می پوسد بعد از ساخته شدن راه آهن بر شمال همدان و کردستان توسعه زراعت
گندم دست خواهد داد

بعضی از اوقات گندم ایران را به مارسیل برده اند و با وجود مخارج گزافی که
از حمل و نقل آن عاید شده رقابت نموده باز در بازارهای فرانسه گندم
ایران خوب بفروش رفته است

برخی از منافع راه آهن را مختصراً در این کتابچه قید کردم ولی از شرح
منافع کلیه آن خود داری مینمایم از ترس اینکه مبادا این تفصیل در نظر مبارک

موجب ملالت خاطر مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم عالی باشد
مقصود فدوی این است که هر قدر از دستم برآید در خدمتگذاری بدولت علیه ایران کوتاهی
و دریغ ننمایم فقط در ازدیاد ثروت این مملکت بموجب زنده نمودن نام نیک وجود مبارک
آن حضرت مستطاب اجل اکرم خواهد بود

pour cent) dans le bénéfice net (art 7 de la concession) et le fondateur ou ses héritiers ou ayant-causes auront 25% (vingt cinq pour cent) dans le bénéfice net. Le reste de 65% sera distribué entre les actionnaires.

La Société paiera à l'expiration de chaque année opérative mille (1000) tomans du fait de son monopole des ventes aux enchéres à Téhéran. (Art. 7 de la concession).

VIII.

Le Fonds de reserve.

§ 27. Le fonds de reserve est destiné à couvrir des dépenses imprévues et à completer des dividendes si, dans quelque année, ces derniers n'atteignaient pas le chiffre de 8% (huit pour cent) du capital. Le fonds de reserve ne peut être entamé que sur décision de l'Assemblée Générale.

§ 28. Aprés l'approbation du compte rendu par l'Assemblée Générale il sera prélevé sur le produit net de l'année, c'est-à dire sur la somme qui reste aprés avoir couvert toutes les dépenses et pertes, 10% pour le tresor de Sa Majesté Impériale le Schah Nassereddin conformement à l'art 7 de la concession, au moins 5% (cinq pour cent) destinés à constituer le fonds de réserve.

IX.

§ 29. En cas de malentendus, etc. le texte français de la susdite concession, accordée par Sa Majesté Impériale le Schah de Perse en date du $\frac{21 \text{ Avril}}{3 \text{ Mai}}$ 1890 sera consulté, conformément aux stipulations de la dite concession. (Art. 12 de la concession).

X.

§ 30. Tous les cas et toutes les questions non prévus par les présents statuts seront réglés et décidés par décision de l'Assembée Générale des Actionnaires en conformité avec la concession.

L'original porte la signature de Son Altesse le Grand Vizir Amin ous Sultan, certifiée par la Légation Imperiale de Russie à Téhéran en date du $\frac{9}{21}$ Mai 1891 sub. № 141.

l'argent, des droits dûs, qui ne pourront excéder neuf pour cent pour l'estimation, pour la garde et pour l'assurance des objets, valeurs, marchandises, etc. reçus en nantissement ou en dépôt.

Ces droits sont dus à la Société à partir du moment où les objets, valeurs, marchandises, etc, entrent dans les caisses et les dépôts de la Société, jusqu'au moment où ils en sortent pour être rendus à leurs propriétaires.

§ 21. La Société se charge de tous genres de dépôts, de numéraires, de comptes courants et de valeurs ayant cours, excepté les Barattes du Gouvernement Persan, pour les faire valoir; ainsi que de la vente et de l'achat de marchandises de diverses provenances, ainsi que de fonds public pour compte de tiers, et délivre des documents y relatifs, soit des quittances, des livres de chéques, des warrants de dépots, etc. etc. Les conditions seront fixées de commun accord entre la Société et ses clients et inscrites dans des livres à cet effet.

§ 22. Le taux de l'intérêt ne doit pas dépasser de 12 à 18% (de douze à dixhuit pour cent). La Société accorde des prêts et des avances contre nantissement de marchandises et toutes valeurs, fonds publics, (excepté les Barattes du Gouvernement Persan), lettres de change et divers objets, mais elle peut refuser tout ce qui serait en mauvais état ou dont la garde serait

dangereuse ou impossible. (Art. 13 de la concession).

§ 23. Le montant des prêts et avances ne peut dépasser 75% (soixante quinze pour cent) de l'estimation faite pour les métaux précieux; et 50% (cinquante pour cent) pour tout le reste. L'Assemblée Générale seule peut modifier les taux sus-dits.

§ 24. Les objets, effets, marchandises, fonds publics etc., donnés en gage à la Société ne peuvent être sequestrés ni vendus pour dettes des emprunteurs envers tiers ou autres causes qu'aprés plein remboursement de la Société. (art. 10 de la concession).

VI.

Comptabilité.

§ 25. Il sera dressé un compte rendu detaillé de toutes les opérations et le bilan des virements de la Société tous les douze mois, pour être soumis à l'approbation de l'Assemblée Générale des Actionnaires.

VII.

Répartition des bénéfices.

§ 26. Le Tresor de Sa Majesté Impériale Nassereddin Schah aura une part de 10% (dix

١۴۴١

causes et les personnes invitées par lui à participer dans l'entreprise et ne pourront être modifiés que par décision de l'Assemblée Générale et suivant le réglément qui sera établi à cet effet: pour l'époque et le mode des convocations; pour les droits et les obligations; pour les questions à débattre et à resoudre; pour la confirmation des comptes rendus, pour la décharge à donner à l'administration; pour les élections; pour l'ètablissement du controle; pour la nomination des organes y relatifs; pour l'augmentation ou la réduction du capital actions et obligations, pour l'époque et le mode des émissions; pour l'emploi des sommes libres; pour les opérations de credit et autres; pour les ouvertures des succursales et des agences; pour l'acquisition des immeubles nécéssaires pour les opérations de la Société etc; pour le mode de ballotage et de la mojorité nécéssaire pour la validité de chaque décision, prise tant par l'administration, comme par les assemblées générales; pour le développement des opérations, et pour la liquidation partielle ou définitive des affaires; pour la distribution du bénéfice; pour la part du Trésor de Sa Majesté le Schah (art. 7 de la concession) et pour celle du fondateur ou des ses héritiers ou ayant causes; pour la dotation du capital de reserve; pour la fondation de caisses de secours; pour les droits et

١۴۴٠

obligations des actionnaires; pour le droit d'assister aux assemblees générales et de prendre part aux délibérations et aux décisions; pour le droit de vote; pour le droit de réclamation de la part des actionnaires, mécontents de la gestion des affaires; pour la validité des assemblées générales et de leurs décisions; pour les modifications à porter aux statuts et aux réglements etc, etc.; pour les propositions que les actionnaires auraient à faire aux assemblées générales; pour les contestations entre l'administration et les actionnaires; pour le décompte du bénéfice brut et du bénéfice net; etc. etc.

V.

Les opérations.

§ 19. Les opérations doivent être en conformité avec la concession, les statuts de la Société et les régléments élaborés par elle.

Les régléments concernant les opérations de prêts sur gages et avances contre marchandises doivent être affichés dans les bureaux de la Société, et tout changement dans les dits régléments doit être communiqué au Gouvernement en vue de l'article 6 de la concession.

§ 20. Conformément à l'Art. 16 de la concession la Société perçoit, outre les interêts pour

porteur des certificats provisoires, des actions ou des obligations en est le propriétaire. Dans aucun cas un titre quelconque ne peut être soumis à un fractionnement.

§ 14. Tous les actionnaires sont également soumis aux régles des présents Statuts, ainsi qu'aux décisions des Assemblées Générales des Actionnaires.

§ 15. Au fur et à mesure du développement des opérations de la Société son capital actions ou obligations peut-être augmenté, suivant décision de l'Assemblèe Générale des Actionnaires.

III.

L'administration.

§ 16. L'organisation et l'administration sont à la charge de la Société (Art. 5 de la concession).

Remarque. Les agents et représentants de la Société peuvent être sujets Persans (Art. 9 de la concession).

§ 17. L'administration sera composée de sept membres, dont deux à nommer par le fondateur ou ses héritiers ou ayant causes et cinq par les actionnaires. L'administration sera organisée suivant entente entre le fondateur ou ses héritiers ou

ayant causes et les personnes qu'il aura invitées à participer dans l'entreprise et ne pourra étre modifiée par la suite qu'avec le consentement du fondateur ou ses héritiers ou ayants cause:— pour le terme du mandat des administrateurs; pour leur remplacement en cas de maladie, d'absence prolongée ou de décés; pour la destitution avant terme en cas d'insuffisance; pour leur rétribution; pour leurs droits et leurs devoirs; pour leur réélection; pour leur responsabilité envers la Société; pour la nomination de gérants, et de membres de la Commission Permamente (voir Art. 11 de la concession); pour l'organisation de l'ensemble des opérations; pour la comptabilité es les comptes rendus; pour les frais génèraux; pour l'emploi des sommes libres; pour les signatures, dont doivent être munies toutes les lettres, actes, documents, engagements etc. de la Société; pour les modifications à porter aux statuts et aux réglements, etc. etc.

IV.

Assemblées Générales des Actionnaires.

§ 18. Les assemblées générales seront ordinaires et extraordinaires.

Les détails y relatifs seront établis par le fondateur de la Société ou ses héritiers ou ayant

۱۴۴۵

II.

Le capital de la Société.

§ 8. Le capital de la Société est fixé à cinq millions de francs, dont un million à verser dans le courant de six mois, et le reste par versements successifs suivant décision de l'Administration de la Société. (Art. 5 de la concession).

§ 9. La Société devra commencer ses opérations au plus tard dans deux ans après signature de la sus-dite concession. Quand la Société sera formée, ses statuts devront être présentés au Gouvernement Persan; ce n'est qu'alors qu'ils entreront en vigueur et que les opérations pourront être commencées. (Art. 4 de la concession).

§ 10. A l'effectuation des versements les participants reçoivent des certificats provisoires. Les versements se font conformement aux décisions de l'Assemblée Générale des Actionnaires.

§ 11. Les versements seront portés sur les certificats provisoires, qui seront ensuite remplacés par les actions effectives, signées par l'administration de la Société. Les actions doivent porter des numéros d'ordre et être munies du cachet de la Société.

Remarque. Si quelqu'un des propriétaires des certificats provisoires ne verse pas à terme les sommes appelées, il lui est accordé un mois de

۱۴۴۴

sursis et il doit payer au profit de la Société un pour cent par mois de la somme due. Si après ce délai le versement sur les certificats n'est pas encore fait, ces certificats seront considérés comme annulés et en leur lieu et place la Société pourra émettre des nouveaux certificats. Les sommes réalisées par ces émissions seront employées à couvrir le déficit des versements avec les intérêts—dus pour le sursis, et les frais de vente et autres; le reste, s'il y a lieu, sera remis au ci'devant propriétaire des certificats annulés.

§ 12. Les actions et les obligations de la Société seront au porteur. Chaque action et chaque obligation est munie d'une feuille de coupons pour toucher le dividende ou les intérêts pendant vingt ans, après expiration desquels les porteurs des actions ou des obligations recoivent des nouvelles feuilles de coupons. La transmission des actions et des obligations d'une personne à une autre s'opère sans aucune formalité et chaque personne qui les tient est considérée par la Société comme leur propriétaire.

§ 13. En cas de décés d'un propriétaire de certificats provisoires d'actions ou obligations, ou d'un actionnaire, ses droits passent à ses héritiers légaux ou testamentaires, sans que la Société ait à s'en occuper. Pour la Société le

۱۴۴۷

des dépôts pour la garde des marchandises et autres, avec délivrance de recepissés (warrants); pour escomptes et réescomptes et pour tous genres d'opérations, il est fondé un établissement de crédit sous le nom de „Société de Prêts de Perse". (Article 2 de la concession).

Remarque 1. Le fondateur de la Société est Monsieur Jacques de Poliakoff, Conseiller d'Etat Actuel, Consul Général de Perse (Art. 1 de la concession).

Remarque 2. La concession est accordée pour la création d'une Société de Prêts sur gages et d'un Hôtel des Ventes ainsi que de magasins nécessaires seulement pour la garde des marchandises des Monts de Piété et Hôtel des Ventes. La durée du monopole est de soixante quinze ans à partir du jour où Sa Majesté aura apposé Sa haute sanction à la dite concession, savoir à partir du $\frac{\text{21 Avril}}{\text{3 Mai}}$ 1890, jusqu'au $\frac{\text{22 Avril}}{\text{4 Mai}}$ 1965.

§ 2. La Société commence ses opérations á Téhéran et les étend successivement sur d'autres villes et places, où et quand elle le jugera utile et nécessaire (Art. 3 de la concession). La Société achète ou loue des immeubles pour installer ses bureaux, ses magasins et ses depôts et les salles de ventes. (Art. 6 de la concession).

§ 3. Les opérations et l'organisation de l'ad-

۱۴۴۸

ministration de la Société doivent être en tout conformes aux stipulations des présents Statuts et garanties par tous les capitaux de la Société, meubles et immeubles.

§ 4. La formation et l'émission du capital actions et obligations de tous genres est à la charge de la Société. (Art. 5 de la concession).

§ 5. Pendant toute la durée de l'existence de la Société ses biens, ses capitaux et ses revenus, ses actes, ses contrats et documents, etc. seront exempts de tous droits, impôts, taxes, redevances, etc. etc. de quelque nature ou dénomination qu'ils soient. (Art. 8 de la concession).

§ 6. Le Gouvernement Persan prend sous sa haute protection la Société, ses biens mobiliers et immobiliers, ses installations et ses magasins et ses employés, et, sur sa demande, il prendra toujours toutes les mesures nécessaires pour la preserver de tout préjudice. Les bureaux, magasins de la Société seront gardés par des Karauls. (Art. 6 de la concession).

§ 7. La Société a un cachet portant sa raison sociale: „Société de Prêts de Perse".

Дозволено цензурою, С.-Петербургъ, 17 Мая 1891 г.

STATUTS

de la

„Société de Prêts de Perse"

fondée conformément à la concession, accordée par Sa Majesté Impériale le Schah de Perse, au Conseiller d'Etat Actuel, Consul Géneral de Perse, Monsieur Jacques de Poliakoff, en date du $\frac{21 \text{ Avril}}{3 \text{ Mai}}$ 1890, enregistrée et visée à la Légation Impériale de Russie à Téhéran, à la même date.

I.

But de la Société, ses droits, ses obligations et ses prérogatives.

§ 1. Pour faire des prêts et des avances contre nantissement de tous genres de fonds publics, lettres de change, marchandises et tous autres objets et valeurs, excepté les immeubles, et les Barattes du Gouvernement Persan; pour la vente aux enchères, et de gré à gré; pour installer

STATUTS

de la

„Société de Prêts de Perse“.

agrées par le Gouvernement Persan en date du 6/18 Mai 1891 et visés à la Légation Impériale de Russie à Téhéran en date du 9/21 Mai 1891 sub № 141.

ST. PÉTERSBOURG.
Imprimerie A. Moutschnik (Liteinaja, 30.)
1891.

ترجمهٔ امتیازنامهٔ فرانسوی است که مسیو فابیوس بوواتال از برای راه آهن ایران تقدیم مینماید

صورت ترجمه ایست که در امتیازنامهٔ مذکور نوشته اند :

بملاحظه اینکه ساختن راههای آهن در بعضی نقاط دولت ما فواید بسیار دارد لهذا ما ناصرالدین شاه قاجار که مایل بترقی دولت علیهٔ ایران هستیم بموجب فصول ذیل امر و مقرر میفرمائیم

فصل اول — دولت علیهٔ ایران به (مسیو فابیوس بوواتال) مهندس رعیت دولت فرانسه امتیاز ساختن یک رشته راه آهن از بحر خزر الی محمره یا بیکی از بنادر خلیج فارس که بعدها مشخص خواهد شد مرحمت میفرماید و مسیو بوواتال را مأذون ساخت که خطوط دیگری را که بجهت امر تجارت و صنایع دولت علیهٔ ایران مفید است امتداد دهد .

فصل دوم — صاحب امتیاز بعد از امضای این امتیازنامه نقشهٔ بجهة نمودن راه آهن را که ساخته خواهد شد باولیای دولت علیه تقدیم خواهد نمود و معلوم خواهد کرد که کدام زمین بجهة راه آهن لازم است و همچنین زمینی را که بجهة انبار و چوب وغیره لازم خواهد شد سه ماه بعد از نشان دادن نقشه دولت علیهٔ ایران حکم بواگذار کردن اراضی متعلقه بخود که در نقشه قید شده بصاحب امتیاز نموده و صاحب امتیاز بفاصلهٔ شش ماه بعد از این مدت شروع بساختن راه خواهد نمود .

ترجمه ایست که این غلام خانه زاد بدقت نموده است :

بملاحظه اینکه ساختن راههای آهن در بعضی نقاط دولت ما فواید بسیار دارد لهذا ما ناصرالدین شاه قاجار امر و مقرر میفرمائیم :

فصل اول — دولت علیهٔ ایران بمسیو فابیوس بوواتال مهندس رعیت دولت فرانسه امتیاز ساختن یک رشته راه آهن از بندر انزلی واقع بر بحر خزر الی طهران و از طهران الی خلیج فارس اعطا نماید و آن خط بمحمره یا نقطهٔ دیگری که بعد از تحقیقات معین شود منتهی خواهد شد و مسیو بوواتال را مأذون ساخت که شعب دیگری را که بجهة رواج امر تجارت و صنایع دولت علیهٔ ایران مفید داند امتداد دهد .

فصل دوم — صاحب امتیاز فوراً اقدام بتحقیقات خواهد نمود و آنچه زودتر ممکن باشد نقشه را برای تعیین اراضی ممکنه که برای راه آهن و متعلقات آن لازم خواهد شد بدولت ایران باید تقدیم نماید که اراضی لازمهٔ راه آهن که در نقشه مشخص شده و متعلق بخود دولت است بصاحب امتیاز واگذار شود بعد از واگذار شدن اراضی تا مدت شش ماه باید اقدام بساختن راه آهن شود .

فصل سوم — صاحب امتیاز محق است که در تمام امتداد راه آهن بیست و پنج متر زمین از دو طرف راه متصرف بشود اراضی متعلقه بدولت که از برای راه و ساختن (گار) و انبارها و ابنیهٔ دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد و اگر زراعت دارد صاحب امتیاز قبل از وقت بقیمت در آورده قیمت آنرا بدولت داده بعد شروع بکار خواهد نمود ، و اراضی که تعلق برعایا وغیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین آنها قطع و فصل حل قیمت آنرا نماید ، هرگاه از طرف صاحبان املاک ادعای قیمت اشکالات و صعوبت زیادی روی دهد که اسباب تعویق کار و ممانعت عمل گردد بخواهش صاحب امتیاز دولت علیهٔ ایران متعهد میشود که در صدد رفع اشکالات برآید و نوعی قرار دهد که هیچوقت این نوع اشکالات مانع از پیشرفت عمل راه نگردد ، و هرگاه در عرض راه اراضی بلا مالکی پیدا شد چنانچه بجهة راه آهن مفید فایده نمیتواند بشود صاحب امتیاز را ممکن است که این قبیل اراضی متصرف بشود ، مشروط براینکه قبل از وقت دولت علیه را مطلع سازد .

فصل چهارم — خطوط راه آهن باید بطریقی امتداد یابد که با ابنیه جات مذهبی از قبیل مساجد و امامزاده ها صدمه وارد نیاید ، و بعلاوه اماکن متبرکه و مقبره وغیرها در کمال احترام و رعایت نموده معاف بدارد .

فصل سوم — صاحب امتیاز محق است که در تمام امتداد راه آهن سی متر از هر طرف راه متصرف بشود ، اراضی متعلقه بدولت که از برای راه و ساختن (مواقف) و انبارها و ابنیهٔ دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد ، و اگر زراعت داشته باشد صاحب امتیاز قبل از وقت بقیمت در آورده قیمت مناسبی بدولت داده بعد شروع بکار خواهد نمود ، و اراضی که تعلق برعایا وغیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین آنها قطع و فصل حل قیمت آنرا نماید ، هرگاه از طرف صاحبان املاک در ادعای قیمت اشکالات و صعوبتی روی دهد که اسباب تعویق کار و عمل گردد بخواهش صاحب امتیاز دولت علیهٔ ایران در صدد رفع اشکالات برخواهد آمد ، و هرگاه در امتداد خط راه اراضی بلا مالکی شد چنانچه آن اراضی بجهة راه آهن مفید فایده شود یا اینکه صاحب امتیاز بخواهد آن اراضی را زراعت کند میتواند آنرا متصرف شود ، مشروط براینکه قبل از وقت دولت علیه را مطلع سازد .

فصل چهارم — خطوط راه آهن باید بطریقی امتداد یابد که با ابنیهٔ مذهبی از قبیل مساجد و امامزاده ها صدمه وارد نیاید و نیز از مقابر و امکنهٔ متبرکه رعایت و احترام شود .

فصل پنجم — بعد از امضا و مبادله این امتیازنامه یک ملیون
فرانک در یکی از بانکهای دولتی بطور ضمانت سپرده خواهد شد
که پس از ساختن ده کلومتر راه صاحب امتیاز اخذ نماید و این
نخواه که عبارت از یک ملیون فرانک باشد که بضمانت باید
سپرده میشود در صورت عدم شرایط این امتیازنامه بدولت
علیه ایران تعلق خواهد یافت .

فصل ششم — صاحب امتیاز ماذونست که از اراضی و معادن
و جنگل دولتی اسباب لازمه را از قبیل چوب و آهن و آهک
و سنگ وغیره که بجهة ساختمان و دایر داشتن راه و بناهای
متعلقه بآن لازم افتد بدون اینکه حق مخصوصی بدولت علیه
بدهد مجاناً هر قدر لازم باشد بمخارج خود فراهم سازد
ولی مصرحاً قید میشود که صاحب امتیاز بهیچوجه اسباب
و آلات و ادوات مزبوره را مال التجاره قرار ندهد .

فصل هفتم — جمیع مصالح و ادواتی که از خارج می آورند
و بجهة ساختمان یا دایر داشتن راه لازم می باشد پس از تحقیق
اجزای گمرکخانه مبارکه بدون حق گمرک و راهداری داخل سازند
و مصالحی که از داخله مملکت میباشد و حمل و نقل از محلی بمحل دیگر
میشود از حقوق راهداری وغیره در تمام مدت قرارداد نامه
بکلی معاف است . و بنا و اراضی و ابنیه و ساختمان وغیره
از هر قبیل که متعلق براه آهن است مالیات وغیره ندارد

فصل پنجم — در وقت شروع شدن عملیات راه آهن صاحب
امتیاز مبلغ یک ملیون فرانک را بعنوان ضمانت در یکی از
بانکهای دولتی بسپارد که اگر صاحب امتیاز در اجرای
تعهدات خود کوتاهی کند آن مبلغ حق دولت ایران باشد
هرگاه ده کلومتر راه ساخته و تمام شده باشد آنوقت صاحب
امتیاز میتواند مبلغ مذکور ضمانتی را از بانک پس بگیرد .

فصل ششم — صاحب امتیاز ماذونست که از اراضی و معادن
و جنگل دولتی اسباب لازمه را از قبیل چوب و گچ و آهک
و سنگ وغیره که بجهة ساختمان و دایر داشتن راه و بناهای
متعلقه بآن و (واگون) ها لازم افتد بدون اینکه حق مخصوص
بدولت علیه بدهد هر قدر لازم باشد مجاناً بمخارج خود
فراهم سازد ولی مصرحاً قید میشود که صاحب امتیاز
بهیچوجه حق ندارد که مصالح مذکوره را مال التجاره قرار دهد .

فصل هفتم — جمیع مصالحی که از خارج می آورند و بجهة
ساختمان یا دایر داشتن راه لازم می باشد پس از تحقیق
اجزای گمرکخانه مبارکه بدون حق گمرک و راهداری داخل سازند
و مصالحی که از داخله مملکت میباشد و حمل و نقل از محلی
بمحل دیگر میشود از حقوق راهداری وغیره در تمام مدت قرارداد نامه
بکلی معاف است و بنا و ابنیه و مداخل اراضی و ابنیه و راه آهن از
ادای هر قسم مالیات معاف خواهد بود و همچنین اجزای عملجات

از اجیر جات راه آهن و عملیات و عوایدی که از راه آهن
حاصل میشود بهیچوجه مطالبه مالیات نخواهد شد .

فصل هشتم — محل استقرار کمپانی که صاحب امتیاز است
از برای ساختن و دایر داشتن راه آهنی که این امتیازنامه متضمن
رفته در یکی از شهرهای پایتخت اروپ واقع کرده و محل اداره
در طهران میباشد .

فصل نهم — در اجیر کردن عملیات — کمپانی خود
مختار است ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و
سررشته این عمل دارند اجیر کند .

فصل دهم — این امتیازنامه از برای نود و نه سال
منعقد شده که اولاً آنات از روز افتتاح رسمی خط راه مزبور
میباشد و باید هفت سال تمام کار راه باتمام برسد یعنی
ساخته شود بعد از انقضای نود و نه سال ساختمانها
بانضمام جمیع ادوات متعلقه بدایر داشتن راه آهن
حق طلق دولت علیه ایران خواهد شد . هرگاه بخواهند
خطوط جدیدی احداث نمایند باید مجدداً قرارنامه دیگری
منعقد شود .

فصل یازدهم — دولت علیه ایران متعهد میشود که
بهیچیک از کمپانیهای دیگر اذن ساختن یا دایر داشتن

راه آهن . . .

فصل هشتم — صاحب امتیاز ماذونست از اینکه برای احداث
و دایر داشتن راه آهن یک شرکت باسمی (انونیم) را تشکیل بدهد
و تعهدات و حقوقی که ازین امتیاز مترتب میشود بعهده آن شرکت
واگذار نماید ، مقر شرکت ممکنست در یکی از پایتختهای فرنگ
باشد اما محل اداره باید در طهران باشد .

فصل نهم — در اجیر کردن عملیات و اجزا کمپانی خود مختار است
ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و سررشته و
ازین عمل دارند باید اجیر کند .

فصل دهم — این امتیازنامه از برای نود و نه سال منعقد شده
اولاً آنات از روز افتتاح رسمی خط راه مزبور میباشد و افتتاح
رسمی راه باید در مدت هفت سال بعد از واگذار شدن
اراضی معین آورده شود بعد از انقضای نود و نه سال تمام ابنیه با تمام
جمیع ادوات متعلقه بدایر داشتن راه آهن حق طلق دولت علیه ایران
خواهد شد مگر در صورتیکه برای امتداد خطوط بنائیهای جدید
شده باشد و درین صورت باید قرارنامه های جدید منعقد
گردد .

فصل یازدهم — دولت علیه ایران متعهد میشود که بهیچیک
از کمپانیهای دیگر اذن ساختن یا دایر داشتن

راه آهن مابین بحر خزر و خلیج فارس رساند هد مگر از طهران الی
شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام را . نیز دولت علیه تعهد میکند
که هر وقت از طرف کمپانی دیگر تعهد ساختن خطوط دیگر در ممالک
ایران گفتگو واقع شود صاحب این امتیاز نامه را در شرایط مقرره
ترجیح بر سایرین بدهد و همچنین تعهد میکند که حمایت لازمه نسبت
بکمپانی مرعی داشته هر نوع اشکالاتی را که مانع از پیشرفت کارها را
رفع نماید .

فصل دوازدهم — دولت علیه ایران بصاحب امتیاز ، امتیاز
دایر ساختن دریاچه های نمکی و معادن نمک که در ممالک ایران یافت
میشود با انضمام جمیع معادنی که دایر داشتن آنها امروز بحال دولت
و کمپانی داشته باشد میدهد جنگلهائی که مشرف بخط راه
آهن باشد بکار بردن و آباد کردن آنها نیز بکمپانی اعطا میشود .

فصل سیزدهم — صاحب امتیاز یا کمپانی در تمام مدت این قرارداد
هر ساله هشتصد و پنجاه هزار تومان بدولت علیه ایران از بابت
وجه گمرک ایران که بکمپانی ملک شده واگذار میشود خواهد داد این
مبلغ هشتصد و پنجاه هزار تومان نقد طلا یا نقره هر ساله در دو قسط

راه آهن مابین بحر خزر و خلیج فارس رساند هد مگر از طهران الی
شاهزاده عبدالعظیم علیه السلام که تا حال داده شده است
و نیز دولت علیه تعهد میکند که هر وقت از طرف کمپانی دیگر تعهد
ساختن خطوط دیگر در ممالک ایران تکلیف شود که صاحب این امتیاز نامه
بهمان شرایطی که کمپانی دیگر میسازد قبول داشته باشد باید همان
این امتیاز نامه را مرجح بر آنها داشت و کذالک تعهد میکند که حمایت
و معاونت لازمه را نسبت بمهندسین و کارکنان و عملجات کمپانی
در امر تحقیقات و بنا و دایر داشتن راه آهن اشتغال دارند رعایت نماید

فصل دوازدهم — دولت علیه ایران بصاحب امتیاز ، امتیاز
بکار بردن دریاچه ها و معادن نمک را با انضمام جمیع معادنی که دایر
داشتن آنها امروز بحال دولت و کمپانی داشته باشد میدهد
و نیز جنگلهائی که در دولت — بخط راه آهن و متعلق بدولت
باشد کمپانی حق داشته باشد که آنها را استعمال نماید بعلاوه
بعضی نشیمن محل دایر داشتن راه آهن دولت بقدر ..... ذرع زمین
غیر مزروع که متعلق بدولت باشد از هر طرف راه بکمپانی
واگذار خواهد کرد که کمپانی در آن اراضی زراعت نماید .

فصل سیزدهم — صاحب امتیاز یا کمپانی در تمام مدت این قرارنامه
هر ساله هشتصد و پنجاه هزار تومان بدولت علیه ایران از ابتدای
اجاره گمرک ایران که در مدت معهود بکمپانی واگذار میشود خواهد
داد این مبلغ هشتصد و پنجاه هزار تومان طلا یا نقره هر ساله در دو قسط

داده خواهد شد قسط اول عید نوروز سلطانی که در دفعه اول
روز افتتاح راه آهن است و قسط ثانوی هر ساله شش ماه بعد
نوروز گذشته میشود . بیست و یکم ماه مارس فرنگی که اول حمل
میباشد چهار صد و بیست و پنج هزار تومان قسط اول .
بیست و یکم ماه سپتامبر فرنگی که اول میزان میباشد چهار صد
بیست و پنج هزار تومان قسط ثانوی .

فصل چهاردهم — هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این قسطها را
در فصل سیزدهم قید شده در موعد نرساند یا مسامحه شد
این قرارداد نامه از درجه اعتبار ساقط خواهد گردید .

فصل پانزدهم — کمپانی راه آهن عاید راه آهن و علاوه
آنچه را از وجوه گمرک بدولت ایران بموجب فصول دوازدهم و
سیزدهم داده میشود از بابت سیم کردن اصل تنخواه مصروف شده
و شش و نیم صد تنزیل (آکسیون) و (اوبلیقاسیون) که برای
ساختن راه کمپانی مذکور مقرر خواهد داشت و ...
اصل تنخواه و منافع پانزده در صد که بتنخواه قسمت خواهد داد
و از بابت مخارج سایر کارها که کمپانی اقدام باتمام خواهد نمود بمصرف
خواهد رسانید و آنچه که علاوه بر این مخارج عاید سالیانه خواهد
داشت بسه قسمت مساوی منقسم خواهد نمود باین معنی که
یک قسمت آنرا باعلیحضرت همایون شاهنشاهی داده میشود
قسمت دوم بکمپانی و قسمت سوم بمتعلقات ... خواهد بود .

پیشکی داده خواهد شد یعنی در بیست و یکم ماه مارس (مطابق نوروز)
که اداره گمرک بصاحب امتیاز واگذار خواهد شد پیشکی چهار صد
و بیست و پنج هزار تومان بدهد و شش ماه بعد که بیست و یکم ماه
سپتامبر فرنگی (موافق اول میزان) چهار صد و بیست و پنج هزار تومان
بدهد و این قرار نامه در مدت امتیاز دایر باشد .

فصل چهاردهم — هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این قسطهای که در فصل
سیزدهم قید شده در سر موعد نرساند یا مسامحه نماید این قرار
داد نامه از درجه اعتبار ساقط خواهد گردید .

فصل پانزدهم — کمپانی راه آهن باید منافع خالص دخل راه آهن
و منافع سایر امتیازات که در فصل دوازدهم و سیزدهم مذکور است باید
بمصرف ادای تنزیل مقرر و استهلاک سرمایه و بهای سهام و اسناد
قروض که بجهت ساختن و دایر داشتن راه آهن و سایر امتیازات بفروش رسانیده است
خواهد رسانید از این عواید و منافع ، کمپانی هر ساله نقداً بقدر
را خواهد داشت که از قرار شش و نیم در صد تنزیل سهام و اسناد قرض
خود را ادا نماید و نیز سرمایه را از قرار سالی ... استهلاک کند و کذالک
از قرار صدی پانزده منفعت بصاحبان سهام تقسیم نماید و زیاده
از این هرچه بماند از قرار مسطور ذیل بسه قسمت تقسیم خواهد شد
یک ثلث باعلیحضرت شاه داده خواهد شد ، یک ثلث بکمپانی
و یک ثلث بصاحب امتیاز .

فصل شانزدهم — حق دولت علیه ایرانست که در حسب ادارهٔ کمپانی مزبور یک (کومیسر) مأمور بگمارد و معین کند و بر کومیسر مزبور لازم است که کمال مواظبت را معمول دارد که شروط قرارداد نامهٔ مزبوره از طرف کمپانی موافق قاعده بعمل آید و همچنین حق دارد که نظارت برسیدگی و کمال غوررسی در کار کمپانی نماید و مواجب این مأمور بعهدهٔ کمپانی مزبور خواهد بود .

فصل هفدهم — از تمام چیزهائیکه متعلق باین امتیاز میباشد مثلاً خرید و فروش و غیره دولت علیه ایران حق مطالبه هیچگونه عشر و وجهی نخواهد داشت .

فصل هیجدهم — اگر چنانچه صاحب این امتیاز یا کمپانی در مدتیکه در فصل دوم معین شده کار نکند این امتیاز نامه باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد .

فصل نوزدهم — تمام گفتگو و مشکلاتیکه مابین گماشتگان کمپانی و گماشتگان دولت علیه یا مابین ادارهٔ ریاست و اجزای دولت در باب امتیازنامه وارد آید بتوسط یک مجلس میانجی که از طرفین مقرر میشود میباشد که نصف از جانب دولت علیه و نصف از جانب کمپانی معین شده در صدد قطع و فصل آن برآیند

و در اتفاقاتیکه ختم گفتگوها بنهایت خیلی ممکن است یکنفر حکم مخصوص یعنی حکم از طرفین باید معین شود که او بر قرار ختم عمل رأی بدهد و هر چه این حکم مقرر دارد طرفین متقبل گردند .

فصل بیستم — هرگاه بعد از امضای این امتیازنامه الی ختم عمل جمیع ساختمانهای راه مزبور حادثهٔ عظیمی روی دهد مثلاً چنانچه جنگی یا اخبار جنگی شد که باعث اغتشاش عمل کمپانی گردید و مانع از فراهم آوردن تنخواه شد آن مدتی که در فصل سوم تعیین شده است از قرار مرضی الطرفین بقدریکه باعث مکث کار و معطلی شده بر مدت بیفزایند و نیز هرگاه طوفانی واقع گردید موجب غرق شدن کشتی که ادوات راه آهن در آن حمل است بشود بر نحو مذکور باید معمول داشت .

در طهران در دو نسخه نوشته شد

فصل شانزدهم — حق دولت ایرانست که در ادارهٔ کمپانی مزبور یک نفر (کومیسر) یعنی مأمور بگمارد شغل کومیسر مزبور اینست که کمال مواظبت را معمول دارد که شروط قرارداد نامهٔ حاضره از طرف کمپانی موافق قاعده بعمل آید و همچنین حق دارد که نظارت رسیدگی و کمال غوررسی در امور کمپانی نماید و مواجب این مأمور نیز بعهدهٔ کمپانی مزبور خواهد بود .

فصل هفدهم — قرارداد نامهٔ حاضره و ملحقات آن جمیع مرقومات و اسنادیکه برای ترتیب شراکت راه آهن یا برای احداث و دایر داشتن راه آهن لازم خواهد شد و همچنین جمیع اسناد شراکت و اسهام و اسناد قروض و (بلیت) ها تنزیل قروض یعنی (کوپون) ها از ادای هر قسم بده دیوانی و حق (تمبر) معاف خواهد شد .

فصل هجدهم — اگر چنانچه صاحب این امتیاز نامه یا کمپانی در مدتیکه در فصل دوم معین شده اقدام بکار نموده باشند این امتیاز نامه باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد .

فصل نوزدهم — هرگاه مابین گماشتگان کمپانی و گماشتگان دولت یا مابین ادارهٔ کمپانی و امنای دولت منازعه و مناقشه راجعه باین امتیاز نامه در گیرد باید حل آن مسئله راجع بمجلسی مرکب از وکلای منتخبهٔ طرفین رجوع شود نصف اعضای آن مجلس از جانب دولت و نصف دیگر آن از جانب کمپانی منتخب شود در صورت عدم اتفاق اجزای این مجلس باکثریت از یکنفر حکم منتخب خواهند نمود و حکم آن حکم قطعی و مرعی الاجرا خواهد شد .

فصل بیستم — هرگاه بعد از امضای این امتیازنامه الی ختم عمل جمیع بناها که در راه مزبور حادثهٔ عظیمی روی دهد چنانچه جنگ بالفعل جنگی شایع شود که باعث اغتشاش عمل موافقتنامه ها گردد و مانع از فراهم آوردن تنخواه لازمه شود آنگاه باید مدتی که در فصل دوم قید شده افزود و آنها را باقتضای وقایع بالاتفاق امتداد داد و نیز هرگاه طوفانی واقع گردد موجب غرق شدن کشتی که ادوات راه آهن در آن حمل است بشود بر نحو مذکور باید معمول داشت .

در بلدهٔ تورن تحریر گردید

بدیهی است که وجود شرکه و نظم اداره آن از برای دولت اسباب منافع کثیره و فواید عمده است
و در امور ملکیه و مالیه و پلتیکیه مدخلیت کلی دارد این است که هر دولت توجه کامل باین
مینماید

از نتایج حسنه شرکه اینست که دولت میتواند برابر چند نفر از رعایای او در خارجه هستند
و در کجا هستند و بچه قصد رفته‌اند و اسم آنها را در دفتر مخصوص ضبط و ثبت نماید
و چون از رعایای او احدی بدون شرکه مرور از مملکت بیرون نتواند رفت پس راه
اشرار و مجهولان بکلی عده بسته خواهد شد و بجای آنکه مفاسده باطراف دنیا منتشر
نشوند و مأمورین آبروی دولت در سایر دول محفوظ خواهد ماند همچنین اشخاص و جنبی
که از خارج داخل مملکت میشوند وقتی شرکه در کار باشد مأمورین کارگزاران مباشر
باشند تحقیق خواهند پرداخت و خواهند دانست بچه قصد و نیت این اشخاص آمده
اگر نفوس مضرت و فساد مینمایند امنای دولت را خبردار کنند تا جلوگیری بردارند
و نگذارند وجود او محرک فتنه و ماده مخمصه گردد

نیز دولت هر سال از عدد مهاجرین مملکت خود مطلع میشود و ضمناً علت حقیقیه

۲

مهاجرت میگردد و اگر علت راجع بدولت باشد از قبیل بی‌اعتدالی حکام و کارگزاران
دیوان یا عروض آفات و خرابی ولایت برفع آن می‌پردازد مختصر با وجود
شرکه دولت میتواند از هجرت مهاجرین و ورود واردین را کلیةً بر طبق منافع
خود قرار دهد و از مضرات آن اجتناب نماید و آخر الامر اداره منتظم شرکه علاوه
بر منافع مسطوره و غیرها منفعت دیگر برای دولت دارد یکی آنکه تقریباً پنجاه هزار
تومان عاید خزانه دولت میگردد دیگر آنکه جمعی از چاکران دولت بواسطه اشتغال در این
باین خدمت صاحب گذران و معاش میشوند و قانون اداره شرکه از قراری است
که در ذیل نگاشته میشود بعد از آنکه امنای حضرت گردون بسطت تصویب نمودند
مقرر است یکی از چاکران آستان آسمان جاه این کار را اداره کند و مبلغی [illegible]
هر سال بخزانه مبارکه ایصال نماید و اگر کسی لازم احترام باشد خانه را زود متصدی اداره را کماکان
این خدمت را منتقل است و در هر شش ماه از سال بیست و پنجهزار تومان از بابت
وجوه شرکه عاید خزانه عامره خواهد ساخت و قانون منتظم از این فقرات است

(قانون اداره شرکه)

(باب اول در باب تذکره)

فصل اول کلیهٔ تذکره بر دو قسم است تذکرهٔ مرور و تذکرهٔ اقامت و هر دو قسم باید چاپ شود و جای چند کلمه از آنها چاپ نشده باید با قلم نوشته شود و سفید گذارند و هر صد طغرا تذکره را دفتر مانند جلد کرده بمهر دولتی مختوم نمایند و بدست مباشرین دهند

فصل دوم تذکرهٔ مرور باید در دو قسم کاغذ چاپ شود یکی روی کاغذ سفید و قیمت آن یک تومان باشد دیگری مثلاً روی کاغذ زرد مجانی است اما تذکرهٔ اقامت روی سه قسم کاغذ باید چاپ شود مثلاً قسمی روی کاغذ آبی و آن قیمتش سه تومان باشد قسمی روی کاغذ سفید و قیمت آن پانزده هزار باشد و قسمی روی کاغذ کاهی و قیمت آن یک تومان باشد و مدت تذکرهٔ اقامت یکسال خواهد بود پس از انقضای این مدت باطل است و باید تجدید شود

فصل سیم تذکرهٔ مجانی مخصوص حجاج بیت الله الحرام و زوار عتبات عالیات است و بس غیر از آنها بکسی داده نخواهد شد و حجاج و زوار از قیمت تذکره معاف اند ولی برای حق تحریر و ثبت هر یک طغرا باید یک قران تحریر بدهند

فصل چهارم هرگاه کسی تذکرهٔ مجانی باسم حج و زیارت بگیرد و در یکی از بلاد دولت عثمانی بماند و اقامت گزیند قنسولگری آن بلد مأمور و مکلف است که از آن شخص تذکرهٔ دفعه بگیرد و تذکرهٔ اقامت از درجهٔ اول باو بدهد و در تذکرهٔ او هم رقم کند که از همان تذکره در دفتر ضمیمهٔ آن را با دلالت که اخذ کرده ثبت نماید و نگاه داشته باشد

(باب دوم در احکام عمومی)

فصل اول هرکس بخواهد از ممالک ایران بخارجه برود باید حتماً بحکم قانون دولت تذکرهٔ مرور دریافت نماید

فصل دوم در تذکرهٔ مرور باید تبعه بودن صاحب تذکره و اسم و وطن و صنعت و شمایل و نام او و پدر او و جائی که خواهد رفت بدو زبان نوشته شود اگر بممالک عثمانی میرود بفارسی و ترکی عثمانی اگر به روسیه بفارسی و روسی اگر به سایر ممالک فرنگ بفارسی و فرانسه و تذکره‌ها بمهر دولتی مختوم شود

فصل سیم هرگاه کسی با زوجه یا خواهر یا دختر خود یا زن دیگر از محارم خود یا پسر ولو کم و خادمهٔ خود بخواهد بخارجه رود اسامی نسوان در تذکره نوشته نمیشود بلکه

شکل و بها و سایر مروران بشرح مسطوره در فصل سابق در تذکره دیگر فقط قیمت یک تذکره گرفته خواهد شد

فصل چهارم   از مسلمانان ایران احدی نمیتواند زن با خود بممالک فرنگ و بلاد غیر اسلام برد اعم از اینکه آن زن زوجه و خواهر و یا دختر و مادر او باشند یا خادمه و غیرها پس مباشرین تذکره نمیتوانند تذکره بمسلمات برای رفتن ببلاد غیر اسلام بدهند

(باب سیم در شرایط گرفتن تذکره)

فصل اول   عموم شاهزادگان و میرزادگان و امرا و وزرا و خوانین و سایر طبقات نوکر از اهل نظام و غیر نظام حتی کلیه سربازها بدون اجازه رسمی دولت نمیتوانند بممالک خارجه سفر نمایند و مباشرین تذکره تا اجازه آنها را نبینند نباید بایشان تذکره مرور بدهند و اشخاصی که بمأموریت میروند در صورتیکه احتمال خلاف برود از حکم مستثنا نباشند

فصل دوم   هر کس از تبعه دولت علیه بخواهد بسفر تجارت یا زیارت برود اگر ایلات باشد چون باید رقعه ضامنی بنایب الحکومه یا ضابط بلوک وطنی خود بدهد

و اجازه نامه دریافت کند و آن اجازه نامه را بحاکم ولایت داده اجازه نامه از آن حاکم بگیرد بر مأمورین تذکره است که اجازه نامه حاکم را از او بگیرند و باو تذکره مرور بدهند

فصل سیم   از تبعه خارجه اشخاصی که در ممالک محروسه هستند هر گاه یکی از آنها بخواهد بوطن خود معاودت نماید تصدیق نامه که از قونسولگری دولت متبوعه او باو داده میشود باید نزد مأمورین تذکره آورده بآنها بدهد و تذکره مرور بگیرد

فصل چهارم   به اجامره و اشرار و آنهائیکه درباین صفحات اشتهار یافته اند چنانچه ضامن معتبر نباشد تذکره داده نخواهد شد همچنین بآنهائیکه بسن رشد و بلوغ نرسیده اند اگر بخواهند بدون همراهی و اذن اولیای خود سفر کنند دادن تذکره مرور ممنوع است

باب چهارم راجع بمسافرین خارجه

فصل اول   از تبعه دول متحابه هر مسافری که بخواهد بممالک ایران بیاید باید بقونسولگری دولت علیه مقیم مملکت و بلد وطنی خود پاسپرتی را که دارد نشان دهد تا امضا نمایند و تمبر مهر دولت مخصوص امضا بچسبانند و پنجهزار دینار رسم فو دریافت کنند و اگر در وطن مسافر از جانب دولت علیه قونسولگری

باشد هر قنسولخانه که در سر راه او باشد باید رسم مزبور را در آن بعمل آرد فرضاً هرگاه در سر
راه او هیچ قنسولخانه نباشد باید در سرحد در نزد مأمورین تذکره ادای رسم نماید

فصل دوم اگر از تبعهٔ دول خارجه کسی بخواهد بی باشپرت وارد خاک دولت علیه شود
یا باشپرت او معیوب و کهنه باشد بر مأمورین ادارهٔ تذکرهٔ سرحدی است که در ورود
او را مانع شوند مگر از قنسول دولت متبوعهٔ خود یا قنسول دولتی که دولت متبوعهٔ او در
امور تبعهٔ خویش را بوی راجع کرده تصدیق بیاورد و یکی از آنان کار را کند و باشپرت
از مأمورین تذکرهٔ دولت علیه بگیرد و در این باشپرت باید مأمورین تذکره تصریح
نمایند که این شخص تبعهٔ کدام دولت است

فصل سیم از تبعهٔ خارجه یا داخله هر کس بخواهد وارد خاک ایران شود اعم از اینکه
از راه دریا بیاید یا خشکی حتماً باید تذکره یا باشپرت خود را بمأمورین تذکره که
در بنادر و حدود و معابر هستند نشان دهد اما کسبهٔ نقاط سرحدی و چاپاران دولتین
از این حکم مستثنی میباشند

فصل چهارم هرگاه یکی از تبعهٔ دولت علیه بدون تذکرهٔ مرور وارد خاک ایران شود

باید مأمورین تذکره معلوم نمایند کجا بوده و از کجا آمده و در ورود در دفتر خاص تحقیقات خود را ثبت
کنند و ضامنی از او بگیرند که در خارجه مصدر جنایتی نشده باشد و تقصیری نداشته باشد
و اگر کسی بیاید و بر او ادعائی نمایند حکومت تواند او را بدست آرد آنوقت بموجب
قوانین دولت علیه با او داده خواهد شد یک مبلغ جریمه از او گرفته و چون خلاف حکم دولت
متبوعهٔ خود کرده انکار او را مطلق اعلان نمایند

فصل پنجم هرگاه یکی از تبعهٔ خارجه بدون باشپرت صحیح وارد خاک دولت علیه
شود و نتواند بشرح مسطوره در فصل سیم از قنسولخانه تصدیق نامه تحصیل نماید
مأمور تذکره مکلف است با قنسولخانهٔ دولت متبوعهٔ مسافر مشغول سؤال و جواب
نماید و با اطلاع آن قنسولخانه مانع مسافرت او در خاک ایران شود اما اگر
آن شخص متهم باشد باید با حاکم ولایت در باب تذکره کرده هر حکمی در حق
آن متهم صادر شود آنرا مجری دارد

فصل ششم ناخدا و عملجات سفاین دول متحابه اگر برای تفرج و گردش از دریا
بخشکی آیند و در یکی از بنادر حرکت دیر نمایند از آنها مطالبهٔ باشپرت
لازم نیست اما اگر بعد از حرکت کشتی یکی از آنها در بنادر و شهر و قصبه ماند بموجب

فصل دوم همین باب از معامله و رفتار باید نمود

(باب پنجم در تذکرهٔ اقامت)

فصل اول هر یک از سه درجهٔ تذکرهٔ اقامت که ذکر شد بیش از یکسال مدت اعتبار ندارد بعد از آن باطل است و هر یک از تبعهٔ دولت علیه که در بلدی از بلاد دول خارجه اقامت داشته باشد باید یکی ازین سه قسم تذکره را داشته باشد

فصل دوم تبعهٔ دولت علیه که در خارجه برای کاری اقامت دارند اگر از طبقهٔ معتبرین و تجار هستند هر سال باید یک تذکرهٔ اقامت از درجهٔ اول بگیرند و اگر از اصناف کسبه و امثال آنند باید یک تذکره از درجهٔ دوم بگیرند و اگر از جنس عمله و فعله و طوایفند از درجهٔ سیم و هر سال تجدید کنند

فصل سیم تبعهٔ دولت ایران در خارجه از روزی که قصد اقامت میکند تذکرهٔ مرور او از درجه‌ای که باشد ساقط است و حتماً باید تذکرهٔ اقامت دریافت نماید

فصل چهارم تبعهٔ دولت ایران در خارجه نیز از روزی که میخواهد ترک اقامت کند و عازم ایران شود تذکرهٔ اقامت او از درجه‌ای که باشد ساقط است باید تذکرهٔ مرور بگیرد

(باب ششم در تکالیف مأمورین تذکره و غیرها)

فصل اول تکلیف هر یک از مأمورین تذکره این است که ابتدا ضامنی برای ثبوت اعتبار خود با دارهٔ مرکزی تذکره بدهند و از اوراق تذکره بقدر کفایت در پیش گرفته و بمحل مأموریت خود روند و در عرض یکماه هر قدر تذکره داده شمارهٔ طغرا و ورق آنرا با قیمت در صورتی ثبت کرده و با نقود موجوده بعد از وضع حق الزحمه با پست دولتی با دارهٔ مرکزی ایصال نمایند و حق ندارند زیاده از یک ماه وجه تذکره را نزد خود نگاه دارند اگرچه یک قران باشد

فصل دوم عمده ترین تکلیف مأمورین تذکره این است که با دقت تمام بتحقیق حال واردین و مسافرین بپردازند و تمام فصول این دستورالعمل را در مد نظر گرفته هریک را در محل خود بموقع اجرا گذارند و اهمال و مسامحه را مطلقاً جایز نشمارند و از خیانت و جلب منفعت بیجا عمده صرف نظر کنند

فصل سیم چون بمأمورین تذکره مواجب داده نخواهد شد از وجوه حاصله از تذکره تومانی دو قران حق الزحمهٔ آنها خواهد بود باقی را چنانکه در فصل اول همین باب ذکر شد باید با دارهٔ مرکزی بفرستند اما مخارج پست و سایر مخارج بر عهدهٔ خود آنها است

فصل چهارم — قنسولهای دولت علیه مأمور و مقیم ممالک و بلاد دول خارجه مکلف اند که در اجرای فصول این دستورالعمل ساعی باشند ولی در هر باب مشتبه [illegible] اگر مطلبی پیش آید باید از سفرای دولت علیه استعلام نمایند و بگفتهٔ آنها عمل کنند

فصل پنجم — هر قنسولی که در ناحیه مأموریت دارد مکلف است از تبعهٔ دولت علیه هر چند نفر در آن ناحیه باشند از ذکور و اناث و مقیم و مسافر اسم و رسم و شغل و کار و وطن آنها را در دفتر نوشته بتوسط سفارت باداره مرکزی بفرستند

فصل ششم — هر قنسول در آخر هر ماه باید مرتب بنویسد که شرح مسطور در فصل اول مجرا شود همچنین سفرا باید از اینکار غفلت نداشته باشند

فصل هفتم — حق امضای باشرت تبعهٔ دولت خارجه [illegible] است یعنی اینوجه از کسی گرفته میشود که با باشرت دولت خود میخواهد بایران بیاید

فصل هشتم — چون قنسولها برای اجرای احکام این دستورالعمل بسی محتاج بگرفتن نوکر میباشند برای مخارج و مواجب آن نوکر صدی [illegible] از وجوه تذکره و مصادره و جریمه مأمورین تذکره با آنها کارسازی خواهند کرد

(باب هفتم در باب مجازات)

فصل اول — هر مأمور تذکره یا قنسولی در امور تذکره باعث [illegible] شود و در اجرای این فصول و حفظ مال دیوان بدرستی اهتمام ننماید و مطلقاً خلاف و خیانتی از او بظهور رسد بر ذمهٔ ادارهٔ تذکره است که او را برای ادای [illegible] دولت علیه [illegible] در خور استحقاقش [illegible]

فصل دوم — هر مأمور تذکره یا قنسولی در امور تذکره سستی و اهمال نماید یا مال دیوان را ضایع کند مورد مؤاخذهٔ سخت خواهد شد

فصل سیم — از تبعهٔ خارجه هر کس بدون باشرت ممالک دولت علیه بیاید یا باشرت او مضا نشده باشد بعد از آنکه از قنسولگری دولت متبوعهٔ خود عوارض پذیرفته شود و تصدیق نامه باو دهند بجهت نداشتن باشرت شش تومان و برای مضا نشدن آن یک تومان از او گرفته میشود نیز تذکره باو داده خواهد شد

فصل چهارم — شخصی که بی تذکره باشد احدی حق ندارد در قهوه خانه یا مهمانخانه یا در خانه یا کاروانسرا او را پذیرائی نماید و جای دهد و هر کس این قبیل اشخاص را جای دهد یا خبر شود که دیگری جا داده و بمأمور تذکره خبر ندهد از ده تومان الی بیست تومان جریمه از او گرفته خواهد شد و اگر قدرت دادن جریمه نداشته باشد

از سه ماه الی شش ماه مجلس خواهد بود

(خاتمه)

نظم و اجرای این کار موقوف بحسن توجه و احکام و اوامر وزارت جلیله داخله و وزارت
جلیله خارجه میباشد

بسم الله تعالی

بانک شاهنشاهی ایران

دیباچه — بملاحظه اینکه مقرراتی بین دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و بارون ژولیوس رویطر منعقد بود چون
آنچه لازم بر طرف کردن و رفع اشتباه از نامچه با بارون ژولیوس رویطر مذکور در ۲۵ ماه ژولیه ماه گذارده فسخ
انعقاد و امتیازی عطا شده بود چون معدوم گردید با اتفاق طرفین مراتب مفصله ذیل برقرار شد

(فصل اول)

بموجب این امتیازنامه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری به بارون ژولیوس رویطر و شرکاء یا نمایندگان او در مملکت
ایران حق احداث یک بانک دولتی موسوم به بانک شاهنشاهی ایران میدهد

مدت — حق مزبور برای مدت شصت سال ابتدا از تاریخ امضای این امتیازنامه توسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی
عطا میشود

مقر و شعبات — مقر مخصوص و مسکن بانک در طهران مقرر میباشد و بانک مزبور خواهد توانست در شهرهای دیگر
ایران و در خارجه شعبات قرار دهد

اقدامات مختصه — محض بسط تجارت و ازدیاد ثروت ایران بانک شاهنشاهی هر گونه دست در اعمالی که متعلق به [?]
عامه است باخرج خود یا بجمع شرکاء اقدام در تمام کارهای محاسبه و صنعتی و تجارتی که برای انجام
مقصود نافع بداند خواهد کرد

تقدم — بانک شاهنشاهی حق خواهد داشت و او طلب امتیازاتی که دولت ایران بخواهد بدهد و بموجب
این امتیازنامه دولت علیه حق تقدم را در صورت تساوی شرایط به بانک مزبور میدهد

بانک حق نخواهد داشت در هیچ صورت ملک ایران گرو بگیرد یا قبول کند و غیر منقول از قبیل املاک و اراضی
و دهات و غیره خریداری بنماید مگر اراضی برای یک بنای کافی در طهران و شعباتش در سایر ایالات لازم داشته
و نیز قدغن اکید است که بانک مزبور برات دولتی را که حواله به نقد است تنزیل کند و یا در عوض آنها قرض بدهد

(فصل دوم)

سرمایه — سرمایه این بانک مبلغ صد کرور فرانک تعیین شد که چهار کرور لیره انگلیس خواهد بود بعد از انعقاد
اسهام احداث خواهد شد که بانک آنها را دسته دسته نشر خواهد داد هر وقت که تقسیم قسمت

اول سرمایه بیست چهار کرور فرانک یا یک کرور لیره انگلیسی مضافاً بانک مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهند کرد بعد مقتضای
تقسیم سرمایه در شعبه‌های مختلفه خصوصاً در طهران لندن پاریس پطرزبورغ و بلغیه وضع خواهد
درصورتیکه دولت علیه ممالک مختلفه اجازه بدهد

اسهام باسم حامل خواهد بود ولی بانک اسهام اسم دار هم میتواند نشر بدهد بانک مزبور میتواند هر وقت
مقتضی بداند سرمایه و عدد اسهام خود را باذن دولت علیه زیاد کند

(فصل سیم)

نشر بیته (اسکناسها) — بانک شاهنشاهی چون بانک دولتی است حق مانع الغیر نشر بیته‌ها (اسکناسها) را باسم
خواهد داشت که بمحض رویت قابل الادا خواهد بود برای مساعدت بسط اعتبار
حالیه و محض تکثیر جریان مسکوکات نقره و ازدیاد نشر مسکوکات طلا بانک بروفق
فی حیث انکه تعهد میکند قبول وضع یک عیاری میکند مبنی بر تومان طلا در مدت ده سال
اول تشکیل بانک دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری و دستورهای بانک بنحو قرار
و مدارک لازمه را برای وصول بمعنی مقصود خواهد داد معهذا النظر باقتضای
وضع حالیه مسکوکات نشر بیته‌های بانک شاهنشاهی بروجه اغلب بر پایه وراق
نقره خواهد بود

یعنی اسکناسها را تمام عمال دولت علیه قبول خواهند کرد و در تمام معاملات
ایران رواج خواهد داشت ولی هر یک بانک نتواند قیمت کامل اسکناسهای
عهده را ادا ننماید نشر اسکناسهای بانک در تمام مملکت ایران منع خواهد گردید
و بانک مجبور خواهد بود که قیمت تمام اسکناسهای خود را ادا کند

ضمانت اداء — محض اطمینان ادای بیته‌ها (اسکناسها) بانک مزبور صریحاً متعهد میشود که در سال
اول اقلاً از شروع بکار اقلاً نصف قیمت اسکناسهای منتشر شده خود را و پس
از انقضای این دو سال اقلاً ثلث قیمت آنها را نقداً موجود داشته باشد

بانک شاهنشاهی مجبور است که قیمت بیته‌های خود را بمحض رویت در هر کجا نشر شده اند ادا کند معهذا اسکناسهای
شعبات خواهند توانست در طهران ادا شوند
بیته‌های بانک بزبان ایرانی خواهد بود و بانک نخواهد توانست بدون اذن دولت علیه ایران اسکناس کمتر
از دو قران نشر بدهد بیته‌های بانک علامت یا مهری خواهد داشت که مبین ثبت دفتر ایران باشد و محض
خوانا بودن با مطابق یک دیگر یا تزویر و با مطابق نمونه از عمده تاسیس که در کجا نشر شده اند
دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری متعهد میشود که در طول مدت این امتیاز ناحیه هیچ نوع مسکوکات
کاغذی نشر ندهد و اجازت هیچ بانک یا تاسیس را که صاحب اینگونه امتیاز باشد اجازه ندهد

(فصل چهارم)

دولت علیه ایران سرمایه بانک را ضمانت نمیکند و نخواهد توانست بعد خود خریدار اسهام بشود و یا در
اسهام مساعده شعبه حق گردد تا به قدر خمس سرمایه منظوره و یا بعموم مراقبت کنند

اداره بانک — تقسیم سرمایه باسهام و عدد و قیمت بیته‌های بانک مطلقاً بدولت فصل سیم این امتیاز
و نظم و نظارت بانک و تعیین روسا و اجزاء چه در ایران و چه در خارجه
بعهده بانک با شرایطی که میتواند برد و مخارجی که لازم است
خطر کلی به عهده ریاست صاحب امتیاز خواهد بود

مامور مخصوص — دولت علیه ایران مراقبت نامه مخصوصا در بانک مواظب یک نفر مامور محترم
سعی کند حاضر خواهد ساخت ولیکن مامور حق خواهد داشت از نظارت بانک
اطلاع حاصل کند و مواظب باشد که صادرات بانک بروفق این امتیاز باشد
مامور مزبور هر وقت دعوت شود بر حسب تکلیف در مجالس عمومی اسهام داران
و همچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور بهم خواهد رسانید و شرح
بانک را مقابله خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت که مراسلات
فصل سیم این امتیاز ناحیه رعایت شود و مراقب روابط بانک با دولت

دولت علیه بر عهده اوست و نخواهد توانست در تحت نظارت اعمال بانک خود را داخل سازد و مأمورین دولت
به هیچ وجه از بابت مسئولیت دولت ایران نخواهد گردید

(فصل پنجم)

حمایت دولت — چون غرض از این بانک که تأسیس یافت نفع عامه و خیر دولت علیه دولت شاهنشاهی است
اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت ملوکانه خود را که برای حفظ امنیت مقر اصلی و شعبات
لازم است دریغ نخواهد داشت

دولت علیه ایران اشیاء از اراضی و امکنه را که برای بنای مقر اصلی بانک و شعبات آن لازم شده حق الملک آن را
سهل و به وجه عادلانه و حتی‌الامکان به بانک عطا نماید بانک و شعبات آن از اراضی دولت خواهد ساخت

معافیت بعضی از مالیات و واردات — خود بانک و بناهای او و شعبات آن کلیتاً از هر نوع مالیات و واردات معاف
خواهند بود و همچنین احکام و اسکناس‌ها و قبوض‌ها و چک‌ها و جمیع اسناد که
که در باب امورات و داد و ستدهای او از طرف خود بانک صادر می‌شود
نیز معاف است ولی هرگاه دولت در مملکت خود مالیات تمبر را قرار
بدهد بانک هیچ برات و سندی را نخواهد گرفت که تمبر دولت
علیه را نداشته باشد

(فصل ششم)

عملیات صرافی بانک — بانک شاهنشاهی در سهولت تأدیه‌جات خزانه عامره هم در ایران و هم در خارجه
کوتاهی نخواهد کرد و برای هر خدمتی که دولت علیه به او رجوع کند کمال کفایت را خواهد داشت
و در تنخواه بانک حقوقی باید در اقتضای بانک داده شود همین خود معامله خواهد نمود

قرض دادن به دولت — پس از تشکیل و ابتداء سرمایه خود بانک شاهنشاهی تعهد می‌کند مبلغ ... کرور فرانک
یعنی چهل هزار لیره انگلیس برای مدت ده سال سالی صدی شش تنزیل به دولت
اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد و بعد از آن شمول و شرایط ...
بنابر امر اعلیحضرت اقدس شهریاری از بابت صدی شش منافع خالص ...

... امتیازنامه به پیشگاه سلطنت تقدیم شده است محسوب خواهد گردید
فصل ... امتیازنامه

علاوه بر آن بانک شاهنشاهی پیوسته پس از تشکیل حاضر خواهد بود از برای تأدیه وجوه پیشکش و استقراضاتی که
دولت علیه لازم داشته باشد و از طلب تأخیر ودیعه و وجه قرار بدهد آن استقراض بین دولت و بانک
داده خواهد شد و یا اینکه به عوض ربح معادل آن وجوه پیشکش و استقراضات را بانک از وجوه موجودی
که باید در صندوق حاضر داشته باشد کسر خواهد نمود این وجوه پیشکش و استقراضات را دولت علیه
در راس موعدهای مقرره ادا خواهد نمود سر جمع شرایط ملتزماً در آخر هر سال مالیه ایران یعنی
در آخر حوت داده خواهد شد اولین این وجوه پیشکش که غیر از مبلغ ده کرور فرانک فوق الذکر است
تا ... ده کرور فرانک یعنی دویست هزار لیره انگلیس و دو سالی با صدی شش تنزیل خواهد بود

(فصل هفتم)

حصه منافع — در آخر هر سال مالیه ایران (آخر حوت) بانک شاهنشاهی باید صدی شش منافع خالص
انسال خود را به دولت شهریاری اعلیحضرت اقدس شهریاری بدهد و یا تخفیف ... سال ورود
در صورتی که حصه منافع صدی شش مذکوره در یک سال کمتر از صد هزار فرانک یعنی
چهار هزار لیره انگلیس نشود بانک مجبور است که این مبلغ را کاملاً تا چهار هزار لیره
کسر آن را هرچه خواه باشد در خرج منافع خود محسوب بدارد و هرگاه حق
داشته باشد و ... فی الوجوه آن را بابت حصه منافع که نتیجه عمل سال آینده است ... بود

(فصل هشتم)

ضمانت — وجه ضمانت چهل هزار لیره انگلیس که ... مستقیم و معادله ... در بانک انگلیس گذارده بود حالا برای ضمانت تشکیل بانک شاهنشاهی خواهد
فردای روز شروع عمل بانک در طهران دولت علیه ایران مسترد نموده
لازم شود بابت اخراج چهل هزار لیره مذکوره از بانک انگلیس ...
... هرگاه ابتداء از تاریخ امضای این امتیازنامه به توسط ...

اعلیحضرت اقدس شهریاری تا مدت نه ماه بانک شاهنشاهی دایر نشود وجه ضمانت مزبور بدولت ایران متعلق خواهد [بود]
و این امتیازنامه معدوم و ساقط الاعتبار خواهد بود مگر در صورتیکه بین بعضی دول بزرگ اروپا جنگی برپا
شود و یا در صورتیکه دولت ایران در آن جنگ دخالت داشته باشد و یا در وجه هم اتفاقات فوق العاده

(فصل نهم)

قواعد بانک — در حین تشکیل بانک شاهنشاهی بانیان او قواعدی را که بموجب آنها باید بانک
دائر شود تنظیم خواهند داد و آن قواعد باید مطابق مدلولات این امتیازنامه
باشند پس از تشکیل بانک قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر بموجب قرارداد
مجلس عمومی صاحبان سهام و مجلس مزبور باید در تغییراتیکه جاری میسازد حفظ
درکمال مدلولات این امتیازنامه را بنماید

(فصل دهم)

حمایت — برای اجرای و حفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامه داده شده بانک مزبور در تحت
حمایت بندگان اعلیحضرت شهریاری و دولتشان خواهد بود و بانک هم متعهد میشود
که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم داشته اطاعت نماید

محاکمه — در صورتیکه بین دولت و بانک و یا بین بانک و سایر مردم اختلافی ظاهر گردد
هر یک از طرفین یک نفر حکم منتخب خواهد نمود و قرارداد آن دو حکم
قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین دو حکم آن دو حکم حکم ثالثی
منتخب خواهند نمود که حکمش بدون رد قبول و اطاعت خواهد شد

(فصل یازدهم)

معادن — از آنجائی که بانک شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء تمام وسایل استخراج ثروتهای
طبیعی مملکت خود را بکمال جدیت بکار ببرد دولت علیه ببانک مزبور در
تمام مدت این امتیازنامه امتیاز مانع الغیر قطعی میدهد که در تمام
مملکت ایران معادن آهن و مس و سرب و زیبق و زغال سنگ

(۱۱)

و نفت و مانگانز و بوراق و آنتیمونی را که متعلق بدیوان نباشند و قبل از وقت بدیگران واگذار نشده اند
دایر نماید حقوق معاف این امتیازنامه دولت علیه ایرانی در روز امضای این امتیازنامه به بارون
ژرولیوس رویتر صدور رسمی معادن را خواهد داد و قبل از وقت بدیگران واگذار نشده اند معادن طلا و نقره
و سنگهای قیمتی و آن قطعاتی که در فوق ذکر نشده اند متعلق بدیوان میباشند لاغیر و مهندسین بانک هر وقت آنها را
کشف بکنند مجبورند فوراً کشف آنها را بدولت بندگان اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهند

دست مزد — غیر از مهندسین و سرکارگانی که ضروری میباشند تمام عملجات معدنچی که برای
دایر نمودن معادنش بانک احتیاج دارد از میان تبعه بندگان اعلیحضرت
اقدس شهریاری منتخب خواهند شد دولت علیه ایرانی تمام وسایلی که در دست
دارد بانک را اعانت خواهد کرد از اینکه دست مزد عملجات از روی نرخ
عادله وقت برایش میسر شود

تمام معادنی که بانک ده سال بعد از تشکیلش شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد منسوخ ملاحظه خواهند شد که بانک
مزبور صرف نظر از آنها نموده است و دولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه
بانک صاحب امتیاز بتواند مانع شود

(فصل دوازدهم)

اراضی مجانی — اراضی که برای دایر نمودن آن معادن و برای ساختن یک راه مراوده با طرق عمومی و نقل [illegible]
لازم باشند آنچه متعلق بدیوان است از جانب دولت علیه مجاناً
ببانک داده خواهد شد هر گاه در مسیر این راه مراوده املاکی یافت شوند
متعلق باشخاص متفرقه دولت علیه ایرانی بانک را در خرید آن املاک از
صاحبانش بتمام وسایلی که در دست دارد اعانت خواهد نمود

معاف از گمرک — ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن بخاک ایران داخل خواهند شد بدون
اینکه هیچ حقی بدهند اراضی و ابنیه متعلقه بآن اداره جات معدنی

از مالیات و عوارض خواهد بود

(فصل سیزدهم)

منفعت دولت — از منافع خالص تمام معادنی که بانک [illegible] دارد [illegible] دولت علیه ایران سالی شانزده در صدش را اخذ خواهد نمود

رجعت بدولت — در انقضای مدت این امتیازنامه اراضی که برای معادن دایر شده‌اند با ابنیه آنها و ادوات و متعلقات مطابقاً لقواعد النفع در هر باب [illegible] حال استعمال باشند بدولت علیه ایران تعلق خواهد گرفت

(فصل چهاردهم)

ترک — بارون حقوقی که بموجب این امتیازنامه به بارون ژولیوس رویطر و اکنون [illegible] از بارون مذکور صریحاً اقرار بر ترک کامل به استثنای تمام حقوق و امتیازاتی که را علیحده در فصل ۳ امتیازنامه قدیم مورخه ۲۵ ژوئیه ماه یکهزار و هشتصد و هفتاد و دو عیسوی که بواسطه این شروط معدوم و ساقط الاعتبار گردیده است [illegible] منعقد شده بود

این قرارنامه در شهر [illegible] سنه یکهزار و سیصد و شش هجری مطابق شهر [illegible] سنه یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی در دارالخلافه طهران نسخه‌ای نوشته شد

(دستورالعمل مجلس تدقیقات امتیازات)

چون دولت ابد مدت قاهره دیده است که امتیاز بعض موادرا از قبیل تشکیل بانک و
تأسیس راه آهن و ترامواه و انحصار دخانیات و اخراج معادن از جبال
و قطع اشجار ~~جنگلی~~ از جنگلها ~~و غیره و غیره ممالک محروسه ایران را~~ [و امثال آنها]
با شرایط ~~امتیازات موقته~~ [موقتی] به کمپانیها داده و بعد از این نیز امتیاز
سایر موادرا خواهد داد محض اطمینان دولت علیه از حسن جریان امور
امتیازات کمپانیها و حل بعض ~~...~~ [سایر مشاکل و مشکلات که ممکن است در آینده پیش آید]
و رفع و فصل دعاوی که فیما بین اشخاص و کمپانیها ظاهر شود لازم
دیده شد که مجلسی مرکب از صاحبان وقوف با اسم (مجلس تدقیقات
امتیازات) تشکیل و مأمور به تدقیقات امور مذکوره نمایند
تکالیف مجلس مذکور را از قرار این دستورالعمل معین فرمایند

(فصل اول)

این مجلس مرکب از یک رئیس و پنج ~~اعضا~~ [نفر اجزا] و یک منشی خواهد بود و اول

۲

رئیس و منشی مجلس باید که لااقل زبان فارسی زبان فرانسه یا یکی از السنه
خارجه را لااقل بدانند و ~~اعضا~~ [اجزا] نیز لازم است که دارای صفات لازمه ممیزی
در امور محوله باشند

(فصل دوم)

چون صورت امتیازنامه های کمپانیها را بمجلس داده خواهد شد در روز شنبه
و چهارشنبه هر هفته ~~اجتماع نموده~~ [در مجلس حاضر شده] بتدقیق و تمیز و ترافع امور محوله خواهند پرداخت
اشتغال ورزیده نتیجه هر امر را بتوسط مقام منیع وزارت عظمی بخاکپای همایونی
معروض خواهند داشت

(فصل سوم)

از عهده تکالیف این مجلس است که مستمراً معاملات و حرکات کمپانیها را
تدقیق و تحقیق کرده در هر اداره حرکتی مغایر شرایط امتیازنامه های کمپانیها
صادر شده باشد ~~میشود~~ بعرض برسانند و هر حکمی شرف صدور یابد بموجب
آن حرکت نمایند و دائماً مراقب امور کمپانیها شوند که خلاف شرایط
امتیازنامهها حرکتی وقوع نیابد

(فصل چهارم)

هرگاه در مسئله اشکالی واقع شود بعد از اظهار به وزارت عظمی در حضور وکلای
کمپانیها تکمیل آن مسئله را شور نموده نگذارند ضرری به تبعه و یا دولت قیام نموده خسارتی
بدولت و مملکت برسانند

(فصل پنجم)

اگر کمپانیها از تبعهٔ دولت علیه یا اینکه تبعهٔ دولت علیه از کمپانیها ادعائی
داشته باشند باید به مجلس اظهار نموده مرافعه و محاکمه [illegible]
و در تکالیف مختلفه این مجلس است که از آن قبیل دعاوی را با توافق حق و عدالت ختم نموده
در احقاق حق مساعدت نمایند

(فصل ششم)

هر شخص از تبعهٔ دولت علیه را که این کمپانیها استخدام نمایند و بعد استخدام خواهند
نمود باید که اسامی آنها را به این مجلس فرستاده تحقیق احوال آنها را از این
مجلس التماس نمایند و هیئت مجلس هم مکلف است بعد از تحقیق احوال
شخصیهٔ آنها به وکلای کمپانی جواب دهد یعنی از تبعهٔ ایران کسی نمیتواند بدون اجازه
در ادارات کمپانیها شود مگر اینکه بروات خود را مشترفی به مجلس نماید

و در آبرومندی و وطن‌پرستی خودسندی تحصیل کنند

(فصل هفتم)

برای اینکه صاحبان امتیاز از تشکیل این مجلس اطلاع کامل حاصل نموده
مجلس مذکور را در مطالب راجعه به امور مذکوره مرجع دانند لازم است
که از مقام وزارت عظمی نسخهٔ از این دستورالعمل بجهت سفرای کرام دول
متحابه مقیم دربار پایتخت رسماً فرستاده شود که آنها به تبعهٔ خودشان
ابلاغ نمایند

(خاتمه)

اجزاء این مجلس از نفرات معین خواهند شد
یک نفر که سمت ریاست خواهد داشت از طرف وزارت عظمی
از وزارت خارجه یکنفر
از وزارت تجارت یکنفر از وزارت داخله یکنفر از طرف مجلس شورای ملی دو نفر
از طرف حکومت دارالخلافه یکنفر

بسم الله خیر الاسماء

بر همه معلوم است که: چون از بدایت ظهور دولت علیهٔ ما تا یکصد و پنجاه سال قبل رعایت کامله باحکام مقدسهٔ قرآنیه و قوانین منیفهٔ شرعیه میکردید از این جهت قوت و قدرت سلطنت ما و معموریت مملکت و رفاه رعیت واصل مرتبهٔ غایت شده بود.

ولی از صد و پنجاه سال باین طرف بواسطهٔ غوائل متعاقبه و اسباب متنوعه نه انقیاد بشرع شریف و نه امتثال بقوانین منیفه کردیده و این دو قوت و معموریت قدیمهٔ دولت و مملکت بالعکس مبدل بضعف و فتور و فقر و خرابی کشته و میکردد.

بعد این واضحست هر مملکتی که در تحت ادارهٔ شرعیه نباشد پایدار نخواهد شد از جمله از روز فیروز جلوس ما تا کنون افکار خیریت آثار ملوکانهٔ ما نیز فقط مخصوص بقضیهٔ نافعهٔ اعمار مملکت و احیا و ترفیه اهالی و فقرا بوده و نظر بموقع جغرافیائی ممالک دولت ما و اراضی پر برکت و قابلیت و استعداد خلق آن هرگاه متشبث اسباب لازمه کردیده شود بدیهی و اشکار است که بیاری خدا در ظرف پنج و ده سال مقصود مطلوب بحصول خواهد پیوست.

لهذا لازم و مهم دیده شد که من بعد اعتماد بعون و عنایت حضرت باری و توسل و استناد بامداد روحانیت حضرت پیغمبری (والتحیة الطاهره) کردیده در باب حسن ادارهٔ امور دولت علیه و ممالک محروسهٔ ما بعض قوانین جدیده (که موافق شرع انور و مطابق امر و قابلیت اهالی و مملکت باشد) وضع و تاسیس کردیده شود.

مواد اساسیهٔ همین قواعد و قوانین شرعیه مقتضیه نیز عبارت از قضایای امنیت جان و محافظت عرض و ناموس و مال، و معین نمودن یک مالیات سهل و صحیح المأخذ، و وضع کرفتن و استخدام نمودن مقدار کافی لشکر است.

زیرا در دنیا برای نوع بشر عزیزتر از عرض و ناموس چیزی نیست و این نیز از بدیهیات است که هرگاه شخصی این دو چیز را در تهلکه ببیند اگر باقتضای خلقت ذاتیه و جبلت فطریه میلی بخیانت هم نداشته باشد البته از برای حفظ جان و ناموس مجبور بایقاع بعض کارها و فعلهائی که از این کارها بدولت و مملکت وارد است آن هم واضح و مسلم است.

اما اگر از جان و ناموس خود مأمون و از حکومت مطمئن باشد این هم ظاهر است که بعد از انفکاک از راه صدق و استقامت نموده همه فکر و خیال و عمل همت خود را منحصر بحسن خدمت دولت و ملت و مملکت خواهد ساخت.

و همچنین در حالت فقدان قضیهٔ امنیت مال هم احدی از دولت و ملت مطلقا [illegible] دست از آبادی مملکت خواهد کشید و [illegible] خود را بحوائج [illegible] آخر الامر اندیشه و اضطراب رهائی نخواهد جست.

ولی در زمانیکه امنیت کامله از اموال و املاک خود داشته باشد همیشه اشتغال بکار خود کرده اقدام بتوسیع دایرهٔ معیشت خود میکند و محبت و غیرتش روز بروز افزوده دولت و ملت خود را دوست داشته اقدام تام بحسن خدمت مینماید.

چون هر دولت از برای تامین آسایش بلاد و حفظ مال و جان و ناموس عباد و دفع هجوم اعادی مجبور بنگاهداشتن لشکر و تدارک مهمات حربیه و این هم محتاج بنقد و حصول نقد نیز منوط بگرفتن مالیات از اهالی مملکت است لهذا دولت علیهٔ ما مجبور است که مأخذ سهل و صحیحی از برای مالیات معین نماید.

اگرچه چندی قبل اهالی مملکت از بلیهٔ مشئومهٔ [illegible] که اسماً مالیات دولت اما حقیقتاً مداخل حکام و عمال بود رهائی یافت و در عوض آن بلیه قاعدهٔ التزامات وضع کردید و حال [illegible] از این قاعده هم تا کنون ثمرهٔ نافعه مشهود نگشته بلکه روز بروز مضرات آن افزوده میشود.

زیرا مملکتی را بطریق التزام بید واحد سپردن مثل اینست که مصالح سیاسیه و امور مالیه و رقبهٔ رعیت را بپنجهٔ جبر و قهر حاکمی سپرده شود و شکی نیست که هر حاکمی بقاعدهٔ التزام نائل حکومت مملکتی شود منفعت شخصیهٔ خود را مرجح بکشورداری قرار داده بنیاد ظلم و بیدادی را خواهد گذاشت و باعث خرابی مملکت و پریشانی فقرا و رعیت خواهد شد.

پس دولت علیهٔ ما لازم و اهم دانست که وضع [illegible] را مرفوع و مقدار مالیات را در نسبت ثروت و منفعت املاک و اراضی و مداخل اصناف معین کرده [illegible]

احدی از حکام و غیر مدیرین اجزای دولت و خارج از قانون دیناری از اهالی نگیرند .

اعلاف کلاب و زغیره

(اعتبار) و لازم است که مقدار لشکری که جیری و مخارج و مواجب سالیانه آنها معین گردیده از تخطی

(دادن) بی قرض و مواجب بجا اجتناب نمایند .

و اگرچه از برای محافظت وطن لشکر دادن از عمده تکالیف اهالی اسلام است و لی تاکنون باید
وضع که نقل و استخدام نمودن لشکر اعتنا نکرده و نفوس موجوده دهات و قصبات بنظر دقت
نیاورده از بعضی جاها بیشتر از درجه تحمل و از بعضی جاها کمتر از نسبت نفوس گرفته و مدتی هم
برای استخدام آنها معین نکرده است .

حال آنکه بقای این قاعده غیر منتظم چنانچه باعث اختلال مواد نافعه زراعت و تجارت
ها نظر هم الی آخر العمر استخدام هر فرد سبب فتور لشکریان و مستلزم انقطاع نسل
و این هم موجب اضمحلال دولت است .

پس لازم و حتم است که کافه نفوس اهالی ثبت دفتر دیوان گردیده قانون لشکر گرفتن
و نگاهداشتن هر دولتی از دول منتظمه معظمه که امروزه موافق قابلیت و ترتیب مملکت
(العمل) و اهالی ممالک محروسه ما است همان قانون از روی حکم شرعی و ترتیب داده شده نافذ و دستور
قرار داده شود .

(امکان) و الحاصل تا این قوانین شرعیه موضوع نشود تحصیل قوت و معموریت و آسایش و استقامت
(جبایات) در مملکت نیست و بنای قوانین شرعیه هم از مواد مشروحه مذکوره فوق است .

بنابرین نباید محاکمات دعاوی صاحبان قباحت و جنحه و جنایت باقتضای قوانین شرعیه
(و مرافعه) در محضر مجلس مرکب از اعضا که اهالی انتخاب میکنند بدون تفریق اجرا گردیده بدون
ثبوت و صدور حکم در حق احدی خفیاً و جلیاً اجرای معامله تسمیم و اعدام جایز نشود
و از جانب همایون نباید در تقویت ملت و دیانت و مذهب تمامی اهالی و تبعه امنیت کامله
داده میشود که نه بایستی از جانب احدی از دولت و کوچک تسلطی بعرض و ناموس هیچکس
نیاید . و هم اهالی در کمال آزادی مالک و متصرف اموال و املاک خود شده از جانب احد

مؤاخذه و تعرض نشود مثلاً در وقوع تهمت با قباحت و جنحه و جنایت و دیگری این واقع بهمت
(الذمه) که وراث و خویشان و دوستان و طایفه و قوم و قبیله مقصر از آن تهمت یا قباحت و جنحه و جنایت بری
هستند لهذا اموال آنها و اموال مجرم مصادره نکرده و وراث مجرم از میراث محروم
نخواهند شد .

چون از جانب همایون ما بمقتضای حکم شرعی و بدون تفریق دیانت و مذهب اطمینان کامل
تمام اهالی ممالک محروسه ما داده شد که در دائره قانون متصرف مال و املاک و فقط
جان و ناموس و مظهر آزادی کامل باشند لازم شد که قرار بسایر مخصوصات هم داده
شود و از برای استحکام این کار اعضای مجلس احکام عدلیه بقدر لزوم افزوده اسناد و
رجال دولت ما نیز در بعضی ایام که معین خواهد گردید در این مجلس حاضر شده قرار نمایند
ضبط و ربط و حسن اداره امور مملکت و حفظ مال و ناموس و تعیین و اهالی و طرح و
(ارائتاً) توضیح رعایت و صرف مالیات دولت ما بدهند و هر شخص آرای خود را در کمال آزادی
دقت را هم بیان نماید .

و از برای اصلاح احوال حاضره قشون یعنی امرای کاراگاه لشکر در دار شورای عسکری منعقد
مجلس مشورت نمود یا قانون عسکری یکی از دول معظمه را حیثاً با اصلاح موافق کرده و یا
اینکه مجدداً قانونی نوشته عرض نمایند که از جانب ما هم ما بالای آن دستخط توشیح
گردیده الی ماشاء الله دستور العمل گرفته شود .

(و (علوم)) و تکالیف (مقام و مأمورهٔ صدارت) و (وزارت داخله) و (خارجه) و (مالیه) و (حربیه)
و (بحریه) و (علوم) و (فواید) و (اوقاف) و (عدلیه) و (ولاة) و (حکام) و (انتظامیه
حکومت) و الحاصل تمامی مستخدمین در خدمات داخله و خارجه دولت بطور قانون معین
گردیده قوانین مذکوره را چه در پیش تقدیم نمایند که بالاخره از جانب همایون ما بالای آنها دستخط
و توشیح گردیده موجب آن عمل شود .

چون تمام قوانین مذکوره محض احیای دین و دولت و ملت و سلطنت تحقیق و توثیق خواهد گردید

از جانب همایون ما عهد و میثاق کرده که ادنی حرکتی در خلاف قوانین بظهور آورده نشود و
در اطاق خرقهٔ شریفه که کافهٔ علما و سادات و امنا و رجال و اعیان مملکت حاضر بودند از برای
تأکید عهد و میثاق قسم بالله خورده شد و علما و امنا و سایرین هم قسم خورده‌اند که در خلاف
قوانینی که تأسیس شده و خواهد شد حرکت نمایند.

پس لازم آمد که قانونی موافق شرع و عرف از برای مکافات و مجازات علما و سادات و امنا
و عموم نوکر و اهالی تحقیق و ترتیب کردیم هرکس خواه ذکور و خواه اناث خارج از تکلیف خود
بعضی خلاف قوانین موضوعه حرکت نماید بدون مراعات مرتبت و مجاملت رسمی و غیر رسمی
در نسبت قباحت و جنحه و جنایت ثابته تأدیبات و تجزیات قانونیه را کاملاً در حق اشخاص بموقع
اجرا گذارده شود [امانتی و تقریب و حبس زیاده از یکسال و اعلانات ادارهٔ حربیه و اعدام و نفی
بحکم همایون ما اجرا میشود.]

و چون در دولت ما استحقاق مواجب و معاش مشروط بخدمت است برای هر مأموریت
مواجب مرسوم کافی بدرجهٔ ثلاثه معین نموده بموجب حکم ما در زمان خدمت ماه بماه از خزانه
محل خدمت مأمورین با قبض مهرداران خزانه بدهند و از وزرا و رجال ما در زمان معزولی حقوقی
که نصف مواجب زمان مأموریت خود شان را باسم (معاش مطبوع) از خزانه دریافت نمایند و
همچنین هر مأمور غیر مقصر که بنا بالجاء سیاسی از مأموریتشان معزول شوند در زمان معزولی
نصف و یا تمام مواجب ایشان داده خواهد شد.

اما امرا و صاحب منصبان و سایر افراد قشون در خدمت دولت مقتول و از عمل مانده شوند همگی
کافهٔ بخود ایشان و عائلهٔ ایشان داده خواهد شد مواجب معمول و محل مأمورین مادام الحیات
و مواجب مذکوره عائلهٔ آنها تا سن بیست و یک و اناث ایشان تا زمانیکه ازدواج داده میشوند
و همچنین از مأمورین کشوری هر شخصی چهل سال بدون تقصیر بدولت خدمت نماید یا اینکه
در خدمت دولت مقتول شود از برای ایشان مواجب خانه نشینی داده میشود و در حق
عائلهٔ ایشان مثل صاحب منصبان قشون معاش داده خواهد شد و از برای مواجب مرسوم

قانونی نوشته شرایط و درجات معین خواهد گردید.

و هر مأموری حسن خدمت و ابراز صداقت و استقامت نماید روز بروز در مسلک خود ترقی
یافته تا بمنصب وزارت و صدارت عظمی که منتهای مراتب دولتی است نائل خواهد شد و ملحوظ
عواطف سنیهٔ شاهانه بالشان و انعام مسرور و ممتاز الاقران خواهد گشت.

فقرهٔ پیشکش و رشوت که شرعاً ممنوع و باعث اعظم خرابی دولت و مملکت است من بعد
شدیداً ممنوع است از برای منع این مادهٔ کریهه در قانون جزا کیفر و مکافات سخت نوشته
و راشی و مرتشی و دهنده و گیرنده پیشکش را بعنوان کیفر مکافات دهند.

چون بمقتضای مفاد این حکم محکم همایون ما تمام رفتار و قواعد و رسوم امور حکومتیه
تغییر و تجدید یافت باید که احکام مندرجهٔ این حکم بهر لسانیکه اهالی ممالک محروسه
متفهمند بهمان لسان باهالی و ادارات اعلان نمایند و همچنین صورت از صور این حکم را
بتمام سفرای مقیم دول متحابه در پایتخت ملوکانهٔ ما رسماً بفرستند که بمضمون این حکم
شاهد باشند.

حضرت حق همه را بخیر موفق نماید و هر شخصی که در خلاف این قوانین مؤسسه
حرکت نماید مظهر لعنت ایزدی شده و الی الابد فلاح نیابد.

روز یکشنبه بیست و ششم شعبان سال هزار و دویست
و پنجاه و پنج

خلاصه بودجه پست عثمانی سنه ۱۳۰۰

در مدت یکسال سه کرور و دویست و هفتاد و شش هزار و سیصد و
شصت و پنج طغرا مکتوب عادی و یکصد و چهل و سه هزار و سیصد و چهل و سه
طغرا مکتوب سفارشی و یک کرور و یکصد و پنجاه و شش هزار و سیصد
و بیست و پنج طغرا حکم دیوانی بممالک داخله عثمانی . و سیصد و
و هشتاد و نه هزار و هفتصد و هفتاد و هشت طغرا مکتوب عادی و بیست
و چهار هزار و چهار صد و نود طغرا مکتوب سفارشی بممالک خارجه فرستاده
شده و سیصد و ده هزار و یکصد و پنجاه طغرا مکتوب عادی و بیست و پنج
هزار و پانصد و پنجاه و دو طغرا مکتوب سفارشی از ممالک خارجه گرفته
شده است . از مکاتیب مزبوره مبلغ سیصد و شصت هزار و سی و شش
تومان اجرت گرفته و از این مبلغ دویست و هجده هزار و هشتصد و سی

و پنج تومان ماهیانه و مخارج داده و یکصد و چهل و یکهزار و دویست و یک تومان
بخزانه دولت تسلیم نموده شده است .

خلاصه بودجه تلگراف عثمانی سنه ۱۳۰۰

در ظرف مدت یکسال دو کرور و نه هزار و سیصد و بیست و دو طغرا
تلگرام در السنه شرقیه و غربیه نوشته شده و از اینها این یک کرور و چهارصد
و هشتاد هزار و پانصد و هشتاد و دو تومان و پنجهزار دینار اجرت گرفته
از این مبلغ یک کرور و پنجاه و شش هزار و ششصد و نود و هفت تومان
پنجهزار دینار ماهیانه و مخارج داده و چهارصد و بیست و سه هزار و
هشتصد و هشتاد و پنج تومان بخزانه دولت تسلیم نموده شده است .
از این تذکره معلوم میشود که تمامی مداخل وزارت تلگراف و پست
دولت عثمانی عبارت از یک کرور و شصت و پنجهزار و هشتاد و شش تومان بوده است

بنا بالتماس رئیس جمهور اتازونی امریک اعلیحضرت سلطان حکم کرده است که
از روز جلوس خود تا حال هر کتابی که تالیف و ترجمه شده دو نسخه از آنها
بکتابخانه ملتی اتازونی بفرستند . وزارت علوم بعد از رجوع به ثبت کرده
واضح شده است از اول سلطنت اعلیحضرت عبدالحمید خان تا حال
هشتصد و بیست و دو کتاب که عبارت از دو هزار و یازده مجلد است
در دار الترجمه و در خارج تالیف و ترجمه و طبع و نشر شده است .
از هر کتاب دو عدد خریده و بمطبعه عثمانی فرستاده که آنها را بوضع مرغوب
جلد کرده بوزارت مشارالیها بدهند که از جانب سلطان بامریک
ارسال بدارند .

و اعلیحضرت سلطان مقرر نموده اند که از این کتابها و بعد از این هر چه ترجمه
و تالیف میشود یک قطعه خریده بکتابخانه عمومی اسلامبول بگذارند .

جریدهٔ حوادث میگوید : قونسول روس مقیم بغداد بوزارت خارجهٔ دولت
متبوعهٔ خود نوشته که بجهت ناخوشی وبا که در کربلای معلا حکم خودرا
اجرا میکند در حدود روس که متصل بخاک ایران است (کرانتین)
بگذارند . زیرا مأمورین (کرانتین) ایران از زوار وعابرین رشوه گرفته
بر (کرانتین) نگذارده اذن دخول بداخلهٔ ممالک ایران میدهند .

(طریق) میگوید : از مشاهیر اشقیای ایران ملا صادق نامی در
بیست وسیم حزیران بجهت دزدی از خط حدود قفقاز بجوار
(سوره) گذشته قزاقها خواسته اند که او را گرفتار نمایند تسلیم نشده و
با قزاقها جنگیده قزاقها نیز او را کشته اند .

موسیو (کیدرس) نایب دوم سفارتخانهٔ اسلامبول از جانب دولت
روس بسفارتخانهٔ طهران نایب اول معین نموده شده است .

مستر (استفانسون) نامی از صرافان انگلیس یک شرکت خیلی معتبر
تشکیل کرده واز دولت انگلیس استدعا نموده است که اذن واجازه
بساختن راه آهن از هندوستان با فغانستان واز افغانستان بایران
بدهد . بجهة ساختن راه آهن مزبور نود وشش کرور تومان مقتضی
بوده است . اگر دولت علیه ایران وامارت افغان اذن باستخدام
سرباز در راه آهن بدهند انوقت شصت وچهار کرور تومان لازم بوده است

ایضا طریق میگوید : امیر افغان خیال داشته است که عبارت از
هزار نفر یک فوج سوارهٔ خاصه تشکیل نماید امرا وخوانین قندهار
وکابل بصاحب منصبی همان فوج انتخاب خواهند شد . ودر کابل هر یک
باروتکوبخانه میسازند . اشخاصی که با ایوب خان مکاتبه داشته اند
در کابل گرفتار گردیده بمحبس انداخته شده اند . عبدالرحمن خان

خیال داشته است که سکه از طلا باسم خود بزند . درقندهار چهار فوج سواره ازجدید تشکیل کرده اند . بجهة استکشاف بعضی ارضا منصبان از رودخانهٔ جیحون گذشته از حاکم میمنه اجازه خواسته اند که طرف هرات روند حاکم موما الیه آنها را دوازده روز توقیف کرده بعد از امیر عبدالرحمن خان حکم رسیده بعزیمت آنها اذن داده است .

از جانب اعلیحضرت پادشاه ایران دو نفر شتر خیلی کوچک على طريق الهدیه بباغ وحش پاریس فرستاده شده است شترهای مزبور در محل مخصوص باغ وحش محفوظ خواهند ماند این شترها در حقیقت نادر الامثال بوده ودر اصطبل حیوانات خاصه همایون از اینها فقط چهار نفر بوده است .

مساحهٔ سطحیه اراضی مرو وقطعات متجاورهٔ آن که در این اواخر ازجانب دولت روس ضبط کرده اند عبارت از دویست هزار میل مربع یعنی مملکتی است در بزرگی مملکت فرانسه نفوس ان از قرار ذیل است

وادی مرو	وادی تژن	آتک	مارف
۲۴۰۰۰۰	۲۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	۶۵۰۰۰

ترکمن که فیمابین مرو وبخارا ساکنند
۲۵۰۰۰۰

ازحساب بالا آشکار میشود که تمامی نفوس اهالی عبارت از یک کرور یکصد هزار نفس بوده است . تمامی این اهالی بادیه نشین نیستند درنزدیکی هرات دربعض وادیها ایلاتی از ترکمن درحالت کوچ موجود است که عندالایجاب از اینها صد هزار سواره جرار حاضر میشود . حالا که اینها هم در تحت علم نصرت روس جمع شدند تا ببینیم نتیجه کار بکجا خواهد رسید .

دیدهٔ کلاه دستون روشن !!؟ . . . . .

ترجمه ونگارش چاکر خاکسار محمد عارف مفتی ومترجم زبان عثمانی ۲۶ ع الاول ۱۳۰۱

هوالمبین

مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه

تجارت

واسطه را مینامند که توسط مبادله و معاوضه نتیجه سعی و عمل زارع و صانع مینماید . اگرچه انواع واقسام تجارت متعدد و توضیح اینها از لوازم است ولی چون مقصود فقیر از ترتیم و تقدیم این لایحه فقط درجه مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه را و در ین ضمن حفظ اعتبار محصولات وامتعه داخله و ترقیات صنایع ملیه و محافظت حقوق مالیه دولت را که باسم رسم گمرک از تجار و غیره گرفته میشود بعرض اولیای امور رسانیدن است لهذا از ایضاح اقسام وانواع تجارت صرف نظر نموده محض نمایاندن خاطره خود فقط دو قسمت عمده انرا بعرض عالی میرساند که ازین قرار است :

از نقطه نظر (ایکونومی پولیتیک – علم ثروت ملل) صنعت تجارت را قسمت بدو نوع کرده نوع اول را موسوم بر (تجارت داخلیه) و دومی را بنام بر (تجارت خارجیه) نموده اند .

تجارت داخلیه آنست که مثلا شخص تاجر از زارع مازندران و یا از نساج کرمان برنج و یا شال را که نتیجه سعی و عمل آن زارع ان نساج است ابتیاع نموده و یا بچیز دیگر معاوضه کرده بطهران آورده معاوضه یا بنقد و یا بجنس مینماید .

هر دولتی که میخواهد رواج بتجارت داخله داده محصولات وامتعه خود را در انظار رعیت خود معتبر نماید از محصولات زمینی غیر از عشر و از امتعه داخله غیر رسم تمغا که غیر محسوس باشد رسم گمرک و سلامتی و چیزی دیگر اساساً ازین قبیل رسومات معاف میدارد .

تجارت خارجیه آنست که شخص تاجر یا از ممالک داخله نقد و یا جنس بخارجه فرستاده از انجا یا نقد و یا جنس بداخله می آورد .

درین باب هم بدولت لازم است که مذاکره با تجار و صاحبان وقوف و اطلاع نموده در نتیجه معین نماید که از محصولات وامتعه کدام نوع قابل التدارک و کدام نوع غیر قابل التدارک است و کدام نوع از اشیای داخله مخصوص مملکت خود است و کدام چیز در سایر ممالک خارجه هم یافت میشود .

بعد از انکه این چهار فقره معین شد امتعه که در داخل میتوان تدارک کرد حق دارد که بجهت همان امتعه رسم گمرک زیادی تا در صد بیست و پنج بگذارد که همان اشیا را تجار مجبور شوند که کم از خارج بداخل نیاورده رواج بازآن قبیل اشیای داخله بدهند .

واشیای غیر قابل التدارک اگر ما محتاج است باید که رسم گمرکی که غیر محسوس باشد مقرر نماید اگر ما یحتاج و خرج عامه نیست حق دارد که رسم گمرک خیلی سنگین مقرر کرده نگذارد که داخل در ممالک خود نمایند .

واگرچه از اشیای داخله مخصوص مملکت حق دارد که در یک مرتبه مناسب رسم گمرک بگیرد اما خلاف مملکت داری است که رسم گمرک از چیزی که در سایر ممالک هم بحصول می آید بگیرد .

حالا لازم می آید که بدانیم کدام اشیا بجهت ایران وایرانیان در کدام نوع واقع شده است در همین فقره آنچه بخاطر فقیر می آید از قرار ذیل است :

اولا) آنچه قابل التدارک است بر دو نوع است : نوع اول
اشیای سهل التدارک است مثل رشته پنبه علم وکرباس وچیت
و تماج ومشتی وغیره است که ازین قبیل اشیا را بک ملت جزوی
میتواند اصلاح کرده باب رقابت را باز بروی این قبیل امتعه خارجه بنماید
واین فقره هم بسته بتزیید رسم گمرک ادخالات وعفو رسم گمرک
اخراجات ومصنوعات داخله است .
نوع دوم صعب التدارک است مثل قند خجندی وچیت
فرنگ وپارچهای روس وغیره که ازین قبیل تأسیسات بسته
بهمت بزرگان واعیان واشراف ملت است ودولت حق دارد که
رسم گمرک ازین قبیل امتعه را بشرطی که هر یک سال یک جزو آن کسر شود
مشروط بر بیست وپنج سال در صد بیست وپنج گمرک از امتعه
خارجه گرفته ترقی وامتیاز بجهت اعمال وتکثیر از آن قبیل امتعه
بدهد .
واشیای غیر قابل التدارک نیز از قبیل چای وقهوه وکنه کنه ووانیل
وسایر جوهریات کیمیویه طبیه ومجالسه ساعتهای بغلی واسباب
هندسه والات مخصوصه بصنایع نازک ونفیسه وچراغ و
امثال آنها است که از جهت عدم رواج در داخله وکثرت مخارج
باعمال آنها اقدام باعمال آنها در ایران لازم نیست .
اشیای داخله مخصوص بمملکت از قبیل آلوی ترش وقلم وتنباکو وغیره
اگرچه رسم گمرک در زمان اخراج آن بخارجه رواست ولی بر دولت
واجب است که بذل عاطفت باصلاح وترقی از آن قبیل امتعه
داده تجار خارجه را چنین مجبور نماید که آنها را بکمال میل ابتیاع نمایند
چیزی که در ممالک خارجه هم بحصول می‌آید آنها نیز از قبیل پنبه وتوتون وتریاک
وزیتون وشال وقالی ونمد وامثال آنها است محض اینکه ازین قبیل
اشیا از اشیای خارجه ارزانتر وبهتر بنظرها بیاید لازم نیست که رسم
گمرک ازین قبیل اشیا کمتر شود .

مناسبات تجاریه ایران

اما مناسبات تجاریه ایران بممالک خارجه از ینقرار است
اولا) دولت انگلیس است که در اغلب ظروف چینی وسنگی وادویجات
وچای وقند وحلبی انواع چیت وکرباس ومدقال وچلواری یعنی تک
منسوجات قطنیه وماهوت فرداعلی وبعض پارچه های پشمی وغیره
وشکر سفید وچاقو ومقراض از امتعه ممالک انگلیس است که داخل در
ممالک ایران میشود واز ایران نیز غالی ومازو وتریاک وکشمش و
لاس وآنچیک که هیچ دولتی راضی باخراج آن نمیشود بممالک انگلیس میرود
درین معامله انگلیسها بما پانزده میفروشند ویک از ما میخرند ودر
هر سال ما در پانزده تومان معامله چهارده تومان خسارت داریم .
ومعامله تجاریه انگلیسها در هر سال علی التخمین از هشت کرور تومان
کمتر شود .
ثانیا) دولت عثمانیه است که آلوی ترش وتنباکو وغالی وچیت
اصفهان وغیره وهر نوع شال وزرنیخ وقلم وبرنج وقالی ونافته
وبقچه وپرده ولنگ دارایی ولاس وگوسفند وکرباس خام وپنبه
وغیره از ایران بممالک مذکوره واز آنجا هم بایران شال انگوری وقدیفه
وخاولی بروسه وکلابتون خالص وقلبی وعبای عراق وانگور خشک
وعسل وروغن وامثال آنها فرستاده میشود
در هر سال تخمیناً سه کرور تومان معامله کرده دو کرور ونیم تومان

نفع از عثمانیان بایرانیان عاید میشود .

ثالثا) دولت اطریش والمان است خورده آلات و قلیان و نعلبکی و تمامی

بارفتنی و آینه و کبریت و انواع ساز و بعضی بلور و چینی بدل و پولاد و قند[۲] — ۲ و ماهوت پنبه

و شلم و کمربند و دستمال و چاقو و بقچه و چیت استاری و بعضی پارچه ابریشمی

و خاتانی و پنج جلد هی ازان ممالک بایران و از ممالک ایران بین بممالک خارجه

المانیه غالی ورروه و کشمش فرستاده میشود .

در هر سال علی التخمین از ایران بممالک اطریش المان ه در قیمت چهل هزار

تومان امتعه فرستاده و برای ایران از ان ممالک و کالا در قیمت یک کرور

تومان امتعه بابتیاع اورده میشود .

رابعا) دولت روسیاست از ایران بممالک دولت مشارالیها هر نوع میوجات

و حبوبات و پنبه خام و روغن و ماهی و زیتون و چوب شمشاد و غیره و ترکیجات

و توتون و شراب و تنباکو و جلد کاو و کاومیش و جلد حیوانات وحشیه

و جلد بره و گوسفند و بز و امثال انها و از ممالک روس بین بایران بارفتنی

و سماور و تخته مس و آهن و کرباس کتان و چیت[۲] و بلغار و سارغی و — و برخی شهریانات و کاغذ و نفت و شمع گچی

مشروبات مسکره و صابون معطر و بعضی مصنوعات حدیدیه و امثال

آنها آورده میشود اگر چه نمیدانم در هر سال معامله تجاریه ایران و روس

بچند هزار تومان میرسد ولی اینرا[۳] صحیحا و صریحا میدانم که درین

معامله نفع ایرانیان بیش از نفع روسها است . — ۳ علی التخمین میتوان گفت کمتر از سه کرور تومان نیست و

خامسا) دولت فرانسه است از ایران بممالک فرانسه بادام و غالی و

کتیرا و انواع پوست و شمع عسل و پشم و اثار عتیقه اخراج و از ممالک

فرانسه بممالک ایران قرمز خورده الات و پیانو و کالسکه و ادویه جات

و قند و شیشه و شراب و سایر مسکرات و ماهوت خوب و کلاه بتونا

و ریسمان و منسوجات قطنیه و حریریه و صوفیه ادخال کرده میشود

معاملات تجاریه ایران و فرانسه از ششکرور تومان بیشتر و درین

معامله ضرر ایرانیان از چهار کرور تومان کمتر نیست .

اگر چه ایرانیان با (سویس) و (بلژیک) و (ایتالی) و (امریک) و (یونان)

هم معامله تجاریه دارند و از قبیل غالی و تنباکو بعضی امتعه فرستاده

خورده الات شیشه ماهوت کمربند و بعضی منسوجات ابتیاع مینمایند

اما خسارت این معامله در مرتبه محسوسه نرسیده است .

خلاصه

از مطالعه این لایحه نتیجه که بدست می آید از قرار ذیل است :

معامله تجاریه ایران با ملل خارجه در هر سال علی التخمین بیست و دو

کرور تومان میشود و ازین مبلغ بحساب صد و پنج بخزانه دولت یک

کرور و پنجاه هزار تومان عاید خواهد شد .

و درین معامله[۱] ایرانیان هر سال پانزده کرور تومان از ثروت نقدیه — ۱ صرفی نیست که

خود بملل خارجه میدهند .

و همچنین اشکار میشود که یک قسمت کلی ثروت نقدیه ایران بمصرف منسوجات

قطنیه که از قبیل متقال و چلوار و مململ و تنظیف و هیون و دستمال و چیت و

ماهوت است میرود و این هم عمده متاع انگلیس است که در ما بخستر

بعمل می آید اگر ممکن باشد رسم گمرک که ده صد کمتر از بیست و پنج نباشد قرار

بگذارند از وقت فرع هر چیت که اکنون بهزار دینار میدهند لازم می اید که فرع

همان چیت را بیک ریال بفروشند .

و از پانزده کرور اهالی ایران اگر ده کرور خلق هر سال هر یکی پنجهزار

دینار بجهت منسوجات قطنیه بدهند پنجکرور تومان میشود که رسم

گمرک این مبلغ عبارت از یک کرور و یکصد و بیست و پنجهزار تومان است

دولت میتواند که بعد از شش سال همین مبلغ بدل کارخانه منسوجات

قطنیه ساخته پنبه ایران را در اینجا استعمال نماید .

٢ او شکی — دیگر قند است که علی التخمین در هر سال از مارسیل فرانسه و تریستی
اطریش و هندوستان در قیمت پنجکرور تومان داخل در ایران میشود
لازم است که دولت علیه همان معامله که در باب منسوجات قطنیه مینماید
تابستانی — در باب قند هم مقرر فرماید ولی تدریجاً بطوری از صد و پنج گرفته هر سال
یکعباسی برسم گمرک علاوه نماید

از تمامی مسکرات اگر درصد هفتاد و پنج گمرک و رسوم ذخیره بگیرد
حق دارد .

زری و منسوجات حریریه و صوفیه و انواع ماهوت را اگر بممالک خود نپذیرد
حق دارد .

چون دانستن لزوم و عدم لزوم تمامی امتعه تجاریه بسته بدانستن اسامی
افزارهااست این فقره را واگذار بعهده کمیسیونی که اجزای آن عبارت
از تجار و اصحاب وقوف باشد کرده که کتابچه که آنها در این باب خواهند
نگاشت از آن کتابچه فقره لزوم و عدم لزوم را تحقیق کرده بعد
رسم گمرک را مقرر نمودن لازم است .

واجرای تمامی این فقرات بسته بتفسیخ فصل سوم عهدنامه تجارتی
ترکمان چای است چه در آن فقره دولت علیه متعهد شده است که
از صد فقط پنج رسم گمرک بگیرد
درین موقع امپراطوری روس هم گویا بفسخ این فقره راضی میشود اما
در اعتقاد حقیر بهتر است که بجهت مال التجاره روس تعرفه نوشته
شده بهر اشیائی که ایران و ایرانیان بآن محتاج است درصد فقط
هشت و بهر امتعه که احتیاج نیست در یکصد دوازده رسم
گمرک قرار داده شود و کذلک مال التجاره دولت عثمانی هم مثل مال التجاره

روس شناخته شود چه با این دو دولت مناسبات تجاریه ایران
نفع دارد .

اما هر اشیائی که از ایران بروس و عثمانی فرستاده میشود بهتر است که
ابداً گمرک نگرفته شود اگر این را مناسب ندانند نباید که بیش از دوازده صد
گمرک گرفته شود زیرا اگر رسم گمرک سنگین باشد در تجارت ایران
کسادی بروقوع میاید مثلا امروز یک وقیه یعنی هفده سیر برنج ایران
را در ارضروم ده شاهی است برنج دیار بکر که از برنج اروپ بهتر است
چون وقیه‌ای در ارضروم بجهت کرایه حمل و نقل یازده شاهی است از آن
تخریده برنج ایران را میخرند اگر رسم گمرک سنگین باشد تجار بجهت
عدم رواج نمیبرند و اهالی هم بالمجبوریه برنج دیار بکر را میخرند
پنبه و تنباکو و سایر اشیاء هم ازین قبیل است

۲۸۶ ع

بسم الله الرحمن الرحیم
و به نستعین

این حسینی بر ارباب دانش و ادراک پوشیده و مخفی نیست دول فرنگستان روز بروز بر ترقی و
قدرت سلطنت و قوه عسکریه خود را با درجه اعلی میرسانند و رابطه ایران با اداره خارجه اعلی میباشد
و این همه چنین است که طلا و نقره در مملکت ایشان از زمین بر میآید با تحصیلات و فوق العاده کثیره علاوه بر
آنکه در کار مملکت و رعیت که رابطه و انتظام های لاینفک از ضرر بی کمال عقب است مملکت نشانه شده من جمیع الجهات
که چنین دول فرنگستان در وسعت کشش پیش از اندازه بجان نیست حتی در آنجا و بر ارزانی وارد
خانه هر ایرانی فروخته میشود که ملت ایران با آنهمه غیرت و حس وطن پرستی و بنا از ارزانی جنس خارجه غفلت دارند
و خیال آنهم نمیکنند که روز بروز ثروت و قدرت دول همجوار فزونی میگیرد و آنچه ملت اسلام است باید
باید در فکر و بال بعد و در خیال حفظ بیضه اسلام باشیم الآن که ما هستیم انصاف که ... لا ازالله ...

ایران نسبت بعمل و سیاست علمی آن اشخاص میبرد و چنانچه هرگاه اولیای دولت ابد مدت بهره
بگیرند و نسبت بخارجه دولت و نظم مملکت و ترتیب قدرت سلطنت مدبری کنند بر اینکه عوام و جهال و ملتی
هزار کرور خیالات باطله میبافند و میگویند در این عالم بد عادت است و فقرای ایران که زیر بار سختند سال
قبل از این ملک و کشتی تجارت و راه آهن در دنیا نبود و اگر عقلای ایران بگفته چنین چنین شود خواهد کرد و از آن
نفر مثقلی بار و زمین نبود و چنانچه بعضی از اهل ایران الان آنچه هم بر فرنگ ملک و اسباب هستند و همچنین در یک صد سال قبل در ایران
در ملک ایران ده نفر پیدا نمیشود در ممالک ده هزار آنها هستند و صد یک این تجارت را که الان ابریشم
هند و فرنگستان و روسیه ولایت ... هستند و اینهمه کارکنان در کار و نیل ادب ... عالیه در ملک و ... تعلیم
ایران پیدا نشود و اینهمه سلسله و وسعت که در کار تجارت و اهل مملکت بیش از قبضه قدرت در حضرات ...
و سایر اهل ایران که دیده بودند بسیار ... و خرید و فروش و اسباب چراغ ... و چادر ... و مروج
استعمال کنند و عمارات عالیه از ... و ... بزرگ ... باشند و
چای خوری ... مختلفه استعمال کنند و در حقیقت چه ... و مطعومات ...
که ... ایران ... و ... در ... و چای و ... چنین

بدعجت

در فقره ... که ذکر [illegible] است چون انگلیسیها [illegible] بنده و [illegible] شده و [illegible]

که حصول [illegible] کثیره عاید [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

در [illegible] و تمکین و اطمینان و امنیت خاص است که [illegible] حاصل گردیده و [illegible]

در کره ارض ممالک هر دولت [illegible] و ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] دولت [illegible] که [illegible]

[illegible]

کفیلکم

[illegible] که در ایران [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] که در [illegible]

که ایشان به هیچ وجه [illegible] رعیت [illegible] در ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] در صورت [illegible] دولت [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

قرار تازه [illegible] دولت [illegible]

دولت [illegible] در ایران [illegible] قواعد [illegible]

صد سال است که بتجربه دانسته‌اند که هم اسکناس را ردیف آورده‌اند و صنع نقش و رنگ و کثرت آن

و در ضمانت آن از برقراری آن اعتبار هر خواهش و هنگام ایصال اقرار به … سعی‌ها نموده

و در باب آن از صنعت … که … اسکناس سعی‌ها داشته و میزان … از اوراق و علامات … ۱۱۱

بسنجه از … سلاطین … که اوراق … در مملکت داری و رعیت پروری … کار

که دانسته‌اند که بر خدمات عدیده و اقسام مختلفه از امتیاز هر قسمی را که به مزاج … ولایت

دولت و ملت … و صنع و جهد در آن همه … سعی داشته‌اند چنانکه الآن هم جمیع دول … در وضع

رسومات و قوانین جدیده و بیان … رفتار … و رواج … شرط … ضبط و … قانون

و شروطیست که در ضمن … خاتمه … شود **باب اول** در وضع ورقه …

… که … است بر دو وازده قاعده **قاعده اولی** که عمده و اعظم شروط است …

کاغذها در کارخانه … ساخته شود … کاغذ در وسط آب

… طبیعی نقش شود

قاعده دویم اگر چه حاضر نمودن کارخانه دولت ممکن نشود در ایران … در … فرنگستان …

لا اقل

کارخانه … دولت … ضرورت از همین کاغذها ساخته تحویل … کمان

دولت … و … بر خلاف شرط نامه رفتار کند فلان مبلغ … جریمه

قاعده سیم اندازه هر ورقه باید تعیین شود مثلاً کاغذ این قدری بزرگتر از اندازه یک ورق

ارقام و قیمت و امثال آن باندازه یک ورق منقوش … احکام … و بروات

… بعض … امثال آن اندازه نیم ورق و کاغذ … احکام و تعلیقات و امثال

آن … تمام در اینصورت کاغذ … دوام و … خیره باشد

سهو قلم

قاعده چهارم نشان دولت علیه اسم ورقه و اندازه مبلغ … اجمال در …

چون … دولت در بالای کاغذ … مهر … خطوط … آن …

مهر … ضرورت … همیشه در … جعبه … مهر رئیس … مهر کرده …

مهر … که از جانب رئیس … تعیین شود در … کار باشد

قاعده پنجم بعد از آنکه بقدر ضرورت از این کاغذها حاضر شد عدد هر جزوی … در دفتر مخصوص … ثبت

… که … هر … در جعبه … ثبت …

تا از نقطه مسدود باشد و پس از آن از همان دفتر تحویلداری تحویلدار قبض گرفته شود

قاعده ششم تحویلداران ورقه صحیحه باطلاع رئیس انبار بفروشند اجناس هر مملکت از این کاغذها بفروشند
که در آنجا تحویلداران جزو هر مملکت دایم ورقه صحیحه موجود و حاضر باشد و قیمت آنها را نیز در دفتر جداگانه
با وصاف مرقومه در قاعده پنجم ثبت نماید

قاعده هفتم تحویلداران جزو هر سه ماه یکبار هر چه از ورقه صحیحه بفروش رسیده وجه آنرا به اداره کل
الباقی را پس بدهند که تحویلدار کل قبض بگیرند و در تحویلداری کل جزو تحویلداری جزو آنچه در اداره کل بفروش
رسانیده بخواهد همه را تحویل رئیس انبار که قبض دریافت کند

قاعده هشتم تحویلداران جزو ممالک محروسه در هر سال دو بار بحساب کلیه جزو خود میرسد که
کل وجه قبوض بحساب اینکه از بابت قیمت کاغذ از تحویلداری در دست دارند و بقیه تنخواه کاغذها که فروش
رفته تمام آن پول را و دفتر از کاغذهای دیوان در انبار حضور حواله دست نماید و آنها حساب اداره کل
و هر ساله تا معلوم شود از کاغذها چه فروش شده چه باقی مانده و همان قبض را الفرسته که تحویلداری در جزو جداگانه
که اگر تحویلداران جزو در دفتر حساب خود تعلل ورزند حتما آنها را عزل نماید و اگر از آن کاغذ که بخرند و تحویلداران

۱۹۰

جزو حساب خود را در اداره کل بتحویلدار کل رسانیده تا وقتی که از آنها گرفته شود و کلا از کاغذها چیزی گم گردد
باز نقصان بمصرف داخل شود

قاعده نهم تحویلدار کل که در اداره کل خواهد بود چیزی که از رسول از وجه حساب کل گذشته خود را
باید با این و رئیس انبار هر که او بعرض خاکپای همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه برساند و کلا
از جهت دیوانی و از که وجه حساب خود سالی به هر اداره بیست و پنج تومان سالی به کلا اداره بگذرد
از سال وجه حساب به بعد از اداره مرحمان از شغلش معزول شود

قاعده دهم کلا کسی از اینکه کاغذها که در قرض داده باشند و بخواهند آن کاغذ را عوض نماید
تحویلداران مخصوص نباید بنمایند و مثلا شخصی کاغذ بخواهد در جزو ممالک محروسه رسانیده و کاغذ را لازم باشد
لازم دارد و همان ورقه را به او بدهد و در سال هم نقد تسلیم کند و ورقه دیگر بگیرد و اگر کسی بخواهد تحویلداران
آن ورقه را به شخص دیگری ورقه ملاحظه دارد و بخواهد تحویلداران ورقه ممکن است بیارد آنها را بدل بگیرد
ممنوع است که حکم الف تحویل

قاعده یازدهم سکان و شمس تحویلداران کل و جزو در هر شهر و بلد باید در جای معین و مخصوص باشند و پیش از همه

ایشان هر ساعت از روز رفته الی ساعت بغروب مانده در همان مکان معین حاضر باشند

که همه مردم مطلع شوند حتی روزهای جمعه و اعیاد

قانون دوازدهم تحویلداران کتب و دفاتر و ... از قیمت معینه نباید از مردم زیاده بگیرند هر کس زیاده بگیرد

هر آنچه اخذ نموده مضاعف ... غرامت بدهد در دفعه اول ... در دفعه ثانی معزول شود

باب دویم در اجرا و رواج ورقه صحیحه و تکلیف زن و شوهر و دیگرانیکه مشمول است

قانون اول هر کس از فرامین و احکام ... شرعی و عرفی ... از دربار ... صادر شود

با تعلیقه و حکم وزرای عظام و سران لشکر ... و همچنین ارقام و احکام و ... که حکام و پیشکاران

ولایات ... باید جمیعاً در روی ورقه صحیحه معینه نوشته شود

قانون دویم در جمیع ممالک محروسه در یک تاریخ ... اعلان شود که مردم ...

از همان تاریخ بعد از آن ... شرط ... جمیعاً در روی ورقه صحیحه ...

... مردم ... هر سندی که در روی ورقه صحیحه باشد ... محتاج بتحقیق و تصدیق ... آن ...

... مقام اجرای آن ... کرد

قانون

قانون سیم هر حکمی که از دفترخانه مبارکه ... یا از دیوان عدلیه اعظم یا از وزرای عظام و سران

لشکر و دیگران که ... بعد از تحقیق و غوررسی کامل حکم بنمایند در دفتر ... ثبت

حکم ... تاریخ ... تا بعد مردم ... ازدواج کامل ... بگیرد

قانون چهارم ... ازدواج و حکم ... و دیگر اسناد هر کس ...

و ... اشخاص ... که ... گفتگو ...

صحیحه ... آن سند را ... تاریخ ...

اعتبار ... باشد ... بعد از اجرای عمل و احقاق حق ...

قانون پنجم هر سندی که در روی ورقه صحیحه نوشته شده ... محتاج بتحقیق ... باشد ...

احقاق حق ... خواهد ...

کنند ...

قانون ششم در هر ...

که ورقه زن چهارم و پنجم ...

قانون هفتم چنانچه بر حسب اتفاق در جائی از ممالک محروسه ورقه صحیحه تمام شود و کسی بخواهد عریضه [illegible]

که باید در ورقه صحیحه نوشته شود (هرگاه صبر نماید تا از دارالخلافه ورقه صحیحه برسد مرافعه او که نوشته به صبر باشد

خواهد رسید) از وقت [illegible] در ورقه صحیحه [illegible] با اطلاع اجزای دیوانخانه [illegible]

دیوانخانه [illegible] قبض [illegible] ورقه [illegible] تصحیح [illegible]

[illegible] ورقه صحیحه [illegible] ورقه صحیحه [illegible] از ورقه

صحیحه [illegible] مهر [illegible] دیوانخانه [illegible]

ورقه صحیحه [illegible] نوشته

قانون هشتم عرض [illegible] عارض [illegible] دیوانخانه [illegible] شرط [illegible] شرط [illegible] عارض

مطلب خود را در ورقه صحیحه [illegible] (اسم [illegible] دیوانخانه [illegible]

[illegible] عارض [illegible] عرض [illegible]) شرط دوم عارض [illegible] خط [illegible]

عریضه [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] شرط سیم هر عارض عریضه خود را [illegible]

[illegible]

و قبض از چاپارخانه بگیرد و از وقت [illegible] چاپارخانه که عریضه عارض را [illegible]

از ولایات معین [illegible] شرط چهارم هر عارض عریضه خود را در دیوانخانه [illegible] شرط پنجم عریضه

تاریخ باید داشته باشد شرط ششم کلمات زیاد و عبارات مستهجنه نباید داشته باشد شرط هفتم [illegible]

عریضه [illegible] عارض [illegible] اسم [illegible] خود و [illegible] در ذیل عریضه [illegible] (الحاقات و [illegible]

این واضح است [illegible] تصحیح خواهد [illegible]) [illegible] عریضه را از عارض [illegible] فوراً [illegible]

الا در دفتر مخصوص ثبت [illegible] بترتیب نمره در قطع و فصل [illegible] صرف [illegible]

قانون نهم هرگاه [illegible] در این کتابچه [illegible] در باب [illegible] قیمت ورقه صحیحه [illegible] ورقه صحیحه نیز

قیمت خواهد [illegible]

[illegible] ورقه [illegible]

[illegible] ورقه باطله است و [illegible] مجری و ممضی نخواهد بود

باب سیم در قیمت ورقه صحیحه تمغا است بر چهارده قسم

قسم اول در [illegible]

[illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا [illegible] [illegible]

از [illegible] تا هر قدر [illegible] [illegible]

قسم سیم در فرامین مراتب منصب [illegible]

رتبه یاوری و سرهنگی [illegible] نظام بمقتضای آنکه [illegible] نظام [illegible] قسم

حکم [illegible] رتبه [illegible] آن [illegible] داد

قلم

[illegible] رتبه [illegible] [illegible]

سرتیپ [illegible] [illegible]

سرتیپی سیم [illegible]

سرتیپی دویم [illegible]

سرتیپی اول [illegible]

امیر تومانی [illegible]

سرداری [illegible]

لوای اعظم [illegible]

وزارت [illegible] [illegible]

قسم ششم در فرامین حکومت و پیشکاری [illegible] مراتب

پیشکاری و [illegible] [illegible] [illegible]

پیشکاری [illegible] [illegible] [illegible]

پیشکاری [illegible] [illegible] [illegible]

حکومت [illegible] [illegible] [illegible]

حکومت [illegible] [illegible] [illegible]

حکومت [illegible] [illegible] [illegible]

قسم چهارم در فرامین نشان [illegible]

از مرتبه یاوری [illegible] حکم [illegible]

[illegible] بر همه مراتب

نشان یاوری سیم [illegible] [illegible]

یاوری دویم [illegible] [illegible]

یاوری اول [illegible] [illegible]

سرهنگی سیم [illegible] [illegible]

سرهنگی دویم [illegible] [illegible]

سرهنگی اول [illegible] [illegible]

سرتیپی سیم [illegible] [illegible]

سرتیپی دویم [illegible] [illegible]

سرتیپی اول [illegible] [illegible]

امیر تومانی سیم [illegible] [illegible]

امیر تومانی دویم [illegible] [illegible]

امیر تومانی اول [illegible] [illegible]

لوای اعظم سیم [illegible] [illegible]

لوای اعظم دویم [illegible] [illegible]

لوای اعظم اول [illegible] [illegible]

[illegible] درجه دویم [illegible] [illegible]

درجه دویم [illegible] [illegible]

درجه اول [illegible] [illegible]

قسم پنجم در فرامین القاب [illegible]

بر چهار مراتب

لقبی که آخرش دولت باشد [illegible]

لقبی که آخرش سلطنت باشد [illegible]

لقبی که آخرش ملک باشد [illegible]

لقبی که آخرش خارج از این [illegible] لفظ باشد [illegible]

قسم ششم در فرامینی که در مراد متفرقه

خارج از این پنج قسم مذکور صادر می‌شود

بیک مرتبه

هر ورقی [illegible]

قسم هفتم [illegible] فرامین در [illegible] مرتبه

[illegible] فرامینی که [illegible] از [illegible] صادر [illegible]

از [illegible] [illegible]

[illegible] فرامین [illegible] [illegible]

قسم هشتم در بروات پاشی احکام شش

بر بیست و دو مراتب — در صد ... [illegible]

از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا یک کرور — [illegible]
از یک کرور تا هر قدر — [illegible]

قسم نهم در ارقام شتمی پنجاه و ... مراتب

رقمی که سجع و لقب و سجع در آن باشد — [illegible]
رقمی که سجع و لقب و سجع باشد — [illegible]
رقمی که ... باشد از یکتان تا ... — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا [illegible] — [illegible]
از [illegible] تا هر قدر باشد — [illegible]

قسم دهم در احکام وزرا و سران سپاه

و احکام جزو و ... که در اسامی نهای جزو ... و که

تعلیقه اطلاق ... شش مراتب

تعلیقه که سجع و سجع در آن باشد — [illegible]

تعلیقه که سجع و سجع در آن باشد — [illegible]

تعلیقه که سجع در آن باشد از یکتان تا ... تان — [illegible]

از صد و یکتان تا پانصد تان — [illegible]

از [illegible] تا [illegible] — [illegible]

از هزار تان تا هر قدر باشد — [illegible]

قسم یازدهم در حکم ... نهای ...

شش مراتب

کاغذ اول ... — [illegible]

با مهر ... — [illegible]

با مهر ... — [illegible]

قسم دوازدهم در عرایض کمرکانها که به تجار

... گمرک ... خود ... مال را

در ... و ... داده

... — [illegible]

قسم سیزدهم در فهرست و عرایض ...

شش مراتب

فهرست و عریضه جهت حضور ... — [illegible]

عریضه ... وزرا و سران سپاه و احکام ... — [illegible]

... اعظم می‌نویسند — [illegible]

عرض حال که ... جزو ... که ...

جزو و ... می‌نویسند — [illegible]

قسم چهاردهم در ...

تقسیم

قبالات نزولات و شرط نامجات و شرکت و مصالحت نامه و مثل آن ورقه اینها به اندازه خواهد بود

اول یک ورقه دوم نیم ورقه سیم یک صفحه تو تا ورقه ده دینار [illegible]

[illegible]

از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ...
از ... تا ... هر قدر زیاد شود

خاتمه مشتمل بر سه فقره

فقره اول کلاه‌برداری که رواج [illegible] هم درقه صحیحه و قبض اینها را با بعضی از قواعد و قوانین سند رجعه در این کتاب که از قبیل قاعده [illegible] برنگ شعده و چاپ بزنند و نقش [illegible] مملکت محروسه مردم [illegible] اگر [illegible] حاصل شود و هم برشته [illegible] داشته باشد که از روی آن استخدام ضرورت عمل کنند

فقره دویم از قرار تجمل [illegible] عده و بصیرت این جاکر را آنچه که بهتر است اگر این قرار در این ... مجری و معمول شود در سالی قریب یک کرور تا حرف [illegible] خزانه عامره [illegible] حاصل از جاهای ... در بار [illegible] هزار هر کس [illegible] در ممالک محروسه مجری و معمول دارد ... که مدت [illegible] عمده [illegible] کم است و مراد [illegible] خواهد کرد

فقره سیم [illegible] رفته ... [illegible] در هر جا ... و قرض [illegible] هزار ... در کمی [illegible] ده هزار طغرا [illegible] سیصد هزار طغرا [illegible] هزار طغرا

رقم هم رفته میهزار دینار [illegible] یک [illegible] سیصد و شصت هزار [illegible]

رقم [illegible] است

بحساب سابق

کل ایران [illegible] از بلده و قصبه و قریه [illegible]

از شهر و بلده و قصبه و قریه [illegible] در هر یک ده محکمه المقرر

الف محکمه در هر محکمه [illegible] طفل والمقرر

[illegible] طفل ثم المقرر [illegible] ماهه

[illegible] طفل [illegible] ثم المقرر [illegible]

[illegible] کرور [illegible] قیمت [illegible]

[illegible]

تمهید مسئله [illegible] ترویج [illegible] حضرت شاهنشاهی روحنا فداه [illegible]

در [illegible] ممالک هر ولایت [illegible] معلم خانه [illegible]

و هر [illegible] با استطاعت [illegible] و در آن [illegible]

[illegible] تعلیم خانه تربیت و تعلیم کنند [illegible]

[illegible] صحیحه داده شود [illegible]

[illegible] تعلیم [illegible]

شهر ربیع المولود [illegible] سنه ۱۲۷۸ تم بالخیر

سال ۱۲۷۸ [illegible] در ایران

در شعبان [illegible] کردم

تاکنون ذکر در صفحه ملک‌رشید دیوان است . ابیات ۱۶ [illegible] کرده [illegible] تعیین [illegible] تاریخ گرد درشکن

یکشنبه ۸ حقیر [illegible] . . . . . . حبیب یغمائی

ترتیب وزرای عثمانی

تشریفات دربار دولت عثمانی

صدر اعظم

جناب دولت و فخامتماب سعید پاشا .

(معزولین صدارت)

جناب دولت و ابهتماب ادهم پاشا	وزیر امور داخله
جناب دولت و ابهتماب عبدالرحمن پاشا	والی ولایت قسطمونی
جناب دولت و ابهتماب عارف پاشا	اعضاء در مجلس اعیان
جناب دولت و ابهتماب خیرالدین پاشا	" "
جناب دولت و ابهتماب احمد وفیق پاشا	" " "
جناب دولت و ابهتماب صادق پاشا	خانه نشین

وزرای قابل الصداره

جناب دولتماب احمد رسیم پاشا	والی ولایت طرابلس غرب
" " ناشد پاشا	والی ولایت ازمیر
" " عاکف پاشا	رئیس شورای دولت
" " عاصم پاشا	وزیر امور خارجه
" " کامل پاشا	اعضاء در مجلس اعیان و ناظر امور خانواده سلطان عبدالعزیز
" " سرور پاشا	" " "
" " صبحی پاشا	وزیر تجارت و فلاحت
" " عرفان پاشا	اعضاء در مجلس اعیان و رئیس کومیسیون تحصیل اموال متروکه
" " نظیف پاشا	والی ولایت خداوندکار (بروسه)
" " رفعت پاشا	" " سیواس
" " مظهر پاشا	امین شهر اسلامبول
" " حسن پاشا	خانه نشین
" " محمود پاشا	"
" " اسماعیل پاشا	اعضاء در مجلس اعیان
" " منیف پاشا	خانه نشین
" " عابدین پاشا	والی ولایت اطنه
" " اسعد پاشا	سفیر کبیر در پاریس
" " شوکت پاشا	خانه نشین
" " محمود پاشا	رئیس دائره تنظیمات در شورای دولت
" " سعدالله پاشا	سفیر کبیر در وین
" " مصطفی پاشا	وزیر علوفه
" " سعید پاشا	سفیر کبیر در برلن
" " علی رضا پاشا	مفتش مخصوص و وزیر رسائل

جناب دولتماب منیر پاشا	ایشیک آغاسی باشی و مترجم حضور
" " کامل پاشا	وزیر اوقاف
" " جمیل پاشا	والی ولایت حلب
" " منیر پاشا	خانه نشین
" " توفیق پاشا	ناظر صندوق متقاعدین
" " غالب پاشا	والی ولایت سلانیک
" " حسن فهمی پاشا	وزیر عدلیه و مذاهب
" " رائف پاشا	وزیر فوائد

(توضیح)

امروز دولت عثمانی شصت و هفت نفر وزیر دارد که بعضی از هفتاد و پنج الی صد و پنجاه لیره در ماهی مواجب گرفته خانه نشین هستند و بعضی هم یا در باب عالی یا در ولایات یا در سفارات مأموریت دارند و مواجب ایشان از یکصد و پنجاه لیره الی دویست و پنجاه لیره است .

غیر از اینها چهل و دو نفر هستند که از عسکری ترقی کرده نایل رتبه مشیری (مارشال) شده اند اینها هم یا در باب سرعسکری یا در اردوها و در سفارت پطرسبورغ مستخدم یا در بعض ولایات حدودیه والی هستند در زمان سلطان عبدالعزیز از اینها هم صدر اعظم گردید در تشریفات مشیران بوزراء تقدم دارند مواجبشان بالعموم دویست لیره است و جیره و علیق هم دارند

ككك

(۱)

بسمه تبارک و تعالی

رساله در باب مقیاس اوزان و مقادیر و غیرها از حجم و کیل و نقود و سطح

حسب اراده علیه [illegible] اقتضا فرموده که شرحی در باب مقیاس اوزان و مقادیر

و مکیال و غیرها [illegible] که مسطوره در ذیل را با تحقیقات لازمه و

دقت کامل در کمال وضوح و تفصیل نگاشته مرتب بر یک مقدمه و سه فصل داشت اما مقدمه مشتمل

بر فواید علمی و دولتی اجرای قانون مزبور درین رساله است چنانکه در نظره اول آن فواید محقق و معلوم میگردد

فصل اول در قوانین قدیمه و جدیده راجعه باوزان و مکیال و مقادیر و غیرها و دقایق علمیه متعلقه بآنها

فصل دوم در اصول قانون اوزان و مقادیر و وضع مقیاسی که از روی علم و دقت قبول و موقع اجرا

یا فصل سیم در قوانینی که اکثر دول برای اوزان مقادیر و غیره ترتیب داده

یافته است و این فصل جامع [illegible]

پس از آنکه فواید و منافع آنها را واضح و مبرهن [illegible]

مقدمه

(۲)

هیچ شکی نیست که برای تعیین طول و سطح و حجم و کیل و وزن و نقود مقیاسهای

صحیح لازم و واجب است و چون اغلب ممالک و بلاد معظمه فرنگ حتی دولت عثمانیه این لزوم

ضرورت را بدرستی دریافت کرده و ترتیب آن پرداخته و مقیاسهای صحیحه که شرح هر یک

باید بر قیمت و حساب که لازم و از فواید قیمت آن یکی اینست که در بیع و شرای اجناس و امتعه هر یک

از بایع و مشتری قدری تکلیف خود را دانسته طرفین از خیال فریب دادن یکدیگر خارج و هر

از غبن و خسارت محفوظ و ایمن میباشند فایده دیگر تسهیل و اعتبار عمل تجارت است که هرگاه

مبنای این عمل محکم و مبنی بر قانون مرتب و منظم باشد و راه تقلب و تدلیس از آن مسدود گردد

بر رواج آن افزاید و چنانکه با پذیرفتن ترقی تمام و همینکه تجارت معتبر شد دایره آزادی وسعت میابد

آمد رعیت با مکنت و ثروت میگردد و دولت از رعیت متمول فایده علاوه میبرد و دارائی کسب

و عدالت میگردد مثلاً تجار با واسطه نداشتن مقیاس صحیح طول چنین بارها ضرر از کارخانجات

فرنگ با تجار آن ممالک ابتیاع نمایند نمیدانند چه خریده‌اند یعنی اندازهٔ آن پارچه‌ها
مجهول است و بهمین جهت حساب یا خرده‌فروش آن را نمیتوانند کرد و همین است حال کیل
و لب است که در تقسیم داد و ستد کریمهٔ (ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون
و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون) در حق آنها صادق میاید و برکت کسب و تجارت آنها میرود
فایدهٔ دیگر آنکه چون نقود را مقیاس صحیح باشد و در تحت قاعدهٔ معین دیگر مسکوکات مارا
در بلاد خارجه نمیتوانند در حکم جنس محسوب دارند و گفتگوهای طولانی لاطائل فیما بین عثمانی
و ایران در باب زوار عتبات عالیات و مکهٔ معظمه زادها الله شرفاً با نتها رسید فایدهٔ عاجله
دیگر اینست که بنص قرآن و اوامر مقدسهٔ خاتم پیغمبران صلعم از اعمال مشروعه محدود است آنکه
بخرج قلیل که نهایت ده هزار تومان باشد دولت میتواند اقلا صد هزار تومان منتفع شود و
مداخل کند و کرام فایده است که بالاتر از یک بر صد باشد علاوه بر این یک قسم عایدات
هم بجهت مخارج و مواجب مفتشین مقیاس اوزان و مقادیر و غیرها برقرار و معمول میشود که عاید

مردم بجهت آسایش و اطمینان قلب خود و ایمنی از هر گونه غبن و خطری با کمال میل و رضایت بگذارند
دولت میدهند و دولت البته از این راه هم منتفع میشود در صورتیکه شرعاً و عرفاً بعمل ممدوح و لازم
اقدام کرده و عموم اهالی مملکت را دعاگو و شکرگزار و رهین منت خود نموده است و البته مردم که
از صحت مقیاسها فایدهٔ کلی برند از دادن جزئی از آن بجهت مخارج و مواجب مفتشین مضایقه
نخواهند کرد و چنین مالیاتی اگرچه علاوه بر مالیات معموله میشود نه شرعاً بدعت است نه عرفاً اجحاف
حرف و حکایتی ضمناً چیزی بخزانه‌های بیکار دولت رسیده یعنی مواجب و معاش عاید آنها شده
و دولت نیز خود فایده برده بعلاوه آسایش رعیت و نیکنامی اجرای که نام نوشیروانی بدور ملل ایران
بر زبر بسیط در خارج محروس میگردد و منافع آنها در داخله محفوظ میماند
اما فایدهٔ عاجلهٔ دولت که از یک معیناً صد هزار خواهد عنوانش اینست که در اول اجرای
قانون صحیح مقیاسها در قورخانهٔ دولتی یا در هر جا که صلاح دانند زرعهای مخصوص از روی قاعده

که در فصل [illegible] سیم ذکر میشود ساخته همچنین اوزان از نخود تا من از روی قاعده فصل مذکور ترتیب
مسبر شد و مهر و تمغای دولتی را بر روی آن میزنند و بقیمت معین که اجحافی نیز در آن نباشد بتمام
ممالک و بلاد ایلخن تقسیم فیمایند و طبقات کسبه از نفت فروش و نخود ریز تا آنهائیکه
شال ترمه و زری میفروشند مجبور باید از این ذرع و اوزان از دولت بگیرند در صورتیکه بنا بر
ملاحظه شود که ربما از صد هزار تومان عاید خزانه شد یا نه و هر سال هم کسبه و تجار قلیلی مبلغ غیر
محسوس بفقط تعین بابت هر ذرعی که بر مهر و تمغای او دولتی مهر و تمغای معاینه را که دارای تاریخ آن سال است
بزنند نیز از فواید مهمه این مطلب است که غالب ادویه معموله حالیه که اطبا در معالجات بکار میبرند
دواهای فرنگی است و اغلب آنها هادو [illegible] و چون در کتب طبی قرار ترتیب و صرف آن
ادویه باوزان فرنگی نوشته شده اطبای فرنگ و ایران در نسخه وزن هر دارو را بگرام تعیین
مینمایند و ترجمهای نیز با بر گرام را با نخود تطبیق کرده و نخودها بالضروره کوچک و بزرگ است

چنانکه نخود قزوینی تقریبا دو برابر نخود طهران است و نخود آب طهران نیز با نخود دمی وزنا تفاوت
کلی دارد و دواهای سمی که اگر خوردنش در قرار ترتیب آن تخلف حاصل آید مهلک است صرف و بکار بردن
اسباب هزار گونه ضرر و اتلاف نفوس محترمه میگردد و اگر نتیجه هلاک و تلف نباشد اقلا صدمات
و مرارتهای طولانی خواهد بود پس وقتیکه اوزان را مقیاسهای صحیحه باشد این اختلاف و مضرت
مرتفع میگردد و حاصل آنکه فواید و منافع تصحیح اصل مقیاسها بسیار و مضرت غش آن
بیشمار و در اینجا بهمین قدر اختصار میشود

فصل اول

در هر دوره خلقت یا در ابتدای هر دوره که بنی نوع بشر بر روی حاجت و مقامات عالیه تمدن نایل گردیده
و سلسله جمعیت و معاشرت و معاملت سلک انتظام گرفت مردم را با هم [illegible] نمود و تعیین
مقیاس ضرورت داوم خود را ظاهر و محسوس نمینمود چنان طبیعت و دراک انسان را بایست ناید
ساخت ولکن رواج دستوالعمل احتیاج باندازه و کیل معلوم گردید و هر قوم برای خود

مقیاسی در اوزان و مقادیر و غیرها اختیار کنند و همانطور که سایر اوضاع زیر کانه آنها از اصل صحیحه
در ربود مقیاسهای نیز از مبانی منتظمه عالیه و امری تقریبی مفید و در معاملات کاملاً معین است که فرق
تقریب و تحقیق در رجه است که سود و زیان آن نیز کاست. نیز باید دانست که ابتدا معاملات
در میان قبایل و طوایف بمبادله بوده است به نحو مثلاً یک قربی از ماکول هر یکی داده چیزی از ملبوس
در عوض میگرفته است. و از همین رو حالت مقیاسهای آن طوایف و قبایل معلوم میشود. علاوه بر نقص کلی
این مقیاسها عیب دیگر نیز در آن بود که هر قومی مقیاسی علیحده داشتند و معاملات اقوام مختلفه
با هم بسیار ماضی نبوده است گذشته از این از معلومات یکدیگر نیز مستفیض نمیشدند چنانکه اگر قومی تعیین
مسافت مابین دو شهر را میکرد چون مقیاس او غیر از مقیاس اقوام دیگر بود آن تعیین مسافت
بکار آن اقوام نیامده مطلقا از آن تعیین فایده عاید ایشان نمیگردید مثلاً اهالی قدیم روم که اکثر
مسافت زمین را از روی قدم معین مینمودند و طول مسافتی که مساوی با هزار قدم بود از آن
یک میلیه و یک میلیا می گفتند و در انتهای هر یک میلیه سنگ نصب کرده میگفتند
از فلان جا تا فلان جا و یکجا صد میلیه است یا صد سنگ و اخلاف ایطالیه بجای لفظ میلیه

لفظ پرتیش را قرار داده و میلیه را مخصوص مساحت دریا و تعیین سیر سفاین کرده و میل معروف
از میلیه اخذ و تعریب شده است
چون قرنی چند گذشت و علوم و کتب در میان ملل مرتب و مدون گشت و در قرون پیش
فن هیئت و نجوم و مساحت و تعیین ابعاد که بها نوشته شد بطلمیوس حکیم معروف صاحب کتاب
مجسطی خواست مسافت یک درجه از درجات زمین را معین کند که مساوی با چند میل است و با جمعی
از شاگردان خود بصحرای ترمرآمده بتقدیر کمانش وقت و اقتضای زمان مساعی در این کار مبذول
داشتند اما مقصود از تعیین یک درجه از درجات زمین و طول و مسافت آن قرار دادن مقیاس
برای مقیاس طول بعد هیچ معلوم نیست آنچه مشخص است این است که بر حسب تحقیقات و اعمال
بطلمیوس مسافت یک درجه زمین مساوی با شصت و شش میل و دو ثلث میل شده این اندازه را
سیصد و شصت برابر نموده از آن محیط زمین دانستند و زمین را نیز در این اوان کره حقیقی فرض میکردند
یونانیها مسافت و طول ابعاد را به استادیوم تعیین میکردند و هر صد و بیست و پنج قدم را یک استادیوم

(۹)

سیر نستند و شصت استادیوم آنها با یک میلر اهالی روسیه الکبری مساوی بود

اهالی فرس و عجم چون با روسیه الکبری و یونان و مصر مراوده و آمد و شد بهم رسانیدند در تعیین طول

ابعاد تر فرس اهالی روسیه را اختیار کرده آنرا پاره سنگ نامیدند و پاره سنگ از کثرت

استعمال پارسنگ و پرسنگ و چون در فارسی با و فا باهم تبدیل میشوند فرسنگ شده

اعراب فرسنگ را معرب کرده فرسخ گفتند و بالجمله حکمای قدیم گفته اند استداره کره ارض

در وضع خط استوا سیصد و شصت درجه است و درجه بیست و پنج فرسخ و فرسخ سه میل و میل

چهار هزار ذراع و ذراع بیست و چهار اصبع و اصبع شش جو که بعرض چیده شده

شش جو بشکم جو بیکدیگر چسبیده باشد پس هر فرسنگ دوازده هزار ذراع خواهد بود بعضی گفته اند

فرسخ هفت هزار گام است و میل سه هزار ذراع

یکی از قدیم مصر در مقیاس طول و ابعاد انگشت را اختیار کرده و در اندازه آن اختلاف نموده بعضی آنرا

شصت استادیوم دانسته برخی چهل و دو ره بیست گفته اند

(۱۰)

ملل اطریش و المان و نروژ و سوئد و انگلیس و اسکاتلند و لهستان و ایطالیا و کرواسی

لفظ میل را قبول نموده بواسطه آن تعیین مینمودند اهالی اسپانیا و لاکاس و فرانسه لیو و

روس ورست را اندازه خود قرار داده بودند

پس از آنکه در ضمن این مقدمات معلوم نمودیم که اندازه تعیین ابعاد و طول در ایران فرسخ

و میل و ذراع بوده و از روی ذراع اندازه معین نموده که آنرا ذرع نام نهاده بودند و این اندازه

اجزاء و اضعاف غیر عشاری داشت و توضیح اجزاء و اضعاف عشاری در مجلد خود بیان

کرده ام مقیاس تعیین طول و وزن و حجم و سطح و کیل و نقد با وجود ترقی و پیشرفت کامل

تمدن در هر مملکتی و هر جائی وضع جداگانه بوده چنانکه از تحقیقات مسطوره در فوق محقق

و معین میگردد علاوه بر این اختلاف در هیچ مقیاسی هم استقامی نبوده و هر شهری را اصطلاحی بوده

که طرف اعتماد و اطمینان کسی نبود بلکه در ایالات مملکت واحده و ولایات آن اقسام

اوزان و اکیال و اندازه ها معمول بود بر نحو واحدی با یکدیگر تطبیق نمیشد و از تفاوت آن

غافل نبودند و هر وقت که عقلای طوایف این معایب را حس میکردند و قصد رفع آن
مینمودند با اشکالات و موانع و مخالفت جهال تصادف مینمودند و فی الحقیقه اصلا
صحیحی هم برای مقیاس طول و وزن و غیرها در دست نبود که آنرا ماخذ قرار دهند و ترتیب
از روی آن ماخذ مقرر کنند تا اینکه تمدن ممالک فرنگ را روشن ساخته از پرتو علم
و تربیت دریافت نمودند که برای اندازه گرفتن هر قسم چیز واحدی باید اختیار نمود مشخص و
ثابت از همان قسم تا مقیاس آن چیز باشد و برای العین خسارت اغتشاش مقیاسها
مشهود گردید و دانایان مملکت فرانسه بواسطه اینکه در ممالک آنها مقیاسها متفاوت
و مغشوش بود و امور تجارت را در هر جا اشکال کرده بود در تعیین و تقویم اوزان و قیمت اجناس
سرکرده انها بهر سببی بودند بتفکر برخاستند و دولت فرانسه اقدام برفع و دفع این اغتشاش
کرده با جد و کوشش بسیار مملکت خود را از شر این عیب بزرگ مصون داشت و ترویج آن

مساعی از قرار ذیل است

بعد از شورش بزرگ فرانسه مجلس و انجمنی از وکلای ملت در آن مملکت منعقد شد و در هشتم ماه مه
سنه هزار و هفتصد و نود مسیحی مطابق سلخ رجب هزار و دویست و چهار هجری آن انجمن جمعی
از منجمین و مهندسین را مامور نمود تا مقیاسهای ثابت وضع کنند که در تمام مملکت معمول شود تا
مومی الیهم مقیاسهای جدید متری را وضع نمودند و نزد اجزای مجلس و انجمن و سایر دانشمندان فرستادند
و پسندیده افتاد و چون این انجمن مبدل بانجمن مقننین شد آنها نیز این مقیاسها را قبول کردند
بنابراین در هفتم ماه نوامبر سنه هزار و هشتصد و یک میلادی مطابق بیست و پنجم جمادی الاولی
سال هزار و دویست و شانزده هجری برآن شدند که آن مقیاسها را معمول دارند اما در اجرای
این حکم موانع بسیار رخ نمود دولت فرانسه برای اینکه مردم با این مقیاسها مانوس شوند و
خود از روی میل آنرا اختیار کنند چندین سال در مجرا داشتن آن مسامحه و اهمال نمود

واین تدبیر بجایی که اسباب اصلاح کار شود بر موانع آن افزود و ثمری حاصل نشد عاقبت الامر
از روی ضرورت روز چهارم ماه ژوئیه سال هزار و هشتصد و سی و هفت مسیحی مطابق بیست و
نهم ربیع الاول سنه هزار و دویست و پنجاه و سه هجری در باب اجرای مقیاس متری
حکم محکمی صادر کرده و حدود سیاست سختی معین نمودند و از اول ماه ژانویه هزار و هشتصد و
چهل میلادی مطابق بیست و ششم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج با کمال مواظبت
مشغول اجرای حکم گردیده و مقرر داشتند که از امروز به بعد غیر از مقیاس جدید متری هیچ مقیاسی
نباید معمول باشد واحدی بنابراین حکم تجاوز و تخلف ننماید و از آن وقت مقیاس جدید متری
که در سال هزار و هشتصد و یک منتشر شد در تمام مملکت فرانسه معمول شد و مقیاسهای
مغشوش سابق منسوخ گردید و این مقیاسها و قانون را سیستم متریک میگویند یعنی
طرح و طریقه متری و برای مزید توضیح شرحی در اینجا نگاشته میشود در فصل ثالث مقیاسهای

طول و وزن و حجم و سطح و کیل و نقود را بیان مینمائیم

پوشیده نباشد که هر چیزی که قابل فزونی و کمی است آن را مقدار مینامند طول و سطح
و وزن و حجم مقدار است برای تعیین مقادیر آنها را مقایسه مینمائیم با مقدار دیگر از همان
جنس یعنی وزن را بوزن میسنجند و طول را بطول و قس علی ذلک چنانکه وزن یک
خربزه را با من معلوم میکنند و طول یک کوچه را با ذرع میگیرند طول این کوچه چند برابر
ذرع و وزن این خربزه با چه قدر از من مساوی است بنابراین باید ترتیب کاملی برای تعیین
مقادیر باشد که طول و سطح و وزن و حجم و کیل و ارزش نقود بواسطه آن ترتیب در کمال صحت
و درستی معین و مشخص گردد و از آنجا که اذهان اعداد بسیار زیاد و مقادیر زیاد قلیل را خوب
در آن فهم نمینماید باید بزرگی اندازه با بزرگی مقداری که میبایست معین شود متناسب باشد
با وجود سادگی و عدم اختلاف و کمال استحکام و از این گفته بر میآید که ترتیب کاملی تعیین مقادیر را

سه شرط عمده است شرط اول آنکه واضح و ساده باشد یعنی مقیاس مقادیر دارای
اجزاء و اضعافی باشد متناسب با اصل مقیاس که در محاسبه اسباب اشکال نشود مثلا
اجزای یک من ده یک من و صد یک من و هزار یک من باشد و اضعاف یک من
ده من و صد من و هزار من و اجزای ~~قران ده یک قران و صد یک قران و~~
تومان ده یک تومان و صد یک تومان و اضعاف آن ده تومان و صد تومان و هزار تومان
و این را اجزاء و اضعاف اعشاری گویند و در فصل سیم باز شرح آن بیاید
شرط دویم آنکه مقیاس باید از روی اصلی مستحکم باشد که بهیچوجه قابل تلف و تغییر و دستبرد حوادث
نشود در آن دخل و تصرف نتوان نمود و اگر غیر از این باشد نه صحت متصور است و نه طرف اطمینان
و ممکن است زیاد و کم شود و این فقره مخصوصا برای نقود ضرر مفرطه دارد
ثالث باید در تمام ایالات و ولایات و محالات مملکت مقیاس مقادیر یکی باشد

و در همه جا نیز یک اسم نامیده شود تا در معاملات تجارتی اشکال و موانع در پیش نیاید
و از این بدتر چیزی نیست که در مملکتی اسم وزنی شایع باشد و مسمای آن در اماکن آن مملکت
بصورت اختلاف درآید مثل اینکه کلمه من در هر جای ایران بر یک مقداری اطلاق شود
چنانکه من در تبریز هزار مثقال است و در طهران ششصد و چهل مثقال و در شیراز هفتصد و
بیست مثقال و قس علی ذلک و از آنجا که سیستم متریک یعنی ترتیب اوزان و مقادیر
از روی متر و دانسته مبتنی بر اصل صحیح است و دارای شرایط مسطوره در فوق تا شرح آن را ذیلا بیان مینمائیم

فصل دویم در سیستم متریک

سیستم متریک که عبارت است از دستگاه مقیاسهای جدید فرانسه و همگی مشتق از متر میباشد وضع آن
از قرار ذیل است و اصول آن مقیاسها بر شش طبقه قسمت میشود اول مقیاسهای طول دویم
مقیاسهای سطح سیم مقیاسهای حجم چهارم مقیاسهای کیل برای اندازه گرفتن مایعات و حبوب

و امثال آنها پنجم مقیاسهای اوزان ششم مقیاسهای وجوه نقدی

شرح مقیاسهای طول

چنین خواستند مقیاسهای جدید را بر مأخذ و مبنای محکم ثابتی قرار دهند بر وجهی که مصنوعی نباشد بلکه طبیعت را در آن دخل و مداخله باشد تا هر وقت بخواهند مأخذ آنرا بدست آرند ممکن باشد چنین مصلحت دیدند که واحد طول را با بعد کره زمین نسبت دهند و سایر آحاد طبقات مختلفه را از آن واحد مشتق نمایند حکمی صادر کردند که ابعاد زمین را بدقت تمام رسیدگی نموده و در نظم مقرر دارند که دلامبر و مشن نعفر بانجام این خدمت مأمور گشته آنها کمر همت بر میان بستند و قوسی از دایره نصف النهار را فیمابین شهر دنکرک از بنادر و شهرهای فرانسه و شهر بارسلون اسپانیا مساحت نمودند و چون نتایج زحمات ایشان را با آنچه سابق در لاپونی و پرو مساحت کرده بودند ترکیب کردند معلوم شد که شکل زمین کره واقعی حقیقی نیست بلکه جسمی است بشکل نارنج و قبل از آن زمین را کره

واقعی میدانستند و بنا بر این فرض مساحت محیط آن خیلی آسان بود باین طور که طول یک درجه آنرا ذرع میکردند و حاصل را سیصد و شصت بار میافزودند تا وسعت دایره آن بدست آید و پیش از این مطلب ذکر شد اما اندازه‌هائیکه در این موقع گرفته شد از حدود خط استوا بود تا شصت و شش درجه عرض جغرافی در ممالک پرو و بنگاله و هند شرقی و فرانسه و اسپانیول و انگلیس و روسیه و لاپونی و غیرها پس از روی این اعمال طول قطر استوائی زمین شش هزار و سیصد و چهار فرسخ و شش هزار ذرع و طول محیط زمین شش هزار و سیصد و هشتاد و هفت فرسخ و چون طول تمام محیط زمین را بر چهل هزار هزار جزو قسمت نمودند و بعبارة اخری یک جزو از هشتاد کرور جزو آنرا گرفتند اندازه آن قریب یازده گره از ذرع شاه شد و آنرا متر نامیدند یعنی یک فاصله قطب زمین از خط استوا معادل بیست کرور متر است چون طول متر بدست آمد خواستند در موارد مختلفه مقیاسهای طول تعدد داشته باشند

پس اجزای اعشاری و اضعاف اعشاری متر را اختیار نمودند باین طرز که ده یک متر را
دسی متر گفتند و صد یک متر را سانتی متر و هزار یک آنرا میلی متر و ده متر را
دکامتر گفتند و صد متر را هکتومتر و هزار متر را کیلومتر و ده هزار متر را میریامتر
و در زبان یونانی دسی ده یک و سانتی صد یک و میلی هزار یک و دکا ده برابر
و هکتو صد برابر و کیلو هزار برابر و میریا ده هزار برابر است

پس این مقیاس طول که عبارت از متر است مبنی بر اصل محکمی است و بعد از آنکه حکم
قطعی و اختیار آن در فرانسه صادر گردید اول نمونهٔ متر را با طلای سفید (پلاتین)
ریختند و در دفترخانهٔ دولتی گذاشتند و ممکن نیست که این اندازه تخلف کند چه
بالفرض انقلابات سبب تشویش آن گردد محیط زمین و خط استوا و قطب بجای خود است
و باز پیمودن و اندازه نمودن آنها در حیز امکان میباشد و با متر و اضعاف اعشاری و اجزای

اعشاری آن اطوال و ابعاد را معین مینمایند مثلا با متر و اجزای اعشاری آن اندازه پارچه‌ها
و چیزهائی که چندان طولانی نیست معین میکنند و با کیلومتر و سایر اضعاف مسافت طرق و
راههای طولانی و غیره حسب التناسب

شرح مقیاسهای سطح

مقیاسهای سطح مربعاتی هستند که اضلاعشان همان آحاد طول مذکور باشند و واحد اصلی
متر مربع است و آن شکل مربعی است که هر ضلعش یک متر طول داشته باشد و اجزای
این مقیاس اول دسی متر مربع است یعنی ده یک متر که مربع باشد دوم سانتیمتر مربع است
یعنی صد یک متر مربع سیم میلیمتر مربع است یعنی هزار یک متر مربع و اضعاف متر مربع
اول دکامتر مربع است یعنی ده متر مربع دوم هکتومتر مربع است یعنی صد متر مربع سیم
کیلومتر مربع یعنی هزار متر مربع چهارم میریامتر مربع یعنی ده هزار متر مربع و هر یک

از اینها یکصد برابر واحد مادون خویش است مثلا متر مربع یکصد برابر دسی متر مربع است وقس علی ذلک و دیگام متر مربع را آر نیز گویند و صد یک آر را سانتی آر و یکصد برابر آر را هکتار نامند و در سطحهای مختصر متر مربع و اجزای آن اسباب تعیین است و در سطحهای عمده آر و هکتار روابط تشخیص میباشد

شرح مقیاسهای حجم

مکعب حجم است بشکل جعبه که از اطراف محدود شده باشد بشش سطح مربع مثل طاس تخته نرد و ~~مقیاس حجم یک است~~ و آحاد حجم مکعبات هستند که اضلاعشان آحاد طول باشند و واحد اصلی حجم متر مکعب است و آن مکعبی است که هر ضلعش یک متر طول داشته باشد و اجزائش اول دسی متر مکعب است و آن مکعبی است که هر ضلعش یک دسی متر طول داشته دوم سانتی متر مکعب و آن مکعبی است که هر

ضلعش یک سانتی متر طول باشد سیم میلی متر مکعب و هر کدام از اینها هزار برابر واحد مادون خود است و اضعاف متر مکعب معمول نیست

شرح مقیاسهای کیل که مکیال گوییم

واحد اصلی برای اندازه گرفتن مایعات و حبوبات و غیره لیتر است و آن حجمی است که گنجایشش قدر یک دسی متر مکعب باشد و اجزای لیتر اول دسی لیتر است یعنی ده یک لیتر دوم سانتی لیتر است یعنی صد یک لیتر و اضعاف لیتر اول دکالیتر است یعنی ده لیتر دوم هکتولیتر است یعنی صد لیتر و هر کدام از این مقیاسها ده برابر زیردست واحد مادون خود است مثلا لیتر ده برابر دسی لیتر است وقس علی ذلک

شرح مقیاسهای اوزان

و اصل اصطلاح اوزان گرام است و آن وزن یک سانتی متر مکعب از آب مقطر است و آن
نخود یا شمشاد درهم بغداد
قریب پنج نخود میشود اجزای معموله گرام اول دسی گرام است یعنی ده یک گرام
دویم سانتی گرام است یعنی صد یک گرام سیم میلی گرام است یعنی هزار یک گرام و
اضعاف مستعمله گرام اول دکاگرام است یعنی ده گرام دویم هکتوگرام است یعنی صد گرام
سیم کیلوگرام است یعنی هزار گرام و کنتال معادل هزار کیلوگرام است و آن را تن نیز گویند

شرح مقیاسهای نقدی

و اصل نقود فرانک است و آن قطعه پولی است نقره بوزن پنج گرام که تقریباً بیست و پنج
نخود باشد و عیار فرانک از این قرار است که ده یک آن مس است و نه عشر وزن آن
نقره خالص می باشد و قیمت آن امروز معادل ~~بیست شاهی~~ دو هزار پول ایران است
و سابق معادل بود با پنجصد دینار و اجزای معموله فرانک اول دسیم است

که ده یک فرانک باشد دویم سانتیم یعنی صد یک فرانک
و اقسام پولهای رواج فرانسه ~~[illegible]~~ چهارده قسم است که قیمت و وزن و قطر و سکه
و جنس آنها از سیاه و سفید و زرد مشخص است چنانکه پنج قسم پول طلا دارند
یکصد فرانکی و پنجاه فرانکی و بیست فرانکی و ده فرانکی و پنج فرانکی
و پنج قسم پول نقره دارند پنج فرانکی و دو فرانکی و یک فرانکی و نصف فرانکی
و خمس فرانکی
و چهار قسم پول مسکی دارند ده سانتیمی و پنج سانتیمی و دو سانتیمی و یک سانتیمی
و علاوه بر اینها یک قسم پول طلائی هم رواج است بقیمت چهل فرانک
این است مقیاسهای طول و سطح و وزن و حجم و کیل و نقود در فرانسه که از روی
اصل اصلی و مأخذ صحیح قرارداده شده ~~و در صورتی که این مقیاسها را در ایران اعلام~~
~~قبل نفوذ اسامی را بزبان معمول خود تعیین وضع کنیم یعنی در وزن بجای گرام~~

~~مثقال و بجای کیلوگرام فرخ را قرار دهیم و در نقود بجای فرانک قران و بجای اعشار آن~~

~~زمان و در مقیاس حجم بجای لیتر کیله و احیانا اگر در اسم مقیاسی لفظی هم لازم باشد~~

~~وضع آن اشکالی نخواهد داشت~~

بنا بر کمال صحت و اصالت مقیاسهای فرانسه همانها را دول و ممالک بلژیک

و هلاند و سویس و ایطالیا و یونان و اسپانیا و پرتوغال و ممالک متعدده امریکای

جنوبی بزودی قبول و اختیار نمودند و در انگلیس هم از سنه هزار و هشتصد و شصت

و چهار این مقیاسها مجاز شد اما حکمی نیست که عکس آن بدهد بلکه حکم است

این ادارات دولتی دنیا هم همین مقیاسها را معمول کنند و یقین است

که عنقریب تمام ملل متمدنه این سیستم متریک را قبول و متداول خواهند ساخت

چنانکه در سال هزار و دویست و نود و هشت بموجب فرمان اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان

در ممالک عثمانی نیز این سیستم معمول شد و در روزنامه ثبت بطراز نو رغ همان وقت نقل از روزنامه‌ها

اسلامبول که این خبر را منتشر ساخته که حکمی از سلطان عثمانی مشتمل بر دو فصل صادر شده که در بحث آن بار در

اوزان و مقادیر و غیرها مقیاسهای سیستم متریک را در ممالک عثمانی معمول دارند ~~خواهیت~~

~~است که اسامی را مطابق معمول ممالک غربی نیز از قبیل باتمان و اقه و غیره و مقیاس همان~~

~~مقیاس متری باشد و صورت فرمان سلطان در آخر این مقاله نقل شده~~

~~یا از محسنات این مقیاس است که از هر یک میزان دیگری را اندازه نمود و معین کرد~~

~~زیرا که اشتقاق همه مقیاسهای متریک از متر است و همین واسطه است که همه را مقیاس~~

~~سیستم متریک نامند~~

~~صورت فرمان سلطان عثمانی در باب سیستم متریک~~

یکی از محسنات این مقیاس این است که از هر یک میزان دیگری را اندازه نمود و

معین کرد زیرا که اشتقاق همه مقیاسها از متر است و همین واسطه است که همه را

مقیاس سیستم متریک گویند

فصل سیم

غرض از نگارش فصول سابقه و مقدمه این بود که اصل مطلب و مقصود در میزان و مقادیر
معلوم شود و نتیجه آن جمله این فصل است و چون این فصل قانونی است برای میزان
و مقادیر که بعقب و رای نگارنده سپرده است یعنی نتیجه افکار طولانیه چاکر است آن
بعد از آنکه از لحاظ نظر آفتاب ~~اشرف~~ [illegible] گذشت بتوقیع و گزمر [illegible]
رجوع شود تا در سقم و صحت آن مذاکره نمایند اگر آنرا صحیح و متین و اسباب آبادی دولت
و منافع ملت یافتند و قبول نمودند آنوقت باید فرمان و حکم محکم در اجرای آن نیز صادر
باید که خلف و تخلف را در آن راه نباشد و برای تجاوز کننده از آن کیفر و مصادره معین
باشد و تفصیل این اجمال آنست که بعد از آنکه ذرع و سنگ برای مقیاس طول و
اوزان در قورخانه دولتی یا جای دیگر ساخته شد زمانی در تصحیح اوزان و مقادیر کلیه

[illegible]

طبع نمونه با ذرع و سنگ در تمام ممالک محروسه منتشر سازند مثلاً صد دستگاه
مقیاس ذرعی بجای نیم ذرع حالیه و صد دستگاه سنگ بجای سنگهای وزن حالیه با هزار طغرا
فرمان طبع شده و نسخه همایون رسیده بعراق انفاذ شود با ملفوفه فرمان خطاب بحاکم
ایالت که باید قانون اوزان و مقادیر در این ایالت برقرار شده با بر طبق قانونها
که در تمام ایالات ممالک محروسه مجری شود و مدار معاملات و داد و ستد با قانون
مسطور در این ~~[illegible]~~ فرمان طبع شده است و تمام این مقیاسها میزان و مأخذ و در جمیع دوایر اراضی و املاک
و مالیات و غیر ذلک باید مصدر و محل وصول آثار شود چنین چنین که هزینه بنائی است که
اسمعیل مجرا میکرد و هزار سال و بزرگی یکدفعه رفع میشود و متعین است که اگر اتفاق

قانون میزان و مقادیر منتجه خیال نگارنده

چنین کلیه مقیاسها شش است این قانون نیز مشتمل بر شش فصل است که بر فصلها

متعلق بمقیاس است

فصل اول در مقیاس طول

ذرع جهریری که در تمام ممالک محروسهٔ ایران حتی در قصبات و قرا باید معمول شود بحکم عقد باید مطابق باشد با متر فرانسه که از روی مأخذ صحیح است و بنا بر اینست بعادت باید آنرا ذرع نامند و هیچ ذرعی غیر از آن در هیچ جا مجاز و معمول نباشد و از برای اجزای ذرع مقرر دارند که ذرع را به ده قسمت متساوی منقسم ساخته هر قسمت را یک گره گویند و هر یک گره را نیز ده قسمت متساوی نموده آن قسمت را بهر خوانند و یک بهر را نیز ده قسمت متساوی کرده آن قسمت را شعیر نامند و از برای اضعاف ذرع مقرر شد که ده ذرع یک نی نام داشته باشد و صد ذرع یک طناب و هزار ذرع یک میدان و ده هزار ذرع یک فرسنگ و این بترتیب مطابق است با متر و دسی متر و سانتیمتر و میلیمتر و دکامتر و

هکتومتر و کیلومتر و میریامتر فرانسه و مقیاسها نیز بر همین منوال بترتیب با قسم است

فصل ثانی در مقیاس سطح

برای مقیاس سطح ذرع مربع باید معمول شود از روی ذرع جدید و برای اجزایش گره مربع و بهر مربع و شعیر مربع را اختیار کنند و برای اضعافش نی مربع و طناب مربع و میدان مربع و فرسنگ مربع را قصب نامند و نی مربع را نیز قفیز و صد یک آنرا حبه و صد برابر آنرا جریب نامند و این مطابق است با آر و سانتیار و هکتار فرانسه

فصل ثالث در مقیاس حجم

برای مقیاس حجم ذرع ~~مربع~~ مکعب را که ریز و معنی مکعب را پیش ذکر کرده‌ام و برای اجزای ذرع مکعب گره مکعب و بهر مکعب و شعیر مکعب قبول شود و اضعاف ذرع مکعب

به رسم دول متمدنه معمول باشد

فصل چهارم در مقیاس کیل

مقیاس کیل برای اندازه گرفتن مایعات و حبوبات وغیره است و برای این مقیاس اول لیطر را اختیار کنند و آن ظرفی باشد که گنجایشش بقدر یک دسیمتر مکعب است و اجزای لیطر اول فنجان باشد که ده یک لیطر گنجایش است دوم قاشق که صد یک رطل گنجایش خواهد داشت و برای اضعاف رطل اول پیمانه باشد یعنی ده رطل دوم قدح یعنی صد رطل

فصل پنجم در مقیاس وزن

برای مقیاس وزن مثقال اول وزن است اما باید مثقال را مطابق پنج گرام فرانسه که تقریبا بیست و پنج نخود باشد قرار دهند و برای اجزای مثقال ده یک آن را که معادل نیم گرام

فرانسه است نقیر خوانند و صد یک آن را گندم نامند و آن ربع نخود و مطابق اصطلاح حالیه است و برای اضعاف مثقال هر ده مثقال را یک سیر نامند و صد مثقال را یک وزنه و هزار مثقال را یک من و صد من را یک خروار و از آنجا که مثقال مطابق با پنج گرام فرانسه شده اجزا و اضعاف آن مطابق با اوزان فرانسه خواهد شد مثلا میتوان فهمید که یک کیلوگرام تحقیقاً چند سیر یا چند مثقال است بر خلاف اوزان معموله حالیه که باید بطور تقریب معلوم کرد یا کسورات چند در حساب آورده شود مثل اینکه بگوئیم یک کیلوگرام عبارت است از یک ثلث من و دو عشر سیر و شش عشر مثقال و پنج عشر نخود و این حساب برای عموم ناس بمنزله حل ما لا ینحل است

فصل ششم

[illegible] بهتر این است که قران ضرب شود بوزن یک مثقال بیست و پنج نخود که مطابق پنج گرام

فرانسه است ونه عشر آن نقرهٔ خالص ویک عشر مس برداشته باشد از قرار
وزن وعیار آن بعینه مثل وزن وعیار فرانک فرانسه است واحدی از ملل ودول
ایرانی برآن نمیتوانند گرفت واجزای آن اول صد دینار است که ~~عشر فرانک است~~
ده یکی قران است وچنین معمول نیست که پول سیاه کم قیمت را خارجه حمل کنند ومدار معاملات
با خارجه باشد برای اجزای دیگر قران کمتر از این که نصف صد دینار باشد ونمیشود
که نصف شاهی است عیبی نخواهد داشت ورشتهٔ معاملات گسیخته وارد نخواهد
آمد وتطبیق پول سیاه داخله یا خارجه چندان ضرورتی ندارد اما اضعاف
قران اشرفی یکتومانی ودو تومانی وپنجتومانی وده تومانی باید باشد وعیار آن
بعیار لیرهٔ طلای فرانسه باشد که ~~رفع فقر وقال الله وغنی از حرمت دولت علیه~~
~~وسایر منافع این عمل که ذکرش طول دارد وبر دولت محفوظ است~~ ودر اختتام مطلب

مزید اللتوضیح اظهار میدارد که هر قدر زودتر این قانون اختیار شود بالغرض که بهتر
هم باشد وحال آنکه نخواهد بود چنین بانستم مشترک مطابق نباشد اسباب ضرر دولت است
ومایهٔ خسارت وغبن دولت وملت والسلام

راپورت سالیانه
ایران ١٣٠٣

فصل اوّل

طریقهٔ مقرون بصرفه در ایران

علم صرفه جوئی عامه در ایران آنطور که گمان میکنند متروک و مهمل نیست هرچند فعلا این
علم در خیالات همه کس نیست ولی مملکت احتیاج آنرا بیش از هرچه فوریتر است —
ممالک ایران یکی از اولین منبع بیشتر ثروت و تربیت است و از خیال ازمنهٔ قدیم در
تواریخ موقع بزرگی دارد ولی با اخلاقات آنطور که باید شناخته نشده است —
وقتی بخواهند ممالک قدیم را بشناسند کسب اطلاع و معرفت بکتب عالیه را هم باید بکنند ایرانیت
و نباید اوضاع این مملکت را برای همیشه با سایر ممالک فرق داد و طعن و ضرب زد و هم خیالی
نباید از بعضی اخلاق و عاداتی که در اول وهله توی ذهن مسافرین به تنفر کرد
اگرچه در فرنگستان معلم خانه‌های عمومی هست از صنعت علم عبور ترقی ملت آزاد میاموزاند ولی
دانستن اینطور رسم بهم قطع نیست در حقیقت ترتیباتی است در بعضی ممالک سالها قرنها
نگاهداری کرده است ممالک ایران هم از این قبیل است و اگر گوشه از این پرده ظلی
که با گفتن هم خیال از اوضاع این مملکت را از انظار فرنگستان مخفی داشته است برداریم

بر خیال از اوضاع این ممالک مطلع خواهند شد و حال برای اینکه مقصود زود درست
باید عقلانی مسئله را در این بکنیم که باید دانست چه طور ایران توانسته است خود را ضبط
کند و از قرض و منّی و غیره و غیره احتراز کند و چه کرده است تا کنون از احتیاجات حساب
از قبیل اسکناس و غیره و در هر وقت منبع وجوهات دولت و لنگی بچه وجوهی در بعضی دولتها
قائم مقام لیره شده هست خود را حفظ نمود — اینرا هم باید تحقیق کرد که آیا مملکت
و عظمت تجارت ایران و ضرورت بزرگی که در گردش پول دارد و نداشتن اسباب حمل و نقل
مثل راه آهن و غیره در این قدر برای رواج خارجه منتشر شده است هم باید موقوف لین شده باشد
دولت ایران رواج یک قسم پول کاغذی برقرار کرده باشد و با وجود این حکمت است
آیا اعتبار آنرا نگاه داشته است در این کار رابطه با خبر قول نبی حرفه امیر آن تری خوش
مانع این کار بعد است مطلب در این است — درباره ایران
در هر ادعائی باید دلیل آورد بنابراین در صورتی هم که فرض کنیم خیالات غلط یا طلی در باره
در فرنگستان تاثیری کرده باشد و این مانع آن شده باشد که دولت ایران استقراضی
از فرنگستان بکند آیا این رای نتوانی قبول کرد که ایران محو کاری مخارجات بکند

گروه‌های خیلی معتبر درجه اول هست که خیلی از آنها با تعلق به ایران به نهایت خصوص
در حالتی که با آنها تجربه این را فهمیده اند و دانسته که طالب کارهای جدی و ترقی فلاحتی اول این
درجه کرور دارند این مسئله محال است حتی آنها را از مملکت خود بیرون کنید
ولی گذشته از این طریقه استقراض از خارجه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحی فداه اگر
منتهی بشود حقوق وسیعه خود را بکار ببرند با نهایت اجلال حکم و اعلان صنعتی فرمودند که رواج
پول کاغذی بطور حتم و حکم معمول و مقبول به هر کس لازم باشد دفعتاً دولت هم مثل پول قبول کنند
در اینصورت آیا میتوان فرض کرد که ملت با کمال اطاعت و اعتبار آن را بقیمت مساوی قبول نمیکرد
پس این از باب عدم امکان استقراض نیست بلکه از باب بی میلی دولت است به ترویج و اعمال کاغذ
و این مسئله با زبانی است که ایران سالها از داخل شدن این تدبیر بزرگ بی نتیجه مانع شود
بملاحظه اینکه خاصیت آن جز این نیست که سرمایه کارهای با منفعت مملکت را منفرق کنند و خیالات
منفعت جویانهای سخت و صعب در میان بیاورد که سرمایه‌هائی که صرف صنایع و زراعت میشود
از میان همه صنایع را ضایع و تجارت را ضعیف گشته بنابراین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی
خوب ملتفت شده لذا در این مسئله بار زیاد سرمایه دولتی تازه را اجرا نمیکنند و اکرام نشده

بر بطلان آن کوشش بی موجب بسیار زیاد کنند معادن تازه در برای مملکت بسیار لازم است
بلکه جای ترس هم هست که بواسطه عدم معرفت بآن که پایه این کار را در دولت چه مبنا است
بکنند الله از این مسئله بازی بخیال تحقیق خیالات خام بشوند
علاوه بر این نوامیس است در ایران آنچه راه‌ها و اسباب بهانه در برای کار گذاشته است
بکار برده باشند بلکه هر ترقیم بگوییم در هنوز زبان شروع هم نکرده است ولی روز بروز ترقیات
ملت بجای خود رسیده همه روز آنها را راه‌های عموم ملت از بعضی موانع و ملاحظات
آزاد شده میتوان با این تدابیر و قوانین بنای امور کشور را و منفعت در این صورت از این
قوانین مقصود است حاصل نشاید

فصل دوم

مسکوکات در ایران

از قراری که در فوق ذکر شده دولت امپراطوری اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه ملتفت
این مسئله فوق شده و بنا بر کمال کارآگاهی لطیف احکام علامت مسکوکات بسیار
نموده و از ابتدای دولت الی الآن نقود در ضرب کرده به نقد قیمت است در میان تمام ملک

رواج و قدر و بها دارد

پس سکه ضرب نقود ایران عبارت است از تومان طلا و قران نقره و شاهی مس و پولهای خورده این سه قسم مسکوک در سال ۱۸۷۷ مسیحی بود بموجب میل خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه ضرابخانه مطابق قاعده در طهران برقرار شد و مرحوم مغفور امین السلطان طالب شد که پولهای مسطوره در ذیل از روی مبنای قاعده اعشاریه با اندازه قشنگ و سکه‌ها کنگره زده شد

سکه طلا که دو عیب عیار دارد

ده تومانی	دو تومانی	تومانی
[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود
[illegible]		

نیم تومانی	خمسه
[illegible] نخود	[illegible] نخود

سکه نقره

پنجهزاری	دوهزاری	قران
[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible] نخود
[illegible]	[illegible]	[illegible]

نیم قران	عباسی	قیمت شاهی
[illegible] نخود	[illegible] نخود	[illegible]

سکه مس

عباسی	صد دیناری
[illegible]	[illegible]

شاهی	نیم شاهی
[illegible]	[illegible]

و صدی ناخنه مسکوکات ایران تومان است و چون در سکه این تومان و بها من الوجوه تعیین مبلغ نشده است و در هر طرف سکه نوشته نشده است نسبت قیمت طلا با نقره چیست قیمت آن نسبت به نقره قابل تغییر است در ازدیاد ترقی و تنزل قیمت نقره در فرنگستان بهم میرسد فعلا بحساب قیمت امروز تومان طلا (حساب مسکوکه) دوازده قران است ولیکن در محاسبات اغلب در عدد هست تومان را ده قران

فصل سوم

صنعت ایران

مملکت ایران الان لابد است هر باره شبیه وارد در سلیقه اهل ایران و فرنگستان با هرج و مرج و مسکنه درست کرده میشود با انقضای عهدی تقریبا خیلی معاودت نداند و چهار سال بکار نمی‌آید در این ایام در انقضای سالهای قبل منعقد شده بود عادت بر رواج محصولات آنها دارد در این عرض مدت بدیهیه تغییرات در حالت صنایع ایران و در اخلاق و عادات اهل ایران رسیده باشد در این زمان محصولاتی که از خارجه وارد میشد منحصر بود به بعضی چیزهای حسابی لازم و حال الان هم در مملکت بواسطه میل و شوق و اسباب تجملی و تزئینات بهم ارزش طلا و بهای اجناس

محلوب است از عمده بزرگی که از همه جور اسباب تجملی و زینت که روز بروز در ازدیاد
است و خوشبختانه منظور ما که تنها از بابت تفصیل اسباب و ادوات چرخ ماشین
کارخانجات فرنگ است بلکه از بابت تمام حقوق گمرکی است

اگر بنا به داد و ستد اهل ایران با فرنگستان از حیثیت مبادلات امتعه باید بگوئیم
در ورق یک مبتلا از فرقی که در گذشته شده بود صنعت ایران تا یک
اندازه میتوانست که لااقل حصه خود در مقابل این رقابت امتعه خارجه مقاومت
و پایداری کند هر قدر ما بیشتر ببینیم در عوض سهولتهائی که در اخذ گمرک امتعه خارجه
بدون امتعه ما در گمرکهای خارجه معامله بمثل را با آنها نمی کنند
میتوانیم گمان کرده صنعت مملکت بتواند میزان قسمت مبادلات
ما را با خارجه نگاهداری کند زیرا که با وجود هزاران موانع برای تجارت
و حمل و نقل امتعه که در خارجه است ملت ایران بواسطه غیرت خود را از دست
نداده نگاه میدارند با این امید که میزان قسمت شاید روزی عمده
برای ترده مفتاح بیش اهدا ما و تعقیدات بهتر مرتبه باشد

از این که گذشتیم به بعضی اشارات مهم بپردازیم صنعت در ایران آزادانه است
و هر کس میتواند هر صنعتی که بخواهد بدان مایل است اقدام نماید و هر نوع کارخانجات
و دستگاهی که بخواهد باز کند و از همین باب است که هیچ نوع امتیاز و انحصاری
در میان صنعت کاران نیست که بعضی ممکن نیستند کارهاشان تشویق شود چون بعضی از
آن صنایع از قبیل قالی و شالها و زریهای ایران و غیره و غیره معروف و مشهور
عالم شده است قالی در امکنه مختلفه ایران بافته میشود در خراسان
در فراهان و کردستان و شیراز و کرمان و غیره و در همه جا بدست بافته میشود
و از این بابت است که اقسام آن با یکدیگر فرق و مباینت دارد لطافت و اعلائی
آنها ما فوق درجه تعریف را دارا است و علاوه بر تمام خیالاتی که ... اظهار ...
برای تقلید قالیهای ... نموده ... قالیهای ... قالیهای ... با ...
است بلکه در استعمال ... ترویج ... میشود ... بیرون طرحهای ... و ...
... در رنگ آمیزی آن و سلیقه ای در کلیه صنعت آن بکار برده میشود

آنرا در میان تمام قالیهای سایرین خیلی ممتاز نموده است

شالهای کرمان با شالهای هند و کشمیر جنبه ای تفاوتی ندارد و قیمتش هم

ارزان تر است و صاحب کارخانجات آن قریحه خود را با حالت و مذاق

تازه مردم عصر تطبیق کرده شالها را بقیمت مناسب تر از کار درمی آورند بدون

اینکه قسمی کنند از شهرت و تعریف شالهاشان کاسته شود و باین وسیله

معاملات و فروش شالهاشان را بالعمده خیلی بزرگ رسانیده اند

بافته های معروف به برک و پتوه عموماً یک طرح مخصوص دارد بواسطه نازکی [illegible]

که در آن بکار برده میشود یکی از جمله صنایع لطیفه است و منتهای تعریف را دارد و هیچ

جای ایرادی نیست

پارچه های ابریشمیه یزد معروف بشعربافی که عبارت از قناویز و الجه و مخمل و دارائی [illegible]

بهم باشد و همینطور پارچه های ابریشمیه کرمان و کاشان و همدان و کتانی

قلمکار اصفهان و بعضی پارچه های دیگر از شیر و زری و جیر و غیره صنایعی است که

و یک تجارت عمده معتبری از آنها تشکیل یافته و بر ثروت این مملکت

مساعدت میکند

صنعت کشیدن تیغهای سفید و فولادی و چاقو سازی اصفهان و خاتم سازی

شیراز و اصفهان خیلی ترقی کرده است و با صنایع مشابه خود از مصنوعات

خارجه رقابت میکنند مخصوصاً آلات فولادی جوهردار اصفهان و شیراز

بواسطه رنگی که در طرز و طورهای آن ظرافت و خوبی کارهای قدیم را دارد خیلی

با قدر و بها است

مثل حروف ریخته چاپ ابزار و دفتر روزنامه ها صنعت مطبوعات ایران طبع و نشر

عناصر یک روح و قالب تازه حاصل نموده اگر ایران هم مثل سایر

دول رقبای خود همان کسب بهای سهولت حمل و نقل مواد و ادوات را از قبیل ذغال

آهن و غیره در ممالک مختلفه بمناسبت ضروریات ملی خود اهمال کرده اند دارای [illegible] شد

فصل چهارم

زراعت ایران

زمین ایران از زمینهای حاصلخیز دنیاست و با وجود خشکی هوا و کمی باران محصولات
بزرگی است و در تمام جاها کشت و زرع با زحمات آبیاری رفع احتیاجات گذشته را […] زراعت
ایران نه تنها محصولش بمصارف داخله میرسد بلکه از بعضی محصولات یک عده زیادی بخارج حمل میشود
چنانکه از ایران هر ساله باطراف هندوستان و روسیه و عثمانی غله و برنج و خشکه صد هزار من […]
خشکبار و بیش از صد هزار عدل پنبه و تخمینا ده هزار صندوق تریاک و حبوب مختلف حمل میشود […]
و چنین مخصوص است از توتون علاوه بر مصرف داخلی ایران از آن در خود مملکت عثمانی […]
و مصر را هم میدهد و یکی از محصولات بزرگ خارجه است خصوص تنباکو که […] در حوالی
شیراز و اصفهان و کاشان کاشته میشود

از بذر شوشتر و زعفران قاین و بجنورد و حنای یزد و کرمان چنین […] خشک شده
[…] که از اینک رنگ مرغوبی میدهد که در تمام مشرق زمین برای رنگ […]
و معاملات […] نیز باید در جزو این عده ادشمرده همین طور انقوزه که مخصوص ایران

این نوع صنایع باندازه دکمه های بزرگ و کوچک و روی حصیر […] و تقریبا در هر سال ده هزار
صندوق از آن بترکستان حمل میشود […] از ماهی […]
و قسمت عمده را

جنگلهای مازندران یک نوع سرچشمه […] برای ثروت مملکت است چوبهای مخصوص
کشتی سازی در آن بسیار است چوبهای شمشاد آن خیلی مطبوع و […] اصفهان
و گردو درخت و هر دو در آن فراوان است […] چوبها در بسیار […]
بجز […] این است در این جنگلها […] شده است که […] از انزلی
چوبهای مخصوص نازک کاری هم در این جنگلها است در همه جای فرنگستان را […]
برای فروش پیدا میکنند

نیشکر هم در ازمنه قدیم هزاران کارخانجات قند سازی از نیشکر میداد خصوصا
در اهواز که مرکز این کارخانجات بوده ولی در مقارن با […] چهارم هجرت این شهر
خراب شده گشته و کار نیشکر انجام ضعیف […] تحصیل آن […]
زیرا که در این عهد علاوه بر اینکه در همه جای مازندران هم نیشکر یافت میشود […]

در یزد و یک عمل قندسازی مانده است اگرچه قند نفیس می‌سازند اما به تصفیه می‌کنند

این قند و مواد نیشکر آن خیلی زیاد است ممکن است هرگاه آنرا بوضع حالیه

تصفیه کنند بسیار ثروت و منفعت بزرگی بشود علاوه بر این گذشته از نیشکر

چغندر در ایران فراوان است و در غالب آن محصول فراوان خوب میدهد به خیال بیرون

و خیلی با نمو می‌شود و تمام محسنات را برای قندسازی خوب است دارا است و هرگاه کارخانجات

قندسازی دایر شود می‌تواند سد بزرگی برای ممانعت از ورود سالی صد هزار صندوق قند

در فرنگیان حمل می‌کنند بشود —

در اختتام این فصل میبایستی این را هم عرض کنم که در هیچ جای عالم معمول قدیم در زراعت شبیه انگلیس

در ایران هم بسبک و عادات قدیم باقی مانده است و ماشین و زراعت‌ها همان (قسم بیرون عهد ترا)

و از پدران خود دیده و آموخته‌اند می‌کنند و از هر گونه اسلوبهای تازه احتراز دارند

و هر گونه تجربه‌های جدید به نظر آنها خطرناک می‌آید و اگر چیزی بشود نتوانند این علاقه

طبیعی آنها را با اسلوبهای قدیم و ابزارهای کهنه و طرزهای سابق سلب کنند آن

آن شاهد نتایج و منافع علمها است و از طرزهای تازه حاصل کرده‌اند چون اهل ایران

خیلی باهوش هستند همین که یک منفعت واقعی در کار ببینند فوراً اسلوبهای خود را تغییر میدهند

پس در صورتیکه بواسطه تجربه‌های فراوان منافع و نتایج را از زراعت دارند و در قوانین علمی

بر می‌آید در انظار زراعت کاران ایران معاینه کنند و رواج فروش را هم از انداختن کار

آهنی برای محصولات آنها بیاید که ببینند آن بهترین تدبیر زمینی خواهد بود برای آنکه

ترقی در میان کار آورده شود و اکنون خیلی بنظر مشکل می‌آید و لازم ترتیب کارها

اهم است :

فصل پنجم

محصولات حیوانی

در بالای جنس اسبهای عموم اسبهای دنیا بعد از اسبهای اعراب علاوه که اسبهای ایران از نسل

بواسطه کوهی بودن نی و سرمای مرتع و کوهها آهو وحشی معدود هستند و از تخمهای مختلف عمل

می‌آیند بیشتر جنس آن با اسبهای اعراب نزدیک است اسبهای ایران اولاد اعراب

پرطاقت است در جنوب ایران برای فروش ... خیلی بفروش میرسند و علاوه بر این

کاو و گاومیش هم از مازندران بقفقاز و روسیه برده بمصرف فروش میرسد —
ولی اگر از خیلی حیوانات چنانچه تجارتی نمیشود از محصولات آنها کارخانجات
تشکیل بدهند استفاده بیشتر دارد —
پشمهای ایران در خیلی نرم و لطیف است پس از آن مقدار زیادی از آن بمصرف
کارخانجات داخله روسیه یا بقفقاز یا انگلیس و فرانسه و بمبئی بمقدار زیاد فرستاده میشود
بعد از پشم پوستهای بز از خراسان و اصفهان و همدان است در ربند لو و روسیه حمل میشود و در
شهرهای در بیشتر جاهای روسیه در فرنگستان بیشتر انگلیس هم یک دخل دارد
تجارت روده و پوستینه هم بهمین طور با خارجه زیاد است خصوص از طرف خراسان
ولی ابریشم و لاسق از محصولات عمده ولایات گیلان و مازندران و تنکابن و طبرستان است
بیست سال قبل از اینکه این محصول علاوه بر آنچه در خود مملکت بمصرف میرسید قریب
بدو کرور کیلوگرام (سه هزار خروار) تجارت حمل میشد ولی بعد بواسطه یک آفتی
که در کرم ابریشم پیدا شد نصف از این مقدار کاسته شد و الحمدلله بواسطه تدابیر

هر در این فقره بکار برده شده است حالات هر دو باره جانی گرفته است و
مبلغ فروش آن خیلی کافی است میتوان بکمتر از دوازده الی پانزده میلیون
قران تخمین کرد —
یکی دیگر از محصولات ایران تجارتهای است فقط تخم ماهی آن که عبارت از اشبل
باید بشود از محصولات مخصوص ایرانست تقریباً سالی یک ملیون کیلو بروسیه
حمل میشود و آن هم جزو عمده اجاره شیلات است که بحکومت روس داده شده است
و در این شهرها بمبلغ از شصت هزار تومان بیشتر میدهند
چیزی که باقی ماند صید مروارید و غواصی در بحر فارس است که خود منبعهای اسباب
نعمت و دولت یک جزو عمده از اهالی بندر ابوشهر خصوصاً بندر لنگه است و علیهذا
در این تقریباً هر کرور تومان از این محصول تجارت حمل شد و حالات هم ایران
برای اینکه این شعبه سرچشمه ثروت مملکت بهتر تقویت کنند خیلی گرفتن دولت
الان برای حفظ و فراوانی این صید مروارید اسباب تعطیل و خیلی جار

امید است در ظرف یک سیده حاصل و ثمره این صحبه خیلی بیشتر شود

میتوانیم از بعضی محصولات دیگر بشماریم که اهمیت آن بالنسبه قدری کمتر یا زیادتر که هم باشد

در عده محصولات تجارتی بالاتر رود ولی این مختصر نگارش بسیار است فی الجمله اطلاعی از رشته

های ثروتی که دولت ایران در قسمت خود دارد خواهد شد در روزی که حمل و نقل سهل گشته

دیگر آنها از ایران شود آن روز دولت ایران باید تعادل میزان آنچه از مملکتش خارج

میشود با آنچه به مملکتش وارد میشود هم تراز کند بلکه عده محصولاتی که بیش از آن

بشود که از خارج داخل می شود

فصل ششم در معادن ایران

این فقره را هم باید متذکر باشیم که عمل استخراج معادن ایران هم از بابت نداشتن قانون

و هم عده متخصص ندارد هم از بابت اینکه اشخاص ارباب معادن در ایران نیست ناقص است

سرب و آهن و گوگرد و زرنیخ و انتیمون و نفت هم در همه جا موجود است ولی اینها همه ترقی

است که در زیر خاک مانده است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه صدور این معادن

مملکت شخص بی نیاز نیست اگر کوه مبالغ معتنابه بود که اسباب لازمه کار کردن

معادن ایران سهل داشت خیلی حاضر بودند که امتیاز و اجازه کار را به اینها بدهند و خیلی

قرار مالیات آنها هم از روی اقتصاد معین شده

زغال سنگ هم خیلی فراوان است و معدنهای معتبر از آن تقریباً در همه جا هست

ولیکن چون چند سال است فقط معدن قره‌تپه و الدره را کار میکنند و آنهم بواسطه

معدن چی‌ها آنکه اسباب کارشان خیلی کم است و از این بابت این معادن

مهمل مانده

مرمرهای بسیار خوب هم داریم از همه رنگ سبز قرمز سفید و سیاه که اگر

در عمارات مثل فرنگستان کار بکنند از آنها خیلی جلوه بهم میرسانند ولی عمل

استخراج معادن آنها هم ناقص مانده است

فقره دیگر در جنوب ایران معادن نفت معتبر هست ولی بواسطه نداشتن

سهولت حمل و نقل و از بابت گرانی کرایه از بار کوه که مستخرجیم در هم سال مبلغهای

خطر در مقابل آن تجارت نمی‌بینیم

تنها معدنی که رقیب عمده در آن کار میشود معدن فیروزه است که اختصاص بایران
دارد و در هیچ جا یافت نمیشود این مواد قیمتی که بواسطه رنگ آبی روشن و آبی مایل بسبز
و بقشنگی معروف است جزو بهترین صیقلهاست که در جواهرات از لکه‌های سبز و در آرایش
آرامیم پیچ و خم‌دار طرح شکلی میدهند و از آن اسباب زینت بسیاری میسازند در
فرنگستان خصوصاً در روسیه خیلی طرف طلب است و بعدها این مواد در شیشه و بلور بکار برده
سنگ قلوه در میان رگهای معدنی سنگ چخماق پیدا میشود —
ثروت معدنی ایران خیلی بزرگ است همین که رخنه معدنی بواسطه اشخاص ارباب
معادن کار ببیننده شرکت معلم خانه خواهد شد برای استخراج معادن در ایران
در طول زمان گشته که این کار را بالا بگیرد بطوریکه سرچشمه ثروت این مملکت بشمار
بیاید انشاالله

فصل آخر

تجارت ایران با خارجه

قبل از شروع بمواد دیگر این مسئله لازم است که ممالک محروسه ایران از طرف
شمال بروسیه و دریای خزر که بهیچ دریای آزادی راه ندارد محدود است و از طرف مغرب
با خاک عثمانی سرحد است که هر دو مملکت مبادله امتعه تجارتیه با ملاحظات زیاد دارند
و خصوص که اغلب مال ایران را گران میکنند

دولت بهیه روس بعد از ملاحظه که در کانال خوارج بطرف خط راه آهن از بادکوبه
به باطوم که منافع عمده آن سالها از ترانزیت مال التجاره ایران بود برای خاطر
صاحب کارخانجات روس حق ترانزیت مال خارجه را به ایران از آن خط عذر نمود
که اهالی ایران سالانه کنند که لوازم خود را از امتعه مختصه بروس ابتیاع نمایند
نتیجه آن این شده است که راه تجارت ایران سالی بطرف طرابوزان و تبریز
از خاک عثمانی و بطرف خلیج فارس سرکوه‌ها گشوده است چنین که طرابوزان
تقریباً در زمستان چند ماه مسدود است و خلیج طولانی بر خروج است سالها
طبیعی ایران به خلیج فارس منحصر شده است که در آنجا ایران چند بندر دارد

به بزرگترین و محکمترین بنادر بوشهر است و چون این بندر در ممالک حاصلخیز ایران نزدیک
است و به هندوستان و عربستان اهمیتی دارد و مسلماً یک بندرگاه تجارتی
عمده شده است که اهالی بندرات چه از راه ایران حتی هندوستان و عربستان
امتعه ایران و فرنگ را در اینجا مبادله [illegible] و به نتیجه این بندر اهمیت بزرگی به هم رسانیده
است که سال به سال زیادتر خواهد شد

از طرف اداره کل گمرکات ممالک محروسه ایران که در تحت ریاست عالیه
جناب جلالتمآب اجل امین السلطان وزیر مالیه و وزیر دربار اعظم هر ساله راپورتهای
کافی در باب تجارت ایران به عرض میرسد اطلاعات خود را از میان راپورتها
کتاب که یک شرح مختصر در باب تجارت ایران با خارجه به عرض میرساند
فقرات اطلاعات را از ورقهای استاتستیک که در مد نظر است حاصل مینمایم این است که
محصولات خارجه برای مصرف فروش ایران میرسند عمده آنها
خیلی با ذکر گرفته است اطلاع دیگر این است در امتعه فرنگ از قبیل پارچه های پنبه

و ماهوت و چینی و ساعت و جواهر و سنگهای قیمتی و بلور و باروت و تفنگ و اسباب
خرازی و اسباب کالسکه و یراق اسب و قند و شمع گچی و نفت و مشروبات و ادویه
شیمیائی و عطاری و آینه و عطریات و مأکولات و آهن و فولاد و مس و اجزای
چرخ و منگنه و اسباب نقره و طلا و بلور آلات و ظروف چینی و قهوه و چوب و [illegible]
و جنس [illegible] و پارچه های ابریشمی و پشمی و غیره و غیره را از خارجه جلب میشود قیمت آنها قریب به
کرور تومان میشود به تفصیل ذیل

از طرف روسیه قریب	از راه عثمانی قریب
۱۳ کرور و نیم	۴ کرور
	از طرف خلیج فارس
	۶ کرور و نیم

و مال التجاره ایران که به خارجه میرود جزو آن در فصل سابق ذکر شد قیمت آن
تقریباً به بیست و نه کرور میرسد به تفصیل ذیل

از طرف خلیج فارس	از طرف روسیه	از راه عثمانی
۶ کرور	۱۰ کرور	۱۳ کرور

ولی این مبالغ فوق را نمی‌توان قیمت واقعی این امتعه متبادله دانست لیکن از اینکه
گمرکات ما بلاملاحظه آنکه یک اعلانی در باب امتعه ایران کرده باشند قیمت فروش
آنها هر قیمتی را که تاجر اظهار کند بلکه بیشتر قیمتی می‌نهند در حمل آن رواج پیدا کند
از اینطرف حقوق صدی پنج گمرک امتعه خارجه از روی قیمت با فروج حساب میشود
و طبعاً از قیمتی که تاجر بکارخانه داده است بیشتر است علاوه بر این ممکن است
سیاحان مختلفه خارجه از ایران می‌خرند در گمرک تقسیم نمی‌کنند پس برای اینکه
یک تخمین صحیحی در باب معاملات تجارتی خود با خارجه بدست بیاوریم باید
ده یک بر قیمت امتعه خروجی که در فوق ذکر شد علاوه شود و از آنطرف از امتعه خارجه
هم ده یک کسر شود در اینصورت تفاوتی که برای اضافه امتعه خارجه ملاحظه می‌شود
دیگر تعادل آن از اولین تنزل تجارتی و صنایع ایران قرار داد بلکه تنها علامت آن
از مراعات بعضی مقررات غلط است یقین میدانیم که روزی که عهدنامه‌های تجارتی
عوض شود و از روی قاعده و میزان معامله به مثل منعقد گردد و از آنطرف

در اسباب رفع عدم مراودات پیدا شده و معاملات مملکت با سایر ممالک دنیا
ارتباطاً بهم رسانیده آنروز ممالک ایران انبساط بزرگی پیدا خواهد نمود

تحریراً فی سلخ شهر شعبان المعظم
۱۳۰۳

لایحه و شرطنامهٔ فرانسوی العباره (م. فابیوس بوطالان) مهندس راجع بلزوم تأسیس راه آهن از انزلی الی
طهران و از طهران الی یکی از بنادر خلیج فارس مع ترجمه های آنها بدقت تمام و تأمل تام مطالعه و ملاحظه کرد
این غلام گشت .

چون ترجمه فارسی شرطنامه مذکور بالمره رعایت فرانسوی آن بعینه حرف بحرف نمیشد پیشتر لذا بنگه شروع بتدقیق واقع
شود محض وصول بحقیقت شرطنامه مذکور بدون جرح و تعدیل از فرانسه بفارسی ترجمه گردیده و در کتابچه علیحده
در مقابل ترجمه که در شرطنامه مذکور مندرج است نوشته شد .

چون: درجه خیالات سیاسی و تصورات دیپلوماسی دولتین انگلیس و روس را تقریر و تعیین و اینکون تأثیرات
فعلیه همان خیالات و تصورات را که در قوه مانده و هنوز در ساحت فعلیات اثبات وجود ننموده است کشف و تعیین
از جمله وظایف و تکالیف اولیای امور جمهور و مداخله و انتقاد از آن قبیل مواد بجهة سایرین داخل انواع محذورات است
این غلام خانه زاد از محاکمه و انتقاد مسلک سیاسی دولتین مشار الیهما صرف نظر نموده تحقیقات و انتقادات
خود را از نقطه نظر فن حرب و فن ثروت ملل کرده و حرف خارج از این دو نقطه نظر که عقلای علم حقوق بین الملل
از برای تدقیق تبک و بدایتی چنین تأسیسات مهمه عظیمه معیاری قرار داده اند نخواهد نوشت !

اگرچه منفعت راه آهن از هر نقطه نظر مصدق و یقین و مسلم است ولی این هم واضح است که بدون خسارت طرف مقابل بینید
منفعت در جمیع کار امریست محال !

پس باید تدقیق نمود که وجود این راه آهن مقصود برای مملکت ما نافع است یا مضر ! و موضح این نکته مهمه
نیز جواب دو سئوال آتیة العرض است :

اولاً ــــ مثل ایران مملکتی را که حدود جنوبیه از دریای عمان و میتوان گفت بیابانهای غیر مسکون و بی آب و علف
گرفته و غالب حدود شمالیه اش نیز سواحل جنوبیه بحر خزر و کوههای جنگلدار و صعب المرور استرآباد و مازندران
و گیلان محدود ساخته و در حقیقت همین دو مانع راه استیلای دشمن شمالی و جنوبی این مملکت را که قطع
و مطیع آنها است به مخارج دولتی تا بحدی بستر است آیا دولت علیه ایران را کدام منفعت معلوم است که

بواسطهٔ این راه آهن هموار و بیارا از خشکی بهمدیگر وصل کرده و از برای حفظ مملکت مجبور شود که در مداخل
و مخارج و غالب نقاط مهمه واقعه در کنار این راه مستقر استحکامات متینه بنا نموده و لشکرگاههای با اسلحه
مجری سالح و ثابت و استحکاماتی با توپهای جدید الاختراع که آنها تسلیح و تحکیم کرده متحمل مخارج فوق العاده
متمادی شود ؟!

ثانیاً ــ مملکتی که برای ثروت نقدیه اش بغایت الغایه محدود و با وجود صعوبت حمل و نقل مال التجاره معامله سالیانه
تجاریه اش بیست و یک کرور تومان واردات آن در مقابل اخراجاتش باشد و از نقطه نظر صنایع و زراعت و
حیوانات هم به پستی ترین مرتبه واقع شود و این راه نیز بهمان شرایطی که معایب و محذورش در ذیل معروض خواهد شد
بمصرف نفوذ خارجه استفاده یابد جز خفت ثروت نقدیه و محو صنایع جزئیه داخلیه و تسلیم کلید خزانه طبیعیه
مملکت بدست تبعه خارجه کدام نفعی است متصور ؟!

بلی مملکتی که: غیر از بیابانهای شنزار و شوره زار و کوهستانات سنگلاخ و جاهای مسکون و بستر بعضی
رودخانه ها و دریاچه ها دارای هزار کرور کیلومتر زمین قابل زراعت و فلاحت و محصولخیز و قریب بشانزده
کرور نفس است احتیاج کلی بطرق و معابر که باعث سهولت حمل و نقل محصول و نتیجه سعی و عمل آنها
باشد دارد ! اما این طرق و معابر نافعه بجالة راههای شوسه است نه راه آهن ......
زیرا وضع حاضر مملکت ما بآن درجه نرسیده است که راه آهن را در جلب منفعت مملکت ما اداره و تحمل
نماید !.

پس بر ما است که قبل از تمدید راه آهن مال التجاره تدارک نماییم که (واگون) های وارده محمول مال التجاره
فرنگ در هر سفر ما بین ما من نقود خزینه ما را نبرده و در مقابل مال التجاره وارده مال التجاره ببرد و
بهمین واسطه توازن فیمابین ادخالات و اخراجات حصول بیاورد ؟!!

و مال التجاره که بزودی میتوانیم تهیه میتوانیم و نتیجتاً توازن و تقابل ایجاد نمود از تزاید ادخالات و اخراجات بیشتر
محصولات ارضیه و حیوانیه است و بس !

زیرا تدارک معمولات صناعیه در مقابل کارخانجات لاتعد و لاتحصای فرنگ تا اکنون بعد از دویست سال
هم برای ما مقدور نیست !؟!

امروز اُو سایط معیشت عمومیه مشرق زمینیان برای از برزگری و باغبانی و زنبورداری و نعلبندی و چوپانی و بسیط
با این جمله مینیان هم محتاج استاد و مجبور بیاد گرفتن صنایع مذکوره هستیم و تا یاد نگیریم نمیتوانیم در مقابل
صاحبان صنایع مذکوره امریکا و اروپائی ایستاده رواج بتجارت سعی و عمل خودمان بدهیم !..

چه آنها عمل را از روی علم و رواج بعلوم قوای مبنی الالات و ادوات سهل الاستعمال بموقع اجرا گذارده و نه فقط
میتوانکت فوق الطبیعه محصول بر داشته ارزانتر از ما میفروشند !

هرگاه عمل را بیمه مشروع بموقع اجرا ممکن اشتند چه طور میتوانستند که بعد از دادن مخارج اعالیه و بیه
دیوانی و کرایه حمل و نقل و رسم گمرک خروج و مدخل و مسافتی مسدود و قیمت پیشکال و کاغذ و شمع و
من قند مکرر (ماسل) را بسه عباسی بفروشند حال اینکه از برای تحصیل یک من قند مکرر بیست من
عصاره چغندر (سیلیک) لازم است و تا سی و پنج من چغندر را رنج نکرده فشار ندهند عصاره
مذکوره المقدار را نمیتوانند بدست بیاورند . حالا باید حساب کرد که صاحب کارخانه قند هر من
چغندر را بچند ابتیاع نماید که قند را باین قیمت نازل بفروشد و ذارع آن چغندر چه شد که بعد از ادای
مخارج و مالیات گزاف دیوانی منفعت هم ببرد !!!

آیا کسی در مملکت ما دیده است که : من چغندر بعادت را بسه شاهی بفروشند ؟ با اینکه بر بیمه عمل در اینجا
بغایة النهایه بیک قران ده ... سی قرانک و مالیات اینجا نسبت بمالیات فرنگ عشر معشار است !

مقصود از نوشتن این فقره صنایع اصلاحات بودن و سایط معیشت عمومیه ما را بموقع ثبوت گذارده
و با وجود دفع حاضر و سایط معیشت عمومیه باعث خرابی مملکت بودن راه آهن را بادلائل مقنعه با
صاحبان دقت رسانیدن است و بس !

بیاییم بسر انتقاد و ... از جمله ... فصول سند ... نظامات مهندس مشارالیه :

در فصل اول : (خط مزبور از کدام شهرها و قصبات عبور خواهد کرد . و نقاط عبور و مدخل و
مخرج راه را کی یا تحقیق و تعیین خواهد نمود ، و در میان محققین و معینین از جانب دولت علیه ایران
مهندسین لشکری و کشوری خواهد بود یا نه) مندرج نیست باید مندرج شود ، و در خصوص ... یک
هم جمله (مفید دانش) مغایر استقلال سلطنت است و لازم است که جمله مذکور از نقره ... شود
(مفید دانش) دولت علیه بموافق منافع ملکی خود دانسته اجازه و رضایت بامتداد دهد .)

در فصل ثانی : لابد است که جمله (صاحب امتیاز فوراً ...) از این قرار تصحیح شود (صاحب امتیاز
مجبور است که بهمراهی یک هیئت فنیه که مقدار کافی مهندسین نظامی و غیر نظامی هم از جانب دولت علیه
در میان آن هیئت تحت عضویت دارند فوراً اقدام تحقیقات خواهد نمود ، و آنچه زودتر ممکن باشد
نقشه را که جامع تمامی نکات باشد یعنی چند متر مربع از مستغلات و باغات و مزروعات و مزارع و
دولتی و رعیتی و همچنین چه قدر از اراضی قابل الزراعه و غیر قابل الزراعه از برای راه و متعلقات آن لازم
خواهد شد و قیمت این املاک و اراضی به کیها راجع و متعلق است . و از برای تسویه چند محل لزوم
و چند جا پل آهنی یا سنگی ساخته و چند جا (تونل) حفر یا شکافته خواهد شد و از برای
ابنیه جنبیه متعلقه و (ترا و ارس) چه قدر چوب لزوم دارد و ... و مقدار گچ و آهک و سنگ
و آجر را بنماید باکتابچه تخمین تمامی مخارج (که تا یک ده شارت ...) بدولت ایران تقدیم نماید که
اراضی لازمه ......) [مواجب و مخارج راه هیئت فنیه را صاحب امتیاز متحمل خواهد شد]

در فصل سوم : از جمله واجبات است که فقرات ذیل بعد از جمله های آتی علاوه گردد : (صاحب امتیاز مجبور
[جزء راه شهرها و قصبه ها و دهات] (در تمام امتداد راه آهن سعی متوار هر دو طرف ... من جمیع جهات
عرضاً ... (مستقیم ...) (اما در داخل بلاد و قصبات و دهات من جمیع جهات بیست و پنج متر
شده در یمین و یسار خط راه در عرض ده متر ده خیابان خواهد ساخت و جز اماکن و مستغلات و باغات
و مستغلات و اراضی موقوفه دولتی) (تمامی اراضی متعلقه بدولت) (از خیابان و کوچه ها ... از برای راه و ساختن

مواقف و انبارها و ابنیه دیگر لازم است مجاناً اعطا خواهد شد .... (و [املاک و اراضی که تعلق
برعایا و غیره دارد صاحب امتیاز باید با خود مالکین ایشان قطع ......) (بخواهش صاحب امتیاز دولت علیه
ایران در صدد دفع اشکالات برخواهد آمد [اما هر املاک و اراضی که خارج از حدود معینه هر دو طرف خط
واقع باشد و صاحب امتیاز طالب ابتیاع از آن قبیل املاک و اراضی شود در فروختن ملک خود مختار است
و دولت حق ندارد که رسمی و غیر رسمی مداخله در بیع و شراء از آن قبیل املاک نماید] (و هرگاه در امتداد خط
راه) [اراضی و املاک موقوفه یا ایتام صغار یا مجنون یا غایب بغیبت المنقطعه باشد صاحب امتیاز مجبور است که
بتوسط وزارت جلیله اوقاف یا بتوسط نواب وزارت مشار الیها مراجعت بمجتهد جامع الشرایع آن بلد نموده بطریق
مبادله یا اجاره متصرف شود و هرگاه] (اراضی بلا مالک شد چنانچه آن اراضی ....)

در فصل چهارم : نیز لازمست که این دو جمله علاوه شود [هرگاه در گذرگاه راه تکایا و مدارس و سقاخانه
و آب انبار واقع شود صاحب امتیاز حق دارد که آنها را بشرط مبادله متصرف شود یعنی در مکان جوار در وسعت و وضع
عمارت آنها بعینه از آن قبیل ابنیه عمومیه را ساخته و باهالی آن محل تسلیم کرده بعد آن قبیل جاها را متصرف شود]

در فصل پنجم : در اول فصل این فقره را باید علاوه نمود [بعد از امضا و مبادله این امتیاز نامه صاحب امتیاز را
یکصد و پنجاه هزار فرانک از برای تأمین دولت ببانک طهران تسلیم نموده بعد مشغول بعقد شرکت و اخذ
نقشه و تعیین گذرگاه راه شود و] (در وقت شروع شدن عملیات راه آهن) [نیز] (صاحب امتیاز مبلغ یک
ملیون فرانک را در یکی از بانکهای دول) [اروپا که در آن وقت دولت علیه معین خواهد نمود] (اگر صاحب امتیاز
[در اجرای تحقیقات و در تعیین نقاط و تشکیل هیئت فنیه کوتاهی نماید مبلغ یکصد و پنجاه هزار فرانک بالتمام حق
طلق دولت ایران باشد . و هرگاه هیئت فنیه را تشکیل و کارهای فنی متعلقه براه آهن را یعنی تحقیقات لازمه را اجرا
و نقشه و کتابچه تخمینی تمامی مخارج را بعد از آنکه هیئت فنیه بالمسافه تکمیل و تقدیم نماید مبلغ یکصد و پنجاه هزار
فرانک بالتمام بتصدیق دولت بصاحب امتیاز داده شود . و اگر صاحب امتیاز بعد از تقدیم نقشه و کتابچه] (در انجام
تعهدات خود کوتاهی کند) [یعنی شروع بساختن راه نماید یا قبل از ساختن و بکار انداختن ده کیلومتر ساختن را ترک نماید]

نماید] (آن مبلغ) [یعنی یک ملیون فرانک موقوفه در بانک بالتمام] (حق دولت ایران باشد هرگاه ....)

فصل ششم : بی عیب بنظر می آید ....

در فصل هفتم : در ذیل این فصل درج فرمایند که از جمله واجبات است : [اما اشخاصی که در مکاتب و حجرات
و حمامخانه و غیره را بجهت بنا در راه آهن مستأجراً اجرای صنعت نمایند از اداء عوارض و مالیات جزوی
معاف نخواهند شد

در فصل هشتم : در این فصل هم درج شده جمله ذیل مقتضی است : (شرکت باسمی (آنونیم) را) [بعنوان شرکت
راه آهن ایران] [تشکیل داده و تعهدات و حقوقی که از این امتیاز مترتب میشود) [بتصویب و اجازه دولت علیه]
[بعهده آن شرکت ....) (مقر شرکت) [در لندن و یا سویح یا ممکنست ....)

در فصل نهم : در این فقره هم دو جمله معترضه را باید الحاق نمود : (مداخل کمپانی و عملیات واقع) [تا مجدداً از کمپانی
خود مختار است ولی تا ممکنست از رعیت ایران که ربط و معرفت داشته از این عمل دارند باید اجیر کنند] [اما ناظمهای
راه و مقر انبارها و جز ما کنست و عملیات فنی سایر عملجات از رعیت ایران انتخاب خواهند کرد .]

در فصل دهم — آنچه لازم الدرج است این چند کلمه است که در جاهای معینه آتی الذکر باید الحاق نمود
[بعد از انقضاء نود و نه سال تمام ابنیه] (مسقفه و غیر مسقفه و اراضی موروثه و معروسه و خالیه) [را تماماً
جمیع ادوات و کارها با عمارات متعلقه] (راه آهن در) [ابتدای دایر شدن راه آهن] (بی نقص و عیب و معمور و محکم و
و از هر گونه معایب نظریه و خفیه عاری) (حق طلق دولت علیه ایران خواهد شد) [و در وقت تسلیم یک هیئت
فنیه که مرکب از مأمورین فنیه طرفین خواهد بود تمامی خط و عمارات و آلات و سایره را معاینه کرده هرگاه تعمیر
و غیره را موافق مطلوب بیابند قبول خواهند کرد و صاحب امتیاز یا کمپانی مجبور است که هیئت فنیه را اقناع و
مطمئن سازند] (مگر ....)

در فصل یازدهم — در آخر این فصل جمله آتیه را باید الحاق نمود [مأمورین و مهندسین و عملجات راه آهن
نیز مجبور و مکلفند که داخل دایره قانون و عادات مملکت حرکت نموده حسن معاشرت و معامله با اهالی نمایند

اس الحرکات قرار داده اعم از اینکه باشند و شاید یکی از اولیای امور حقی از ایشان خوش باشد حرمتی نماید خود شان شکایت

قیام نموده در حضور وزیر عدلیه اعظم با قامه شهود محاکمه شده بعد از ثبوت مقصر نسبت به درجه تقصیر خود

تنبیه شود و هرگاه مدعی و مدعی علیه از جهت خارجه باشد حسب الاصول یک نفر مأمور از جانب قونسولا توی

دولت متبوعه او در وزارت عدلیه حاضر شده محاکمه را استماع نماید و هرگاه در محاکمه مصاحبت و یا حمایت

و غرض بیشد رسماً با امر خود بیان کرده اجرای اقتضای حال را بعهده آمر خود محول بدارد -]

در فصل دوازدهم — این تصریحات آتیه مقتضی است : (با انضمام جمیع معادن که فی الحال دولت ایران خود این

ماشی الیها صرف بحال دولت و کمپانی خود داشته باشد) [بجای کمپانیها نداده با امتیاز نامه علیحده و شرایط

منعقد بانی کمپانی؟] (میدهد) . . . (کمپانی در آن اراضی زراعت نماید) [و کمپانی حق ندارد که بر سطح

قنوات محدث و چاههای (آرتزین) خسارتی بقنوات قدیمه اهالی برساند ، یا اینکه رودخانههای دایره و غیره را که

که زیاده از کفاف مزروعات اهالی باشد بواسطه ماشین و تبدیل بستر مختص بمزروعات خود نماید اما فقط ورود
دولت

بصوابدید دولت در جاهای مناسب سد بسته باعمال زراعت مملکت بکوشد .]

در فصل سیزدهم — درج این دو نکته از جمله واجبات است : (در مقام میعاد این قرار نامه هر ساله . . . .

. . . تومان از بابت وجه اجاره گمرک . . . . . . این مبلغ . . . تومان طلا یا بعلاوه تفاوت قیمت طلا آنچه هرساله

. . .) در آخر فصل نیز : [هرگاه دولت علیه موقع تجدید عهدنامه مالیه تعرفه تعارف شود ، یا تعدیل شود ، ور دم
مقدار

ما فیها اقدام نماید آن مبلغ مقطوع مذکور با قاعده موضوعه مالیه تزیید یا تقلیل کرده بیع نفع یا ضرر کمپانی آورده

نخواهد شد .

فصل چهاردهم — باید از این قرار نوشته شود : هرگاه کمپانی راه آهن یکی از این اقساط که در فصل سیزدهم

قید شده در سر موعد نرساند یا مسامحه نماید مجبور است که بعد از بیان و ثبوت اسباب مانعه بحساب

تنزل الیوم مبلغ دین خود را با تنزیل ادا نموده بعد فسخ یا تعدیل احکام فصل سیزدهم این امتیاز نامه را از

دولت استدعا نماید .

در فصل پانزدهم — در ذیل این فصل باید نوشت که : [تمامی احکام این فصل در مرکز اداره این کمپانی که دار
شد]

الخلافه طهران است در حضور وکلای حصه داران و در تحت نظارت وزیر مالیه ایران بموقع اجرا گذارده خواهد

فصل شانزدهم — بی عیب است .

در فصل هفدهم — در ذیل این فصل هم باید نوشت که : [اما دولت علیه حق دارد که معاملات جاریه

صرافیه و بیع و فروخت اسناد و اسهام و تادیه وجه (کوپون) ها و غیره را در تحت نظارت خود گرفته حقوق

صاحبان اسناد و اسهام را محافظت نماید -]

فصل هجدهم — ایضاً لازم است چنانکه احکام لازمه فصل مذکور در فصل پنجم ثبت و علاوه شد و لازم است که

در مقام فصل مذکور فقرات آتیه مندرج شود :

فصل هجدهم — وسعت ما بین هردو خط و مقدار و محل مقراضیها را هیئت فنیه معین خواهد نمود

و در هنگام حفریات هرچه از آثار قدیمه و ثمینه بظهور برسد فیمابین اعیاناً یا قیمتاً نصف آن حصه بدولت و نصف حصه
کمپانی مذکور

بکمپانی راجع و عاید خواهد شد و در دشتها و قصبه ها و قریه ها از هردو طرف راه مجرا کشیده

انسان و حیوان از آسیب پامال کردن (واگونها) محافظت خواهد کرد و از برای مرور و عبور کوچه ها
خیابانهای

را قصد دائمی و بسیار از زیر خط معبرها خواهد ساخت .

فصل نوزدهم و فصل بیستم بی عیب و موافق حقوق عمومیه است

فصل بیست و یکم — در جمیع معاملات و محاکم نسخه فرانسوی العباره این امتیاز نامه

معمول به خواهد شد . . . . .

(۱)

ترجمهٔ کتابچهٔ ترکی العباره راجع بمحال قطور و حدود کردستانست که در سال ۱۲۹۶ هجری بجناب میرزا حسینخان مشیرالدوله که وزیر امور خارجه و سپهسالار دولت ابدمدت علیهٔ قاهره بود تقدیم نموده شده است

اگرچه در استعفانامهٔ مفصله که چند روز قبل تقدیم حضور عالی جناب اشرف سپهسالار اعظم کرده بودم مختصر اطلاعی راجع باحوال مالیه و تنبیه ادارهٔ حالیهٔ محال قطور را هم بعرض سامی رسانیده جرئت بجلب دقت حضرت مهام‌دانی نموده بودم اما بعض فقرات مهمه که موجب مزید بصیرت و مستوجب انواع محسنات و فوائد است در استعفانامهٔ مذکور نوشته نشده و باقی مانده بود از آنکه این [illegible] بندوی داخل در جرگهٔ نوکری گردید و زیاده از حد خود نایل مراحم بی‌نهایت گردانید شکراً علی النعم لازم دانستم آنها را هم در این کتابچه نوشته بعرض عالی برساند :

قبل از شروع بعرض مطالب لازم است که محض توسیع دائرهٔ اطلاع محلی از احوال جغرافیهٔ عمومیهٔ محال قطور در اینجا نوشته شود .

درهٔ قطور از منتهای طرف مغربی دشت خوی و از دامنهٔ تپهٔ معروف بر (نشان طاشی) که در بالای تپه عثمانیها قراولخانهٔ معتبری از برای نگاهداری سرحد ساخته بودند [۱] شروع مینماید .

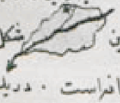
چون این دره از جریان رودخانهٔ قطور بحصول آمده مثل سایر رودخانه‌ها در دو طرف رودخانهٔ مذکور هم بمرور سنگهای کوهها این مجرای تنگی از برای خود ساخته و در هر دو طرف مجرا پرتگاهها که ارتفاع آنها از پانزده الی پنجاه متر بنظر می‌آید و با انحرافیکی از برای ممانعت یک قلعهٔ طبیعیه است قرار داده بکمال سرعت و شدت جاری میشود علی‌العموم درجهٔ جریان این رودخانه در ثانیه هشت الی پانزده قدم است .

پشت تپه‌های مذکور کوههای مرتفعیست از سلسلهٔ جبال (جودی) و (آرارات - آغری طاغ) . راه عبور و مرور بخاک عثمانی از خوی منحصر براهی است که از این دره و از طرف یمین رودخانه بقطور میرود اگرچه از کوهها آنطرف هم راهیست ولی خیلی صعب و خطرناک و مخصوص بپیادگانست .

[۱] این قراولخانه را شیخ عبیدالله سر شب خراب کرده تیر و تخته و در و پنجره و غیره از آنجا بخوی و خانهٔ خود فرستاد و عبارت بود از دو اطاق و حمام مخصوص و یک تالار و طویله و انبار و غیره .

(۲)

بقدر یک فرسخ و نیم که از این کناری تنگ و راه مذکور رو بجریان آب و مغرب و گاه از زیر و گاه از بالای تپه‌ها رفته میشود بقریهٔ (قلالی) که تقریباً بیست خانوار سکنه دارد رسیده بقدر (۳۵۰) دونم [۲] اراضی قابل الزراعه و در این  شکل در ساحل یمین رودخانه و در طرف غرب شمالی قریهٔ مذکوره واقع میشود

از قریهٔ مذکوره و از میان مزروعات که گذشته میشود تنگی رودخانه رو بجنوب غربی میل کرده گاه خیلی تنگ و گاه بالنسبه واسع شده راهها از تپه‌ها که مرکب از گل و سبیده بی‌قوت و یا از سنگ ریزه است انداخته عبور حیوانات را بخطر می‌اندازد و جریان رودخانه هم در این مواقع کسب شدت نموده و خود را بسنگهای بزرگ زده سیلاب یک صدای خیلی مهیب جاری میشود و از قریهٔ مذکوره تا قریهٔ (زیوه) که عبارت از صد خانوار و اهالی آن ذکوراً و اناثاً از مریدان شیخ عبیدالله (م...) هستند و در این  شکل در هر دو طرف رود بقدر پانصد دونم اراضی قابل الزراعه دارد سه فرسخ مسافت است . در یک فرسخی زیوه در مسافات مختلفه سه کاروانسرای خیلی استوار با سنگ و آجر و آهک از قدیم ساخته‌اند که در زمستان مسافرین از سرما و بوران برای خودشان پناهگاه قرار دهند و از دره که در میان این دو دره واقع است بعضی دره‌های آبدار منشعب کرده بدهات این ناحیه منتهی میشود

از زیوه که گذشته شد عرض دره بتدریج وسعت یافته و راه هم مستوی میشود و بعد از قطع مسافت یک فرسخ بقریهٔ (حبشی سفلی) که دارای سی و پنج خانوار اهالی و قریب بهزار و پانصد دونم اراضی قابل الزراعه است که وضع اراضی در این  شکل است رسیده میشود

از قریهٔ مذکوره الی قطور یک فرسخ راه است و وضع زمین از قرار ذیل و وسعتش بر قریب بده هزار دونم است



[۲] هر دونم عبارت از هزار و ششصد متر مربع و لفظ ترکی است

تحفظ‌ از انجکه در نقشه دیده میشود هر دو سرباز خانه ایست یکی مخصوص از برای هشتصد سواره و یکی مخصوص بیک فوج پیاده و یک بطاری توپ که انهارا در وقتی پاشای امیر تومان طوری ساخته است که درین مدت سنگی از دیوار انها نیفتاده و تیری از سقفشان نشکسته است اما اکنون خالی و سپرده بمأمورین حافظ الصحه است که خدا نخواسته در هنگام ظهور ناخوشی ابنای سبیل را در انجاها نگاه داشته بگذارند (افسوس دارم که بعد از استرداد قطور تیرهای اینه ملکیه را کشیده فروخته یا سوزانده ان دو بنای معتبر را خراب و بدولت علیه خیانت کرده اند)

دره مذکوره در بالای قطور منقسم بدو شعبه شده یکی رو بجنوب و جریان در دره الباق و (دیر) بدشت البااق (باش قلعه) منتهی میشود درین دره قریه (خانیک) و (راویان) من توابع قطور واقع و اهالی آنها اکراد قبیله (مرزیکی) و اکنون از توابع محال الباق معدود میشوند واین دره عبور چپاولچیهای قبایل و ایلات اکراد هکاری است که در هنگام فرصت ازین راه آمده دهات خوی را میچاپند.

شعبه دیگر هم رو بسمت مغرب و بجریان آب ساتمانی رفته از معبر (راضی) که نشتیه سنگ ساتمانی منتهی میگردد قریه راضی دو فرسخ و نیم از قطور و یک فرسخ از سنگ نشانه حدود واقع و قطور دور و از نقطه نظر حرب در یک نقطه حاکمه واقع است که اگر همان نقطه در دست عثمانی بماند از برای استرداد قطور هیچوقت افسوس نخورده مواقع عسکریه خودمانرا از دران نقطه خواهند ساخت مسافت نیم فرسخ که از معبر راضی و از بر تگاههای خیلی صعب عبور کوبیده میشود سنگ ساتمانی بانظار میرسد.

سنگ مذکور از سطح دره پنجاه متر مرتفع و بالای آن مسطح و متصل بکوه است و همین سنگ دره را بدو شعبه قسمت کرده است که یکی بشعبه بزرگ رود و از یک راه خیلی خطرناک رو بقلعه (ساتمانی) و ان دیگری بقدر یک فرسخ و نیم بشعبه کوچک رود و از یک راه خیلی مستوی بقریه (انبو محمان) رسیده بیکی از سطوح مایله دامنه کوه (الند) منتهی میگردد.

از آنجا از دامنه شرقی شمالی ییلاق (کهیر) که (چخور آرچک) تابع وان را از غرب جنوب و محال (محمودی) تابع هکاری را از شرق شمال فصل مینماید بقدر یک فرسخ که قطع مسافت میشود بقریه (سرای) و بعد چهار فرسخ که از دشت و از دامنه بعض تپه‌های پست و خاکی رفته از کدنه کوهی که در بالای قریه (ملا حسن) واقع است عبور کرده شود بدشت موسوم به (چخور آرچک) رسیده میشود و از قریه (ملا حسن) تا شهر (وان) دوازده فرسخ است.

(حاشیه)

(قلعه ساتمانی) نخستگاه (درباراقای) شخصیت که یکی از مشاهیر قطاع الطریق و تاخت و تاراج کننده اموال ایرانیانست از انکه بنا بشکایت حکومت آذربایجان موی الیه را حکومت (وان) مقصر قرار داده و اموال منهوبه ایرانیان را ازو میخواهد و قلعه مذکوره را به (محمد اقای) میلان داد و مسلط براو کرد موی الیه چاره جز بر پناه آوردن بحکومت (خوی) نجسته بنده که در خوی بودم بتوسط نواب (عمید الدوله) و (میرزا صادق خان امین نظام) آدم فرستاده و عرض پیشکش هم کرده بود که برای خود و عشیره‌اش که عبارت از صد و هشتاد خانوار رند و دخل است قشلاق و ییلاق در قطور داده اسکان نمایند. اما فدوی محض دولتخواهی معروض میدارد که قبول التجای موی الیه برای دولت و ملت و مملکت باعث خسارت و مضرت کلی است. چه در قبول التجای او خسارتی که بایرانیان رسانیده و حکومت عثمانی ازو مطلبد بکلی در همانجا نخواهد ماند و دیناری بدست صاحبان اموال مغصوبه نخواهد رسید و از انکه به (احمد اقا) نایب الحکومه قطور از قدیم الایام عداوت دارد و ستیز (شکاک عثمان) با اهالی مسکونه قطور سخت دشمنی دارد اوکه با ایلات خود داخل دره قطور شود احدی از اهالی اصلیه آنجا در منازل خودشان نمانده بخاک عثمانی مهاجرت خواهند کرد و مع ما فیه موی الیه در قطور هم آسوده ننشسته در خاک عثمانی شروع بتاخت و تاز نموده حکومت عثمانی را مجبور بشکایت و تلافی خواهد کرد !!. . . .

(شیخانه) قریه ایست در داخله محال ساتماس و من القدیم قشلاق (محمد آقای) میلانست و بیست و پنج خانوار از آقایان عشیرت میلان درین قریه سکنا دارند.

(قریه سرای) قشلاق (حاجی شیخ) نامی است از آقایان ایل میلان اهالی این قریه عبارت از صد خانوار اکراد میلان و سیصد خانوار از طایفهٔ نصارای نسطوریه است.

(قریه ملاحسن) در منتهای اراضی متنازع فیها واقع و مسکن پنجاه و دو خانوار از ایل (مُقُوری) است. (حاشیه تمام)

هرگاه کومیسرهای دولت ابد مدت علیه در کومیسیون منعقدهٔ حدود بتوانند موفق شوند که حدود محال قطور را از تپه معروف به (تپه ملاحسن) و یکی از شعبات کوه (الند) است گرفته با تپه ها رو بمغرب رفته و از (ککفیر) فاصل حد (ارچک) و (محمودی) گذرانده و بهمان رشته کوه تا به تپه های (قیرمزدیر) تابع محال الباق) و از آنجا به تپه های واقعه در سمت مغرب (سلماس) که سرحد خاک (الباق) عثمانی و (قلعه چهریق) ایرانست بپیوندند آنزمان تمامی ایلات (میلان) و (شکاکی) و قریب به دویست و پنجاه خانوار از ایل (مقوری) و زیاده از چهار صد خانوار از نصارای نسطوری و ارمنی و نقد پنجاه خانوار از ایل (شکفتی) داخل دایرهٔ تبعیت دولت علیه ایران خواهند گردید و خزانه عامره نیز نقد ده هزار تومان از نتیجه هر سال مداخل خواهد نمود و از قوه بحیز حصول یعنی بفعل رسانیدن این مطلب بحسن اجرای فقرات آتیة العرض است

اولاً — حسن اداره امور حکومتی و تلطیف آقایان و ملایان و کدخدایان قطور و موقتاً تخفیف مالیات اهالی و رعیت آن.

ثانیاً — معناً و مادةً مداخله بامور مذهبیه و محاکمات شرعیه اهل سنت نمودن و اهل ذمت یعنی نسطوریان و ارامنه را از تسلط اکراد نگاه داشتن

ثالثاً — آقایان و ریش سفیدان و کدخدایان ایلات و دهات که بین الدولتین متنازع فیهاست با ایشان و شمشیر و قمرشال و سرداری اطماع و تطییب کردن و در خفا مقدار مالیاتی که دولت عثمانی از ایشان میگیرد تحقیق کردن و ایشان را بتخفیف مالیات ترغیب بقبول تبعیت نمودن.

رابعاً — جلو شرارت و خسارت اجلاف اکراد را گرفته اهالی را از عدالت حکومت مستفید و مستفیض و مطمئن ساختن.

اما حسن اداره امر حکومت قطور این نیست که میرزا صادق خان امین نظام دارد و این وضع غیر از اتلاف و اسراف اموال خزانه عامره دولت ابد مدت علیه و ترجیح اهالی آن حوالی فایده ندارد زیرا مثل محال قطور محالی که بموجب عهدنامه (ایاستفانوس) و (برلن) بدولت علیه داده شود و اهالی هم میل کلی بقبول تبعیت این دولت داشته باشند معلوم است که از هیچ طرف ممانعت بدخول مأمورین کشوری و لشکری دولت علیه ایران بظهور نمیرسید و لازم نبود که از برای تسلیم و تسلم محال مذکور اختیار این قدر مخارج نموده شود حالا که اختیار این همه مخارج فرموده شده و از دست رفته و مرکز و معبر محال مذکور بدون ممانعت بدست آمده بهتر این است که بتقلیل مخارج کوشید و بنای حکومت ملکیه و عسکریه آنرا از قرار عرض آتی تأسیس نمود:

اولاً — از برای حکومت محال مذکوره شخصی را معین نمود که دارای منصب سرهنگی و وقوف تام باحوال عشایر و اکراد و قادر باقناع و تهدید و مقتدر بفتق و رتق امور و بوضع سرحدداری دانا و بقوانین و اخلاق عثمانیان آشنا باشد و از برای ایشان ماهی بیست تومان معاش مأموریت مقرر فرموده شود و اجازه داده شود که سؤال و جواب راجعه بمأموریت خود را تا مطلب حاصل شود بمقام سپهسالاری نماید و تعهد فرموده شود که از احدی پیشکش و هدیه و رشوت قبول نکرده و در امور عامه خود رأیی نموده قرار مطالب عامه را بمجلس حواله نماید و در دیگر فقرات خود را مأمور باجرای حکم و قرار مجلس بشناسد.

ثانیاً — دو نفر محرر از برای ضبط و ثبت امور حسابیه و تحریرات حاکم از اهالی خود انتخاب و مأمور کردن و برای هر دو ماهی ده تومان ماهیانه معین نمودن و ایشان را از گرفتن حق القلم و رسوم ممنوع ساختن لابد و لازم است .

ثالثاً — مجلس محال مذکوره را مثل قاعدهٔ عثمانیان در هر هفته دو روز منعقد ساختن و حق انتخاب اعضا را با هالی واگذار نمودن و در امور عامه صورت مجلس و قرارنامه ممهوره آنها را معتبر و موجب الاجرا شناساندن از حکمت حکومت است [اعضا رسوم دیوانی و ملکی ندارند و مجبور بخدمت مجانی هستند]

رابعاً — بحض جلب قلوب اهالی ماهی سه تومان بمفتی حاضره قطور و سه تومان بشیخی که از جانب شیخ عبید الله مأمور بارشاد عوام و ساکن در قریه (زاویه — زاویه) است مقرر نمودن و کدخدای ارامنه را یکی از اجزای مجلس محسوب داشتن مقتضی است .

خامساً — از برای احضار مقروضین و مجرومین و مقصرین از دهات و محافظت مجلس و غیره هم شش نفر فراش و چهار نفر غلام سواره از اهالی محال مذکوره استخدام نمودن و ماهی بهر پیاده پانزده هزار و بهر سوار بیست و پنج هزار دینار و برای یکنفر باشی هم چهار تومان ماهیانه دادن و مواجب آنها را از جریمه و از ده یم رسوم مخصوصه معین نموده و امر و نهی ایشان را بحاکم سپردن از جملهٔ واجبات است .

سادساً — در خصوص گرفتن مالیات موافق بقاعدهٔ عثمانیان حرکت نمودن و بحاکم دستور العمل دادن که در رسیدن قطور محرر قدیم محل مذکور را بخواهد و از کتابچه مالیات مقدار و جنس مالیاتی که عثمانیان از اهالی محال مذکور میگرفته اند تحقیق برداشته و بهمان نسبت کتابچه مالیات عثمانیان را هم بایست بدار الخلافهٔ العلیه روانه نماید .

(استطراد)

اگرچه از مقدار صحیح مالیاتی که عثمانیان از محال مذکور میگرفته اند فدوی اطلاع ندارد اما نوع مالیات را میداند که عبارت از (دیرکی) و (رسومات) و (فروش پاره) و (احتساب) و (رسم اغنام) و (بدلات عسکریه)

و (عشر از حبوبات) است [استطراد تمام]

(حاشیه)

(دیرکی) مالیاتی است که نسبت بآبادانی و ثروت اهالی از دهات نقداً و مقسطاً دریافت مینمایند . (رسومات) آنست که غیر از سفرا و بستگان ایشان و مأمورین محترم هر شخصی از ذکور از ایران بخاک عثمانی قدم بگذارد سه هزار دینار از و گرفته تذکره بدست او میدهند و همان شخص در سالی صد دفعه از حدود بآن طرف عبور نماید هر دفعه مبلغ مذکور را گرفته باز تذکره میدهند و این تذکره غیر تذکرهٔ مرور و مسافرت است (فروش پاره) مالیاتی است که هر شخص اسب و استر و شتر و خر و گاو و گوسفند و بز ابتیاع نموده و شتر از قیمت آنها در چهل یک رسم میگیرند . (احتساب) مالیاتی است که از اصناف و از آسیابها و رنگرزها و قهوه خانه‌ها بوضع مختلف هر ماه گرفته میشود . (رسم اغنام) مالیاتی است که ده روز قبل از عید نوروز تمامی گوسفند و بز را که در محال مذکوره بدست مالیه شمرده و از صاحبان از برای هر یکی یکهزار دینار دریافت مینمایند . (بدلات عسکریه) خراجی است از هر نفس ذکور غیر مسلم هر سال هشت هزار چند دینار تحصیل میکنند . (عشر از حبوبات) جنسی است که از تمامی حبوبات که کاشته و خرمن کرده میشود نه پیمانه بصاحبش داده یک هم از برای دیوان میگیرند . [حاشیه تمام]

سابعاً — امر قشون ساخلوی قطور را تحت نظام کرفتن و افراد عسکریه را در انظار با رواجاد سلف و منظم نگاهداشتن و مقدار حاضر قشون را که سه دسته موقتاً و دو دسته پیاده و فقط صد نفر سواره استخدام نمودن و ایشان را هم از خانه‌های اهالی برداشتن و بعد از اجرای تعمیرات در سربازخانه‌های سابق العرض جا دادن و علی الخصوص دسته موزیک را که در خانه‌های ارامنه اسکان فرموده‌اند فوراً از آن خانه‌ها بیرون آوردن باعث منفعت مالیه و موجب خشنودی رعیت و اهالی است . هرگاه عثمانیها عهدنامهٔ سلطان مراد رابع را سند اتخاذ کرده ممانعت بتعمیر قلعه قطور نمایند نظامنامهٔ چهل پنجاه قربان خرج کرده قلعهٔ قدیمهٔ قطور را بوضع جدید تعمیر کرده یک بنای طرب نما با تعمیر نمودن و ساخلوی

در داخل دایرهٔ قوانین عسکریه اداره نمودن یعنی نگذاشتن که علکی و مرکچیگری و قصابی و بقالی وغیره نمایند از برای ابقای ناموس عسکریه و اثر سطوت قاهرهٔ دولت علیه بیش از همه الزم است .

ثامناً — هرگاه دولت ابد مدت علیه ابذال عاطفت و مرحمت فرموده فقط از رسوم اغنام که عثمانیها برای هر رأس یکصد پاره دریافت مینمایند دو عباسی همان یکقران را باهالی ببخشند و عوض قرانی از هر رأس سه عباسی بگیرند هم تمام اهالی از دولت علیه خشنود میشوند و هم عشایر و اهالی محال متنازع فیها میل بدخول تابعیت دولت علیه مینمایند .

عدم مداخله بامور شرعیه و محافظت اهل ذمت نیز بسته بشرایط آتیه است :

اول — مأمورین و قشون ساخلو تقیه را از دست ندادن و هرگاه یکی جرأت بسب و لعن و ازدراء بخلفا و غیره و طعن بطریقهٔ آنها نماید و بطریقهٔ نصاری و نسطوریان بد بگوید مورد مؤاخذه آوردن است .

ثانی — در محاکمات شرعیه فتوی و قبالهٔ مفتی آنها را معمول بر داشتن حکم آنها را بموقع اجرا گذاردن و هرگاه یکی از مدعی و مدعی علیه خارج از مذهب آنها باشد محاکمهٔ آنها را بمجلس حواله نمودن و حکم مجلس را اجرا کردن است .

ثالث — ارامنه و نسطوریان را از تعدیات اکراد محافظت نمودن و از عدالت مساوات و ابدادار کردن است .

معاملهٔ سیاسیه که با آقایان و ریش سفیدان و کدخدایان ایلات و دهات واقعه اراضی و قرای محال متنازع فیها بموقع اجرا گذاردن از لوازم کار آگاهی است نه اینست که مثل میرزا صادقخان امین نظام بهر دزد و دغل و مقصر و رلتی شال و عبا و شمشیر مطلا دهند و از آنها دو یل سه مقابل اسب و استر و قالی و گلیم تعارف بگیرند !!!

نه دیگر در رضویه بودم ابتدای کاری در دفعه دوم بقطور رفته دیدم که امین نظام مشار الیه زیاده از شش

راس اسب و مادیان معتبر و طریق و هشت قطار قاطر خیلی خوب دارد چون در دفعه که در قطور بود رسالت من قرای خوی بود هیچیکی از آنها نداشت جویا شدم واضح شد که از آقایان و ریش سفیدان ایلات طرفین در مقابل شمشیرها و شالهای دولتی که بآنها باسم خلعت داده بود گرفته و قناعت بآنقدر هم نکرده با شخصی خان سرتیپ و غیره ساخته جیره و علیق قشون پیاده و سواره را از اهالی گرفته استصواب دیوان افراد مذکوره را بالمعیه و غیره بخارج بجا غلهٔ که عثمانیها از برای اردوی بایزید در انبار کرده بودند انبارها را باز و غله را با نان و خیمه های خودشان انبار نموده اند ......

خلاصه . معامله دلنوازی با اهالی آن حدود بدون آرزوی پیشکش بزرگان فتنه را مخلوع ساختن و لااقل سه چهار سال از تمامی تکالیف افراد اهالی را معاف داشتن . و مهاجرین که از جهت اسلامی قارص و قاغزمان با نحو الی آمده اند مثل عثمانیها جیرهٔ آنها را لااقل دو سال دادن است بعد از حکم دولت ابد مدت علیه این جزویات را اختیار فرماید اهالی محال متنازع فیها که در کومیسیون مختلط من القدیم متعلق بدولت علیه ایران بودن دهات و ییلاقات خودشان را اقرار کرده و اظهار رضایت از قبول رعیتی دولت علیه ایران را مینمایند و مصلحت که کمیسیون بی غرض با دعاوی که منشیر حقه دولت علیه ایران داده محال مذکوره را داخل در نقشه ایران مینماید .

گویا در خاطر است که در زمان تحدید حدود میرزا جعفرخان مشیر الدوله مأمورین دولتین متوسطه همین قطور را از ممالک دولت علیه ایران شناخته بودند اما چون درویش پاشا مطلوب اهالی قطور را جلب بعثمانی نموده برد ادعای خود را مبتنی بمیل اهالی و بمذهب کرده اعتنا بقرار آنها نموده ضبط نمود .

اما جلو شرارت اکراد و غیره را گرفتن بسته باجرای مواد آتیه الذکر است .

اول — هر طور است نزاع حدود را از میان دولتین برداشتن و در تعیین و تحدید ییلاق و قشلاق عشایر طرفین را نقطهٔ اعتنا قرار داده از برای آنها ییلاق و قشلاق خارج از ممالک دولت متبوعهٔ خودشان

ندادن و صرف مقدرت نمودن که نصف یک عشیرت در ایران و نصف دیگرش در اینجا بماند .

ثانی — در بندرها و معابر و در سایر نقاط مهمه قراولخانه‌ها از طرفین ساخته شدن و در جاهای مناسب دروازه رسمی معین نمودن و جز این دروازه‌ها از سایر نقاط اجازه بدخول و خروج اهالی ندادن و بدون تذکرهٔ مرور برسمیت آمد و شد احدی را نپذیرفتن و مانند عثمانیان هر شخصی که داخل در خاک ایران میشود تذکرهٔ باسم ادارهٔ حافظ الصحه دادن و سر هزار دینار گرفتن .

ثالث — هر باری از ایران بخارج و از خارج بایران داخل میشود جنس و مقدار آنها را ثبت کردن و هر هفته اطلاع بادارهٔ گمرک دادن و مانع بدخول اشخاص مجهول الاحوال شدن .

رابع — بدون رضایت دولتین بمهاجرت عشایر و قبایل طرفین مانع شدن و مقصرین که از جانب دولتین خواسته میشود بدون محابات گرفتن و تسلیم مأمورین حدود طرفین نمودن .

خامس — امور ادارهٔ هر عشیرت را از دست آقایان حاضر اینها انتزاع کرده هر گاه امکان آن نباشد که بمأمورین دولت سپرده شود طایفه طایفه تقسیم کردن و امر و نهی هر طایفه را بریش سفیدان خودشان و اینها را هم بیکی از سرتیپان با امنیت سپردن .

سادس — از مقصرین رشوه و تعارف نگرفته کیفر شدیدی دادن و اموال منهوبه و مغصوبه را که از دزدان و راهزنان و هر گاه مرتکبین بدست نیاید از عشیرتشان استرداد نمودن و ریش سفیدان اینها را معاتب ساختن است .

ترجمهٔ فقرهٔ ملحقه بشیخ عبیدالله و مارشمعون و لزوم تزاید مقدار قشون در اورومی و دیره ساوجبلاغ

بنا باظهارات جناب صاحب دیوان آنچه در باب کردستان عثمانی از ندوی پرسیده بودند و ندوی هم وعده کرده بود که جواب اسئلهٔ مذکوره را تحریراً معروض بدارد از این قرار است :

کردستان عثمانی عبارت از چهار ولایت وسیعی است که سطح این چهار ولایت مساوی بنصف سطح ممالک ایران و تمامی اهالی ولایات مذکوره یک کرور و سیصد و چند هزار نفر است .

اول — ولایت ارزنة الروم است که در این ولایت نود و شش هزار . ثانی — ولایت دیاربکر است که در اینجا هم یکصد و شصت هزار . ثالث — ولایت هکاری است که در اینجا نیز دویست هشتاد هزار . رابع — ولایت موصل است که در اینجا هم یکصد و ده هزار نفر که جمعاً یک کرور یکصد و چهل و شش هزار کرد موجود است . باقی اهالی ولایات مذکوره ترک و عرب و ارامنه است .

اگرچه تمامی اکراد نژاده ملت قدیمه (ماد = مید) هستند ولی اکنون این ارتباط قریبه قدیمهٔ آنها گسیخته اصلاً بچهار فرع و بچند هزار تیره منقسمند . تیرهٔ اول — معروف به (بابان) است که قسمت بزرگ آنها در ولایت موصل و قدری هم در دیاربکر و هکاری و جمع کثیری هم در ایران صحرانوردی مینمایند . تیرهٔ دوم — موصوف به (میل) است که ییلاق و قشلاق آنها در ولایت ارضروم (ارزنة الروم) و وان و هکاری و دیاربکر و در ایران (ماکو . خوی . سلماس) است . تیرهٔ سوم — موسوم به (ذیل) و ییلاق و قشلاق اینها در ولایاتی است که تیرهٔ دوم بادیه پیمائی مینمایند . تیرهٔ چهارم — مسمی به (زی = زازا) است این تیره صحرانوردی نکرده مشغول بزراعت و رعایت و مسکون در ولایت ارزنة الروم و دیاربکر هستند .

از نقطهٔ نظر دیانت هم منقسم به (سه) فرقه میشوند . اول — اهل سنت و شافعی المذهب ثانی — نصیری که معروف بعلی اللهی . ثالث — یزیدی که نوعی از آفتاب پرست است .

اینها که سنی هستند غالباً اهل طریقت و طریقهٔ مسلکهٔ اینها از (نقشبندیه) و از (قادریه) عبارت است . اما طریقت قادریه نسبت بنقشبندیه خیلی کمتر و سالکان نقشبندیه از صد هزار نفس بیشتر است .

تمامی نقشبندیها خودشان را منسوب بخانوادهٔ (شیخ طه) و قادریها نیز خودشان را چاکران در خانه

(شیخ اسماعیل تلوی) شناخته باسم (نذور) مالیات میدهند .

اکنون رئیس خانواده شیخ طه (شیخ عبیدالله) [م ...] و رئیس خانقاه شیخ اسماعیل فقیرالله تلوی (شیخ حمزه) است . از جانب این دو خانواده در تمامی قصبات و دهات کردستان عثمانی بل ایران خلیفه ایست که ظاهراً مشغول باوراد و اذکار و انابه و عبادت و باطناً مأمور بجمع نذور و توسیع دائرهٔ نفوذ معنوی ارباب خودشانند .

درمیان این دو خانواده عداوت و نقاری بود قدیم و این روحیات و جدال بین این عشایر و قتال [?] نقصان نمیشد چند ماه قبل از جنگ اخیر روم و روس خلفای طرفین جمع شده آشتی دادند دختر شیخ حمزه را بازوجه عبدالقادر پسر شیخ عبیدالله درآورده نقار را از میان برداشتند .

خانقاه شیخ اسماعیل فقیرالله در قریه (تلو) من محال سعرد تابع دیاربکر . و خانقاه شیخ طه در قصبهٔ (نوچه) من محال (شمدینان) قضاء (کوار) تابع ولایت هکاری واقع و در این هر دو خانقاه مقابر اجداد خودشان مانند امامزاده های خیلی معتبر مزین و زیارتگاه تمامی اهالی کردستان است .

و اعتقاد اکراد برینست که زیارت همان مقابر ثواب عمره دارد و تمامی اکراد طوری معتقد باین مقابرند که هرگاه کسی یکی دزد بکند چیزی یکی از این دو مقابر نذر کرده موقوف میدارند که در وقت رسیدن مأمور نذور بایشان بدهند .

و بدست نشینی این دو خانقاه نذورات را بیکی فروخته پول نقد میگیرند و بدست اجاره دارها عوض میدهند ایشانهم قریه بقریه دفتر نذورات را نقداً و جنساً جمع میکنند .

تمامی مالیات این اکراد عبارت از (ویرکو) و (رسم اغنام) است اغلب ایشان مالیات خودشانرا مقطوعاً داده غیر از رئیس خودشان اعتنا بمأمورین دولت نمیکنند و گاهی بدون سوق قشون مالیاتشانرا نپرداخته اظهار عصیان مینمایند و تمامی ایلات بادیه نشینها سرباز نمیدهند و از عشایرشان بزرگی میشوند هرگاه دولت عثمانی

مشغول بجنگی باشد بعضی نقداً و جنساً و بدناً بدولت یاری میکنند و غالب ایشان عاصی شده اهالی مطیعه را میچاپند . اگرچه بعد بعد دولت عثمانی هم قشون فرستاده جزای [?] ایشانرا میدهد اما بعد از آنکه قشون از میان آنها بیرون می آید باز همان شقاوت جبلی خودشانرا از دست نداده اظهار شرارت مینمایند .

چون دولت عثمانی فهمیده است که اطاعت اکراد بسته بدلخوشی مشایخ ایشانست غیر از املاک و اراضی موقوفه که مشایخ ایشان دارند از برای اطعام طعام فقرای درویش ماهی شصت مجیدی طلا بشیخ حمزه و پنجاه مجیدی بشیخ عبیدالله و بتفاوت بر بسیار مشایخ جزو ماهیانه میدهد درین جنگ اخیر روم روس ازین دو خانواده شیخ عبیدالله بباب عالی اظهار کرد که چهل هزار نفر مرد جنگی بمیدان حرب بیاورد شیخ حمزه که این فقره را شنید او هم متقبل بیست هزار مرد جنگی کار [?] شد دولت عثمانی هم قول ایشانرا راست پنداشته در اول جنگ بارد هان [?] و بایزید قشون منظم کافی نفرستاده محافظت این دو موقع را بقشون مشایخ حواله نمود اما ایشان هنوز از دهات خودشان حرکت نکرده بودند که روسها در یک حرکت همان دو نقطه را استیلا نمودند .

شیخ عبیدالله که متقبل چهل هزار نفر بود دوازده هزار و سیصد و چند نفر سواره و پیاده ایلات اکراد روم و ایران بدار الحرب (وان) و (بایزید) و شیخ حمزه نیز هفت هزار و هشتصد نفر بارزنة الروم و بایزید و قارص آورد . دولت عثمانی بدست افراد ایشان تفنگهای مارتینی و دیگر داد .

اگرچه در جنگ کاری نکردند اما تقلباً جیره و علیق و مواجب را دو برابر مقابل میگرفتند و دولت گرفتار خسارت و در وقت آمدن باردو و مراجعت بوطن خودشان اهالی مطیعه دهات را تاراج کرده رعیت و مملکت را خراب نمودند و علاوه برین ارامنه را مجبور نمودند که از دست ایشان شکایت بدربارهای دول معظمه نمایند باعث آن شد که از برای امتیاز ارامنه فصل مخصوص را بعهدنامه ایاستفانوس و برلین نوشتند .

بعد از انکه زمستان آمد و متارکه شد اکراد با اسلحه و جبه خانه زیاد باوطان خودشان برکشتند
که اول بهار بیایند و در زمستان مشق کنند شیخ عبید الله و هم‌خیالانش اوکان بردند که ممالک
عثمانی را دول معظم قسمت خواهند کرد بعد از مشاوره و مذاکره قرار دادند که کردستان عثمانی
و ایران را ضبط نموده یک حکومت کردیه تشکیل نمایند چون (مارشمعون) که رئیس دینی طایفهٔ
نصرانیهاست و در جبال (جیلو) واقع در ما بین اوورمی و هکار و جولمرک و صاحب سی هزار
نفر مرد جنکی و تیرانداز است در میان انها قویتر بود لازم دانستند که او را هم داخل در دایرهٔ اتحاد خود
نمایند . شیخ سعید خواهرزاده شیخ عبید الله را بهمراهی رشید بیک رئیس امرای هکاری که
خودشان را از سلالهٔ عباسیه میدانند برسم سفارت پیش مارشمعون فرستاده یاری طلبیدند
مارشمعون ایشان را پذیرفته کاتب خود را پیش کنسولان اوروپائی که در اوورمی و خوی هستند
فرستاد از انها رأی طلبید انها باین امر راضی نشدند و او هم نخواست که شیخ عبید الله را برنجاند
جواب داد که من همیشه با شماها هستم اما حالا تکلیف ما اینست که پسران بدرخان پاشا که
در (جزیره) من محال موصل هستند انها را پیش اندازیم با رومیها جنک کنند هرکاه دولت عثمانی
بشدت قادر بدفع انها شد باید از دولت تمکین کرد و هرکاه اظهار ضعف نمود انوقت ما هم
از یک طرف شوریده آنچه عمدهٔ آمال ما است از قوه بفعل بیاوریم .
بنابرین خبر حضرات مشایخ پسران بدرخان پاشا را اغفال و اضلال کرده بجنک دولت عثمانی انداختند
اگرچه دولت عثمانی قشون فرستاد و جمعیت انها را پریشان کرد اما تا هنوز هم آن خیال بیمآل
از لوح ضمیر مشایخ محو نشده بل روبتزاید است .
حتی فدوی که مأمور بقریه شیخ عبید الله رفتم از وضع و حرکات شیخ معلوم شد که شیخ خیال
شوریدن دارد چه باسم اطعام فقرا در خود (نوچه) هشت باب فر ساخته هر روز هزار خروار
یکماه پخته در انبار میشود و مخصوصاً از رواندوز چند نفر نجار فرستاده و قنداق آورده تفنکها که

از اردو آورده و هرچه دولت عثمانی خواست پس نداده بودند تعمیر میکرد .
چون فدوی انوقت وضع و حالات شیخ و اکراد را در یک کتابچه مفصلاً نوشته و مستقیماً بعالی
تقدیم نموده بودم حکمی بسرداران اردوی چهارم و پنجم و ششم رسید که از کردستان غفلت ننمایند
هرچند عثمانیها در امور کردستان خودشان در یکوضع بیداری حرکت مینمایند اما روزی هم
آمد که این طایفه باغیه را یکی از دو دولت بزرک که روس و انکلیس است در ضد دولت عثمانی یا
دولت علیه ایران استعمال نمایند .
از انکه پولتیک و خیالات این دو دولت بزرک در حق یکدیکر و در حق دولتین ایران و عثمانی دارند
در نزد ذات اقدس همایون و رای حضرت سپهسالار اعظم غیر مستور است از ایضاح آن صرف نظر کرده
همین قدر بعرض عالی میرسانم که تا که عثمانیها شروع باصلاحات کردستان خودشان نموده
وجود بعضی اشخاص که خودشان میشناسند از کردستان بردارند از جانب دولت ابد مدت
علیه تا همه لااقل دو فوج سرباز عراقی که مملکتشان دور باشد و نتوانند از فوجشان بوطن
خودشان رفت و آمد نمایند در ارومی و دو فوج هم در ساوجبلاغ و دو فوج هم در سندج
با چند عراده توپ و مقدار کافی سواره و جبه خانه و سایر لوازم ساخلو گذارده شود خالی
از نفع نیست زیرا قشون ساخلو بودن در مواقع مذکوره دو نفع عظیم دارد یکی سطوت
قشون باعث شکست جرأت و شقاوت انها و یکی هم هرکاه بحرکت بیایند مانع دخول شرارت
انها بایران خواهد .
هرکاه معروضات فدوی موافق رای و مصلحت دولت ابد مدت علیه شود معاونت مستحکم
بموقع اجرا گذارده اقدام بدفع صایل ملحوظ فرموده خواهند شد باقی الامر لمن له الامر

ترجمهٔ

بطور خلاصه از قانون تشریفات رسمیه دولت علیه عثمانیه است

فصل اول

در بیان القاب توقیریه رسمیه دولت عثمانیه است

فقره اول — القاب توقیریه رسمیه دولت عبارت است از (اغا = آقا) و (بک = بیک) و (افندی) و (بک افندی) و (پاشا) و (ملا) و (چلبی) است

فقره دوم — لفظ (آغا = آقا) باحترام بهر شخص علاوه میشود که آن صاحب منصب سواد نداشته باشد

توضیح

لفظ (آغا) مشتق از (آق = سفید) [illegible] است قاف ساکن آخر هر لفظرا در زبان ترکی بغین تبدیل نمودن از قاعده زبان ترکی است لفظ (آق) را که بالف ملکیت متحرک نموده اند قاعده مبدل بغین کرده آنچه در باب (اشتقاق) (آغا — آق) در کتاب [illegible] نظام رسیده مخفف از لفظ مرکب (اغایوز = روسفید) بوده است [illegible] در بدو خواجه سرایان را باین صفت موصوف کرده اند بعد از خواجه سرایان هر دلیر لشکری و جنگی ابرار روسفیدی کرده از اینهم موصوف باین صفت کرده اند . در لغت نیز معنی (سید القوم) و (سید بزرگ) و (سرکار) و (برادر بزرگ) معنی دارد (قوانی) میسراید (شاهی کرا آتانک آغا (آغا) دور) (اول سنکا آتا دور (اغا) دور) معنی بیت این است که پدرت برادر بزرگ اوست (لهذا او هم بجهه پدر و بزرگ تو است) (ایچ اغاسی = پیشخدمت) (بدریش) آنچه در خاتمه این لفظرا با قاف مینویسند محض تفریق از خواجه سرای است والا غلط است .

فقره دوم — لفظ (بک — بیک) باحترام بهر شخص علاوه میشود که در نظام نایل منصب سرتیپی گردد و امیرزادگان نیز بدون اینکه نایل منصب دولتی [illegible] از صاحب کوی باین صفت موصوف میشوند .

توضیح

لفظ (بک = بیک) از لفظ (بوک = بزرگ) اختصار کرده است در زبان ترکی معنی (آمر . حاکم . کبار . متصرف . صاحب . سردار . حاکم مستقل جزو = امیر . خدیو) را دارد عثمانیها لفظ (بیک) را هم [illegible] اختصار کرده (بک) مینویسند

فقره سوم — لفظ افندی باحترام بهر شخص علاوه میشود که از اشخاص ارباب قلم [illegible] و صاحب علم باشند محض توقیر علما و تطییب خاطر علما و کتبه و صاحبان قلم شاهزادگان عثمانی دولت عثمانیه هم باین صفت توقیریه موصوف میشوند

(توضیح)

لفظ افندی از لفظ (آیفنتی یوس) یونانی اقتباس کرده است در زبان یونانی معنی (نافذ فی الامر) را دارد و این لفظ تا زمان فتح اسلامبول فیما بین عثمانیها معروف نبود زیرا در تواریخ [illegible] عثمانی لفظ مذکور بعد از فتح اسلامبول در تواریخ عثمانی نوشته شده است اما در زبان عثمانی معنی (بزرگ . نجیب . عالم . ولی النعمت) را دارد . [illegible] ارباب قلم که از [illegible] منصب

فقره چهارم لفظ (بک افندی) باحترام وزرازاده که صاحب قلم باشند و بیک و باحترام

(متمایزین ثانیه) از رتبه بالا مانند علاوه کرده میشود .

فقره پنجم — لفظ (پاشا) باحترام شخص [illegible] علاوه میشود که در ضابطه ملکیه منصب (امیرالامرائی) و (میرمیرانی) و (وزیری) و (مشیری — سرداری) را داشته باشد و در عسکریه منصب (میرلوائی = سرتیپ اول) و (فریقی = امیرتومانی) و

توضیح

باشند . بنداشته اظهار معلومات کرده اند نداشته ترجمه نموده اند

آنچه بعض با ضرار لفظ (پاشا) را مأخوذ و مختصر از (پای شاه) بنداشته [illegible] شاهزاده (علاءالدین) [illegible] و این لفظ در زمان اورخان [illegible] و معنی برادر بزرگ را دارد ترکی است حال آنکه لفظ مذکور [illegible]

(علاءالدین) [illegible]

[illegible]

(خیرالدین پاشا) [illegible] لفظ مذکور بدرجه مخصوص [illegible] به (وزرای قبه آلتی) قرار داده بعد از آن وزارت بچهار مرتبه قرار داده و وزرای درجه اولی را هم موسوم به (وزرای قبه آلتی) [illegible] (یوقوغ) نمودند در لغت (اتوغ) [illegible] و وزرای درجه ثانیه را بنام به (اوج توغ) ثالثه را (ایکی توغ) رابعه را (بر توغ) وزرای دربار) [illegible] در قدیم الایام در پیش وزرای مرتبه ثانیه ۲ قبضه و مرتبه ثالثه دو قبضه ورتبه رابعه یک قبضه بیرق [illegible] قبه آلتی از وزرای اوچ توغ انتخاب و سعید و وزرای اوچ توغ نقاره خانه داشته و در هر [illegible] حکومت میکردند سکه هم میزدند . ایکی توغها حق نقاره خانه داشتند اما حق سکه زدن را نداشتند و بر توغها فقط توغی داشتند

[illegible] (علاءالدین) [illegible] و صدراعظم [illegible] و وزرای (۷۲۱) [illegible] و وفات [illegible] پاشا [illegible] اورخان [illegible] (۷۶۱) [illegible] بعد از وفات [illegible] (قره خلیل چندارلی) [illegible] بعد از [illegible] (خیرالدین) [illegible]

فقره ششم — لفظ (ملا) با فخام شخص گویند میشود که از طریق علمیه وغیره نائل منصب (مولویت) شده گویند شود اما لفظ مذکور با اول اسم طلبه علوم وغیره هم آورده میشود

فقرهٔ هفتم — لفظ (چلبی) فقط با خاص اولاد و احفاد ذکور ~~(جلال الدین صاحب کتاب مثنوی معنوی که~~ معروف ~~ملو~~ در ایران معروف به (مولوی) جناب (جلال الدین رومی - قدس سره السامی) [صاحب کتاب مثنوی ومعنوی] آورده میشود

(توضیح)

(چلبی) از لغات ترکیه است معنی (صاحب سواد ، اخوند ، منشی ، با ادب ، مکرم ، نجیب ، خلاصه تربیه دیده) و (صاحب اعتبار ، مولانا) را دارد این لفظ را سلاطین عثمانیه جهت تبرک و از برای نشانهٔ انتساب بمولانای روم تا فتح اسلامبول بشاهزادگان داده (موسی چلبی) (عیسی چلبی) وغیره میگفتند حتی سلطان محمد اول این سلطان ... بایزید خان ملقب به (چلبی سلطان محمد) بود بعد از شاهزادگان ملقب به (افندی) گردید این لقب القابی بواره ... تبدیل ... وغیره از اینها بجا ... در هندوستان و در ایران و افغانستان ملقب بصاحب ... نیز ... لفظ (چلبی) را طلب مینمایند

فصل سیم ثانی

در بیان مناصب رسمیه عثمانیه است

مناصب دولت عثمانیه پنج نوع است اول (مناصب علمیه) ثانی (مناصب قلمیه) ثالث (مناصب عسکریه) رابع ~~(مناصب خطیه)~~ (ملکیه) خامس (مناصب خطیه) است

فقره اول —

فقره دوم — مناصب علمیه عبارت از منصب (قضاوت) و (مدرسیت) و (مولویت) و (پایه حرمین) و (پایه اسلامبول) و (صدوریت) و (مشیخت) است

و عنوان (مدرسین) (مکرمتلو افندی — آقای مکرمتماب)

فقره سوم — عنوان (قضاه) (مودتلو افندی — آقای مودتماب) و عنوان (پایه حرمین) (فضیلتلو افندم — آقای فضیلتماب من) و عنوان (موالی) (فضیلتلو افندی — آقای فضیلتماب) و عنوان (پایهٔ اسلامبول) (فضیلتلو افندم حضرتلری — جناب آقای فضیلتماب من) عنوان (صدورین) (سماحتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سماحتماب من) و عنوان (معزولین مشیخت) (دولتلو فضیلتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و فضیلتماب من) و عنوان (منصوبین مشیخت) (دولتلو سماحتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و سماحتماب من) و عنوان (سادات معتبر) (سیادتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سیادتماب من) و عنوان اوساط سادات (سیادتلو افندم) یا (سیادتلو افندی = آقای سیادتماب من) یا (آقای سیادتماب) و عنوان (فقها) (فقاهتلو افندی) یا (افندم) یا (افندم حضرتلری — آقای فقاهتماب من یا آقای فقاهتماب یا جناب آقای فقاهتماب من) و عنوان جلیل علمای درس العام که از تمام علوم اسلامیه بهره طولی باشند (سماحتلو بحر العلوم افندم حضرتلری — جناب آقای سماحتماب بحر العلوم و آقای سماحتماب من) و عنوان مشایخ (رشادتلو افندی) (یا) افندم (یا) افندم ... — آقای رشادتماب ... (آقای رشادتماب من) (یا) جناب آقای رشادتماب من)

(استطراد)

باید دانست که منصب مشیخت که معروف به (شیخ الاسلامی) است مساوی بمنصب صدر اعظم است و در عرایض ... عنوان

تغییر می یابد بجهت زیرا اگر کسی از علما بشیخ الاسلام عریضه نگار باشد در عنوان عریضه (معروض داعی دیرینه لریدر که = داعی دیرینه اسرکار عرضه میدارد) و اگر بمعزولین شیخ الاسلامی نگارد در عنوان (معروض داعیلریدر که = داعی سرکار عرضه میدارد) مینگارد اگر عریضه نگار خارج از علما باشد باید که در عنوان عریضه که بشیخ الاسلام میدهد (معروض بندهٔ دیرینه لریدر که = بندهٔ دیرینه اسرکار عرضه میدارد) و اگر عریضه بمعزولین نگارد لازم است که در عنوان عریضه اش (معروض بنده لریدر که = بنده سرکار عرضه میدارد) بنگارد

فقرهٔ چهارم — عنوان (رطریق = خلفای دیانت ... موسویه وعیسویه (رتبتلو افندی حضرتلری = جناب آقای رتبتماب) و عنوان بسکوبسهای اینها (رتبتلو افندی = آقای رتبتماب) و عنوان (رهبانان) اینها (رهابتلو افندی = آقای رهابتماب) است

فقره پنجم — (مناصب قلمیه) عبارت از (خامسه) و (رابعه) و (ثالثه) و (صنف ثانی ثانیه) و (صنف اول یا متمایزی ثانیه) و (صنف ثانی اولی) و (صنف اوّل اولی) و (بالا) و (وزارت) ~~است~~ و (صدارت) است .

فقره ششم — عنوان منصب (خامسه) (حمیتلو افندی — آقای حمیتماب) عنوان (رابعه) (فتوتلو افندی — آقای فتوتماب) عنوان (ثالثه) (رفعتلو افندی — آقای رفعتماب) عنوان (صنف ثانی ثانیه) (عزتلو افندی — ... آقای عزتماب) عنوان (صنف اول یا متمایزی ثانیه) (عزتلو افندم — آقای عزتماب من) عنوان ~~(اول صنف اول)~~ (صنف ثانی اولی) (سعادتلو افندم — آقای سعادتماب من) عنوان (صنف اوّل اولی) (عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب آقای عطوفتماب من) عنوان (بالا) (سعادتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سعادتماب من) عنوان (وزارت) (دولتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولتماب من) عنوان معزولین (صدارت) (دولتلو (ابهتلو دولتلو افندم حضرتلری — جناب آقای ابهت و دولتماب من) ~~عنوان منصوبین~~ (دولتلو ابهتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت وابهتماب من) عنوان منصوبین صدارت (فخامتلو دولتلو افندم حضرتلری — جناب آقای فخامت و دولتماب من) است

(استطراد)

باید دانست که در عنوان عریضه که از ارباب ... بمعزولین صدارت داده میشود ... (معروض داعی ... لریدر که — داعی سرکار عرضه میدارد) ... نوشتن لازم است اما در عنوان عریضه سایرین (معروض چاکرلریدر که — چاکر سرکار عرضه میدارد) ... ~~عریضه~~ و در عنوان عریضه که ارباب ... بصدر اعظم منصوب داده میشود (معروض داعی کمینه لریدر که — داعی کمینه سرکار عرضه میدارد) ... نوشتن لازم است اما در عنوان عریضه سایرین (معروض چاکر کمینه لریدر که — چاکر کمینه سرکار عرضه میدارد)

فقرهٔ هفتم — (مناصب عسکریه) عبارت از (اونباشی — دهباشی) و (چاوش — وکیل) و (باشچاوش — وکیل باشی) و (آغای یسار — یاور دوم) و ... و (یوزباشی — سلطان) و (ملازم اول — نایب اول) و (ملازم ثانی — نایب دوم) و (قائممقام — سرتیپ سوم) و (میرالای — سرتیپ دوم) و (میرلوا — پاشا — میرپنج) و (فریق — پاشا — امیرتومان) و (بیکباشی — سرهنگ) و (آغای یمین — یاور اول) و (سردار اکرم پاشا سردار کل) و (سرعسکر — پاشا — وزیر جنگ) است و (مشیر پاشا سردار) و ... (وکیلباشی) بهمان اسم منصب اینها است اما عنوان (نایبها) (غیرتلو — غیرتمندا)

فقرهٔ هشتم — عنوان (دهباشی) و (وکیل) و (وکیلباشی) عنوان (یاورها) (فتوتلو — فتوتمابا) عنوان (سرهنگ) (رفعتلو — رفعتمابا) عنوان (سلطان) (حمیتلو — حمیتمندا) عنوان (سرتیپ اول یا میرپنج) (عزتلو افندم — آقای عزتماب من) عنوان (سرتیپ دوم) (عزتلو افندم) عنوان (سرتیپ سوم) (عزتلوك — میرعزتمابا) عنوان (امیرتومان) (سعادتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سعادتماب من) (سعادتلو افندم — آقای سعادتماب من)

عنوان (سردار) (دولتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولتمآب‌من) عنوان (سردار کل) (دولتلو رأفتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و رأفتمآب‌من) عنوان (وزیر جنگ) (دولتلو عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و عطوفتمآب‌من) ؟

فقره ۱ — عنوان (مستوفی قوچ — غیرتمند ا) عنوان (لشکرنویس قوچ) (فتو (فتوتمآبا) عنوان (تحویلدار سرقوچ) (رفعتمآبا) عنوان (لشکرنویس سرقوچ) (رفعتمآبا) عنوان (پیشنماز قوچ) (آقای مکرمتمآبا) عنوان (مفتی سرقوچ) (آقای فقاهتمآبا) عنوان (امید قدار) (حمیتا حمیتمآبا) است

عنوان (رئیس دار شورای عسکری) (عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب سرکار آقای عطوفتمآب من) است

(استطراد)

چون الجبا و دواساز و بیطار و نعلبند بتی و سراج بتی و چخماقچی و قوندا قچی و سایر عمله عسکریه — دارای مناصب عسکریه هستند و مواجب و جیره و علیق آنها نیز مثل صاحبمنصبان قوچ است لهذا از جانب دولت ابدمدت قطعا عنوان خصوصی برای آنها معین نکرده و تابع عنوانهای مناصب معینه صاحبمنصبان قوچ توجیه شده اند

فقره ۱ — (مناصب ملکیه) عبارت از (قپوچی باشی درگاه عالی) و (قپوچی باشی رکاب همایون) و (مدیریت اصطبل عامره) و (میرالامرا) و (میرمیران) و (بگلربگی دوم ایلی) (بعد وزارت است)

فقره ۱ — عنوان (قپوچی باشیان) (رفعتلو آغا — رفعتمآب آغا) (عنوان (مدیر اصطبل عامره) (عزتلو اعلا یا … عزتمآب اعلا …) عنوان (میرالامرا) (عزتلو پاشا — عزتمآب پاشا) و عنوان (میرمیران) (سعادتلو افندم — آقای سعادتمآب‌من) عنوان (بگلربگی دوم ایلی) (سعادتلو افندم حضرتلری — جناب آقای سعادتمآب‌من) ؟

فقره ۱ — (مناصب ضبطیه) (قولوکیلی) عبارت از (قولوکیلی معاونی) (قولوکیلی) و (ژوزنال امینی) (بلوک اغاسی معاونی) (بلوک اغاسی) (حساب امینی) (طابور اغاسی) (اداره امینی) (الای بکی)

فقره ۱ — عنوان (قولوکیلی معاونی — قولوکیلی) همان اسم منصب ایشان است (ژورنال امینی) که عنوان (ژورنال امینی) (حمیتلو — حمیتمندا) عنوان (حساب امینی) (…) و (بلوک اغاسی معاونی) (غیرتلو — غیرتمندا) عنوان (بلوک اغاسی) (رفعتلو — رفعتمآبا) و (اداره امینی) (…) عنوان (طابور اغاسی) (فتوتلو — فتوتمآبا) عنوان (الای بکی) — (عزتلو بک — عزتمآب بک) است .

خط عارف افندی (عثمانلی) ترجمه حالت ایران

قسمت اول در ترکیه یا … (ترکی) استیفای وزیران

فصل ثالث

در بیان عنوان حکمداران و شاهزادگان و متعلقان سلطنت و سفرای خارجه و قونسولها

فقره اولی — عنوان حکمداران اعظم در هنگامی که اسمی از ایشان در مراسلات رسمیه و در روزنامه‌ها برده شود از قرار ذیل نوشته خواهد عنوان اعلیحضرت شاهنشاه ایران (شهنشاهلو ایران شاهی حضرتلری — اعلیحضرت شهنشاهی شاه ایران) عنوان اعلیحضرت سلطان (شوکتلو قدرتلو عظمتلو (امتلو پادشاهز ولی نعمت بی منتز افندمز حضرتلری — اعلیحضرت شوکت و قدرت و عظمت و امتمآب مالک الرقاب و ولی النعمت بی منت و پادشاه ما) (عنوان والده سلطنت (رأفتلو شفقتلو مرحمتلو عنایتلو مهد علیا و ستر کبری افندمز حضرتلری — علیا حضرت رأفت و شفقت منقبت و مزید عنایت و مرحمتمآب مالکة الرقاب ما) و عنوان (اقبال — حرم جلالت) (صدف دردانه خلافت خاتون حرمخانه جلالت عفتلو عصمتلو افندمز حضرتلری — صدف دردانه خلافت خاتون حرمخانه جلالت علیا حضرت عفت و عصمت مآب مالکة الرقاب ما) و عنوان شاهزادگان اسلام) (نجابتلو دولتلو افندم حضرتلری — حضرت نجابت و دولتمآب آقای ما) عنوان (ولیعهد پادشاهان اسلام) (نجابتلو فخامتلو افندمز حضرتلری — حضرت نجابت و فخامتمآب آقای ما) و عنوان (شاهزاده خانمها) (عصمتلو فلان سلطان حضرتلری — یا — عصمتلو خانم افندی حضرتلری — جناب علیه عصمتمآب فلان سلطان — یا — جناب عصمتمآب خانم نافذة الحکم ما)

(استطراد)

اولاد ذکور شاهزاده خانمها متمیز بتخصیص عنوان خصوصی نیستند اما برای اولاد اناث شاهزاده خانمها دارای عنوان (عفتلو — عفتمآب خانم سلطان افندی) هستند و عنوان داماد‌های دودمان سلطنت (عطوفتلو افندم حضرتلری — جناب آقای عطوفتمآب‌من) عنوان خواجه باشی که منصب آغای اسلامبول هم دارد (دولتلو عنایتلو افندم حضرتلری — جناب آقای دولت و عنایتمآب‌من) است

عنوان (شیخ الاسلام) (سماحتلو فضیلتلو مولانا فلان افندی حضرتلری — حضرت سیادت و فضیلتمآب مولانا فلان) عنوان (امیر بخارا و امیر کاشغر) (فخامتلو امارتلو خان حضرتلری — حضرت فخامت و امارت مآب) — عنوان (خدیو مصر) و (خان خوقند) و (امیر افغان) (فخامتلو دولتلو … افندم) (خدیو) یا (خان) یا (امیر) حضرتلری و عنوان (امیر بلغارستان) و (امیر قره داغ) (فخامتلو پرنس حضرتلری — جناب فخامتمآب پرنس)

فقره دوم — عنوان حکمداران دول خارجه ازین قرار است عنوان (امپراطورها) (حشمتلو امپراطور — یا — امپراطریچه — ... حضرتری — اعلیحضرت حشمتماب امپراطور — یا — امپراطریچه عظمتماب) عنوان (پادشاهها) (حشمتلو قرال — یا — قرالیچه ... حضرتری — اعلیحضرت — یا — اعلیحضرت پادشاه — یا — ملکه ...) عنوان (ولیعهدها) (فخامتلو اصالتلو — خواندوق فلان — یا — پرنس — فلان — یا غراندوشس — یا — پرنس فلان حضرتری) عنوان (صدراعظمهای دول خارجه) (کیاستلو اصالتلو ... حضرتری) عنوان (سفرای کبار دول خارجه) (اصالتلو ... حضرتری) عنوان (وزیر مختاران) (منزلتلو ... حضرتری) عنوان (کارگذارها) (رتبتلو بک جنابلری) عنوان (جنرال قونسولها) (رتبتلو بک) عنوان (قونسولها) (درایتلو بک) عنوان (دکیل قونسولها) (کفایتلو بک) است

استطراد

عنوان (سفیر کبیر دولت علیه ایران) (دولتلو افندم حضرتری) عنوان (وزیر مختار دولت علیه ایران) (عطوفتلو افندم حضرتری) عنوان (کارگذار دولت علیه ایران) (سعادتلو افندم حضرتلری) عنوان (کارپردازاول) (سعادتلو خان) عنوان (کارپرداز) (غیرتلو خان) عنوان (وکیل قونسولها) (رفعتلو — یا — فتوتلو بک) است

فصل رابع

دربیان قاعدهٔ ترقی وتقدم در تمامی مناصب

فقره اول — ترقی در مناصب بسته بحسن خدمت وقدمت وقابلیت است با این همه خلاف قانون وممنوع است که حکم منصب مافوق را گرفته حکم منصب بالاتری از منصب مافوق خود داده شود یعنی اگر سلطانی را بخواهند دفعهٔ سرهنگ نمایند خلاف قانون است باید که اول یاور دوم بعد یاور اول نموده بعد منصب ~~سرتیپ~~ سرهنگی باو بدهند

فقره دوم — صدراعظم بدون عرض نمیتوانند باحدی نشان ومنصبی بدهند بعد الاستیذان مناصب قلمیه وملکیه را توجیه نموده تا به منصب بالا ~~معلوم نیست~~ وبکلربکی روم ایلی روئس که دراتیاق (روئس همایون) نوشته معلوم داده بعد از ثبت در دفتر تشریفات (صحه) کشیده بدست اصحاب مناصب میدهند اما منصب وزارت را با (منشور همایون) توجیه ونموده میشود منشور همایون ~~[illegible]~~ موشح بطغرای همایون است ~~بپشت~~ وصدراعظم پشت منشور همایونرا امضا نمینمایند

جزو کتابچهٔ تشریفات روئس اینجا

فقره سوم — شیخ الاسلامها با استیذان تا منصب پایه استانبول توجیه کرده ~~منشور~~ ~~[illegible]~~ بعد از ثبت ~~[illegible]~~ میدهند وبعد ~~[illegible]~~ اما منصب صدور با منشور همایون طغرادار توجیه کرده پشت منشور را شیخ الاسلام امضا میکند

فقره چهارم — سرتیپ سوم حق دارد سربازرا تا ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ یک نصب نماید اما از جانب تا منصب یاور اول مجلس فوج بعد از امتحان ~~[illegible]~~ با شهادتنامهٔ فوجی سردار ارو رسانیده سردار هم ~~[illegible]~~ بوزارت جنگ شهادتنامه را تقدیم مینماید ووزیر جنگ نیز بعد از مراجعت بدار ~~[illegible]~~ شورای جنگ ٥ از حضور همایون استیذان کرده ~~[illegible]~~ بعد بدست آن ~~[illegible]~~ صاحبمنصب (بیورلدی) میدهد از منصب سرهنگی الای بالا با فرمان همایون توجیه میشود

فقره پنجم — مناصب ملکیه نیز مثل مناصب قلمیه بعد الاستیذان از جانب صدراعظمها ~~[illegible]~~ تا منصب میرالای توجیه کرده روئس داده میشود اما منصب میرمیرانی با منشورهای توجیه وتسلیم میشوند

فقره ششم — مناصب ضبطیه نیز مثل مناصب عسکریه هست در مجلس وقت ضبطیه بعد المذاکره ~~[illegible]~~ بتوسط میر ضبطیه بصدارت عظمی عرض ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ با خرایطه بیان واراده نیز از حضور همایون عرض واستیذان کرده منصب عسکریه مطلوب ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ از جانب میر ضبطیه توجیه کرده تا منصب (طابور اغالقی) ~~[illegible]~~ ~~[illegible]~~ ~~(بیورلدی)~~ (بیورلدی) مناصب از جانب میر ضبطیه داده میشود اما از منصب ~~[illegible]~~ ~~توجیه کرده~~ ~~(منشور)~~ ~~[illegible]~~ ~~(طابور اغالقی)~~ ~~[illegible]~~ تا فوق بفرمان سلطانی توجیه ~~کرده میشود~~ ونموده میشود

فقره هفتم — تقدم مناصب انواع اربعه بریکدیگر ازین قرار است

منصب مشیری	تقدم دارد بر منصب وزارت	منصب وزارت نیز بر
صدراعظم	صدراعظم	صدراعظم
رجال از بالا	بالا	بالا
مولویت استانبول	امیرتومانی	امیرتومانی
صنف اول اولی	بکلربکی روم ایلی	بکلربکی روم ایلی
مولویت حرمین	میرپنج	میرپنج
میرمیران	صنف ثانی اولی	صنف ثانی اولی
مولویت خمسه	سرتیپ دوم	سرتیپ دوم
متمایز تا تیم	مولویت مخرج	مولویت مخرج
میرالامرائی	سرتیپ سوم	سرتیپ سوم
معیریت اصطبل عامره	کبار مدرسین	کبار مدرسین
الای بکی	سرهنگی	سرهنگی
ثالثه	قپوجی باشی درگاه	قپوجی باشی درگاه
قپوجی باشی درگاه	مدرس موصله سلیمانیه	مدرس موصله سلیمانیه
لشکر نویس	طابور اغاسی	طابور اغاسی
رابعه	یاوری	یاوری
خامسه	سلطانی	سلطانی
سلطانی	بلوک اغاسی	

فصل خامس

در بیان سلام دادن و گرفتن و پذیرفتن و پذیرفته شدن صاحبان مناصب

فقره اول چون سلام با کوچک دادن بر بزرگان و تواضع بزرگان نمودن بر کوچکان مشروع و از مقتضیات مدنیت و تربیت اسلامیه و از عادات قدیمه عثمانیه است لازم می آید که هر بزرگ داخل در مجلس کوچکان که میشود جمله شریفه (السلام علیکم) را بزبان بیاورد از آنکه رد سلام یعنی (وعلیکم السلام) را واضح گفتن اظهار وجود [illegible] و از برای کوچکان منافی ادب و تواضع است لازم است که کوچکان سلام بزرگان را قلباً اجا رد [illegible] و رسم تواضع یعنی (تمنا) ی پذیرائی را بجا بیاورند

فقره دوم هر کوچک که داخل در مجلس منزل بزرگ شود براو لازم است که رسم تواضع که (تمنا) ی پذیرفته شدن او است بجا بیاورد و بر بزرگ نیز لازم است که پذیرفته شدن او را بحرکت معلومه دست باو ابلاغ کند [illegible] اگر او در حق قعود دارد [illegible] جای نشستن او [illegible] و اگر حق قعود ندارد جواب مطلب او را بقدر امکان زودتر داده بدون جهت راضی بایستادن او نشود و هر شخص صاحب منصب مجبور است که بعد از شنیدن جواب (تمنا) ی خود را اجرا نموده با ادب از مجلس بیرون رود و بر بزرگان [illegible]
اگر با او کار [illegible] رخصت داده شدن او را بحرکت معلومه دست خود باو ابلاغ نماید

فقره سوم در رفتن که کوچک بزرگ را در کوچه سواره یا پیاده ببیند وشناسد لازم است که دور تر از او رو بپای او ایستاده منتظر سلام بزرگ شود و بر بزرگ است که درجه منصب و قدر و مأموریت آن صاحب منصب کوچک را ملاحظه کرده بخنده رو با او [illegible] (سلام علیکم) گوید یا (تمنا) نماید و کوچک سلام بزرگ را بکمال ادب و تواضع [illegible] و بعضی از تواضع بزرگ گرفته اگر سوالی از او پرسد با تمنا جواب داده بکار خود برود [illegible] بدون ضرورت بعد از سلام سوال و جواب [illegible] شایسته نیست [illegible] در هنگام [illegible] وضع حرکت دست و سر معین میشود اما اقران با اقران که در کوچه [illegible] هر کدام که اول اقران خود را دید موافق [illegible] دست [illegible] که صاحب منصبان دست یکدیگر را گرفته در کوچه راه بروند غیر از ماه رمضان جایز نیست
[illegible] و در روز سلام دهم [illegible]

فقره چهارم سلام لشکری عبارت از دست خود را به پیشانی بردن و پائین آوردن است [illegible] هر صاحب منصبی که بوضع نظامی یعنی شمشیر در کمر و تمام [illegible] باشد صاحب منصبانی که از او کوچک باشند [illegible] و تابعین لازم است که بدون اینکه بایستند با او سلام داده از او بگذرند و تابعین هم در [illegible] صاحب منصبان [illegible] و در صنف [illegible] سوای وجدای [illegible] صاحب منصب از هر صنف یعنی پیاده و سواره و توپچی و مهندسی باشند [illegible] و تابعین هر صنف [illegible]

فقره پنجم صاحب منصبان علمیه سلام هم مثل صاحب منصبان قلمیه یکدیگر سلام داده و در جواب [illegible] اما آنها مجبورند که بموجب شرع انور سلام را صریح [illegible] یعنی (السلام علیکم) بگویند و در وقت رد سلام هم جمله (وعلیکم السلام) را بطور آشکار بزبان بیاورند

فقره ششم [illegible] از آنکه مقام صدارت مقام وکالت کبرای سلطنت است تمام صاحب منصبان مجبور و مکلف هستند که بدون [illegible] صدر اعظم نشینند اما صدر اعظم هم مجبور است که [illegible] معزولین صدارت [illegible] مثل سفرای کبار از وسط [illegible] اطاق [illegible] سفرای مختار [illegible] اولات ولایات [illegible] مانند سفرای مقیم و ایلچیان کوچک در دو قدمی میزان و وزرای معزول را در یک قدمی استقبال [illegible] و مانند اینها که مجبور هم گشته [illegible] منتظر سلام بوده [illegible] (تمنا) [illegible] اما بوزراء [illegible] هستند هم گشته تمنا بجا بیاورد و در آن [illegible] وارد بزبان آورده [illegible] و معزولین صدارت و سفرای کبار را و نیز وزراء [illegible] از صدر اعظم هم [illegible] دست یعنی در طرف [illegible] وزرای دوار و سفرای مختار را در طرف یسار یعنی پائین دست [illegible] و بر صندلی که [illegible] ترتیب و [illegible] قهوه و غلیان [illegible] وزرای ولایات [illegible] اینها که [illegible] از صدر اعظم [illegible] یا جنس از این ماموریت دیگر از وزارتخانه بوده یا دارای [illegible] باشد [illegible] مثل سایرین [illegible] اجرای رسم ترتیب و اجرای قهوه و غلیان میخواهند هرگاه وزرای بی کار از [illegible] وزارتخانه ها یا سفراء [illegible] بدون [illegible] صدر اعظم شود [illegible] وارد [illegible] قدیم [illegible] شئونات و مقامات تشریفاتی [illegible] از دست نداده [illegible] بیاورند [illegible] مهمان قدیم از معزولین صدارت یا [illegible] کبار [illegible] مهمان قدیم هم یا از معزولین صدارت یا سفرای کبار باشد آنگاه لازم است که قدمت [illegible] توجیه منصب و [illegible] سفارت [illegible] بنظر آورده جدید جای خود را بقدیم [illegible]

فقره هفتم صدر اعظم مجبور است [illegible] آنکه منصب بالا دارد [illegible] رئیس [illegible] شورای عسکری [illegible] در جای خود قیام کرده [illegible] و تمنا نموده می پذیرد اما صاحبان مناصب بالا که [illegible] در حال استقبال [illegible] تمنای هم گذشته قبول مینماید که [illegible] دو صندلی پائین تر از صدر [illegible] جا نشان داده بعد از اجرای رسم قهوه و غلیان میخواهند

فقره هشتم — صاحبان پایه مولویت استانبول و وزرای لشکریان و صاحبان منصب امیر اول صف اول دیگر یکی دوم ایاغ را
و سه صندلی پایین‌تر از صندلی حقوق جاشان میدهد
قیاماً و بیرون گذشته تا نموده می‌پذیرد و بعد از احوالپرسی فقط قهوه میخواهند
اما صاحبان پایه مولویت و بینی دارای ... و میرمیران و صاحبان منصب صف ثانی اولی را نیم قیام و تمنای متقابل پذیرفته
چهار صندلی پایین‌تر جا نشان داده بهم غیر قهوه میخواهد.

فقره نهم — صاحبان مولویت بعد از ... رتبیان دوم صاحبان ... ثانیه را بحرکت تام و تمنای علی العاده
پذیرفته و پنج صندلی پایین‌تر جاشان میدهد و فقط اگر با احوالپرسی نموده اگر آن صاحبمنصب از ... باشد باهم قهوه میخواهد
فقره دهم — صاحبان مولویت و میرالامرا و رتبیان سوم و میرمیران ... و صاحبان منصب ... و الا ... یکی بارا
بحرکت نیم و تمنای تام پذیرفته شش صندلی پایین‌تر جاشان داده قهوه و قلیان میخواهد
فقره یازدهم — از صاحبان منصب پایین‌تر از صاحبمنصبان مذکور الفوق اهل نشستن در حضور ... مقام صدارت ندارند
... و از جلو ... است که در هنگام دخول بوسط اطاق که میرسند از زمین تعظیم ... موقوفات ...
... صدر اعظم برخاسته و صدر اعظم ... علی العاده تعظیم ... را شنیده جواب میدهد
حق دخول بحضور صدر اعظم دارند و در هنگام دخول ... دم در ایستاده
فقره دوازدهم — از رابعه تا ... فقط جواب میشنوند و در هنگام ...
... از زمین تعظیم ... را ... اورده ... ادب بیرون میروند صدر اعظم
... جواب ... (اجوبه) ...
انتظار
مجبور ... است که ... اول در اطاق ...
فقره سیزدهم — هر شخص بخواهد بحضور صدر اعظم مشرف شود لازم است که اول در اطاق ... و در ... اسم و لقب ...
نشسته ... صدر اعظم نماید ... در تشریفات بوقوع بیاید.
و ماموریت عالیه یا سابقه و منصب خود را ایضاح نماید که ... مذکور است تا پایین خدمت نوکری و توجیه ...
فقره چهاردهم — از طبقه صاحبمنصبانی که در فقره هشتم ... تشریفات ... ممکن نیست و در ...
یکدیگر را دانستن بدون واقفیت ... طبقات مذکوره الفوق ...
امکان تمیز این مطلب اشکال دارد لهذا ... از طبقه مذکوره تا ... در حضور باشند حق تقدم ... درست است الکرام ...
... در زمان واحد در حضور ...
حق تقدم دادن بسته باراده صدر اعظم است

فقره پانزدهم — صاحبمنصبان نظامی در وقت ایفای ... رسم تعارف ... ایستاده
سلام ... و صدر اعظم اگر از میرمیران باشد آنهم ... قاعده نظامی سلام نظامی ... راعیان و بندگان
... و سفرا را بطور نظام گرفته ... را ...
فقره شانزدهم — وزرای وزارتخانه و میرمیران صاحب ... و ولات ولایات درجه اول در مقام ...
... رسم تشریفات را که بجا بالاتر از صدر اعظم بجا آورند ... و از صاحبان ... رتبه بالا ... که رئیس
اداره باشند و ولات ... ولایات درجه دوم ... رسم تشریفات ... از ... تشریفات ... بالاتر
بجا آورده قدر و حیثیت راعیان و نوکران و ... مهمانان ... را ... ایستاده ... نزد
فقره هفدهم — ... صاحبمنصبانی که در دربار ... یا سایر وزارتخانه‌ها یا در ادارات ولایات مستخدم و هر روز ... بجا آورده ...
مجبور هستند که یکدیگر را بدفعات ببینند رسم تعظیم و احوالپرسی وغیره را در اول دفعه بجا آورده تا ... در ...
دیگر از بجا آوردن رسم تشریفات صرف نظر نمایند اما صاحبمنصبانی که حق قعود دارند در جشن بزرگ در حال ... نشسته ...
نشسته و آنها که حق قعود ندارند در موقعی که لازم است ایستاده ... ادای آن را تعظیم ... تعاکیه عقب ...
... بیرون ... و در هنگام دخول ... از ... واجبات است اما بزرگ ... و قیام
مدیر یا ناظم ... اطاق ... و ... در یک اطاق ...
فقره هجدهم — ... فقط یک ... است
صندلی که برای نشستن ... از اهل اطاق مذکور ... نیست ... که ...
در زیر دست صندلی مدیر یا ناظم گذاشته و آن هم مخصوص نشستن بزرگان است که ...
وزارت دارد و احدی حق ندارد که داخل اطاق ... شده ... نشسته ...
حرف زده او را از خدمت ... نماید ... که ... او را بیرون خواسته در اطاق ... که
مخصوص ... است برده ... دقیقه گفتگو نماید

فصل سادس

در بیان نشستن و [illegible] و نوشته مشترک که رسماً نه را امضا کردن است

فقره اول — در مجلس نشستن و قرارنامه مجلس را امضا کردن تابع بترتیبی است که [illegible] در جدول
[illegible] ملحوظ است اما در مجلس [illegible] از اعضا هم منصب باشند [illegible] حق تقدم
با آن [illegible] است که [illegible] تاریخ روس منصبش یک روز قبل از دیگری است اگر اتفاقاً
تاریخ هم در یک روز باشد رجوع بنشان و در نشان هم نیز مساوات باشند رجوع بتاریخ
زمان نشان و اگر در آن هم مساوات باشند رجوع بتاریخ دخول نوکری و اگر در آن هم مساوات شود رجوع
بسن و علم و فضل و نجابت [illegible] در صف سلام هم این قاعده مرعی الاجرا خواهد شد

بسم الله تعالی

اعتراضات ثروتی و تجارتی

شهد الله قرارنامه‌های بانکهای متعدد که فعلاً در مد نظر این غلام است هیچیک در سهولت شرایط و [illegible]
باین قرارنامه نمیرسد ولی اگر این اعتراضات و ایرادات ذیل هم دفع و رفع شود بهترین جمیع قرارنامه‌های
بانکهای دنیا خواهد بود و عمده جهت این سهولت و ترجیح که این قرارنامه بر شرایط بانکهای سایره
دارد از اینجاست که در ممالک دیگر دولتها خود طالب بانک و تشکیل بانک شده‌اند پس بتکلیف
که اداره بانک در ملاحظه جانب خود مخصوص است دولت قبول کرده ولی در این قرارنامه
بانک طالب تشکیل گردیده لهذا در همه جا رعایت حقوق دولت را نموده است تا اینکه [illegible]
پیشرفت دهند و قبول نفرماید

در فصل اول که متعلق است به مرکز و شعب عبارت مجمل آورده است و اجمال این مطلب اختیار را
از دولت سلب میکند باید در اینجا صریحاً افزود که اداره بانک در تعیین مستقر مرکزی و مواقع
تشکیل شعب باید مخصوصاً اذن مجدد از جانب کارگزاران دولت علیه تحصیل نماید
و همچنین در اقداماتی که [illegible] بتکلیف اصل خود خیال دارد از قبیل تسهیل طرق تجارت و تکثیر
جهات ازدیاد ثروت و [illegible] مطلق نیست و باید در هر یک از این خیالات اطلاع مخصوص
بدولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید و نیز در فصل اول سرمایه بانک معین شده است اما مقدار
قبوض بانک که در عوض سکوک رواج خواهد گرفت معین نیست و حتم است که بانک چند مقابل علاوه
بر سرمایه خود نشر بدهد پس لازم است که معین نماید

و هم در مسئله امتیاز زمانی که نوشته است اگر اداره بانک آن امتیاز را بهمان شرایط قبول کند بر غیر
مقدم است باید قید شود که (اگر [illegible] درمیان نیاید) چرا که ممکن است بانک آن
امتیاز را بهمان شرایط که غیر قرار میدهد قبول نکند ولی [illegible] مصلحت [illegible] آن غیر را
ترجیح بر بانک بدهد
و در فصل چهارم که قرار داده اند یک نفر مأمور محترم از جانب دولت علیه تفتیش بکند [illegible]

محرم کم است زیرا که ممکن است که کشف عمداً یا سهواً از تکلیف مخصوص خود اشتباه بکند پس باید قرار داد که نفوذ از
طبقات مختلفه رجال دولت بر تکلیف تفتیش اقدام و مراقبت داشته باشند در کمال استقلال مشار الیه چه جمع
وآیا حق الزحمهٔ مأمورین تفتیش را که خواهم داد باید بانک بنا بر رجوع کرد اگر هم فی الواقع بر عهدهٔ بانک قرار بگیرد
در ظاهر باید دولت خود دریافت نماید و به مأمورین برساند که مأمورین رشتاً موجب خوار بانک نباشند
و در فصل ششم نوشته شده است که دولت علیه معادل یک ملیان فرانک بطور استقراض از قرار صد
شش منفعت از بانک دریافت خواهد داشت جهت لزوم این استقراض معلوم نیست فی الحقیقه منت
بیهوده است و تا آلا ضرر هم دارد این است که اولا در سالی هشت هزار فرانک باید منفعت بدهیم و بانک
در ظرف ده سال تقریباً معادل دو ثلث یک ملیان استقراض را باسم منفعت دریافت کرده است
علاوه بر اینها همینکه باب استقراض مفتوح کردیم هیچ توقیف نخواهد داشت و خدا نکرده شد دولت عثمانی و مصر
و تونس مقهور را جانب خواهیم کردید

در فصل نهم این عبارت را باید افزود که اداره بانک باید متعهد شود که در آخر هر ماه صورت معاملات
آن ماه را بتوسط روزنامجات مرکزی انتشار دهد و همچنین در آخر هر سال شش ماهه معامله دوازده ماهه را اعلان
نماید تا تمام مردم از داد و ستد بانک مطلع بوده باشند

در فصل یازدهم چنان فهمیده شد که بانک در مقام استکشاف معادن اگر معدنی در اراضی بایره و ملک بانک
احتمال میدهد بدون استحصال اذن مخصوص از دولت میتواند در آنها کاوش بکند ولی اگر در املاک
مزروعه و آباد معدنی احتمال میدهد باید با اذن و رخصت و رضای صاحب ملک کاوش نماید خواه
اراضی دیوانی باشد و خواه رعیتی

در صورتیکه این قید بطور تأکید نشود مفاسد کلی بظهور خواهد رسید چنانکه در مملکت عثمانی از اعمال
این قید چه املاک معمور و اراضی دایر و بیوتات مسکون خراب شده و زیانهای بی حد و حصر
بر رعایا وارد آمده

(اما از حیثیت پلتیک)

در ظرف چهل و چهار سال سلطنت همایون اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداه بواسطهٔ حسن تدبیر و اجرای پلتیک
سالم و تدبیرات در عهد بانی به هر دولت رقیب بدون هیچگونه درد سر و زحمت خاطر مبارک اعلی سلطنت و حکمرانی فرمودند
و انشاءالله تعالی چه چند سال دیگر هم بعون الله با کمال قدرت پادشاهی خواهند فرمود در اینچند ماه
بواسطهٔ مسئلهٔ کارون خاطر مبارک فی الجمله مشغول است باز عقیده معتقد گردیده بر اینکه مسئلهٔ کارون
انترناسیونال نیز عمومی بود ولی دادن امتیاز به روسها ثابت میکند که اولیای دولت
کلیه طرفدار سیاست پا شوند و سیاست دیگر چندان دقت و اعتنائی نمیکنند آیا مصلحت اولیای دولت که
از جادهٔ تسویه و تعدیل که در این مدت تمادی راه سیاست پیموده‌اند انحراف بورزند و سیاست لاابالی بگذارند
نه والله

دولت آلمان با قرب چهار کرور سرباز محض اثبات پلتیک خود با نهایت مخالفت پرداز جنگ عثمانی و روس
ما بین آلمان و روس بروز کرد و تا آنطوری غلیظ که هر ساعت انتظار اعلان جنگ مابین دو دولت بر پا
بود امپراطور پیر با سر پرشور که لازمهٔ جوانی و مقتضای سن اوست به نصیحت وزیر اعظم پرنس بیزمارک
ملاحظه تغییر داری جد و پدر خود را که در ظرف چهار ماه پنجاه درجه مرتفع نکرد محض جلوس تخت سلطنت هنوز
تقویت و تهنیت نامه ها چاراران و روسان رجال کاملاً باد رسیده سفری بروسیه کرده و ملاقات حضرت
با امپراطور روس نمود بلکه برای تشیید خصوصیت و جلب قلوب ما بین آلمان علی الخصوص امپراطور
روسیه به دانمارک که در ضد آلمان نسبت پیشه و تعصب دارد مسافرت نمود باسم اینکه من
صلح طلب هستم و جنگجو نیستم فی الواقع اتمام حجت کرد که اگر مجادله مابین او و دولت روس واقع شود
در انظار عامه علی الدوام زهر بینی علی الخصوص اهالی مملکت خود مسئول نباشم که مبادرت بمخالفت
نموده است میدانم مصلحت است که رجال دولت با این شرافت بهانه بدست هیچ یک تعرض خود ندهند [?]

بهبهه که از یک طرف حدود ایران و حدود مملکت است و بلوک و بادیه‌نشینهای از ترک و تات لاعلاج بر
با سرحدنشینهای آن مرابطه داشته باشد روز چهارشنبه گذشته در مجلس مذکور شد که قرارنامه اولی از طرف عثمانی
معمول نشده مگر بواسطه خواهش شخص امپراطور ماضی روس آیا ممکن نیست در این سفر تیم که دولت قبال
بلغرنشت تشریف خواهند برد امپراطور حالیه نیز همین خواهش را بکنند و در آن صورت بکار نسند
معمول که در دست روس حالا است یک سند صحیح در مذکور رفته که هر حرف بصحت سند اول است و هم معاملات
سند ثانی محکمه شد در خاک آنها و هر وقت مسئول و غیر معمول خواهند بود به عقیده رجال دولت پس معدود
خواهند بود نه انکار و قبول سند دویم تبعه انگلیس بر ده از عقیده اند کرد و از اجراء و تسبیل دوام
عذر در مقابل کلمه روسها خواهند داشت

این خانه زاد هیچوقت را اطلاع و ربطی از پولتیک دولت علیه ندارد زیرا که در هیچ وقت در خاک دولت دولتی
تحصیل نکرده است شریک عمر ناگزیر عرض میکند که نه میبیند و نه میداند

اما بواسطه بصیرت و اطلاعات کاملی که در ارزیابیه بلند پایه فرانسه آلمانیه از روح اتفاق از پولتیک
سیاسی دول دنیا دارد معروض میدارد که رجال دولت بواسطه این همسایه شمال و شرق و
شمال غربی خیلی ممکن است طرف زحمت و گرفتار زحمت نشوند ولی از جنوب به طوری اغتشاش
که تصور زحمت و ضایعه تواند شد منع نگردد پس موافق عقیده حاصل و فکر قاصر این خانه زاد خوب است
که راه حرف روسها را بهبهه و درست به روس و طرف آن چهار روزه سال عهدنامه را عنوان کرده است از آنها
استشاره نمایم و استمداد کنیم اگر چاره کردند نعم الاتفاق و الا هیچ وقت از حالت عناد که از ما بخواهند
داشت انگلیسها هم از فصاحت کار دراز بجهت گشتیهای عمومی تا هزار سال دیگر ممنون رجال
علیه بوده باشند و سکوت بکنند و بطلان قرارنامه اولی روس را اگر هم قبول نمایند
و شکیش رجال دولت نمایند این فقره پر روشن و مبرهن است که این خانه زاد هیچوقت هر چه را انجاه

تقدیم عریضه میکند اسم آنها الا فضولی که اشتر نسبت است ما در لیلجو نمی کشد
ولی محض شد که رفع خاطر رجال دولت حاصل و در این عریضه معروض میدارد که بر آقا و دوام دولت ایران
واجب است که اول ملاحظه قدرت سلطنت و حفظ شوکت و ناموس دولت و نجابش خاطر مبارک
شخص شاهنشاه گیتی پناه خلد الله تعالی سلطانه و آرایش قلوب کافه اهالی وطن الا که از نعمتهای بزرگ
الهی است بنمایند و بعد رعایت حقوق ثابته حالیه و آتیه دولت علیه الابد را به درجه کمال منظور
دارند

و اگر در عقب هر پولتیکی همراه این رعیتی عرض بکند چنانچه تا به حال قبول نفرموده اند تخفیف نیز نمایند و
توهین نفرمایند که آن بیچاره با اعتقاد خود در مقام ادای تکلیف است نه مستحق تخفیف
جناب ولایت مآب صلوات الله و سلامه علیه دستور العمل بزرگی داده اند که انظر الی
ما قال و لا تنظر الی من قال

خانه زاد دولت ... [illegible]

[illegible]

ترجمه

صورت عهدنامه ایست که فیمابین مصطفی پاشای صدراعظم عثمانی و ساروخان امیر و محمد قلی بیک ایشیک آقاسی سفیر شاه صفی صفوی در روز چهاردهم محرم سال هزار و چهل و نه هجری منعقد شده است

الحمدلله العزیز الکریم الفتاح الذی افتتح ابواب الصلح والصلاح ، وارتفع ظلام المصاف والکفاح بمصباح صباح الفوز والفلاح ، والصلوة والسلام علی رسوله الذی اظهر واوضح الدین بکل الایضاح ، وانشرح صدر الاسلام بطلعته السعیدة ای انشراح ، وعلی آله واولاده واصحابه الذین هم الاشباح الذی ارواح ما فاح نشر الصبا ولاح نور الصباح اما بعد
چون بمشیت و ارادت رافع السماء بغیر عماد و حکمت و قدرت مبدع المرکبات عن الاضداد جل شانه عن مشاکلة الانداد مدار نظام احوال عباد و منشاء ثبات و دوام عالم ایجاد منوط بحسن اتفاق و اتحاد پادشاهان با عدل و داد و شهریاران مکرم و عدالت نهاد مربوط باتباع و انقیاد اوامر و نواهی خداوندگاری آنهاست و از آنکه سلاطین شوکت آئین بفحوای شریف (فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم) بسمت اصلاح مستوجب الفلاح عزیمت و از جانب خصومت و کفاح عودت فرموده تیغ خلاف طرفین در غلاف کردیده و ارباب مصاف جانبین بهمدیگر سینه صاف شده اند (ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم) بناءً علی ذلک چون این اضعف عباد الله (مصطفی پاشا) از طرف اعلا جلال القرین و از جانب اسناد سعادت مشحون جناب جلالت مآب پادشاه دین پناه و ذات سعادت دستگاه سلیمان بارگاه خلیفة الله فی العالمین ما صدق مصداق السلطان ظل الله فی الارضین علاوة اعاظم السلاطین معاذ اکابر الخواقین ناصر الاسلام والمسلمین قاهر الکفرة والمشرکین سلطان البرین والبحرین خاقان المشرقین والمغربین خادم الحرمین الشریفین عین الانسان و انسان العین المؤید بتاییدات الملک المستعان والموفق بتوفیق العزیز المنان لازالت سلسلة خلافته ممتدة الی آخر الزمان و ما برحت اطناب خیام سلطنته مشدودة الی انتهاء الدوران حل و عقد امور ممالک
مأمون ۲ و در خصوص اختیار صلح و جنگ توفیق باقتضای اجازت همایون شرع و بحسب وکالت مطلقه و ۲ و مأذون
نیابت محققه ما هم عساکر اسلام نصرت انجام را از بغداد برداشته متوکلاً علی الله تعالی بعزم تسخیر ولایت عجم آغاز با هنگ طی مراحل و منازل نموده آنگاه که بمنزل موسوم به (هارونیه) نزول کردید عمدة الامراء و قدوة الکبرا شمس الدین محمد قلی بیک ایشیک آقاسی از جانب شریف زینت افزود تختگاه عجم خورشید علم دارا حکم فریدون حشم خداوند مکرم دودمان جم تاجداری هزبر بوم

شوکت پناهی کریم شاهان اوج شاهی عالیجاه سعادت دستگاه خسرو فلک بارگاه ستاره سپاه اعلی الله اعلام قدره من السمک الی السماک و رفع بنیان مجده الی قمة الافلاک بطریق سفارت آمده و بحضرت سعادت و عظمت مآب پادشاه ما نامهٔ همایون مکتوب ملاطفت خامه آورده چون بنا بر اراده که حضرت شاه در خصوص اصلاح ذات البین و صلح و صلاح جانبین داشته تسکین آتش جنگ و جدال و دفع و رفع غبار حرب و قتال را طلب نموده ما نیز بنص شریف (وان جنحوا للسلم فاجنح لها) عمل کرده از برای امن و استراحت عباد الله که ما منعه بحل و مفصل هر باب است بصلح و صلاح رضا داده
جوابنامه بحضور جهان پناهی فرستاده و در ضمن اظهار کرده بودیم که از برای اینکه بر وجه وجیهی که لایق شأن دولت طرفین و موافق عرض و ناموس جانبین است با هر احوال صلح تفصیل داده شود لازم است که از طرف شریف حضرت شاه والاجاه یکنفر شخص معتمد علیه متکفل و ارسال فرموده شود الحال هذه نحمده بسط بساط صلح و صلاح و ربط و ارتباط مصالحه مستوجب الفلاح و استقرار مواثیق و عهود و تعیین احوال ثغور و حدود و عقد صلح و صلاح انجام جناب امارتمآب ایالت نصاب مصادقت عنوان ساروخان دام سامیاً بمصالح الامن والامان از طرف اشرف حضرت شاهی بنهج قویم شرع انور وکیل معتمد علیه و مأمور بانعقاد مصالحه و معاهده اند در منزلی موسوم به زاب آمده داخل اردوی نسخه ذهاب
همایون خداوندگاری داخل شده اند بعد از ایفای مراسم مهمان نوازی و رعایت روز چهاردهم ماه محرم الحرام عظم الله قدره بین الانام سال هزار و چهل و نه هجری که یک وقت خرم و ساعت میمنت توأم بود دیوان عالی از وزرای عظام و میر میران عالیمقام و آقایان کرام قاپی قولی و آقایان جماعات و سایر کبرای عسکر و عظمای لشکر ظفر اثر که در اردوی همایون حضور داشتند کرده و مشار الیهما ساروخان وکیل معتمد علیه و محمد قلی بیک سفیر احضار دیوان همایون کرده مقدمات صحیحه معاهده که از برای نظام احوال فقرای رعایا و انتظام حال ودایع خالق البرایا بالمشافهه ترتیب کردید باین صورت نتیجه بخشا حسن قبول و صحیح دیوانهای که از جانبین ابراز کردید قضایای مصالحه باین شکل مقتضای قرار اجابت مشمول شده است که (جصان) و (بدره) و (مندلیجین) و (درتنگ) و (درنه) که در ولایت بغداد است متعلق بپادشاه سعادتمند ما باشد محالی که تا مندلیجین و درتنگ در صحرا واقعند از یک طرف ضبط کردیم کوه بجانب شاه متعلق باشد و از برای درنه و درتنگ محل موسوم سرمیل حدود معین کردیده است و صحرائی که ما فوق هارونیه متعلق بپادشاه کردد و تا ارسنق عمر دودی بطرف شاه باشد و قلعه زنجیر که در قله کوه واقع است خراب کردیده دهات واقعه در طرف مغرب آن از جانب خداوندگاری و دهات واقعه در طرف مشرقی آن نیز از جانب شاهی ضبط شود و کوکیک (کوتی) چنان بشهرزور حدود معین کردید با قوانین قلعه

از جانب اشرف شاهنشاهی و با توابع مهربان بین از جانب شریف شاهی تصرف کرده قلعه های
قطور و ماکو واقع در سرحد وان و قلعه مغازبرت واقع در جانب قارص را طرفین خراب نمایند و خیزان
سواه مذکوره معتبرا بقلاع و بقاع و نواحی و اراضی و صحاری و براری و تلال و جبال واقعه در داخله ٢ مادامکه از جانب حضرت شاه فرض
حدود و ثغور آخسقه و قارص و وان و شهرزور و بصره و غیره واقع و حالات مرضیه که باعث فتنه
میشود صادر نشود از این جانب نیز پادشاه سعادت و عظمتمآب این صلح را مقبول شناخته از طرف
هم ولشان تعرض نفرمایند که محال واقعه در داخله حدود آن طرف از این جانب تعرض نموده نشود و از برای
اینکه تجار و ابناء السبیل طرفین با اطمینان تام بهردو مملکت آمد و شد نمایند و دوستی باقی بماند
این وثیقه انیقه مشتمل الحقیقه بر حسب وکالت عامه و نیابت محققه مخصوصه کشیده
سلک سطور کردید ارسال حضور شوکتپناهی وابلاغ مجلس شامخ ایران دولتیه
داشته شد که این شرط و عهود مرقومه معتبر شناخته شود و تاکید عهود نقض شرعی ١٢ از جانب حضرت شاهی
(ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها) رعایت شود از جانب اشرف حضرت پادشاه
سعادت و عظمتمآب مانیز متابعت بامر شریف (واوفوا بالعهد ان العهد کان
مسؤلا) متابعت کردیم باذن الله الملک العلام این صلح خیر انجام الی یوم القیام
ثبات و دوام بیابد (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه والحمدلله
وحده والصلوة علی النبی من بعده اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً (انتهی)

توضیح

این عهدنامه ایست که وکلای طرفین نوشته و مهر کرده مبادله نموده و این نسخه را
بدربار ایران فرستاده اند و آنکه در صفحه صد و هشتاد و هشت جلد دوم منتظم ناصری
ضبط است آن نامه سلطان مراد رابع و مصدق این عهدنامه ایست که مورخ بتاریخ
اوائل شهر شعبان ۱۰۴۹ هـ است و از تاریخهای این دو واضح میشود که هفت ماه بعد از
عقد معاهده نامه های رسمی مبادله شده است [illegible]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

آل زیار

آل زیار که ایشان را دیالمه و آل قابوس نیز خوانند ده تن بوده اند در طبرستان و جرجان سلطنت کرده اند و مدت ملکشان یکصد و شصت و دو و بقولی یکصد و شصت و ده و بقولی صد و پنجاه و پنج بوده است معاصر سامانیان و غزنویان و هم عصر دیالمه آل بویه بوده اند [illegible] نژادشان از طایفه جیل [illegible] به ارغش [illegible] و نسبت خود به [illegible] رسانیده اند مرسد [illegible] زیار از سرداران طبرستان بود و سلطه و ریاست [illegible] مردان آن مرز و بوم خداوند [illegible] چندی او و فرزندانش در آن کشور مرزبانی و فرمانروائی داشتند آغازشان در سنه ۳۱۶ و انقراضشان در سال ۴۶۲ هجری و مدت ملکشان چنانکه گفته شد یکصد و شصت و دو سال بود و بقولی پایان ملکشان در سنه ۴۶۸ هجری است

اول (ماکان بن کاکی) شش سال در طبرستان سلطنت داشت

دوم (اسفار بن شیرویه دیلمی) مدت ملکش هشت سال بود [illegible] در دست مرداویج کشته شد

سوم (مرداویج بن زیار) پس از کشته شدن اسفار در طبرستان و بعضی از عراق [illegible] چندی فرمانروائی کرد دعوی [illegible] و گویند در همدان چنان قتل عام کرد که [illegible] بنده از [illegible] کشته [illegible] سال بود [illegible] کشته شد [illegible] از غلامان خود کشته شد مدت ملکش [illegible]

چهارم (وشمگیر بن زیار) (و بقولی وشمگیر که مخفف وشمگیر است) پس از کشته شدن برادر [illegible]

و کشته شد میان او و رکن الدوله دیلمی که در آن [illegible] عماد الدوله بود چندین نوبت محاربه رفت و وشمگیر ظفر یافت پس از آن ابوعلی سیمجور که از سرداران امیر نوح سامانی بود با لشکر فراوان به گرگان آمد وشمگیر طلب نمود وشمگیر شکست خورده به مازندران گریخت و حسن بن فیروزان [illegible] که [illegible] در آن سرزمین آشوب نهاد [illegible] وشمگیر [illegible] امیر نوح سامانی [illegible] نوح او را [illegible] کرده سپاهی همراهش نمود و گرگان و مازندران باز گشته حسن فیروزان را [illegible] آن کشور [illegible] فرمانروائی [illegible] مدت ملکش سی و چهار سال بود

پنجم (بهستون بن وشمگیر) مدت فرمانروائیش نه سال بود

ششم (شمس المعالی قابوس بن وشمگیر) قابوس پادشاهی دانشمند و بزرگوار بود و صفات پسندیده داشت و [illegible] خط [illegible] می نمود از [illegible] عصر خود نیکوتر می نوشت چنانکه هر وقت صاحب بن عباد سطری از خط وی دیدی گفتی هذا خط قابوس ام جناح طاوس (این خط قابوس است یا پر طاوس) پس از چهار سال سلطنت فخر الدوله دیلمی از [illegible] گرگان گشت قابوس مقاومت نتوانسته به خراسان شتافت [illegible] فخر الدوله کشور [illegible] سال [illegible] بود [illegible] پس از مرگ برادرش [illegible] از جانب خود [illegible] گرگان حکمران [illegible]

(۳)

بقابوس پس نداد پس از مردن فخر الدوله لشکریان سپهسالار شهریار که در [illegible] بود بفرمان [illegible] کوهستان مازندران

بودند گرگان و مازندران بنام قابوس شد و آن بار هفده سال بر پادشاهی نشست و روز بروز بر بلندی

فرمانش می افزود گیلان و طبرستان را نیز بچنگ آورد و برادرزاده خود منوچهر را حکمران گیلان کرد قابوس مردی

دانشمند و دادگر بود ولی با لشکریان و سرداران بسیار درشتی مینمود و مجرم را با مرگ کیفر میداد [illegible]

بزرگان گرگان آزرده گشته شبی که در خارج شهر بود سراپرده او را فرا گرفتند [illegible]

از نزدیکان کسی بکار نیامد [illegible] شورش گران شهر [illegible] تصرف نمودند و پیکی [illegible]

منوچهر پسر قابوس را بیاری خواستند قابوس چون چنین دید در دل [illegible] برخاست از نزدیکان

بسطام رفت از آنسوی چون منوچهر بگرگان رسید [illegible] او را تعقیب کرده [illegible] کار [illegible]

[illegible] ترا [illegible] برگیرم [illegible] گرگان را [illegible] منوچهر

[illegible] بسطام [illegible] رفت [illegible] گفت [illegible]

[illegible] قابوس [illegible]

از روی [illegible] نیز [illegible] پادشاهی [illegible] بزرگان شمس المعالی را [illegible] بقلعه [illegible]

(۴)

و جمعی از خواص خدم در [illegible] گویند که از [illegible] قابوس [illegible] بقلعه [illegible] رفت قابوس از

[illegible] گفت چون [illegible]

دیگر [illegible] گفت این سخن غلط است زیرا که [illegible]

چون [illegible] اگر [illegible] گویند [illegible]

در [illegible] قابوس [illegible] گرفته او را در آن قلعه کشته و در قبه [illegible] گرگان

دفن کردند که گنبد قابوس معروف است [illegible]

ششم (منوچهر بن قابوس) که او را فلک المعالی [illegible] چون [illegible] او را

[illegible] از [illegible] سلطان محمود غزنوی [illegible]

[illegible] یمین الدوله [illegible] فلک المعالی

[illegible] کار [illegible]

[illegible] پدر [illegible]

هشتم (دارا بن قابوس امیر کالنجار) [illegible] یمین الدوله [illegible]

(۵)

و چندی حکمرانی کرده تا هنگامی که سلطان مسعود گرگان آمد دارا تحمل نیروی آن لشکر را ننموده گرگان را

واگذاشته بعضی از ذات مازندران پناه برد و در آنجا روزگار اسکندر نیز بگذشت و چهار یا پنج سال دیگر

فرمانروائی کرد

نهم (عنصر المعالی امیر کیکاوس بن اسکندر بن قابوس) پس از مرگ دارا در آن کوهستان

فرمانروا گشت. قابوسنامه از او است که برای گیلانشاه پسر خود نوشته است مردی حکیم بود و در

ملکش تربیت و تکمیل

دهم (گیلانشاه بن کیکاوس) پس از پدر هشت سال در آن کوهستان روزگار گذرانید

و سلطنت آل زیار بپایان رسید

توضیح آنکه این القاب شمس المعالی و فلک المعالی و عنصر المعالی و غیره از طرف خلفای بنی عباس باین امرای گیل داده شده

کمترین فرزندان عضد در ظرف شش ساعت این شرح را
در معرفی آل زیار از تواریخ منتخب کرده نگاشت
۱۲ شهر محرم الحرام ۱۳۱۱

فصل پنجم

در باب کارخانه تنباکو و توتون سازی و وضع دریافت نمودن حق الحفاظه ریجیست
بواسطه ناظر دول و آن منقسم بر سه فقره است   فقره اولی   بعد از ابتدای سال
در تمام نقاط ممالک محروسه ممنوع و غدغن است در غیر از کارخانه‌های تنباکو کوبی و توتون
سازی هیچ قسم تنباکو و توتون گردی گرفتن و توتون سیگار و چپق نمودن و سیگار
و سیگارت و انفیه و مضغه ساختن و این منع و غدغن‌ها ملاحظه در نقطه تجارت
جدید است یعنی تنباکو حمل خارجه نیز می‌باشد

فقره ثانیه   هر کس بخواهد کارخانه بجهت هر نوع تنباکو و توتون گردی کوبیدن و توتون
سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه سازی جدید احداث نماید از قرار شرایط ذیل اداره
باید مؤسس کارخانه تنباکو کوبی و توتون سازی احداث نماید
اولاً هر کس بخواهد کارخانه تنباکو کوبی و توتون سازی جدید احداث نماید لازم است که قبل از وقت
عریضه به اداره انحصاریه آن محل که در آن است اطلاع بدهد هر جائی را که بخواهد کارخانه قرار دهد
محله و کوچه و اسم و صاحب آن محل را با آلات و اسبابی که در آن کارخانه استعمال
خواهد نمود و نوع و مقدار تنباکو و توتون همه را در آن عریضه ایضاح نماید
ثانیاً منع را بجهت کارخانه توتون سازی در عریضه خود معین نماید لازم است

مأموری

مأموری از جانب حکومت و اداره بلدیه و اداره پلیس و اداره ناظر دول با تحقیق
رفته اگر در آن محل برای تعیین کارخانه محظوری نبیند اذن خواهند داد و آن محل
باید از هم از یک در برای خروج و دخول داشته باشد نیز پنجره و شکافی که
به بیرون در آن قرار نداشته و چهار دیوار بیرونی آن بقدری بلند باشد که فقره
رد و بدل و دادن و گرفتن چیزی از دیوار و بالای پشت بام آن ممکن نشود و راه مخفی
از زیر زمین بخارج نداشته باشد و پنجره‌های بیرونی آن محل با مفتول جان بافته نرد
به اتقان دادن و گرفتن چیز خوردنی هم نباشد و این ترتیبات بعض اینکه تحقیق
ثالثاً ممنوع است در غیر از صاحب کارخانه و محرر
کارخانه باشد
و عمله جات احدی حتی عیال و اولاد آنها در کارخانه شب کسی باشد
رابعاً چون از جانب ادارات ناظر دول برای رسیدگی معاملات کارخانه
شخص مأمور خواهد شد باید در کارخانه جائی یعنی اطاقی به آن مأمور معین نماید که در آنجا
معاملات و عملیات کارخانه را تفتیش نماید
خامساً صاحب کارخانه با حاضر نمودن آلات و اسباب تنباکو و توتون کوبی و سیگار
و سیگارت و انفیه را بدون تصدیق اداره انحصاریه آن محل استعمال نماید
سادساً بجهت اینکه صاحب کارخانه‌ها بر ضمانت حق مالیات و مردود نمودن روی دفاتر و
تحقیقیه و تذکره نقلیه بی عیب کمیه برگ تنباکو و توتون در حین ورود بکارخانه خود بنمایند

و چون مبلغ وجه جامع شرایط را که در کارخانه قرار داده لازم است التزام‌نامه در صورت
اعتبار و اگر غیر معتبر باشد ضمانتی از صاحب کارخانه گرفته شود که هرگاه زیانی در باب
مالیات متاعی که در کارخانه‌ها مقرر شده و منبعد بدون اعتراض خود را مطیع آن قانون نماید
نیز باید صاحب کارخانه خواه اجنبی و خواه بومی معتبر و معروف اداره باشد بدون
باشد و اگر هر صاحب کارخانه که برحسب شرایط فوق التزام‌نامه یا ضمانت‌نامه
گرفته شود فوراً اجازه‌نامه که مخصوص صاحب کارخانه است و نمرهٔ آن در دفتر این قانون
ضبط شده به آن کارخانه نوشته و بعد از رسیدن به ثبت و مهر صاحب آن کارخانه
با مهر و صاحب کارخانه نیز مأخوذ است که بعد از دریافت اجازه‌نامه فوراً کارخانه
خود را با [illegible] متاعی که در کارخانه درست می‌شود و یا [illegible] و نقشه و صفحه سازی گردد
فقرهٔ سیم این کارخانه‌جات مستقیماً در تحت نظارت و تفتیش دائمی اداره باید
خواهند بود و با وجود تفتیش در سیاقی که هر روزه مأمور کارخانه مدیر یا مأمور اداره حق
دارد که هر وقت بخواهد کارخانجات را معاینه و وارسی نماید و اگر صاحبان کارخانجات
از تبعهٔ خارجه هم باشند برحسب التزام‌نامه باید خود را مطیع تام این قانون بدانند
فقرهٔ چهارم صاحب هر کارخانه باید انواع متاعی که در کارخانه خود در چه وقت و بعد از
از کارخانه خارج نماید همه را در دفتری که از اداره باید از طرف اداره تمبر و ثبت گشته
در دفتر زیر دفتری است که از طرف ادارات باید به ترتیب نام و هر صفحه آن را
نمره گذارده و از تمام آن نواری گذرانیده و در جلد دفتر بالا که مهر کرده است و نمرهٔ این
در دفتر در دفتر قانون ضبط است

فقرهٔ پنجم

فقرهٔ پنجم از این کارخانجات آنها که در شهر طهران و تبریز و مشهد مقدس و شیراز
و اصفهان و کرمانشاهان باز خواهند شد باید در مرتبه باشند که هر کسی [illegible] بعوض و کرمان
کمپانی اقلاً سالی قیمه سه هزار و ششصد تومان باید در دولت بفروش رساند درجهٔ اول
به اداره باید دولتی مبلغ خودش از کارخانه [illegible] و آنها که در شهرهای درجهٔ دوم از قبیل
همدان و زنجان و قزوین و خوی باز شود در عوض سالی اقلاً سالی دو هزار و چهارصد تومان
کارخانجات شهرهای کوچک و قصبات اقلاً هزار و دویست تومان درجه سیم
فقرهٔ ششم اگر صاحب کارخانه نتواند در ظرف [illegible] نصف مالیات [illegible]
در فقرهٔ فوق را علاوه از انواع باید دولت تفصیل آن را در [illegible] از اداره [illegible]
استیفاء [illegible] اداره [illegible] باید بدون هیچ [illegible] از اشتغال [illegible] توتون
و غیره منع نمود کارخانه او را [illegible] و اگر بعد از [illegible] کارخانه صاحب آن نخواهد
کارخانه خود را [illegible] محجور است [illegible] سالیانه کارخانه خود را
که دفعه اول باید دولت استیفاء مهر نمود بعد کارخانه خود را باز کند
فقرهٔ هفتم اگر صاحب کارخانه بخواهد کارخانه خود را در همان شهر یا به شهر دیگر ببرد
و آلات و ادوات خود را از کارخانه خود به کارخانه دیگر ببرد مجبور است که پیش
از وقت از اداره باید دولت اجازه‌نامه تحصیل نماید
فقرهٔ هشتم هیچ وقت جایز نیست که در کارخانه زیاده از لزوم [illegible]
و توتون نگاه دارند اما اگر صاحب کارخانه بیش از مقدار [illegible] در انبار علیحده

محفوظ نخواهد داشت باید باطل خواهد شد اما بشرط آنکه در این قسمت انبار
از جانب اداره باندرول و از جانب صاحب کارخانه تصدیق شود و مُهر از آن
که کلید در اداره باندرول باشد و هر وقت صاحب کارخانه بخواهد تنباکو و توتون
برای ترتیب از این انبار بیرون آورد رجوع به اداره باندرول گمرک مامور که
کلید در دست او است از اداره کارخانه آمده در حضور مامور هر قدر تنباکو و توتون
لازم دارد بیرون آورده و تحدید شد آنکه همان تنباکو و توتون را از انبار [illegible]
استیاع ممهور است هر قدر از انبار برده در فقره نهم از فصل سیم ذکر شد همان ترتیب
با تنباکو کرده ممهور بعد از آن در آن تصرف و ترتیب گمرکی هر قدر فصل [illegible] کارخانه
و در فقره چهارم همین فصل ذکر شده و نمونه آن در آخر قانون منضبط است ثبت باید

فقره نهم هر قدر تنباکو و توتون خواه از بیرون و خواه از انبار کارخانه در جنس دیگر [illegible] شود
صاحب کارخانه باید آنها را به مامور کارخانه که برای تفتیش کارخانه از اداره باندرول
معین شده است نشان بدهد بالطبع مامور مزبور [illegible] وزن را معین کرده و ثبت [illegible] دفتر
معین دفتر انبار و دفتر کارخانه تطبیق کرده بعد در آن تصرف نمایند از استعمال فروش
نماید و هر نوع تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه که در کارخانها ترتیب
شده از برای فروش با [illegible] باید صاحب کارخانهها باید تمامی پاکتها با باندرول دار
آنها را با مامورین گمرکخانه [illegible] بعد مقدار و جنس و نوع و درجه آنها را ثبت دفتر
گمرک مشتری [illegible]

فقره دهم

فقره دهم هر صاحب کارخانه با باندرول که [illegible] شرح آنها در فقره دوازدهم
این فصل مسطور است از اداره باندرول استیاع ممهور کارخانه خود بیاورد باید برای
تمامی آنها تمغای مخصوص کارخانه خود را زده بعد هر قدر مخصوص کارخانه خود تصدیق آن
در فقره چهارم این فصل ذکر گردید و از جانب اداره باندرول مخصوصاً [illegible] ثبت [illegible]
[illegible] ثبت که هر قدر که از آنها بر روی پاکتهای تنباکو که برده و توتون بریده
و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه چسبیده و بفروش رسانند مثل در همان قدر [illegible]
مخارج ثبت نماید و هیچیک از صاحبان کارخانجات [illegible] شده پاکتی را
بیرون باندرول و باندرولها را بدون پاکت از کارخانجات خود خارج نماید

فقره یازدهم در باب بریدن و خورد کردن و ساختن و ترتیب دادن تنباکو و توتون
و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه هیچ [illegible] صاحب کارخانه است اما [illegible] در حق
[illegible] که بدون پاکت و [illegible] نیز [illegible] باندرول [illegible] از کارخانه خود بیرون ببرد
و همچنین مجبور است که تمامی توتون و تنباکوی ترتیب یافته خود را در جعبه و پاکت [illegible]
که [illegible] یک چهارم [illegible] و نیم [illegible] گذاشته و باندرولهای که
مخصوص آنها است و نمونه تمام آنها در ذیل ضبط است [illegible] بعد بفروش رسانند [illegible]

فقره دوازدهم انواع تنباکوی فارس و [illegible] و کاشان و یزد و اصفهان و [illegible] و اوقات
و غیره حالیه حصر در [illegible] نوع شد و از هر یک فی نوع اول [illegible] و از نوع ثانی نه هزار
و از نوع ثالث هشت هزار و از نوع رابع هفت هزار و از نوع خامس شش هزار و از نوع [illegible]

پنجهزار و از نوع سابع چهار هزار و از نوع ثامن سه هزار و از نوع تاسع دو هزار دینار
حق باندرول دریافت خواهد شد و همچنین از انواع توتون رشت و استراباد و ارومی و کردستان
نیز شش نوع حصر شد از هر یک من نوع اول سه قران و از نوع ثانی بیست و چهار هزار
و از نوع ثالث دو قران و از نوع رابع شانزده هزار و از نوع خامس دوازده هزار
و از نوع سادس هشت هزار دینار حق باندرول گرفته خواهد شد اما تعیین نمودن انواع
و اقسام آنها برای صاحبان کارخانها محول خواهد گردید و حق باندرول دریافت شود
باندرولهای الوان که صاحبان کارخانه دلخواه شود در بسته‌های تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه
و توتون بریده و کوبیده و مضغه شده خود نصب کنند بند ببندند و در آن باندرولها
بزبان فارسی و فرانسه مقدار و نوع یا عدد و وزن و قیمت و کمیت حق باندرول ثبت
و مطبوع است و نسبت بوزن بسته‌ها هر نوع آن منقسم بشش جنس میباشد
پس در واقع حق باندرول بواسطه باندرولها دریافت میشود

فقره سیزدهم صاحبان کارخانها از انواع توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه
و مضغه درست میکنند در حالتی که تمام مالیات و مخارج را از قیمت خرج کرده باشند حق دارند
در بیش از ده یک منفعت علاوه بر مایه نمایند و اگر کمتر از این منفعت بخواهند در انتخاب
اختیار با خود آنها میباشد و مأمورین باندرول حق دارند از روی انتخاب حساب کرده
قیمه توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه را تعیین نمایند بواسطه روزنامهای

مطبوعه

مطبوعه منتشره بالمره اعلان نمایند

فقره چهاردهم باندرول برای هر جنس تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه
و مضغه باختیار رنگ در اداره نظمیه ناصری بشرح مسطوره در فوق طبع میشود
و از مرکز کمپنی ادارات باندرول بادارات انحصاریه هر مملکت فرستاده خواهد شد

فقره پانزدهم اگر چه کارخانهای مزبوره مأذون و مختارند که از برگ توتون
سیگار لب بزنند و از توتون بریده سیگارت بپیچند اما باید آنها را نیز در جعبه
و پاکت گذارده و باندرول مخصوص را بر آن بسته و جعبه و پاکتها باید
از یک مثقال توتون بریده کمتر از شش عدد سیگارت نبندند و بسته‌ها و
جعبه‌های مختلف الشکل باختلاف الوان ساخته با نرخ معین بسته‌های چهل و هشت
عددی و بسته نود و شش عددی و بسته صد و نود و دو عددی و بسته چهارصد و
هشتاد عددی و بسته نهصد و شصت عددی از سیگارت ترتیب بدهند عدد
و جنس و درجه توتون و قیمه آنها را تعیین کنند و از توتونهای درجه اول و دوم و سوم
و چهارم سیگار برگ و سیگارت ساختن جایز و از توتونهای درجه پنجم و ششم سیگار
و سیگارت پیچیدن و ساختن بکلی ممنوع است

فقره شانزدهم کاغذهای سیگارتها از کاغذ فرانسه و سیگارتهای تمام مشک دار
و غیر مشک دار خواهد شد و از هر یک جعبه نهصد و شصت عددی سیگارت توتون
درجه اول هشت هزار و دویست دینار و از درجه دویم شش هزار و از درجه سیم پنجهزار

دارد درجه چهارم چهار هزار دینار حق الثبت یعنی قیمت باندرول از صاحبان
کارخانه‌ها دریافت خواهد شد

فقره هفدهم — هر صاحبان کارخانجات از یک مثقال برگ توتون درجه
اول دوم سیم و چهارم یک سیگار برگ بپیچد و هشت و شش زده دو
و هشت و دو صد و شصت عدد را بفروشد انواع و درجه توتون در پاکت‌ها جعبه‌های
مختلف الشکل مختلف الوزن مقوائی یا چوبی یا بعد از گذارده عدد و جنس و درجه
توتون و قیمت فروش را معین نماید و از هر جعبه صد و شصت عدد سیگار برگ
توتون درجه اول هفتهزار و دو شاهی و از درجه دوم ششهزار و از درجه سیم
پنجهزار و از درجه چهارم چهار هزار دینار قیمت باندرول از صاحبان کارخانجات
گرفته خواهد شد

فقره هجدهم — هر صاحب کارخانه که از توتون
سیگار برگ بزند و استعمال آنرا در داخله ممالک یا در تجارت خارجه دارد و بسته اول بازرس
از جمله تکالیف سرکشی ادارات باندرول است هر یک صاحب کارخانه امتیاز
منفصل از تجارت عظیم است که عامل اداره امتیازنامه مزبور علاوه بر آن و عده سکنه
در هر یک از پاکات سیگار برگ با هم امتیاز نامه و تکلیف آنها شود

فقره نوزدهم — هر شخص که بخواهد در ممالک محروسه کارخانه لفافه و مقوا یعنی قرص
توتون که بعضی از فرنگیها مقطع غیبا نیز میگویند باید صاحب کارخانجات تنباکو
و توتون سازی مشغول نشده با اداره باندرول مهر خود را با جانب بگیرد و تمامی شرایط را قبول کند

اداره

که بعضی کارخانجات تنباکو و توتون سازی اداره باندرول مقرر شده و خواهد نمود
مطلع دانسته خود را تابع آن شناسند

فقره بیستم — صاحبان کارخانه لفافه و مقوا که خود مشغول از هر نوع توتون
لفافه و مقوا که بزنند برای هر یک چهارک آنها فقط باید صد هزار باندرول بدهند

فقره بیست و یکم — در کارخانه تنباکو و توتون سازی جایز است که لفافه
و مقوا سازی قرار دهند اما شرط است که مهر ترتیب این کار از مهر
ترتیب توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت جدا باشد و هر یک در اطاق
علیحده ساخته شود و صاحب کارخانه باید بعد ساختن این که لفافه و مقوا
نیز از جانب اداره باندرول رخصت جداگانه حاصل نماید و چون در ممالک
محروسه ایران ساختن لفافه معمول نیست و استعمال آن روز بروز زیاد میشود و احتیاج
با ابتیاع انواع لفافه خارجه حاصل شده لازم است که مرکز کلی ادارات باندرول
توسط سفارت کبرای ایران بلاد معمول یک نفر از استادان لفافه ساز را با لوازم
نسبت معین اجیر ساخته بایران بیاورد

فقره بیست و دوم — هر نوع توتون که صاحبان کارخانه‌ها برای ساختن لفافه
و مقوا ابتیاع نمایند نیز لازم است که مثل توتون سیگار و سیگارت باندرول
لفافه‌ها در وقت تخفیه آنها را بی عیب نه بینند کارخانه‌های خودشان بیاورند

و در وقت آوردن نیز بنظر تفتیش مأمور بازدرول کارخانه رسیده بعد از تطبیق
و معاینه در محل مخصوص آنها را انبار نمایند و اگر یکی از صاحبان کارخانجات
بخواهد هر چه از خرده و ریزه توتونهای بریده سیگار و سیگارت انفیه و مضغه نماید
باید قصد خود را پیش از وقت به مأمور بازدرول کارخانه خود اطلاع داده بعد
در حضور مأمور معزی الیه آن خرده ریزه‌ها را سنجیده بعد بسمت ترتیب انفیه
و مضغه بریزی بفرستد و آن مأمور مکلف است مقدار وزن همان خرده
ریزه‌ها را در دفتر مخصوص ثبت خود ثبت و اشاره نماید چه مقدار خرده
ریزه توتون برای ساخته شدن انفیه و مضغه بسمت ترتیب آن فرستاده شده است
و صاحب کارخانه نیز برای تشخیص وزن ده مثقال انفیه را در پاکتها و هر هشتاد و
و صد و شصت مثقال آنرا در کوزه‌های فیروزه‌رنگ خوش وضع کاشی بریزد
و مضغه‌ها را نیز بوضع مذکور در فوق در پاکتهای کاغذی و جعبه‌های مقوائی سیاه‌رنگ
گذارده بازدرولهای مخصوص را بمواضع معینه آنها چسبانیده سر پاکت و جعبه
و کیسه‌های تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت بنظر مأمور بازدرول کارخانه رسانیده
و مقدار آنها را در دفتر مرقوم داشته بعد بفروشنده‌ها دهد

فقره بیست و یکم در کارخانهائی که جزئی فروختن تنباکو و توتون و سیگار
و سیگارت و انفیه و مضغه بمشتری و بخشیدن بدولت و اشخاص فقیر و درویش بدون

بازدرول

بازدرول ممنوع است و صاحب هر کارخانه باید خود را مستعد باین قانون دانسته
همین فقره را در لوحه بخط جلی نوشته بسر در کارخانه نصب نماید و اگر صاحب کارخانه
بخواهد برای فروختن تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه خود در بیرون
کارخانه دکانی باز کند مختار است بشرط اینکه از کارخانه او در دکانچه بی بازدرول نرود

فقره بیست و چهارم هر صاحب کارخانه باید در هنگام ساختن کیسه پاکت و جعبه
و سر بسته‌های تنباکو و توتون ملاحظه کند که کاغذی که بر روی آنها می‌چسبانند
صاف و شفاف باشد و برای هر جنس درجه رنگ علیحده اختیار کنند و تعرفه‌ها
در زبان فرانسه آنرا اتکیت گویند و در فقره بیست و ششم این فصل مذکور شده و در روی
کیسه و جعبه و پاکت و بسته‌های تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه
از جانب صاحبان کارخانجات چسبانیده خواهد شد باید آنها هم بالوان مختلفه و صاف
و شفاف باشد و بزبان فارسی و فرانسه نوشته شده و در دار الطباعه دولتی آنها را طبع
کرده باشند و جعبه‌های توتون و سیگار و سیگارت اگر از حلبی یا از ریسمان یا از تخته
باشد باز باید آنها را در کاغذهای رنگین مخصوص بجنس و درجه است بپیچند
و این کاغذها نیز صاف و شفاف و روغن‌دار خواهد بود و بازدرولها در روی تمامی
کیسه‌ها و پاکتها و جعبه‌ها و کوزه‌ها و غیرها چسبانیده شود باید تا اگر از روی تعرفه‌های
صاحبان کارخانجات باشد و بطوری بچسبانند که پاره و ساقط از عمل نشود و از زدودن

کیسه و پاکت و جعبه و سایر ظروف بیرون آوردن سطر و ف غیر ممکن گردد
و در باب چاپ نمودن با مزدول امتحانات که مدعی آورده خواهد شد در دفعه دیگر
استعمال آنها مطلقاً ممکن نگردد و آثار که نتیجه چاپ نمودن با مزدول ترتیب داده
شود مرکب از نود و سه جزو ثابت که نود و شش جزو سرشکسته خواهد بود

فقره بیست و پنجم تکالیف مأمورین با مزدول ترتیب داده شود با امور
کارخانجات خواهند شد از قرار ذیل است

اولاً از این قبیل مأمورین باید صاحب سواد و خط در حساب باید رشته در مطلب
و درستکار و مستقیم الاطوار باشند
ثانیاً هر نوع تمبر و قباله که بعضی کارخانجات ابتیاع شود باید آنها را تحقیق
و شمار و وزن آنها را با مقداری که در دفترچه نقشه درج است برابر نموده تطبیق نماید
و با در حضور رئیس و محرر کارخانه در دفتر مخصوص کارخانجات ثبت و در فقره چهارم این
فصل ذکر شد ثبت نماید بعد از آن آنها را داخل کارخانه نماید
ثالثاً مکلف است که بعد از تحقیق و تطبیق و ثبت نمودن قباله و تمبر مذکوره
نقشه آنها را ضبط و موافق نمونه آن تمبر مذکوره را ابطال کرده و از درجه استعمال
ساقط سازد همان روز با اداره با مزدول [illegible] هر نوع تمبر و قباله که [illegible]
[illegible] و لفافه و غیره در بسته قرار داده شد اگر با مزدول آن موافق قانون چاپ نمی
شود بعد از وزن آنها را با مهر [illegible] تعرفه با صاحب کارخانه نیاید مکلف است در دفتر
ثبت

ثبت نموده و مانع فروختن آنها گردد   خامساً این مأمور باید همیشه دفتر
ادخالات و اخراجات کارخانه را تحت نظر نظارت خود داشته باشد و لازم
است در باب ادخالات و اخراجات را برابر نماید و موجودی قباله و تمبر را
با معمولات و مصارف معاینه کند   سادساً از تکالیف مأمور این است
که مراقب شرایط باید و مواظبت خودش بگذارد و ابداً حرکتی مغایر این قانون
و قواعد [illegible] خلاف آداب [illegible] باشد در کارخانه [illegible] و غیر از عمله‌جات
صاحب کارخانه کسی با نام عمله‌جات [illegible] کارخانه داخل نشود و خیلی دقت نماید
که شرایط [illegible] کارخانه که در فقره سیم این فصل نوشته شد [illegible]
از دفتر مخصوص دخول و خروج کارخانه [illegible] دیگر [illegible] گذشته [illegible] باب
و آلات [illegible] دایره با مزدول در آن باشد [illegible] و اگر حرکتی برخلاف قانون [illegible] چند
بدون تأخیر [illegible] به دایره با مزدول [illegible] با مزدول صاحب کارخانه
از اداره با مزدول [illegible] کارخانه [illegible] فقره دوم
این فصل [illegible] مخصوص کارخانه [illegible] در دفتر مخصوص ثبت نماید

فقره بیست و ششم   صاحب کارخانه با تعرفه طبع شده یعنی چاپ نمودن روی
کیسه و پاکت و جعبه و کاغذ [illegible] کارخانه خود قرار دهد و در تعرفه‌ها اسم شهر
و مملکت و محله و کوچه و شماره کارخانه و علامت ممیزه خود را بزبان فارسی و فرانسه

گذاشته و غیر از این تعرفه تعرفهٔ دیگر هم طبع شده قرار داده در این کتابچه جنس

و مقدار وزن و درجه و قیمت مصنوعات کارخانه خود را بزبان فارسی و فرانسه

بوضع بسیار سطحی مرقوم نمایند و حتما بر بالای این تعرفه ها در دوائر اطلاعات سه

طبع شده و این سه تعرفه را بر روی کیسه ها کتابچه ها و کوزه ها ظروف بچسبانند

و مهره سر باندرول هم از طرفین هر سه تعرفه را بپوشاند

فقره بیست و هشتم   اگر یکی از اعیان و بزرگان بخواهد تنباکوی لازم خانه خود را

یکجا ابتیاع نماید بر ترتیب دهد باید قبل از ابتیاع تنباکو جمیع

باداره باندرول مملکت خود اظهار جواز بگیرد تجار تنباکو با فروشنده

جواز را گرفته با جواز نشان دهد تاجر باید یک کیسه کمتر از ده من تنباکو داشته

باشد بمشتری خود بفروشد ولیکن از آنکه مشتری تنباکو را در کیسه و قبض گرفتن

تذکره نقیه همان تنباکو را همراه مشتری باداره انحصار آورده تنباکو جمیع را

از جمیع کمی تذکره و دفتر اداره کرده مشخص نمایند و اداره باندرول حق دارد در این

قبیل تنباکوها از نوع اول تنباکو اعتبار کرده نسبت مقدار وزن تنباکو باندرول

چسبانیده و آنگاه بمهر مخصوص اداره الحال ممهور با جواز توسط یکی از عمالهای اداره

بخانه آن مشتری روانه نماید ولی این قسم مشتریان باید معروف اداره باندرول باشند

و معلوم شود

و معلوم شود از یکی معارف خانه خود خواسته اند اما اگر شخصی بخواهد برای استعمال خود

قدری توتون از تاجری ابتیاع کرده و در یکی کارخانه از آن سیگار بپیچد و خورد نماید

شرایط آتیه جواز باو داده خواهد شد

اولا توتون را که از تاجر ابتیاع نماید کمتر از سه من نباشد و باید همراه آن

تاجر توتون فروش را باداره باندرول آورده که از نظر مدیر یا مامور اداره برساند

و بعد از گرفتن جواز از اداره انحصار به یکی از کارخانهای توتون فروشی ببرد

ثانیا بعد از وزن و تطبیق با جواز و ثبت دفتر کارخانه بصاحب کارخانه

تسلیم کند هر طوری بخواهد و دستورالعمل دهد

ثالثا صاحب کارخانه از این قبیل توتونها را در جای علیحده بدون اینکه مخلوط

بتوتونهای خود نماید برحسب دستورالعمل صاحب توتون ترتیب داده در پاکت

یا جعبه نماید باعتبار درجه اول تعرفه با باندرولهای مخصوص جنس الوان

فقرات سابقه بر روی پاکت یا جعبه ها آن چسبانیده حق ترتیب و قیمت

باندرول را دریافت کرده در دفتر مخصوص کارخانه ثبت نموده بعد بصاحب

آن تسلیم نماید   فقره بیست و هشتم   هر شخصی میتواند از جنس تنباکو

و یک نوع توتون گردی که میپیچد و یک نوع توتون سیگار و یک صد و پنجاه سیگار

و نهصد و شصت سیگار و سیگارت و سیصد و پنج مثقال انفیه و مضغه در حالتی
در کیسه و پاکت و جعبه و کوزه های بامزرول دار و خالی از شبهه باشد بدون جواز
در سفرهای داخله ممالک محروسه با خود ببرد اما اگر بخواهد بیش از مقدار مذکور
حمل و بجای دیگر نقل نماید لابد باید از اداره بامزرول آن شهر که آنها را ابتیاع
نموده جوازنامه مذکوره مرور تذکره دریافت کند
فقره بیست و نهم هر نوع تنباکو و توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و مضغه
معموله کارخانجات ممالک محروسه که در کیسه و پاکت و جعبه و کوزه مختوم و بسته
با بامزرول های اداره جاری حق دارد که بیش از [illegible] آنها را ابتیاع کنند از نقطه بنقطه
دیگر حمل و نقل نماید اما اگر در مملکتی یک شراکتی (کمپانی) بطور امتیاز کارخانجات
بامزرول های اداره حق دارد که مثقالی از مقدار مذکور تنباکو و توتون مملکتی را از آن مملکت
ادخال نماید ریو [illegible] کارخانجات امتیازی خارج از این قانون و تابع قانون
علیحده میباشد فقره سی ام [illegible] از آن تنباکو خودرو [illegible] ممیز
و توتون بریده و کبریت و سیگار و سیگارت به هیچ و انفیه و مضغه لب زده و توتون
یا وزن نا معین لابد باید تمامی آنها تحت اداره بامزرول دار داشته باشد و از جمله ملحق
اداره بامزرول است که در هر مملکت فقط دکانی برای ساختن و تعمیر کردن آنها
معین

معین نموده سایر اصناف را منع از ساختن اسباب تنباکو و توتون برای کرده و اگر
مرتکب احدی از اعالی و ادانی و اجنبی و بومی از اسباب راجعه بکارخانجات
تنباکو و توتون [illegible] نماید یا احدی بدون اجازه اداره آنها را اسباب زند
یا استعمال نماید بر اداره بامزرول لازم است که در حق این قبیل اشخاص
حکم فقره نهم فصل ثانی را از حکومت محلیه درخواست نماید که مجرا دارد و آنها
را ساختن آلات و ادوات مذکوره [illegible] حق دارد [illegible] ادوات
احدی جز از اداره را نه چه بعضی چیزی از اجزای آلات و ادوات مذکوره یا دکان فروشد
فقره سی و یکم صاحب هر کارخانه که احتیاج بابتیاع و تعمیر آلات و ادوات
مذکوره بهم رساند باید اول رجوع باداره بامزرول مملکت خود کرده جواز گرفته بعد
جواز اداره را به [illegible] آلات [illegible] که در اسم [illegible] ابتیاع و یا تعمیر
نماید و همچنین باید اسباب و آلاتی را که در کارخانه خود استعمال مینماید تعداد دارا باشد
و در دفتر بامزرول ثبت کرده باشند فقره سی و دویم صاحبان کارخانجات از ادای
عوارض دیوانی و غیره [illegible] در رسم [illegible] که [illegible] جمع مینمایند معاف هستند
فقره سی و سیم قیمت [illegible] دیوانی و [illegible] بامزرول های دیوانی ادارات انحصاریه
از قرار جدول ذیل است

ماده ١

نظامنامهٔ [illegible] خصوصی

معارف [illegible] وتعلیمی [illegible] جدید

فصل اول

دربارهٔ مأمورین اوراق [illegible] خصوصی

[illegible] تعلیمی [illegible] مربوط مأمورین [illegible] از [illegible] دراد [illegible]

[illegible] سعادت [illegible] مأمورین [illegible] تقسیم [illegible]

[illegible] اوراق [illegible] سعادت [illegible] مأمورین [illegible]

[illegible]

ماده ٢

[illegible] مأمورین اوراق [illegible] تقسیم [illegible] تعلیمی [illegible] ولایات [illegible]

[illegible]

(۱) ربعی ۸ [illegible] اوزان [illegible] در دایرهٔ [illegible] اوزان [illegible]

(۲) تسمی [illegible] اوزان [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۱)

صورت دستخط مبارک

(به خط آقای [illegible])

قانون تمبر مالیات دوایر به ساعات و دوران کبرای

(اول) [illegible] در [illegible] محروسه [illegible]

(دوم) [illegible] میزان [illegible]

[illegible]

(سوم) [illegible] دوازده [illegible] نمره [illegible]

[illegible]

(ذراع) [illegible] نمره [illegible] شده [illegible]

[illegible]

(پنجم) [illegible] دوازده [illegible]

[illegible]

(ششم) [illegible] عشر ذراع [illegible]

[illegible]

(هفتم) [illegible]

(هشتم) [illegible]

(نهم) [illegible]

(دهم) [illegible]

[illegible] ساعات و دوران کبرای [illegible]

محل نظر یا طول ایام [illegible]

(۲)

(سیزدهم) از تاریخ غره [illegible]

در دوایر [illegible] سنه ۱۳۰۰ [illegible] محروسه [illegible]

[illegible]

(چهاردهم) [illegible]

[illegible]

(پانزدهم) [illegible]

[illegible]

(شانزدهم) [illegible]

[illegible]

(هفدهم) [illegible] ساعات و دوران [illegible]

[illegible]

۸ ع ۱۳۰۲ مطابق ۱۴ [illegible] ۸۵

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

دستانه ... حضرت ... علیه السلام ... قصبه ... [illegible]

قریه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این قصبه ... [illegible]

مشرق آن

کوه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سمت مغرب آن

که ... [illegible]

[illegible] قصبه ... [illegible]

[illegible]

سمت شمال آن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صورت قبر معصوم [illegible]

[illegible]

(سمت جنوب)

[illegible] (جاپلاق) [illegible]

[illegible]

در این قصبهٔ شریفه [illegible]

۱۲۹۹ [illegible]

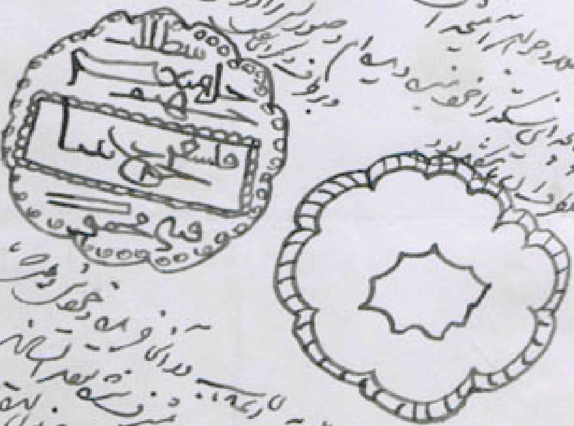
[illegible]

(اما شرح حالات و نسب آنحضرت)

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

لایحه خدمت حضرت جلالتمآب امین الملک دام اقباله العالی

در محضر روز [illegible] در مجلس محترم [illegible] اعظم [illegible] مجلس تحقیق [illegible] اعلیحضرت قدر قدرت [illegible]

اجزای مجلس [illegible] و کارهای سیاسی [illegible] این [illegible] علوم و [illegible]

[illegible] چون در مجلس دربار اعظم بندگان حضرت جلالتمآب اجل اکرم افخم وزیر اعظم [illegible]

خواسته‌اند وزرای عظام در شورای کبری بعضی بیانات [illegible]

در [illegible] مخصوص [illegible]

که [illegible] خارجه [illegible] در [illegible]

تمام جسارت [illegible] خدمت جناب جلالتمآب امین الملک [illegible]

شورای کبری تقدیم [illegible]

تکلیف [illegible] مجلس تحقیق [illegible]

اولاً محافظه دقیقه در اجرای [illegible] قوانین [illegible] در مملکت

ثانیاً نسخ و ابطال افراط و تفریط [illegible] ادارات [illegible] وزرای [illegible]

اگر [illegible] احکام [illegible] نفس [illegible]

[illegible] آن حکم [illegible] تکلیف [illegible] مجلس تحقیق [illegible] نقض [illegible] و ابطال [illegible] احکام [illegible]

ثالثاً تکلیف اجزای مجلس تحقیق [illegible] وزراء [illegible] جمیع ادارات دولت

[illegible] عدل و اقتصاد [illegible] افراط و تفریط [illegible]

رابعاً دقت و مواظبت [illegible] اجزای این مجلس [illegible]

و ثبات [illegible] پادشاهی [illegible] وزرای [illegible] اگر قدرت [illegible]

و احکام ظلم [illegible] جناب جلالتمآب امین الملک که [illegible] بعرض حضور مبارک [illegible]

خامساً اجزای مجلس تحقیق اگر [illegible] پادشاه [illegible]

و رقیت [illegible]

حضور همایون [illegible] منکشف و معروض [illegible]

سادساً اجزای مجلس تحقیق [illegible] جزئیات امور [illegible] ادارات [illegible] واقع [illegible]

تکلیف آنها [illegible] مجلس تحقیق [illegible]

واقع شد فقط از وقت حق [illegible] سؤال و جواب [illegible]

[illegible] جناب جلالتمآب امین الملک [illegible] مجلس تحقیق [illegible]

[illegible] مجلس [illegible] تظلم [illegible] اگر جواب [illegible] عدل و انصاف

از [illegible] اجزای مجلس [illegible] عدل و انصاف [illegible] تحقیق [illegible] تظلم [illegible]

واقع و محض [illegible] نفس [illegible]

بی جا و غرض [illegible]

و ثابت کردید آن وقت جناب جلالتمآب امین الملک [illegible] حضور همایون [illegible]

[illegible] جناب مستطاب اجل اکرم وزیر اعظم [illegible]

سابعاً مجلس تحقیق [illegible] وزارت عدلیه اعظم [illegible]

عدلیه [illegible] مجلس تحقیق [illegible]

وزارت عدلیه [illegible]

ثامناً اجزای مجلس [illegible] جناب جلالتمآب اجل اکرم وزیر اعظم [illegible]

و باید بقرآن مجید و بتاج و تخت ما یک قسم یاد کنند که غرض و طمع و هوای نفس و ملاحظات شخصیه را بالمره از خود سلب و خود را خالص
و برای تحقیق امور و وضع قوانین مفیده و تقویت مبانی حق کنند و در اظهار رأی و بیان مطالب خود در مجلس تحقیق از بابت اینکه
مبادا اختلافی روی دهد جناب مستطاب اجل اتابک که مدیر مجلس هستند به آزار احدی از اعضای مجلس واحدی در رقعه جات
که خط و امضای خودشان است اکتفا نمایند و در هر مورد دقت نموده هر قولی که گفته اند با آن تحقیق ... رایج دارند
و قبول فرمایند و طرف مرجوح و مغلوب را از دور ترک کنند و اگر کسی از اعضای مجلس از حضور مجلس عذر روا نهی داشته باشد و نتواند
حاضر شود رای خود را معروض دارد و جناب جلالتمآب مدیر مجلس دستخط با غرض که طبیعة اشخاص است به هر رأی شخص
غایب را قوی و موفق رأی خودشان دانسته به هر طرف که رأی شخص خودشان تعلق یافت رأی غایب را هم با آن تحقیق
ضم نمایند

تاسعاً اگر فرضاً عارض متظلم وارد و خواهان تشخیص حیثیت باشد جناب جلالتمآب مدیر مجلس تحقیق باید بتریب وکالت مطلقه
از طرف شخص ما رئیس سلطنت در جواب عارض داشته باشند

عاشراً برذمت همت ملوکانه ثابت و فرض است که احکام مجلس تحقیق را امر و تقریر فرمایند چنانچه جناب جلالتمآب اکرم افخم
وزیر اعظم داخله ... اجرا بدارند

این مختصر حصول ... است که ... اجمال عرض شد اگر تقریر فرمایند
در جاهای دیگر بازهم در ترقیات و تنقیحات مجلس تحقیق آنچه لازم میدانم
معروض ...

[illegible] مطبوعات [illegible] تهران [illegible]

صاحب شهرداری کرمان

مقدمه — از آنجائی که مقصود [illegible] همه بندگان اعلیحضرت [illegible] حال عموم رعایا و [illegible] است و هر وقتی به وسیلهٔ [illegible] توجه در اصلاح امور [illegible] درجت و آسایش عموم اهالی مملکت مبذول فرمایند این توجهات به تشکیل اداره [illegible] که [illegible] روحانی و جسمانی [illegible] فرمودند [illegible] نیز با قتضای وظیفه [illegible] مناسب وضع مملکت و حال اهالی [illegible] که [illegible] تکلیف [illegible] ملت میشود و به تحصیل رعیت منظور [illegible] بود [illegible] حضور اعلیحضرت [illegible] خسرو [illegible] در این حال [illegible] کمال تعصب و رافت در صدد [illegible] که اهالی شهرها از [illegible] و زحمت [illegible] خاک [illegible] فرمایند و [illegible] از خطرات [illegible] شهر [illegible] و برای حفظ صحت [illegible] چند و [illegible] طلب هزاران [illegible] نظر [illegible] توجه و رأفت و صرف وقت و همت فرمایند [illegible] کنند که [illegible] حسنات [illegible] خانه [illegible] باشد [illegible] و مکانت [illegible] مناسب اصول و ترتیبی که در [illegible] معمول اهل شهرها [illegible] تقصد [illegible] دولت [illegible] و [illegible] کرده [illegible] آسایش و حفظ صحت [illegible] در ممالک متمدنه خارجه متداول است [illegible] و [illegible] که [illegible] در [illegible] است و هر خانه در [illegible] یا دوازده قران [illegible] خاکروبه [illegible] لباس و کفش و غیره و غیره میدهد [illegible] مبلغ هفت هزار [illegible] همه ساله [illegible] شهر میدهد مبلغ [illegible] صرف [illegible] را [illegible] که در فصل [illegible] مذکوره [illegible] اداره [illegible] دولت [illegible] و صرف نظر از آن خواهد کرد

و نیز محض رعایت اهالی شهر چنانکه در فصل [illegible] مذکوره [illegible] اداره [illegible] از [illegible] خانه‌ها [illegible]

مالیات بر آنها تعلق نیافته زیاده از [illegible] پنج هزار [illegible] در عوض این مطالبه نخواهد شد که در حقیقت یک خانه [illegible] برای مخارج سالیانه
فرش کوچه‌ها و احداث نهرها و مجاری و ضبط آبها [illegible] بیش از [illegible] پنج قران نخواهد شد

تشکیل صاحب

فصل اول — شهرداری کرمان با اصول مذکوره شناخته خواهد شد به واسطهٔ هیئتی که صاحب نامیده میشود،
هیئت مذکوره مرکب خواهد بود از یک نفر رئیس و دوازده نفر اعضا
رئیس و چهار نفر اعضا به تصویب صاحب امتیاز (صاحب امتیاز در آخر این لایحه شناخته میشود) از جانب دولت [illegible] مشخص و منصوب میشوند و این
اعضا دائمی و تغییرناپذیر هستند
شش نفر دیگر که از جانب اهل شهر موافق ترتیب [illegible] خواهند شد [illegible] شهر نامیده میشوند و تغییر آنها در [illegible] موقوف به اصلاح
و میل اهل شهر است میتوانند تغییر بدهند یا مجدداً برقرار دارند اما در صورت وفات یا غیبتی که [illegible] طول بکشد یا استعفا
یا بروز خیانت [illegible] دیگر به جای او منصوب خواهند کرد

فصل دوم — صاحب امتیاز و دوازده نفر اعضا هفته [illegible] مجلس نموده هر قراری که در اصلاح امور شهر به اکثریت آراء بدهند
مصدق دولت علیه خواهد بود و دولت علیه اجرای آنرا کاملاً با تمام قوت تعهد میفرمایند

فصل سیم — گذشته از هفته [illegible] مجلس اعضای دائمی همه روزه در اداره حاضر و مشغول خدمات و تکالیف خود خواهند بود

فصل چهارم — هنگام رای [illegible] در صورتی که نصف جمیع اعضا یک طرف و نصف به خلاف دیگر رای بدهند در این صورت رای صاحب امتیاز
بمنزلهٔ رای دو نفر شمرده میشود

فصل پنجم — در وقت رای گرفتن باید تمام اعضا یا اقلاً زیاده از نصف همه آنها حاضر باشند در غیر اینصورت هر رأی و قراری که در مجلس داده شود اعتبار و رسمیت نخواهد داشت

فصل ششم — اعضای دائمی انجمن که بموجب دو ماده فوق از طرف شهر منتخب خواهند شد و وکلای شهری هر مرتبه که مجلس منعقد شود مبلغ معینی بعنوان حق السعی به آنها داده میشود و تعیین این قبیل مخارج بعد از تشکیل هیئت انجمن بلدیه خواهد شد

فصل هفتم — دولت علیه قبول میفرماید مکانی که کفایت هیئت اداره انجمن بلدیه را نموده از هر جهت دایر باشد معین و مرحمت فرماید که در آنجا کارهای راجعه باداره رسیدگی و مرتب کنند

تکالیف

فصل هشتم — تکالیف اداره انجمن بلدیه از قرار ذیل است

اصلاحات و تزئینات شهر — مراقبت در شرایط حفظ صحت از هر جهت خاصه حمامها و عطاریها — مراقبت در امر ماکولات که بی عیب باشد — تمیز مقیاسها و مقادیر و اوزان که مسکوکات و کیلها و وزنها درست و تمام باشد — فرش کردن کوچه‌ها و حفظ آنها — احداث نهرها و تجدید آنهای پاک — بنای مجاری برای اخراج فاضل آبها — وسعت دادن کوچه‌ها و بازارها و استقامت آنها بقدر امکان — ابتیاع اراضی بجهت توسعه یا احداث کوچه‌های جدید موافق ترتیب و قرار مخصوصی که در مجلس انجمن بلدیه داده خواهد شد — تسمیه کوچه‌ها و نمره گذاری خانه‌ها — [illegible] کوچه‌ها و میدانها — احداث نمودن تفرج گاههای عمومی از قبیل باغ و باغچه — قرار دادن ساعت در ابواب [illegible] — تشکیل کمپانی بجهت کالسکه‌های کرایه — نظم و ترتیب حمل و نقل اشیاء بتوسط مالهای بارکش — ترتیب و تقسیم آبهای شهر — روشنائی کوچه‌ها — ترتیب و نظم دست فروشها که چه کرده در رفت و آمدها و دکاکین و قهوه در کوچه‌ها — جاروب کشی و آب پاشی کوچه‌ها و میدانها — حمل کثافات و خاکروبه و غیره بخارج — تخلیه مبالها و دستورالعمل بنای آنها — مراقبت در استحکام عموم ابنیه — احداث رخت شوی خانه‌ها

نظم حمامها و آب انبارها و مراقبت در تطهیر آنها — ثبت و ضبط موالید جدید و اموات — و دیگر آنچه مصلحت و خیر عامه در آن باشد از اعمالی که در این لایحه ذکر نشده باشد که بعد از گفتگو و قرارهای مجلس انجمن بلدیه لازم الاجرا شمرده خواهد شد

فصل نهم — صاحب امتیاز باتفاق پنج نفر اعضای دائمی جمیع قرارها و دستورالعملهای لازمه را در اجرای تکالیف مذکوره نوشته در مجلس وکلای شهری که هفته دو روز منعقد است مطرح مذاکره مینماید بعد از جرح و تعدیل اکثریت آراء هر چه قرار یافت اعضای دائمی بموقع اجرا خواهند گذاشت

فصل دهم — دولت اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه تعهد میفرماید که قرارهای مجلس انجمن بلدیه شهر را که باکثریت آراء تصدیق شده مجری فرماید یعنی هرگاه از جانب اداره انجمن یا اهالی شهر مسامحه و تعطیلی ظاهر شود دولت آنها را مجبور باجرا خواهد نمود

فصل یازدهم — همینکه هیئت انجمن بلدیه بطریق مسطور تشکیل یافت صاحب امتیاز نامه این لایحه با اعضای دائمی رسیده اولین تکلیف مجلس انجمن آنست که مشخص کند بدواً از چه نقطه شروع خواهد کرد لکن چون عمده مطلب تشکیل هیئت انجمن بلدیه در تحت قواعد مذکوره است که بمنزله اس اساس تصور شده است سایر امور فرعیات و تعلق مجلس و تابع اکثریت آراء میباشد که انشاء الله تعالی در کمال سهولت انجام پذیر خواهد شد

دخل

فصل دوازدهم — مبلغ هفت هزار تومان که بعنوان تنظیف کوچه‌ها و مبلغ ... برای روشنائی گاز و نفط همه ساله از دیوان اعلی مرحمت میشود نظر باینکه در این دو سه سال اخیر (?) ترقی یافته و سرمایه هم مرتب نشده است دیوان اعلی سال اول آن مبلغ را تماماً مرحمت کند و در سال دوم نصف آنرا و سال سوم که اداره انجمن بلدیه قوت خواهد یافت هیچ مرحمت نفرماید که این مبلغ دولت در سال دوم نصف و در سال سوم و بعدها تماماً از خزانه عامره برداشته شود

فصل سیزدهم — برای اینکه بتوان شهر دارالخلافه را در زینت و آبادی و رونق بمرور مثل یکی از شهرهای فرنگستان کرد

دولت علیه تمام خرابه‌ها و مزبله‌های مجهول المالک شهر را که خود تولید امراض فاسده می‌نمایند با آنچه مترتب بنیت بملکیت با اداره احتسابیه واگذار می‌نماید که کثافات در بین آنها را برداشته زمین‌ها را هر قسم که صلاح باشد و تقاضا کند ابنیه معینه و باغچه و گردشگاه عمومی و نظایر آنها بسازند

فصل چهاردهم — دولت علیه اجازه میدهد که جمیع حقوق ارضیه را که به بناها و کاروانسراها و دکاکین و حمامها و غیرها تعلق می‌یابد در ظرف شش ماه اول از سال اول اعطای اداره احتسابیه معین می‌کنند بدون تأخیر دریافت شده هر سال مزبور جمع آوری و تحصیل شده و آنها داده گردد تا برای مخارج فوریه لازمه سال جدید در اول سال تواند بمصرف رسید و در سنوات بعد این قبیل وجوه کفایت جمیع مصارف احتسابیه و منفعت خواه استقراضی و حتی قسمتی از اصل را هم خواهد نمود

فصل پانزدهم — هیئت احتسابیه شهرها مانند شخص بالغی در امور راجعه بخود فاعل مختار و مرخص است چنانکه احدی مداخله در امور راجعه باو نمی‌تواند کرد پس هر تکلیفی با اهل شهر دارد در معامله و شرکت و مراسم شهر با متعهد داخله و خارجه کند صحیح و لازم الاجرا خواهد بود اما هرگاه هیئت مزبوره از شرایط حق و حساب تخلف ورزد یا از وظایف و تکالیف خود تکاهل و انحراف نماید دولت علیه به عهده میگیرد که هیئت مزبوره را از آن منصرف سازد و همچنین هرگاه اهالی شهر از صلاح دید و مقررات هیئت مزبوره تمرد نمایند نیز دولت علیه تعهد مینماید که آنها را مجبور باطاعت و تمکین نماید چه نظر بمقدمات سابقه هر قرار که هیئت مزبوره بدهد بحکم آن است که تمام اهالی شهر داده باشند نیز دولت علیه در اجرای تکالیف اداره احتسابیه را که بعد مقرر از هیئت مزبوره میخواهد تعهد مینماید که اهل شهر را نیز در صورت تمرد و تخلف مجبور به قبول و رعایت مقررات هیئت مزبوره نماید

فصل شانزدهم — اداره احتسابیه تعهد مینماید که حقوق ارضیه را در هر سال زیاده از ذرعی نیم شاهی که پنج دینار باشد قرار دهد ولی کمتر از آن را ماذون است همچنین باغ و عمارات سلطنتی واقعه در ارک محروسه .... از این فصل مستثنا و معاف است

صورت امتیازنامه

فصل اول — چون بندگان اعلیحضرت اقدس ظل‌اللهی محض رفاه و آسایش سکنه و اهالی شهر دارالخلافه اراده فرمودند که در اصلاحات و تزئینات و تنظیفات شهریه اقدامات مجدانه بعمل آید دولت اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به ... تا پنجاه سال تمشیتی امتیاز و حق مخصوص اعطا میکند که تمام خیابانها و کوچه‌های شهر دارالخلافه ناصری را مثل شهرهای فرنگستان فرش نموده پیاده رو ساخته اطراف نهرها بجهة آبهای پاک و جاری دیگر برای نظافت آنها بنماید

فصل دوم — بجهة مخارج اعمال مزبوره ماذون خواهد بود از هر کس بخواهد استقراض کند یا کمپانی تشکیل داده و موقتاً اعمال مزبوره را انجام دهد

فصل سیم — مبلغ وجه استقراضی یا سرمایه کمپانی مزبور که برای اعمال مسطوره تخصیص میشود ابتداءً نباید از [illegible] هزار تومان تجاوز کند

فصل چهارم — تمام منافع سرمایه مزبوره که همه ساله با قسمتی از اصل خواه تواند در ظرف پنجاه سال اصل و فرع را هم پرداخته و ادا کند وجوه حاصله از شهر است بنابر آن اداره احتسابیه که در تحت نظارت صاحب این امتیاز تشکیل خواهد شد مبلغ مزبور را در بابت دفتر شهر همه ساله پرداخته تعهد و ضمانت خواهد کرد که در ظرف پنجاه سال اصل و فرع آنها را بپردازد

فصل پنجم ـــــ از تاریخ امضای این امتیازنامه تا هیجده ماه دیگر صاحب امتیاز و کمپانی باید اقدام باجرای اعمال مذکوره نموده و از روز شروع تا پنج سال باتمام برساند

فصل ششم ـــــ این امتیازنامه که بامضای مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهنشاه کل ممالک محروسه ایران موشح و بمهر همایون مزین گردیده است پس از تشکیل هیئت اجتماعیه فوراً بمجلس مزبور ابلاغ شده مجلس مزبور از جانب شهر قبول و تصدیق خواهد نمود

فصل هفتم ـــــ امتیازنامه حاضره که بخط مبارک و مهر همایون موشح گردیده و تصدیق نامه که بر طبق آن بمهر تمام اعضای انتخاب شرکت است در نزد صاحب امتیاز ضبط خواهد گردید

زمان لرزه قوچان

سید سنبا لکل مهندس [illegible] روسی در روزنامه نوویه وریمیا شرح
تفصیلات زلزله وحشت انگیز را که مورخ [illegible] نوامبر بود ارائه
مرسوم بقوچان و در صفحه [illegible] جنوب عشق آباد واقع شده است تا حالیه
خراب و ویران گشته علاوه بر قوچان نیز چند آبادی در اطراف
قوچان واقع شده بود که از ضربات زلزله منهدم گردیده خرابه
همین که اول خبر بحث این حادثه بسمع [illegible] با تلگراف [illegible] روسی
رسید فوراً بموجب حکم [illegible] از [illegible] با قادر
و سرا پرده و ادویه لازمه ترکیب و فراهم آمده در عشق آباد نیز
کمیسیون از برای [illegible] زلزله [illegible] تعیینات [illegible]
مرخص [illegible] زاهبر [illegible] از عشق آباد حرکت نمود
و ما در روز چهارم وارد قوچان گردیدیم ما بین قوچان و عشق آباد
[illegible] خط ساخته شده از میان جنگل [illegible]
و کردنه بعضی را [illegible] بحر [illegible] هفت هزار قدم
ارتفاع دارد [illegible] است در [illegible] قوچان ما از کوهها
[illegible] لازم بود حکایات عجیبه [illegible]
[illegible] زلزله [illegible] استفراغ [illegible]
و در بطن این شکافها پیدا گردیده تقریباً بیشتر [illegible]
این شکافها [illegible] و در [illegible] قبل از [illegible]
خبر [illegible] زاهبر در قوچان [illegible] قاهر [illegible]
و صدمه و خرابی بزرگ در قوچان [illegible] وارد [illegible]
خلاصه ما بر خلاف [illegible] در اینجا [illegible] و مجروحان بسیار
کم دیدیم [illegible] بیشتر [illegible] صدمه زلزله تلف
[illegible] لیکن [illegible] خود را از [illegible] مهلکه نجات
[illegible] وقت [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] اقوام و اقارب ایشان
[illegible]

[illegible] قوچان خرابه است تمام [illegible] از اقسام [illegible]
خراب شده [illegible] معروف [illegible]
و [illegible] کوچه [illegible] واقع [illegible]
همه [illegible] دیوار و آوارهای خرد شده [illegible]
مبدل شده [illegible] از نقطه [illegible] حیوانات [illegible]
[illegible]
[illegible] هزار [illegible] تقریباً [illegible] اینجا است [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]

وقتی که شهر خراب گردید تقریباً سه هزار حیوان از قبیل گاو و گوسفند و
الاغ [illegible] بهلاکت رسیدند فی الحقیقه عدد کلی و مقدار حیوانات
در وقت زلزله تلف گردید [illegible] از اعداد مذکوره فوق است
[illegible] در خود ایشان اعداد اشخاص و حیواناتی که در [illegible]
از زلزله قوچان بهلاکت رسیدند [illegible] شده است بعضی از مردم
[illegible] بعد از ضربت اول زلزله از قوچان بیرون آمده
[illegible] باطراف متفرق گردیدند در [illegible] شهر [illegible] از مردم
[illegible] مشغول گشته [illegible] حفر [illegible] مقبره [illegible]
و اجساد و اموات در حین زلزله در بطن زمین [illegible]
[illegible] نمایند [illegible] عملجات [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] از زیر [illegible]
[illegible] در بعضی از اماکن شهر [illegible]
[illegible] نعش [illegible] زیر زمین تقریباً [illegible]
[illegible] حفر [illegible] اشخاص [illegible]
[illegible] نیز [illegible] آوارهای شهر [illegible] باهتمام [illegible]
[illegible] نعش [illegible]
[illegible] فقط اقوام [illegible]
[illegible] مشغول بود بعضی از [illegible]
بقوچان [illegible] برای [illegible]
[illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] قوچان [illegible] از روی [illegible] را
[illegible] را [illegible] الله الله
[illegible] از [illegible]
[illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible] در [illegible] است [illegible]
[illegible] وقتی [illegible] قوچان وارد شدیم [illegible]
مشهد [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible]

(۳)

[illegible] بمنازل [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]
از کل [illegible]
[illegible] از زیر زمین [illegible]
[illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] عشق آباد [illegible]
[illegible] شهر [illegible]
[illegible] از [illegible] حیوانات [illegible]
[illegible]
[illegible] تمام [illegible]
[illegible]
ایرانی [illegible]
[illegible] شهر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible]
[illegible] با قوچان [illegible]
[illegible] اقوام
[illegible] ایران
[illegible] مشهد [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible] ایران و ولایات
[illegible]
[illegible]
ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] عشق آباد [illegible]
[illegible] مشهد [illegible]
[illegible] قوچان [illegible]
[illegible]
[illegible] عظیم از [illegible]

[illegible] ضربت [illegible]
[illegible] شهر [illegible]
[illegible] عظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حیاط [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حیوانات [illegible]
[illegible] عظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ضربت اول [illegible]
[illegible]
[illegible] ضربت [illegible] اول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لرزه [illegible]
[illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] عظیم [illegible]
[illegible] ضربت اول [illegible]
[illegible] عمارت [illegible]
[illegible] آن عمارات [illegible]
[illegible] خراب [illegible] دیوارهای
[illegible]
[illegible] آن دیوارها [illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۷۱۰

فانداد ... کمتر کی از کل ساختمان شده خراب و ویران شده
و بیشتر اینها که در اطراف مغرب و جنوب غربی و جنوب
شهر قوچان واقع شده بود ویران شده اند در نیم فرسخی
از شهر اطراف شمال غربی قراء های زیادی میباشد
در همه اطراف قوچان تقریباً عده از زارع
[illegible] هزار جریب اراضی هستند زمین [illegible]
[illegible] باشند ناحیه [illegible]
از میدان [illegible] مساحت آن هزار و [illegible]
ورست [illegible] و [illegible] اطراف
و جنوب غربی قوچان گسترده شده است و [illegible]
[illegible] آن زمین در نیم [illegible]
کمتر از پنجاه هزار ورست [illegible] باید دانست
اگر هم بدانم این مطلب را در [illegible] روز در اصفهان
و شیراز و سایر بلاد ایران نیز [illegible] زمین [illegible]
[illegible] وقت فراهم کرده میدان این [illegible]
[illegible] این چنین ناحیه [illegible]
ان هم [illegible] زمین لرزه [illegible] با عدم [illegible]
[illegible] و فقدان عمارت بزرگ در سلسله جبال [illegible]
[illegible] و استوار [illegible] زیر [illegible] و خرابی آن
[illegible] محرز [illegible] این زمین لرزه را [illegible]
[illegible] سلسله جبال [illegible]
[illegible] نماید

[illegible] در جشن اعلیحضرت امپراطور [illegible]

[illegible]
[illegible] دلم [illegible] است [illegible]
بحضور امپراطور [illegible] و با کمال احترام [illegible]
[illegible] وقت [illegible] مطالب [illegible] معروض دارم
اعلیحضرتا شما در میان ترقیات کامله [illegible]
[illegible]
عقل شما [illegible] که لازم است عظمت [illegible] بلند [illegible]
و دلیل [illegible] معاهده [illegible] را [illegible]

(۶) ۱۷۰۸

[illegible] عظمت و قدرت پلتیک آلمان را [illegible]
و صلح تام الاتفاق [illegible] صلح و جنگ آمیز [illegible]
[illegible] و دائماً [illegible] جنگ تازه منقلب [illegible]
اشتعال آتش جنگ [illegible] امپراطور شما [illegible]
را افتند [illegible]
صلح را که سایر ملل و ملت [illegible] آن را مغتنم [illegible]
از شما [illegible] نمایند [illegible] وحشت جنگ را
[illegible] و [illegible] را [illegible]
ملت صلح طلب [illegible]
[illegible]
طبیعی است که اعلیحضرت شما در جشن های [illegible] و ورود در
[illegible] بیندازند کلیه آن چیزی را که [illegible]
این اعیاد [illegible] اما اگر اعلیحضرت شما [illegible]
[illegible] در این اعیاد [illegible] داشته باشند آن وقت
با این قلب جوان [illegible] میفهمید که معنی لغت
صلح چیست و چگونه ملل [illegible] آرزو [illegible]
قلب هرکس را [illegible] حس مسرت آمیزی در این اعیاد
[illegible] قلوب آنها نه از حس کینه [illegible]
و تلافی [illegible] بلکه از [illegible] اطمینان بصلح [illegible]
[illegible]
[illegible] از طرف [illegible] روی به فرانسه [illegible]
سفرای صلح [illegible] در هوا [illegible] مسرت آمیز [illegible]
[illegible] ملت [illegible]
[illegible]
صلح [illegible] دست آنها را [illegible]
[illegible]
[illegible] مسرت آمیز [illegible] جنگ [illegible]
[illegible] تلافی اعلیحضرت امپراطور [illegible]
ملت [illegible] اکثر [illegible] فرانسه [illegible]
قلب فرانسوی ها را [illegible] جنگ [illegible]
امپراطور ما وحشت جنگ را [illegible] تکرار [illegible]

۱۷۰۹

شما اعلیحضرتا جنگ را [illegible] اما [illegible]
[illegible] و [illegible]
معترف [illegible]
فقط این مطلب نه اشاره [illegible] و [illegible] است
بلکه در آلمان نیز همان است اعلیحضرتا بصداقت
اعتماد نمائید و حذر کنید از آنها [illegible]
نمائید که این جشن ها [illegible] انتقام و تلافی [illegible]
خیال [illegible] اعلیحضرت شما است اما اگر [illegible]
مهربان شما [illegible]
با این [illegible] مسرت آمیز [illegible]
[illegible] شما [illegible]
آرزو را [illegible] آرزوی صلح و میل [illegible]
[illegible] و آرزوی [illegible]
بدون [illegible] فکر از خونریزی و قتل و غارت
[illegible] قلب شما [illegible] است این [illegible]
جنگ را [illegible] ریخته اروپا را از [illegible] بیرون
[illegible]
[illegible]
[illegible] زیاد [illegible]
همه [illegible]
که [illegible] آن [illegible]
نه فقط [illegible] آلمان [illegible] اشاره [illegible]
[illegible]
در [illegible] از زبان [illegible]
[illegible]
و در [illegible]
با [illegible]
مطلب [illegible]
این [illegible] آمیز [illegible]
[illegible] آرزو [illegible]
[illegible] و ترقی علم و ادبیات
[illegible]
آن [illegible]

مجلس خاص وزراء

مجلس خاصّ وُکلاء

شورای دولتی

فقرهٔ اول مجلس خاص وکلا مجلسی است که تمام امور دولت یعنی امور راجعه بداخله و خارجه و مالیه و عسکریه و علمیه و فواید و عدلیه و تجارت و پلیس و مؤتلفات که از وزارتخانه‌ها میشود در این مجلس مذاکره کرده نتیجه قرار بتوسط صدراعظم بعرض ... رسانیده میشود. وزرای دربار که بالطبع داخل در عضویت این مجلس هستند (اعضای طبیعیه) و سایر اعضا که بانتخاب ... داخل [۲] در عضویت میشوند (اعضاء منتخبه) نامیده میشوند.

فقرهٔ دوم عضویت این مجلس مشروط بشرایط آتیه الذکر است: اولاً سنش کمتر از چهل سال نبودن. ثانیاً آثار و افعالش شایان وثوق و اعتماد عامه بودن. ثالثاً خدمات ممدوحه‌اش در امور دولت مسبوق و متعارف شدن. رابعاً دارای لقب جنابی و حامل نشان درجهٔ یکی از نشانهای دولت علیه بودن. خامساً اطلاع کامل از احوال ملک و ملت و قوانین و عهدنامه‌ها و حقوق سلطنت و علم سیاست داشتن است

فقرهٔ سوم اگرچه وزرای دربار یعنی (وزیر امور داخله) (وزیر امور خارجه) (وزیر مالیه) (وزیر جنگ) (وزیر علوم) (وزیر فواید) (وزیر عدلیه) (وزیر زراعت و تجارت) از اعضای طبیعیه این مجلس است اما بعد از عزل از وزارت بالطبع از عضویت مجلس هم معزول میشوند. مگر از مقام سلطنت عضویت آن وزیر ابقا شود.

فقرهٔ چهارم اعضای منتخبه این مجلس را اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از معزولین و متقاعدین [۱] وزراء و علمای عظام و ولاة و سفرای کرام انتخاب فرموده با فرمان عالی در هنگام انعقاد مجلس هر یکی از اجزای عضویت مجلس روانه میفرمایند و بعد از قرائت فرمان عضویت از جانب جلیل المناقب ریاست محل نشیمن اعضای جدید معین کرده رسم مبارکبادی بعمل آورده. و صورت فرمان در سجل مجلس ثبت کرده میشود

فقرهٔ پنجم هرگاه یکی از اجزای منتخبه بمأموریتی منصوب گردد از عضویت معزول است اگر مأموریت آن اعضا در پایتخت باشد و عضویتش نیز از مقام سلطنت ابقا فرموده شود

[۱] از وزراء و مأمورین هر شخصی که بسبب ... تقاعد نماینده

استثنا دارد اما مأموریت آن در خارج پایتخت باشد ابقای آن در عضویت جایز نیست. مأموریت موقت و مأموریت از برای تسویهٔ امور و زیارت بیت الله الحرام و سایر مقامات عالیه و متبرکه باعث معزولی از عضویت نمیشود.

فقرهٔ ششم مقدار اعضای منتخبه نسبت باعضای طبیعیه در نسبت یک و نصف زیاده خواهد شد یعنی هیچوقت مقدار اعضای منتخبه کمتر از دوازده نفر نخواهد شد و در مجلس حق تقدم با منصب و قدمت و سن است یعنی وزرا رجال را و در منصب قدیم جدید را و در همزمانی پیری جوانی را تقدم دارد. مثلاً دو وزیر اگر در یک روز نایل بوزارت شده باشند هر کدام از آنها مسن است تقدم با او است هرگاه هر دو همسن باشند از زمان نیل علم و خدمت و داخل در امور شدن ایشان از سجل احوال مأمورین [۳] تحقیق کرده هر کدام از آنها در مذکورات فرق سبقت دارد حق تقدم با او است.

فقرهٔ هفتم رئیس مجلس صدراعظم و در غیاب رئیس هر که از وزرا مسن‌تر است وکیل رئیس است. رئیس و در غیاب وکیل رئیس دارای دو رأی و سایر اعضا صاحب یک رأی هستند نتیجهٔ مذاکره و احکام تابع اکثریت آرا است.

فقرهٔ هشتم در مجلس غیر از مذاکرهٔ امور متعلقه مشغول کار دیگر شدن و اختلاط مودت و در میان مذاکره قلیان و چپوق و سیگار کشیدن ممنوع است بدون اذن و اجازهٔ رئیس احدی حق ندارد که کسی را از خارج مجلس طلب نماید و احدی از خارج داخل در مجلس شود.

فقرهٔ نهم در بیان رای تمامی اعضا حر و مختار هستند و مجبورند که هر امری را از نقطه نظر منفعت دولت و مملکت محاکمه نموده نیک و بد مادی و معنوی راجعه هر مطلب را به پیش نظر دقت گذارده بدون غرض شخصی و متابعت بخیال غیر رای خود شان را بدهند و از اعضا آنانکه در طرف مخالفت واقع میشوند باید که اعتراضنامه‌های خود شان را هر یکی جداگانه نوشته و مهر کرده برئیس مجلس بدهند و معترضین هیچوقت از جهه اعتراض مورد بازخواست واقع نخواهند شد.

فقرهٔ دهم از آنکه هر وزیر از وزرای دربار مسئول از تمامی امور راجعه بوزارت خود شان

[۳] سجل احوال مأمورین آن کتاب جلدی را میگویند که هر صفحه آن از برای یک نفر از اعضای مأمورین کشوری و لشکری تخصیص کرده اسم و رسم پدر و مملکت و احوال علمیه و اخلاقیه و تاریخ تولد ... مأموریت آنها نوشته ... داخل در خدمت شده تاریخ نصب و عزل و سبب عزل و نشان و القاب ... دولتی ثبت کرده شده

هستند مطالبی را که اهمیتی ندارد مسئولیت آن را گردن گرفته بدون مراجعت بمجلس
قراری بآن مطلب میدهد اما هر مطلبی که راجع بامور عامه پولتیک و حقوق دولت
و تغییر و ایجاد قانون است هیچ وزیری از وزراء مأذون نیست که خود سرانه و بدون
قرار مجلس در دستخطها این مطلبی را بموقع اجرا گذارد .

فقره یازدهم عزل و نصب ولاة ولایات و سفرا و سرداران بزرگ و محاکمات آنها
و ایجاد و الغای طرح مالیات و رسوم و تنظیم و تعدیل قوانین و تحقیق مداخل و مخارج
دولت و تزیید و کسر مقدار قشون و پولیس و ژاندارم و سوق قشون و تعدیل و تزیید
مواجب مامورین و فروختن و خریدن بعضی اشیا و لوازم دولتی و تدقیق یادداشتهای
پولتیکی سفرای خارجه و الحاصل تمامی امور معظمه دولت و مملکت قبل از اجرا
در این مجلس مذاکره گردیده بعد قرارنامه مجلس بعرض رسانیده میشود .

فقره دوازدهم غیر از اعیاد و ایام رسمیه هر روز شنبه و سه شنبه و پنجشنبه
مجلس خاص وکلا شش ساعت بغروب مانده منعقد میگردد و بدون عذر شرعی
هیچیک از اعضا نمیتوانند از ملازمت مجلس طفره زنند و هرگاه یکی از اعضا بدون عذر
شرعی بمجلس نیاید مواجب یکماهه او از برای آن روز بعنوان جزای نقدی ضبط خزانه
میگردد و اگر سه روز علی التوالی بمجلس نیاید از جانب ریاست اخطارنامه فرستاده
اسباب عدم مداومت او پرسیده میشود هرگاه جواب شافی و کافی ندهد از عضویت
معزول شمرده خواهد شد .

علی الرسم و العادت و حسب اللزوم با امر صدراعظم در سایر ایام هم فوق العاده

فقره سیزدهم اگر عذر شرعی از برای یک اعضا روی دهد لازم است که اخبارنامه
بمقام ریاست نوشته اطلاع بدهد و عذر شرعی نقاهت و فوت یکی از
متعلقان و ناخوشی آنها و حضور بهمایون بودن و مثلها است .

فقره چهاردهم هر کاغذی که راجع بمجلس است صدراعظم بالای آن کاغذ این
عبارت را (در مجلس خاص وکلا مذاکره فرموده شود . فی ۲۲ رجب سنه ۱۳۰۳) نوشته
و اطاق اوراق میفرستد مدیر اوراق نیز مضمون این ورق را بطور خلاصه در

در دفتر ثبت کرده نمره متوالیه و تاریخ حواله صدراعظم و تاریخ و نمره کاغذ را در پشت
آن اشارت کرده بکیسه اطلس کلی شنجرفی [۴] میگذارد و مجلسی که منعقد میگردد
همان کیسه را بمجلس آورده بمستشار صدارت تقدیم کرده وصول الوصل از مستشار
گرفته از مجلس بیرون می‌آید .

فقره پانزدهم مستشار وزارت همان اوراق را باعتبار نمره یعنی نمره اول را از همه پیشتر
و نمره ثانی را بعد از نمره اول و قس علی هذا در مجلس در سر میز که تمامی اعضا در اطراف آن
در صندلی نشسته اند بطوری که اعضا بشنوند خوانده منتظر رای میشود . مجلس شروع
بمذاکره کرده هر قراری که میدهد همان قرار را اول بکاتب جریده مسوده ثبت کرده میخواند
و صاحبان رای زیر مسوده را بعد از ملاحظه و تصحیح امضا میدهند و معترضین نیز (اعتراض دارم) نوشته همین
جمله را امضا مینمایند .

فقره شانزدهم همان اوراق که بموجب فقره پانزدهم معامله کردیده میشود منشی اسرار
صدراعظم همان کاغذ را مع قرارنامه مجلس و اعتراضات معترضین گرفته اول خلاصه
مندرجات آن کاغذ را بعد خلاصه مذاکرات و اعتراضات معترضین را با اسم و رسم بعد
آرای اکثریت را در یک کاغذ نوشته در مجلس میخواند بعد از حک و اصلاح منشی
مخصوص مجلس آن مسوده را پاک نویس کرده بمجلس تقدیم مینماید و تمامی اعضا
هم بعد از مطالعه زیر رای خود شان را مهر کرده بمستشار میدهند

فقره هفدهم هرگاه یکی از وزرای دربار در مجلس حضور نرساند کاغذیکه راجع
باداره آن وزیر است در آن مجلس قرائت نمیشود و بالعکس آن کاغذ شاکی از آن وزیر
اول در غیاب او قرائت گردیده بعد بموقع رسم گذارده مثل سایر اشخاص آن فقره از آن وزیر
استعلام میشود .

فقره هجدهم قرارنامه مجلس را هم اعضای مجلس موافق با اصول تشریفات مهر مینمایند
یعنی اول اعضائی که از همه کوچک است مهر کرده از همه بعد رئیس مجلس مهر مینماید
مأموریت اعضا در فوق مهر آنها نوشته میشود طرف یسار کاغذ بالا و رتبه پائین آن

[۲] چون رنگ بیرق عثمانیها کلی شنجرفی است لهذا رنگ کیسه مخصوص مجلس خاص وکلا را از اطلس کلی شنجرفی اختیار کرده و کتاب مستطاب خود شان نیز موسوم بر (قرمزی کتاب) یعنی کتاب سرخ نموده اند در ایران هم رنگ کیسه لازم است سفید باشد زیرا که زمین بیرق دولتی سفید است

بالمرسومات

فقره نوزدهم بعد از نوشته و ممهور شدن فرمان نامه‌ها مستشار صدارت اظهار آنها را تقسیم کرده بعد با اوراق داده قبض خود را پس میگیرد مدیر اوراق نیز در دفتر اشارت کرده بمنشی مجلس میدهد و او هم در سجل مجلس بعینها ثبت کرده بمقام صدارت تقدیم مینماید . صدر اعظم نیز اگر مقتضی بداند برای هر کاغذ یک فهرست نوشته بحضور همایون رسانیده هر امری شرف صدور یابد فقط آن حکم را بواسطه یک ابلاغ اطلاع میدهد و اگر مقتضی نداند اول قرار مجلس صاحبان کاغذ کتباً اطلاع داده بعد از نتیجه آن اطلاعی بخاکپای همایون میدهد .

فقره بیستم بعد از اتمام عمل هر کاغذ با مسودات و اعتراضات و سایر متفرعات بیک پاکت گذارده و محض اطمینان سر پاکت با لاک و مهر بزرگ مجلس ممهور کرده بمدیر اوراق داده میشود مدیر اوراق نقل نمره و خلاصه که در روی پاکت نوشته اند کرده بعد از ثبت در دفتر همان روز بخزانه اوراق که با سنگ و آهک و آهن ساخته شده است بموجب قاعده قدیم در دولابچه مخصوص آن سال و در محل مخصوص آن ماه محفوظ میدارد و بدون امر مجلس هیچوقت این پاکتها از جایشان برداشته و مکشوف کرده نمیشود مگر بوقت معین .

فقره بیست و یکم امر قرائت اوراق در مجلس و برای نوشتن و مسوده بقلم آوردن با مستشار صدارت و پاکنویس و ثبت با منشی مجلس است ولی هر این دو شخص صاحب اختیارند اگرچه بقدر لزوم ثبات از نجبا و شاگردان فارغ التحصیل دارالفنون از برای ثبت اوراق بموافقت منشی مجلس داده میشود اما این ثباتان در هنگام مذاکره مجلس حضور ندارند و اوراق مهم و سوای دو ورق را منشی مجلس بثبات نداده بنفسه ثبت بدفتر اسرار نموده و آن دفتر را نیز مثل سایر دفاتر و اوراق بخزانه اوراق فرستاده علی الصباح باز از خزانه اوراق جلب نماید

فقره بیست و دوم لایحه‌های قوانین و نظامات از برای تدقیقات چند نسخه طبع شده بجهة هر اعضای یک نسخه داده میشود و مشارالیهم نیز تدقیقات کامله اجرا نموده لایحه الحاقیه در ظرف مدت یک هفته همان لایحه را بمقام ریاست داده در مجلس مخصوص مذاکره نموده قرار میدهند

فقره بیست و سوم هرگاه حضور شخص خارجی در مجلس لازم آید از جانب ریاست رقعه نوشته

بواسطه یکی از اجودانهای مخصوص مجلس که از نجبا و صاحبمنصبان نظامی هستند فرستاده آن شخص دعوت کرده میشود اما اگر آن شخص از وزرا باشد باید که یکی از سرهنگان اجودان با رقعه آن شخص را برده قبض الوصول بیاورد .

فقره بیست و چهارم خدام این مجلس بی زبان و کرهای مادرزادی است که از حضور [illegible] باشی تربیت میکند و بیزبان باشی همیشه در مجلس دم در در صندلی مخصوص خود نشسته منتظر امر است . هرگاه یکی از اعضای کرام کاری داشته باشد با ایما و اشارات مخصوص بیزبان باشی فرموده آن هم امر آن شخص محترم را بجای آورد .

فقره بیست و پنجم فقره چهارم قانون جزا هرگاه شخصی از اشخاص اسرار دولت را افشا نماید بعد از محاکمه جزای (از این قرار) شخص کاشف اسرار مقرر و بموقع اجرا آورده میشود . اگر آن سر باعث اختلال و شورش شده است اعدام . اگر باعث قطع مراوده سیاسیه دولتی شده مؤبداً آهن بند . اگر مانع اجرای خیال خیرخواهانه دولت شده مؤبداً از نوکری اخراج . اگر از مواد عادیه باشد از عضویت عزل و سه سال حق التوالی بماموریتی است .

فقره بیست و ششم صدر اعظم دولت مامور است که این قانون را بموقع اجرا گذارده مرتب شود که اندک حرکتی بظهور نیاید تحریراً فی کذا و کذا

بسم الله تعالی

تفصیل غار واقعه در کوه سمت جنوب جلگه چرات که مسمی به لی لیشت است از دامنه تا پیش غار
تقریباً یک ساعت راه است هزار ذرع بر دهنه غار راه پایه بصعوبت بالا میروند در غار دو شاخ است عرضاً دو ذرع
وطولاً سمت مشرق ده ذرع سمت مغرب چهار ذرع است دارد غار که مثل فضائی است که تقریباً شش ذرع عرض و ده ذرع
طول این فضا است ارتفاع سقف این فضا که مانند طاق است هفت ذرع است تقریباً شصت نفر آدم میتوانند در این جا هم
بنشینند همه جای سقف داغ آب دارد مقابل در غار رو بجنوب سر بالا میرود چهار ذرع مسافت در آن جا نقب فضائی کوچکتر
از فضای اول میرسد بالاتر از این فضا و خیلی صعود بر آن صعب و چراغ لازم دارد فضای دیگری است بقدر فضای اول غار
در سقف این دو فضا آب متقاطر است و متحجر مثل لوله لوله رو بزمین هم که میچکد متحجر میشود و بالای آن بر عکس
بشکل پستان بالا میرود تا آنجا که بسقف متحجر شده است اول بشکل لوله مجوف است قدری که بالاتر میشود شکل درخت
و کله و برگ گل تشکیل یافته است روی این ها سخت است اما مجوف است آنجا که دانه طور کشیده است سخت نیست و مرمر خیلی خوب است
در اطراف فضا ها خاکی سفید دارد شبیه بآهک راهی که صعود بالا میکنند خیلی صعب است تخته سنگهای بزرگ بر روی هم
ریخته و داغ آب دارد و در گوشه آب زلال جاری بجهه است آن آب زلال از برف و باران سر کوه بهم است که
نفوذ میکرده اما آن آب که متحجر میشود و معدن مرمر است قطره قطره خیلی کم میچکد و در سقف دو فضای بالا اشکال غریب
زیاد متحجر شده و عجیب است که با کمال ... هر کند رو بزمین هم شش سقف همینطور آنچه میچکد متحجر شده و اشکال غریب بهم رسیده

بسم الله الرحمن الرحیم

بکهسار شوسی درن تخت بود ... کشت و ذمرز و کشور گشای ... بیابان حوا پرورده ابکار ... چو در کشور جم جسم مدار ... بجوش خواهی ابنک کار

بنام آوردن این تخت بود ... رسالار و سر منهی پرداخت جای ... درین مرز بهبهی پروردگار ... شد

پس از وی ... بسپهر از کوک ... هنروری دیوانگار خوار ... از وی هنروری والا عرش

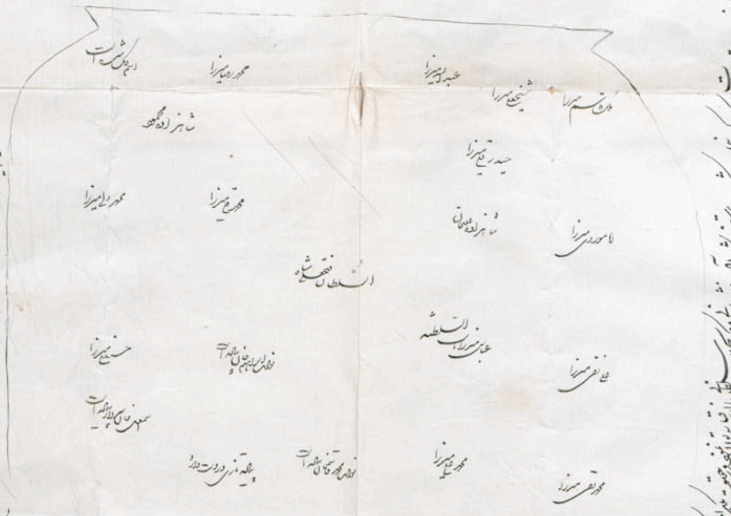
باهنش دور نخجوان طاوس ... چنین ره بست از جم با جلال ... پناه ماه گاه هنروران بزرگ ... جهانی کرد

شهنشاه جهان فتحعلیشاه ... از وعزمی و از نصرت جهانی ... بدو ممکن و لا ممکن نباشد ... غرض چون کار اشد در این کوه ... حساب گفتمش سر تاریخ ...

که رویش ماه و ماهش بی زوالی ... از و ملک و وزارت سوالی ... بانقاش ممکن از کمالی ... بسنگی آفتاب بی زوالی ... رقم زد کاین مثال شاه ...

تعالی الله از این تمثال کامل ... نه از کیهان ... نقاش از نقش از کماهی ... رقم زد نقش اش ... سخن با پرده گوید این ...

بهشتی جلوه فرخ جمالی ... نه از کشور ستان ها بس همالی ... فنا بجود از کاش از زوالی ... ز مهرش چشمه کوثر زلالی ... نشان از ضمیر ...



این پادشاه عادل و دل ارکف دریا که بصورت مهر تابان ... رحمن بعد از خاقان شهید ... سال همیون ... تاریخ ایران

در زمان و مملکت ایران شورش و انقلاب پدید آمد ... از کفت ... جهانستان ... ایران ... را

ما ویت پنج بود ...

کعیدی ... ابنیه ... علما و سادات ...

مصارف تعزیه داری جناب سیدالشهدا علیه السلام ... دارالشفا ...

و تذهیب روضات عرش درجات و غیرهم ...

که سال بیست و سیم ...

بسرکاری ... عبدالله خان حاکم

حجار ... فیروزکوه و طراحی آقا عبدالله

نقاشباشی و معماری و حجاری ... بنایی

استاد ... و ...

استاد ... حجارباشی

اتمام پذیرفت

سنه ۱۲۳۳

۱۷۲۳

۱۷۲۱

الحمد لله الملك الوهاب الذي انار براهين انتظام الدنيا والدين وابان سبله على لسان نبيه المبعوث رحمة للعالمين صلى الله عليه وعلى آله واصحابه

ابهى ما يزين به فصول الخطاب جواهر حمد الله الملك الوهاب الذي ... المسلطين من الملوك والسلاطين ... بسر غزای

وخلفائه الاكرمين واحبائه ما حفظ حدود الاسلام والمسلمين وصين ثغور دار ... ولاة الاسلام والمسلمين

محاسن ... اكمل ... ماه و ... علم افراز ... سروری ... بهاء الدين والدنيا ...

... القالان ... شاه اتم الله شانه ... شاه جانب ... انتظام

ولافيد ... بدايع تفخيم واكرام وجوامع تعظيم واحترامی حاوی لطائف ... شرايف ... صحايف ارتسام

زيور ... مقصد ... تصوير ... اولنور كه ... اقدم ... اوله رق

برلنده ... ايلادلو لنان ... اوليه طبع

نامه نامی ... فتح ونصرت ... واخواهش ... الباب

مفتضاسنجه ... ماء مول ومنتظر ... اسباب

مصلحت ... نامه نامی سامی ... اسباب موجب الف ...

محض ... صحيفه ... تمام ... مقبول اوللن ...

در ... تسیقات ... شيافه ...

حالتين ... فيما بعد ... ارباب

اوله جغی تحرير وتوثيق اولنمغله بو خصوص ديانت منصوص ... ماموللری ... اجرای حقوق

وذات ... موافق ومصدر اوله ...

گالمش ... ملوبلری ...

لجاب ... اولور ...

وبمدی ... اوله

برنسنه ... سالف البيان

الوكة ... روح ... ظاهر

عقد ... فاما ... اولنه رق دروه

زمام الاختيار قبضه ... تسليم ... اولوب نوعا ديگر ...

تعبير ... ذكر اولنان ...

مقتضای احكام شريعت ... شان ... لايق

وبين الحضرتين ... سلطان ... زمان

ميامن ... قلنان ... اساس مصافات ... مولانا

المؤيد بتأييدات الله الملك المنان المفوض اليه امره في كل حال وشان
خادم الحرمين ... السلطان الغازي مصطفى خان

[illegible]

لدن و رخصت همايونمز ارزانی و جاری قلنديغی طرف باهر الشرف خاقانيمزدن بو دفعه خدمت سفارته مأمور معتمد و موثوق به رسول درايت شمول وساطتيله بعث و ايصال قلنان دكرنامهٔ همايون مودت مشحونمزك مطالعه

مضامين حقيقت آئيندن معلوم ابهت مرسوم داوری تمكيننداری قلنمق مقرردر موما اليه سفير رزانت سميرلری نقود بساط فيض انبساط ملوكانه مزه شرف مثول و وصوله فائز اولوب اداء خدمت سفارت زمره شرائط

لوازم نيدكی به مراعات و نيت مواهب و كلامی ليه احراز رتبه مباهات ايتمكين اشبو نامه همايون مسالمت عنوانمز ايله صوب كيهانی اتصافلرينه مأذون عود و انصراف اولمشدر انشاء الله تعالی

لدی الوصول بروجه محرر ديگر نامه همايون حقايق مرهونمز مؤداسنجه شان و عنوان [illegible] و فر عظمت نشان جانبينه لايق و بين الحضرتين بردرلو باعث نقيصه و شين اوله جق كدورت [illegible]

عاری اولمق مرامی وحدت و قربه مزبوره نظامی اوزره مجدداً تأسيس اساس موالات [illegible] ته نوجهله لغل و رخصت [illegible] ارزانی قلنديغی مرسوم صحيفه ذهن ادراك موهبت پناهی و لمعه [illegible]

طبع تابناك جمجاهيلری اولدقده سياق مشروح اوزره اولان صورت سلم و ولاء مرات ضمير ديانت مصير كيانيلرنده دخی جلوه گر قبول و ارتضا اولديغی حالده فيما بعد [illegible]

مالك غنا كامكاری و بنای همت ذيور [illegible] كان بختياری اولدقجه گرگ زمان [illegible] نوانلر مژده و گرگ اخلاف و اعقاب نصفت شمال اوانلرنده قصر مشيد اللركال تحاب و توالی

وصحيح [illegible] لبنيان حسن وفاق و اتحاد بردرلو قابل اندراس و متزلزل اللاساس اولميه جغی وارسته قيد اشتباهدر [illegible] سفير صداقت سمير [illegible]

ديگر نامه همايون خلافت مشحونمزده ياد و ايما اولنديغی وجهله الف و التيام [illegible] ظاهراً و باطناً بزلرلی صورت نظام و انجام اولمسی خصوصنه طرف [illegible]

كامرانيلرندن دخی مير و رغبت و اتمامنه مباشرت و همت قلنمق والسنه‌های حقايق آشنای قلم انيلريدر باقی هميشه نير فلك تحاب و توالی

طالع و درخشان و مهر عالم افروز وفاق و اتحاد [illegible] و نورافشان [illegible] العالی

[illegible] ۱۲۰۷ [illegible]

[illegible]

آستانه

قریه‌ایست از دوازده [illegible] کاشان نیم فرسخی [illegible] امامزاده

که در تاریخ آن شهر ثبت [illegible] که کشته و دفن شده [illegible] واقع است [illegible]

آن تا سلطان اتابک [illegible] در اطراف [illegible] بعضی از [illegible] علما [illegible]

[illegible] قریه [illegible] معروف [illegible] و دو [illegible] است [illegible]

که صاحب [illegible] الآن [illegible] از [illegible] است [illegible]

و [illegible] ملک [illegible]

و الآن هم [illegible]

[illegible]

در واقع [illegible]

[illegible]

[illegible]

در علم لغت که ... است ... از ... و ... ده ... بوده ... و ...

در کتاب تقسیم الابدان ...

فرید ابیات ... عراق عجم ... و ... در ... ما عدا از ... قصه ... و علمات

ان النور ... از قرار ... و دلالت ... الف علی ...

... و ... در ... الرحم ... کرده ... و ... ازاده

سید محسن ... ست

کاشانه کاتب ... محسن ...

... در ... قصه ...

مقام و موضع ... قصه ...

در حقیقت ... الحق ...

... سلطان ... منازل ... اعلام ...

موجودات و الوجود ... الوجه ... قزوینی ...

و ... الحق ... که گفتم ... بلده قزوینی ...

پس گره ... الحقیقه ...

و گره ... عجم ... ت ...

... منشی ... سلطان ... و دیگر ... وصف ... است ...

... علم ... که ... سلطان ... ابن ... حسن ...

که ... قزوینی ... سلطان ... و در ... ابوالفضل ...

که گرم و گرده ... ابیات ...

و ... قصه ... در ٥٤٨ ...

... الرسه ... و گرده ... بحر ... خوانده

... علم ... بزرگ ... کلمه ... حکم ... بوده

در علم ... ناظره ... اسلامی ...

... فالفسه ... بحر ... فالفه

... که ... در ... محمود ...

... و ... علماء ... ابن ...

ابن است ... علامات ... سلطان ...

از ... ده ... گرد

۱۷۲۷

[illegible]

۱۷۲۶

عالم اولاد ... سوتیقی ... الیه

فضل عباس ... علی ... داودی ... بود

دولت ... اعراب ... سرداران ... بود

وامر ابو دلف دراو ... جعفر ... سرداران ... ودولت

داد ابودلف ... علی بن ... درکتجاه ... داد

خدا ... علی بن ... دولت ... درکتجاه

وقبول ... نموده ... ابو ...

بعد از قتل امین والعراقی ... اسی ...

به سته ملاحظه ... کرد ... ابن ... ریش ...

با بعد ... خلیفه ... ابودلف ... خلیفه

در ... نموده ... سرداران ... ودر ...

معتصم بعد از ... خلیفه ...

زر سرداران ... معتصم بعد ... حضور ... وحکم ...

خلیفه ... ابودلف ... ازان ...

خلیفه ... دولت ابودلف ... ابولطف

تا ... احمد بن ... دولت ... معتصم ...

... در علم ... معتصم ابودلف ...

ابوالفتح ... ابودلف ... دولت ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

deux hautes parties contractantes s'engagent à conclure, le plustôt possible, une convention réciproquement avantageuse pour la construction de chemins de fer appropriés à l'usage du trafic commercial des provinces susmentionnées.

Art. 5. — Le gouvernement de S. M. le Shah de Perse s'engage à prohiber strictement l'exportation de ses États tout le long de la frontière des provinces d'Astembad et de Khorassan, de toutes armes et munitions de guerre, en adoptant en même temps des mesures propres à empêcher les Turcomans établis sur le territoire persan puissent s'en approvisionner. Les autorités de la frontière persane doivent prêter le concours le plus effectif aux agents du gouvernement impérial russe, dont le devoir consiste à empêcher que des armes soient exportées du territoire persan. De son côté le gouvernement de S. M. l'Empereur de toutes les Russies s'engage à empêcher que, des armes et des matériaux de guerre, soient fournis du territoire russe aux Turcomans vivant en Perse.

Art. 6. — Ayant en vue le respect et l'accomplissement des stipulations de la présente convention et dans le but de mettre un ordre dans la conduite des Turcomans résidant sur la frontière persane, S. M. l'Empereur de toutes les Russies aura le droit de nommer des agents sur tous les points de la frontière persane. Dans toutes les questions concernant l'observance, l'ordre et la tranquillité dans les districts contigus aux possessions des hautes parties contractantes, ces agents susnommés agiront comme des intermédiaires dans les relations existant entre les autorités russe et persane.

Art. 7. — Tous engagements et stipulations contenus dans les traités et conventions conclus antérieurement entre les deux hautes parties contractantes continueront à être en vigueur.

Art. 8. — La présente convention rédigée en double et signée par les plénipotentiaires des deux parties, qui y ont apposé le sceau de leurs armes, doit être confirmée et ratifiée par S. M. le Shah de Perse et par S. M. empereur et autocrate de toutes les Russies; les ratifications doivent être échangées entre les plénipotentiaires des deux parties à Téhéran, dans l'espace de quatre mois ou avant, si possible.

Fait à Téhéran, le 9|21 décembre 1881, qui correspond, d'après la date Musulmane, au du mois Mouharem 1299.

Signé : IVAN ZENOVIEF.

Cette convention fut envoyée à lord Granville par M. Ronald Thomson, représentant anglais à Téhéran, qui écrit à la daté du 23 janvier :

J'ai l'honneur de vous remettre ci-inclus, par l'information de V.-S., une traduction du traité des fontières d'Akhal-Korassan, conclu dernièrement entre la Russie et la Perse, comme je vous l'annonçais par mon télégramme en date du 4 janvier. Cette traduction a été faite du texte russe par M. Stephen. En la comparant avec la version persane, j'observe que les termes employés dans l'article 4 ne sont pas les mêmes dans deux langues. Dans le texte russe il est dit, que les deux gouvernements, s'engagent, ayant en vue le développement du trafic commercial entre la province Trans-Caspienne et celle de Khorassan, de procéder à une conclusion réciproquement avantageuse pour la construction des chemins de fer entre les provinces Trans caspiennes et celles du Khorassan, tandis que, dans le texte persan de cette clause, il est dit qu'à l'effet de faciliter les opérations commerciales entre les provinces Trans caspiennes et celles de Khorassan, les deux puissances contractantes s'engagent, par rapport à la construction des lignes ferrées propres au transport des marchandises entre les deux susdites contrées, à prendre tels arrangements, qui puissent être pour toutes les deux réciproquement avantageux. Le ministre des affaires étrangères m'a informé que Nasseer-Dowleh, qui était précédemment employé au ministère des affaires étrangères à Téhéran, et dernièrement au ministère de la justice, sera nommé commissaire en vertu de l'article 2 de cette convention pour la démarcation locale de la ligne frontière, sur la base établie dans l'article 2.

Perse

Traité avec la Russie pour la rectification de la frontière

Le *Mémorial diplomatique*, dans son numéro du 18 mars, annonçait que parmi les pièces contenues dans un *Blue Book*, qui a été distribué par le gouvernement anglais aux deux Chambres du Parlement, figurait un traité intervenu dans le cours du mois de décembre de l'année dernière entre la Perse et la Russie relativement à une rectification de frontière.

Nous sommes aujourd'hui à même de publier le texte de ce document :

Au nom de Dieu tout-puissant, Sa Majesté le Shah de Perse, et S. M. l'Empereur et autocrate de toutes les Russies, reconnaissant la nécessité de définir exactement la frontière de leur possessions orientales de la mer Caspienne, et d'y établir la sécurité et la tranquilité, ont convenu de conclure une convention à cet effet, et ont nommé comme leurs plénipotentiaires :

S. M. le Schah de Perse, d'une part, Mirza-Saïd Khan, Mautemid-ul-Mulk, son ministre des affaires étrangères ;

S. M. l'empereur et autocrate de toutes les Russies, d'autre part, Ivan Zenovieff, son envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire près la cour de S. M. le Shah ;

Qui, ayant échangé leurs pleins pouvoirs respectifs, reconnus en bonne et due forme, ont convenu et rédigé les articles suivants :

Art. 1er. — La ligne frontière entre les possessions de l'Empire russe et l'Empire persan, à l'est de la mer Caspienne, est fixée comme il suit : commençant au golfe Hassan Kuli, le cours d'Atrek sert de frontière jusqu'à Chat. De Chat la ligne frontière suit dans une direction nord-est les sommets de Songou Dagh, et les chaines de Sagirim de là, elle s'étend plus au nord de la rivière Chandir, et gagne le lit de cette rivière à Tchakan Kalé. De Tchakan Kalé elle court dans une direction plus septentrionale à la chaine des montagnes qui divisant les vallées de Chandir et de Sumbar, et s'étend le long de la chaine de ces montagnes plus au nord, en descendant vers le lit de Sumbar à l'endroit où le fleuve Ach-Agaian se jette. De ce point et plus à l'est du lit de Sumbar elle marque la frontière jusqu'aux ruines de Medjet-Dainé. De là, la route qui conduit à Durrum forme la frontière jusqu'à la chaine Kopet Dagh, au travers de laquelle la frontière s'étend vers le sud-est, mais avant d'atteindre la partie supérieure de la passe de Giamab, elle se tourne vers le sud au milieu des sommets des montagnes qui séparent la vallée de Sumbar de la source de Giamab. De là en prenant une direction sud-orientale à travers les sommets de Missino et les montagnes de Tchoubest, elle atteint la route conduisant de Giamad à Rabach, passant à distance d'une verste au nord du dernier entroit. De ce point, la ligne frontière courant la chaine des montagnes jusqu'au sommet du mont Dalang, passe de là au côté septentrional du village de Khaïrabat s'étendant au nord-est jusqu'aux limites de Geok Keital. Des limites de Geok Keital, la ligne frontière traverse la gorge de la rivière Firuzé en croisant le côté septentrional du village de Firuzé. De là la ligne frontière se dirige au sud-est, vers les sommets de la chaine des montagnes qui restreignent la vallée au sud, à travers laquelle passe la route d'Askabad à Firuzé, et court le long de la crête de ces montagnes vers le point le plus oriental de cette chaine. De cet endroit la ligne frontière s'élève au sommet le plus septentrional de la chaine d'Aselm en passant le long de sa hauteur vers le sud-est, et contournant, alors vers le nord, le village de Keltechina, elle court vers le point où les montagnes Ziri-Kon et Kizil-dagh se joignent, s'étendant de là, vers le sud-est, le long des cimes de la chaine de Ziri-Kon, pour aboutir dans la vallée du fleuve de Baba-Durmaz. Elle se dirige alors au nord et atteint l'oasis de la route qui mène de Gavars à Lutfabad, en laissant au levant la forteresse de Baba-Durmaz.

Art. 2. — Bien que, dans l'article premier de la présente convention, les points principaux au travers desquels passe la ligne-frontière, soient indiqués, entre les possessions de la Russie et de la Perse, les hautes parties contractantes doivent nommer des commissaires spéciaux, dans le but de tracer exactement sur les lieux la ligne-frontière, et d'ériger les poteaux marquant les propres limites. La date et le lieu de réunion des susdits commissaires seront mutuellement convenus par les hautes parties contractantes.

Art. 3. — Bien que les forts de Giamab et de Kultulab, situés dans la gorge à travers laquelle passe le fleuve qui baigne le sol de la province transcaspienne, se trouvent au nord de la ligne qui, en vertu de l'article 1er de la présente convention, doit servir de limite entre les territoires des deux hautes parties contractantes, le gouvernement de S. M. le Shah s'engage d'évacuer les susdits forts dans l'espace d'une année, à partir de la date de l'échange des ratifications de la présente convention, mais il aura le droit durant la même période de transférer les habitants de Giamab et de Kultulab en dedans de la frontière persane, et de les y établir. De son côté, le gouvernement de l'empereur de toutes les Russies s'engage à ne pas élever des fortifications dans ces dites localités et à ne pas y installer aucune famille turcomane.

Art. 4. — Ayant en vue le développement des transactions commerciales entre la province transcaspienne et le Khorassan, les

بسمه تعالی

طهران تا قم

خانقین تا بغداد

قم تا کنگاور

کاظمین تا کربلای معلی

کنگاور تا کرمانشاهان

کربلای معلی تا نجف اشرف

کرمانشاهان تا خانقین

e sur un brassard au f[illegible]d bleu les lettres E. D. De plus, ell[illegible]enue de ne pas borer sur ses étab[illegible]s de toute na-ire et sur ses bateau[illegible]re pavillon que sien, lequel est com[illegible] de cinq bandes rallèles, perpendiculaires à la hampe dis-osées dans l'ordre suivant de leurs couleurs : [illegible] la bande uis le droit d'avoir des pharm[illegible] de otre capitale. Ce sou[illegible] avait accordé privilège aux Alle[illegible] parce qu'il con-idérait les Allemand[illegible] des gens so-es et consciencieux [illegible]

[illegible] les capitales, mais non d'y ire le commerce comme apothicaires. Heu-eusement le comte Ignatiew est intervenu, au lieu de permettre que les pharmaciens ils fussent forcés de vendre leurs établis-ements immédiatement, il leur a accordé core un terme de toute une année.

Grâce à la vigilance de notre police, le alfaiteur connu sous le nom de Kobozow, ui avait creusé une mine dans la maison du mte Mengden, petite rue des Jardins, a é arrêté à Moscou il y a quinze jours. Son ai nom est Bogdanowitch. Il est enfermé i dans la forteresse.

On dit qu'après demain l'amiral Possiett inistre des voies de communication, sera nommé gouverneur général de la Finlande. C'est la première fois que ce poste émi-ent serait confié à un Finlandais.

Le portefeuille des voies de communica-ion passerait au général de Kaufman II-membre du conseil de l'empire et ancien in-endant général. Il a la [illegible]tation d'être un omme actif et énerg[illegible] Il a déjà posé omme condition la [illegible]on du comité es chemins de fer, p[illegible]r M. le comte aranow. Ce comité en [illegible] est tout à fait uperflu ; loin de faire le moindre bien, il a ntravé en toute occasion la marche des af-aires. Avec le général Kaufmann, le com-

[illegible]

Comment peut-on [illegible]cilia-ion, lorsque des hommes [illegible] sur les asses une influence aussi considérable se aissent aller à des insultes pareilles ? Ce ont des irréconciliables, soit ; mais il fau-rait nous montrer qu'il y a aussi des chefs ui seraient disposés à entendre le langage e la raison. Or ces [illegible], on ne les a pas en-ore trouvés. M. G[illegible]one a fait en plein-hambre un aveu d'im[illegible]puissance devant l'a-itation envahissante. L'opposition conser-atrice et les « home-rulers » ont pris acte e cet aveu. L'une se fait dans la question rlandaise plus libérale que les libéraux ; les utres redoublent leurs objurgations. Ce 'est plus par la coercition qu'il faut espé-er ramener un peu d'ordre dans ce haos, et cependant, si M. Gladstone cède, il era taxé de faiblesse : voilà précisément où st le danger pour le ministère.

Il a toutefois donné une preuve de clé-ence en rendant la liberté sur parole à M. Parnell pour quelques jours.

On peut être certain que M. Parnell, une ois son pieux de[illegible] accompli à Paris, re-iendra se cons[illegible]risonnier à Kilmain-am, d'abord p[illegible], quels que soient ses éfauts, c'est u[illegible] gentleman, ensuite arce que le rôle [illegible]artyr lui réussit trop ien pour qu'il songe à le répudier. Ce serait peut-être un acte de bonne politique que de ui accorder la liberté pleine et entière; mais alors il faudrait relâcher sans condition les autres suspects, ou du moins ceux qui ont l'honneur d'être membres du Parlement. On pense à Londres qu'il y a au moins quatre ministres qui prêchent en faveur du pardon [illegible] M. Gladstone et M. Forster partagent cette opinion [illegible] meille beaucoup. Ainsi que le Mémorial diplomatique le faisait observer la se-[illegible], nous entrons dans une période [illegible] pacification et de concorde européenne. [illegible] nomination de M. de Giers ne contri[illegible] pas peu à consolider la paix. Tout le m[illegible] s'en applaudit sincèrement, franchement [illegible] Londres ; on voit av[illegible] une extrême [illegible]tisfaction la bienve[illegible] que le sulta[illegible] [illegible] à lord Du[illegible]t d'un bon pré-sage pour le main[illegible] contrôle anglo-français en Egypte. [illegible]tive d'assassinat dont Arabi bey a failli être victime laisse les Anglais singulièrement froids et peut-être même incrédules. Les détails manquent ; mais jusqu'à présent on n'est pas éloigné de croire que c'était un coup monté pour donner au parti "national" égyptien les bé-néfices de la persécution et raviver dans un certain groupe de fanatiques l'animosité contre les deux grandes puissances occi-dentales. Quoi qu'il en soit, les relations entre l'Angleterre et la Sublime Porte n'en seront pas altérées.

On nous écrit de SAINT PÉTERSBOURG le 26 mars | 7 avril :

L'assassinat du général major Strelnikow, commis presque sous les yeux du gouver-neur général Gurko, prouve que, malgré les dispositions clémentes de l'empereur, les nihilistes continuent leurs criminelles agi-tations. Heureusement le général Gurko a fait un court procès aux assassins arrêtés en flagrant délit ; le cinquième jour après leur crime, ils ont été pendus. Beaucoup de per-sonnes se prononcent contre le mode actuel de punition des assassins politiques et sont d'avis que pour des criminels semblables il serait utile de rétablir la peine du knout, appliqué publiquement : le knout effraierait beaucoup de nihilistes et ramènerait la tran-quillité.

Les Allemands vivent dans une certaine agitation ; ils s'imaginent que tôt ou tard l'empereur se laissera entraîner par le parti chauviniste à faire la guerre à leur pays. *Rien n'est plus faux.* L'empereur est d'un ca-ractère très énergique et le meilleur homme d'Etat de son empire ; il ne songe en rien à une guerre pour laquelle il n'y a pas trace de raison. Par son ordre, le comte Ignatiew a fait savoir aux journaux belliqueux de

— Sous la dat[illegible] mars, M. John Wilson a reçu du gouv[illegible] belge l'exequatur comme consul [illegible] Bru[illegible]es.

GRÈCE. — M. J. [illegible]ennadius, ancien secré-taire de la légation à Londres, est transféré en la même qualité à Vienne ; il est rem-placé à Londres par M. G. Argyropoulos, se-crétaire à Vienne.

— M. Zeau Pestemalzoglou est nommé vice-consul et chancelier du consulat [illegible] Trieste.

ITALIE. — M. Maccio, ancien consul [illegible] Tunis, est nommé ministre à Montévidéo.

PORTUGAL. — M. João de Sousa de Al-meida Couto, a été nommé archiviste et bi-bliothécaire du ministère des affaires étran-gères.

— M. José Correia Loureiro, ancien consul à Saint-Louis-de-Maragnon, est nommé con-sul à Pernamb[illegible] remplacement de M. Claudino d'Araujo [illegible]marães, nommé consul à New-York.

ROUMANIE. — M. Simon Sacus est nommé vice-consul honoraire attaché au consulat général à Stockholm, avec droit de rempla-cer le consul général en cas d'absence ou de maladie.

RUSSIE. — M. le major général Lantz est nommé attaché militaire à l'ambassade de Londres, en remplacement du général Gor-loff.

— Le conseiller d'Etat Koudriavtzew a reçu du gouvernement allemand l'exequatur comme consul à Berlin.

TURQUIE. — Nasri bey Franco, ancien premier secrétaire de l'ambassade à Paris, est nommé consul général à Odessa.

— Bacanié effendi, secrétaire du consulat général d'Odessa, est nommé consul à Gên[illegible]

VÉNÉZUELA. — [illegible] 29 février tous les mi-nistres ont d[illegible] démission, à l'occa-sion de l'inaug[illegible] de la nouvelle consti-tution.

— Le général Lino Duarte Level a été nom-mé ministre des relations extérieures, [illegible] remplacement du licencié Rafael Seijas, dé-missionnaire ;

— Le général Andrés A. Level a été nommé ministre du *Fomento* (commerce, agricul-ture, etc.), en remplacement de M. M. Ca-bano, démissionnaire.

— Le docteur Narciso Lopez Camacho [illegible] nommé ministre de l'instruction publi[illegible] en remplacement du docteur Anibal Do-niel, démissionnaire ;

— M. José R. Gauthier a été nommé minis-tre des travaux publics, en remplacement de M. R. Arpurua, démissionnaire.

VARIÉTÉS

SOCIÉTÉ DES AMIS DE LA PAIX

Discours prononcé par M. Ad. Franck

Mercredi 29 mars a eu lieu, dans la salle des Encouragements à l'Industrie la 16e séance générale de la *Société fran-çaise des amis de la paix*. La réunion, nombreuse et choisie, était présidée comme à l'ordinaire, par M. Ad. Franck. Il avait à ses côtés MM. Frédéric Passy, [illegible] député, [illegible] tous les trois vice-présidents de la So-ciété. On remarquait sur l'estrade, parmi [illegible] membres du conseil d'administration [illegible]es sénateurs, des députés, des membres [illegible] l'Institut, des publicistes, des avocats, [illegible]es financiers, des négociants, des mi-nistres des différents cultes.

۱۷۳۸

به تاریخ [illegible]

امروز جمعه یازدهم [illegible] بخاطرم رسید که نظر به انقلاب هوا و سوء قضا چیزی که بخاطرم رسید
چند کلمه نوشته [illegible] کار بهتر است

اولاً بفضل جناب احدیت امیدوارم [illegible] شیعه [illegible] رسانی [illegible] از [illegible]
[illegible] از [illegible] خدمت [illegible] موعود [illegible] رسید [illegible]
آرزو برای [illegible] بعون [illegible]

اگر اجل رسید [illegible] نعش [illegible] را آورده در [illegible]
[illegible] در [illegible] وقتی آدم [illegible]
[illegible] از [illegible] از [illegible]
[illegible] از زبان مردم [illegible]
[illegible] برسد

[illegible] بعد از [illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] حساب [illegible] چرا که [illegible]
[illegible] باز [illegible] جواب [illegible]

[illegible]

جواهرات و اسباب [illegible] آقا محمد حسن [illegible]
[illegible] از [illegible] دادم [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] هزار تومان	[illegible] هزار تومان	هزار تومان	[illegible] تومان
[illegible]	[illegible] هزار تومان	[illegible]	[illegible] آقا محمد حسن [illegible]
جواهرات [illegible] آقا محمد حسن [illegible]	[illegible]	بازوبند [illegible]	[illegible]

جواهرات هم همین است [illegible] مردم [illegible]

[illegible] شاه [illegible] اهمال کرد [illegible]
[illegible] خان [illegible] خدمات [illegible]
[illegible] دارم [illegible]
[illegible] اهمال [illegible] آدم
[illegible] ابوالقاسم [illegible]
[illegible] آورده‌ام اگر [illegible]
[illegible] ابوالقاسم [illegible] مردم [illegible]
[illegible] خودش [illegible] که [illegible]
[illegible] مصرف [illegible] اسلام [illegible]
مسلمانان است و باید بمصرف ثغور مسلمانان برسد

املاک [illegible] دارم

[illegible] ده هزار [illegible]	[illegible] آن [illegible]	[illegible]

عمارت [illegible]
[illegible]
بمردم داده‌ام همه ملک [illegible] است

آنچه کتاب دارم [illegible] بخشیده‌ام باید [illegible] او واد

آنچه در [illegible] خودشان بخشیدم [illegible]
خودشان [illegible] زندگی [illegible]

از [illegible] وقف [illegible] خودشان [illegible]
[illegible] دیگر [illegible]

[illegible] هم هر کس [illegible] این [illegible] است

در طهران املاک دارم [illegible] خریده‌ام [illegible]
شاه مرحوم [illegible]
[illegible] خان قاجار [illegible]
[illegible] ملک [illegible] است

در باب [illegible]

ده کار [illegible] آباد [illegible]
خریدم و پول نقد داده [illegible] کردم [illegible]
[illegible]
[illegible] آنها [illegible] است

١٧٣٩

صورت مال التجاره ترانزیت از ربیع الاول ۱۳۰۱ الی ربیع الاول ۱۳۰۲ از ممالک فرنگستان از بندر طرابزون بطرف ایران عبور نموده

	جنس اشیاء	کیلو وزن	قیمت از قرار لیره انگلیس	از انگلیس		از فرانسه		از نمسه و آ[illegible]		از سویس		از بلژیک		از ایتالیا		از عثمانیه		عدد بارها	کیلوگرام	قیمت از قرار لیره انگلیس
				مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت			
ماکولات و مشروبات	ادویه جات	جوال ۸۷ کیلوگرم	۷	۲۸۰	۱۴۶۰	۱۱۰	۱۱۰۰											۲۹۰	۳۳۹۳۰	۲۷۲۰
	قند	جوال ۱۰۰	[illegible]			۲۲۷۲	۶۱۳۷۱	۲۰۰۲	۶۲۵۰									۲۵۴۰۲	۲۵۴۰،۲۰۰	۶۷۷۲۹
	چای	صندوق ۴۸	۱۶	۴۰۹۰	۶۵۳۳۰													۴۰۹۰	۴۰۰،۸۲۰	۶۵۴۲۰
	شراب و مشروبات	صندوق ۱۰۰	۱۰۶۳	۲۸	۳۲۲	۷۰	۷۰۰	۵	۱۳۵									۱۶۳	۱۶۳۰۰	۱۱۷۴
	جمع			۴۴۱۸	۶۷۷۴۴	۲۲۹۵۰	۶۲۱۴۹	۱۲۷۷	۶۳۸۵									۳۰۰۴۵	۲،۹۹۱،۲۵۰	۱۳۷۰۷۸
منسوجات	حلواری وسط	لنگه ۱۱۲ کیلوگرم	۹ [illegible]	۲۰۰	۱۹۵۰													۲۰۰	۴۴۴۰۰	۱۹۵۰
	شعر	لنگه ۱۱۲ کیلوگرم	۲۹	۷۲۱	۲۰۹۰۹					۸۶	۲۳۹۴							۸۰۷	۹۰۳۸۴	۲۳۳۰۳
	سفید باریک دانه	لنگه ۱۱۲	۲ [illegible]	۵۳۵	۱۳۹۳۳													۵۲۵	۵۹۱۲۰	۱۳۹۳۳
	ماهوت درگزین	لنگه ۱۱۲	[illegible]	۱۰	۸۰۰	۱۴	۱۲۰۰	۱۲	۷۱۵۲۰			۱۷	۱۳۶۰					۱۲۲۱	۱۳۷۸۷۲	۷۴۸۸۰
	ماهوت کلاهی	لنگه ۱۱۲	۴۰					۹	۲۳۲۰									۵۸	۶۴۱۶	۲۳۲۰
	کلابتون بافته [illegible]	صندوق ۷۵	۱۰ و ۸۰			۱۶	۱۶۰۰	۲	۱۷۶۰									۵۰	۱۲۵۰	۳۳۶۰
	متقال	لنگه ۱۱۲	۲ [illegible]	۹۳۵۲	۱۱۲۵۰۶۴											۱۴	۹۶۰	۹۳۰۴	۱،۰۴۷،۲۲۴	۱۱۲۵۰۶۲
	ازرق قبیل	صندوق ۸۷	۳ و ۳	۲۱	۶۲۰	۵۴	۲۱۶۰	۱۲	۳۰۶۰									۲۴۷	۱۹،۲۲۹	۷۲۵۰
	دستمال و بقچه و چهارقد	لنگه ۱۱۲	۳۸	۸۸۰	۲۳،۳۳۰													۱۰۴۱	۱۱۷،۲۸۸	۲۹۸۴۲
	آق بانوی باسمه	لنگه ۱۱۲	۳۴	۱۱۷۱	۳۹۸۱۴					۱۶۹	۶۳۲۲							۱۱۷۱	۱۳۱،۱۵۲	۳۹۸۱۴
	آق بانوی سفید	لنگه ۱۱۲	۲۵ [illegible]	۳۰۷	۹۴۶۲													۳۰۷	۴۵۵۸۴	۹۴۶۲
	چیت	لنگه ۱۱۲	۳۲ [illegible]	۱۰۳۶۰	۳۵۰۴۱۰	۳۶	۱۵۴۱			۲۲	۷۳۷							۱۰۵۲۸	۱،۱۷۹،۱۳۶	۳۵۲،۶۸۸
	سفید باریک نقش دار	لنگه ۱۱۲	۱۷ [illegible]	۹۷۰	۱۶۹۷۵													۹۷۰	۱۰۸۶۴	۱۶۹۷۵
	پارچه ابریشمی	صندوق ۸۷	۱۵۰ تا ۸۰			۲۲	۳۳۰۰	۴	۴۰۰	۴۷	۴۷۰۰			۵	۷۵۰			۸۰	۶۱۲۰	۹۱۳۰
	ابریشم مخلوط	صندوق ۸۷	۷۵ تا ۵۰	۲۲	۱۱۰۰	۱۶	۱۱۰۰	۵	۳۲۵۰	۶۲	۲۷۰۰							۱۶۵	۱۴،۲۰۰	۹۲۵۰
	مخمل	صندوق ۱۱۲	۱۲ و ۵۰	۴	۱۰۰	۱۶	۱۶۰۰	۲۲	۱۷۶۰									۵۰	۵۶۰۰	۳۴۶۰
	پارچه های پشمی	صندوق [illegible] کیلوگرم	۴۳ [illegible]	۲۴۰	۱۰۴۴۰	۱۸	۷۸۲	۱	۱۳۰۹۲					۱۰	۱۲۰۰			۵۵۹	۶۲۶۰۸	۲۳۲۱۷
	شال جوکالی	صندوق ۱۱۲ کیلوگرم	۱۳ و ۱۲	۲۰۵	۲۴۶۰				۶۶۳	۳۰	۵۲۰							۳۰۸	۲۳۴۱۶	۲۷۹۹
	اشیاء مختلفه	صندوق ۱۱۲ کیلوگرم	۱۸	۱۰۶	۱۹۰۸	۱۴	۲۱۶	۵	۲۷۰	۷	۱۲۶			۵	۹۰	۲۱	۳۷۸	۱۶۶	۱۸۵۹۲	۲۹۸۸
	جمع			۲۵۳۰۳	۴۱۸۹۰۵	۲۱۲	۱۳۶۰۰	۱۸۸۴	۴۹۷۱۷	۳۲۳	۱۸۶۹۹	۱۷	۱۳۶۰	۳۲	۲۱۹۶	۳۳	۱۳۲۸	۲۷۹۱۳	۳،۰۷۵،۶۱۴	۷۴۶۵۴۰
معدنیات و اشیاء معدنیات	[illegible] مس	[illegible] ۷۵ کیلوگرم	۱۰	۱۲۰	۱۲۰۰													۱۲۰	۹۰۰۰	۱۲۰۰
	خورده آلات	صندوق ۱۰۰	۶	۲۰۲	۱۲۱۲	۱۲۰	۷۲۰	۵۷۲	۳۴۳۲			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۹۴۴	۱۴۴۰۰	۵۶۶۴
	فولاد	[illegible] ۸۷	[illegible]					۳۴۴	۵۲۷									۴۱۱	۳۶۷۱۴	۵۲۷
	قلع لوله	صندوق ۱۰۰	۹	۹۸	۸۸۲													۹۸	۹۸۰۰	۸۸۲
	قلع پهن	صندوق ۵۰	۲	۳۵۰	۷۰۰													۳۵۲	۱۷۶۰۰	۷۰۰
	جمع			۷۷۰	۳۹۹۴	۱۲۰	۷۲۰	۹۱۶	۳۹۵۹			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۱۹۲۴	۱۶۷۵۱۴	۸۹۷۳
اجزای کیمیاگری	قرمز	جوال ۱۰۰ کیلوگرم	۲۰	۲۵	۷۰۰	۱۰	۲۰۰											۲۵	۲۵۰۰	۹۰۰
	شب	صندوق ۸۷	۱۰۰۸			۵۴	۵۴۰	۵۹۰	۳۷۲۰									۶۴۴	۵۶۰۲۸	۴۲۶۰
	آئینه جیبی	صندوق ۱۰۰	۱۰					۸۵	۸۵۰									۸۵	۸۵۰۰	۸۵۰
	کبریت	صندوق ۷۵	۲					۹۱۶	۱۸۳۲									۹۱۶	۶۸۷۰۰	۱۸۳۲
	چینی و بلورآلات	صندوق ۱۰۰	۳ [illegible]	۵۹	۲۹۵			۱۵۸	۵۵۳									۲۱۷	۲۱۷۰۰	۸۴۸
	[illegible] در	صندوق ۱۰۰	۵	۵۰	۲۵۰													۵۰	۵۰۰۰	۲۵۰
	شیشه پنجره	صندوق [illegible]	۱۴ [illegible]									۵۰۳	۲۵۲					۵۰۳	۳۱۲۲۸	۲۵۲
	جمع			۱۴۴	۱۲۴۵	۶۴	۷۴۰	۱۷۳۹	۷۱۵۵			۵۰۳	۲۵۲					۲۳۴۱	۱۹۵۶۷۸	۱۰۲۹۳
اشیاء مختلفه	اشیاء کفش دوزی	صندوق ۱۰۰ کیلوگرم	۲۰	۳۲	۶۴۰	۲۱	۴۲۰											۵۳	۵۳۰۰	۱۰۶۰
	پیانو	صندوق ۵۰ کیلوگرم	۳۵			۲	۷۰	۴	۱۴۰									۶	۳۰۰۰	۲۱۰
	ساعت و جواهرآلات	صندوق ۷۵ کیلوگرم	۸۰ و ۷۰	۲	۱۶۰	۵	۴۰۰	۸	۵۶۰									۱۵	۱۱۲۵	۱۱۲۰
	اشیاء مختلفه	صندوق ۱۰۰	۵	۹۳	۴۶۵	۱۳۰	۷۰۰	۱۵۵	۷۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۱۶	۶۱۶۰۰	۳۰۸۰
	جمع			۱۲۷	۱۲۶۵	۱۶۸	۱۵۹۰	۱۶۷	۱۲۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۹۰	۷۱۰۲۵	۵۴۷۰
	ماکولات و مشروبات			۴۴۱۸	۶۷۷۴۴	۲۲۹۵۰	۶۲۱۴۹	۲۶۷۷	۶۳۸۵									۳۰۰۴۵	۲،۹۹۱،۲۵۰	۱۳۷۰۷۸
	منسوجات			۲۵۳۰۳	۴۱۸۹۰۵	۲۱۲	۱۳۶۰۰	۱۸۸۴	۴۹۷۱۷	۳۲۳	۱۸۶۹۹	۱۷	۱۳۶۰	۳۲	۲۱۹۶	۳۳	۱۳۲۸	۲۷۹۱۳	۳،۰۷۵،۶۱۴	۷۴۶۵۴۰
	معدنیات و اشیاء معدنیات			۷۷۰	۳۹۹۴	۱۲۰	۷۲۰	۹۱۶	۳۹۵۹			۳۰	۱۸۰			۲۰	۱۲۰	۱۹۲۴	۱۶۷۵۱۴	۸۹۷۳
	اجزای کیمیاگری			۱۴۴	۱۲۴۵	۶۴	۷۴۰	۱۷۳۹	۷۱۵۵			۵۰۳	۲۵۲					۲۳۴۱	۱۹۵۶۷۸	۱۰۲۹۳
	اشیاء مختلفه			۱۲۷	۱۲۶۵	۱۶۸	۱۵۹۰	۱۶۷	۱۲۷۵	۴۰	۲۰۰			۳۲	۱۶۰	۱۵۶	۷۸۰	۶۹۰	۷۱۰۲۵	۵۴۷۰
	جمع کل ادخالات ممالک دولت علیه ایران			۳۰۸۰۱	۴۹۳۸۴۳	۲۳۵۱۴	۶۹۵۷۱	۷۴۷۱	۱۱۹۵۷۱	۳۷۳	۱۸۹۱۹	۵۵۱	۱۸۹۲	۶۴	۳۳۵۶	۲۰۹	۲۲۳۸	۶۳۰۸۳	۶،۵۰۷،۵۷۱	۹۰۸۳۵۹

[illegible]

قیمت مال التجاره فرنگستان ۹۰۸۳۵۹ لیره
قیمت مال التجاره ایران ۳۶۳۴۵۲ لیره
فاضل مال التجاره فرنگستان ۵۴۴۹۰۷ لیره
بحساب پول ایران بعدد تومان ۱۷۴۳۷۰۲

صورت مال التجاره ئیکه از ربیع الاول ۱۳۰۱ الی ربیع الاول ۱۳۰۲ از ممالک ایران از بندر طرابزون بطرف فرنگستان عبور نموده

	جنس اشیاء	قیمت [illegible]	وزن کیلو [illegible] لنگه و صندوق	بعثمانیه مقدار	بعثمانیه قیمت	بانگلیس مقدار	بانگلیس قیمت	بفرانسه مقدار	بفرانسه قیمت	بنمسه و آلمان مقدار	بنمسه و آلمان قیمت	بیونان مقدار	بیونان قیمت	بآمریکا مقدار	بآمریکا قیمت	عدد بارها	کیلو	قیمت [illegible]
محصولات زراعت	بادام	۶	جوال ۷۵ کیلو	...	...	...	...	۶۲	۳۷۲	...	...	...	...	...	...	۶۲	۴۶۵۰	۳۷۲
	قیسی و میوه خشک	۱۰٫۳ شاهی	۸۷	۷۵	۲۶۲	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۷۵	۶۰۲۵	۲۶۲
	پنبه	۴	لنگه ۱۰۰	...	...	...	...	۶۰	۲۴۰	...	...	...	...	...	...	۶۰	۶۰۰۰	۲۴۰
	مازو	۵	جوال ۱۰۰	...	...	۱۵۰	۷۵۰	۳۲	۱۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۸۲	۱۸۲۰۰	۹۱۰
	چوب گردو	۵	۶۲ [illegible]	...	...	...	...	۱۳۲	۶۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۳۲	۸۱۸۴	۶۶۰
	زرنیخ	۸	جوال ۱۱۲ کیلو	۳۰	۲۴۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۳۰	۳۳۶۰	۲۴۰
	قلم	۹	لنگه ۷۵	۱۰۴	۹۳۶	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۰۴	۷۸۰۰	۹۳۶
	کشمش	۲	صندوق ۶۲	...	...	۴۷۹	۹۵۸	...	...	...	...	...	...	...	...	۴۷۹	۲۹۶۹۸	۹۵۸
	برنج	۴	جوال ۱۰۰	۱۴۵	۵۸۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۴۵	۱۴۵۰۰	۵۸۰
	تنباکو	۹	لنگه ۱۱۲	۱۵٫۱۸۰	۱۳۶۶۲	...	...	...	...	...	...	۳۲۶	۲۹۳۴	...	...	۱۵۵۰۶	۱۷۳۶۶۷۲	۱۲۹٫۵۵۴
	کتیرا	۶	جوال ۶۲	...	...	۵۵	۲۲۰	...	...	...	...	...	...	...	...	۵۵	۳۴۱۰	۲۲۰
	جمع	...	...	۱۵٫۵۲۴	۱۳۸۶۳۸	۶۸۴	۲۰۳۸	۲۸۶	۱۴۳۲	...	...	۳۲۶	۲۹۳۴	...	...	۱۶٫۸۳۰	۱۸۳۸۹۹۹	۱۴۵٫۰۴۲
محصولات حیوانی	روده	۱۰	صندوق ۱۰۰ کیلو	...	...	...	...	...	...	۱۵۰	۱۵۰۰	...	...	...	...	۱۵۰	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰
	تخم ابریشم	۷۵	لنگه ۶۲	۱۶	۱۲۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۱۶	۹۹۲	۱۲۰۰
	پوست	۶	۱۰۰	...	...	...	...	۳۰۰	۲۴۰۰	...	...	...	...	...	...	۳۰۰	۳۰۰۰۰	۲۴۰۰
	موم	۱۰	۱۰۰	...	...	...	...	۷۰	۷۰۰	...	...	...	...	...	...	۷۰	۷۰۰۰	۷۰۰
	پشم	۱۰٫۴ شاهی	۱۰۰	...	...	...	...	۵۴۰	۲۴۳۰	۱۰۸	۴۸۶	...	...	...	...	۶۴۸	۶۴۸۰۰	۲۹۱۶
	جمع	...	...	۱۶	۱۲۰۰	...	...	۱۰۱۰	۵۵۳۰	۲۵۸	۱۹۸۶	...	...	...	...	۱۲۸۴	۱۲۷۷۹۲	۸۷۱۶
مصنوعات	قالی	۲۰	لنگه ۱۱۲ کیلو	۴۲۳	۸۴۶۰	۱۰۹۲	۲۱۸۴۰	۶۲۰	۱۲۴۰۰	۶۹	۱۳۸۰	...	...	۲۵	۵۰۰	۲۲۳۰	۲۴۹۷۶۰	۴۴۶۰۰
	چیت (اصفهان)	۳۰	۷۵	۶۶	۱۹۸۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۶	۴۹۵۰	۱۹۸۰
	عبا	۵۰	۷۵	۶۰	۳۰۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۰	۴۵۰۰	۳۰۰۰
	شال	۱۵۰	۱۰۰	۶۱۷	۹۲۵۵۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۶۱۷	۶۱۷۰۰	۹۲۵۵۰
	حریر	۱۵۰	۷۵	۹	۱۳۵۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۹	۶۷۵	۱۳۵۰
	ابریشم	۱۰۰	۷۵	۵۷۹	۵۷۹۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	۵۷۹	۴۳۴۲۵	۵۷۹۰۰
	لاس	۲۰	۷۵	...	...	...	...	۱۵۸	۳۱۶۰	...	...	...	...	...	...	۱۵۸	۱۱۸۵۰	۳۱۶۰
	جمع	...	...	۱۷۵۴	۱۶۵۲۳۰	۱۰۹۲	۲۱۸۴۰	۷۷۸	۱۵۵۶۰	۶۹	۱۳۸۰	...	...	۲۵	۵۰۰	۳۷۱۹	۳۷۶۷۶۰	۲۰۴۵۴۰
	انیکه	۳۰	صندوق ۱۰۰ کیلو	...	...	...	...	۲۰	۶۰۰	۵۱	۱۵۳۰	...	...	۱۰	۳۰۰	۸۱	۸۱۰۰	۲۴۳۰
	مختلفه	۳	۱۰۰	۸۳۷	۲۵۱۱	۲۵	۷۵	۲۸	۸۴	۱۸	۵۴	...	...	...	...	۹۰۸	۹۰۸۰۰	۲۷۲۴
	جمع	...	...	۸۳۷	۲۵۱۱	۲۵	۷۵	۴۸	۶۸۴	۶۹	۱۵۸۴	...	...	۱۰	۳۰۰	۹۸۹	۹۸۹۰۰	۵۱۵۴
	جمع کل اخراجات ممالک			۱۸۱۴۱	۲۰۷۵۸۹	۱۸۰۲	۲۳۹۷۲	۲۱۲۴	۲۳۲۰۶	۲۹۶	۴۹۵۰	۳۲۶	۲۹۳۴	۲۵	۸۰۰	۲۲۸۷۲	۲۲۴۲۵۵۱	۳۶۲۲۵۲

هو الباقی ...

بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی

تعاونوا بالبر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان

المؤید بتایید الملک الجبار ... [illegible]

[illegible] ... نفس ... [illegible]

و سبیل الله ... لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون ... [illegible]

بالحسنة فله عشر امثالها ... [illegible] ... مثل الذین ینفقون

کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء ... [illegible]

[illegible] ... وجدنا وما ... [illegible] ... حضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... کتبه ... [illegible]

... [illegible] ... رب ... [illegible]

فهرست معاهدات و قرارنامها و نامجات و عدد صحایف و وقوع انها در سنوات هجریه مطابق با سنوات مسیحی			
معاهدات	صفحه	سنوات هجری	سنوات مسیحی
معاهدهٔ جناب خاتم انبیاء (ص) با طایفه ارامنه و یهود	١	٣	
معاهدهٔ حضرت امیرالمؤمنین (ع) با طایفه نصاری و ارامنه	٧	٤٠	
معاهدات سلاطین ایران با دول متحابه (عنوان) ایران با عثمانی			
معاهدات	صفحه	سنوات هجری	سنوات مسیحی
عهدنامهٔ شاه صفی صفوی با سلطان مراد رابع پادشاه عثمانی	١١	١٠٤٩	١٦٣٩
عهدنامهٔ نادرشاه با سلطان محمودخان اول پادشاه عثمانی	١٥	١١٥٠	١٧٣٧
عهدنامهٔ فتحعلی شاه قاجار با سلطان محمودخان ثانی پادشاه عثمانی	١٩	١٢٣٨	١٨٢٣

معاهدات	صفحه	هجری	مسیحی
عهدنامهٔ محمدشاه مرحوم با سلطان عبدالمجیدخان پادشاه روم	٢٥	١٢٦٣	١٨٣٤
ایران با روس			
عهدنامهٔ فتحعلی شاه طاب الله ثراه	٣٠	١٢٢٨	١٨١٣
عهدنامهٔ فتحعلی شاه جنگ خاتمه	٤٠	١٢٤٣	١٨٢٨
عهدنامهٔ فتحعلی شاه جنگ ازامکاه تجارتی	٤٩	١٢٤٣	١٨٢٨
قرارنامهٔ تشریفات	٥٤	١٢٤٣	١٨٢٧
قرارنامهٔ افلاس	٦٢	١٢٥٩	١٨٤٣
قرارنامهٔ سرحدات	٦٦	١٢٦٠	١٨٤٤
ایران با انگلیس			

معاهدات	صفحه	هجری	مسیحی
عهدنامهٔ فتحعلی شاه طاب ثراه با دولت انگلیس	۶۷	۱۲۲۴	۱۸۰۹
عهدنامه فتحعلی شاه مغفور با دولت انگلیس	۷۲	۱۲۲۷	۱۸۱۲
عهدنامه محمد شاه طاب ثراه با دولت انگلیس	۷۸	۱۲۵۷	۱۸۳۱
قرارنامهٔ غلام و کنیز در عهد ناصرالدین شاه با انگلیس	۸۱	۱۲۶۷	۱۸۵۰
قرارنامه در باب هرات ایران و انگلیس	۸۲	۱۲۶۹	۱۸۵۲
مصالحه نامهٔ ناصرالدین شاه با دولت انگلیس	۸۶	۱۲۷۳	۱۸۵۶
ایران با فرانسه			
عهدنامه فتحعلی شاه با امپراطور فرانسه	۹۱	۱۲۲۲	۱۸۰۷
عهدنامه ناصرالدین شاه با امپراطور فرانسه	۹۷	۱۲۷۱	۱۸۵۵

معاهدات	صفحه	هجری	مسیحی
ایران با اطریش			
عهدنامه ناصرالدین شاه با امپراطور اطریش	۱۰۱	۱۲۷۳	۱۸۵۸
ایران با امریک			
عهدنامهٔ محمد شاه مرحوم با امریک شمالی	۱۱۰	۱۲۵۷	۱۸۴۱
ایران با بلجیک			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با لیوپولد اول پادشاه بلجیک	۱۱۴	۱۲۷۳	۱۸۵۷
ایران با پروس			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه	۱۲۳	۱۲۷۳	۱۸۵۷
ایران با ساردانیا			

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با ساردینیا	۱۲۹	۱۲۷۳	۱۲۵۷
ایران با اسپانیول			
عهدنامهٔ محمد شاه طاب ثراه	۱۳۳	۱۲۵۸	۱۸۴۲
ایران با هولند			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با کلیوم سیم	۱۳۸	۱۲۷۳	۱۸۵۷
ایران با دانیمارک			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با فردریک هفتم	۱۴۱	۱۲۷۴	۱۸۵۸
ایران با سوید و نورویج			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه	۱۴۳	۱۲۷۵	۱۸۵۸

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
ایران با یونان			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه با یونان	۱۴۹	۱۲۷۸	۱۸۶۱
ایران با ایتالیا			
عهدنامهٔ ناصرالدین شاه	۱۵۷	۱۲۷۹	۱۸۶۲
ایران با عثمانی			
قرارنامهٔ تلغرافیه	۱۶۶	۱۲۸۰	۱۸۶۳
عهدنامهٔ منعقده فیمابین دول خمسه بعد از محاربهٔ سبواستاپول			
عهدنامهٔ منعقده در فوق	۱۷۰	۱۲۷۳	۱۸۵۶
ترجمهٔ کاغذ ناپلیون سیم فرانسه به امپراطور روس	۱۷۲	۱۲۷۱	۱۸۵۴

٧

معاهدات	صفحات	هجری	مسیحی
وصیت‌نامهٔ پطر کبیر پادشاه روسیه	١٨٢		
قانون‌نامهٔ دولت عثمانی در باب تملک املاک به تبعهٔ دول خارجه در خاک [illegible]			
ترجمهٔ قانون‌نامهٔ فوق	١٨٥	١٢٨۴	١٨٦٧
ایران با عثمانی			
سوادِ عهدنامه [illegible] که مضامین آن [illegible]	١٩٣	١٢٨٥	١٨٦٨
ایران با انگلیس			
قرارنامهٔ تلغرافیه	٢٠٢	١٢٨٩	١٨٧٢
ایران با کمپانی انگلیس			
قرارنامهٔ راه آهن با بارون دو رویتر	٢١٢	١٢٨٩	١٨٧٢
فرانسه با روس			
قرار عهدنامه در باب حقوق قونسولها	٢٢٥	١٢٩١	١٨٧۴

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتابیست معروف و سجلی است مشهور و سندیست مضبوط و عهدیست که
رعایت آن واجب است از برای جمیع امت از نصرانیه و غیرهم که در اطراف
و اکناف عالم از طرف شرق و غرب عرب و عجم یا از جانب بلاد عرب ساکنند
خواه نزدیک باشند به بلاد اسلام و خواه دور مردمان بایشان راه برند باشند
و معتبر است و عهدنامه ایست لازم الاطاعه و حفظ و پاس داشت آن بر سر اهل
اسلام متحتم است چرا که رعایت این امر و این وصیت را بر ذمه خود لازم
شناسند اعتقاد او بمذهب اهل بیت راسخ خواهد بود و واجب و سزاوار
ثواب خواهد داشت و کسیکه اهل تضییع و شکست این عهد شود و مخالفت نماید
و در گذرد از آنچه امر کرده باشند باو پس اگر کسی عهدی که بسته در نقض
و شکست عهد و پیمان خدای عز و جل و خوار و ذلیل مخلد باشند و سزاوار
لعنت گردد خواه از افراد سلاطین و غیره باشند و خواه رعیت باشند از مؤمنان
و مسلمانان پس شروع کردم در این عهدنامه بذکر پیمان و میثاق که از جانب نصارا
مامور شدم و بستم این عهد و پیمان را بسبب آنکه ایشان عهد و پیمان خواستند از
پیغمبران رسل حق و هیچ کار از کارها مقرب را نمیرسند که رعایت طاعت و اتیان
فرائض مؤکده باشند پس آنکه اهل [illegible] باشند باید وفا بعهد معهود نمایند و
نگاه داشت ایشان نمایند و اعانت ایشان را نیز من برخود لازم دانسته در هر جا
که باشند خواه در بر و خواه در بحر [illegible] جماعت ایشان و معبد ایشان و جاهائی

که ایشان

که ایشان عبادت پروردگار نمایند جائیکه مرده و رهبانان و کشیشان میباشند و در هر
مکانی که از امثال کوه یا جاده و بیابانها و غارها و شکستها و هموار و [illegible]
باشند حفظ و نگاهداشت این جماعت دین ایشان و ملک ایشان نمایند اگر
در طرف مغرب و اگر در طرف شرق اگر در دریا و اگر در خشکی اینکه رعایت حال
ایشان نمایند باید که این گروه مراد اهل دین امن و امان بخود دانند و از هر آزاری
و کروهی که بایشان رساند لازم حفظ و محافظت ایشان را بر خود لازم شناسند
چرا که ایشان رعیت منند و اهل ذمه منند و اتباع و اعوان اهل اسلام [illegible]
و اجتناب در رعایت و حفظ و حراست ایشان از هر کروهی و آزاری و درد
که بایشان برسد [illegible] باید که در مطالبات و خراج بیش از قدر طاقت
ایشان طلب ننمایند و از آنچه ایشان بآن راضی شوند [illegible] و ظلم و ستم بایشان
نکنند و تغییر ندهند [illegible] ایشان را و کشیشان را از [illegible]
منع از این و مذهبی که دارند [illegible] و در صومعه و معبد خود هر طریق که خواهند
عبادت کنند و در تخریب و انهدام [illegible] ایشان [illegible]
عمارت ایشان را داخل مساجد و بیوت اهل اسلام [illegible]
[illegible] ایشان پس کسیکه [illegible]
عهد و [illegible] خدا و رسول [illegible] و از ایشان [illegible]
از چهار درهم [illegible] خراج طلب ننمایند [illegible]
ایشان حاصل [illegible]
در معرف معین [illegible] ایشان طلب ننمایند [illegible]

عبارت صحیح است
با نکات در متن نوشته
غلط است [illegible]
[illegible]

تجارت و من حیث جهت خواه در بحر و بر تعرض نمی نمایند و خواه معدن جواهر و طلا
و نقره و مال بسیار داشته باشند بالمره از هر اراده و درهم پس اگر کسی در آن اراضی
پر نشده باشند و اطاعت آن مذهب نیز نداشته باشند از ایشان چیزی به جبر
طلب ندارند و از جور و ظلم و ستم دایمی احتراز نمایند بالمره از هر اراده و درهم طلب
ندارند بر طبق شرط و قایم مقام باشند و از اهل ذمه آن حضرت را انکار [illegible] باشند
و از مسکن جلاء ننمایند و جای دیگر مقامی نداشته باشند جبر و جور و طلب ندارند که
اگر در دست ایشان از میراث یا غیره چیزی باشد که مال و حق امام در آن باشد
پس آن حق را از او طلب ندارند و جبر و ستم بر او روا ندارند که نقد و طاقت او
و طمع در تجارت و زراعت و غیره او ننمایند و اهل ذمه را تکلیف نکنند که با سلطان
اتفاق نمایند در دفع اعدای دین و در محاربه و سنت شده که مسلمانان را اگر جنگی
واقع شود اهل ذمه را جبر نمایند که با ایشان به همراه خروج نمایند و اگر ایشان را
دشمنی واقع شود و مسلمانان [illegible] و صلاح محاربه را از ایشان تقصیر نکنند پس
[illegible] واحدی از اهل ذمه را اعتدی و جبر
بسلام [illegible] نمایند که بر یکدیگر [illegible] و مال رحمت و ملاطفت خود را
بر ایشان گسترده و دفع ضرر اهل شر را از ایشان نمایند در هر مکان و جایی که باشند
و اگر یکی از اهل ذمه خیانتی نماید در قتل و غیره [illegible] لازم نداشته
که [illegible] الله از او طلب ننمایند و طریق [illegible] ایشان جاری دارند
و از [illegible] عهد و [illegible]
و اعطای جزیه و خراج اهل [illegible] ایشان [illegible] نمایند و ایشان را [illegible]

اسلام

اسلام هیچ وجه مزاحمت و مکلف نبوده تا از زنان ایشان [illegible] مسلمانان متعدی
ازدواج و انکار ایشان را با رخصت ایشان [illegible] نموده و اگر [illegible] رضا
و رغبت خود در حباله مسلمانان درآیند و نکاح مسلمانان در [illegible] عقد [illegible]
و غیره [illegible] رضای زنان ایشان [illegible] دارند [illegible]
[illegible] و بعد از آن که در نکاح ایشان درآید از آن [illegible] حق و الا [illegible]
و منع از عبادت خانه [illegible] ننمایند و در دین و آیین خود بدان طریق که خواهد
سلوک نماید و از اقتدا [illegible] آن زن را منع ننمایند [illegible]
نمایند در ترک [illegible] دارد پس اگر کسی [illegible]
تکلیف نماید مخالفت خدا [illegible]
رسول خدا [illegible]
و [illegible] و عبادت خانها و صومعه‌ها که داشته باشند در [illegible]
[illegible] مسلمانان معاونت و امداد خود را [illegible] دریغ ندارند و [illegible]
از [illegible] و رحمت [illegible] چون ایشان اطاعت کرده‌اند و [illegible]
و در پناه آمده لهذا اعانت و امداد ایشان در هر باب لازم [illegible]
[illegible] از ایشان [illegible] مسلمانان [illegible]
و اگر اعانت و امداد [illegible] نمایند قبول دارند پس اگر [illegible]
[illegible] باشند [illegible] رسول الله [illegible] باشند و [illegible]
عهد باشند این شرط حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible]
شرط نامه [illegible] حضرت با ایشان [illegible]

(۵)

انجام دهند امری چند که اهل ذمه بر ذمه خود واجب دانند و تخلف از آن جایز ندانند
و وفا بعهد و پیمان نمایند یکی آنکه مقاومت مشرکین اهل حرب آشکار و پنهان
ننمایند و دشمنان مسلمانان را در خانه خود راه ندهند که در محل فرصت با اهل
اسلام دست یابند و اهل حرب را در خانه و صومعه خود فرود نیاورند و اهل
حرب را یاری و امداد ننمایند بسلاح تیر و شمشیر و اسب و غیره و طریق کید
مشرکین را بدهند و مال خود را امانت با ایشان نسپرند و صاحب خود را نزد اهل
حرب نبرند و بزبان و دست امداد اهل حرب ننمایند و ضیافت اهل حرب
نکنند مگر در بلادی که تقیه لازم باشد و اگر مسلمانان در حوالی ایشان واقع شوند
تا سه روز و سه شب رعایت او را بر خود لازم دانند و زیاده لازم نیست و از آن
دگر وهم اهل شر را از مسلمانان دور گردانند و اگر احتیاج افتد به پنهان
کردن یکی از مسلمانان در منازل و اطاق و عمارات خود او را جای دهند
و مواسات نمایند و در معاش و غیره مادام که پنهان باشند تغافل جایز ندارند
و فرزندان و ازواج مسلمانان بدشمنان دین ننمایند و نشان ندهند و از [illegible] بوده
در گذرند پس کسی از اهل ذمه هر دو امری از این امور تهاون و تقصیر نماید شرط
و عهد را باطل نموده باشد پس بیزار است از او خدای تعالی و رسول
با او خصمی خواهند نمود پس وفا بعهد و شرط را بر خود لازم و واجب شمرند تا
روز جزا که خدای تعالی خواسته بود شاهد است باین عهدنامه این خط که در
میان خوانده بر رهبانان و روسا راست حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه
و آله و سلم نوشته و شرط نامه در میان ماند

(۶)

حسب الفرموده حضرت رسول خدا احمد مصطفی صلی الله علیه و آله نوشت این عهدنامه را
در روز دوشنبه چهارم ماه که گذشته از سال چهارم از هجرت کاتب است شهادت
حق سبحانه و تعالی بآنچه در این کتاب نوشته شد است من بدل منها فعلیه لعنة الله ع

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین

ترجمه عهدنامه ایست که هشام بن عتبه بن ابی وقاص بعزّ زره حضرت اسد الله الغالب

مطلوب کل طالب علی ابن ابیطالب علیه السلام بخط کوفی در مدینه قبل الشهر

[illegible] الکفار علی نبینا و آله و علیه السلام نوشته شد در ماه صفر المظفر از [illegible] سنه

من الهجرة النبویه

به درستی که جماعتی از علمای طایفه نصاری اند و ایشانند صاحب عقد بعضی از ایشان

عاقب و سید عتبة الشوع و ابن محسن و ابراهیم الراهب و عیسی الاسقف

با چهل نفس از اکابر طایفه نصاری که راهب بودند در عاقبت عهد من و [illegible]

می نمودند آنچه را که به قلعه ها و در بندها می فرستادم پس به سبب این [illegible] و فا

و صاحب [illegible] و عهد کرده ام با ایشان از جانب خود و جمیع اهل اسلام

از شرق تا مغرب [illegible] که [illegible] ایشان [illegible] ما دام [illegible]

و بعد از وفات من و دین ایشان ثابت و دعوت ایشان ظاهر شود و رعایت

عهد و پیمان من بر جمیع پادشاهان عالم از مسلمانان [illegible] و این واجب است [illegible]

[illegible] که [illegible] را ما دام که [illegible] باران [illegible] و از [illegible]

و [illegible] و جمیع از [illegible] ظاهر شود و [illegible] که [illegible] عهد

مرا و نه نقض کند و نه زیاد نماید و نه نقصان به رسانید نماید نمودن در او فساد

هر که عهد مرا و نقصان هر که از اوامر مرا و بدل نمودن این عهدنامه و مکر

و حیله نموده باشند بر چیزی که با ایشان داده ام باطل کرده و خلف کند مرا از

این عهد [illegible] عهد خدا [illegible] و تعالی را و محبت می گیرد خدای را

و کافی است شهادت سید و اسقف و حضور [illegible] ایشان مذکور شد و اگر

نصاری [illegible] نوشته مرا تا آنکه در عهد و پیمان و امان باشند هر جمیع

اهل نصاری را که آرام گرفته اند در [illegible] و در این عهدنامه ایشان [illegible]

است میان نصاری و مسلمانان و ایشان و [illegible] از من به چیزی عهد کردم و

دادم با ایشان [illegible] خوشنودی خاطر و دوست می دارم این عهدنامه [illegible]

مادام که حال ایشان مستقیم [illegible] و از شرائط ذمه [illegible] باز دارند خود را

از ایذا و اهانت [illegible] و اگر [illegible] شرط ذمه را [illegible]

مسلمانان [illegible] را [illegible] بزرگان مسلمانان و [illegible]

و تا کید [illegible] عهد را که جماعت نصاری از من طلب کردند و اراده [illegible] نوشتم از

برای ایشان شرطی [illegible] از ایشان [illegible] از مسلمانان پادشاه و [illegible]

پادشاه نقض عهد و پیمان [illegible] و ایذا ایشان کند این عهدنامه [illegible]

[illegible] پادشاه است [illegible] چیزی را که امر کرده ام تا آنکه [illegible]

[illegible] امر من و فا را [illegible] عهد من [illegible] نصاری [illegible]

[illegible] با ایشان [illegible] لکن [illegible] و جمیع مسلمانان [illegible]

[illegible] مسلمانان واجب [illegible] نصاری [illegible] عهد را

در بیشان کرده ام تا اینکه داخل شوند در باب وفاداری نمایند بر چیزی که
به ایشان مکافات نمودم بدین شرط و عهد نامه و این عهد نامه بوده است الا
کسی را قبول نماید و خشم کننده است مر دروغ گویان و اهل شک را و تا اینکه
چیزی نباشد نصاری را بر اینکه از ان جماعت در برابر اسلام اراسته شدند و
مخالفت نمودن ان چیزی را که اراسته و نوشته ام درین کتاب و وفا نمودن نصاری
بر ان چیز و مستوجب دشمنی ان شده لهذا باعث ان می شود در اینکه خدا امر
نموده منع ایشان را در دیگر که دشمنی ایشان را و امر نماید که جماعت دار یکی
جایز دارد از بهر دروغ شوند پس عهد کردم و پیمان منعقد کردم که ان کسانی که
سوال کردند و خواستند از من و از جمیع دوستان من از مسلمانان و دادم
بایشان عهد و پیمان خدا را از انبیا و اصفیا و اولیا از مسلمانان و مومنان
اولین و اخرین و گواه بگیرم ان چیزی را که فرستاده است خدا بر پیغمبران مرسل
و فرشتگان مقرب از حق طاعت و بجا اوردن و وفا نمودن بر عهد خدا
و رعایای نشستند نصاری را اینکه ... من بر ایشان تسلط دارم پس بر من
واجب است حمایت کنم و نگاه دارم ایشان را از هر بدی و ایذا و اهانت
... و اصحاب مرده پراکنده اند در بقیه اسلام و انچه از چیزی بر فساد راه یابند
... غازیان و ... باید علی نمایند دیگر ... و اگر او ... کند و ...
... ایشان را و ... ایشان را از ... و نه نصرانی از نصرانیت
و تغییر ندهند راهبان را از صومعه خویش و منع ننمایند سیاحان و ...
کنندگان ایشان را و خراب نکنند خانه از خانه های عبادت و دیرهای ایشان را

و داخل

و داخل ننمایند چیزی از خانه های ایشان را در بنای مساجد و خانه های خود و باز نداریم
ناقوس ایشان را و گردانیدم این عهد نامه را اختیار بر ایشان و شرط سخت کرده ام که اینها
... در میان ایشان پس اگر کسی مخالفت کند چیزی را که ... است به اسلام و ...
است چیزی را و ان را ضایع سازد این عهد و شرط را و مخالفت کند و ...
در گذرد عهد و پیمان خدا را شکسته است و مستوجب لعنت می شود پادشاه باشد یا غیر آن
از مومنان و مسلمانان چیزی ... کننده کسی اگر ... نصرانی ... از اسلام ...
کند بر ایشان مگر از روی لطف و احسان و بالند بر ایشان بال رحمت را و باز دارند
بدی را از ایشان در هر جا که پیدا باشند و در هر مکان که باشند و اگر ...
محتاج شوند به مسلمانان در مرمت عبادت خانه و صومعه و مصلی شهر و دیار
و خانه های مسلمانان باید مدد نمایند ایشان را و بدهند بایشان و یاری نمایند
به حصه از بیت المال و از اطراف قرض حسب ... احسان
و تقرب بر صلح کار ایشان و وفا ... است از برای ایشان و منت خدا
و رسول خدا را بر ایشان و ان کس که مخالفت این شرط کند ظالم است و بر پیغمبر خدا
عاصی است و از حق رسول خدا ... است و از او ... که
وفا نماید و تمام کند این شرائط را که قرار دادم و به امیر المومنین علی بن ابی طالب
علیه السلام ... کند بر انچه بر ایشان قرار داده است او و بر مسلمانان است
و رعایت کند این را و مخالفت ننماید تا کسی برسد ... و ساعت ...

... والحمد لله رب العالمین

والسلام

سلطان
۳۹ [illegible]
[illegible]

هو الله تعالی شأنه العزیز

صورت عهدنامه که در سنه ۱۰۴۹ هجری فیمابین جنت جایگاه شاه صفی طاب ثراه
و سلطان مراد رابع سلطان عثمانی منعقد گردیده

بسم الله الرحمن الرحیم لاحول ولاقوة الا بالله بیده مقالید الامور و نفحه رزقه
کل شیء و الصلوة و السلام علی نبیه الکریم محمد افضل من اوتی الحکمة و فصل الخطاب
و علی آله الکرام و اصحابه العظام خیر الآل خیر الاصحاب   چون مشیت جناب
ذو العرش المجید و اراده حضرت فعال لما یرید انتظام عالم و رتق و فتق
امور بنی آدم منطوق آیه کریمه الذین جاهدوا و نظم کریم والموفون بعهدهم اذا عاهدوا
اولان سلاطین روی زمین و خواقین ذوی ... قربت تراضی و التعارف ده
بسته و موقوف اولوب زیر جناح حمایتلرنده ممالک اسلامیه یوردن
ایمن و سالک مؤمنین کمال امن و سلامته رهین اولهکلوب خصوصا انی جاعلک
خلیفة فی الارض رتبه عالیه سلطنت کبری مزی و طبقه سامیه مزی منبع اقبالیه
جمیع طبقاتنه ایدوب خدمت حرمین الشریفین شرفهما الله تعالی سعادتیله ابدا
قرین صفات مزه شرف و متابعت سنت سنیه حضرت رسول الثقلین صلی الله
تعالی علیه و سلم ایله دایره دولت و سلطنت مزه وسعت و بسطت ویرن
درون صفا مشحونمزی انوار محبت آل و اصحاب ایله مجلا و مصفا و پرتوی
طریق پر توفیقلرین سبب رستگاری روز جزا اولوب فاحکم بین الناس بالعدل
فحواسی اوزره ممالک محروسه عدل و داد و جهاد و جاهدوا فی الله حق جهاده امر لازم
الاتباعی اوزره مسالک ممالک غزا و جهاد ایدوب ان تنصروا الله ینصرکم فحوای

شریفی

شریفی و اندیشه مز مقتضای لطیفی ایله عمل همیشه کار و پیشه مز اولمغله شیر ظفر قرین
بحری رزم ... کف ... دیکون ... و کرد مرد ممالک محروسه حصن حصین
... ایام دولت روز افزون مزه ثبات و دوام سلسله سلطنت عالیه مزه ابد
الدهر استقرار و استحکام ولاحق ... لا تعد ... قدسیه ذاته در خاطر عاطرت
معالی منقبت سامی رتبت گرامی منزلت مسند نشین اقلیم ایران حارس فارس خاندان
فلک ... شاه صفی دام منظوراتی جنابینه ایلچی حضور مصافات ظهور دعوات
صافیات و تسلیمات وافیات اتحاف و اهدا ایتمدن صکره ... استحکام
بودرکه جنبه ... ورود ... سنیه عالم مدار مزه بین الاعیان مجروح
زرف ... ایلچی ... اولوب خلاصه مدعای
... اجتماع ... الفت ... و بیان و التیام مجلد
محبت ... بر تقریر و بیان ایدوب صراط مستقیم مصافاته مهتدی
... اوله طالب صلح و صلاح ... فوز و فلاح
اولوب وکیل مطلق وزیر اعظم جلیل القدر جانب سردار و سپهسالار بر
اولان ... اکرم ... نظام العالم ناظم مناظم الامم مصطفی پاشا ادام الله
تعالی اجلاله به ... و مصالحه ... و المغربین ... زنیده رشیده
... انتظام امور جمهور ... تقید قضای
... خصوص ... اولنوب ... اولان
اولان ... ایدوب ... جانب ... مستقل اولان
... حضور ... اولوب ... اولان

صوالری اوجانب همایونزه اولوب وبانده اولان طاغ اوته طرفنه قالوب
ودرنه ودره تکه بیلی باشی سنوری تعیین اولنوب وجانب همایونزه اولدوغی جانب
حیثیت ایله بونلرن منبعی الدین داره وناقبیر اولنور قبیله لری طرف سرینزه اولوب
بره دوزه قلعه سی اوطه طرفنه قالوب طاغ اورده سنده واقع اولان زنجیر قلعه سی
هدم وخراب اولوب قلعه مهد وسرحد بولنمسی خرابه طرفنده اولان گوجکراجق
جانبنه اوله وشهرزور قربنده ظالم قلعه سنک اوطه سنده واقع اولان طاغ بران
قلعه مز بوربیناطر اولان اطرافی جانب همایونزه ضبط اولنوب داود رمان
قلعه سی توابعی گورجی ایله اوته طرفنه قالدیغی شهرزور دره جیقان گدوکی سنوره
اولوب قزلجه وتوابعی ایله جانب همایونزه ضبط اولنوب وحصار توابعی
ایله اوطه طرفنه قالدقدن صکره قزوداره قارص جانبنده مغازه و قلعه
ارض طرفیندن نفوذ بولنی اوزره قرار ویرلملکن شار الیهماک بر شروح ایله
کلی قبول وقرار ومراجعه اولنه بکریوده بعد معاهده ومصافات مراسمی رعایت
ومراسات ومراعات لوازم صحبت اولوب اما مره وقلعه ورد دیه
تعهد ایده دکلوز ودکز دفعدن اما اجتناب ایده دکلوز اول نامزه
تفحص ایدوب جنا کزدن کلان وسیله محترمه مقبول همایونزه اولمش ایسه
ایله دولت اجلال ایکاز الوعد مزیداللامی المجد محض بریش علایق وحسب
دارامش مالک دوطار ایکی ان بر وجه قرار داده ومصلحت شرطه واصل دیه
قبول اولنوب منوال شرطه مقرر حدیده قطع دینین اذ بان سنوره وحدوده
داخلنده واقع اوله جانب همایونزه شفقت ومرحمت وعنایت ایله مرزله

مجر

مجریان وممالکدن مجرب اولان عجم ومراضندن وصحاریدن داراضنیدن
قزلباش طایفه سی اهالی حکمدن بر وجه اگر اراضی معرفتیله دراسی اولوب
قپولرندن مستقلا نحه توابع ولواحقیه برگلان بارگاه اعلامزه معتمدان
درگاه معلامز ضبط ایدنده اوله وذکر اولنان مراد ودولت ابجه وقارص ووان
وشهرزور وبغداد وبصره نکه وسایر سنور ایله داخل اولان قلاع وبقاع ولالوار
دار ارض وصحاری وبراری وتلال وجبال اوطه طرفندن دخل وتعرض اولنمیه ایه
ضبط مزلاداده قالا برای جنبه شاهان سعادت افزا قرنده اسلا فکره کوربلان
عهد انک جلیله ده مستقره ومرضیه س الذین الضعیفه کلا فضیحه س اوزره ایه
حکومت ایده بعض اکثره اداما ساح حاث شیخین وحی النورین ورزوجه
مطهره رسول الثقلین وسایر اصحاب کزین ورائه محمد بن رضوان السرالف
علیهم اجمعین حضراتنه زبان دراز نقره رعیت وزبوب منع اولنمیه دکه
ویره جهد رعیت ده ولیوب هر بر وجه قرار داده الی انقضاء القرون
ثبات وقرار ایله مقرون اولده دانیره جانب کزدن خلاف عهد ومیثاق
ورجب اختلاف ونفاق بر وضع ظاهر اولدقده اوله طرف
کامل ارشف بارها نامزدن وحری سراسل مذکور مجهور وسطور اولان شروط
وقیوده رعایت قلنوب اولوکت کرده تعرض اولنیا ایکن ارسال اولنان
عهدنامه کز منطقتی سده ایبر ایسه همایون صدق سنوران برکشیده دولتک بکو
ومیان ... قلنمش دره بنده خصوصیت بر طرف ده مکاتب مراسم الفت ووفقت
فزونی مسعفا اوله وسفیر سعد شرف القدر ایلچی طاعت احتیاط ماهانه مرزله

منظور و به جهت ادای آداب رسالتی که از جانب ادا نماید دیگر ان شکوه اجازت
عنایت از جانب عهد و صورت و الطاف از جانب اولیای ناصیه ها یو نز مقرر نمایند تعیین
اولیای درگاه سعادت دستگاه هم شفقت قرین اتفاق را با ایرانیان کار
معقول جمهور دائم محبت ایه هم را نوعی بر وفق اولیای هم را به صلاح ایشان
و بر دولت مقابل جهان ملک عثمان به رب العالمین با النبی و آله الامجاد فی اواسط
شهر شوال ١٠٥٩

صورت عهدنامه نادرشاه و رضا خان جانبین و سلطان محمود خان اول سلطان عثمانی منعقد گردیده ١١٦٠ — عهدی ١٧٤٧

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی رفع عیون الفتن بایقاظ قلوب السلاطین و اجری عیون الامن
بین الانام بانطماس انهار المنافره من بین الخواقین و الاساطین و جمع شملهم
من امور المسلمین واذهب غیظ قلوبهم لتنفیذ عهد و رسم من عادة حفظ العهود و امرهم
بایفاء العهود کما ورد فی کتاب المجید یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود
و الصلوة علی رسوله محمد صاحب المقام المحمود و علی آله و اصحابه لاسیما
خلفاء الراشدین الذین بذلوا فی اصلاح الدین غایة المجهود چون
در شوارع گیرای مصافای شاه و اهالی ایران از مذهب همایون ناپسند علی
قبول سلطنت شده بنابر آنکه از بدو خروج شاه اسماعیل صفوی تا به در رفض
در ایران شیوع و معاندت سلطنت جانبین روم و ایران ظهور رود و قوع داشت
نظر به مذهب حنیفه اهل سنت و جماعت ... را باور گرام و اسلاف عظام بود

از سلطنت

از سلطنت ایشان تحاشی و به ارتکاب الحاح کرد از آن گروه ناشی شد او ... نمود
در درگاه آن طایفه با العدل و دیگران تارک لا طائل و جهت خلافت خلفاء کبار
رضوان الله علیهم قایل شده فیصل مسائل نامی خواهند شد اینان حکم اقدس را
قبول و از حالات سالفه نکول کرده هم حضرت قدر قدرت اعظم سلاطین
جهان و افخم خواقین دوران حضرت سلیمان حشم حمزه حضرت شیید علم ناصر الاسلام
والمسلمین قامع الکفرة والمشرکین خاقان البرین سلطان البحرین نامی اسکندر خادم الحرمین
خادم الحرمین الشریفین برادر جهان داور گرامی درگاه پادشاه اسلام پناه ظل الله
السلطان الغازی سلطان محمود خان خلد الله تعالی ظلال خلافته علی رؤس العالمین
خلیفه اهل اسلام و فروغ شمع دودمان ترکمانیه لهذا به این عزیمت الفت فیما بین
و رفع حجاب عریق و روشن از جانبین فریقین نواب همایون مطالب ... را در
... سابقه مطالبه راست لابد پادشاه اسکندر دستگاه قبول ... گردید
سفرای آنحضرت ... را اسعد بیگ و ... را بغداد رسیده و ...
جلیله مذکوره سابقه موجب نزاع و نزاع ختام خواهند شد فیع ابرام کردید
نواب همایون به جهت محبت ... از ... رابطه گشتیم ... بر رفع
تناقض ورفع شاغل ... و ... سلطه ... ... لکن
بنا بر خواهش آن پادشاه سلیمان مقام و حفظ ناموس اسلام تکالیف ...
مذکور و مطالب سالت مسلوک داشته ... را ... ملک ...
اعلام نمودیم الآن حسب ... از ممالک عراق ... ولایت ... در ... سابقه سلاطین
ترکمان تعلق داشت و به سبب اختلاف اکبر شاه اسماعیل به دولت علیه عثمانیه انتقال

بافتضای اطلاع رسیده که بر طبع اقدس پادشاه اسلام پناه شاق و خلاف
رسم وفاق بنابر آنکه از آن حد مملکت برسم عطیه از آن حضرت بگوره ممالک محروسه
این طرف الحاق یابد آن حضرت را از راه برادری در رد و قبول مختار ساخته
و در نامه همایون که از اندولت والا مصحوب افندی را الابه لطیف افندی عز
وصول یافته اندراج یافته بود که اگر به نظر انور منکر ... و مسائل مذکوره که از
دولت علیه در اجلال ازاله ... رسیده که لیکن عینین را مستعد میدانیم
لکن بنابر بعضی جهات خاطر اقدس مشتمل بر آن است که چون که مواد ... مفتوح شما
از این مطلب نیز برای مزید الفت و استیام اتفاق و اخفا ... که ایام خلد
خلد مراتب سلطان مراد خان رابع مجدد و مقرر گردانند در باب ... دولت
عظمی و اخلاف کرام و اعقاب عظام نسلاً بعد نسل در عرصه روزگار باقی و پایدار
باشد از آنجا که اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه وعده اهتمام بر تجدید ... جلیل
محبت را معقود و مواثق مشید فرموده لهذا نیز مراعات ... دوستی را بر
خود واجب و رضاجوئی خاطر آنحضرت را در این باب ... مطالب و امطلع
ورتب نموده ... نامه مسکیة الختامه ... اسلام را
کمتر از قضا مقرون و مستعدی برای بنای امر صلح ... مقید
... اساس و شرط ... ترتیب ... اید ...
استحکام پذیرفت اساس صلح در زمان خاقان خلد مراتب سلطان مراد خان
رابع واقع شد ... صلح ... مقرر ... جهان
دستور استقرار داشته ... ارکان آن راه ...

مع

و نتیج در بنای ... اینان طرفین و مقرون بصلاح دولتین بر معمول و از امور
در هیچ ... که ... و مساله ... از طرفین احتیاج شده
انشاء الله تعالی ... و مودت و محبت در میان دولتین علیه ... تا زاده
گردیده الی ما بقی الایام و الایام الی یوم القیام قایم و برقرار بعد ... حجاج ایران
و زوار ... بشام ... عازم ... باشند ولاة و حکام ...
ایشان را ... و ... مراعات احوال
را لازم دانند ... از برای تاکید مودت ... سال ... از ...
در ایران و از ایران ... دولت علیه اخراجات ایشان از طرفین داده شود
امرا طرفین ... و ... ایشان ... هر یک ... بطول ...
... ایشان ... حکام ... سرحدات ... دوستی
اخراج ... ایران احوال ... صحیفه
... اصول عقاید و مذهب ... سالک
... مکه معظمه و مدینه منوره ... عالم
اسلام ... کسند از طرف ... حجاج آن مملکت و ... ملا
اسلامیه ... ایشان ... و ... گرفته نشود
و همچنین ... تجارت ... حکام ...
... اقدر شده
... حسب ... ابجم
از اهالی ایران بروم و از روم بایران ... تسلیم شود

لهذا این چند ورقه مسطوره را بمهر داشته عهد نمودیم و مصالحه که در ماده عهد و شروط
مبین بین الدولتین و اعقاب و اخلاف حضرتین مؤبد و برقرار و مخلد پایدار بوده
مادام که از جانب آن دولت علیه امری مخالف عهد و میثاق بظهور نرسد از این طرف
نقض عهد و قواعد این مصالحه نشود فی [illegible] ما [illegible] علی نقضه و هم اوفی بها

کاتبه عبده الراجی [illegible] حرره فی [illegible] شهر محرم الحرام
۱۱۶۰ یکهزار و یکصد و شصت هجری

صورت عهدنامه فیمابین خاقان خلد آشیان مغفور فتحعلی شاه
و سلطان محمود خان ثانی سلطان عثمانی مغفور

مسیح ۱۸۲۲ — ۱۲۳۸

بسم الله الرحمن الرحیم

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب حدوث بعضی حوادثات
در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قریب به
تبدل نقار و خصومت و منجر به تحریک آتش حرب گشته بود بمقتضای حب جامعه اسلامیه
و عدم رضای طرفین به سفک دماء و وقوع آنچه که حوادث و غزاها از لوازم و ملزومات
آنست به دوستی از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و میل شد لهذا
برحسب فرمان اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت کشورگشا گیتی آرا ابن تاج و تخت
جهانبانان و زینت افزای اسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین
خاقان الخاقان ظل الله فی الارضین حافظ حوزه مسلمین [illegible] مطلب [illegible]
دارا و جمشید جاه سلیمان دستگاه و انجم سپاه اسلام پناه و رفعت بخش تخت کیان ملک و ملوک

جهان

جهان تاج بخش شاهنشاه ممالک ایران الخاقان ابن الخاقان الغازی فتحعلی شاه خلد الله
ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه و حکم [illegible] عزت و جلال [illegible]
و جاه و اقتدار [illegible] رکاب کیوان همت برجیس فطنت [illegible] [illegible]
جلال مقتضی [illegible] اقبال [illegible] شاهزاده آزاده ولیعهد دولت علیه ایران عباس میرزا
از طرف این عهد ملوک [illegible] وکالت نامه شاهی [illegible] گشته از جانب
دولت علیه عثمانیه نیز [illegible] خان [illegible] کیوان منزلت [illegible]
نامه از [illegible] اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین
[illegible] السلطان ابن السلطان الغازی سلطان محمود خان ایده الله تعالی
ملکه و اقباله [illegible] کتاب [illegible] [illegible] جلالت کتاب
[illegible] ملکه [illegible] الامور [illegible] الکرم [illegible]
ولایت ارزنه الروم [illegible] شرف [illegible] دوام [illegible]
[illegible] این عهد ملوکانه [illegible] [illegible]
نامه [illegible] که [illegible] مصالحه [illegible] طرفین [illegible]
[illegible] هزار و یکصد و [illegible] موجب مصالحه و عهدنامه [illegible]
[illegible] و شروط [illegible] [illegible]
[illegible] بین الدولتین [illegible]
[illegible] شده [illegible] شرایط
[illegible] الفت و محبت ابدی [illegible] باشد شرایط [illegible] اول

و حکام در ایام بعد در میان هر دو دولت علیه و هر مواد که موجب دوستی و یکجهتی و صفا و سلم
و مصلحت بوده فرع نیابد و آنچه داخل حدود قریب دولت علیه عثمانیه می باشد
چه در اثنای حرب و چه مقدم بران در دست اولیای دولت علیه ایران بر آمده
بجز از قلاع و اراضی و قصبات و قرا که از تاریخ این سنه تا باختتام مدت شصت
روز بطرف دولت عثمانیه تسلیم بعد و مراعات حرمت ایضا که خبر جنگ
گرفتاران طرفین را آنچه کم و اخفا نکنند اسرا کرده و آنچه در اثنای راه محتاج
الیه ایشان شود از نفقات و غیره اعطا شده بسرحدات طرفین ایصال شود
طرفین دولتین علیتین را در امور داخله یکدیگر مداخله جایز نیست خاصه از بغداد
و کردستان و حدود آنها آنچه داخل آنها راجع بحد اسنه و در حیطه محال و از جهات
سنجاق و کردستان داخل حاکم میباشند من الاسباب دو جانب الوجوه از طرف دولت
علیه ایران مداخله و تعرض نکنند و در تصرف سابق و لاحق متصاحب شود
و در حوالی مذکوره اگر از ایلات طرفین به ییلاق و قشلاق عبور نمایند و بابت
رسومات عادیه ییلاقی و قشلاقی و سایر رعایا و عادی و وقوع یابد مابین وکلای
نواب ولیعهد دولت ایران و والی بغداد گفتگو شده رفع نمایند و باعث
کدورت بین الدولتین نباشد   و بایکدیگر از ایلات ایران بجهة گریزند و بینه
مذکوره و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد میکنند مثل حجاج و تجار و زوار و
غیره بین ایلات بلاد اسلامیه رو به معامله نمایند و از ایشان باسم مقرره
و سایر وجوه خلاف قانون شرعیه بهیچ وجه خرج سلطانیه نشود و کذلک از زوار عتبات

عالیات مادامی که مال التجاره نداشته باشند از ایشان چیزی مطالبه باج و غیره نشود
و اگر مال التجاره داشته باشند موافق حساب گمرک سلطانیه بقدر لایق طلب نمایند
و از طرف دولت ایران نسبت بتجار دولت عثمانی و اهالی ایشان بر همین وجه رعایت
نمایند و مقتضای شرایط سابقه قبلیه در حق حجاج و تجار دولت علیه تنفیذ و اجرای
شرایط قدیمه از جانب وزرای عظام و میرمیران کرام و سایر ضابطان و حکام
دولت عثمانی کمال دقت و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین
در ذهاب و ایاب از جانب امین صره همایون نظارت حال ایشان شود و ملاحظه
شرایط مرقومه واقع نگردد و در حمایت ایشان تراخ روا ندیده امین صره همایون
بصرافت صحیحه رو بمیان انداخت توجه برفع آن نمایند و از مخدرات حرم
شاهنشاهی و حرمهای شاهزادهای عظام و سایر اکابر دولت ایران هرکه بسفر و
حج عتبات عالیات میرود هر قدر خور رتبه ایشان حرمت و احترام نمایند و کذلک
در خصوص ممانعت گمرک تجار و اهالی ایران و شهداد الحال دولت علیه عثمانی
معاهده شده و از مال التجارت ایشان که جنس تجارت کنند بعلاوه چهار غروش گمرک
گرفته و بیت المال ایران که دوانزده اموال مسکه از دولت ایشان بیرون بیرون
منتقل نگشته است از ایشان گمرک گرفته نشده و تجار ایران که مال التجاره چون فرخ بر آن
راکه بدار السلطنه اسلامبول و سایر بلاد دوم میآورند از ربح و شری بهای کمتر نقد
انگشار نشود و هر گاه بخواهند بیع نمایند و از تجار و رعایت ولایات دولت علیه
ممالک جانبین آمد و شد مینمایند بمقتضای حکم عادله اسلامیه معامله درست نمایند

از ابتدا و احترام محفوظ باشند

ماده سیم از عشیره حیدرانلو و سپکی که در مابین منازع فیه بوده و امروز در خاک دولت علیه عثمانیه ساکن می‌باشند مادامیکه در تحت اطاعت اگر بعد در ممالک ایران بیایند و ترک داده خسارت زنند سرحدداران ایران منع و زجر ایشان نمایند اگر در آنجا و زد و خسارت است دولت بزند اراضی و اراضی سرحدداران منع نمایند از تصاحب ایشان دولت عثمانیه کف ید نماید و اگر ایشان به رضا و رغبت خود به خاک ایران گذرند دولت عثمانیه ایشان را مانع و تصاحب ننمایند و هرگاه بعد از گذشتن بطرف دولت علیه ایران گذرند باز اگر بخاک عثمانیه بیایند قطعاً قبول و تصاحب از ایشان نشود و در صورتیکه بطرف ایران گذرند اگر از حدود دولت عثمانیه بیاید و ترک داده خسارت زنند سرحدنشینان دولت ایران در منع و زجر ایشان دقت نمایند

ماده چهارم بموجب شرط قدیم قرار شد که از جانبین تصاحب نشود و کذلک از جمله عشایر و ایلات هر کس و هر ایل از دولت عثمانیه به دولت علیه ایران و از دولت علیه ایران به دولت علیه عثمانیه بگذرد و بیاید از گذشتگان تصاحب نشود

ماده پنجم آنچه در دار السلطنه اسلامبول و سایر ممالک دولت عثمانیه اموال تجارت ایران موقوف حاکم شرع در دفتر محفوظ و نگاه داشته شده است از تاریخ این کتاب تا مدت شصت روز [illegible] باشد بعرف دفتر مرقومه و بمعرفت شرع و معتمد دولت

ایران

ایران به صاحبان آنها تسلیم شود و سوای اموال محبوسه آنچه در اثنای وقوع حوادث از حجاج و تجار و زوار و سایر اهالی ایران در ممالک عثمانیه از جانب بعضی وزرا و ضابطان جبراً و قهراً گرفته باشند هرگاه از اقرار و اظهار دولت ایران از دولت علیه فی‌الواقع مطلق آن معهود و وکیل آنها در علیه از اثبات شرعی گرفته تسلیم شود

ماده ششم در ممالک دولت عثمانیه از اهالی ایران کسی که فوت می‌شوند اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند و سوای بیت المال ترکه آن متوفی را بمعرفت شرع در دفتر کرده به ثبت سجل شرعی رسانیده و آن مال را بعینه در محلی امین تا مدت یک سال حفظ نمایند تا وکیل و وصی شرعی او آمده بموجب ثبت سجل شرعیه اشیا متروکه تسلیم شود و در صورتیکه بعد از آنکه اشیا را گرفته باشند و آن اشیا را اگر در مدت مذکوره حق دعوی شود ادعای آن نشود و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظه را امنای بیت المال باطلاع معتمد دولت ایران فروخته ثمن او را محفوظ نمایند

ماده هفتم بموجب شرط سابقه برای تشیید دوستی و مودت در هر سه سال یک نفر از طرفین دولتین علیتین مقیم و مستکف در دار الخلافه بوده و هر کس از طرفین در اثنای حرب بطرفین آمده باشند در حق ایشان بنا بر حرمت مصالحه جز جنایات ایشان اهانت نشود

ماده هشتم آنچه از اسامی و شروط و مواد در فوق مذکور شده به منوال محرره مادامیکه قرارداده شد از طرفین قبول گشته ادعای اموال مسطوره و

خسارات و مصارف حربیه را از جانبین عفو و صرف نظر کرده صرف نظر نمایند
و از جانب دولتین علیتین ایلچیان وسطا از تاریخ این سند الی مدت شصت روز
در سرحد دولتین یکدیگر را ملاقات کرده عهدنامه را با مستند طرفین ابلاغ
و تسلیم شود تا این مصالحه خیریه و مسالمت حقیقیه از تاریخ تحریر این سند مرعی و معتبر
و مرعی بوده از هر جهت پاینده گردد و رفت و خصومت منقطع و منسوخ طرفین در این
و خلاف این عهود مشروحه معقوده در روابط از جانبین وضع و حرکت و معامله
جایز ندارد و از جانب جناب وکیل مشار الیه نظر رخصت کامله از جانب
دولت عثمانیه در این تاریخ هزار و دویست و سی و هشت نوزدهم شهر ذی قعده الحرام
یوم یکشنبه این سند ممهور شده و از این جانب نیز از جانب وکلای دولت علیه
ایران رخصت کامله حق اساس و شروط و مواد نموده را او هم مشروحه قبول
نموده این سند تحریر و بکاتب وکیل مشار الیه داده و تسلیم شد بالیمن والسعادة
والخیر والبرکة والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

١٢٣٨ هجری

صورت قولنامه فارسی فیمابین پادشاه رضوان جایگاه ایران محمد شاه
نور الله مرقده با سلطان عبدالمجید خان سلطان عثمانی

استقرار یافته سنه ١٢٦٢ هجری ١٨٤٦ مسیحی

بسم الله الرحمن الرحیم غرض از ترقیم و نگارش این کلمات حسنه دلالات
آنکه از مدتی باین طرف چون فیمابین سلطنت جاویدآیت سنیه و دولت دوران

مدت

مدت علیه ابدی الدوام و دولت عثمانیه بعض عوارض و مشکلات حدوث و وقوع
یافته بود بنابر مقتضای استحکام اساس دوستی و الفت و تشیید روابط مسالمت و معاهدت
و جهت جامعه اسلامیه فیمابین دولتین علیتین در کار رفع اشکالات مسطوره در کلیه
طرفین علیتین برآن متفق می‌باشند با لوبه اینکه مواد نزاعیه را بر وجه
موافق و مناسب شأن دولتین علیتین و تاکید بنیان صلح و مسالمت
و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت
شعار ارباب نظم و مذاکره مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه رخصت تامه از
همایون اعلیحضرت قدرقدرت کیوان حشمت فلک بارگاه ملک گیر اورنگ نشین تاج
و سریر جهانبانی السلام و السلطان جلال الدنیا و الدین غیاث الحق و الیقین خاقان
البر و البحرین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزه اسلام و داور جمشید جاه
دارای ملک دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تخت کیان افتخار ترک
جهان خدیو دیادل کامران شاهنشاه ممالک ایران السلطان ابن السلطان ابن
السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه غازی ادام الله تعالی ایام
سلطنته فی ملک الله الجلال و زین فلک فره مصابیح کواکب الاقبال جناب جلالت
ابهت جاه میرزا محمد تقی خان وزیر عساکر منصوره نظام و وزیر نظام کرمانشاهان
مبارک نیره حور رشیده مرتبه اول بر بیرق جلالت افتخار خاص نیز است بوکالت
جانبی و مخصوص گشت و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک تاجداری
به رایات نیکوکاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین
الشریفین ذوالشوکة والشان السلطان ابن السلطان ابن السلطان سلطان عبدالمجید خان

جناب مجدت و نجابت نصاب امیرزاده السید محمد رؤف سعدالله افندی
که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز رتبه صدارت اول از رتبه اولی و حامل
نشان مخصوص آن رتبه است مرخص و نایل شده بر وجه اصول عادیه بعد از تبادل
دادن و ملاحظه و مبادله وکالت‌نامه‌های مبارکه اتفاق معاهده مبارکه که در ضمن
نه فقره آتیه قرارداده شد و در این کتاب مستطاب قبول و در مجلس منعقده ارزنة
الروم مبادله می‌شود

فقره اول دولتین اسلام قرار داد که مطالبات متعدده طرفین را از زمان اول
از که کرارا ادعا می‌کردند کلیتاً ترک کنند و کل این عهد معاهدات قدیمه مطالبات
مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خلل نیابد

فقره دوم دولت ایران متعهد می‌کند که هیچ از امور سلطه و ولایت و نواب ارض‌روم
جانب عراق ایران را به دولت عثمانیه ترک کند و دولت عثمانیه متعهد می‌کند که
جانب شرقیه و ولایات و نواب‌نشین ارض جهان به ازامیع دره کرند دولت
ایران ترک کند و دولت ایران قویاً متعهد می‌کند که در حق شهر زور و ولایت
سلیمانیه از هر گونه اراده صرف نظر کرده حق تملکی که دولت عثمانیه در ولایات
مذکوره دارد و قایم‌مقام الدوله کلیتاً و فرمانفرما نمایند و دولت عثمانیه
نیز قویاً متعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و هم اراضی شرقیه
یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است
به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهد داشت و گشتی‌های
ایران بازادی تمام از محل مذکوره مستقیماً مرور نموده تا موضع التقای حدود طرفین

در نقطه

در نقطه مذکوره آمد و رفت نمایند

فقره سیم طرفین معاهدین متعهد می‌کنند که بعد از این معاهده هر فرقه سایر ادعاهای خودشان را
در حق اراضی ترک کرده از دو جانب علیه تا خبر مهندسان و مأمورین را تعیین
نموده برای اینکه مطابق حالت سابقه حدود ما بین دولتین را قطع نمایند

فقره چهارم طرفین قرارداده که از خسارات که بعد از قبول اخطار
دست دولت بزرگ واسطه در نقطه عظمی الدول ۱۲۶۰ تتبع دیگر به طرفین
شده هم برآورد از سال ... تا اقرار برای اینکه سائر آنها از روی
عدالت فصل و احقاق شود از دو جانب علیه ناحیه مأمورین را تعیین
نمایند

فقره پنجم دولت عثمانیه وعده می‌کند که به شاهزادگان فراری ایران را در بروسه
اقامت داده ... آنها را از ... دور ... ایران
رخصت ... و از طرف دولتین علیتین متعهد می‌شود که سایر فراری‌ها برحسب معاهده
سابقه ارزنة الروم عموماً رد شوند

فقره ششم تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و
جاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً به همان وجه در عهدنامه منعقده ارزنة الروم
در سنه ۱۲۳۸ در ماده ... و در ایران تجارت است منظور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه
مذکور تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانیه وعده می‌کند که برحسب عهدنامه سابقه اقدام لازم

بجز در حق زوار ایرانی اجزا داده نشود از هر نوع تعدیات بری باشند بتوانند
تکفل امنیت مهام ایشان بکنند و هرکدام که در ممالک دولت عثمانیه تجارت
کنند و همچنین تعهد میکنند که برای استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم
فیمابین دو دولت اسلام است و تعهد طرفین بر قسم ادای جانب زمین و سیاحی را استقبال
نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نائل گردند
سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور و در لجه خواه در تجارت و خواه
در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و باج محفوظ باشند و علاوه بر این
بالیوز نمایند از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار
ایرانیه بجمیع مهام ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود در حق آنها
و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که به ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله را
کاملاً اجرا دارند

فقره هشتم دولتین علیتین تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت
عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه را اتخاذ و اجرا کنند
و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین
تعهد میکنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل
که در اراضی یکدیگر وقوع یابد برآیند و قرار داده اند که عشایر متنازع
فیه میباشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی
که بعد از این در آنجا اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده خودشان حواله
شود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً بار اهم دولت متبوعه آنها

داخل

داخل شوند
فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنه ۱۲۳۸ در ارزنة
الروم منعقد شده کلمه بکلمه مثل اینکه در این معاهده حاضره الفاظ و مفاد آنها عیناً ذکر
در این صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و فیمابین
دولتین علیتین قرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه
یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شد تصدیق نامجات آن مبادله
خواهد شد و کان التحریر فی یوم السادس عشر شهر جمادی الثانیه

۱۲۶۳ ۱۸۱۳ مسیحی

صورت عهدنامه گلستان که در سنه ۱۲۲۸ هجری فیمابین دولتین علیتین
دولتین ایران و روس منعقد
گردیده است

بسم الله الرحمن الرحیم اعلیحضرت قدر قدرت خورشید رایت پادشاه جمجاه
امپراطور عالیجاه دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
قضا قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه مالک بالاستقلال کل
ممالک شاهانه ایران بملاحظه کمال مهربانی و اتفاق علیتین که در باره اهالی
و رعایای متعلقین دارند رفع و دفع عداوت و دشمنی که برخلاف رای ملوکانه
ایشان است طالب و مستقر ساختن مراتب مصالحه میمونه و دوستی جوار سابقه
مؤکده را در بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجوه در این عهد قرار گرفته

در انجام این امر خیر و منظور به از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم
امپراطور بالاستقلال کل ممالک اروسیه عالیجاه منیع جایگاه جنرال از جانب
اروسیه سپه سالار و مدبر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان ناظم
امور مصالح شهریه ولایات هشترخان و گرجستان و قفقازیه و حاجی ترخان
و کارپردازی قوای نظمیه سرحدات و سامان امور کشتیها عساکر سفاین بحر خزر صاحب
حمایل الکساندر نیوسکی و حمایل مرتبه اولین انا و رایج عسکریه متقدره
حضرت گیورگی صاحب نشانه شمشیر طلا المرقوم بجهت رشادت و بهادری نکوداری
را مشرف افتخار کلی اعطا شده و اعلیحضرت قدر قدرت والا رتبت پادشاه
اعظم مالک بالاستقلال ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت
ایران در مامور در ممالک روم و انگلیس نخبة عمدة الامراء والاعیان مقرب درگاه
ذیشان و محرم اسرار نهان و سر دفتر امور دولت علیه ایران از خانواده
وزارت و وزارت و از امرای واقفان حضور در مرتبه دوم از صاحب شوکت
عطایا و مراحم پادشاهی خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس ترمه
و اسب با یراق مرصع میرزا ابوالحسن خان را دارای کار مختار بوکالت نموده اند
حال در معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ
ملاقات و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله تمسک ماموریت و اختیار کلی خود
بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلقه مصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار
و بموجب اختیارات طرفین فصول و شروط مرقومه را الی الابد مقبول
و منصوب و استقرار رسیده ایم

فصل

فصل اول بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در بین دولتین علیتین روسیه
و ایران بود بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک و مراتب مصالحه اکیده
و دوستی و وفاق شدیده در بین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور ممالک
بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت خورشید رایت پادشاه دارا شوکت
ممالک ایران و وراث و ولیعهدان عظام و میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و
مسلوک خواهد بود

فصل دوم چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا از جانبین دولتین
علیتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاطوسکوو اوپرزندیم یعنی در طرفین هر قسم
و حالا که الی قرارداد مصالحه الی به بوده است از آن قرار باقی و تمامی الکاء و
ولایات که تا حال در تحت ضبط و تصرف هر یک از دولتین بوده کما کان در ضبط
و اختیار ایشان باشد لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بموجب خطوط مرقومه
ذیل سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم
از راه صحرای مغان تا معبر یدی بلوک رود ارس و از بالای کنار رود ارس تا
اتصال و الحاق رودخانه کپنک چای به پشت کوه مقری و از آنجا خط حدود سامان
ولایات قراباغ و نخجوان از بالای کوه های الکز به درگزی رسیده و از آنجا سرحدات
قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز از سرحد گنجه جمع و متصل گردیده بعد از آن حدود
مزبوره که ولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدینلو را تا به مکان
ایشک میدانی تشخیص و منفصل می نماید و از ایشک میدانی الی سر کوه های
طرف راست طرق و رودخانه های حمزه چمن و از کوه های پنبک الی گوشه حد و محال

نزاع کلی واقع شده نزاع کلی را از بالا کرده بوقف دارا که شده از سرحدهای نزاع کلی و
میانه حدود قریه سعداوار ابلک بحدود فرق ادبه چاپرقی و منصوبشان معلوم و مشخص می‌گردد
و چون ولایات خانات نشین طالش در هنگام عداوت در تصرف دولتین دست بدست افتاده
لهذا بجهت تکمیل صدق و درستی حدود ولایات طالش نیز دوباره از جانب اردوی عالی
دولتین بعد از تصدیق این صلحنامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مأموره
که بموجب قبول و وفاق کمیسرها و سرحدداران جانبین جبال و رودها و دریاها
و دیار به و املاک و مزارع طرفین تفصیلا تحدید و تمییز و تشخیص ساخته از آنچه معلوم
و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در دست و در تحت تصرف جانبین
معلوم شود آن وقت خط حدود ولایات طالش نیز بر اساس استاتوسکوادپرزنتم
مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد برقرار بماند و همچنین
ماند و همچنین در سرحدات مرقوم فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته
باشد معتمدان و مهندسان مأموره طرفین هر یک طرف بر وفق استاتوسکوادپرزنتم
رضا خواهند داد

فصل سیم اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم بالاستقلال ممالک ایران بجهت
ثبوت دوستی و وفائی که به اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم امپراطور کل
ممالک روسیه دارند باین صلحنامه بعوض خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه
ایران ولایات قراباغ و گنجه که الان موسوم به ایلیسابطپول است و الکای
خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و بادکوبه و هرجا از ولایات طالش را
با خاکی که الان در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان

و محال

و محال شوره گل و آچوق باش و گوریه و منگریل و ابخاز و تمامی الکا و اراضی که
میانه قفقازیه و سرحدات معینه الحالیه بوده و نیز آنچه از اراضی دریا با قفقازیه
الی کنار دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق بممالک امپراطوری روسیه میداند

فصل چهارم اعلیحضرت خورشید رتبت امپراطور والاشوکت
ممالک روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه
اعظم ممالک ایران و بجهت اثبات این معنی بنابر همجواری طالب و راغب است
در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکید مشاهده
و ملاحظه نماید لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار مینماید که هر یک از
فرزندان عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج به اعانت و
امداد دولت روسیه باشد مضایقه ننماید تا از خارج کسی دخل در مملکت ایران نتواند
و به اعانت و امداد روس دولت ایران مستقر و محکم گردد و اگر در سر امور داخله
مملکت ایران فیمابین شاهزادگان مناقشه روی نماید دولت روس را در آن میانه
کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید

فصل پنجم کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد مینمایند
بدستور سابق ماذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک
شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت یاری دوستانه نسبت
بآنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم بدستور سابق ماذون خواهند بود که برای معامله روانه
سواحل روسیه شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت
یاری دوستانه درباره ایشان مبذول گردد و در خصوص کشتیهای عسکریه جنگی روسیه که

در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده‌اند حال
نیز محض دوستی اذن داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولت ایران و دولت دیگر سوای
دولت روس کشتی جنگی در دریای خزر نداشته باشد

فصل ششم تمامی اسرایی که در جنگها گرفتار شده‌اند یا اینکه از اهالی طرفین اسیر
شده‌اند از کریستیان و یا هر مذهب دیگر باشند باید الی وعده سه ماه بعد از
امضا و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد گردیده هر یک سیوسات و
خرج راه داده به قراکلیسا رسانند و وکلای سرحدات
طرفین موجب اعلامی که در خصوص فرستادن آنها به جای معین می‌نمایند اسرای طرفین را
بازیافت خواهند نمود و آنانی که به سبب تقصیر یا بخواهش خود از ممالکتین فرار نموده‌اند
اذن است که هر کس به رضا و رغبت اراده آمدن داشته باشد ظاهر شود و به وطن خود مراجعت
نماید و هر کس از هر قومی چه اسیر و چه فراری نخواهد بیاید کسی را با او کاری نیست و عفو
تقصیرات از طرفین نسبت به فراریان عطا خواهد شد

فصل هفتم علاوه از اقرار و اظهار مرقوم بالا رای بیضا ضیای اعلیحضرت کیوان رفعت
امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک ایران قرار یافته
که ایلچیان معتمد طرفین در هنگام لزوم مامور و روانه دارالسلطنه جانبین می‌شوند بر وفق
لیاقت رتبه امور کلیه مرجوعه ایشان را انجام و پرداخت نمایند و به دستور
سابق وکلایی که از دولتین به خصوص حمایت در باب معاملات در بلاد مناسبه طرفین
تعیین و نشستن آنها لازم است زیاده از ده نفر عمله نگاه ندارند و ایشان با اعزاز شایسته موفور
مراعات کرده به احوال ایشان به هیچ نحو زحمت نرسانند بلکه رعایای طرفین عاید گردد

بر حسب

بر حسب عرض و اظهار وکلای مزبور در رفعش بکوشند به کسان جانبین داد و ...
فصل هشتم در باب آمد و شد قوافل و اهل معاملات در میان ممالک دولتین علیتین
اذن داده می‌شود که هر کس از اهالی تجار بخصوص ثبوت اینکه دوست رعایا و اتباع
معاملات متعلقه دولت بهیه روسیه یا تجار متعلقه به دولت علیه ایران می‌باشند از
دولت خود یا سرحدداران تذکره و کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق
بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد ساکن
و متوقف گشته به امر معامله و تجارت اشتغال نماید و زمان مراجعت آنها به اوطان
خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه به ولایات
ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند به معرض بیع رسانند یا معاوضه
با مال و اشیای دیگر نمایند اگر در میان اهل معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره
شکوه و ادعایی باشد بر حسب عادت مألوفه به نزد وکلای طرفین و یا اگر وکیل نباشد
نزد حاکم آنجا رفته امر خود را عرض و اظهار نمایند تا ایشان از روی صدق ادعای
آنها را مشخص و معلوم کرده خود یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار را نموده نگذارند
تعرضی و زحمتی به اهل معاملات عاید شود اما اهل تجارت طرف ممالک
روسیه که وارد ممالک ایران می‌شوند مأذون خواهند بود که اگر با اموال و تنخواه
خودشان به جانب ممالک پادشاهانی که دوست دولت ایران می‌باشند بروند از طرف
دولت ایران بلامضایقه تذکره راه به ایشان داده شود و همچنین از طرف دولت
روسیه درباره تجار اهالی دولت ایران که از ممالک روسیه به جانب
ممالک پادشاهانی که دوست دولت روسیه باشند بروند معمول خواهد شد و هرگاه از رعایای

دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شود اموال و املاک
او در ایران باقی بماند چون اموال رعایای دولت دوست است لهذا اموال مسطوره
بر حسب قبض الرسید شرعی رد و تسلیم ورثه متوفی گردد و دیگر
اذن خواهند داد که املاک متوفی را اقوام او بفروشند چنانچه در این معنی
در میان ممالک روسیه و سایر پادشاهان دستور و عادت است که به هر دولت
هیچ مضایقه ننمایند

فصل نهم باج گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه روسیه در بنادر و بلاد ایران
مراد آنکه از یک تومان پانصد دینار در یک بلد گرفته از آنجا با اموال مزبوره به هر
ولایت ایران بروند چیزی مطالبه ننمایند و همچنین از اموالیکه از ممالک ایران بیرون
ببرند آنقدر گرفته زیاده بعنوان مستوجب و تحمیل و اخراجات چیزی از تجار روسیه
به هیچ وجه مطالبه نشود و همین قرار در یک بلد باج گمرک تجار ایران در بنادر
ممالک روسیه میدادند با سایر دولتها به دستور گرفته خواهند شد به هیچ وجه
مزاحمت نشده باشند

فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی به بلاد
سرحدات دولتین علیتین اختیار به تجار و اهل معاملات طرفین داده شده
که اموال خودشان را فروخته اموال دیگر خرید و یا معاوضه کرده دیگر از امنای
گمرک و مستحفظین طرفین اذن و رخصت نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای گمرک و مستحفظین
لازم است که ملاحظه نمایند تا معطلی و تأخیر در کار و باب معاملات و ترویج بضاعت
باج خزانه را از بایع یا از مشتری هر کدام باشد بازیافت دارند

فصل

فصل یازدهم بعد از انعقاد و خط گذاردن در این شرطنامه وکلای مختار دولتین
علیتین بلا تأخیر باطراف و جوانب اعلام و اخبار فرستند و امر اکید مبنی
بر فوری ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد

این شرطنامه که بجهت استدامت مصالحه دائمه طرفین مستقر و منتظم
شده در دو نسخه از جانب خاص قرار و وکلای مختار دولتین علیتین [illegible]
بامضای خط و مهر مختوم گردیده مبادله به یکدیگر گردیده است باید از طرف اعلیحضرت
قدر قدرت پادشاه اعظم امپراطور اکرم مالک کل ممالک روسیه و از جانب
اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والاجاه ممالک ایران با مرضی خط شریف ایشان
تصدیق گردد و چنین این صحیحه مصدقه تصدیق به هر دولت باید بوکلای مختار
برسد لهذا از دولتین علیتین در مدت سه ماه به وصول گردد تحریراً فی معسکر
روسیه در رودخانه زیوه در محال گلستان متعلقه ولایات قراباغ بتاریخ بیست و نهم
شهر شوال ۱۲۲۸ هجری و بتاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ عیسوی

جنرال لیتنانت سرکرده روسیه سپهسالار ... جمیع بلاد و کلای دولت
بهیه از عهده سر قرار و فتح باب این شده در قرار اتمام مصالحه و دستخط گذاشتن در کار
استقرار و در نزد وکلای سفرا امور نامه ... اجرای دولت بهیه ایران
مبارکه به دولت بهیه روس بر در مطالب از شاه ... است به روی حضرت
قضا قدرت امپراطور اعظم ... دولت بهیه روس ... نموده
در مطالب ایران [illegible]

در دار خانه زیادالمکان گلستان متعلقه ولایت قراباغ بتاریخ بیست و نهم ... اکتبر
سنه ۱۸۱۳ مسیحی مطابق ... وکیل مختار دولت علیه ایران میرزا ابوالحسن خان
مهر جنرال لیتنانت نیکولای رتیشچف
دولت روسیه والسلام ...

دیباچه عهدنامه ایران و روس

الحمد لله الذی الکافه ... که بعد از انعقاد عهدنامه مبارکه گلستان و مبادلات و مصالحه
دوستانه دولتین علیتین و ظهور آداب کمال اتحاد و یگانگی جهت تعیین سرحدات
ایالات و ممالک و ولایات ... از جانب سرحدداران طرفین بطور رسیده و موجب
... عظیمه شده ... از جانب ...
... و اول ... دولتین علیتین ... عهد ... اهتمامات ...
... بطور ... عهدنامه مبارکه
... که در ... مرقوم و ... بعد
وکلای دولتین علیتین در ماه ... در سال هزار و دویست و ... هجری ...
... استقرار و استحکام ... لازم است ...
... مراعات ... اهتمامات ...
در باب ... استحکام و استقرار ... مبارکه ...
... اهتمام ...
از لازم ... دقایق ...
مهر و مکرر گذارند

سواد عهدنامه دولتین علیتین ایران و روس در ترکمان چای بتوسط
نواب ولیعهد دولت ایران در سنه ... داده شد

شرف اختتام یافت

اعلیحضرت پادشاه اعظم والا جاه امپراطور اکرم بزرگ و مستقل
کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت جمشید فر دارا دستگاه پادشاه
اعظم و شاهنشاه ممالک ایران چون هر دو به الطاف ... اراده ... دولتین ...
... جنگ ... سابقه ... ایران ... و ...
مجاورت و مودت را مابین این دو دولت ... دوام باشد ...
اختلاف و نفاق ... استقرار ... لهذا برای ...
... اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جناب ... جنرال
... جنرال ... قفقاز ...
... و صاحب حمایلات الکساندر ...
اول ... مرتبه اول و ... مرتبه ...
و صاحب ... و دیگری ... و صاحب
حمایلات ... مرتبه اولی ...
و ... جناب الکساندر ...
امپراطوری و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ... مرتبه ...
... اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب ...
نامدار ... نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار ... گردانیده ...

قرار کرده در ترکمان چای مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را ابراز کرده موافق
قاعده و شایسته دیده فصول آتیه را تعیین و قرار داده‌اند

فصل اول. من‌الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه و مودت
و وفاق کامل الی ابدالآباد وقوع خواهد یافت

فصل دوم. چون نزاع و جدال مابین عهده‌کنندگان رفیع‌الشأن واقع شد و امروز
بحالت منقطع گردید عهود و شروطی که بموجب عهدنامه گلستان بر ذمت ایشان لازم
بود دیگر قوت و اثری نمی‌داشت لهذا اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که بجای عهدنامه مزبوره گلستان عهدنامه دیگر
باین شروط و عهود قرار دهند که مابین دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب
استقرار و انتظام روابط آینده صلح و مودت گردد

فصل سوم. اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان
به دولت روسیه واگذار می‌کند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه باین طرف رود
ارس باشد یا آن طرف و بتفویض این حق اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد می‌شود
که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفتر و دستورالعمل‌های متعلق بولایات
مزبوره را بامنای دولت روسیه بدهد

فصل چهارم. دولتین علیتین عهده‌کنندگان معاهده این عهدنامه قرار می‌دهند که برای سرحد مابین دو مملکت
بموجب خط سرحد وضع تا بند از نقطه سرحد ممالک عثمانیه که در خط مستقیم قله کوه آغری
کوچک اقرب است ابتدا کرده این خط بقله آن کوه کشیده می‌شود و از آنجا تا بسرچشمه

رودخانه

رودخانه ارس در مقابل شرور منتهی می‌شود چون این خط باینجا رسید بمتابعت مجرای
ارس تا قلعه عباس‌آباد می‌رود و در دور استحکامات آنجا که در کنار راست ارس
واقع است نصف قطری که عبارت از نیم فرسخ که عبارتست از سه ورس و نیم روسی است
رسم می‌شود و این نصف قطر در همه اطراف امتداد می‌یابد همه اراضی و عرصه‌ای که در
این نصف قطر محاط و محدود می‌شود بالانفراد متعلق بروسیه خواهد بود و از تاریخ
امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی کامل مشخص و معین خواهد شد و بعد از این از جائی
که طرف شرقی این نصف قطر متصل بارس می‌شود خط سرحد شروع و متابعت مجرای
ارس می‌کند تا معبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد می‌یابد
تا جائی که سه فرسخ که عبارت است از بیست و یک ورس روسی است بعد از وصول
باین نقطه خط سرحد بالاستقامت از صحرای مغان می‌گذرد تا به مجرای رودخانه بالهارود
بمکانی که سه فرسخ واقع است پائین‌تر از ملتقای دو رود کوچک موسوم به آدینه بازار
و سارو قمیش و از آنجا این خط بکنار چپ بالهارود تا بملتقای رودخانه‌های مزبوره آدینه بازار
و سارو قمیش صعود کرده بطول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا بمنبع
رودخانه و از آنجا تا باوج تپه‌های جکر امتداد می‌یابد بنحوی که همه آبهای جاری
بحر خزر می‌شود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبهائی که سراشیب و مجرای آنها بجانب
ایران است متعلق بایران خواهد بود چون سرحد دو مملکت اینجا بواسطه قلل جبال
تعیین می‌شود لهذا قرار داده شد که از این کوهها آنچه بسمت بحر خزر است بروسیه
و طرف دیگر آنها بایران متعلق باشد از قله تپه‌های جکر سرحد تا بقله کمر قویی بمتابعت
کوههائی که طالش را از محال ارشق منفصل می‌کند چون قلل جبال از جانبین مجرای

بنا در قرار مرقوم بود لهذا از ابتدای خط سرحد را همان قسم تعیین می‌کنند و در وقت
در باب مسافت واقعه مابین مسیح لو بنه بازار و قلل جبل کفنه از آن خط سره
گرفته تا به قله جبالی که بهار و حلال زونده از اعمال ازش قسمتی می‌رود صاحت
می‌کند تا سرحد حلال و کلیج مرادا بر طبق همان خط که در باب مجرای سیاه معین شد
روزنه نیز از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقع است از این قرار
حصه روسیه خلاصه بود از ابتدا سرحد حلال و کلیج خط سرحد مابین دو دولت منتقل
جبال کلو بوزد سید کوهسار عظیم دار و کلیج می‌گذرد و متابعت می‌کند تا به مسیح شاما
رود خانه مرسوم به استارا پیوسته ملاحظه آن محافظه در باب مجرای سیاه و از
آنجا خط سرحد متابعت مجرای رودخانه مذکور گرفت تا ملتقی و دهنه آن به بحر خزر و خط
سرحد را از آن متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد بود و تمیز
خواهد نمود

فصل سیم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دارد به این فصل از خود و از عوض اخلاف
و ولیعهدان سریر سلطنت ایران قانونی الکفاره و دارا و حقوق ابدی را و در میانه
خط حد و مسیحه در تصرف کرانه قزاق و قلعه سرف دار که قفقاز را نبرد و دیای
خصوصات دیگر از جمیع قبایل و جزایر و به فانه داره از آن او و لایات غرگرنا
هستند و انقاد و ضبطا الی الابد بحضور و متعلق به دولت روسیه می‌داند

فصل چهارم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران خلافه مصارف کیش دولت روسیه را
برای حکم واقعه فی مابین الدولتین اتفاق افتاده همین خلافه حرز را وحشت رشته‌ای

بهتر جانب دولت روسیه مستسیر تعهد می‌کند که به واسطه داوری مستقیم و به نحو ایالات
الاصلاح خاطر و مستقیم آن دو دولت فی مابین الدولتین بهم گذرد و قبال قرار گرفت حقانیت
از بابت طول مناط سفید روی و متکار سرحد و در بیان فصل این به در قرار داد
معین که این قرار و اعتبار حفظ داشت به کمال اطمینان حفظ در این عهد نامه مصالحه که
مندرج است معین خلافه شده

فصل پنجم چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همان قرار
خود شاهزاده عباس میرزا ولیعهد و وارث تخت فرخ‌نشین خود تعیین فرمودند
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه برای اینکه از بعضی روشنانه و نشانه‌های صادقانه
خود در خصوص استحکام آن ولیعهدی وا داده با اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برادر
و شاهی الیج به جهت تعهد می‌کند که از این روز بعد تقویت و حمایت نواب مستطاب
والا عباس میرزا ولیعهد و وارث بزرگ بهمه رفع و تخت ایران مستانی لداز
جلوس تخت شاهی بجا شاه بالاستحقاق این مملکت و اگه

فصل ششم سفاین تجارت روس به مند سابق استحقاق خواهد داشت که به آزادی
به دریای خزر و سواحل و سواحلان برگردد و به کنارهای آن قرار داده اند و در حالت
شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارت
ایران استحقاق خواهند بود به قرار سابق در بحر خزر سیر کنند به اطراف و اطرافی که
کشتیهای شکسته استعانت و امداد خواهند یافت در باب سفاین جنگی که علمهای
عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفراد استحقاق داشته و در بحر خزر سیر
کنند لهذا همان حق مخصوص کالسابق امروز با اطمینان با آن داده می‌شود که جز

غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نتوانند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشند

فصل نهم چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
و اعلیحضرت پادشاه ایران این است که بکمال اهتمام عهودیکه باین سعادت و میمنت مابین
ایشان مقرر گشته مستحکم باشد لهذا اقرار دادند که سفرا و وکلا و کارگذاران
از جانب دولتین علیتین بدربار یکدیگر برای انجام خدمات اتفاقا یا برای اقامت
دایمی بدربار مأمور میشوند موافق شان دولتین علیتین و ملاحظه شرایطیکه باعث اعتبار
گشته بملاحظات ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعمل
مخصوص دستخطی قرارداد خواهند شد که از طرفین ملحوظ گردد

فصل دهم چون اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران
استقرار و فراهم روابط تجارت را مابین دو دولت منتج از نخستین فواید
ملاحظه کرده و مراتب را از که بمصالحه حاصل شود لهذا قرارداد نمودند که
تمامی اوضاع و احوال متعلقه بحمایت تجارت و امنیت تبعه دو دولت را بنوعی
متضمن که رابطه کامله باشند معین و منظم در معاهده جداگانه که باین عهدنامه ملحق
و مابین وکلای مختار جانبین مقرر خواهد شد و مضبوط
محفوظ است از اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای دولت روس کماکان
الحال این اختیار را مرعی میدارد و در هر جا که مصلحت تجارت اقتضا کند کونسولها
و حامیان تجارت تعیین نماید و متعهد میگردد که این کونسولها و حامیان را که هر یک با تابع
از ده نفر اتباع نخواهند داشت فراخور رتبه ایشان مشمول حمایت و احترامات
و امتیازات سازند و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود وعده میکند

مود

در باره کونسولها و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران همین رسم
مساوات مرعی دارد و در حالتیکه از جانب دولت ایران نسبت بیکی از کونسولها
و حامیان تجارت روسیه شکایتی بحق بوده باشد وزیر مختار یا کارگذار دولت روس که در دربار
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران توقف خواهند نمود و حامیان و کونسولها بالطبع
در تحت حکم او خواهد شد او را از شغل خود معزول داشته بعد کولایق دیگر او را
موقتا کار او را بسپارد مرجع خواهند گرفت

فصل یازدهم همه امور و ادعاهای تبعه طرفین که بسبب جنگ بتأخیر افتاده بود از انعقاد
مصالحه بران صدارت تمام حقوق رسیده و مطالباتیکه رعایای جانبین از یکدیگر یا از
خزانه داشته باشند بتعجیل دریافت و وصل بدو خواهد شد

فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرارداد کرده
که برای آنها که املاک خود ببیع رسانده در دو جانب رود ارس املاک دارند مدت سه سال
قرار دادند تا با آزادی وضع بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن اعلیحضرت امپراطور
کل ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در باره این نفر و والد او
میشود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم نخجوان کریم خان
مستثنی میدارد همه امرای جنگ دولتین خواه در مدت جنگ اسیر شده باشند یا قبل
از آن و همچنین تبعه طرفین که باسیری افتاده باشند از هر ملت و هر مذهب که باشند
در مدت چهار ماه بعد از امضای این عهدنامه در کمال
لباس فرستاده میشوند مباشرین جانبین فرستادگان ایشان
و لایت تسلیم شوند دولتین علیتین معاهدتین در این باب همه امرای جنگ و تبعه

روس هر یا بیرون افتاده و بعد هر ورسکا هنانکه در آنجا بهم اند یا بعلت اوضاع
و اسباب دیگر در دست سینه مرده و نقاط هیچ همان قسم از رد او را مسترد کنند و هرگاه
دولت ایروقت کان اختیار رعیت و نجابت خلاف داشت در اظهار اسطلاح کنند
و تعهد مستند هر وقت اسیر حقه به دولت عرض نامه اینها را مطالبه کنند از
جانبین مسترد و سازند

فصل چهاردهم هر دو دولت علیتین متعاهدتین مطالبه وطن کنندگان و فراریان را در قبل
از جنگ یا در مدت آن بتحت اختیار جانبین گذاشته باشند مطالبه نکنند و نیز
برای منع نتایج مضرت جانبین از مراسلات و ملاقات خفیه بعض از این فراریان
با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل می‌آید دولت ایران تعهد می‌کند که
حضور و توقف اشخاصی را که الحال یا بعد از این با اسم مشخص خواهند داشت در نقطه
محدوده بین ارس و خطی که بعد فاصله مرسوم به چهریق و دریاچه ارومی و رودخانه مشهور
بجغتو و قزل اوزن تا التقای آن بدریای خزر واقع است رخصت ندهد اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود همچنین وعده میکند که فراریان ایرانی در ولایت
قراباغ و نخجوان و که آن قسمت از ولایت ایروان که در کنار راست رود
ارس واقع است اذن توطن و سکنی ندهد لکن معلوم است که این شرط معمول و مجری
نخواهد بود مگر درباب کسانی که صاحب مناصب عمده یا رتبه و شان دیگر
باشند مانند خوانین و بیگها و ملاها که بزرگی ایشان در صورت رفتار و اغوا و مجاورات
و مکالمات خفیه ایشان در باره هم ولایتیان و اتباع و زیردستان قدیم خود
موجب رسوخ فاسد میباشد ... در خصوص رعایای جانبین ...

ولیکن

ولیکن قسمت ارداش که رعایای جانبین هر از ملک بملک دیگر گذشته باشند یا بعد
از این بگذرند مأذون و مرخص خواهند بود در هر جا بسکه اند دولت ها این
حکومت و اقتدار او گذشته باشند مناسب دانسته سکنی و اقامت کنند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از حسن اراده و رعایت ممالک خود
با زاوله در ولایات مملکت آذربایجان از آن جهت که این جنگ خصومت به ایا لا
ملک روا و دو ولایت انتقال این عهدنامه مبارکه در تحت احکام بزید از آن
هرگاه بهره رعایا و ولایات مناصب او بایکان عفو کامل و شامل مرحمت میفرماید
و هیچیک از ایشان بدون استثنای مراتب و طبقات بجرم عرضها و عملها و رفتارهای
ایشان در مدت جنگ یا در اوقات تصرف چند ولایت قشون روسیه از ایشان
تا رسیده بایه معاف و از آزار دیده و از امروز یک ساله مهلت به ایشان مرحمت میشود
که بوزاری و عیال خود از ممالک ایران بممالک روس آمده و اموال و اشیای منقول
نقل و بیع کنند بدون آنکه دولت و حکام ولایت از آن ممانعت نمایند از اموال
و اشیای منقوله یا مبیعه ایشان حقوقی و مزدی اخذ نمایند و در باب املاک ایشان
بجا لگذارید شخص مذکور در مدت پنج سال مرحمت خواهش خود یا گذاری
در باب آنها مانند و از این عفو و بخشش مستثنی میشوند کسانی که در این مدت یک سال
بسبب بعضی تقصیرات که مستلزم مجازات دیوانی باشند مرتکب عقوبت
میگردند

فصل شانزدهم بعد از امضای این عهدنامه مبارکه فورا وکلای مختار جانبین اهتمام
خواهند داشت که بهر جا رخصت و اعلام حکمهای لازمه بفرستند تا بلاد تاخیر خصومت ...

ترک نمایند این عهدنامهٔ مصالحه را در دو نسخه یک مضمون ترتیب یافته است و به دستخط
وکلای مختار جانبین رسیده و به مهر ایشان ممهور گشته، بین ایشان مبادله شده است از جانب
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی
و امضا نفاذ یافته شده و به دستخط مخصوص ایشان مزین گشته در مدت چهار ماه یا
بالاتر اگر ممکن باشد بین وکلای مختار ایشان مبادله به خط ایشان شده تحریراً در قریهٔ
ترکمان‌چای به تاریخ دهم شهر فورال ۱۸۲۸ مسیحیه مطابق عبارت است از پنجم شهر
شعبان ۱۲۴۳ هجریه به لحاظ حضرت اقدس نواب نایب السلطنه رسیده با مهر وزیر
امور خارجه میرزا ابوالحسن خان (این فقره در عهدنامهٔ دولت ایران ثبت
داده و در سال سنه مرقوم شده)

سواد عهدنامهٔ تجارت

فصل اول چون دولتین علیتین متعاهدتین منظور دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی
که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می‌شود بهره‌مند دارند لهذا بدین تفصیل قرار داده‌اند
که رعایا و اتباع روس مذکوره که تذکره در دست داشته باشند در همه ممالک
ایران خواهند تجارت کرد و کذلک به ممالک همجوار دولت مذکوره می‌توانند رفت
و همچنین است اتباع ایران امتعهٔ خود را از دریای خزر یا از سرحد خشکی که ما بین
روس و ایران فاصل است می‌توانند برد و به سودا و بیع و شرا و خرید کرده و
متاع دیگر به عوض آن بخرند و از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری
به اتباع دول دیگر کاملة الوداد داده شده بهره‌مند خواهند شد و در حالتیکه یکی از
اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منقوله و غیر منقولهٔ او چون متعلق

به رعیت

به رعیت دولت دوست است بدون نقص به اقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد و به اختیار
تمام که هرگونه شایسته دانند معامله نمایند و در صورتیکه اقوام یا شرکای او موجود نباشند
اختیار ضبط و کفالت این اموال به وکیل یا کارپرداز یا کونسول دولت روسیه واگذار
می‌شود بدون آنکه هیچ مانعی از جانب حکام ولایت ظاهر شود

فصل دوم چون قبالجات و بروات و ضمانت‌نامه‌ها و دیگر عهدها در امور تجارت مخصوص
الآن جاری است که بسته می‌شود نزد کونسول روسیه و حاکم ولایت و در جایی که کونسول
نباشد نزد حاکم ولایت ثبت می‌شود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای
قطع دعوا بر طبق عدالت تحقیقات لازمه توانسته شود اگر یکی از طرفین خواهد
بدون آنکه بینه کند قرض نوشتجات مجعوله و معتبره بدون قبول هر گونه عدالت
است و در دست داشته باشد از دیگری ادعا نماید به جز اقامهٔ شهود و دلیل و قرینهٔ
این قبیل ادعاها را مرعی نمی‌دارند و هیچ‌گونه تحقیق این ادعا مقبول نخواهد شد هم
معاملات منعقده در صورت مذکوره ابیناً ما بین طرفین قطع شده باشد
تمام رعایت و محافظه شود و هرگونه حجت در انجام آن لطمه رسد و باعث ضرر
یکی از طرفین گردد در صورت فساد خسارت می‌رسانند از طرف دیگر ملحق بود و در صورتیکه
از تجار روس و ایران مفلس شود حق با ارباب طلب از امتعه و اموال او حاصل شود
و اگر از وکیل یا کارگزار یا کونسول استعلام نماید و مفلس مذکور را ممکن الفرق
هرگاه رأی او حق با ارباب طلب باشد در ولایت روسیه گذاشته است با نیت اذان
تحقیق کردن این مطلب مثل جمیع معامله نوعی که در این قرارداد و در فصل معین
گشته همچنین در مادهٔ ایران در ولایت روس موافق قواعد مملکت تجارت می‌کند

مرعی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت تبعه جانبین متعاهدین من جمیع الوجوه از شروط طالب نقض الذکر
گشته اند محقق و مستحکم گردد مناسب قرار داده شد که هر گاه متاعی که تبعه روس
به ایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و گمرک آن از تبعه مزبوره
ایران هم به توسط آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد مابین روس
و ایران به ولایات روس حمل شود همچنین از تبعه روس هرگاه از ایران با مال
راهها بیرون می برند کالای ایشان در وقت داخل شدن و بیرون رفتن
که صدی پنج از همه گمرک گرفته می شود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان
مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و
تعرفها برپا دارد قرار داده شد که متعهد می شود که در آن حالت نیز گمرک مزبوره را صدی پنج از
حد است اضافه نخواهد

فصل چهارم اگر دولت روس با ایران یا دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع
نخواهند بود از اینکه با متاع خود از خاک هر یکی از جانبین متعاهدین عبور کرده به ممالک
دولت مزبوره ببرند

فصل پنجم چون موافق عادات که در ایران مرسوم است بر اهالی بیگانه مشکل است
که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود با جاره بیابند لهذا
به تبعه روس در ایران اذن داده می شود که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای
وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم ملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران
به آن خانه ها و انبارها و مکانها عنفاً داخل نخواهند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل

یا کارگزار

یا کارگزار یا کونسل روسیه استرخاص می توانند نمود و ایشان صاحبمنصبی را همراه
تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشند

فصل ششم چون وکیل و کارگزار دولت ایمپراطوری و صاحبمنصبان مأمور با ایشان و
کنسولها و ترجمانها در ایران امتعه که برای رخت ایشان و مایحتاج ایشان برای مصرف خود در
معیشت یومیه ابتیاع باید از بلاد کنند لهذا از آن امتعه به هیچ وجه خراج و گمرک نخواهند گرفت و اشیا
و مال مصارف ایشان نیز مشمول همین ماده و کذلک هر امتیاز و رعایت که سایر دولتهای دیگر
با کارگزار یا کونسل دولت ایران مقیم دربار دولت روس باشند مرعی و ملحوظ
خواهند شد و کسانیکه از اهالی ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و صاحبان تجارت
روس لازم است مادام در خدمت ایشان هستند مانند تبعه روس از حمایت ایشان بهره مند
خواهند بود و اگر از شخص ادا ناحق سرزده [illegible] که مستحق تنبیه باشد در این صورت
وزیر دولت ایران یا حاکم در حالیکه [illegible] ولایت مجرم را ابلاغ [illegible] از
ایلچی و وکیل یا کونسل در آن [illegible] مطالبه می کنند تا اجرای عدالت شود و اگر
این مطالبه [illegible] مجرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسل و وکیل
در دادن او مضایقه نخواهد کرد

فصل هفتم همه ادعاها و امور متنازع فیها مابین تبعه روسیه [illegible] در بلاد [illegible]
و قطع دعاوی وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت ایمپراطوری بر طبق قوانین و عادات
دولت روسیه رجوع می شود و همچنین است منازعات و ادعاها مابین تبعه روس
و تبعه سایر دولت اتفاق افتد در حالیکه طرفین به آن راضی شوند و منازعات و ادعاها
در مابین تبعه روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع [illegible] ولایت [illegible]

و معمول است کرده و مربوط و مطرح نشود که در حضور ترجمان وکیل یا کنسول یا جنرال قونسول ها
و دیگر خبره دراق ... طرح شده بعد با امضا و استعلام مهر ترجمان هرگاه ادعای دعوی شده
در اتفاق تحقیق و ملاحظه نمایند بدون اینکه وکیل یا کارگزار یا کنسول روسیه را
سابقاً از آن اخبار رسانیده ملاحظه نمایند و در این حالت ان امر استعلام و حکم را
میرزا نقد قضیه که در دفترخانه اعظم یا حاکم و در تبریز یا طهران بشود که ملک
در حضور یک نفر ترجمان وکیل یا کنسول روسیه
فصل هشتم کار قتل و جنایت ان که بعضی از رعایای روسیه در میان خود رعایای روسیه
واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن متعلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کنسول روسیه
خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که با ایشان در باب انها حق داده شده است
اگر یکی از تبعه روسیه با جمعی از تبعه متهم بجرم دیگران متهم باشد هر جرم او
غائب و ملاحظه نباید کرد که در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل نشود
و در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه تنها بجرمی متهم میشود حکام
ولایت نیز تدارک ... تشخیص حکم جرم بر آورند که در حضور گماشته از طرف
وکیل یا کنسول روسیه اگر در ان ولایت ... و در جرم از وکیل و کنسول نباشند
حکام ولایت مجرم را بجایی که وکیل یا صاحب منصب از اداره وکالت روسیه
در آنجا ... روانه میکنند و استشهادنامه در باب برائت و اشتغال ذمه متهم با اطلاع
حاکم و معتبران مکان از روی صداقت نوشته و بعد از آن رسیدگی و این کیفیت
بجا در حکم جرم خلاصه فرستاده شود اینکه به استشهادنامه ها سند معتبر و مقبول ادعا
خواهد بود مگر اینکه متهم عدم صحت ان را با دلائل ثابت نماید در صورتیکه متهم حیا که

باید مجرم گشته فتوای صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کنسول روسیه تسلیم خواهند
نمود برای اجرای سیاست که در قوانین مقرر است به مملکت روسیه خواهند فرستاد
فصل نهم دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تام در باب رعایت و اجرای شروط این عهدنامه
خواهند داشت حکام ولایت و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین هم از
شرائط آن ... داشته در هیچ حالت تخلف و تجاوز نکرده و نگذارند که هیچ ... مسلکه
که در تخلف ... تحقیق شود ... خلاصه ... و وکلای مختار اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و وزرای مستوفی
نوشته ایم ... در این عهدنامه مندرج است و از نتایج مفاد این عهدنامه
ملاحظات ... روز ... ترکمان چای ... اختتام یافته است و جهة ان قوه
و اعتبار ... در حق عهدنامه ... مرقوم و مصدق است
منظم و مقرر ... لهذا این ... بجهة اثبات ... بمهر خود
دستخط که امضا شده بمهر ... در قریه
ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فوریه سنه ۱۸۲۸ مسیحیه
مطابق پنجم شهر شعبان ۱۲۴۳ هجری

قرارنامه تعرفات

بین وکلای مختار روس و ایران ممنوع شد لهذا ... برطبق ... عهدنامه
عمده امروز برای تعرفات ثابت شده بر وفق ... وکلا و کارگزاران
... دولت ... مرقوم ... لهذا این
... قرارداد ... دولت ایران ... دولت از ... ترکمان چای

روس تفلیس مقرر داشته بودند تا خبر یک نفر از مرتبه داران ایلچی مناسب شأن ایلچی
کرده تا سرحد باستقبال او بفرستند و دولت ایران عازمت قافله‌های گرجستان
از طرف معاهده دار اعتبار نمیکند و روز ورود او را بر حد تحقیق معین مینماید و ایلچی
از جانب خود اهتمام کرده سلوک نماید از هر جانب خط کرده مسافران و ورود
او دارد در آنجا نزد والی از ساعت ورود معاهده دار ایلچی را ملاقات کند مستقبل این دعوی او
و احترامات و اکرامات لایق او هستند حق ایلچی را در منزل استقبال با
خواهند کرد در بین آن منزل با کمال لوازم میهمانداری مستقبلین هر با معارف
و اتباع شایسته و اگر ایلچی در حال سفر ملکی گشت کند حاکم خود برای ملاقات
ایلچی بر مستقبلین بعد تا نزدیک او برای او بیاید شده همراهی خواهد کرد و اگر ایلچی
در شهر روی که از شاهزادگان حاکم آنجا هست گذشت کند شاهزاده حاکم آن شهر
برای دیدن آمده ملاقات ایلچی و زیر حقه را اجلاقات او حفظه فرستاد و اگر ایلچی
بگذارد تا از شاهزاده که ایلچی و جمله اشخاص همراه او جشن و سفارت امتیاز تشریف خواهند
کرد و کمک سند تا برای ایلچی حاضر حقه نزد هر جا که وارد گردد ایلچی با شکوه
احترامات ملکی بهر صورت شایسته بود خواهند نمود معاهده دار اهتمام خود کرده قبل
از وقت دولت ایران را از ورود ایلچی اخبار کند تا اینکه تدارکات
لازمه جهت ورود و رسوم او آماده کنند چونکه ایلچی به منزل دارالسلطنه
در مسافت چهار فرسخ دارد رسید ایلچی با یکی از اشخاص معتبر با قامت
پذیرفته خواهد شد و در بین سلطانی دارالسلطنه با اردوی باستقبال ایلچی
در بین اینها نفر جلو الان تا از دربار پادشاهی خواهد آمد پذیرفته خواهد و در مستقبلین شهر

بازه

با او دربار ایلچی پس فک منظور کرده احترامات عسکریه و لایق شان او بعمل خواهند
آورد و مرتحل مستقبلین پادشاهی ایلچی را منزل ساخته بار او مهیا نموده خواهند برد و
آنجا قراول احترامی برای او نصب بود و فردای ورود او وزیر پادشاه و عظمای دربار
سلطنت ایلچی را ملاقات خواهند کرد و پس فردا سلام خاص اعلیحضرت پادشاهی خواهد
رفت و اینکه لازم است در ساعت مقرر اطاق او را اعلام خواهند کرد و در برای
او همراه است و اینصورت ایلچی زینت روانه میشود و فراشان شاهی پیش
دسته ایلچی و جلو پیش راه میروند و بعد از قراول یا نوکر بالای ایلچی از عقب
ایشان میروند در حالتیکه ایلچی بزرگ از مرکب پادشاهی فرستاده شده اسب
خود را سوار شده و جمع و جلودار مرکب پادشاهی پیش رو او برود و اشخاص سفارت
و اتباع او از جانب راست و اینکه لازم است بیشتر از جانب چپ او باشند و از
دو جانب شاطران پادشاهی همراه بروند بعد از عقب او دسته از قراول
ایلچی با از نوکران بالای دفترخانه شاهی و دنبال دسته ایلچی دسته عساکر در میدان
نقره‌ای از روی پادشاهی گذاشته شده باشند تا به عمارت سراپرده برای ایلچی
کند و اینکه پیشوای ایلچی حقه اهتمام خواهد داشت و
اشخاص او باشند ایلچی در عمارت سراپرده پیاده
خواهد شد و باطاق وزیر اول یا حاکم تا بیرون آمدن پادشاه
چند لحظه در آنجا آرام خواهد گرفت در حال ایلچی با همراهان خود اینکه لازم است
مرحله عمارت سراپرده و داخل خواهند شد قراول یا نوکرهای بالای ایلچی در میدان بیرون
خواهند ماند اینکه لازم است با همراهان ایلچی را بحضور پادشاهی معرفی کند او را

از جانب شاه به خلوت اطاق بار تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه اسباب خود یکجا
خواهند رفت آنجا در هیچ حالت از ایلچی و از هیچیک از اصحاب او درخواست
نخواهد شد که بهیچگونه تغییر در وضع و رسم خود بدهند به همه کس ایلچی و اتباع او اقدام
خواهند کرد که در برابر حضور تعظیم و کفش که ترک نمایند قبل از داخل شدن بیرون
بیاورند بعد از ختم بار بحضرت شاه ایلچی را از جانب شاه تکلیف نشستن میشود و
برای او مسند حاضر گشته بعد از انقضای مجلس ایلچی همان ترتیب و آداب
مراجعت میکند لکن بدون آنکه او اطاق وزیر اعظم با بار رسیده [illegible]
بعد از این سلام اول ایلچی باز دید اشخاص [illegible] دیدن او [illegible] روز و رسوم
تشریفات برای دید و دیدن وکیل روس با کارگزاران خاطر خواهد بود که همیشه صاحب
منصبان ما باستقبال او میفرستند در هر نوبت [illegible] خواهند بود و اصحاب ایشان
در هر دیگر [illegible] برای ایشان بیرون خواهند آمد و [illegible] عسکری [illegible] اول
هستند برای ایشان پیشکش خواهند کرد وزیر اعظم اعلیحضرت پادشاهی [illegible]
[illegible] ایشان خواهند رفت [illegible] باز دید ایشان خواهد
رفت اگر ایلچی و وکیل یا کارگزار از جانب [illegible] حاضر [illegible] باشند
اعلیحضرت پادشاه [illegible] ایشان [illegible] خواهد گرفت همان تشریفات بتوسط دولت
روس در حق ایلچیان و وکلا و کارگزاران ایران [illegible] با مراتب برابر بطور
بی دریغ [illegible] اختلاف [illegible] عادات [illegible] معمول در
مملکت [illegible] است [illegible] وکلای مختار [illegible] از دو جانب
[illegible] امروز منضم [illegible] است [illegible]

ترکمان

ترکمان چای بتاریخ [illegible] سنه ۱۸۲۸ عیسویه مطابق است از پنجم شهر شعبان المعظم
سنه ۱۲۴۳ هجری بخط [illegible] نواب نایب السلطنه رسیده
[illegible]
[illegible] رسیده

نظر به مضمون فصل چهارم عهدنامه [illegible] امروز اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران متعهد میکند که از تاریخ اختتام عهدنامه [illegible] در مدت دو ماه همه
حصه طالش را [illegible] متعلق به دولت روسیه است و [illegible]
بر حسب فصل چهارم عهدنامه [illegible] و [illegible]
از جنگ [illegible] عهدنامه [illegible] ایران [illegible]
از قشون [illegible] روس [illegible] خواهد
[illegible] ولایت مذکوره بوکلای روسیه و دولت ایران
[illegible] و ایشان [illegible] و حکام
از هر [illegible] خلاف ضابطه و نظام [illegible] از طرف
دولت [illegible] خواهند بود

نظر به مضمون فصل ششم عهدنامه [illegible] امروز [illegible] اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران [illegible] متعهد شده است [illegible] اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه
[illegible] که در [illegible] روسی [illegible]
[illegible] در مدت هشت روز بعد
فاصله از اختتام عهدنامه [illegible] بوکلای مختار روسیه [illegible]

[illegible]

اتفاق داده شود و هر گاه وزیر یازده روز تا در ختم به تحصیل سه وسه کرور تومان در جا
نقد ابرین سنه ۱۸۲۸ اسبیه و عبارت از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال
گردد و هر گاه در به تمام تمه دو کرور باقی مانده دولت ایران به روسیه
متعهد ایصال گشته در عاشر شهر ژانویه سنه ۱۸۲۹ اسبیه و عبارت از رجب و هم
هجری سنه ۱۲۴۵
به جهت اینکه اعلیحضرت امپراطور معاهده تبیین قشون از ولایت آذربایجان ایصال نشت گردد
قشون نظامی و ولایت آذربایجان در تصرف بیوالنطوف کرد روسیه مانده و آن
و انتظام آن ها لذا گفته از جانب روسیه به جنرال حکومت مستقل
اکمال در ختم و وضع تعهدات در اجرای تسلط در رفتار و رعایت
و حسن ضابطه و آسایش در و نه منعی و با مقدار رعایای مخصوصه جهت تدارکات
عزم و به عساکر در بابه هر سبیل العاده در ولایت که با تعیین جنرال روبطات
اتفاقیه اگر هم اکر و هم مبلغ مذکور در فوق هشت کرور قشون است و روی
یازدهم ماه اوت سنه ۱۸۲۸ اسبیه و عبارت است از یازدهم شهر صفر سنه ۱۲۴۴
تمام تسلیم شود و معلوم شد و تعلق گرفته تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال
دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلق استحقاق خواهد
داشت هر از آذربایجان مملکت حفظ سازد و در زیر حمایت باد و اسطه لذا تعزیه
خود جانشینهای خود را و انتقال آنها بوارث جز دران عیبی کند و در باب
مستقبلها به وفق این قرارداد از قبیل دولت روسیه دعاوی گفته که الحال
معلوم است هم به جهت لبه و استرداد و برای دفع او می ماند اما دراین صورت

دولت ایران نزد دولت روس با هر از تعهدات نقدیه بری الذمه خواهد بود لکن
مقررات است که اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران هر که در ازمنه کرور روپیه را
تا کرور تمام وجه غرامت مشروط بسبب داده شود هر از آذربایجان انتهای سرحد در
مدت که هر از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد با اختیار ایرانیان و اکثر از قلعه
لکن هر اه قلعه و ولایت خوی متقدر های ایصال کردیم از کرور است مذکور تا وعده
با تمام در باقی هم ماه اوت سنه ۱۸۲۸ اسبیه در اقتدار عساکر روسیه خواهد ماند
که امپراطور روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه از هر با جزو آذربایجان
موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به دولت امپراطوریه روسیه وعده
روسیه در عهد معهود هشت کرور با بین هفت کرور قشون را داده باشد
بعد از وقت دستور العمل که دولت خود داشت حکومت مستقل تبریز را
از وقت اختیار را رواده از خود سلب کرده و کلا به ایران و برای انتظار از طرف
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران امور خلاصه شده و در تصرف آن خواهد برد
لکن بدون اینکه ضابطه و آسایش خلق شرایط تعلق شده و در روابط و تعهد
و در عهدنامه عهد مصالحه اتابکه و در این فصول زاید مقرر گشته است تغییری
حاصل نه شده
عساکر روسیه به جز تصرف سیاق جنبه دهنه از آذربایجان را در تصرف خواهند داشت
چون اختیار تام و تمام موافق مصلحت دیده قشون نظامی عساکر روسیه در هر جای
این مملکت اقامت نماید لهذا قرارداد این جزو عساکر ایرانی نمونه در بعض اماکن آذربایجان
منتشر نه جا فاصله بردن رفته و خود را به ولایات داخله ایران کشند

برای رفع امور دیگر که موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه می‌شود و حفظ آن
مابین عساکر جانبین در مدت توقف چند وقته در ولایات آذربایجان مطابق قرار
ظاهر جانبین لازم است مقرر نمایند و در مدت اقامت هر فراری لشکر روسیه
که بجانب ایرانیان گریزد بواسطه رؤسای ایران گرفته شود و [illegible] العفو
نزدیکتر از رؤسای روس تسلیم شود و همچنین هر فراری لشکر ایران که بجانب
روسیه گریزد علاوه [illegible] گرفته شده نزدیکتر از حاکم ایران تسلیم شود
هان جهت [illegible] تصدیق نامه‌ها از جانبین [illegible] تشخیص حفظ [illegible]
[illegible] عهدنامه [illegible] امروز [illegible] نامزد خواهند شد *
و [illegible] برای ترتیب نقشه ازان [illegible] سرحد [illegible] و تصحیح فیمابین
گرجستان و [illegible] دیگر در کمال [illegible] بتصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه
عباس میرزا [illegible] و [illegible] ازان این نقشه [illegible] و [illegible] مستقل
[illegible] و [illegible] فصل [illegible] برای [illegible] عهدنامه [illegible]
تشخیص [illegible] است [illegible] قرار [illegible] دارد [illegible]
بحفظ در [illegible] است و در هر حال [illegible] وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل
ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران [illegible] نوشته مهر کردند
تحریراً [illegible] به ترکمان چای [illegible] تاریخ دهم [illegible] سنه ۱۸۲۸ مسیحیه
عبارت است از پنجم [illegible] شعبان المعظم سنه ۱۲۴۳ هجری
بملاحظه و تصدیق نواب [illegible] السلطنه رسید
و [illegible] وزیر [illegible]

قرارنامه افلاس

که در دارالخلافه طهران فیمابین وکلای دولتین ایران و روس منعقد گردید در شهر شعبان
سنه ۱۲۵۰ هجری ~~۱۰۴۳~~ هجری

نظر باینکه بجهت رفع افلاس تجار و رفع جمیع جهات درگذشته‌ها لازم بود از قرار
فقرات ذیل است

اول جمیع سندات حجه و قرض و خط و مشتقات و غیره که [illegible] در دیوانخانه
معتبر و در دفتر مخصوص [illegible] حاکم [illegible] ولایت ممهور [illegible] ثبت شود و در
دفتر مذکور [illegible] از روی تاریخ و غیره ثبت گردد [illegible] دفتر [illegible]
بروی سندات نوشته شود و اوراق دفتر [illegible] داشته [illegible]
و [illegible] باشد

دوم سند اینکه در دفتر بزرگ معتبر [illegible] در دیوانخانه
از روی الف با اسامی [illegible] نوشته شود و دفتر بزرگ [illegible] شود
سیم [illegible] بمقام [illegible] در دیوانخانه
معتبر شده است [illegible] اول و [illegible]
[illegible] قرارداد [illegible] قواعد [illegible] احکام افلاس جاری است [illegible]
بود

چهارم [illegible] سندات [illegible] واجب [illegible] که موافق [illegible]
دیوانخانه [illegible] ترجیح دارد بر سندات خارجی [illegible]
[illegible] سندات [illegible] دیوانخانه معتبر [illegible]

پنجم مستندات خارجی را از مدت کمال قرار ... با آنکه نه الدفعه مشتری باشد

ششم هرگاه مال غیر منقول را که ملک او بوده بفروشد یا بیع شرطی کرده باشد قباله و دیناق
آن را بدست مشتری بدهد و چنانکه بر وعده قرار داده باشد که بیع لازم هم خواهد
بود یا آنکه نه قبل از ثبت و معتبر بودن چنان سند خرید و فروخت با مشتری نامه
و قباله و دیناق آن را بدست مشتری داده و شده است و پیش از آن چنان غیر منقول بجز
در دفتر ثبت شده باشد که بیع و شرط و گرو و غیره

ششم لوازم دفتر ثابت کرده بود که آنچه طلب کار و بدهکار بوده به حفظ
و دعوی بر روی سند نوشته باشد و نیز تا آنگاه رسیده و الدعه العرف تا ثابت
نموده باشد قسم لوازم قرض ثابت کرده

هفتم هرگاه وفات ... کاری طلبکاران حق مطالبه تمیز را حرف را از ورثه مرحوم
قبل از انقضای وعده خواسته باشد که ورثه اموال مرحوم را رد نماید

هشتم هرگاه یکی از انکار دیگر دعوی افلاس نماید باید قسم یاد کند و از اموال خود
چیزی پنهان نکرده و نیز دعوی افلاس خود را تمام ثابت کند و همچنین شرکا و کارکنان او هم
باید قسم یاد نمایند که از اموال او چیزی پنهان نکرده‌اند

نهم از این نوع ورشکستها دست بر نمی‌دارند تا تمام حق را حاضر نمایند و ... اموال
ورشکسته را و اموال اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد مگر در صورتیکه ثابت
نموده باشد از ظهور ورشکستگی او صاحب این اموال شده‌اند و آنکه از اقوام آنان
و یا به جهت دفع ورشکستگی به آنها ... ارث یا ... رسیده باشد که حاصل کار
خود آنان نیست مجاز در حق آن تصرف از ضبط معذور خواهد بود

دهم چنانچه بجهت افلاس از حرفت اتفاقیه و حریق ثابت و از غرق ... بجهة
معروف باشد از ضمان بری نیست

یازدهم هرگاه مفلس حجة ... ان بزرگان ... شخص کاذب خلاف بود و احتساب
تلف ... دعاوی ... استثنا ... حرفت ...
بود مفلس ... مدت طول ... در حبس ... و ... ثابت
نماید ... جمیع اموالش ضبط خواهد شد و ... ثابت ...
نموده ... شخص نیز ... برای ... او و برای ... اموال او را
پنهان داشته‌اند ... خواهد بود

دوازدهم شرط ... ثابت تقلب مفلس ... از افلاس ... واقع شده است ...
و همین شرط ... ورشکستها ... از ظهور افلاس ... است ...

سیزدهم تقسیم اموال ورشکسته فیمابین طلبکاران ... از چهار ماه خواهد بود و اگر
اجناس ورشکسته از قبیل جزئیات ... و ... ضایع و تلف می‌شود ...
واز ... باید ... فقط ... و ... از ... اعلان افلاس
بابت مفلس ... باید ... ضبط ... با آنکه ...
هر نوع ... مفلس ... عدم صدق افلاس ...
و یا آنکه ... نه

چهاردهم ... مفلس کل قرض خود را ادا نکرده ... باشد ... طلب
خواهد شد و طلبکاران ... خود ... مهلت خواسته‌اند
و در آن اثنا هرچه حاصل او شود ... عوض قرض ... خواهد شد

بالتمام چنانچه در وقت ورود در قرنتین با مستندات تقصیر ظاهر شود در بدو الحال ... مثبت را
به تقلب ... از عهده ... در گذشته بر آید

ششم ... در بعضی جاها معمول ... از این قرار است اول تجار اهل ...
... را ... کند ... حساب نقد و جنس خود را از مردم گرفته است
... اگر ... جنس بجای ... اینکه اقدس خود را ...
از ... اقدس ... جنس ... که ... اگر ...
... سابق ... است با هیچ شرط ... است ... قاعده
با هیچ شرط ... دارد

هفتم ... ولایات ایران و در بعضی اماکن ... از قبیل
...
... مردم ... هیچ کس را از رعایای
این دولت ... بعد از ... و بعضی ... را ...
... حکم ... شد

هشتم چون جهت ... امر تجارت ... است لهذا اولیای
دولت ... ایران امر تجارت ... دارند ...
... کار تجارت دولت بهیه روسیه ... رجوع می‌شود با
... در حضور ... صاحب منصب سفارت ... شود ...
... در جاهائیکه ... رعایای ... باید ...
... صاحب منصب روس ... که ... ایران و روس ... در گذشته ...

کارش

کار ایشان ... خواهند بود ... که ... متفرق ...
رعایای دولت بهیه روسیه ... فقره ... مذکور
... ایران ... دارند اول دیوان ...
... ملک ... شرط ... کرده ...
... قبل از وقت ... دیوان ... از آن ... تحریر ...

بیست و هفتم شهر شوال ۱۲۵۲ در دار الخلافه طهران
سمت تحریر یافت

قراردادی است که فیمابین دولتین بهیتین ایران و روس
بتاریخ بیست و هشتم شهر جمادی الاخری سنه ۱۲۶۰   ۱۸۴۴ ...
در دار الخلافه طهران سمت تحریر یافت

برای ... ما بین ... سرحدات ایران و روس ... از
مهاجرت ... طرفین ... دولتین ...
این قرارداد ... منعقد ... کرده‌اند

اول رعایای ... دولت ... بدون ... دولت خودشان ...
... نخواهند کرد

دوم ... رعایای دولتین بهیتین ... بدون ... دیگر ...
... سرحدداران ... و قنسول ...
... همراه خود دارند

سیم ... رعایای دولتین ... مهاجرت ... از دولت خودشان ...

که باید رعیت خارجه باشد

چنانکه اگر جانبین دولتین در حالت دوستی از همدیگر چیزی بخواهند با سفاین بفرستند برای

بعضی خاقانی را خواهند داد که این مقدار متجاوز و قادر نباشد

محل مهر جناب هنری الیس باارنت   محل مهر جناب مستر جیمز موریر وزیر مختار دولت انگلیس

وثیقه‌نامه ممهوره فیما بین دولتین ایران و انگلیس

چون در این اوان سعادت نشان سفیر بی‌نظیر روشن ضمیر صاحب تدبیر صاحب
شأن عالیجاه ایلچی الله بلند مکان عالیجاه اعظم الامراء العظام المسیحیه سر گور اوزلی بارونت
از جانب سعادت جوانب شهریار کامکار حضرت عدالت گستر ممالک پناه رشید کشی
سپاه جانب جانشین نظم ادار مناظم کشور رشته مقاصد رفاهیت ارائک سلطنت و نامداری
شرف افزای مسند جلالت و جهانداری عدیم المثال بلا زوال دارای ارکان دولت و اقبال
پادشاه والا جاه فلک دستگاه ممالک فسیح المسالک انگلستان و هندوستان
ادام الله تعالی ایام سلطنته الباهره برسم سفارت با نامه همایون پادشاهی
وارد دربار سپهر مدار شد و شرف اندوز تقبیل عتبه علیه حضرت قدر قدرت قضا نفاذ
گردون حشمت جم اقتدار خدیو انجم سپاه فلک بارگاه حضرت و جمشید اختر داور انجم
حشم ملک رکاب الملوک الحاقان الاسلام السلطان عز الملة و الدین قهرمان الماء والطین
شهریار جم اقتدار کشور پناه ایران و توران لا زالت مشارق اقبال مطالع
مطلع کواکب الاقبال گردیده و مراتب وکالت نامه معتبره مهر مهر آثار پادشاه
والا جاه معظم الیه در تشیید مبانی یگانگی و الفت دولتین علیتین وکیل مطلق و متعهد
مختار بوده و از طرف همایون اشرف شاهنشاه جم بارگاه ممالک ایران نیز عالیجاهان

رفیع

رفیع جایگاه ارکان جلالت و اجلال بنیان عزت و دولت دستگاه امین مجد و
حشمت همراه مقرب الخاقان صدر الوزراء العظام معتمد الدولة العلیه العالیه
میرزا محمد شفیع وزیر امیر الامراء العظام امین الدولة العلیه القاهره حاجی محمد حسین خان
مستوفی الممالک دیوان اعلی ایران از قرار قبالجات از طرف جداگانه وکالت مطلقه
تفویض رفته بود با عالیجاه ایلچی سابق الذکر تجدید شرایط مودت و تمکین دوام و اتفاق
دولتین علیتین پرداخته ارکان اتحاد را از بنیان به نقش مصالح طرفین بنیان مستحکم و مشید
ساخته داشته عالیجاهان مشارالیهم مراتب انعقاد مجالس عدیده و طرح مقالات و
مکالمات لازمه با استصواب و رضای یکدیگر بنا بر عهد و میثاق و اداء شروط
و تکالیف که دوام اتفاق فیما بین دولتین علیتین بر اصول مفصله ذیل گذاشته برای بنیان
دوام دولت ثابت و لازم داشته و از این سبب هر یک نیز سطور معاهدات و شروط را
مزین و ممهور گذارند

چون تفصیل شروط و توضیح و تبیین معاهدات جانبین موقوف بر تحریر مکالمات کافیه
و مجالس متعدده است این وثیقه مبرمه در عهدنامه مرسوم دولتین مرقوم گشته تا کار خیر
در نزد اکابر دولتین فیما بین جانبین و تحریر شروط حاضر جانبین را ایشان با یکدیگر و قرار ایشان
بر عهده است تفصیل مشتمل بر جمیع معاهدات و حاکم جمیع شرایط و ضوابط الاتحاد قدیم
و لفظ و مهر و کلمات اجلاء رفته ملتزم گردد و مدار یکجهتی دولتین بر آن باشد

اول باید در حین انعقاد در میان هر دو دولت جاوید مدت بر ثبت عهد و پیمان
بسته شد از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و محروس و روز بروز در مودت و تقویت یگانگی
و اتفاق فی ما بین هر دو دولت و هر دو جانب و مراعات و مواظبت جانبین لازم و واجب باشد

جهاز زاد راه فراهم نمایند و سلطنت تا دولت و فرزندان و احفاد و اعقاب ایشان
و وزرا و امرا و ولاة و حکام ولایات و سرحدات مملکتین ابد الاباد استوار
باشد

چون اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم دانسته که از تاریخ این عهدنامه همه
عهدهای ایران هر عهد و شرطی با هر یک از دول فرنگ بسته‌اند باطل دانند و لشکر
هیچ دولت از فرنگستان مملکت ایران را راه عبور به طرف مملکت هندوستان دست ندهند
و نگذارند

هرگاه بضرورت لشکری از طوایف فرنگ بمملکت ایران آمده و در صورتی
که نواب پادشاه والاجاه انگلستان قشون و توپخانه و اسباب در عوض آن
وجه نقد و زر نقد و سایر وجه نقد که در عهدنامه مفصل مقرر باشد که بهمت
سپهر اقتدار نواب ایران بفرستند و در دفع و رفع ایشان همت ببذل
کمال اعانت و امداد نمایند و مبلغ این قشون با اسلحه و وجه نقد ارتکاب
و اسباب از قراری است که در عهدنامه مفصل مشخص و معین خواهد شد و اگر
بنا بر مصالح خارجی طایفه فرنگ با دولت علیه ایران نزاع و جنگ دارند
و اولیای دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد پادشاه والاجاه انگلستان کمال
سعی و اهتمام در رفع نزاع و خلاف ایران و آن طایفه مشغول
صلح واقع شود و اگر اهتمام نواب پادشاه والاجاه انگلستان
در عهدنامه مفصل تحقیق داده قشون یا لشکر یا وجه
نقد و اسباب بکومک ایران اعانت الامام و جنگ

ایران

ایران و آن طایفه از جنگ بر رفع جدال بکشد و آن طایفه با اولیای دولت
ایران صلح نماید مطابقه رد دادن کومک نمایند و هرگاه افاغنه هندوستان را
با اولیای دولت انگلیس نزاعی و جدالی اولیای دولت ایران از این طرف
لشکر تعیین کرده بطوری که مصلحت دولتین باشد بدولت انگلیس اعانت و امداد نمایند از
قراری که در عهدنامه مفصل مشخص و معین خواهد شد

چنانچه اگر از ممالک هندوستان قشون و لشکر وارد بحر العجم شود بحکم و قبول از آن
و رخصت اولیای دولت ایران در جزیره خارک یا جای دیگر از سواحل عمان
نزول کرده باشند بهر جهت ... دفع و تفرقه ... کرده و از تاریخ
عهدنامه مسطور مذکور در ... اختیار اولیای دولت ایران باشند اگر
اولیای دولت انگلیس ... بر ... و ... قشون ... دستگاه افاغنه که
هندوستان ... باشند و اولیای دولت ایران خواهند برای امداد
خود آن قشون را نگاه دارند و اگر ... روانه هندوستان نمایند
و در عوض قشون ... ذکر یافت در عهدنامه مفصل مشخص خواهد شد
وجه نقد بر اخراجات و تدارکات بازیافت نماید

هرگاه از قشون مذکور بموجب رخصت اولیای دولت ایران در جزیره خارک یا جای
دیگر از سواحل عمان توقف نماید ... از جانب کارگزاران دولت ایران
کمال شفقت و مهربانی ... با ایشان معامله و حکام و ضابطین ... فارس و
غیره ... بموجب ... رعایت ... قشون مذکور ... و ... کار ... باشند نرخ
دلخواه ... وقت ... قیمت ... نمایند

ششم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس را
در این میانه کاری و بهره جز اعانت و امداد نخواهد بود مگر آنکه بخواهش طرفین
واسطه صلح گردند

هفتم این عهدنامه مجمله بر سبیل رسم دستور کلیه محافظت مرقوم و در ضمن آن عهود و
شرایط دولتین اما در این عهد جاوید رسوم و شرایط مقرره و منعقده بین الدولتین
بقرارات اولیای دولتین و در آن مدت اولیای دولت ایران عهود و شرایط جمیع مخالف دولت
انگلیس ثابت است و افراد ایشان در عهود و هندوستان نگذارد که هیچیک
از طوایف فرنگ تا بوده باشد در این عهدنامه جسته تا آنچه پایدار و این پیوند
میمون تا اولیای دولتین خانی و [illegible] آثار گردد ما هر دو وکلا مهر شیم
بر اثر و استحکام این عهدنامه مجمله مبارکه دستخط و مهر گذاشته ایم بتاریخ
دوازدهم ماه مارچ گذارده منعقده دو نه عیسویه مطابق بیست و پنجم شهر محرم الحرام
سنه ۱۲۲۴ از هجرة النبویة المصطفویه مطابق ۱۸۰۹ مسیحی

سواد دستخط پادشاه انگلیس در ذیل عهدنامه

ما هم این عهدنامه مجمل را دیده و تمامی فصول و شروط آن را مقبول و
منظور داشته ایم و در ایام کارفرمائی خود هم برادرانه و دوستانه بعهد این نزد
قبول کرده ایم خود را بهم رابطه موافق شروط این عهدنامه موجب و المعقود
گرانقدر [illegible] کردن آن کرده ایم داده برای استحکام [illegible] امر مهر بزرگ دولت خود را
بر این عهدنامه مجمله [illegible] و از ما دولت [illegible] خود دستخط کرده ایم در قصر [illegible]
دینه زر

بتاریخ دوازدهم ماه مارچ عیسویه سال جلوس (تاریخ شاه) ۱۸۰۹

عهدنامه مجمل فیمابین دولتین ایران و انگلیس در دارالخلافه طهران منعقد شده است مجمله الرای الکافی

این مجمله اوراق دستکاه است در ارکان دولتین روز و فاق
رشته و دولت وکلای حضرت تقی عقیق برسم عهدنامه مفصل بطبق صدق قلوب پیوسته
مرکز و چون قبل از این تو عالیجاه رتبه السفرا سر هرفرد جانس بارونت از جانب
دولت علیه انگلیس بجهة تهیه مقدمات مجمله دولتین عقیق وارد و دربار شهریاری شده
بجهة در عهدنامه مجمل فیمابین وکلای دولت علیه ایران اعلی الکفایة العظام عمده
الوزراء العظام مقرب الصداره والوزاره والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم
و امیرالامراء العظام المؤتمن لحضرة العلیه العالیه امین الدوله العلیه البهیه قرة العهد
والنبالة حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالک دیوان معظم باشند را به وکیل و سفیر
دولت بهیه انگلیس بودند بر ذات جنبه دولتین و تعیین آن عهدنامه مفصل در جمیع
شهور قرم گردیده بود حال عالیجاه رفیع جایگاه عزت و ثقت مهر لازمات
و صداقت انگلستان و نفاذ و در رتب اکابر و دو ترکا با جان دستگاه در مرکز دولتین یاران دولت
اعیان بزرگ دولت شاه ابها برای انجام عهود و متقاعده دولتین شریف التزام در کار
خود را با پادشاه سپاهی و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات
مجمله دولت وکلای این دو دولت حضرت قاهره باصلاح و صوابدید منشاء اعتبار
در تفصیل عهود کرده و تفصیل متقاعده از قرارات در عهدنامه تجارت نامه جداگانه

معین و منعقد خواهد گشت

اولیای دولت علیه ایران رجوع و التزام داشتند که از تاریخ این عهدنامه
فیروز هر عهد و شرط و پیمانی که با دولتهای فرنگ بسته اند باطل و بی نفع سازند
و لشکر سایر طوایف فرنگستان را از سرحد مملکت ایران راه عبور بطرف
هند و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را که اراده ورود بخاک
مملکت ایران نمایند و اگر طوایف مزبور خواهند که از راه خوارزم و تاتارستان
و بخارا و سمرقند و غیره عبور به مملکت هند نمایند شاه ایران حتی المقدور بحکام
و والیان و سایر اعیان آن ممالک را مانع شوند و از سلوک طوایف مزبور را باز
دارند خواه از راه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق و مدارا

دوم اگر دشمنی از طوایف فرنگ بمملکت ایران آمده هجوم یا بیاید اولیای
دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت و امداد نمایند فرمانفرمای
مملکت هند از جانب دولت بهیه انگلیس هر گاه امکان و قدرت داشته
بقدری که خواهش اولیای دولت ایران است عسکر و سپاه از مملکت هندوستان
روانه سمت ایران نمایند و اگر بسبب بعد راه فرستادن سپاه امکان
نداشته باشد هر ساله مبلغ دویست هزار تومان جهت اخراجات سپاه دولت
ایران به هند مادام که جنگ و جدال با طوایف مزبوره در میان باشد و وجه
مزبور بر قرار و کار و بار این وجه نقد مزبور برابر کمپانی به استحقاق قوشون است
ایلچی دولت بهیه انگلیس که لازم است هر از رسیدن آن نقود مستحضر و اطلاع حاصل
نمایند که در اخراجات و جهت صرف می شود

م

سیم اگر احیاناً طایفه فرنگ را که با دولت علیه ایران جدال و نزاع داشته باشد با دولت
بهیه انگلیس مصالحه اتفاق افتد پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت
نماید که فیمابین آن طایفه نیز رفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر
این سعی بکار نیفتد پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شد از مملکت هند
عسکر و سپاه کومک ایران مامور کنند یا آنکه دویست هزار تومان مقرری را برای
خرج لشکر و غیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند و این اعانت مادام که جنگ
فیمابین ایران و آن طایفه باشد و رفع جدال نشود و آن طایفه با دولت ایران صلح
نمایند مضایقه نکنند و بنوعی که مرقوم شد مقصود در این امداد کاری نمایند و در صورتیکه
صلح فیمابین آن طایفه و دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد باز هم دولت اولیای
دولت علیه ایران خواهند و جنگ و جدال با آن طایفه نشود و صلح و غیره جهت تعلیم
و نظم سپاه ایران اولیای دولت انگلیس بر طرف فراغت وقت بقدر مقدور اعانت
مضایقه ننمایند

چهارم چون قرارداد مملکت ایران است که در حسب قانون شاهنشاه جمشید دستگاه
نرتبه قرار داده شد که مواجب بعوض سپاه از دولت انگلیس داده شده که تعداد
مزبور را اجرا نموده دولت هرچه ممکن شود رفع نزاع و پیشرفت مهمات نمایند

پنجم هر گاه طایفه افغان را با اولیای بهیه انگلیس نزاع و جدال باشد اولیای
دولت علیه ایران سپاه تعیین نمایند بقدر مصلحت در تعیین هم و دولت بهیه انگلیس
اعانت و امداد نمایند و وجه اخراجات آن را از اولیای دولت بهیه انگلیس
بگیرند از قراری که اولیای دو دولت تعیین قطع و فصل خواهند کرد و اگر جنگ و نزاع فیمابین

دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در این کار مدخلیتی نیست و به هیچ طرف کومک و امداد نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند

ششم در صورتیکه در سواحل دریای قلزم چوب و اسباب مهیا شود و شاهنشاه ایران خواهش فرمایند در حدود ایران جهاز و کشتیهای جنگی سازند پادشاه ذیجاه انگلستان اجازت عملجات و عمله کشتی ساز و هم آلات از دار السلطنه لندن و هم از بندر بمبئی نمایند بجهت شاهنشاه ایران حاضر و گماشت مرخص و مامور شوند و مواجب و اخراجات آن بر کارپردازان شاهنشاه جمجاه دولت ایران باشد بر آن قراری که با دولت بهیه انگلیس داده خواهد شد

هفتم اگر از رعایای ایران کسی یاغی و متمرد گردد و فرار بدولت انگلیس نماید به مجرد اشارت اولیای دولت ایران آن کس را از ولایت خود بیرون کنند اگر بیرون نرفت او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آن کس به ولایات مزبوره اشارتی از اولیای دولت علیه ایران بحاکم آن حدود برسد آن کس را از جهت نرفتن راه ندهند و اگر از ممانعت آن کس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند

هشتم اگر در بحر العجم اولیای دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت انگلیس بشرط امکان و فراغ بال مدد از کشتی جنگی و قشون بفرستند و اخراجات از اول روز که از بندر قطع و فصل شود تا روزی که مرخص گردند کشتیهای مزبوره را ایران حوزه و لنگرگاهها جبر که در اختیار دولت علیه ایران باشند وارد شوند

دیگر

و دیگر با رخصت فرود و رفع ضرورت کنند

نهم در باب مواجب صاحبان منصب و عمله و غیره سپاهیان دولت بهیه انگلیس مقرر داشته و الحال چون شاهنشاه جمجاه ایران خواسته‌اند که از ترتیبات ایشان مشغول و از عادات جنود آنها با بهره باشند لهذا از روی رعایت در باب تفصیل مواجب هر کدام از جمله صاحبان و معلمان که الحال در اردوی مواجب دو درجه هر یک به تفصیل ذیل مرقوم شد

صاحبان و سرداران
- برتان جنرال [illegible]
- میجر جنرال [illegible]
- اکزانه جنرال [illegible]

مهندس / توپ
- کرنیل [illegible]
- برتان کرنیل [illegible]
- میجر [illegible]
- کپتان [illegible]
- لیوتنان [illegible]

سرکردگان و دیگر سوار
- کرنیل [illegible]
- برتان کرنیل [illegible]
- میجر [illegible]

سرکردگان دیگر سواره و پیاده
- کرنیل [illegible]
- برتان کرنیل [illegible]
- میجر [illegible]
- کپتان [illegible]
- لیوتنان [illegible]

رفعت بحری سردار
- رفعت میجر [illegible]
- رفعت [illegible]
- کاردل [illegible]

رفعت سردار
- رفعت میجر [illegible]
- رفعت [illegible]
- کاربوردل [illegible]

ظهور اینکه شاهنشاه جمجاه ایران حاضر و مشغول خدمت بوده باشند و هر یک از صاحبان مرتبه مستعفی شده مرخص حاضر شده از قسم دیگر در حفظ خدمات مراتب مرتبه هر یک از ایشان و در سایر خدمات و غیره و دیگران باشند تفصیل اینکه موافق مرتبه مقرر شده مقرر است علاوه انعام داده

خواهد شد و رخصت نبود اگر خدا نخواسته یکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی
کند بمجرد اظهار ایران ایلچی از خدمت شاهنشاه معزول خواهند شد

دهم چون منظور رای شاهنشاه جمجاه از بستن این عهدنامه جاوید ابد الآباد ابد الدهر
و الدهور و الاعصار برقرار و برقرار باشد و از هر طرف میل از طرف مقابل
چنین یافت هر وقت که یکی از اولاد فرزندان سپهر باشد ولیعهد دولت
و زینت بخش سریر سلطنت ایران باشد دولت دیگر ... برادر داشته
و این طریقه را معتمد و معمول دارند و هرگاه ولیعهد یکی از ... خلیفی
محتاج باعانت جهه ... از دولت دیگر بطریق ... و صحیح ...
مملکتین و منعقد در طرفین ... و کمک ... امداد و اعانت ننمایند و امداد
و اعانت ... از قرار فصل سابقه در این عهدنامه مبارکه مشخص شده
به ولیعهد مستمره برقرار خواهد بود

یازدهم چون از قراریکه ... دولت ... و از کمی ...
جنگ واقع شود لهذا منظور از این عهده ... از زیاد قوت هر دو دولت
و وسعت ... مملکت است و هر یک را ... خاطر اینکه ...
کرده باید که ... مملکتین طرفین افزوده باشند و مطلب و خواهش اولیای
دولت بهیه انگلیس است که دولت علیه ایران روز بروز زیاده قوی و مستحکم گردد
و از خارج شد لهذا ... دخل و تصرف در مملکت مزبور نماید و باید دولت بهیه انگلیس
دولت و مملکت علیه ایران ... اگر ... مملکت ایران فیمابین
شاهزادگان قاجار ... و سردار ... دولت بهیه انگلیس را در آن

میانه

میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و احیاناً اگر امری از ایشان رایج
ولایتی و جایی از خاک ممالک متعلقه بایران را بدولت بهیه بدهند بازای
آن کمک و اعانت نمایند هرگز اولیای دولت بهیه انگلیس باین امر اقبال نکرده
پیرامون آن نگردند و در دخل و تصرف در ممالک متعلقه بایران هرگز نخواهند
نمود ... این عهد میمون خجسته ...
تا ابد منعقد و پیوسته باشد این عهدنامه میمون را امنا و وکلای حضرتین علیتین
مرقوم نمودیم ... در این شهر تبریز ... دوازده کاغذ بستیم و منعقد داشتیم
و بخط و مهر خود ممهور نمودیم به تاریخ چهاردهم ماه مارچ ۱۸۱۲ عیسویه مطابق بیست و دوم
شهر صفر المظفر ۱۲۲۷ هجریه ...

سواد دستخط عباس میرزا نایب السلطنه

چون اعلیحضرت قدر قدرت فلک رتبت شاهنشاه عالم پناه نیابت سلطنت
ابد مدت قاهره را بما مفوض فرموده لهذا قبول محض حسب الامر قبله عالمی
بر ذمت همت بزرگانه خود لازم شمردیم که این عهدنامه میمون خجسته را که فیمابین
بسته و محکم گردیده است بر دو طرف ... در عهدنامه مبارکه مربوط و مشروح است
از خاطر ... انقراض زمان فیمابین ... و ... این دو دولت
شان با حضرت ولیعهدان دولت بهیه مستمر و برقرار باشند و تخلف و تجاوز
روی نخواهد داد (الحق)

عهدنامه تجارت فیمابین ایران و انگلیس در عهد شاهنشاه ایران محمد شاه طاب ثراه

چون بیمن الطاف خداوندیگانه محبت یگانه و عطوفت الهامیه از روزیکه عهد مستحکم
و الفت مابین دولتین قوی شوکت ایران و انگلیس مرتب و ممهد گشته روز
بروز سلسله ودادش از حسن خسروان معدلت شعار دولتین ابدآیت وافرا چه
واحدی که اصول و فصول آن را مرعی و محفوظ داشته متعلقان مملکتین را
از فوائد آن متمتع و محظوظ فرموده لهذا عهدنامه تجارت که در دیباچه
عهدنامه سنه ۱۲۲۹ اولیای دولتین بعضی وعده اقدام آن کرده اند و تا کنون
بعضی جهات در انجاز آن تأخیر شده لهذا برای تکمیل جمیع شرایط معاهده و
در این سال فرخنده فال اعلیحضرت قضا شوکت قدر قدرت فلک رتبت گردون
حشمت حضرت اعظم خدیو جم حشم حضرت الاسلام و المسلمین عضد الملة و الدین
شاهنشاه ممالک فسیح المسالک ایران خلد الله ملکه و سلطانه جناب جلالت — محمد شاه
و نبالت همراه عزت و فخامت اکتناه امیر الامراء العظام زبدة الکبراء الفخام
میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه را با وکالت مطلقه سرافراز فرموده
و اعلیحضرت گردون رفعت خورشید رایت شهریار ممالک … حضرت … ال …
شاهنشاه ممالک انگلستان و هندوستان ابد الله شوکته و دولته جناب جلالت
و نبالت … مجدت و درایت انتساب عمدة السفراء المسیحیه زبدة الکبراء
العیسویه سرجان … وزیر مختار را با وکالت کلیه مفتخر فرموده و وکلای دولتین علیتین
عهدنامه تجارت را در دو فصل منعقد و بر طبق عهدنامه اصلیه …
بین الدولتین همانا منظور بوده و متعلقان طرفین را … آن عاید گردد
اول تجار دولتین علیتین … ماذون و مرخص اند … اجناس و امتعه خود را

بمملکت

مملکت دیگر نقل نمایند و در هر جا بخواهند بفروشند و مبادله و معاوضه نمایند و از متاعی
که وارد … و بیرون میبرند در هر دو مملکت یک مرتبه بطریق وجه گمرک از تجار دول کاملة الوداد
فرنگ گمرک … گرفته میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و در زمان
خروج یک مرتبه بطریق وجه گمرک از تجار دول کاملة الوداد فرنگ گمرک … گرفته
میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و دیگر بهیچ اسم و رسم از تجار دولتین در
مملکتهای جانبین چیزی مطالبه نخواهد شد تجار و متعلقان و منتسبان طرفین در ولایات
جانبین بهمان رتبه دول کاملة الوداد فرنگ از هر گونه رعایت و حمایت و احترام محفوظ
بهره یاب خواهند گردید

دوم چون برای رسیدگی بکار تجار جانبین لازم است که از هر دو دولت وکیل التجاره
… منصوب شود مقرر و قرارداده شد که دو نفر وکیل التجار از جانب دولت بهیه
انگلیس در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز اقامت داشته باشند فقط شرط
با اینکه … در دار السلطنه تبریز مقیم خواهد بود لهذا … جنرال قونسولی
… باشد … دولت بهیه انگلیس در …
… دولت علیه ایران اذن …
در آنجا اقامت نماید و یک نفر وکیل التجاره از جانب دولت علیه ایران در دار
الخلافه لندن و در بندر بمبئی … نماید … رتبه و امتیازات وکیل
التجار دولت بهیه انگلیس در مملکت ایران … این
عهدنامه تجارت را … وکلای دولتین … در دار الخلافه طهران بتاریخ … شهر
رمضان المبارک سنه ۱۲۵۷ هجری مطابق ماه اکتبر سنه ۱۸۴۱ عیسوی … مهر … رقم …

قرارنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و انگلیس

سواد دستخط همایون که در اول این قرارنامه مرقوم فرموده‌اند

(این سواد مطابق با اصل است و اصل هم بخط ایشان نوشته شده صحیح است ۸ شهر شوال المکرم
۱۲۹۹ دار السلطنه تبریز)

دولت ایران قرار میدهد که کشتیهای جنگی دولت انگلیس و کمپانی تا مدت یازده سال
اذن داشته باشند که هرگاه احتمال حمل غلام و کنیز بدهند کشتیهای تجارتی ایران را تفتیش
و در این صفحه مرقوم میشود تفتیش نمایند برای کشتیهای جنگی دولت ایران هم کشتی
تجار و رعیت را بتوانند این کشتیهای جنگی مطلق دخل و تصرف نمایند لهذا اولیای دولت
ایران قرار میدهند که هرگاه غلام و کنیز جنسا در کشتیهای تجارتی
او لازم قرار است که اجازه تفتیش در کشتیهای تجارتی رعیت داده میشود
از ابتدای تفتیش تا انتها بتوسط و استحضار صاحب منصب ایران بشود که در
کشتیهای دولت انگلیس منزل و مکان دارد
تا بتوانند تجار را از جمله از تعدیات تفتیش غلام و کنیز مطلع کنند و اگر غلام و کنیز
در یکی از آن کشتیها بعد از کارگزاران دولت انگلیس گرفته بیرون شود بانکه خسارت
و مطالبه را نمایند و اردو تسلیم و بری بودن غلام و کنیز بنا به زحمت و ضرر بر ایشان برسد
حکم کنند که مستوفی و استحضار صاحب منصب ایران در کشتیهای انگلیس هستند تکالیف
بکار ایران که از جانب این دولت هستند بسپارند و صاحب آن کشتی را به مخالف حکم
اعلیحضرت پادشاه ایران حمل نموده غلام و کنیز حالا که کارگزاران این دولت باوزارت

ان

ان تنبیه و ترجمان خواسته و کشتیهای جنگی دولت انگلیس با دستیاری صاحب منصب دولت
ایران هیچ نوع دخل و تصرف در کشتیهای تجارتی رعایای ایران نکنند مگر صاحب منصبان
دولت ایران هم بنا به درخواست علیحده که بخواهند در این قرار مقرراست تا مدت
یازده سال و قرار که تفتیش یازده سال و تمام شدن موعد مدت اگر کسی بخواهد
بعد از یازده سال معمول بداند و در کشتیها تفتیش خلاف رویه وزیر دولت ایران
و خلاف رعایت حقوق ایشان شود از جانب این دولت از جنبه مطالبه خواهد شد

ثانیاً غلام و کنیز فرنگی ایران که حال در ایران هستند از
حالا ببعد هرگاه اگر بخواهند از بلاد داخله یا خارجه دست آن را بدیگری بفروشند
بشرط رضای خواسته باید مطلع از جانب کارگزاران ایران که در شهر را باشند
میرسند با استحضار کارگزاران و شهر گرفته و کسی را بعد از ضبط از آن غلام و کنیز جدا شود
ایران که بدان مطلع بستری با کارگزاران دولت انگلیس متوقف شده را با شهر
شرط بر قرارداد منظور و فوق تا مدت یازده سال است ابتدای شروع با تفتیش
تفتیش وزیر خارجه صاحب منصبان از غره شهر ربیع الاول ۱۲۹۹ جاری است از حال تا
انتهای این تاریخ فوق حق تفتیش ثابت ۴ شهر شوال المکرم ۱۲۹۹

قرارنامه اینست

مأمور اولیای دولت علیه ایران با جناب تامسن صاحب وزیر مختار دولت انگلیس
در باب مراتب مذاکره شده‌اند ۱۲۹۹ در دار الخلافه طهران سواد دستخط همایون که
در اول این قرارنامه مرقوم فرموده‌اند (این سواد صحیح و مطابق اصل و بخط ایشان است) جناب
صدر اعظم جعفر را بمهر که سفارت انگلیس داده به تاریخ چهارم شهر ربیع الثانی ۱۲۹۹ امضا نمایند

دولت ایران قرار می‌دهد و متعهد می‌شود که هیچ قشون به هرات نفرستند مگر وقتی که قشون
قشون از خارج به سر هرات بیاید یعنی از سمت کابل و قندهار و خارج دیگر در
صورت فرستادن قشون در آن حالت دولت ایران متعهد می‌کند که قشون مزبور
داخل شهر هرات نشود و بلافاصله بعد از مراجعت قشون خارج رو به خاک خود تا حدود مرز قشون
ایران را مراجعت به خاک ایران نمایند

و نیز دولت ایران قرار می‌دهد و متعهد می‌شود که ابداً مداخله در امور داخله
هرات ننماید همچنین از تصرف یا تصاحب یا تملک یا حکومت مگر همان قراری که
در ایام ظهیرالدوله یار محمد خان مرحوم مداخله فیمابین بود که قبل از این [illegible]
برقرار بود بنابراین دولت علیه ایران قرار می‌دهد و [illegible] نوشته و [illegible] این [illegible]
هر خطاب به سعید محمد خان نوشته به اتفاق [illegible] از سفارت انگلیس که در مشهد [illegible]
بنویسد داده شود

و نیز دولت ایران قرار می‌دهد و ترک کند ادعای رابطه سکه و خطبه یا هر گونه
علامتی از علامات رعیتی یا در زیر حکومت ایران بودن اهالی هرات را [illegible] اگر مثل
ایام کامران مرحوم یا مرحوم یار محمد خان از این به بعد بیل و مهر نوشته و با اسم
همایون سکه بزنند دولت ایران را حرفی نیست و قبول خواهد کرد و همین قرار را اسم
فوراً به سعید محمد خان اعلام خواهد کرد

و نیز قرار می‌دهد مجلس قشون ایران را احضار کند که از جا [illegible] توقف
اتباع [illegible] مقیم باشد و [illegible] وکیل مقیم در هرات گذارد مگر مثل ایام کامران مرحوم یا
با مرحوم یار محمد خان اما در وقت داشتن [illegible] از هرات وکیل مقیم در ایران نگاه دارد

[illegible]

باز شده مثل عهد کامران و یار محمد خان از هر گونه مراوده و اتباع [illegible] و از جمله آن
اگر کوچ‌ها از ایران به ترکمان و جمشیدی و تیموری گریزد در ممالک ایران امداد لازم
شود در هرات به دولت ایران مانند هنگام مرحوم یار محمد خان کرد که [illegible]
بیلر و رضاریها امداد برجسته و [illegible] را [illegible]

و هم دولت ایران قرار می‌دهد بدون شرط و بدون استثنا جمیع خراسانی‌ها را
که در مشهد و در طهران یا در جاهای دیگر ایران هستند مستخلص و مطلق العنان سازد
و [illegible] به مقصود [illegible] و متهم از سعید محمد خان قبول کند که اشخاص را که
سعید محمد خان [illegible] از هرات بیرون کند و آن اشخاص [illegible] یا به جای [illegible]
و [illegible] ذکر شده [illegible] حالت سابق مورد عنایت و محبت [illegible] و تحسین
قرار داد [illegible] حسب حکم صریح شاهزاده حاکم مملکت خراسان [illegible] می‌کند و جاری
سازد [illegible] این قرارنامه نوشته شد از [illegible]

این قرارداد که نوشته شد تا از جانب دولت ایران [illegible] و [illegible]
یا حقوقی که دولت ایران در هرات دارد [illegible] و انگلیس [illegible]
انگلیس این شرایط را قرارداد [illegible] از طرف دولت انگلیس [illegible] و [illegible]
و [illegible] از جانب [illegible] در امور داخله هرات و توابع هرات نشود و اگر خارجی از قبیل
افغان [illegible] خواسته باشد مداخله [illegible] و دولت [illegible] از [illegible] که هرات و متعلقات
آن نماید [illegible] دولت ایران از دولت انگلیس خواهش نماید و دولت انگلیس در حمایت
و [illegible] هرات [illegible] استقلال خود [illegible]

[illegible] شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۹

سواد دستخط ملکه انگلیس در زیر قطعنامه فرق

ویکتوریا بعطف عنایت الهی ملکه بریتانیای اعظم و ایرلند حافظ و فا داری و دیانت و غیره و غیره و غیره بحضور همه کسانیکه این نوشتجات باو خواهد رسید سلام کند چون این است عهدنامه صلح فیمابین ما و برادر مکرم پادشاه ایران بانجام رسیده و مهور از ایلچیان انگلیس و ایران در پاریس در روز چهارم ماه مارچ بواسطه سفرای مختار ما و برادر مکرم سابق الذکر ما در کمال صحت باختیار تام و تمام جهت که رلهان امرند و ملفوف بعهده اصل عهدنامه مصالحه مزبور بزبان نوشته مربوط و ضمن گشته است ما دیدیم و سنجیدیم عهدنامه سابق الذکر را سنجیدیم و قبول کردیم و برقرار داشتیم یعنی عهدنامه را و جمیع فصول را و فقرات آن را جزواً جزواً و فرداً فرداً چنانچه در این بیانات را کتبی و قبول و برقرار داشتیم و امضا داریم از جانب خود و از جانب اخلاف و جانشینان خودمان و نیز لفظ شاهانه خودمان عهد بر این می نمائیم که بالصداقت و درستی عهدنامه مزبور را امضا و مجری داریم جزواً و کلاً همه فقرات مندرجه در بیان شده عهدنامه سابق الذکر را اداره نگذاریم و تا قوه داریم احکام نمائیم امور را را اجرا و قهراً و از کسی نخواهد داد تغییرات جبری به وکیت زیاده استحکام این فقرات است ما بخشیدیم مهر بزرگ خود را لذمه یه بریتانیای اعظم و ایرلند لعظا ما بر این بیانات ملحق و منضم شود بشهد در ما بین ما شاهانه خودمان مهر کردیم در دولتخانه بکینگهام مهر ساختیم تاریخ هفتم ماه مرج سنه میلادی ۱۸۵۷ سال بیستم سلطنت ما

صورت مصالحه‌نامه فیمابین دولتین ایران و انگلیس تاریخ ماه رجب ۱۲۷۳ مطابق ۱۸۵۶ عیسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت و کیوان رفعت پادشاه اعظم کل ممالک ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس هردو علی السویه از روی صدق مایل هستند که مصایب جنگ را که در میانه مبدأ ملکات و مشتمل الیات است رفع نمایند و روابط دوستی که مدت مدیده فیمابین دولتین علیتین برقرار بوده مجدداً بتوسط صلحی که بر وفق فوائد طرفین باشد برقرار و محکم نمایند لهذا برای اجرای این مقصود و مطلوب اعلیحضرت پادشاه ایران جناب جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال همایون و حمایل آبی و دارای کمر خنجر الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس جناب جلالت نصاب هنری ریچارد چارلس ارل کاولی وایکونت دانگن اوری کاولی از امنای دولت انگلیس و از اجزای شورت جنگ که مخصوصه اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس حامل نشان بزرگ سلک شریف حمام و سفیر کبیر مخصوص و مختار دولت انگلیس در دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین فرمودند و ایشان لازم انکه اختیارنامه‌های خود را از ابراز و مبادله نمودند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول ذیل را مقرر و مقبول داشتند

اول از روز مبادله امضانامجات عهدنامه بعد حال فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس هم چنین فیمابین خلفا و ممالک و رعایای طرفین صلح و دوستی

دائمی خواهد بود

دوم چون بدولت و اقبال فیمابین دولتین ایران و انگلیس صلح برقرار گردید
بحکم این فقره مقرر است که عساکر دولت انگلیس ممالک ایران را تخلیه خواهند کرد
موافق شرایط و تعهدات ذیل

سیم دولتین علیتین متعاهدتین تعهد می‌کنند که کل اسرا که در حین جنگ بدست عساکر طرفین
افتاده باشند بلادرنگ آزاد نمایند

چهارم اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد می‌کند که بلافاصله بعد از مبادله تصدیق‌نامه‌های
این عهدنامه یک عفو نامه کاملی اعلام نماید و از مواخذات جمیع رعایای ایران که
در وقت جنگ بواسطه مخالطه با عساکر انگلیس مقصر و خیانت پیشه باشند از عقوبت
این حرکت معاف باشند بطوری که هیچکس هر درجه داشته باشد بجهت این حرکت خود
مورد تنبیه و اذیت و تعرض نخواهد بود

پنجم اعلیحضرت شاهنشاه ایران تعهد می‌کند که بلادرنگ لازمه تدابیر را بکار برد
در عساکر و کارگزاران ایران را از ملک و شهر هرات و سایر ممالک افغان
بیرون کشیده تخلیه ممالک مزبوره تا مدت سه ماه بعد از مبادله تصدیق نامجات این عهدنامه
معمول خواهد بود

ششم اعلیحضرت شاهنشاه ایران راضی می‌شود که ترک کند کل ادعاهای سلطنتی بر ملک
و شهر هرات و ممالک افغان و هرگز مطالبه نکند از روسای هرات و ممالک
افغان هیچ علامت اطاعت مثل سکه و خطبه و باج و نیز اعلیحضرت ایشان
تعهد می‌کنند که بعد از این از هر مداخله در امور داخله افغانستان اجتناب نماید

اعلیحضرت

اعلیحضرت ایشان وعده می‌دهند که استقلال هرات و تمام افغانستان را اعتراف
نماید و هرگز باستقلال ممالک مزبوره مداخله نکند در صورت ظهور منازعه فیمابین
دولت ایران و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران تعهد می‌کند که اصلاح آنرا
رجوع باهتمامات دوستانه دولت انگلیس نماید و اقدام بجنگ نکند مگر در صورتیکه
اهتمامات دوستانه دولت انگلیس مثمر ثمری نشود از طرف دیگر دولت انگلیس تعهد می‌کند
که در هر وقت اعتبار و نفوذ خود را در ممالک افغان بکار برده نگذارد که از آنها و یا یکی
از آنها باعث هیچ نوع تشویش و پریشانی دولت ایران بشود و اگر دولت ایران در
وقوع مشکلات رجوع بدولت انگلیس نماید دولت انگلیس نهایت کوشش را خواهد
نمود منازعات فیمابین را بطرز عادلانه و مطابق شأن دولت ایران اصلاح
نماید

هفتم در صورتیکه از جانب هرات و ممالک افغان بر سرحدات ایران تجاوزی
بشود هرگاه ترضیه شایسته حاصل نشود دولت ایران حق خواهد داشت که بجهت دفع
و تنبیه جانب متعدی اقدام بحرکات جنگ نماید اما این صراحتاً مفهوم و معلوم است
که هر لشکری از جانب دولت ایران که بجهت مقصود مزبور از سرحد بگذرد بمحض
اجرای مقصود خود مراجعت بملک خود خواهد کرد و استعمال حق مزبور بهانه توقف
دائمی عساکر دولت ایران یا الحاق شهری یا یک جزو ممالک مزبوره بممالک ایران
نشود

هشتم دولت ایران تعهد می‌کند که بلافاصله بعد از مبادله تصدیق نامجات این عهدنامه جمیع
اسرائیکه در حین جنگ در افغانستان بدست عساکر ایرانی افتاده باشند بدون عوض

نفوذ را زیاده از حد و اولیای دولتین ساعیه نیز در صورت لزوم مأمورین منصب خواهند کرد و شرایط
این فقره را معمول دارند

نهم دولتین علیتین تعهد میکنند در باب نصب و احترام قونسولهای جنرال و قونسولها
و وکلای قونسول هر یک از این دو دولت در ممالک همدیگر حالت دول کامله الوداد را
خواهند داشت و نسبت به رعایای طرفین و تجارت ایشان در هر باب معامله
خواهد شد که به رعایا و تجارت دول کامله الوداد میشود

دهم بلافاصله بعد از مبادله امضانامجات این عهدنامه سفارت انگلیس به پایتخت
طهران خواهد آمد در حالتی که دولت ایران راضی شده که سفارت مزبوره را
پذیرا شود با شرایط خاطرخواه و تشریفات مندرجه مرقومه عهده ما [illegible] و وکلای
دولتین علیتین ساعیه نیز معهود داشتند

یازدهم دولت ایران تعهد میکند که در مدت سه ماه بعد از ورود سفارت انگلیس
بطهران یک مأموری را تعیین نماید که باتفاق یک مأمور دولت انگلیس مطالبات
نقدی جمیع رعایای انگلیس را از دولت ایران تحقیق و تشخیص نمایند و دولت ایران
هر یک از این مطالبات که تصدیق مأمورین مزبوره باشد یا دفعتاً بالمقطع
خواهد داد و در یک مدت که بیشتر از یک سال از تاریخ اعلام مأمورین نباشد و مأمورین
مزبوره تحقیق و تشخیص خواهند کرد و فروض دولت ایران بر رعایای ایران و بر رعایای
سایر دول که تا وقت عزیمت سفارت انگلیس از طهران در زیر حمایت انگلیس معتبر
دارا از قبیل بعد ترک حمایت مزبوره کرده باشند

دوازدهم مستثنا از آنچه در فصل آتی مقرر شده دولت انگلیس من حق را ترک و الغا خواهد
کرد

که در حمایت کنند از این به بعد از رعایای ایران را در [illegible] نوکر سفارت و قونسولها
و وکلای قونسول انگلیس نباشند بشرط اینکه چنین حق به دول دیگر داده نشود و در
این باب و جمیع خصوصیات دیگر دولت انگلیس مطالبه میکند و دولت ایران هم تعهد
مینماید که همان امتیازات و معافات در ممالک ایران به دولت انگلیس و به نوکرها
و رعایای آن دولت عطا شود که به دول کامله الوداد و نوکرها و رعایای ایشان داده میشود
و همچنین دولت انگلیس و نوکرها و رعایای آن بهره یاب خواهند بود از همان احترام و
اعتبار که به دول کامله الوداد و نوکرها و رعایای ایشان داده میشود

سیزدهم دولتین علیتین ساعیه بحکم این فصل تجدید میکنند آن قرارداد را که در ماه اوت
۱۸۵۱ اسطاقتی مطابق شهر شوال ۱۲۶۷ در باب منع تجارت غلام و کنیز در خلیج فارس
فیمابین این دو دولت داده شده است و علاوه بر این تعهد میکنند که قرار مزبور بعد از
انقضای مدت بر قرار بماند عبارت از ماه اوت ۱۸۶۲ میلادی که نهایت
مدت دو سال دیگر برقرار خواهد بود و بعد از آن تا یکی از جانبین یک
اعلام رسمی قرار مزبور را موقوف بدارد و اعلام مزبور معمول خواهد بود مگر یک سال
بعد از ظهور آن

چهاردهم بلافاصله بعد از مبادله امضانامجات این عهدنامه عساکر انگلیس از تمام حرکات
خصمانه نسبت به دولت و مملکت ایران ترک خواهند کرد و دولت انگلیس علاوه بر
این تعهد میکند که در همین اینکه قرارداد تخلیه هرات و ممالک افغانستان از عساکر
ایران و همچنین قرارداد پذیرایی سفارت انگلیس بطهران کاملاً مجری شد عساکر انگلیس
فوراً از جمیع ولایات و امکنه و جزایر متعلق به ایران دست برداشته [illegible] خواهند

کشیده دولت انگلیس تعهد میکند که در این اثنا هرگز عمداً هیچ حرکتی که موجب
ضعف اطاعت رعایای ایران نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران باشد نخواهد کرد
بلکه تقویت اطاعت مزبوره تا نهایت مقصود دولت انگلیس است و علاوه بر این
دولت انگلیس تعهد میکند که در قدر امکان رعایای ایران از زحمت حضور عساکر انگلیس را
در تحصیل آذوقه و کرایه عساکر مزبوره تا لازم شود دولت ایران تعهد میکند که در تدارک ازوا
حکام قرای به ورود عساکر انگلیس را در تحصیل آذوقه مزبوره اعانت کنند و نیز دولت
انگلیس تعهد میکند که هر چه ابتیاع نمایند قیمت آن را با ربابان به نرخ روز از جانب
مأمورین انگلیس بلادرنگ عاید خواهد شد

عهدنامه حالیه مصدق خواهد شد و امضاهای دولتین مبادله خواهد شد در بغداد در مدت
سه ماه یا زودتر هرگاه ممکن شود و بجهت اثبات مسطورات فوق ایلچیان طرفین
این عهدنامه را امضا و به مهر خود ممهور ساختند در پاریس در چهارم مارس و در یوم هفتم
شهر رجب ۱۲۷۳ تحریر یافت ۱۸۵۷ عیسوی

محل خط همایون	
الواثق بالله الملک الغنی ناصرالدین شاه قاجار	تصدیق صدراعظم دولت علیه ایران
	میرزا آقا خان رسید به مهر ثبت شد
۱۲۷۳	۱۲۷۳ محل مهر
محل مهر مبارک	

عهدنامه منعقده مابین دولتین ایران و فرانسه

چون در این اوان سعادت نشان و زمان بهجت افزا حضرت ملک جاه سلطنت دستگاه

امپراطور

امپراطور ممالک فرانسه و پادشاه ایطالیا بنا بر الفت و اتحاد با اعلیحضرت قدر قدرت
قضا سطوت خورشید رایت شاهنشاه صاحبقران و خسرو گیتی‌ستان پادشاه انجم سپاه
آفتاب علم وارث تختگاه کی و جم فاتح ممالک وسیعة المسالک ایران و عجم
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابن الخاقان ابوالمظفر ناصرالدین شاه قاجار
خلدالله ملکه و سلطنته که گذاشته که به تشیید مبانی الفت و وفاق و تلقین مبانی و تجدید
عهد مودت و اتفاق سلطنتین بهیتین از دو جانب با رخصت کامله متین رخصت گذارده
فرموده از طرف جناب امپراطور فرانسه جناب والفسکی وزیر اعظم و کاتب
سر امپراطوری صاحب نشان همایون از فرق نشانهای دولت سپهر رتبه مأمور
مأمور گردیده بنای عهد و شرط به بنده آستان ملک بنیان اعلیحضرت همایون و چاکر دربار
درگاه سپهر اشتباه شاهنشاهی سفیر دولت جاوید قرار آمده قرین میرزا محمد رضا وزیر
دارالسلطنه قزوین که داشته بمقتضای مصلحت دولتین علیتین با کمال مصالحه و معاهده
نموده قرار شروط مسطوره ذیل موقوف و مرقوم را با انبار گزارش منعقده و مرتب اولیای
دو دولت کبری و امنای سلطنت عظمی رضانامه این عهدنامه را قبول و به مهر همایون مزین ساخته
تسلیم یکدیگر نمایند

اول اینکه مابین اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه فلک بارگاه ایران و جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا همیشه مزید بوده من بعد یکدیگر را سرشته الفت و ودا
و رسم محبت و اتحاد را مرعی فرموده همواره مابین اهالی و تبعه الملکتین کمال و فاق
معمول باشد

دوم اینکه جناب امپراطور اعظم بمقتضای رسم و قانون دو ملت نفقت با دولت علیه

ایران متعهد و متکفل شده که هر قدر از امور رخنه در ممالک ایران نماید و جنابان که
امور خراب شده باشد هر قدر از ید دولت روس در ممالک ممالک ایران نماید جناب امپراطور اعظم
با اعلیحضرت پادشاه ایران کمال مرافقت بعمل آورده در رفع دشمن و در رخنه حرکات
ممالک مرقومه را نماید و به هر جهت فروگذار نکنند

سیم آنکه جناب امپراطور اعظم ادعای تصرفات روس در مملکت گرجستان ملک حلال
موروثی اعلیحضرت پادشاه ایران می‌باشد و حقیقت مطلب بر جناب امپراطور منکشف
و معلوم است

چهارم آنکه جناب امپراطور فرانسه پادشاه و ایطالیا در خصوص استخراج
طایفه روسیه از مملکت گرجستان و تمامی ممالک ایران بر ذمه همت اهتمام لازم
و مقرر داشته که هر روزه در طایفه مزبور رسوخ کرده و هم از جمیع ممالک ایران
استخراج نموده و مملکت گرجستان متصرفی ایران نماید و جهانگیر با روسیه بنای
عهد صلح نماید این شروط از جمله شروط عهدنامه ایشان قرار داده و بطریق امور
دولت متحده در این خصوص کمال اهتمام نماید و کمال تعهد در باب این مطلب مبذول بر ذمت
همت عالی خود واجب و لازم می‌شمارند

پنجم آنکه از طرف قرین الشرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا یک نفر
سفیر معتبر صفت گزار تعیین شده در آستان ملک بنیان اعلیحضرت قدر قدرت
پادشاه جمجاه ایران اقامت نموده خدمت گذاری و مسامع لذیذه لایق عالیجناب
قیام نماید
ششم آنکه هرگاه رای بیضا ضیای جهان آرای اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اقتضا

نماید

نماید که عساکر پیاده و توپچی برسم ضابطه فرنگ تعلیم و مهیا نماید و بعضی قلعه‌ها ضابطه
فرنگ بنا گذارد جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا بنا بر این مطلب توپ‌های بزرگ
و تفنگ حربیه از هر قدر که لازم بوده باشد بصوب ایران ارسال و قیمت آنرا
از قرار قیمت فرنگستان بهر گاه جناب امپراطور اعظم بدهند
هفتم آنکه از دولت علیه ایران هرگاه خواهش نمایند بطریق قلعه‌های فرنگ قلعه
ساخته باشند و توپخانه بقاعده فرنگ ترتیب و عساکر پادشاه را بضابطه فرنگ
تعلیم نماید هر قدر از توپچی و مهندس و تعلیمچی لازم بوده و اقبال حضور رتبه جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا متعهد گردیده و در ارسال بصوب ایران نماید که در ارکان تعلیم
قلعه و ترتیب توپخانه و تعلیم عساکر پیاده نمایند
هشتم آنکه بنا بر مرافقت فیمابین دولت علیه از جانب شوکت جوانب اعلیحضرت قدر
قدرت پادشاه جمجاه ممالک ایران از جهت قطع مکاتبه و مراسله با قرال انگلیس
گردیده و از جانب دولت علیه ایران متعهد شده هر گاه بنا بر خصومت با ایشان گذاشته
بجهت دفع اعادی گروه روانه نمایند و بنا بر این مطلب ایلچی که از کار ترک مدار ایلچی
و کیل جانب کمپانی انگلیس که رفته بود حالا و احضار او امر خواهند و از جانب انگلیس
و کیل نماینده باشد بروز ده کلاهی قرال انگلیس و بسواحل بنادر عجم و ولایات ایران
تعمیر باشد اینها را ضبط خواهد و اموال داشته انگلیس ضبط شود تجارت ایشان را
بر او و بحر از جانب ایران منقطع نماید و فرمان قضا جریان پادشاهی در این
خصوص از مصدر عز و شان صادر گردد و در اثنای این محاصره از طرف انگلیس که به
سفارت یا بهانه دیگر هر که بسفیر روی جانب آستان فلک بنیان پادشاهی عزیمت نماید

ایشان را مطلع و در ورود مزده ملازمت رسند
هفتم آنکه هرگاه دولتین مستقیم روسیه و انگلیس باهم اتفاق نموده برخلاف دولتین علیتین فرانسه
و ایران عزیمت و حرکت نمایند این دو دولت نیز باتفاق یکدیگر برفع ایشان اقدام
نموده از روی موافقت و اتحاد بمحاصره و محاربه و مجادله ایشان پردازند و چنانچه
یکی از این دو دولت باین عزم حرکت نمایند اولیای دولتین علیتین ایران و
فرانسه یکدیگر را خبر نموده برفع ایشان پردازند و آنچه در ماده سابقه مرقوم شده
از ضبط مال و استرداد ایشان بطریق مشروح در ماده فوق عمل نمایند و در موافقت
در رفاقت و اعانت یکدیگر هیچ چیز فروگذار ننموده اهمال و مسامحه و اهمال
جایز ندارند
هشتم آنکه اعلیحضرت پادشاه جمجاه بزرگاه ایران موافقت و مطابقت فرانسه از جانب
افغان و قندهار و آن حدود تجهیز سپاه و تهیه جنگ و رزم نموده و در وقت مقتضی
شروع و معین کرده و بجهت تسخیر و تصرف ممالک هندوستان متعلقه انگلیس عساکر و جنود
منصوره را بلشکرهای راه مامور و ارسال فرمایند و ولایات متعلقه انگلیس را ضبط
و تسخیر نمایند
نهم آنکه هرگاه لشکر فرانسه از جانب بلاد ایران عبور نماید و بعضی از ادوات
و جزئیات و بعضی اشیاء ضروریات برای ایشان در کار باشد و لازم گردد اولیای
دولت ایشان محبت و مساعدت نمایند و در [illegible] ایشان لوازم [illegible] آورده
اعانت نمایند
دهم آنکه جناب امپراطور اعظم خواهش می‌نماید که هرگاه بجانب هندوستان

بجهت

بجهت دفع انگلیس فرمان لشکر ضرور شود و اتفاق نماید و از جانب خشکی سپاهی بجهت
هندوستان ارسال نماید اعلیحضرت پادشاه ایران لشکریان را اجازت بایشان اعانت
نمایند و از راه بلاد و ممالک هر طرف عبور دهند و چون لشکر شاهنشاهی اتفاق نماید با جانب حضرت
که روانه هند شوند و سپاه ایران نیز با ایشان موافقت نموده [illegible]
و تسخیر نمایند و من بعد هر وقت که این اراده و عزیمت را داشته باشند
موقوف است بر آنکه عهدنامه با اولیای دولت علیه ایران در این خصوص انعقاد یافته
چنانچه [illegible] پادشاهی اتفاق نماید و رخصت [illegible] عهدنامه جدیدی
در این خصوص فیمابین دولتین علیتین ایران و فرانسه قطع و بالا عبور فرانسه و کیفیت
لشکر [illegible] باشند و اینکه ذخایر و ضروریات ایشان در کدام
و کدام منزل [illegible] از سپاه ایران [illegible] باشند
قرارداد نموده با اذن و رخصت اعلیحضرت پادشاه جمجاه آن لشکر روانه هندوستان
شوند و در خصوص این مطلب با اذن و رخصت شاهنشاهی عهد [illegible]
نموده [illegible] عبارت [illegible] این مطلب [illegible] موقوف است بر
اولیای دولت [illegible] و اذن شاهنشاه عالمیان پناه
یازدهم آنکه هرگاه کشتیهای فرانسه در حین عبور از بنادر ایران بعضی از اشیاء
و ذخایر ضروری [illegible] فروخته [illegible] از فرانسه [illegible]
و [illegible] در عبور سپاه ایشان از [illegible] ذخیره و بعضی اشیا ضروری [illegible]
در ماده سابقه [illegible] شده ذخیره و آنچه [illegible] که ایشان ضروری [illegible] ایران [illegible] فروخته
از قرار [illegible] ایران [illegible] نماید

چهارم آنکه نیز وظایف مذکوره از دو هم مرقوم شده و قرض دولت فرانسه بوده
با دولت روسیه و انگلیس بهیچ وجه من الوجوه شروط مزبوره را قرار داده نشود و از جمیع
جهت با ایشان راه رد و عبور نه بندد

پانزدهم آنکه چون که آمد و رفت تجار بنا بر انتفاع و تبیین امور متعلقه به تجارت در دار السلطنه
طهران بتاکید مبارک اعلیحضرت پادشاهی محول شده و قرار داد جداگانه امور مزبوره گذاشته
شود و عهدنامه جداگانه در این خصوص مرقوم یابد

شانزدهم آنکه انشاءالله تعالی این عهدنامه در دار السلطنه طهران بعد از چهار ماه از این
تاریخ منعقد شده رضانامه مهر مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی مزین شده
تسلیم اولیای دولت فرانسه و بعد جناب امپراطور رضانامه ایشان تسلیم اولیای
دولت علیه ایران شود تحریراً در اردوی جناب امپراطور اعظم در ملک پروسیه
فی [illegible] شهر صفر المظفر من شهور سنه ۱۲۲۲ هجریه ۱۸۰۷ عیسوی

عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و فرانسه

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت شمس فلک تاجداری عدالت افق
شهریاری پرتو افکن دیهیم صاحب کلاهی شقه طراز لوای شاهنشاهی حضرت ذوالجلال ناپلئون
ناپلئون امپراطور ممالک فرانسه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت
فلک رتبت گردون حشمت حضرت اعظم اقدس اکرم جم حشم جمشید جاه دارا دستگاه
وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران هر دو
مع الوصیه اراده و تمنای [illegible] دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار
و روابط عهد دوستی را [illegible] با سوابق [illegible] دولتین قوی بنیان [illegible]

مودت

مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تعقیب این کار اعلیحضرت امپراطور
ممالک فرانسه جناب مسیو [illegible] وزیر [illegible] مخصوص دولت بهیه
فرانسه صاحب نشان افتخار [illegible] و حامل [illegible] که [illegible]
ونشان [illegible] و اعلیحضرت شاهنشاه ایران [illegible] دولت علیه
صاحب نشان [illegible] امپراطور [illegible] و صاحب نشان [illegible]
از درجه اول [illegible] الماس
مروارید و صاحب نشان درجه اول [illegible] اعظم [illegible]
[illegible] جناب اشرف [illegible] میرزا [illegible] خان [illegible] اعظم
دولت علیه ایران [illegible] وکلای مختار [illegible] و ایشان [illegible] دار الخلافه
طهران [illegible] موافق قاعده و مناسبه
دیده و فصول ذیل را برقرار کردند

اول [illegible] دولت علیه ایران و [illegible] دولت بهیه فرانسه
و [illegible] دولت [illegible] اتحاد [illegible] برقرار خواهد بود

دوم سفرای کبار و وزرای مختار هر یک از دولتین [illegible]
[illegible] سفرای کبار و وزرای
مختار [illegible] سفرای
کبار و وزرای مختار دولتین [illegible] اتباع ایشان معمول [illegible] امتیازات
ملحوظ خواهد بود

سیم [illegible] دولتین [illegible] در [illegible]

محروستین سیاحت یا توقف نمایند بالبدیهه از جانب حکام و ولایات طرفین بعزت
و حمایت رفتار خواهند نمود و در این باب خواهش کنند که در هر حال سلوکی که نسبت باتباع
دول کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با لطف و مهربانی
ماذون و مرخص اند هر گونه امتعه و اجناس و محصولات چه از راه دریا و چه از
راه خشکی بمملکت یکدیگر حمل نمایند و از مملکت همدیگر برند و بفروشند و مبادله و معامله
نمایند و در هر جزو از جمله ممالکین محروستین که خواهند حمل و نقل نمایند

چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند
یا از مملکت همدیگر بیرون برند و هر گمرکی که از تجار و اتباع دول کامله الوداد
چه در عهد امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و چه بخصوص وجه از ممالکین مطالبه
میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین
مطالبه نخواهد شد

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه مرافعه یا مباحثه
یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای عدالت آن با تمام عهده وکیل یا قونسول دولت
فرانسه است اگر متوقف در محل آن مکان این مرافعه و مباحثه و منازعه باشد
والا در مملکت دولت اقرب بمکان مزبور باشد خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور
طی این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه خواهد کرد و هرگاه مرافعه
یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه فرانسه و اتباع دولت علیه در مملکت
ایران حادث گردد در حضور وکیل یا قونسول دولت بهیه فرانسه مقیم باشد مقالات
شده ایمن با تحقیق و تدقیق و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران

و در

در محضر حاکم بطوری که معمول است بحضور امنای آن وکیل یا قونسول
دولت بهیه مزبوره خواهد شد و هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران
فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای
حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که آن گفتگو را فیصل دهند و منازعه
که فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه
در ممالک محروسه فرانسه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بطوری خواهد بود که با
اتباع دول کامله الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود تبعه دولت علیه ایران
در ممالک فرانسه با اتباع دولت بهیه فرانسه در ممالک ایران اگر متهم بگناهی گردیده گردند
بهمه جهت در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کامله الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول
و مرتب و ضبط و ملحوظ خواهد شد

ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در عهده وکیل
بیت او اقوام یا شریکی باشد که او را متمم و تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتی که
ورثه متوفی بیت او اقوام و شریکی نباشد ضبط و نگاهداری آن با وکیل یا قونسول دولت متبوعه
متوفی خواهد بود که بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانچه شایسته باشد در این باب
معمول دارد

دولتین علیتین متعاهدتین جهت جلب اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و ملاطفه فیمابین تبعه جانبین خواستند مقرر نمایند
که از طرفین سه نفر قونسول قرار کرده قونسولهای دولت بهیه فرانسه در دارالخلافه طهران
و تبریز و دارالسلطنه تبریز و قونسولهای دولت علیه ایران در دارالسلطنه پاریس

و بنادر رسیدند و جزیره و بر بیان توقف نمایند این تبعه دولتین علیتین معاهدتین بالسویه
در محل سرحد ممکنه تملکین محروستین از احترامات و امتیازات و معافاتی که
در نسبت بحالت دول کاملة الوداد در ممالک محروسه جانبین محفوظ است بهره یاب
خواهند گردید

خاتمه این عهدنامه دوستی و تجارت را حاضره محض حفظ کمال صداقت و دوستی و اتحاد
جانبین دولتین ذی شوکتین ایران و فرانسه منعقد گردیده است بعون الله تعالی طرفین شروط
مندرجه در آن را ابداً الی ما شاء الله برقرار در عهده و دوستی مرعی و محفوظ خواهند داشت
وکلای مختاره دولتین معاهدتین متعهد میشوند که تصدیق نامجات مزبوره از جانب این دو پادشاه
تا شش ماه در دار الخلافه طهران یا دار السلطنه پاریس در ظرف مدت شش ماه یا کمتر اگر
ممکن گردد مبادله نمایند وکلای مختاره دولتین علیتین معاهدتین این عهدنامه مبارکه
حاضره را بخط و مهر خود رقم و مختوم نموده اند این عهدنامه مبارکه بتاریخ دوازدهم
شهر ژولیه یکهزار و هشتصد و پنجاه و پنج عیسوی مطابق بیست و ششم شهر شوال المکرم
یکهزار و دویست و هفتاد و یک هجری در دو نسخه فارسی و فرانسوی
مطابق و موافق که بمهر رقم شده

عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و اوستریا

بسم الله الرحمن الرحیم

چون ایزد متعال پادشاه و بالاستقلال اعظم و پادشاه بالاستحقاق اکرم زیب افسر
سریر خلافت و تاجداری و زینت بخش اریکه سلطنت و جهانداری آثار معدلت و انصاف
ماهر ... جد در اشاعت داد و رتق و فتق دارای فر و شکوه ... ربیع ... دلکش

ظل الله السلام و المسلمین ملک عدالت گستر معدلت پرور رعیت پرور افق ... کیان ملک
بالوراثت کل ممالک ایران موافق رای مبارک ... هر کس تمیز و تفتیش داشته باشند
سلوم ... ماه رجب ... شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۳ هجری در پاریس
فیمابین اعلیحضرت ... و اعلیحضرت امپراطور اوستریا موافق احتیاط نامه که
از طرفین داده شده وکلا از جانب ... جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان
امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال ... حمایل ... و دارای
کمر ... و نشان ... و از جانب اعلیحضرت امپراطور اوستریا ...
بارون ژوزف الکسندر ... صاحب نشان ... سلک امپراطوری ...
امپراطوری ... اول ... مخصوص و سفیر کبیر مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه
عهدنامه دوستی و تجارت قرار داده منعقد شده است و مشتمل است به فصول ذیل که
نقل آن این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت ... پادشاه ... اعظم ... بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور اوستریا پادشاه ... بوهم ...
... داخل ... و ... و اوستریا ...
اوستریا ... البته ... دوستی ... فیمابین دولتین ...
دولتین ... عهدنامه دوستی و تجارت ... سفینه ... بالسویه
... دولتین ... متعهدین ... جانبین ... سازند ... ای
نظر باین کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالت مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک

سفیر کبیر خود صاحب لقب ... [illegible] دارای نشانهای ... و الماس و غیره
و اعلیحضرت امپراطور اوتریش جناب بارون ... الکسندر ... صاحب
نشانهای ... امپراطوری ... از رتبه اول ... و سفیر کبیر خود
مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه را وکلای مختار خود تعیین کرده و ایشان
بعد از آنکه در پاریس جمع شدند و اختیارنامجات خود را ملاحظه کرده و مطابق و موافق ترتیب
رسمی یافتند فصول ذیل را قرار دادند

فصل اول از امروز به بعد ما بین ممالک و رعایای دولت علیه ایران و ممالک و رعایای دولت علیه
اوتریش دوستی و اتحاد همیشه برقرار خواهد بود

(دوم) سفرا و سایر مامورین و چاپارهای دولتین علیتین متعاهدتین که بدربار
یکدیگر مامور و مقیم سازند در ممالک یکدیگر ایشان و اتباع سفارت ایشان همان
... رفتار خواهد شد که در حق سفرا و مامورین و چاپارهای دول کاملة الوداد
می‌شود و در هر باب از همان تشریفات و معافات و امتیازات بهره‌یاب
خواهند بود

سیم تبعه دولتین متعاهدتین ... باذن ... خواهند بود که بطور آزادی تمام در ممالک
طرفین سیر نمایند و از ممالک ... عبور ... گماشتگان
ولایات متعرض ایشان نشوند ... کمال دقت را خواهند کرد که ایشان را از هر گونه
... محافظت نمایند ... در حق ایشان
... رعایت کنند ... سفر ...
برای ایشان ... مقصود ... عبور ... و سایر ...

عظ

ملحوظ خواهند کرد
چهارم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه‌وران و سیاحان و از برای مصالح خود
بممالک جانبین بروند از حین دخول تا وقت خروج خود نسبت بایشان بهمان رعایات
و مراعات و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد می‌شود بنابراین تبعه دولتین
علیتین متعاهدتین مأذون خواهند بود که چه از خشکی و چه از دریا امتعه ممالک یکدیگر را بیاورند
و از مملکتی به مملکت دیگر ببرند و در ولایات طرفین حمل و نقل کنند و در تمام وسعت ممالک
دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ولایات طرفین تجارت نمایند خانه‌ها و انبارها
و دکاکین بجهت امور خود اجاره نمایند و از ایشان هیچ اسم و بهانه مالیاتی مطالبه
نخواهد شد مگر آنچه از رعایای دول کاملة الوداد مطالبه می‌شود و این مقرر است که اگر
دولت علیه ایران برعایای یک دولت خارجه در ایران حق تحصیل و تملک اراضی و خانه‌ها
و انبارها و سایر املاک بدهد همان حق نیز برعایای اوتریش داده خواهد شد رعایای دولتین
در هر محلی که بخواهند تجارت و حرکت نمایند در باب این تجارت مطیع قوانین آن مملکت
خواهند بود و هرگاه تجارت مزبوره ... صاحب منصبان و مأمورین رعایای دولت
علیه ایران ... خانه‌ها و انبارها و دکاکین ... رعیت اوتریش نخواهند شد
و در صورت لزوم باید در هر جایگاه مأمور و چاپار ... قونسول ... [illegible]
... باشند در جایگاه مامور یا قونسول اوتریش نباشد در این باب نسبت به تبعه دولت
مشارالیها همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد می‌شود در جایگاه که از دول
مشارالیهم مأمور یا قونسول نیست
پنجم رعایای دولت اوتریش که بممالک ایران امتعه ببرند یا از ممالک مزبوره بخارج حمل نمایند در باب

حقوق گمرک نسبت با ایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت به رعایای دول کاملة الوداد
می‌شود و همچنین رعایای ایران در ممالک دولت اوستریا امتعه بیرون ببرند یا از ممالک مزبوره
بخارج حمل نمایند در باب حقوق گمرک و مالیات نسبت با ایشان همان رفتار خواهد شد
که نسبت به رعایای دول کاملة الوداد می‌شود

ششم نظر باینکه همیشه مراودت مخصوصه فیمابین دولت اوستریا و سایر دول جرمانیا
برقرار است اعلیحضرت شاهنشاه و اعلیحضرت امپراطور قرار می‌دهند که تبعه ممالک مزبوره
جرمانیا باید در ایران بهره‌یاب باشند از جمیع حقوق و امتیازاتی که بواسطه این
عهدنامه تجارت به تبعه اوستریا داده شده است بشرط اینکه دول مزبوره جرمانیا
در مدت سه سال از تاریخ تصدیق این عهدنامه متعهد گردند که همان حقوق و منافع
در ممالک اوستریا به تجارت و رعایای ایران داده شده خود نیز به تجارت و رعایای ایران
بدهند

هفتم دولتین علیتین مشار الیهما بجهت حمایت تبعه و تجارت جانبین و بجهت تسهیل مراودات
حسنه و ملاطفه رعایای طرفین برای خود این حق را اعتبار می‌کنند که هر یک از دولتین
سه نفر قنسول تعیین نمایند قنسولهای ایران در وینه و طربست و [illegible] اقامت خواهند
داشت قنسولهای اوستریا در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز و در یکی از بنادر
خلیج فارس مقیم به سبیل تخصیص مقیم خواهند گردید و به قنسولهای مذکور چه شخصاً و چه بجهت
اجرای مراسم شغل خود و چه بجهت خانه‌ها و مال و ملازمان ایشان همه باید بهره‌مند خواهند
بود از کلیه احترامات و امتیازات که در حق قنسولهای هر مرتبه و مامورین تجارتی دول
کاملة الوداد معمول می‌شود و در حالت ظهور اغتشاش دولتین [illegible] بر حسب [illegible] هستند

قنسولها

قنسولها بجهت حفظ و حراست خانه قنسولگری لازمه مستحفظ داشته باشند به جهت امور حرم
و مهام ملکی و قنسولهای اوستریا باشند حمایت کنند اما اگر دولت ایران به یک دولت
خارجه چنین حقی بدهد همان حق نیز به دولت اوستریا داده خواهد شد و در اختصاص شغل
سایر خدمات دولت اوستریا بهره‌یاب خواهند بود از همان امتیازاتی که به دول
کاملة الوداد داده می‌شود و این مقرر است که اگر مامورین از مامورین قنسولگری دولت
اوستریا در ایران مشغول به تجارت شود در باب تجارت خود به همان قوانین و رسوم که در حق
دولت متبوعه او جاری است مطیع خواهند بود

هشتم دولتین علیتین جمیع تعهدات و سایر قرارداد که تبعه جانبین را در باب امور تجارتی
با کمال صدق و درستی محفوظ و مقرر خواهند داشت بجهت مزید مراقبت امنیت تبعه
اوستریا در ایران مشکلات و صدمات تجارات در معاملات جمیع قنسولها [illegible] فیمابین
رعایای دولتین علیتین متعهد هستند در باب امور تجارت رسماً مسطور و امضا و ختم باید در دیوانخانه
و در صورت عدم آن در نزد حکام یا کارگزاران دولتیه محل رجوع این نوع کارها باشند
و کذلک در هر جائیکه قنسول اوستریا باشد در نزد او نیز معرفی شود و در صورت
ظهور منازعه تبعه [illegible] لازم است [illegible] و منازعات مزبوره را به دقت به عدالت
قطع و فصل نمایند بنابر این هرکسیکه [illegible] است [illegible] نوشته باشد
دیگر او با یک رعیت اوستریا از [illegible] دیگر ادعا [illegible] دلائل دیگر بنا دارد
ادعای او مسموع نخواهد شد مگر در صورتیکه ادعای او به گواه مقبول رعیت اوستریا باشد
و همچنین دولت تبعه اوستریا متعهد می‌گردد که در ممالک خود به دقت قواعد و رسوم جاریه
را در حق رعایای ایران باشند و در این باب نسبت با ایشان همان رفتار که با رعایای دول

کامله الوداد در حق رعایه

نهم جمیع منازعات و مرافعات و کلیه دعاوی که در ایران فیمابین تبعه اوستریا ظهور
نماید مأمورین دیپلوماطیک اعلیحضرت امپراطور در دربار دولت علیه ایران یا قونسول
اوستریا در دیوان محلی یا در مکانیکه اقرب بمحل وقوع باشد مواد مذکوره را بر وفق
قوانین اوستریا بتحقیق و فصل خواهند کرد و هرگاه کارگزاران ولایتی نیز حاضر باشند و هرگاه
من الوجوه مخالفت یا معارضه نمایند دعاوی و منازعات و مرافعات که فیمابین رعایای ایران
فیمابین تبعه اوستریا و رعایای سایر دول خارجه اتفاق بیفتد قطع و فصل مواد مرافعاتی که
فقط بتوسط مأمورین یا قونسولهای ایشان خواهد بود جمیع منازعات و مرافعات و
کلیه دعاوی که در ایران فیمابین تبعه دولتین علیتین متعاهدتین ظهور نماید در دیوانخانه‌های
ایران قطع و فصل خواهد شد و قطع و حکم این مرافعات و دعاوی جایز نخواهد بود
مگر در حضور و بعد اطلاع مأمور دیپلوماطیک یا قونسول یا [illegible] اطریش با اسم او در
حضور یک مترجم اوستریا و ملاحظه تمام این مراد بر وفق قوانین و رسوم ولایتی
خواهد بود و هرگاه مرافعه بحکم حاکم شرع طرفین حاکم ایران محکم نشده بود و الا اگر بعد
از وقوع حکم مجدداً مطالعه و تحقیق آن دعوا [illegible] این حکم به محاکمه جایز نخواهد بود
مگر بعلم مأمور دیپلوماطیک یا قونسول اوستریا یا باسم قونسول ایشان رایه در حضور
مترجم اوستریا و در یکی از دیوانخانه‌های بزرگ و مقرره در طهران و تبریز و اصفهان
معروفات ملیه و همچنین تعهدات شده دولت علیه ایران در ممالک اوستریا در حق
ملاذ رعایا و تبعه [illegible] حقوق و امتیاز ملت منظوره با محافظت بود از جانب کارگزاران و
و دیوانخانه‌های اوستریا [illegible] رعایای ممالک و تبعه سایر دول خارجه بهره‌مند هستند

درباب

درباب معافیه مأمورین دیپلوماطیک و قونسولها و کارگزاران دولت علیه ایران
در امور رعایای ایران در نزد کارگزاران امپراطوری دولت بهیه اوستریا بایشان
همان رتبه توسط خواهد شد که در ممالک اوستریا بمأمورین دیپلوماطیک و قونسولهای دول
کامله الوداد داده میشود

دهم اگر کسی از تبعه دولتین علیتین در ممالک جانبین مفلس شود تمام اموال و اشیاء و مطالبات
و قروض او را ضبط خواهند کرده لازم است را قطع و بعد از آن اموال او را
بیان طلبکاران بموجب حقانیت و موافق تناسب تقسیم نمایند و پس از انجام این امر
طلبکاران مزبوره بعد از اخذ مبالغ منظوره مستندات طلب خود را رد نمایند
این مقدمه در باب ممالک [illegible] اوستریا در ایران [illegible] بتوسط مأمور
دیپلوماطیک یا قونسول اوستریا و قونسول ایشان رایه باقتضای [illegible] طلبکاران
[illegible] لازمه تفحص اقدام خواهند نمود و معلوم کند که [illegible] مفلس مذکور در وطن
خود اموال او کفایت طلب ایشان را نماید یا نه که [illegible] است یا خیر هرگاه [illegible]
ایرانیان در ممالک اوستریا مفلس شود دولت بهیه اوستریا بمأمورین دیپلوماطیک و قونسولهای

کامله الوداد داده میشود

یازدهم هرگاه یکی از تبعه جانبین در ممالک دولتین وفات یابد ترکه او را بتمام [illegible]
تسلیم مأمورین یا قونسول دولت متبوعه میت میشود که او بر وفق قواعد و رسوم مملکت خود
در این باب معامله حال عمل نماید

دوازدهم هرگاه در موارد جرایم کبیره رعایای ایران در ممالک اوستریا یا رعایای
اوستریا در ممالک ایران مورد اتهام شوند محاکمه مواد مذکوره در محکمه‌ای از مأموران [illegible]

در صورت حصول کامل اعتماد اسناد معدلت

سیزدهم هرگاه فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر جنگ واقع شود محض
این سبب هیچ نوع خلل و ضرر و تغییری بر اوداد حسنه و به دوستی صادقانه که باید
الی الابد فیمابین دولتین علیتین ایران و امریکا برقرار باشد نخواهد
رسید

این معاهده و فصول مندرجه از تاریخ روز مبادله تصدیق نامجات الی مدت ده سال
برقرار خواهد بود و همچنین بعد از این مدت نیز برقرار خواهد ماند تا انقضای
دوازده ماه پس از آنکه یکی از دولتین علیتین متعاهدتین نیت خود را در توقیف
و ترک اجرای این معاهده به دولت دیگر اظهار نماید حکام و سرکردگان و گمرک
چیان و صاحب‌منصبان و سایر کارگزاران دولتین علیتین مأمور خواهند بود در اجرای
شروط این فصول دقت نمایند و در هیچ جا از جزئی از شروط مذکوره تخلف را جایز
ندارند تصدیق نامجات اعلیحضرتین پادشاه و رئیس در پاریس یا در اسلامبول در
مدت شش ماه یا زودتر هرگاه ممکن شود مبادله خواهد شد به جهت اعتماد مطالب فوق
وکلای دولتین علیتین متعاهدتین این عهدنامه را امضا و مهر خود ممهور ساخته در دو
نسخه در زبان فارسی و فرانسه در پاریس تاریخ بیست و دوم شهر رمضان المبارک
۱۲۷۳ هجری مطابق هفدهم شهر مه سنه ۱۸۵۷ عیسوی تحریر یافت بنا بر این ما اعلیحضرت
پادشاهی پس از ملاحظه کامل عهدنامه و تحریر و تکرار تمام مطالب فوق را امضا و تصدیق
داشتیم تحریراً موافق این مسطورات بمنزله قبول و امضا و تصدیق قائم و در کمال رضای
ان و قبول و وکالتنامه از برای خود و ان را اطلاعات و مسطورات قائم و آنچه در این عهدنامه

قرار

قرارداده شد از جانب دولت حقیقی معمول خواهد شد از برای اعتبار آن ما این تصدیق
نامه را به خط خودمان مزین نموده و حکم کرده ایم به مهر دولت خودمان مختوم شود
تاریخ بیستم شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۲۷۳ سال دهم سلطنت ما

[illegible]
[illegible] ۱۲۷۳

[illegible]

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و رئیس ممالک مجتمعه
امریک شمالی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون از زمان استقلال پادشاه ... اعلیحضرت اقدس اعظم و شهریار باستحقاق اکرم زیب
افزای سریر خلافت قاهره و زینت بخش اورنگ سلطنت و شهریاری ملک ایران
عدل و انصاف ماحی ظلم و جور و مشارف دادار تاج و تخت دادار فریدون
شکوه کسری رسیم و کیهان خدیو الاسلام و المسلمین ملک عدالت گستر رعیت
پرور افتخار سلسله کیان ملک بالارث کل ممالک ایران موافق این جانب
سلطنت بهر گونه دوستی داشته باشد معاهده فیمابین دولتین سپرده
ربع الثانی ... به جهت دولت و اقتدار و سیاست و اسعاد و ... حضرت
و وکلای رئیس ممالک مجتمعه امریک تامل موافق احترام نمایند از طرفین داده
بعد از جانب ... جهت و ثبات الفاظ امین الملک فرخ خان ایلچی

دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص آن و حامل کمر مکلل بالماس
وغیره وغیره وغیره و از جانب رئیس ممالک متحده امریک تاما کارول اسپنس وزیر
ممالک متحده مزبوره مقیم دربار دولت عثمانیه عهدنامه دوستی و تجارت قرار داده و منعقد نمودند
و مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک رتبت گردون حشمت خسرو
اعظم ضیغم اکرم جمشید جاه داراب دستگاه وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه
اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران و رئیس ممالک متحده امریک تاما هر دو طالب
المودیه تمنا و اراده صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین بر قرار
و به واسطه عهدنامه دوستی و تجارت که بالسویه نافع و سودرسان تبعه دولتین قرار یابد حسن
روابط و اتحاد فیمابین را مستحکم سازند لهذا از برای انعقاد این کار اعلیحضرت شاهنشاه
کل ممالک ایران جناب عزت و فخامت نصاب امین الملک فرخ خان ایلچی کبیر
دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل مخصوص آن و حامل کمر مکلل
بالماس وغیره وغیره وغیره و رئیس ممالک متحده امریک تاما کارول اسپنس وزیر
ممالک متحده مزبوره مقیم دربار دولت عثمانیه را وکلای مختار خود تعیین کرده و ایشان
بعد از آنکه اختیارنامه‌های خود را مبادله کردند و موافق قاعده و شایسته دیدند فصول
آتیه را برقرار و منعقد

اول از این به بعد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای ایران دولت و دولت و رعایای
متحده امریک تاما دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دوم

دوم سفرا و ایلچی‌ها و مأمورین دیپلوماتیک که هر یک از دولتین متعاهدتین بخواهند به دربار
یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان رفتار و سلوک را که در حق سفرا و ایلچی‌ها و مأمورین دیپلوماتیک
دول متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرا و ایلچی‌ها و مأمورین
دیپلوماتیک دولتین متعاهدتین و اتباع آنها معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند
بود

سیم تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیرهم که در مملکتین محروستین
سیاحت یا توقف نمایند با کمال احترام از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین رعایت
و حمایت خواهند دید و در هر حال سلوکی که نسبت به اتباع دول
کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بعلاوه رعایای
دولتین لهذا هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه
خشکی مملکت دیگر بیاورند و از مملکت دیگر ببرند و بفروشند و یا معاوضه
نمایند و در هر یک از بلاد مملکتین که بخواهند حمل و نقل نمایند ولکن این مقرر است
که تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند در خصوص تجارت مزبوره مطیع
قوانین آن مملکت که محل تجارت مزبوره باشد خواهند بود و در صورتیکه یکی از دولتین
متعاهدتین بعد از این درباب تجارت داخله امتیازات تازه برعایای سایر دول بدهد
همان امتیازات نیز عاید خواهد شد برعایای هر یک از این دولتین که در ممالک دیگر
مشغول تجارت داخله باشند

چهارم هرگونه امتعه و اقمشه و اتباع دولتین متعاهدتین بمملکت دیگر که نقل نمایند
یا از مملکت دیگر بیرون ببرند وجه گمرک آن از تجار و اتباع دول کاملة الوداد مأخوذ میشود

استفاده و معاملات ایشان بولایات دولتین و حال خروج از مملکتین مرتفع از عوائد ان
نیز مطالبه نخواهد شد و حق دیه مجملا هیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد
شد

پنجم در ممالک محروسه ایران هرگاه مرافعه یا مباحثه فیمابین تبعه دولت علیه ایران و
اتباع دولت ممالک مجتمعه امریک تماما اتفاق شود در حین که وکیل یا قونسول دولت مجتمعه
امریک مقیم باشد مقالات متداعیین را تحقیق و تدقیق و اجرای حکم معمول و انصاف
در محکمه دولت علیه ایران در محلی که بر طبق سیکه ضرور است با حضور احدی از
منسوبان وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک خواهد شد در ممالک محروسه ایران
اگر فیمابین اتباع دولت ممالک مجتمعه مرافعه یا منازعه روی دهد طرح گفتگو و اجرای مرافعات
ان با تمام معهود وکیل یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک است اگر متوقف در محل
این مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشند و الا در مملکت که اقرب محل بوده باشد
خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور طرح این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در ممالک
مجتمعه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم ان معهود وکیل یا قونسول
امر طرفین خواهد بود که انگونه گفتگوها و منازعات فیمابین تبعه دولت علیه ایران
و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام ان بقوانین ولایه بوده با اتباع سایر
دول کامله الوداد در ممالک مزبوره معمول و مرعی شود تبعه دولت علیه ایران
در ممالک مجتمعه با اتباع دولت ممالک امریک تماما در ممالک ایران اگر متهم
بکاری کبیره گردند به نحوی که در مملکتین مرعی است با اتباع دول کامله الوداد رفتار
میشود با ایشان نیز معمول و مرعی و قطع و فصل خواهد شد

ششم

ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه
میت را اقوام یا شرکا باشد ترکه او با تمام تسلیم ایشان خواهد شد و در صورتیکه
شخص میت را اقوام و شرکا نباشد ترکه و مملکات او امانة بوکیل یا قونسول دولت
متبوعه میت تسلیم میشود تا ان را بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته
در این باب معمول دارد

هفتم دولتین علیتین معاهدین بجهت حمایت اتباع خود و تقویت امر تجارت و
فراهم اوردن اسباب حصول معاشرت دوستانه و مناسبات فیمابین تبعه جانبین
چنین احتیاط ضرور دانسته اند حق داشته باشند هر یک ... در پای تخت
دولتین مقیم سازند و از طرفین سه نفر قونسول برقرار نمایند قونسولهای دولت
علیه ایران در شهرهای واشنگتون و نیویورک و نیواورلئانس توقف خواهند
داشت و قونسولهای دولت ممالک مجتمعه در دار الخلافه طهران و بندر بوشهر و دار
السلطنه تبریز توقف خواهند نمود و این قونسولها و دولتین معاهدتین باید به در محل توقف
سکونت مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و معافاتیکه قونسولهای
دول کامله الوداد در ممالک جانبین منظور است بهره یاب خواهند گردید و ...
و قونسولهای ممالک مجتمعه امریک رعایای دولت علیه ایران را ... را نه در
ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و از این اصول در هر حال طرفین منفرد شد و
... تجارت ... نخواهند داشت و نیز مقرر است که اگر قونسولهای مزبور با
مشغول تجارت شوند ایشان نیز مطیع خواهند بود همان قوانین و رسوم سایر اتباع
رعایای دولت متبوعه ایشان هر در همان محل تجارت مرکز مطیع هستند و همچنین فیمابین

دولتین متعاهدتین مقرر است هر چه از کارها که مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای دولت
ممالک متحده امریک بیشتر از آن نخواهد بود موجب عهدنامه برای مأمورین روس
در ممالک ایران معین شده است

هفتم این عهدنامه دوستی و تجارت که به ملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین
دولتین ایران و ممالک متحده امریک منعقد شده است از تاریخ مبادله امضاهای جانبین
ملاحظتی تا ده سال برقرار خواهد بود و اگر پیش از انقضای ده سال مذکور هیچیک
از این دو دولت بموجب اعلام رسمی میل خود را در قطع و توقیف اجرای این عهدنامه
به دولت دیگر اظهار ننماید عهدنامه مزبور تا یک سال دیگر کماکان بر وعده مذکوره
برقرار خواهد بود و همچنین تا دوازده ماه بعد از رسیدن اعلام هر وقت که اعلام
مزبور ظهور نماید و وکلای مختار دولتین متعاهدتین قسم اردو شده و امضاهای جانبین
دولت تبریه ... در اسلامبول در مدت ششماه یا کمتر اگر ممکن شود مبادله
نمایند و وکلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه را مخفی و را لحاظ و مهر
مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه مبارکه در دو نسخه بزبان فارسی و انگلیسی بتاریخ
یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری ۱۲۷۳ فی پانزدهم شهر ربیع الثانی مطابق یکهزار
و هشتصد و پنجاه و شش عیسوی ۱۸۵۶ در اسلامبول مرقوم گردید چنانچه اعلیحضرت
پادشاهی پیرا از ملاحظه کل فصول عهدنامه دوستی و تجارت مسطوره فوق را امضا و تصدیق
داشتیم بموجب مراتب مسطوره مبوبه قبول و منظور و تصدیق میفرمائیم و در کل مطالب آن
و مقبول و کافی از برای خودمان و اخلاف مان و عدلها میفرمائیم هر چه در ضمن عهدنامه مزبوره
قرار داده شده از جانب اعلیحضرت ما بطور مقبول و مجری خواهد شد از برای اجتماع تمامی این

تصدیق

تصدیق نامه را بخط خودمان مزین نموده و محکم کرده ایم و بمهر دولت خودمان
ممهور شده مرقوم شد بتاریخ پنجم شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۷۳
یکهزار و دویست و هفتاد و سه هجری سال ثالث

سلطنت همایون

محل مهر دولت همایون

محل امضاء همایون

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و بلجیک در سنه ۱۲۵۷

بنام خداوند یگانه حمد الهی که حضرت او در اکوان حکمت بالغه تاسیس العهود و مودت
فی العالم منشئه بتمهید العقود و برخوردمندان نیز هوشی و تیزهوشان بینش پروش
پوشیده نماند که خداوند رب جهان انتظام امور معاش و معاد عباد را بقبضه
ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد داده تا کافه برایا در کنف امن و حصول
آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طرق مودت و داد بسپرند و بر امور
نمایند و خلاف صواب نگزینند تبیین این مقال آنکه اعلیحضرت گیوان رفعت
مشتری سیرت بهرام سطوت خورشید رتبت ناهید بهجت عطارد فطنت قمر طلعت
مالک ممالک محروسه ایران و وارث تاج و تخت سلاطین کیان ظل الله فی الارضین
کهف الاسلام و المسلمین محمد شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الدوران و اعلیحضرت
حضرت فلک رفعت ... قدر رتبت ... ممالک بلجیک لیوپولد ادام الله
ایام سلطنته الی آخر الزمان ... الویه ... جانب ... دو ... تاسیس قواعد ...

ومحبت وتشیید مراسم مخالصت ومودت وترفیه حال رعیت وگشایش ابواب
منافع تجارت بر روی عامه رعایا وبرایا مابین دو دولت فخیمتین معاهده دوستی وتجارت
منعقد وبرقرار شود لهذا دولت علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس
باشی که سفیر وایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار دولت عثمانیه صاحب نشان
صورت همایون ونشان اول بزرگ وخورشید سرتیپی وصاحب حمایل سبز وسرخ
ونشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون وامضای
جناب جلالت نصاب اجل افخم مجد بلند که صدراعظم ما باشد دراین خصوص وکیل ومختار
نموده واعلیحضرت پادشاه بلجیق از قرار دستخط همایون وامضای نامه جداگانه جناب
بارون فرانسوا دابن وزیر مختار دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول
صاحب منصب نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق وصاحب اردن دولت
فخیمه فرانسه وصاحب نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را دراینجانب
ماذون ومختار ساخته لهذا امورین مذکورین بعد از مبادله اختیارنامه های خود قرار
معاهده را در ضمن هفت ماده بنحو آتیه دادند

اول که بعد مابین دولت علیه ایران ودولت بهیه بلجیقا وتبعه ایشان اساس دوستی ثابتا
پاینده وبرقرار شود

دوم تبعه دولتین فخیمتین اتباع وسایر رعایا که بمملکت دیگر تردد کنند وکذا از رعیت هرکدام
خواهند بکرایه برای امر تجارت ومسکن خود منازل وحجره وانبار اجاره کنند
ماذون هستند واز طرف حکام ودیوان ممانعت نشود ودر حق اهالی رعیت دولتین
رعایت عزت وحرمت منظور شود از اجحاف وستم مصون ومحروس باشند

واگر

واگر کالای تبعه دولتین فخیمتین بدولت دیگر حمل ومال بدو داشته باشند اصلا بجز دستی
امرای دولتین بهیه چه طلب نخواهد رسید

سیم اگر اشخاصی از تبعه دولتین فخیمتین بعنوان تجارت یا سیاحت ممالک همدیگر بروند
یا توقف نمایند در حق ایشان از همه احترام مرعی شده از عوارض وتقسیم معاف باشند
ودر وقت دخول وخروج تجار دولت بلجیقا از تبعه ایشان در هرجا که باشند از
حقوق گمرکی بلاملاحظه زیاده نشود واز تبعه تجار دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین متحابتین
فرانسه وانگلیس موافق تعرفه رفتار گردد

چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیقا اگر بطریق سیاحت یا تجارت بممالک دولت علیه
ایران تردد نمایند برای امنیت وحفظ ایشان از طرف دولت علیه ایران احکام
داده شود وعبور ومرور ایشان بهر که مزاحم ومانع ایشان شود وحمایت از ایشان
نماید

پنجم دولت علیه ایران ماذون است که وقونسول جنرال تجار از دولت بلجیقا در تبریز
ودار الخلافه طهران مقیم شده امور تبعه دولت خود را رسیدگی کنند وهمچنین اگر
دولت علیه ایران اگر بخواهد در شهر بندر ویا در سایر ممالک بلجیقا قونسول جنرال
گذارند ماذون خواهد بود

ششم اگر مابین تبعه دولتین از بابت معامله نزاع ودعوا اتفاق افتد با استحضار رئیس
تجار وترجمان آن دولت موافق شریعت وقانون مملکت قطع وفصل آن دعوا بشود
ودر صورتیکه از تبعه دولتین شخصی وفات نماید بعد از تشخیص وتحقیق اموال واسباب
او را بحاکم آن ... طلب بطور ورثه وتقسیم نماید وهمچنین در وقت وفات

یکی از تبعه طرفین اموال و نسبت دولت او به رئیس تجاران دولت تسلیم شود
هفتم این ... در این عهدنامه دوستی و تجارت ابدالدهر
با کمال وفق و صداقت از طرفین مرعی و محفوظ خواهد شد و بهیچوجه خللی و نقصانی
باجرای آن راه نخواهد یافت این عهدنامه دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر
و امضا شده و از جانب مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردید
اسناد تصدیق نامجات آن از طرف دولتین علیتین تصدیق گشته در مدت چهار ماه
یا کمتر آن تصدیق نامها باسلامبول ما بین المامورین از سرحد مبادله گردد تحریراً فی
یوم دوشنبه بیستم ماه جمادی الاولی مطابق سال اودئیل خیریت دلیل هزار و دویست
و پنجاه و هفت ۱۲۵۷ هجری مطابق چهاردهم شهر جولای سنه ۱۸۴۱ عیسوی در دارالخلافه
اسلامبول انجام پذیرفت

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و بلجیک در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه افخم
سلطان بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت لئوپولد اول پادشاه بلجیک
دخواهند روابط وداد ما بین هستند را از دوستی کامل حفظ نمایند و دلایل تازه بر آن و به پیشرفت
تجارت ممالک محروسه خودشان از سابق تحریک نمایند بعد المشورت گشته و عهدنامه منعقده
شده و برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالت مآب مقرب
الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال همایون و حامل
حمایل امیر تومانی الماس و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه بلجیک و کونت شارل

ویلن

ویلن چهاردهم وزیر امور خارجه خود از اجزای مجلس وکلا و دارای نشان لئوپولدی و صاحب
نشان امیر بزرگ خارج اتحاد دولت او به دولت نتردام گیلیوم و پلاد لئوپولد دولت نمسه
و نشان دلاور و صاحب نشان مجیدیه از مرتبه اول و نشان بزرگ سلک امپراطوری
عقاب سفید دولت روس و قطب نما دولت نروژ و سوئد و غیره و غیره
وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در بدو کار مجتمع شدند اختیارنامجات
خود را مبادله نمودند و موافق ترکیب صحیح فصول آتیه را برقرار نمودند
اول ما بین دولت علیه ایران و رعایای او و دولت علیه بلجیک و رعایای آن دولت
همواره دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود
دوم سفرای کبار مأمورین و وکلای بلجیک که هر یک از دولتین علیتین معاهدتین بخواهند به دربار
یکدیگر مامور و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار و مامورین و وکلای
دول کامله الوداد و اتباع آنها معمول میشود نسبت بآنها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و
مامورین و وکلای دولتین معاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ
خواهند بود
سیم تبعه دولتین علیتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم هر وقت در مملکتین
سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین عزت و حمایت
خواهند دید و محترم خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کامله الوداد منظور
میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با لطف و منت ایشان و مرخص اند که هر گونه
امتعه و قماش و مال التجاره که از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت یکدیگر بیاورند و از
مملکت یکدیگر ببرند و بفروش رسانند و مبادله و معاوضه نمایند و به هر جا از بلاد مملکتین که بخواهند

محلی نقل نمایند و ساکن خواهند بود خانه‌ها و دکاکین و انبارها بجهة تکمیل امور تجارت
خود کرایه نمایند بالکل از جانب کارگزاران دولتین مخالفت نشود و بجهة امنیت رعایای
دولت بلژیک هرگاه بخواهند عزم سیاحت یا تجارت در ممالک ایران بنمایند لازمه احکام
و فرامین داده گردد که موجب رفع ممانع و مایه تقویت و حمایت بشود بایشان داده خواهد شد
و کلیه اینجور است که تجار طرفین در اقدام بتجارت داخله مملکتین نامبرده مطیع قوانین ممالک
تجارت مزبوره باشند خواهند بود

چهارم کشتیهای تجارتی طرفین هرگاه شکسته و ناقص شده اتباع دولتین معاهدتین بممالک یکدیگر
نقل و بسته یا از مملکت بیرون برده و هرگونه که کشتیهای تجارتی و اتباع و اموال کافه
الوداد چون وارد شده و معاملات ایشان با ولایات دولتین و مابین ایشان حسب رسوم از مملکتین
مطالبه بر گردد لذا ایشان نیز مطالبه ملاحظه شده وجه و وجه [illegible] در آن ملتین
[illegible] مطالبه خواهد شد

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بلژیک مرافعه یا مباحثه یا منازعه
روی دهد حل کفتگو و اجرای مدلولات آن بالتمام بعهده وکیل قونسول دولت بهیه بلژیک
خواهد بود اگر فی نفسه ما بین بلژیکیان و هم مرافعه و مباحثه و منازعه باشد و الا در
ملکتین و اقرب بلژیکیان مزبور با آنست خواهد بود و وکیل قونسول مزبور حل کفتگو را بر وفق
قوانین [illegible] در مملکت بلژیک معلوم که هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت
بهیه بلژیک و اتباع دولت علیه در ممالک ایران ملاحظه گردد در مرجع او وکیل قونسول دولت
بهیه بلژیک مقیم باشند مقالات [illegible] و تحقیق [illegible] و حسب ارکح عدل و انصاف در
محکمه دولت علیه ایران [illegible] یا حضور [illegible] وکیل

یا قونسول

یا قونسول دولت مزبوره خواهد بود هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین
اتباع بلژیک و تبعه سایر دول خارجه واقع شود و تحقیق و اجرای کارکنان بعهده وکلای قونسولهای
طرفین خواهد بود که از کفتگو و منازعات فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت
بلژیک در مملکت ایران اگر منتهی گیره کرده به دعوی در ملکتین مزبورتین با اتباع
دول کامله الوداد رفتار میگردد با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد

ششم در صورت وفات یکی از رعایای دولتین در
ممالک طرفین در باب ترکه میت همان رفتار معمول خواهد بود که نسبت بترکه رعایای دول کامله
الوداد مجری است

هفتم دولتین معاهدتین بجهة حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب
معاشرت دوستانه دولتین فیمابین تبعه جانبین حقوق اختصاصیه را منظور داشته و از طرفین
قونسول برقرار کرده قونسولهای دولت ایران در دار السلطنه بروکسل و انورس [illegible]
اقامت خواهند داشت و قونسولهای دولت بلژیک در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز
و بندر ابوشهر مقیم خواهند بود هر قونسولهای دولتین معاهدتین [illegible] ممالک
مملکتین و از احترامات و امتیازات و معافات قونسولهای دول کامله الوداد در
ممالک جانبین محفوظ و بهره‌یاب خواهند کرد [illegible] بلژیک و قونسولهای دولت
ایران رعایای بلژیک را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و همچنین [illegible] بلژیک
و قونسولهای بلژیک رعایای ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای
دولتین معاهدتین هر دو در ممالک طرفین مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود همان قوانین
و رسوم سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره می‌باشند مطیع

هشتم

هرگاه در صورتیکه بطور رجحان فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر هم چه
خلاف کدورتی رسیده جهت دوستی و تجارت و با امر فیمابین دولتین متعاهدتین برقرار باشد
نهم این عهدنامه دوستی و تجارت را ملاحظه کنند

مدت عهدنامه دوستی و اتحاد فیمابین دولتین علیتین ایران و ممالک متفقه نمسه از ابتدای ...
از تاریخ روز مبادله و امضای ملاحظات طرفین تا ده سال از زمان مبادله تصدیق و راستی
مرعی و محفوظ خواهد بود اگر یکسال پیش از انقضای این مدت مقرر هیچیک از دو دولت
میل خود را در توقف و اجرای این عهدنامه رسماً به دولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه
حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اعلان یکی از آنها و همچنین اعلام
اعلام نموده بود که رعایا و وکلای مختار دولتین معاهدتین متعهد گشتند تا امضای مجاز
و نگاه خود را در ظرف مدت از ده ماه یا زودتر هرگاه میسر شود در طهران یا در پاریس
یا در پایتخت مبادله نمایند وکلای مختار دولتین علیتین معاهدتین این عهدنامه را جاری کرده
بعد در چهار نسخه رقم و مهر خود نموده این عهدنامه در دو نسخه زبان فارسی و فرانسه
در پاریس نوشتند به تاریخ هیجدهم شهر ... سنه ۱۲۷۳ هزار و دویست و هفتاد و سه هجری تحریر یافت
این عهدنامه در ... مبادله عهدنامه ها بعد از این و تصدیق و صدراعظم دولت علیه

ایران رئیس و رزیر خارجه و سفیر کبیر ...

امین الملک فرخ ...

و ... امضا

...

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و پروس در سنه ۱۲۷۳

بسم الله الرحمن الرحیم

چون ایزد متعال اعلیحضرت پادشاه با استقلال اعظم و شاهنشاه با استحقاق اکرم زیب افزای
سریر سلطنت و تاجداری و زینت بخش اریکه جهانبانی و شهریاری بنیان معدلت و انصاف
ماحی آثار جور و اعتساف داور تاج و تخت و دارای فر و بخت سکندر شأن و جم
نشان ناصرالدین شاه قاجار ظل الله فی الارضین که دولت گستر و رعیت پرور و افتخار ملوک کیان
مالک و وارث کل ممالک ایران موافق این مبارکی سلطنت رعیت پرور و توفیق داشته
باشد ... در ... ذی قعده الحرام هزار و دویست و هفتاد و سه هجری
در پاریس فیمابین اعلیحضرت وکلای مختار اعلیحضرت پادشاه پروس موافق اختیار نامه
که از طرفین داده شده بود از جانب ... جناب جلالتمآب مقرب الخاقان امین الملک
فرخ خان سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب نشان تمثال همایون و حمایل ... دارای
نشان ... شیر و خورشید ... و از جانب اعلیحضرت پادشاه پروس ...
فردریک ... صاحب نشان ... شیر و خورشید ...
... از مرتبه اول ...
صاحب نشان ... از مرتبه اول و ... دولت
فرانسه ... قرار داد منعقد شده است مشتمل است و کلمه بکلمه از این
قرار است

چون اعلیحضرت ... پادشاه اعظم ... با استقلال کل
ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه پروس ... از جانب خود و سایر ممالک متفقه ...

گرک و ولایات اعلیحضرت شاه [illegible] از جمله دوک‌نشین بزرگ [illegible] ممالک [illegible]
بزرگ مکلنبورگ [illegible] شورین [illegible] گراندوک [illegible] اولدنبورگ [illegible] اعانت
و [illegible] ایالت [illegible] برنزویک و ممالک [illegible] و [illegible] مملکت [illegible] ولایت
بزرگ [illegible] از [illegible] و چه از جانب سایر اجزای شراکت گمرکی و تجارتی
[illegible] از جمله سلطنت [illegible] سلطنت ساکس [illegible] سلطنت [illegible] و [illegible] بزرگ
[illegible] بزرگ [illegible] مملکت هس [illegible] بزرگ [illegible] چه برای خود و چه برای [illegible]
[illegible] ممالک [illegible] جزو شراکت گمرکی و تجارتی [illegible] از جمله [illegible] بزرگ
ساکس [illegible] ساکس [illegible] و ساکس [illegible] و ساکس [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] بزرگ [illegible] اول [illegible]
[illegible] الوهیه اراده [illegible]
[illegible] روابط دوستی فیمابین ایران و ممالک مذکوره برقرار و بواسطه عهدنامه [illegible]
[illegible] تجارت [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران جناب جلالت
مآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل
[illegible] مکلل [illegible] الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه پروس
[illegible] فرانسه [illegible] نشان [illegible]
[illegible] وزیر مختار [illegible] صاحب نشان عقاب سرخ پروس از مرتبه اول
و [illegible] صاحب نشان [illegible] از مرتبه اول و غیره و غیره و غیره را وکلای
مختار خود تعیین کرده و ایشان [illegible] اختیارنامه‌های خود را [illegible]

و مواد

بموافق ترتیب [illegible] فصول آتیه را برقرار نمودند
اول [illegible] فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت علیه پروس و سایر
ممالک متحدالقرین و رعایای آن ممالک دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد
بود
فصل دوم سفرای کبار و وزرای مختار و سایر مأمورین دیپلماتیک هر یک از اجزای متحده
که [illegible] مأمور و مقیم سازند [illegible] رفتار [illegible] سفرای کبار
و وزرای مختار دول کامله الوداد [illegible] رفتار [illegible] در حق
سفرای کبار و وزرای مختار اجزای متحده و اتباع ایشان معمول و مجری و جمیع امتیازات
ملحوظ خواهد بود
فصل سوم [illegible] ممالک متحده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیره [illegible] ممالک [illegible]
سیاحت [illegible] از جانب حکام ولایات و وکلای ممالک متحده
عزت و حمایت [illegible] خواهند [illegible] و در هر حال [illegible] دولت [illegible] با اتباع
دول کامله الوداد منظور [illegible] در حق ایشان نیز منظور خواهد [illegible]
[illegible] خواهند بود [illegible] امتعه و [illegible] و مصنوعات چه از راه دریا و چه از راه
خشکی [illegible] مملکت [illegible] و [illegible] ممالک متحده
[illegible] این [illegible] ممالک متحده و [illegible] تجارت [illegible]
[illegible] خواهند بود [illegible] تجارت [illegible] باشد
فصل چهارم [illegible] امتعه و [illegible] اتباع ممالک متحده [illegible] مملکت [illegible] از مملکت
[illegible] اتباع دول کامله الوداد [illegible] امتعه و مصنوعات

ایشان بر ولایات جمهوریه متعدده و جمیع جنس و رخت از ممالک مزبوره که مطالبه می‌شود از ایشان
بیش از آنچه گرفته شده و می‌شود به هیچ اسم و رسم در ایران و در ممالک متحد زولفرین
مطالبه نخواهد شد

پنجم در ممالک ایران اگر فیمابین اتباع ممالک متحد زولفرین مرافعه یا مباحثه یا منازعه روی
دهد قطع کننده و فیصل دهنده آن با تمام عهده وکیل یا قونسول ممالک متحد زولفرین است
اگر قطع فصل در محل سکنای ایشان مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین
تبعه دولت علیه و اتباع ممالک متحد زولفرین حادث گردد در حضور وکیل یا قونسول ممالک
متحد زولفرین مقیم باشد مطابق عدالت تحقیق و تفتیش و حکم به عمل و انفصال
در محکمه دولت علیه ایران در محل حاکم عرف که حاضر است با حضور امین از منسوبان
وکیل یا قونسول ممالک متحد زولفرین خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در
مملکت ایران فیمابین اتباع متحد زولفرین و تبعه و سایر دول خارجه واقع شود تحقیق
و اجرای حکم آن به عهده وکلا یا قونسول‌های طرفین متعلق است که کفیل امور شان
در فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع ممالک متحد زولفرین و تبعه سایر دول خارجه در
ممالک پروس و سایر ممالک متحد زولفرین و تبعه ممالک متحد زولفرین در مملکت ایران اگر
متهم به جرم گردیده گردد به نحوی که در ممالک مزبوره با اتباع دول کاملة الوداد رفتار می‌شود
با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد

ششم هرگاه احدی از اتباع ممالک متعاهده در ممالک همدیگر وفات یابد و در عهد وکیل
میت را اقوام باشد که وارث ترکه او با تمام تسلیم ایشان خواهد شد و در عهد وکیل تفحص
میت را اقوام و کسی که بنام متروکات او را بگیرد در مملکت خود چنانکه شاید و باید در عهد آن

معمول دارد

هفتم ممالک متعاهده ایران و ممالک متحد زولفرین به جهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و
فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت و مناسبات دوستانه فیمابین تبعه جانبین
چنین اختیار نمودند که هر یک قونسول در ممالک یکدیگر تعیین نمایند قونسول‌های ایران
در ممالک متحد زولفرین مقیم خواهند بود در هر جائیکه از دول خارجه قونسول باشد
قونسول‌های ممالک متحد زولفرین در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز و بوشهر اقامت
خواهند داشت این قونسول‌های ممالک متعاهده با لوازم و حقوق و شئون که ممالک مزبوره
از اعزازات و امتیازات و معافات که قونسول‌های دول کاملة الوداد در ممالک
مزبوره محفوظ اند بهره‌یاب خواهند گردید مأمورین پولیتیک و قونسول‌های ممالک
متحد زولفرین رعایای دولت ایران را که در خدمت هستند در حقیقت حمایت نخواهند کرد مأمورین
پولیتیک و قونسول‌های ایران در خاک دولت بهیه پروس و سایر ممالک متحد زولفرین
رعایا را که در خدمت هستند در حقیقت حمایت نخواهند کرد قونسول‌های ممالک متعاهده و در ممالک
همدیگر مشغول تجارت نیز مطیع خواهند بود به همان قوانین و رسوم و سایر رعایای
دول متحابه ایشان که مشغول تجارت نیز در آنجا هستند مطیع هستند

هشتم این عهدنامه دوستی و تجارت که به ملاحظه کمال صداقت در قدر و اعتبار فیمابین
ایران و ممالک متحد زولفرین انعقاد یافته بعون الله تعالی از تاریخ روز امضای آن
تا هشت سال تمام در استحکام و نفوذ خواهد بود و مستمر برقرار خواهد ماند
و هرگاه دوازده ماه قبل از انقضای یکی از اجزای متعاهده و یک از طرفین اطلاع در عدم بقای
این عهدنامه اظهار ننماید هر یک از اجزای متعاهده حق خواهد داشت هر از هشت سال

یا دیرتر این عهدنامه را موقوف بدارد و دیگر فیمابین اجزای منعقده مقرر است
در این عهدنامه وجه قرارداد ایران انگلیس نزدیک و با اعتبار نخواهد بود و از دوازده
براز وصول اعلام نامه موقوف است

تم این عهدنامه منعقده تصدیق خواهد شد و تصدیق نامه های آن در مدت دوازده
ماه یا زودتر هرگاه میسر شود در پاریس یا در اسلامبول مبادله خواهد شد وکلای
مختار جانبین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نموده در پاریس در چهار
نسخه که دو نسخه فارسی و دو نسخه دیگر بزبان فرانسه در چهارم شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۲۲۳
هزار و دویست و بیست و سه هجری مطابق چهارم شهر ژوئن ۱۸۰۷ عیسوی

محل مهر و خط همایون

محل مهر ... ایران ...

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و ساردانیا در سنه ۱۲۲۳

بسم الله الرحمن الرحیم

بعون ایزد متعال بخشنده بالاستقلال اعظم و کردگار بالاستحقاق اکرم زیب
افزای سریر خلافت قاهره و زینت بخش اریکه سلطنت و کامکاری مظهر آثار معدلت
و الطاف باهره عالیه ... و اعتاف داور تاج و تخت و دارای فر و بخت شکوه
کیخسروی و جمشیدی ظل الله الاسلام و المسلمین ملک بعدالت گستر و رعیت پرور

افسر

افسر و کیان ملک و وارث کیان ممالک ایران موافق این مبارک مسطور بر کس
مرقوم و نقش داشته فی سلخ شهر ... در غره شهر رمضان المبارک سنه
میلادی مطابق سنه ۱۲۲۳ هجری در پاریس فیمابین اعلیحضرت ... و اعلیحضرت
پادشاه ساردانیا موافق اختیارنامه ها که از طرفین داده شده بود بین از جانب
جناب جلالت مآب مقرب الخاقان عسکرخان ... امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب
تصویر همایون و حمایل ... و دارای ... و غیره و غیره و از جانب
اعلیحضرت پادشاه ساردانیا ... وزیر مختار
در ... خود ... و ... اول ... و ...
و ... صاحب منصب بزرگ ... و غیره و غیره و غیره عهدنامه دوستی و تجارت قرارداد
منعقده شده است و شرایط آن بر فصول ... ذیل از این قرار است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه ساردانیا و فرزندان و ...
و ممالک ساردانیا ... و غیره و غیره و غیره ... بازل و ...
... اراده ... روابط ... فیمابین دولتین برقرار
و ... دوستی و تجارت ... خواهد بود
و ... لهذا ... این کار ... اعلیحضرت شاهنشاه ایران
جناب جلالت مآب مقرب الخاقان عسکرخان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب
تصویر همایون و حمایل ... و دارای ... و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت
پادشاه ساردانیا ... وزیر مختار ... خود
... اول ... و صاحب منصب

بزرگ از بون وز و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین کرده و ایشان بعد از انکه
در پاریس مجتمع شده و اختیارنامجات خود را مبادله کرده و موافق قاعده و شایسته دیدند فصول
ذیل را برقرار نمودند

اول از الیوم تا ابد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه ساردینیا و رعایای
آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دویم سفرای کبار و وزرای مختار که هریک از دولتین متعاهدتین بخواهند در دربار یکدیگر
مامور و مقیم سازند هم در رفتار و هم در کارها در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول متحابه و اکمل الوداد
امتیازات ملحوظ خواهند بود

سیم تبعه هر یک از دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیره هم در مملکتین محروستین
سیاحت یا توقف نمایند بایستی از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین بعزت
و حمایت رفتار نمایند هر نوع حقوقی که و هر عایدی که در نسبت باتباع دول کامله الوداد
منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با لطف و مهربانی در حق ایشان
هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت دیگر بیاورند
و از مملکت دیگر ببرند و نقل و حمل نمایند و مبادله و معاوضه نمایند و هر جا بخواهند
مملکتین محروستین حمل و نقل نمایند ولکن این تبعه رعایت طرفین
تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن ملک که درباره تجارت مزبوره باشند خواهند
بود

چهارم هر گونه امتعه و اقمشه اتباع هر یک از دولتین متعاهدتین بمملکت دیگر نقل نمایند
یا از مملکت دیگر بیرون ببرند بهمان نحو که از تجار و اتباع دول کامله الوداد حقوق

امتعه

امتعه و محصولات ایشان بولایات در دولتین و جایی که و چه از مملکتین مطالبه میشود
از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق زیاده با جمیع امم و رسم در دولتین متعاهدتین
مطالبه نخواهد شد

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه ساردینیا مرافعه یا مباحثه یا منازعه
روی دهد فیصل گفتگو و اجرای عدالت آن با تمام عهده وکیل یا قونسول دولت بهیه ساردینیا است
اگر متوقف در محل [illegible] در مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشند والا در ملک اقرب
مکان مزبور خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور بر طبق گفتگو را موافق قوانین متداوله
در مملکت ساردینیا خواهد کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه
ساردینیا و اتباع دولت علیه در ممالک ایران حادث گردد در محلی که وکیل یا قونسول دولت
بهیه ساردینیا مقیم باشد مقالات و تحقیق و اجرای حکم قبول و اتفاق
در محکمه دولت علیه ایران [illegible] بحضور
وکیل یا قونسول دولت بهیه مزبوره خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در ممالک
ایران فیمابین اتباع دولت ساردینیا و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و رسیدگی
حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود که گفتگو و منازعه فیمابین
تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه ساردینیا و تبعه سایر دول خارجه در ممالک
محروسه ساردینیا اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بطوری خواهد بود با اتباع دول کامله
الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود تبعه دولت ایران در ممالک ساردینیا یا اتباع
دولت ساردینیا در ممالک ایران اگر متهم بجنایتی گردیده شوند در مملکتین مزبورتین
با اتباع دول کامله الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل

خواهد شد

ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او بتوسط قونسول
دولت متبوعه او تماماً تسلیم ازام ورثه و صاحبان حقوق او خواهد شد در صورتیکه
در تحت مرده وصی یا وارث شرعی نباشد متروکات او در مملکتین امانةً بکارگذاران قونسول
دولت متبوعه تسلیم میشود تا مشارالیه بر اداره [illegible] در ان مملکت [illegible]
مقرر است بر وفق قوانینی که در مملکت خود جاری است باید در این باب
معمول دارد

هفتم دولتین علیتین بجهة حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم آوردن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و مراودات فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار
نمودند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار گردد و قونسولهای دولت ایران در
دارالسلطنه [illegible] و [illegible] متوقف خواهند داشت و قونسولهای دولت
[illegible] در دارالخلافه طهران و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز مقرر خواهند بود
این قونسولهای دولتین علیتین بالسویه در محل متوقفه حکومت مملکتین از احترامات
و امتیازات و معافیات قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک جانبین محظوظ و
بهره یاب خواهند گردید و مأمورین و وکلای قونسولهای [illegible] رعایای دولت
ایران را نه در ظاهر و نه در حقیقه حمایت نخواهند کرد و مأمورین و وکلای قونسولهای
ایران رعایای دولت [illegible] را نه در ظاهر و نه در حقیقه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای
دولتین علیتین که در مملکت طرفین مشغول تجارت نیستند مطیع خواهند بود بجهة قوانین
در سوی [illegible] و سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول [illegible] باشند مطیع هستند و حق

دیگر با

و بجای رسانند عهدنامه حاضره بملاحظه کمال صداقت و دوستی [illegible] فیمابین دولتین علیتین ایران
و [illegible] منعقده شده است بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله امضانامجات طرفین
تا مدت ده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال
پیش از انقضای این مدت مقرر هیچیک از دولتین معاهدتین [illegible] توقیف
و اجرای این عهدنامه را به دولت دیگر اعلام نکند و عهدنامه مزبور برقرار خواهد
ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار چنان اعلام در فسخ اعلام مزبور
عهدنامه را [illegible] وکلای مختار دولتین معاهدتین تعهد میکنند که امضانامجات [illegible]
[illegible] در ماه در طهران [illegible] مبادله نمایند
وکلای مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را امضا و بمهر خود مرقوم
و مختوم نمودند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در غره شهر رمضان المبارک
سنه ۱۲۷۳ هجری تحریر یافت بتصدیق دولت علیه ایران [illegible]
رسیده مبادله گردید

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و اسپانیول در سنه ۱۲۵۸
۱۸۴۲ عیسوی

الحمد لله رب العالمین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول بجهة ملاحظه ترقی
و توسیع تجارت و عموم رغبت مملکتین در ترقی و وسعت دادن به صنعت تجارت
و [illegible] این امر مهم را از مطالب معظم دولت است [illegible] نیک عقیده
[illegible] انعقاد عهدنامه [illegible] و [illegible] السویه
[illegible] برقرار و پایدار باشد

برای انجام این مرام اعلیحضرت ملک رفعت بخش برج جلالت نخبه سلاطین نامدار وارث
تاج و تخت کیان صاحب اختیار ممالک جمیع الممالک ایران ظل الله فی الارضین کهف الاسلام
والمسلمین السلطان بن السلطان والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه قاجار
ابد الله ایام سلطنته از طرف قرین الشرف خود عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفر خان مهندس
باشی که سفیر کبیر و ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر و تمثال
صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید مرصع و صاحب حمایل افتخار سبز و مرصع
و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در ضمن اختیارنامه معتبر کافیه در این خصوص
وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین در رفع اهمیت و اقامت [illegible] سلطنت [illegible]
نونهال بوستان جلالت السلطان [illegible] از [illegible] نظام [illegible] ایام
صغر سن امور سلطنت متعلق [illegible] ولیعهد حضرت [illegible] و صاحب اختیار
مملکت [illegible] قرار [illegible] مقبول است از طرف خود [illegible] دکارد
صاحب نشان [illegible] ممالک اسپانیول و صاحب نشان
امیر [illegible] سلطان از [illegible] وزیر مختار دولت [illegible]
در استانبول [illegible] از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار تام کرده [illegible] بر این قرار
نشان دادن و ملاحظه نمودن اختیارنامه یکدیگر [illegible] موافق رسم [illegible] فصل قرار
عهدنامه تجارتی را در ضمن [illegible] آتیه [illegible] دادند
اول از این بعد ما بین [illegible] ایران و دولت بهیه اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاءالله تعالی
اساس دوستی و [illegible] مسالمت دائمه [illegible] برقرار
دوم تبعه دولتین [illegible] باشند [illegible] آزادی [illegible] تمام مملکت یکدیگر [illegible]

معامله

معامله و سیاحت و تجارت کنند و خانه و دکان و حجره و انبار [illegible]
[illegible] کرایه [illegible] و از طرف حاکمان و دیوان بهیچ وجه ممانعت نشود [illegible]
احوال ایشان را مراعات نموده و دقت کنند [illegible] و تجار طرفین [illegible]
شود و تبعه [illegible] در [illegible] استراحت و آرام ایشان [illegible] در وقت ضرورت احکام [illegible]
با [illegible] حمایت شود و [illegible] حمایت از ایشان کنند
سیم رعایا و تبعه دولتین [illegible] به عنوان معامله و تجارت یا بطریق سیاحت به مملکت
یکدیگر تردد [illegible] از زمان ورود تا وقت خروج [illegible] و از ایشان
هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده [illegible] در حال ورود و خروج در مملکت
یکدیگر [illegible] رفتار شود
چهارم دولتین علیتین [illegible] تبعه [illegible] که در ممالک یکدیگر [illegible] خواهند
کرد [illegible] تجار [illegible] اقامت [illegible] دولت علیه ایران
[illegible] از طرف دولت بهیه اسپانیول در دارالخلافه طهران
و یک نفر [illegible] در دارالسلطنه تبریز [illegible] و همچنین دولت بهیه اسپانیول [illegible]
و یک نفر [illegible] از طرف دولت علیه ایران [illegible] یک نفر دیگر
[illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] نصب نماید
پنجم هر وقت [illegible] در خصوص معامله [illegible] ما بین [illegible] معامله [illegible]
[illegible] اتفاق [illegible] نزاع [illegible] اطلاع [illegible] مترجمان [illegible]
موافق عدالت و شریعت مملکت قطع و فصل شود [illegible] تبعه [illegible]

معیوب شود یا آن شخص ادعای افلاس نماید باید از محل حفظ دفتر و ارسال و حرس
اموال و مطالبات او با اطلاع وکیل تجار یا ترجمان آن دولت قسمت غرما شود و هر
قدر از قرض آن شخص بعد از ادای طلب او باید ذمه او در آینده به
او وارد نباشد و همچنین در فوت یک نفر از تبعه دولتین وفات کند باید جمیع متروکات
و دفاتر او به وکیل تجار آن دولت تسلیم شود قرض و طلب او بمقتضای دستور کیش تجار موافق قرار
مملکت جاری شود

ششم اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد نباید از این
رهگذر به تجار و تبعه دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول هیچ ضرر و خلل و قصوری
رسد

هفتم این عهدنامه دوستی و تجارت دولتین مدتی که گذشته در ضمن عهدنامه قرار
داده شده است باید در ضمن امتیازات دولتین ساعیه حسب المراد از اداء تمام
رعایا و تبعه بهیه هر دو دولت آن عهدنامه را رسانیده و آن شرایط را در مدت چهار ماه یا کمتر
با مصادقه و مهر اعاره دولتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای مختار دولتین
مبادله خواهد شد

خاتمه این عهدنامه بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه اسپانیولی و فارسی انجام پذیرفته
گشته بر آن مهر و امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول به تاریخ بیست و چهارم
سیم محرم سنه ۱۲۵۸ و چهارم مارس ۱۸۴۲ مسیحی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و هولند در سنه ۱۲۷۳
۱۸۵۶ مسیحی

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه مستقل
کل ممالک ایران و اعلیحضرت گیلیوم سیم پادشاه هولند امیر اورانژ ناسو دوک بزرگ
لوکزامبورگ و غیره و غیره و غیره هر دو میل و اراده و تمنا صمیمانه داشتند که
روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و روابط جدیده دوستی و تجارت را بالسویه ما بین
دو مملکت و دولتین قویشوکتین خواهان بودند و تجارت فیمابین را مستحکم سازند
لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالتمآب مقرب
الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تمثال همایون و
حمایل آبی و دارای نشان تمثال الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه هولند
بیرون لیخت اوندران طوان مینیستر ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود در دربار
اعلیحضرت امپراطور فرانسه صاحب نشانهای بزرگ شیر زلند و تاج هولند و
گراند و صاحب منصب بزرگ لژیون دونور و غیره و غیره و غیره را وکلای مختار خود
تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله
کردند و موافق قاعده و ترتیب در فصول آتیه را برقرار نمودند

اولی برای همیشه فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه هولند
و رعایای آن دولت و جزایر و ممالک خارجه آن دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار
خواهد بود

و هم سفرای کبار و وزرای مختار هر یک از دولتین متعاهدتین که بخواهند در دربار یک دیگر
مقرر و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار یا وزرای مختار دول کامله
الوداد و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای
مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ
خواهد بود

سیم تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیرهم هرگاه در ممالکین
سیاحت یا توقف نمایند باید که از جانب حکام و ولات و وکلای طرفین عزت
و حمایت شایسته را بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کامله
الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور و ملحوظ شده و بلاتفاوت ماذون
و مرخص خواهند گردید که امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی
ممالکین بیکدیگر بیاورند و از مملکتی بمملکت دیگر ببرند و بفروشند و یا بیع و شری و غیره نمایند
و هر چیزی از بلاد مملکتین که بخواهند حمل و نقل نمایند و در این مقدمات که تجار
طرفین بامر تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن مملکتی که در آن تجارت میکنند
باشند خواهند بود

چهارم کشتیهای تجارتی هرگاه مال التجاره و اقمشه و اجناس دولتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر
نقل نمایند یا از مملکت یکدیگر بیرون ببرند و هرگاه در کشتیهای تجارتی دولت تجار
و اتباع دول کامله الوداد حمل و نقل نمایند و محصولات بر امتعه متعاهدتین و یا
خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجهی علاوه
هیچ اسم و رسم در دولتین متعاهدتین مطالبه نخواهد شد از جزئی و کلی همه حال مشترک است

اگر

اگر منظور است که امتیازات مخصوصه در جزایر خارجه اولاند و هند شرقیه لطافت سالیانه
از طرف دولت هند شرقیه بجهت حمل و نقل محصولات داشته و الان خود داده شده یا بر از این داده
بشود و این مقرر است که در این خصوص بهیچ نسبت برعایای دولت ایران همان طور رفتار
خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد یوروپ و امریک و اسیا غیر از آنچه
مقرر است مطالبه اسپانیا از جزایر شرقیه معمول است و مخصوصه رعایای دولت ایران
همان حقوق را خواهند داشت که رعایای دول انگلیس و فرانسه و عثمانیه دارند

پنجم دولتین متعاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقویت
امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت و دوستانه و علاقه جانبین
مقرر داشتند چنین که شایسته میدانند هر دو طرفین سه نفر قونسول برقرار گرداند قونسولهای
دولت علیه ایران در ... و ... و ... خواهند بود و قونسولهای دولت
... در دارالخلافه طهران و تبریز و دارالسلطنه تبریز اقامت خواهند
داشت این قونسولها در حق دولتین متعاهدتین باید که در محل توقف خود از ممالکین محترم و مستثنی از
احترامات و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک جانبین
محفوظ بهره‌یاب خواهند گردید باید که در این مقدمات و قونسولهای ایران در ...
دولت ... اند از رعایا ... در حقیقه حمایت نخواهند کرد و همچنین ... و
قونسولهای ... رعایای دولت ایران را ... در حقیقه حمایت نخواهند
کرد قونسولهای دولتین متعاهدتین در ممالک طرفین مشغول تجارت نباشند مطیع خواهند
بود بجهت قوانین ... رعایای دولت علیه ایران و مشغول تجارت ...
... مطیع هستند

ششم این عهدنامه دوستی و تجارت حاضره در عهد حفظ کمال صداقت و راستی در اجرای فقرات
دولتین ایران و دولت منعقد شده بود الی تا ... از تاریخ روز مبادله تصدیق
نامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین معتبر و در استمرار ملحوظ خواهد بود
اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت دوازده سال هیچیک از دولتین متعاهدتین قصد
خود را در توقیف اجرای این عهدنامه بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه
حاضر برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روزی که اظهار یا اعلام مزبور
را اعلام ... نماید و وکلای مختار دولتین متعاهدتین ... گشته و اعتبارنامجات
پادشاه ذیجاه خود را در پاریس یا در ... در مدت شش ماه مبادله نمایند و وکلای
مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند
این عهدنامه در دو نسخه بتاریخ ... در پاریس ... در قلعه
سنه ۱۲۷۳ هزار و دویست و هفتاد و سه هجری این عهدنامه ۱۸۵۶
نیز بامضای دولتین رسیده مبادله گردید

۱۲۷۴

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و دانمارک در ... سنه

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه با استقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت فردریک هفتم ... پادشاه دانمارک و ...
وانداال و ... شلیسویک و هلستین ... و ... و اولدنبورگ و اوله
بزرگ ... اراده ... روابط ... فیمابین دولتین
برقرار ... تجارت ...

دانمارک

و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا ... اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب
جلالتمآب معتمد ... فرخ خان امین الملک سفیر کبیر ایران صاحب نشان ...
و حمایل آبی و دارای کمربند الماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه
دانمارک ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود ... را اعلیحضرت امپراطور فرانسه بارون
ژان شارل ... صاحب نشان بزرگ
و ... نشان افتخار ... صاحب نشان بزرگ ... روسی
... نشان ... اوله ... روسی و ...
و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس جمع شده
و اختیارنامجات خود را ... مبادله ... فصول آتیه را
برقرار کردند

اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت علیه دانمارک
و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دویم سفرای کبار و وزرای مختار هریک از دولتین متعاهدتین که ... بدربار ... دیگر
مأمور و مقیم سازند ... سفرای کبار و وزرای مختار دول
کاملة الوداد ... و اتباع ایشان معمول میشود ... سفرای کبار
و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات
ملحوظ خواهد بود

سیم تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه وران و غیرهم ... مملکتین ...
... از جانب حکام و ولایات ... طرفین عزت و ...

قادر از تعیینه خواهند کرد به وده در هر حال نسبت بگمرکات با اتباع دول کاملة الوداد
منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و با ملاحظه قوانین و مرحص
خواهند بود هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی
مملکت دیگر بیاورند و از ممالک همدیگر ببرند و بفروشند و معاوضه و معامله
نمایند و هم چنین از بلاد مملکتین هر جا خواهند حمل و نقل نمایند و لیکن این تجارت
در تجار طرفین و اقسام تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع خواهند بود بقوانین آن مملکت
در عمل تجارت مزبوره باشد

جهازات و کشتیهای تجارتی و هر گونه امتعه و اقمشه و اتباع هر یک از متعاهدتین که بممالک همدیگر
نقل نمایند و یا از ممالک همدیگر بیرون ببرند بهمه جهت که با اتباع دول کاملة
الوداد و از کشتیهای ایشان حین ورود و امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین
و بعمل حقوق گمرک از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و در هیچ صورت
جمیع امور در حق این متعاهدتین مطالبه نخواهد شد

سیم دولتین متعاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقریب امور تجارت و فراهم آوردن اسباب
حصول معاشرت و دوستی و ملاطفه فیمابین متعهد جانبین رضا میدهند که از
طرفین سه نفر قونسول بر قرار گردد قونسولهای ایران در کپنهاگ و فلیننور
و آلتونا و قونسولهای دانمارک در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و بندر
ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای این متعاهدتین با بودن در ممالک خود حقوقیکه
مملکتین را از احترامات و امتیازات و معافات که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک
محروسه جانبین منظور است بقرار حق خواهند کرد بدینه منظور و مجرا قونسولهای

ایران

ایران رعایای دولت دانمارک را نه در ممالک محروسه در حقیقت حمایت خواهند کرد و قونسولهای
و لیکن متعاهدتین در ممالک طرفین مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود بجمیع قوانین و
رسوم جاریه رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع
هستند

چهارم این عهدنامه تجارت که دوستی بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اتحاد فیمابین دولتین
ایران و دانمارک منعقد شده است مدت اعتبارش از تاریخ روز مبادله امضاءجات
طرفین ده سال خواهد بود و هرگاه یکی از جانبین بعد از انقضای مدت مزبوره یکسال
پیش از انقضا اراده خود را اظهار نکند و هیچیک از متعاهدتین میل خود را در توقیف اجرای
این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه مزبور بر قرار خواهد ماند
تا مدت یکسال بعد از تاریخ اظهار چنین اعلام هر وقتیکه مزبور باشد و کلای مختار
طرفین عهدنامه مبادله امضاءجات آن در ظرف ده ماه یا زودتر در مدت یکسال بدارالخلافه
پیرز یا در پاریس بعمل آید و کلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه
بخط خود مرقوم و مهر نموده اند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ
صادره در بیست و هفتم ربیع الآخر ۱۲۷۳ ... و چهاردهم ... ۱۸۵۷ عیسوی
تحریر یافت و السلام

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دولتین ایران و سوید و نوروژ
در سنه ۱۲۷۳ ۱۸۵۷ عیسوی

بعون ایزد متعال همایون شاهنشاه با استقلال اعظم و تاجدار بالاستحقاق اکرم زیب
افزای سریر خلافت قاهره زینت بخش اریکه سلطنت و تاجداری مجلی آثار عدل و انصاف

اعلیحضرت جمجاه داور دارای تاج و تخت دارای فر و بخت کیوان رکاب بهرام حشم و کیهان
خدیو الاسلام والمسلمین ملک سلطان کشور خدیو رعیت پرور افتخار ملوک کیان مالک
الرقاب کل ممالک ایران موافق این نامه مبارکه مسطوره بهر کس که تبعه و متعلق داشته باشد
معلوم میداریم چون در بیست و نهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ هجری در پاریس فیمابین اولیای حضرت
همایون ما و اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ موافق اختیارنامه که از طرفین داده شده
بتوسط جناب مجدت نصاب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت
علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلل بالماس وغیره وغیره
و از جانب اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ سیور لویی بارون دو مانبورن صاحب خود
وزیر مختار و ایلچی مخصوص خود صاحب نشان بزرگ ستاره قطب و صاحب نشان
بزرگ و نشان مس اولاد نروژ و صاحب نشان بزرگ بیرزلندی و دانبروگ
وغیره وغیره و غیره عهدنامه دوستی و تجارت قرار داده شده است
و مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است
چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت ادسکار اول پادشاه سوید و نروژ و گات و واندال
هر دو میل مستدام و متزاید داشتند که روابط دوستی فیمابین را برقرار و بواسطه
عهدنامه دوستی و تجارت که بالسویه بر نفع دولتین و تبعه طرفین باشد مودت و اتحاد جانبین را
مستحکم سازند لهذا برای انعقاد این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب مجدت نصاب
مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون
و حمایل آبی و دارای کمر مکلل بالماس وغیره وغیره و اعلیحضرت پادشاه سوید و نروژ سیور لویی

بارون دو مانبورن صاحب خود وزیر مختار و ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود صاحب نشان بزرگ
ستاره قطب و صاحب نشان شارل سیزدهم و نشان مس اولاد نروژ و صاحب نشان
و صاحب نشان بزرگ بیرزلندی و دانبروگ وغیره وغیره وغیره را وکلای مختار خود
تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس جمع شدند و اختیارنامجات خود را ملاحظه نمودند
و موافق ترتیب دیدند فصول آتیه را برقرار کردند
فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت سوید
و نروژ و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود
فصل دوم سفرا و کارگزاران و وزرای مختار هر یک از دولتین متعاهدتین که بخواهند بدربار دیگر
مأمور و مقیم سازند همان رفتار و رسم که معمول در حق سفرا و کارگزاران و وزرای مختار دول
کامله الوداد رعایت میشود در حق ایشان معمول مرعی خواهد بود همان رفتار و رسم در حق سفرا و
کارگزاران و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات
ملحوظ خواهد بود
فصل سوم تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌وران و غیرهم که در ممالک
سیاحت و توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولات دولتین از طرفین محترمات
و حمایت خاطر از ایشان خواهد بود و در هر حال همه گونه رعایت باتباع دول کامله الوداد
منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد بود و بالمعاوضه همان در حق خواهد
بود و هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت یکدیگر
بیاورند و از مالک به جزیره و بنادر و بلاد دولتین داخل و بجای دیگر بنمایند و هر جا
از بلاد و ممالک دیگر بخواهند حمل و نقل نمایند و کلیه این مقررات بدون از طرفین کم اقرار

تجارت داخله مملکتی نمایند مطیع خواهند بود بهمان قواعدی که اهل تجارت مزبوره
باشند

فصل چهارم کشتیهای تجارتی هر گونه اشیاء و اقمشه و اجناس را که دولتین معاهدتین بممالک همدیگر
نقل نمایند خواه از ممالک دیگر که بجهت فروش ببرند و خواه کرایه از تجار و اتباع دول کاملة
الوداد و از کشتیهای ایشان همان رسوم و حقوق ایشان بولایات دولتین داخل
خروج از مملکتی مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده هیچ اسم
و رسم در دولتین معاهدتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم دولتین معاهدتین بجهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و علاقه فیمابین تبعه جانبین چنین مستحسن دیده‌اند که
هر یک از طرفین سه نفر قونسول برقرار کنند و قونسولهای ایران در ... و ...
و ... مقیم خواهند بود و قونسولهای ... در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه
تبریز و بندر ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای دولتین معاهدتین بالسویه در حالت
مملکتی از اعزازات و امتیازات و معافی‌ها که قونسولهای دول کاملة
الوداد در ممالک محروسه جانبین قطعه بهره‌یاب خواهند گردید مأمورین و وکلاء و
قونسولهای ایران رعایای دولت ... را ماند رعایای ... در باطن حمایت نخواهند
کرد و مأمورین و وکلاء و قونسولهای دولت ... نیز رعایای دولت ایران را
ظاهراً و در خفیه حمایت نخواهند کرد قونسولهای دولتین معاهدتین در مملکتی که
مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود بهمان قواعدی که سایر رعایای دولت
... مشغول تجارت ... باشند مطیع هستند

فصل ششم

فصل ششم این عهدنامه دوستی و تجارت را که بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اتحاد فیمابین دولتین
محروستین ایران و ... منعقد شده است بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله امضا
نامجات طرفین تا مدت ده سال از جانبین مصدق و معتبر و مرعی و محفوظ خواهد بود و
اگر یکسال پیش از انقضای مدت مقرره هیچیک از دولتین معاهدتین میل خود را در توقیف
و اجرای این عهدنامه بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه بحال خود برقرار
خواهد ماند تا مدت یکسال از تاریخ اظهار و اعلام از طرفین اعلام مزبور را ظهور رسانیده
وکلای مختار طرفین تعهد میکنند که امضا نامجات پادشاهی ذیل را حضوراً در مدت
یکسال یا زودتر هرگاه میسر گردد در پاریس یا در لاهه مبادله نمایند وکلای
مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نموده این عهدنامه
در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ بیستم شهر ... سنه ۱۲۷۳ هجری مطابق
هفدهم ... سنه ۱۸۵۷ عیسوی تحریر یافت بنا برعلیه اعلیحضرت پادشاهی فرمان همایون
که این عهدنامه دوستی و تجارت را سطراً فقرةً را امضا و تصدیق داشتیم مجبوریم این سطور
میرزا قبول و منظور و تصدیق میفرمائیم و در کمال صفا بیان آن و تقبل و گانه و بامضا
حروف آن و اعلام خاص و عمیق فرمایشیم و آنچه در این عهدنامه قرار داده شده
از جانب ... معمول خواهد شد برای اعتبار آن این تصدیق نامه را بخط
... مزین و محکم نموده ایم بمهر دولت ... محکم شده بتاریخ شهر
ربیع الثانی سنه ۱۲۷۳ هجری سال یازدهم سلطنت همایون ما
الواثق بالله الملک الغنی السلطان ناصرالدین شاه قاجار

فرخ ... جمادی الاولی سنه ۱۲۷۳

صورت عهدنامه مبارکه که فیمابین دولت علیه ایران و یونان در اسلامبول
در سفارت سنیه واقعه در سور اسلامبول بتاریخ بیست و چهارم شهر
ربیع الثانیه سنه ۱۲۷۸ مطابق ۲۸ ماه اوکتبر [illegible] امضا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چون از وقت [illegible] پادشاه بالاستقلال اعظم و شهریار بالاستحقاق اکرم رب افخر
رب الخلافة فاتح ابواب روز بخت بیدار که سلطنت و شهریاری [illegible] عدل و انصاف
[illegible] جور و انصاف داور تاج و تخت دارای فر و بخت [illegible]
ظل الله الاسلام و المسلمین ملک عدالت گستر [illegible] افواج [illegible] کیان مالک
بالارث کلی ممالک ایران موافق امر مبارک سلطانی [illegible] داشته باشند
معلوم [illegible] در بیست و چهارم شهر ربیع الاخر هذه السنه هزار و دویست و هفتاد و
هشت هجری مطابق [illegible] ماه اوکتبر [illegible]
اسلامبول فیمابین اعلیحضرت [illegible] اعلیحضرت پادشاه یونان موافق اختیارنامه [illegible]
[illegible] از جانب [illegible] قائمقام [illegible]
[illegible] ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مامور دربار دولت عثمانیه صاحب نشان
شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز و صاحب نشان درجه اول مجیدیه و صاحب
نشان درجه اول [illegible] و صاحب نشان درجه اول [illegible] و صاحب
نشان [illegible] از درجه [illegible] الماس و دارای [illegible] و غیره و غیره و از
جانب اعلیحضرت پادشاه یونان جناب [illegible] ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود
مامور دربار دولت عثمانیه صاحب نشان [illegible] از درجه [illegible] و غیره و غیره

عهدنامه دوستی و تجارت قرارداده و منعقد شده است و مشتمل است بر [illegible] فصول اتیه و کلمه بکلمه
از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت اوتون اول پادشاه یونان [illegible]
علیه [illegible] مودت و روابط دوستی فیمابین [illegible] برقرار [illegible]
انعقاد یک عهدنامه دوستی و تجارت [illegible]
متعهد [illegible] باشد [illegible] این کار
اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب [illegible] مقرب الخاقان میرزا حسینخان
ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مامور دربار دولت عثمانیه صاحب نشان شیر و خورشید
از درجه اول با حمایل سبز و صاحب نشان اول [illegible] با حمایل مخصوص انها
و صاحب نشان درجه اول مجیدیه و صاحب نشان درجه اول [illegible]
و صاحب نشان درجه اول [illegible] و صاحب نشان [illegible] از درجه [illegible] مکلل
بالماس و دارای [illegible] و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه یونان جناب
[illegible] ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مامور دربار دولت عثمانیه صاحب
نشان [illegible] از درجه [illegible] و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین کرده و
ایشان [illegible] در اسلامبول جمع شده و اختیارنامه [illegible] را [illegible]
[illegible] فصول اتیه را قرار دادند

فصل اول مابین دولت علیه ایران و [illegible] دولت بهیه یونان و رعایای

از دولت دوستی معاهد و اتکال محکم برقرار خواهد بود

فصل دوم سفرا و ایلچیان و مأمورین دولتین علیتین متعاهدتین هر یک در دربار دیگری مأمور و مقیم
باشند در مملکتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان همان نحو احترام و رفتار خواهد شد
که در حق سفرا و سایر مأمورین دولت کامله الوداد می‌شود و در هر باب
از همان ترجیحات و معافات و امتیازات بهره‌یاب خواهند بود

فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین هر طبقه که باشند خواهند بود با آزادی تمام در ممالک
طرفین سیر و سیاحت نمایند و از خاک هر یک ممالک به جوار یکدیگر بروند با اینکه کاغذ گذار از اولیای
دولتین متبوع ایشان تذکره در کمال دقت را خواهند کرد و ایشان را از هر نوع مرارت
محفوظ بدارند و همیشه با ایشان نظر ایشان مراقبت نمایند و در حق ایشان قدر امکان
اظهار محبت کنند و در مدت سفر و سیاحت به هیچ‌وجه تعرض و ضرری بایشان وارد
نیاید و بجهت حصول این مقصود هر دو دولت امر و فرامین و مناسب بایشان اعطا
خواهد شد

فصل چهارم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه وران و سیاحان هر برای مصالح
خود بممالک طرفین بروند از حین دخول تا وقت خروج نسبت بایشان همان رعایت
و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد می‌شود بنابراین تبعه دولتین
علیتین متعاهدتین ممکن خواهند بود که از راه خشکی و هم از راه دریا بآزادی تمام
امتعه ممالک یکدیگر را بیاورند و از مملکت هر یک ببرند و در ولایات طرفین حمل
و نقل نمایند و در تمام وسعت ممالک دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ولایات
طرفین تجارت کنند خانه‌ها و انبارها و دکاکین بجهة امور خود اجاره نمایند و از این

بیع امتعه و رسم و عوارض ولایات مطالبه نخواهد شد که آنچه از رعایای دول کامله الوداد
مطالبه می‌شود و این مقرر است هر اختصاص و حق و امتیازی که دولتین علیتین متعاهدتین
بیک دولت ثالث بدهند همان اختصاص و حق و امتیاز نیز برعایای دولتین اعطا
خواهد شد بغیر از اختصاصات و امتیازاتیکه یکی از دولتین متعاهدتین به دولت ثالث
بنا بر اطمینان تفصیل حقوق در سرحدات داده و این شرط مقرر است هر یک از دولتین
متعاهدتین با وجود همان عوض یا بلا عوض مستحق خواهد شد همان امتیازات حاصله بعد
شروط با آن کسانی که عوض یا بلا عوض حاضر شده در حسب قبول طرف دیگر باشد
رعایای دولتین علیتین متعاهدتین هر در مملکتین که از امر تجارت داخله نمایند در باب
تجارت مزبور مطیع آن قوانین خواهند بود که در تجارت مزبوره است بمنصبان
و مأمورین بازرگانان رعایای دول علیه ایران بی‌نصف داخل انبارها و دکاکین و خانه‌های
کسب تجارت یونان نخواهد شد در صورت لزوم باید در هر جائیکه مأمور دولت علیه
یا قونسول یونان باشد پیش از وقت اخبار کنند که مشارالیهم نیز از طرف
خود کارگذاری را در رفتن خواهش کارگذاران ولایتی خواهند کرد و هیچ
تفتیش خانه‌ها و انبارها نخواهد بود که در حضور رئیس یا نایب مأمور یا قونسول مشارالیهم
تعیین کرده باشند در جائیکه مأمور یا قونسول یونان نباشد در غیاب نسبت به تبعه
دولت مشارالیها همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کامله الوداد معمول
در جائیکه از دول مشارالیهم مأمور یا قونسول نیست

فصل پنجم رعایای دولت بهیه یونان در ممالک محروسه ایران امتعه هر جنس باید از فاکتورها
محل علی‌السویه نمایند در باب حقوق گمرکی نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت

برعایای دول کاملة الوداد معمول میشود و همچنین رعایای دولت علیه ایران در ممالک ژاپن
امتعه که میبرند یا از ممالک مزبوره حمل و اخراج مینمایند درباب حقوق گمرک و مالیات نسبت بآنها
همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود
فصل ششم کشتیهای تجارتی که در بنادر ممالک محروستین داخل شده اقامت خواهند
کرد چه خالی و چه مملو از امتعه تجارت از زمان دخول تا وقت خروج بهره مند از
جمیع مراعات و امتیازات خواهند شد که معمول بدارد و چه ماده دیگر با پیش
از کشتیهای دول کاملة الوداد مطالبه میشود مخالف شده هر گونه امتعه و محمولات
بدون تعیین مدت خروج و دخول آنها در رابطه کشتیهای این معاهدتین محروستین
حمل شده و چه کرایه که از کشتیهای دول کاملة الوداد معمول است در این دو دولت
امتعه و محمولات بممالک جانبین و چه در زمان خروج مطالبه میشود از ایشان
نیز مطالبه خواهد شد
فصل هفتم هرگاه کشتیهای دولت علیه ایران یا دولت بهیه ژاپن در بنادر و سواحل
ممالک جانبین غرق شود معاونت لازمه در باب کشتیهای مساعده دول کاملة الوداد مانند
در حق ایشانها نیز بانها ملاحظه خواهد شد
فصل هشتم بجهت حمایت تبعه و تجارت جانبین بجهة تفصیل مرادوات حسنه و مال لازمه
جانبین رعایای دو طرفین در این عهدنامه متعاهدتین نظر خود این حق را اختیار میکنند
که در هر یک شهر نفر قنسول تعیین نمایند قنسولهای دولت علیه ایران در ان
وسیر اردو یکی از بنادر و دیگری در هر یک شهری که اقامت خواهند کرد و قنسولهای
دولت بهیه ژاپن در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و دیگری از بنادر خلیج فارس

در هر

در هر یک شهری که اقامت خواهند کرد قنسولهای ممالکین چه شغل و چه برای اجرای
مأموریت و چه بطریق خانه خود و چه بطریق امور تجارتی و خدمه ایشان بهره یاب خواهند
بود از همان امتیازات و احترامات که در حق قنسولهای هر رتبه و مأمورین تجارتی
دول کاملة الوداد مرعی و معمول میگردد در حالت ظهور اختلافات ولایتی یا مرتکب
اتفاق قنسولها بجهت حفظ و حراست خانه قنسولگری لازم تشخیص را با ایشان
بر عهده مأمورین و حکام ولایت و قنسولهای ژاپن بنا بر وزن در رفعیه و مانند در رضاهه
هیچیک از تبعه دولت علیه ایران را در خدمت سفارت یا قنسولخانه جنرال
یا قنسولگری و وکالت قنسولگری دولت ژاپن نباشند حمایت کنند و این مقررات
در ارکب قنسول یا وکیل یا مأمور قنسول دولت بهیه ژاپن در ممالک محروسه
ایران مشغول تجارت شود در باب تجارت خود مطیع خواهند بود همان قوانین
و رسومی را که در حق رعایای دولت متبوعه او جاری است سفرا و قنسولهای طرفین
معین معاهدتین نظر بمذاکرات خود مترجم و پیشخدمت و ملازم را که مناسب
دانسته نگاه خواهند داشت بدون تشخیص تبعیت انها هرگاه اتفاق یکی یا اکثر
ازان اشخاص که در خدمت مشار الیهم هستند مرتکب حرکات ناشایسته گردد سفیر
و قنسولها که در خدمت خود او را دارند باید در صورت اظهار گذار ایشان و دلایل
او را از خدمت خود اخراج نمایند در صورتیکه مأمور و ملازم مزبور از تبعه
ان دولت باشد
فصل نهم کرافات و محاکمات و منازعاتیکه در ممالک محروسه ایران فیمابین
رعایای ژاپن یا فیمابین تبعه ژاپن و رعایای خارجه واقع شود یا در ممالک ژاپن فیمابین

رعایای ایران با جاپانی تبعه جاپان و رعایای خارجه واقع شود قطع و فصل آن موافق
قاعده و رسوم در ممالک جاپانی در حق سایر رعایای دول کامله الوداد مقرره
و معمول است خواهد شد مرافعات و مباحثات و منازعاتی که در ممالک محروسه
ایران فیمابین رعایای ایران و رعایای جاپان واقع شود رجوع به دیوانخانه ایران
خواهد شد و با قطع و فصل و حکم آن مباحثات و دعاوی جایز نخواهد بود مگر در
حضور و بودن قنسول جاپان یا نایب او و در حضور یک مترجم جاپانی که
در حال موافق قوانین و رفتاری که در حق سایر دول کامله الوداد معمول و مجری است
در باب جرایم کبیره هرگاه رعایای دولت بهیه جاپان در ممالک محروسه ایران یا
رعایای دولت علیه ایران در ممالک جاپان متهم گردند آن گناهکار شخص در ممالک
جاپانی موافق قواعد مقرره معموله در حق سایر رعایای دول کامله الوداد و در ایران
رفتاری که با ایشان نیز معمول و مرتب خواهد شد هرگاه امری از قبیل
وراثت در مملکتین محروستین وفات یابد متروکات او امانتاً بالتمام به وکیل
یا قنسول دولت متبوعه جهت تسلیم خواهد شد تا آن را موافق قوانین متداوله
در مملکت محفوظ چنانچه شایسته باید در اجانب معمول دارد

فصل سیم هرگاه فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین و یک دولت دیگر جنگ واقع شود
محض این سبب هیچ نوع خلل و ضرر و تغییری به اتحاد حسنه و دوستی حالیه قائمه
و پاینده که فیمابین دو دولتین علیتین ایران و جاپان برقرار است نخواهد
رسید

فصل چهارم این عهدنامه دوستی و تجارت که بمنظور صداقت و درستی فیمابین دولتین محروستین

ایران

ایران و جاپان منعقد شده است معمول الیه خواهد بود از تاریخ روز مبادله امضاءات تا
دوازده سال از جانبین معتبر و مرعی و محفوظ خواهد بود اگر یک سال پیش
از انقضای موعد مقرره هیچیک از دولتین میل خود را در توقیف و اجرای این
عهدنامه به جانب دولت دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه حاضره برقرار خواهد بود
تا مدت یک سال بعد از اظهار چنان اعلام هر وقت چنین اعلام بشود و نمایندگان و وکلای
مختار دولتین علیتین متعهد میشوند که امضاءات جمع و دلایل خود را در ... معمول
در ظرف سه ماه یا کمتر اگر ممکن در ... مبادله نمایند و وکلای مختار دولتین
علیتین این عهدنامه مبارکه حاضره را به خط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند
این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در تاریخ بیست و چهارم شهر ربیع الاخر
یکهزار و دویست و هفتاد و هشت هجری مطابق شانزدهم ماه اکتبر یکهزار و هشتصد
و هفتاد و یک سنه عیسوی در اسلامبول نوشته شد

بنا علیه اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از ملاحظه کلمات عهدنامه دوستی و تجارت مسطوره که
فوق را امضا و تصدیق داشتیم چونکه موافق این سطور صحیح و قبول و مرضی
و تصدیق مینماییم و در کل فصول آن و قبول و دعاوی و کلمات آن ما از برای خود و اخلاف خود
وعده میفرماییم که آنچه در این عهدنامه قرار داده شده از جانب اولیای دولت
معمول خواهد شد از برای اعتبار آن ما این تصدیق نامه را به خط خود دستخط مزین
نموده و حکم فرموده ایم به مهر دولت خود مختوم شده بتاریخ بیست و ششم شهر جمادی الاخری

یکهزار و دویست و هشتاد و هشت هجری سال بیست و چهارم سلطنت
الواثق بالله الملک الغفار السلطان ناصرالدین شاه قاجار
بتاریخ ۱۲۸۸ ... در طهران
محل مهر

میرزا سعید خان وزیر امور خارجه
دولت علیه ایران
محل مهر

با صاحبان اقتدار زیده و دارای اختیار نامهای دو دولتین متبوعه خود در خصوص
مذاکره واقف بودن کتب عهدنامه و تجارت و بر سفینه فیمابین دو دولتین
علیتین ایران و ایتالیا بالسویه در باب سفن و سفاین جزو فصل هشتم عهدنامه
امضا شده امروز متفق الرای بشوند که جزو بر بر جمیع قسم وزرا و
قونسول جنرالها و قونسولها و نایب قونسولها در یکی از دو دولت
معاهدتین حق حمایت [illegible] رعایای طرف دیگر را نمی توانند
که بعد ازین بیش از آنکه [illegible] سابقه به دول کامله الوداد اعطا کرده اند
لهذا جانبین [illegible] معنی جاهزه در دو نسخه امضا شده است وزرای مختار
اظهار [illegible] دولت متبوعه طرفین خود خواهند رسانید تا اینکه به واسطه
ملاحظات [illegible] همین کیفیت شان قوت را بدهد که گویا این معنی در بیان
اصل عهدنامه امروز امضا شده مندرج شده است شرط نامه حاضره
در دو نسخه در اسلامبول بزبان فرانسه در بیست دوم ماه اکتبر یکهزار و هشتصد
و شصت و یک مسیحی مطابق سه و چهارم شهر ذی الحجه یکهزار
و دویست و هفتاد و هشت هجری ۱۲۷۸

سواد عهدنامه فارسی است که فیمابین دولت علیه ایران و دولت
ایتالیا منعقد شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

بعون الله تعالی پادشاه با استقلال اعظم و شهریار با استحقاق اکرم
زیب افزای سریر خلافت قاهره اری و زینت بخش اریکه سلطنت و شهریاری [illegible]

عدل

عدل و انصاف ماحی ظلم و جور و معطوف داور تاج و تخت دارای فر و بخت
شکوه بخش ایران و جمشید دوران ظل الله الاسلام و السلطان ملک سادات کیومرث و رتبت
پرور افتخار ملوک کیان مالک الدرث کی ممالک ایران مراقی این عبارت
سطر بدون سیر بلند و متفق داشته باشند سعود [illegible] و در بیت و ششم شهر
ربیع الثانی سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری در دارالخلافه طهران فیمابین
اعلیحضرت همایونی و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا مراتب اختیار نامهای لازم اطلاع
داده شده و بود بعض از جانب ما جناب جلالتمآب میرزا سعید خان وزیر امور
دول خارجه موتمن السلطان صاحب تصویر همایون مرصع با الماس و دارای نشان
و حمایل مکلل با الماس و صاحب حمایل رتبه اول تاج آهن و نشان اول رتبه
مقدس و نشان اول [illegible] و [illegible] نشان ازال پرلو [illegible] و نشان اول
مجیدیه عثمانی و نشان [illegible] از رتبه اول و نشان [illegible] شیر و خورشید و [illegible]
فرانسه و غیره و غیرها و از جانب اعلیحضرت پادشاه ایطالیا [illegible] مرحمت
وزیر مختار خود [illegible] صاحب نشان [illegible] و نشان [illegible]
و [illegible] صاحب نشان مجیدیه عثمانی از رتبه دویم و نشان [illegible]
[illegible] و نشان چهارم از [illegible] فرانسه و [illegible] و غیرها

و غیرها و عهده و تجارت و قرار داده و منعقد
شرایط و منضمات و فصول
اینه و کلمه به کلمه
قرار [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه
بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا هر دو علی السویه اراده
و نیت بر ملاحظه داشتند روابط دوستی فیمابین را تحقیق و برقرار و بواسطه عهدنامه دوستی
و تجارت که علی السویه بنفع و صرفه هر دو مملکت خواهد بود مودت و اتحاد فیمابین را
مستحکم سازند برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتماب میرزا
سعید خان وزیر امور دول خارجه مؤتمن السلطان صاحب حضور همایون مرصع
بالماس و دارای شرابه و حمایل مکلل بالماس و صاحب حمایل سرتیپ اول و نشان
اول تاج امیر و نشان اول پرنس مجیدیه و نشان اول دانبرغ دانمارک و نشان
اتوال پولر سوید و نشان اعلی مجیدیه عثمانیه و نشان اول [illegible] روسیه از مرتبه اول
و نشان ... لژیون دونور فرانسه و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
موسیو [illegible] وزیر مختار و ایلچی مخصوص صاحب نشان کماندور از نشان
شاهانه سن موریس و لازار صاحب نشان مجیدیه عثمانیه از مرتبه دویم و نشان
کماندور [illegible] از دولت [illegible] و نشان چهارم از لژیون دونور فرانسه و لیوپلد
بلجیک و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در دار
الخلافه طهران مجتمع شدند و اختیارنامهای خود را مبادله نمودند و موافق قاعده
و شایسته دیدند فصول ذیل را برقرار نمودند

اول فیمابین دولت علیه ایران و دولت ایطالیا و رعایای آنها دوستی صادق
و اتحاد محکم برقرار خواهد بود

دویم سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین متعاهدتین در پایتخت دیگر
مأمور و مقیم سازند همان رفتار و رسم که در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین
متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری است همان امتیازات ملحوظ خواهند بود

سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و کسبه
و پیشه وران و غیرهم که در ممالک محروستین سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از جانب
حکام و ولات و وکلای طرفین بعزت و حمایت رفتار خواهند دید و متعرض نخواهند گردید
و در هر حال سلوکی که نسبت به اتباع دول کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان
نیز منظور خواهد شد و به امتعه و اموال ایشان و در حق [illegible] امتعه و اجناس
و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی به مملکت دیگر بیاورند و از مملکت
دیگر ببرند و بفروشند و با یکدیگر معاوضه نمایند و هر یک از اتباع مملکتین متعاهدتین
حق دارند که در جمیع ایالات و بلاد طرفین به اقدام به تجارت
داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن مملکت در تجارت مزبوره پرداخته خواهند
بود

چهارم هر گونه امتعه و اجناس که اتباع دولتین علیتین متعاهدتین از مملکت دیگر نقل نمایند
یا از مملکت دیگر ببرند در هر جا که از تجار دول کامله الوداد
میگیرند از امتعه و محصولات ایشان به ولایات دولتین و هیچ حقوق از ممالکین
مطالبه نخواهد شد از ایشان بغیر مطالبه مطابق شد و حق و دیگر مطالبه جمیع امم در رسم
دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه ایطالیا مرافعه و منازعه

رجوع به طرف گفتگو و اجرای عدالت آن با تمام تعهد و کلیه قونسول دولت ایطالیا
است اگر توقف در بعد و مکان این مرافعه و مباحثه و منازعه فیصله باشد
و الا در محکمه اقرب مکان مزبور است خواهد بود و کلیه قونسول مزبور حق
این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت ایطالیا خواهد که هرگاه مرافعه
یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه ایطالیا و اتباع دولت علیه در مملکت
ایران حادث گردد در این صورت کلیه قونسول دولت بهیه ایطالیا مقیم باشد
مخالفت به مبین و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم عدل و انصاف در محکمه دولت
علیه ایران حاضر شده به طوریکه از امورات است با حضور اصرار از جانب
وکیل قونسول دولت مزبوره خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه
در مملکت ایران فیمابین اتباع دولت ایطالیا و تبعه سایر دول خارجه واقع شود
تحقیق و اجرای حکم آن متعهد وکلاء قونسولهای طرفین خواهد بود که گفتگو
و منازعات فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه ایطالیا و تبعه
سایر دول خارجه در ممالک محروسه ایطالیا اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن
بعهده خواهد بود با اتباع دول کامله الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرتب میشود
تبعه دولت علیه ایران در ممالک ایطالیا یا اتباع دولت ایطالیا در ممالک ایران
اگر متهم گناهان بکرده گردند نسبت به در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کامله الوداد رفتار
میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد
ششم هرگاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او به قونسول
قونسول دولت متبوعه او به تمام تسلیم اقوام و وارث و صاحبان حقوق او خواهد شد

در صورتیکه

در صورتیکه شخص متوفی وارث شرعی نداشته باشد ترکات او در مملکتین امانتاً
به کلیه قونسول دولت متبوعه تسلیم میشود تا آن را به طرز ادای قرض متوفی و دیگر امور ملک
به عهده حیازت بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شایسته باشد به اجرا
معمول دارد
هفتم دولتین متعاهدتین نظر به ملاحظات اتباع و تقویت امر تجارت و فراهم نمودن
اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعه جانبین چنین استحسان
نمودند که هر دو از طرفین سه نفر قونسول برقرار کرده قونسولهای دولت ایران
در دارالسلطنه طهران و ثانی و کارگزاری توقف خواهند داشت و قونسولهای
دولت ایطالیا در دارالخلافه طهران و تبریز و دارالسلطنه تبریز مقیم خواهند
بود این قونسولهای دولتین متعاهدتین بالسویه در امور متعلقه مملکتین از امتیازات
و افتخارات و معافات مثل قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک محروسه جانبین
محفوظ بهره یاب خواهند گردید و هر یک از [illegible] و قونسولهای ایطالیا
رعایای دولت ایران را نه در مطالب [illegible] در حقیقه حمایت نخواهند کرد و هم همچنان
وکیل [illegible] و قونسولهای ایران رعایای دولت بهیه ایطالیا را نه در مطالب [illegible] و نه
در حقیقت حمایت نخواهند کرد قونسولهای دولتین متعاهدتین در مملکتین طرفین مشغول
تجارت نه نخواهند بود [illegible] و در [illegible] رعایا دولتین [illegible]
اتباع و مشغول تجارت مزبوره تا کی [illegible] باشند مطلع هستند
خاتمه این عهدنامه دوستی و تجارت [illegible] کمال صداقت و دوستی و اتحاد
فیمابین دولتین محروسه ایران و ایطالیا [illegible] تا ابد الآباد

روز بعد از مبادله امضانامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین تصدیق و درستی
مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یک سال پیش از انقضای این مدت مقرر یکی
از دولتین متعاهدتین میل خود را در توقیف اجرای این عهدنامه رسما به دولت
دیگر اعلام کرده باشد عهدنامه حال برقرار خواهد ماند تا مدت یک سال بعد از
تاریخ روز اظهار فسخ آن اعلام هر وقت که اعلام مزبور بطور رسمی به وکلای مختار
دولتین متعاهدتین معتمد گشته‌اند این نامجات پادشاه ذیجاه و حضور دربار رئیس
در طرف شاهنشاه ایتالیا گشته اگر یکی دیگر در جواب له خاسته وکلای مختار دولتین
متعاهدتین این عهدنامه مبارکه را امضا و مهر خود مرقوم و مختوم
نمودند این عهدنامه در دو نسخه به زبان فارسی و فرانسه در دارالخلافه طهران به تاریخ
بیست و هشتم شهر ربیع الاول سنه هزار و دویست و هفتاد و نه هجری ۱۲۷۹
مطابق بیست و چهارم ماه سپتامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و دو عیسوی تحریر
شد

فصول ملحقه

اول اولیای دولت اعلیحضرت شاهنشاه ممالک محروسه ایران قرار میگذارند
که الی مدت چهار سال رعایای ایران از فروش به ابریشم و تخم آن و
تجار ایطالیا از طهران مرخص باشند بشرط آنکه وجه صدی پنج گمرک شده ادای دولت
علیه نموده باشند که عاید شود

دوم اگر در وقتی خواهش باشد بین گمرک دولت علیه ایران و تجار ایطالیا
از جهت تجارت رفتار شود و باب حساب گمرک مباحثه اتفاق افتد در اینصورت چون
تخم ابریشم بیست جزء و صد به دیگر نقل شخص و با تصرف میشود با رتبه گمرک بحسب

وضبط

وضبط قاپیدن تحقیق از خارج بردن تخم ابریشم بنا به گمرک شود که در آن
حالت تفتیش نامه مضبوطه مان تاجر که طرف مباحثه است در عوض آن قدر
تخم که دارد های نایبه اکتفا کنند تا در خصوص این مباحثه واقعه در دار الخلافه
طهران اولیای دولت علیه و اجزای سفارت اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
موافق قاعده حکم قطعی نمایند و معین است که اداهای ایرانی تجار مزبور تا ربع
قرانی ملک خواهد بود

سیم اولیای دولت علیه ایران اذن میدهند که در سه جای مملکت که محل تجارت است
و آن عبارت از تبریز و بندر رشت می‌باشد قونسول یا وکیل قونسول منصوب
نماینده و مثل قونسولهای دول کاملة الوداد از امتیازات بهره ور باشند و دولت
ایطالیا هم ملاحظات بلکه مستقیماً در عهدنامه در یکجا از بنادر خود که دولت ایران
بجهت تجار مناسب داند اجازه خواهد داد که قونسول ایران توقف نماید

چهارم این فصول ملحقه عهدنامه را مثل امضاء اصل است جزو لاینفک همان عهدنامه
و در ازای تصدیق همان عهدنامه خواهد بود الا چهار سال در نسخه نوشته شده است
در دارالخلافه طهران تاریخ روز بیست و نهم سپتامبر هزار و هشتصد و شصت و دو
عیسوی مطابق چهارم شهر ربیع الثانی هزار و دویست و هفتاد و نه هجری سنه ۱۲۷۹

بنا بر عریضه اعلیحضرت پادشاه ایطالیا بعد از ملاحظه کامل عهدنامه مزبوره تماما مسطوره
فوق را امضا و تصدیق داشتیم که بموجب مواقف این سطور رعیت قبول و تصدیق
و تصدیق پیشگاه و کل مطالب آن و قبول فرمانیم که از اقرار حقان داخل

و عطا فرمائیم که آنچه در این عهدنامه است را بدستخط خودمان مزین نموده حکم فرمودیم
که بمهر دولت خودمان مختوم نمودند بتاریخ پانزدهم ربیع الثانی هزار و دویست و هشتاد
و نه سال یازدهم سلطنت ما   ۱۸۶۲ سنه

محل دستخط همایون

الواثق بالله الملک القهار السلطان ناصرالدین شاه قاجار

محل مهر مبارک

محل امضای وزیر امور خارجه

میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران

محل مهر

امضا کنندگان این ورقه وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه ایران و وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه ایطالیا مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه از جانب دولتین متبوعین خود مأموریت داشتند که عهدنامه دوستی و تجارت منعقده در دارالخلافه طهران مورخه بیست و هفتم ربیع الاول هزار و دویست و هشتاد و نه هجری مطابق بیست و چهارم سپتامبر هزار و هشتصد و شصت و دو عیسوی را که مابین دولتین ایران و ایطالیا بفارسی و فرانسوی بامضای اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا رسیده بود مبادله نمایند لهذا در پاریس جمع شده بعد از آنکه متن فارسی و فرانسوی نسختین را موافق و مطابق یافتند عهدنامه امضا شده را با قانون معتاد اول مبادله کردند بتاریخ نهم دسامبر بیست و دوم شهر جمادی الاخری سنه هزار و دویست

و هشتاد

و هشتاد و نه هجری مطابق با نوزدهم دسامبر هزار و هشتصد و شصت و دو عیسوی
در پاریس

محل امضا حسینخان   محل امضا نیگرا

سیم

صورت قرارنامه تلغرافیه منعقده مابین دولتین ایران و عثمانیه فی شهر جمادی الثانیه ۱۲۸۰

سبب تحریر وثیقه و باعث تسطیر رقیمه آن است که چون دولتین علیتین ایران و عثمانیه بجهة حصول مخابرات و توسیع روابط ملکیه طالب بستن که خطوط تلغراف خود را از طرف ممالک عثمانیه و تاتی فرنگستان و از طرف دیگر ممالک ایران و هندوستان اتصال بدهند لهذا بجهة انعقاد و امضای چنان قرارنامه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی امضا کننده ذیل این بنده درگاه جهان پناه میرزا حسین خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در اسلامبول حامل نشان تمثال همایون پادشاهی مکلل بالماس و نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز و دارای نشان مجیدیه از درجه اول و نشان های سایره دول و از طرف اشرف حضرت سلطنت سنیه محمد امین عالی پاشا ناظر امور خارجه دولت مرجع علیه عثمانیه و نشان مجیدیه از درجه اول و نشان های امتیاز و دارای نشان شیر و خورشید از رتبه اول با حمایل و نشان های سایره دول وکلای مختار معین شده اختیارنامه های خود را بیکدیگر ابراز و مطابق قواعد جاریه یافته فقرات ذیل را در معرض اراده فیصل

قرارداده شد

فقره اولی دولت علیه ایران متعهد می‌نماید که از خطوط تلغراف خود را امتداد
بدهد الی یک نقطه سرحد عثمانی و دولت علیه عثمانی نیز متعهد می‌شود که از خط
تلغراف اسلامبول و بغداد یک شعبه امتداد بدهد تا آن نقطه سرحد و در آن نقطه
خطوط تلغراف دولتین بهم اتصال یابد

فقره دویم نقطه اتصال خطوط تلغراف دولتین علیتین بتصدیق طرفین در تحت ... طرفین
در سرحد ایران و عثمانی واقع است معین شده است و لکن این نیز مقرر است
که دولتین علیتین بجهة تسهیل و توسیع مراودات تلغرافیه خود هر وقت
و از هر نقطه سرحد خود که لازم باشد خطوط تلغراف خود را باهم
اتصال خواهند داد

فقره سیم دولت علیه عثمانی متعهد می‌نماید جمیع تحریرات تلغرافیه که از ممالک ایران
یا از ممالک خارجه که با دولت علیه ایران ارتباط تلغرافیه داشته باشند
بجهة ممالک عثمانی و آن ممالک خارجه که با دولت علیه عثمانی ارتباط تلغرافیه
داشته باشند صادر بشود بدون ممانعه قبول و عبور بدهد و همچنین مقرر است که
دولت علیه ایران جمیع تحریرات تلغرافیه که از ممالک عثمانی یا از ممالک که با دولت
علیه عثمانی ارتباط تلغرافیه دارند بجهت ایران یا ممالک خارجه که دولت علیه
ایران با آنها ارتباط تلغرافی دارد صادر بشود بدون ممانعه قبول و عبور بدهد
تحریرات تلغرافیه ایران در ممالک عثمانی و تحریرات تلغرافیه عثمانی در ممالک
ایران از حالا الی زمانیکه نیز تحریرات تلغرافیه داخله طرفین بکار برند

تلغرافیه

تلغرافیه دول خارجه در مملکت جانبین ممتاز و مکلف هستند بهره مند خواهند
بود

فقره چهارم دولتین علیتین ایران و عثمانی متعهد می‌شوند که بجهة ارسال تحریرات
تلغرافیه خود جمیع آلات مرسومه ... و حال در کل دول یوروپ
معمول است استعمال نمایند و بعد دولتین علیتین اعلام می‌دارند که در خصوص کل شرایط
و مقدمات ارسال تحریرات تلغرافیه قرارنامه بروکسل که حق بابتش ... مشترکا
بالاتفاق تصدیق و تعهد می‌نمایند

فقره پنجم تحریرات تلغرافیه که از خطوط دولتین علیتین نسبت بیکدیگر صدور و وصول
یابد منقسم بدو صنف خواهد بود

صنف اول مشتمل خواهد بود از آن تحریرات که از ایران بجهة ممالک عثمانی یا از ممالک
عثمانی بجهة ایران ارسال میدارند

صنف دویم مشتمل خواهد بود از آن تحریرات که از ممالک خارجه یا از ممالک طرفین
بممالک جانبین ارسال میدارند و مقاصد آنها خارج از ممالک دولتین باشد

فقره ششم ترقی تحریرات صنف اول در ممالک
دولتین از ... گرفته تا مقصد فرسخ سی پاره با اینکه ... بتاخیر
بود در ممالک طرفین بر هر تحریر تلغرافیه مرکب از بیست کلمه با کثر رسوم
معینه ترقی جاری خواهد بود و از هر تحریر که متجاوز از بیست کلمه باشد علاوه بر رسوم
ترقی از برای هر ده کلمه متجاوز از برای کسور این عدد ده عوض آن گرفته
خواهد شد

فقره هفتم طرز وصول تحریرات صنف دویم از روی قرارنامه برن که بامضای قرارنامه
حاضره ملحق شده معین خواهد شد باستثنای مسافات خطوط ممالک ایران و عثمانیه
اسیا و تابع رسوم فقره فوق خواهد بود بنابر قرار رسوم تحریرات صنف دویم
مرکب خواهد بود از رسوم ایرانی و عثمانیه از اول منازل ایرانی الی اسلامبول
به صاحبقران و غروش حساب خواهد شد و از رسوم فرنگستان که از اسلامبول
تا مقصد بفرانک حساب خواهد شد بهمین طرز رسوم نیز در باب تمام مراسلات ممالک
عثمانیه ممالک غیر معمول و مجری خواهد بود

فقره هشتم دولتین علیتین متعهد میشوند که جمیع تحریرات تلغرافیه عثمانیه در ایران
که به ممالک اسیا بگذرد یا از ممالک مزبوره بفرنگستان ارسال شود به قیمت مساوی
تقسیم نمایند که قسمت اول از خط تلغراف خانقین و ایران و قسمت دیگر را از خط
بغداد و بصره عبور دهند

فقره نهم تحریرات تلغرافیه فیمابین ممالک ایران و عثمانیه بزبان فارسی و ترکی و
و فرانسه خواهد بود

فقره دهم کارگزاران تلغراف دولتین علیتین صورت حساب فیمابین را در آخر
هر ماه با یکدیگر مبادله خواهند نمود و در آخر هر شش ماه حساب و مطالبات طرفین
تفریغ و کارسازی خواهند کرد مطالبات و مبادله وجوه از این قرار خواهد بود
یک صاحبقران معادل پنج غروش پنج غروش ثانی معادل یک و نیم غروش فرانک معادل
چهار غروش و نیم غروش معادل یکعباسی

فقره یازدهم عهدنامه حاضره عبارت از چهار ماده یا اگر ممکن شود زودتر اجرای کامل خواهد یافت

و از تاریخ مبادله تصدیقنامجات الی ده سال برقرار خواهد ماند

فقره دوازدهم این عهدنامه که از جانبین دولتین علیتین تصدیق خواهد شد و تصدیق
نامجات طرفین از تاریخ امروز الی شش ماه دیگر یا اگر ممکن بشود زودتر در اسلامبول
مبادله خواهد گردید

خاتمه این دوازده فقره که در دو ورقه بالا مشروط و مقرر شده است در دار
الملک اسلامبول در دو نسخه فوق بواسطه مبادله تصدیق نامجات طرفین حسن
اختتام خواهد پذیرفت و وکلای مختاره دولتین علیتین بجهة قبول فصول مسطوره در فوق
این قرارنامه را ممضی و مهور ساختند تحریراً فی هفدهم شهر جمادی الاولی

۱۲۸۰	۳ ۱۸۶۳ مسیحی
وزیر مختار دولت علیه ایران	ناظر امور خارجه دولت علیه عثمانیه
حسین	عالی

سواد عهدنامه منعقده فیمابین دول خمسه در پاریس سنه ۱۲۷۲ هجری مطابق سنه ۱۸۵۶ مسیحی

بنام خداوند قادر اعلیحضرتان امپراطور کل ممالک روسیه و امپراطور فرانسه
و ملکه مملکت متحده انگلیس و پادشاه ساردینی و سلطان ممالک عثمانیه بمیل تمام مشغول شده
بر اینکه اسباب نفع عامه بود که رنگ کدورت و ملالت محاربه را رفع ساخته
لذلک از برای استحکام قوام بنای صلح و صلاح عامه به اتفاق اعلیحضرت
امپراطور اوتریش مستقل بودن و در صورت اجتماعیه ممالک عثمانیه را منظور

داشته شرایط وافیه در این باب معین خواهند اورد و حسب المرام اعلیحضرتان مشارالیه
هر یک از جانب خود اشخاص ذیل را بالسفارت مامور نمودند

(الکساندر نیکولایویچ مشهور به دوم)
اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه اجودان مخصوص خود الکسی کونت ارلوف
و جنرال سواره نظام و جزو شورای مجلس مملکت خود را باتفاق مسیو فیلیپ بارون دو برونوف
مستشار خاص و ایلچی کبیر در دربار ایالت جرمانیا و اعلیحضرت گراندوک
هسن را از جانب خود مامور نمود

(فرانسوا ژوزف)
اعلیحضرت امپراطور اوتریش شارل فردیناند کونت بول شاونستاین
مستشار خاص و وزیر دربار و وزیر امور دول خارجه خود و هم رئیس
مجلس وزرا وغیره را باتفاق مسیو ژوزف الکسندر بارون دو هبنر مستشار خاص
و ایلچی مخصوص خود در دربار فرانسه از جانب خود مامور نمود

(ناپلیون سیم)
اعلیحضرت امپراطور فرانسه مسیو الکسندر کونت کلوا والوسکی سناتور مملکت
و وزیر امور خارجه خود را باتفاق مسیو فرانسوا آدولف بارون دو بورکنی
ایلچی کبیر خود را در دربار اوتریش از جانب خود مامور نمود

(ویکتوریا)
علیاحضرت ملکه انگلیس عزیزالقدر جورج ویلیام فردریک کونت کلاراندون
بارون هاید هندون پر مملکت متحده انگلیس مستشار علیاحضرت در مجلس
شورای خاص نایب امورات خارجه باتفاق عزیزالقدر هانری ریشارد شارل
بارون کاولی پر مملکت انگلیس مستشار شورای مخصوص و ایلچی کبیر خاص در دربار فرانسه
از جانب خود مامور نمود

(ویکتور امانوئل ثانی)
اعلیحضرت پادشاه ساردینی مسیو کامیل بنزو کونت کاوور رئیس شورای وزرای

و وزیر

و وزیر امورات مالیه خود را باتفاق مسیو سالواتور مارکی دو ویلامارینا ایلچی
کبیر خود را در دربار فرانسه از جانب خود مامور نمود

(سلطان عبدالمجید)
اعلیحضرت سلطان ممالک عثمانیه محمد امین عالی پاشا وزیر اعظم خود را باتفاق
محمد جمیل بیک ایلچی کبیر خود در دربار فرانسه از جانب خود مامور نمود

وکلای مختار دول مزبوره در مجلس پاریس جمع شدند چون گزارش و خوش وقتی
ما بین دول معظمه دوباره برقرار شد اعلیحضرتان امپراطور کل ممالک روسیه
و امپراطور فرانسه و امپراطور اوتریش و ملکه مملکت متحده انگلیس و پادشاه ساردن
و سلطان مملکت عثمانیه ملاحظه نمودند برای اینکه در اروپ و اعلیحضرت پادشاه پروس
مطابق قرارداد نامه مورخه سیزدهم ماه ژوئیه سنه ۱۸۴۱ مسیحی مطابق سنه ۱۲۵۷ هجری
امضا داشته بود لازم است مواد آن قرارداد تجدید شود

چون واسطه صلح اوروپ معاهده عامه قدرت تامه داشت لهذا بایشان تکلیف
نموده به مامور مختاری مجلس پاریس روانه نماینده لهذا اعلیحضرت پادشاه پروس مسیو اوتو تئ
ود بارون دو منتوفل رئیس شورای خاص و وزیر امور خارجه و حکمران
خود را باتفاق مسیو ماکسیمیلین فردریک شارل فرانسوا کونت هاتسفلد ولدامبورگ
هاشنباخ مستشار خاص و ایلچی کبیر خود در دربار فرانسه وغیره از جانب خود
مامور نمود

مامورین و وکلای مختار مسطوره بعد از مبادله و مبادله نمودن اختیارنامه‌های
خود مواد ذیل را قرار داده اند

فصل اول از تاریخ مبادله و تصدیق نمودن معاهده عامه صلح در تمام این اعلیحضرت

امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت امپراطور فرانسه و علیاحضرت ملکه مملکت متحده
انگلیس و اعلیحضرت پادشاه ساردن و اعلیحضرت سلطان مملکت عثمانیه و وارثان
و ولیعهدان ایشان و دولت و ملت ایشان دائمی و برقرار خواهد
ماند

دویم بعد از آنکه مصالحه فیمابین اعلیحضرتان معظم لهم بیک نحو خوشی قرار شده
اماکن و اراضی متصرفه لشکر طرفین در هنگام جنگ اولا بعد از طرفین تخلیه خواهد شد
و در این باب قرار معین داده خواهد بود

سیم امپراطور کل ممالک روسیه رد نمودن شهر و ارک قارص و سایر اراضی مملکت
عثمانیه که در تصرف لشکر روسیه است با علیحضرت سلطان عثمانیه متعهد می باشد

چهارم اعلیحضرتان امپراطور فرانسه و ملکه مملکت متحده
انگلیس و پادشاه ساردن و سلطان دولت عثمانیه با امپراطور کل ممالک روسیه رد نمودن
شهرها و بندرهای سیواستاپول و بالاکلوا و کامیش و اپاتوریا و کرچ و ینیکله
قلعه کنبرن و همچنین سایر اراضی را که متصرف عساکر دول متحده است متعهد
می نمایند

پنجم اعلیحضرتان پادشاهان دول متحده کلا طرفین را در میان جنگ جانبداری
و امداد دشمن کرده بودند از طرفین معاف می دارند

ششم اسرای در میان جنگ هر کس که اسیر گرفتار شده بعد از رد می تملا طرفین
رد می شود

هفتم اعلیحضرتان پادشاهان دول متحده اقرار می نمایند که باب عالی داخل منافع

حق

حق الناس معاهده اتفاق اهل فرنگ شمارند بنا بر این سلاطین مزبوره متعهد می‌شوند
که هر یک از جانب خود حرمت و در حالت اصلیه بقا ماندن مملکت عثمانیه را
منظور دارند و باتفاق ضمانت نموده و متعهد بر آنکه هر وقت و استحکام
تمام نگاه دارند و هیچ خلاف ملاحظه منافع عامه در اوقات مذکوره از نو صورت
بگیرد

هشتم هرگاه فیمابین باب عالی و دول متعاهده در این عهد نامه داخلند وقوع پیدا کند
خطر و نگرانی لازم است که باب عالی با یکی از دول مزبوره قبل از اقدام
بزور لشکر دول متعاهده دیگر را اعلام نماید و واسطه شده منع خلاف
رفع نمایند

نهم اعلیحضرت سلطان نظر به شفقت امر در فایده رعیت خود فرمان عالی
صادر نموده امر از اطلاعات بهره اهل و فرقه و مذهب باشد فرمانی از آن
خواسته باشند خاصه در باب ترتیب رعیت خود ملاحظه وقت در این باب
رجوع خواهند داشت و بنا به ثبات و عادل مزبور هر یک از دول مزبوره ارکان
فرمان مرقوم را ملاحظه و دول اروپا نظر بجهت رفتار سلطان مادام الایکه
اتفاقا با انفصال امور داخله در اعمال مختلفه و امورات داخله سلطان
نخواهند کرد

دهم قرار نامه در سیزدهم ماه ژویه سنه ۱۸۴۱ مسیحی با قاعده رسم قدیم سلطنت
قدیم عثمانیه منعقد شد در باب داخل شدن کشتیهای جنگی دول خارجه به خلیج و تنگه
و داردانل حال نیز عهد تازه باتفاق در عهدنامه برقرار است و نیز قرار نامه

در این باب ثبت و ضبط شده به ضمیمه عهدنامه کرده به عینه جزو لاینفک عهدنامه
حالیه می‌نگارند

یازدهم بحر سیاه دائما از برای علامت بیطرفی کشتیهای جنگی بالمره ممنوع
و مسدود است اما از اینکه دولت بحریه یا غیر بحریه باشد که آنچه در ماده
دوازدهم و سیزدهم مقررات مستثنی است

دوازدهم تجارت بحریه و بنادر و میاه بحر سیاه از هر عوارض بالمره معفو است
و از بهر انتظام امورات تجارت مزبوره قرانتین و گمرک و شحنه خانه قرار
خواهند داد و ... اجازه از ... و ... تجارت و اطمینان
و اسایش اهل بحریه دولت روسیه و عثمانیه موافق قانون حقوق ملل در سواحل شهبندرها
تعیین خواهند کرد

سیزدهم چون بر طبق ماده یازدهم بحر سیاه صورت حریت گرفت لهذا
بنا نهادن قورخانه و تدارکات عسکر بحری عبث فایده است بنا بر این
امپراطور روسیه و سلطان عثمانیه متعهد میشوند در سواحل بحر مزبور اقدام
بر بنا نهادن و نگاه داشتن قورخانه و جبه خانه بحریه ننمایند

چهاردهم امپراطور کل ممالک روسیه و سلطان عثمانیه در تعیین لشکر و کشتیهای
جنگی کوچک ... در حفظ از بحر سیاه لازم دارند قراری که
منعقد خواهند داشت ... جزو عهدنامه کلیه حالیه دارد و
در قوت و اثر مثل اصل عهدنامه است و بدون اذن و اجازه دول متعاهده
تغییر و تبدیل پذیر نخواهد شد

پانزدهم

پانزدهم انجمن (کمیسیون) مواد اصلیه انتظام امورات کشتیرانی رود خانه‌هایی که دول
از هم جدا می‌سازند یا عبور و مرور می‌نمایند تشخیص و تعیین کرده که ... دول متعاهده
مواد اصلیه ... بر انتظام ... رود دانوب و ... دانوب مناط می‌شمارند و جاری ... میدارند
و جمیع ... امر معهوده را تعهد و ادا نموده کشتیرانی رود خانه دانوب به هیچ وجه
تفاوت ... ... قرار ... نباشد که ... بجز از طرف ... مجبور نیست
... قرانتین ... از برای اطمینان ... ... رود خانه ... از هم
... رود خانه در میان ... ... جاری شده است قرار شد
و نظم ... امکان سعی خواهد شد که هیچ چیز مانع کشتیرانی ... نشود

شانزدهم از برای انجام انتظام ... دول متعاهده هر یک از طرف خود ماموری
مشخص کرده به خود ... خواهند فرستاد ... مزبور ... ... از دهنه
حتی ... از ... ... خواهند کرد ... عبور کشتی ... و ...
... و برای مصارف این فقره و بنای سایر ... امورین اختیار خواهند
نمود

هفدهم مجلس ... اجزای آن از طرف دولت ... ... باشند
باشند این مجلس ... ... از ایالات مختلفه دانوب ... ... لاحق خواهد
گردید ... مزبور تا اول آنکه ... و حرکات رود خانه را ... ...
موافق عهدنامه وینه ... و حرکات خلاف قانون را بالمره رفع نمایند ... آنکه
... به انتظام ... رود خانه است مرتب دارند چهارم هر آنکه در دهنه دانوب ...

رجوع به خانهای خود اما با ادب را از روی انطباع ملاحظه کرده اخبار رسانیده که کدام یک
غالب گشته اند بالاخره
همه کس معلوم است که مجلس فرنگ اکثر لازم نه مأموریت است مجلس خواهد آورد
و مجلس مأموریت رو در خانه در مدت و سال امورات مخصوص سابق خیلی خوب تمام خواهند
نمود با اهل جدید همه سابق اسم داشته اند و در مجلس سابق به تقید و قرار از مأمورین
اطلاع داده شد مجلس مأموریت به روب سابق هم خواهند زد قبل از انجام مجلس
دارالشوری را از برای رجوع خانه قرار شده است همان اختیاری که مجلس اول داشت این
مجلس نیز خواهد داشت
و نیز هم قواعد سابق الذکر و فقره اول بقرار ذیل اقدام نموده از برای اجرای
حقوق آن قواعد هر یک از دولت حقی خواسته داشت والسلام

ترجمه سواد کاغذ اعلیحضرت ناپلیون سیم فرانسه با علیحضرت
امپراطور روس ۲۹ ماه ژانویه سنه ۱۸۵۴ مطابق با سنه ۱۲۷۱ هجری
بطور اول

اعلیحضرت معارضه و نزاعی که ما بین اعلیحضرت و باب عالی عثمانیه
ظاهر شده بتقاضای رسیده است به کیفیتی لازم می بینم که خود به واسطه اصرار که
دولت فرانسه در این گفتگو ممکن به آخر نیست کرده است اظهار کنم و وسایلی
را از برای رفع رنج خاطر هر دو هم استراحت و آسایش ممالک فرنگستان است
انضباط که ظاهر است هم از طرف آن اعلیحضرت هم دولت ... اعلیحضرت

دیگر با

دیگر با فرانسه است جای مستفادی شده که قرار بود و ... بجز ... در این مقدمه پیش نهاد
کرده اند فقط مایه اقبال شده است و ... گفتگو را از ... فقره ... است
بر خلاف این رسم ... به ... گفتگوی جمیع ... (تولداو و والاخی) ... سابق
از کشتی ... بردار ... لاجرم شدن آن اعلیحضرت ... در تقاضا
باب عالی عثمانی چیزی ... گذاشت ... و ایشان را مطلع نمودیم که این تعرف
موجب ملامت ... این ... بوده و ... اقبال ... والسلام
پس از آن ... دولت انگلیس و اطریش و پروس ... آن اعلیحضرت ...
در ... از طرفین ... آن اعلیحضرت ... قبول این ... بوده
و ... از ... آن اعلیحضرت و اعظم ...
... و ... نامه ... معظم ...
را ... نتوانستم در ... قبول ... فقط ...
... آن اعلیحضرت ... اصرار و ابرام ... از جانب باب عالی
عثمانی ... و فصول شروط ... تغییر داده ...
آن تغییرات ... القبول ... جزئی بود ... قبول آن ... و این
... آن اعلیحضرت ... باب عالی عثمانی
... از ... در ... آن
اعلیحضرت ... و ... از ...
در حالت اضطراب ... و حقیقت ...
... انگلیس و فرانسه حکم صادر شده ... [illegible]

استبداد که از امورات دولت عثمانیه جهت جانب بود نه امداد و دخیل شدن در امر مجادله
او را انگلیس و فرانسه [illegible] و تحریک [illegible] حکمت الاستقرار کرسی سلطان عثمانیه [illegible]
اصلاح و مصالحه [illegible] بامید اینکه وسیله حصول قبول سئوال [illegible] دولتین
دولت در میان حفظ قرار گذاشته لهذا [illegible] ذکر [illegible] اعلیحضرت [illegible]
اعلیحضرت از جانب دولتین اظهار صلح و سکون [illegible] اطمینان به قوت و قدرت
خویش است [illegible] قرار [illegible] (داب) [illegible] اسیا [illegible]
ملک [illegible] عثمانیه داده [illegible] سزاوار [illegible] بزرگ [illegible] اعلام کرده
لهذا [illegible] قرار [illegible] حقیقة [illegible] لکن [illegible]
ملک [illegible] (سینوپ) [illegible] باشد [illegible]
[illegible] لازم [illegible] امداد عثمانیه [illegible] زیرا که [illegible]
[illegible] حال [illegible] تفاوت [illegible] دارد
[illegible] هزار [illegible] و از [illegible] دولت
عثمانیه [illegible] بحر [illegible] از دریا [illegible]
[illegible] واقعه سینوپ [illegible]
زیرا [illegible] دولت عثمانیه [illegible] روسیه [illegible] السویه
بود حقیقت کشتیهای روسیه [illegible] عثمانیه کشتیهای [illegible] در حالت
در [illegible] انداخته [illegible] آرام [illegible]
[illegible] اطمینان داده [illegible] حافظ [illegible]
[illegible] کشتیهای [illegible] تنها [illegible] حقیقت شده

[illegible]

[illegible] سینوپ [illegible]
[illegible] انگلیس و فرانسه [illegible]
[illegible] رسیده [illegible] محترم باشند [illegible]
[illegible] کشتیهای [illegible] بحر سیاه [illegible] مخالف [illegible]
[illegible] از آن جهت [illegible]
[illegible] دولت عثمانیه [illegible] روسیه [illegible]
[illegible] جزئیه [illegible]
[illegible] کشتیهای روسیه در بحر سیاه [illegible]
[illegible] دولت عثمانیه [illegible]
[illegible]
شد

اعلیحضرت [illegible]
رسیده [illegible] انفصال [illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible] فرنگستان [illegible]
[illegible] اقتدار [illegible]
[illegible] اعلیحضرت در اختیار [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible] اصلاح
از [illegible] شد و امورات [illegible]
[illegible] حرکت کند [illegible]

جنگ دعوت کرده بود بر داشته شود بطوریکه روسیه معادل [illegible] دولا [illegible] را تخلیه
کند و کشتیهای شان هم از بحر سیاه بیرون بروند

اعلیحضرت در عهدنامه که بعد باید بسته شود [illegible] واسطه دولت عثمانیه مساعی جمیله تعیین
نمایند و [illegible] سلطان عهدنامه قرار به همراه آن قرارداد نامه پاریس جاری و ثابت
عرضه دارند

اعلیحضرت [illegible] که انگلیس بدان متفق میباشیم قبول نمایند در این
صورت [illegible] امنیت [illegible] وفق [illegible] جنبه [illegible] این تکلیف
نیست و در حقیقت مراد ارشاد اعلیحضرت [illegible] ایشان عزیز [illegible]
[illegible] اگر اعلیحضرت [illegible] قبول [illegible]
[illegible] انگلیس جاری [illegible] و اقبال [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] اعلیحضرت [illegible]
[illegible]
اعلیحضرت [illegible] ۱۸۵۴ [illegible]
[illegible] ما اولا [illegible]
[illegible] عهدنامه [illegible]
[illegible]
[illegible] از اعلیحضرت خواهش میکنم [illegible]
[illegible] حرمت [illegible] ایشان هستم

(پاریس [illegible] ۱۸۵۶) سلطان [illegible] ۱۲۷۱

وصیت

وصیت نامه پطر کبیر امپراطور ممالک روسیه

پس از حمد [illegible] خالق کون و مکان جمله اولاد و جانشینان خود [illegible] وصیت
[illegible] تمام
اولاد [illegible] بر سایر ممالک فرنگستان حکمران خواهند [illegible]
[illegible] و سلطنتهای فرنگستان ضعیف شده [illegible]

و سلطنت روس [illegible] در [illegible]
[illegible] سلطنتها [illegible] این سلطنت [illegible] پطر [illegible]
[illegible]
[illegible] جانشینان [illegible]
[illegible] این سلطنت [illegible]
این [illegible] کلمات [illegible] پطر [illegible] وصیت [illegible] دستور العمل [illegible]
[illegible] باشد

اول آنکه دولت روس باید [illegible] اسباب [illegible] داشته باشند [illegible]
[illegible] این قوم [illegible]

دویم آنکه [illegible] در هنگام جنگ [illegible] اطراف [illegible] ممالک
فرنگستان [illegible] در جنگ [illegible]
[illegible] لازم باید دید

سیم [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] (جرمانیا) [illegible]

یاست متصل به سلطنت است

چهارم باید در ممالک (پولونی) یعنی لهستان بنای اردوی جنگ برپا کرده شود امرا و بزرگان آن ایالت را رشوت داده در ریاست داری ایشان خلل باید انداخت و از مجلس (سیم) لشکر را طلب داشته هر طوری که باشد در لهستان باید گذاشت و اگر به غیر سبب از سلاطین دیگر اخلال کرده یا فتنه و فساد کنند او را هم از ممالک لهستان قسمی بطور حق السکوت باید داد و باز کم کم آن رفتی باید راه ساز شد بعد از آن حصه را هم از لهستان باز دست داده شد به تصرف خود باید درآورد و سلطنت خود را کامل باید نمود

پنجم از ملک سوید و نروج هر قدر ملک است بقبضه خود باید آورد اما تدبیری باید اندیشید که اول والی آن ایالت بر ما حمله بیاورد تا ما را برای فتح و تسخیر آن ایالت یک بهانه بدست بیاید و برای حصول این مقصود ملک (دانمارک) را از (سوید و نروج) باید جدا کرد و فیمابین والیان این دو مملکت تخم عداوت و خصومت باید کاشت

ششم شاهزادگان روس را لازم است همیشه دختران والیان و سلاطین و بزرگان (المانیا) که صاحب مراتب اعلا باشند تزویج بیاورند که در ضمن این فایده عظیم مقصود است

هفتم با سلطنت انگلستان اتحاد و ارتباط و در امر تجارت اتفاق باید داشت چون ایشان جهة سامانی کشتیها تخته و چوب ملوا از این دولت خواهند خواست لهذا منفعت کثیر حاصل خواهد شد و نیز سبب دوستی ارتباط با قوم انگلستان بوقت سامانی

جهازات

جهازات جنگ خود باید فراهم نمود

هشتم به طرف شمال تا دریای (بالطیک) ضبط و تصرف باید کرد و طرف جنوب مملکت روس را تا بحر سیاه وسعت باید داد

نهم خراسانات افغانستان کوشش باید نمود که به شهر اصفهان دست رس حاصل شود و هر کس که صاحب این پول خواهد شد صاحب دنیا خواهد بود لهذا ضرور است که در میان ایران و عثمانی همیشه جنگ و جدال باشد و باید تدابیر انگیزان بکار برد که مملکت ایران روز بروز بی پول و کم تجارت بشود که همیشه در پایه تنزل ایران باید بود بعد از آن قصه هندوستان باید نمود چرا که آن ملک بسیار وسیع و جای تجارت بزرگ است هرگاه که در آنجا تسلط پیدا کردید پس هر قدر پول که به واسطه انگلستان حاصل میشود آن را اصالة تحصیل میتوان کرد و با دولت اوستریا ربط و دوستی باید داشت اما چنان تدبیر باید اندیشید که (جرمانیا و اوستریا) رفته رفته در قبضه ما بیفتد و باید که شریک اوستریا گردیده تمامی سلاطین از ملک اروپا بیرون کرد لکن بطوری که در دیوان اوستریا را فایده حاصل نشود و آن بر ما ظاهر است

یازدهم آنکه اوستریا را در طرف دیگر مشغول باید نمود

دیگر آنکه اوستریا را از ممالک عثمانی افغان که بیرون کرد پس از چند روزی به قبضه ما بیاید

دهم همراه (ارمنیان) صلح و آشتی باید نمود که هنگام جنگ ایشان مددکار و معاون ما باشند

یازدهم برای رفع نمودن (پروس و ایران و روم و لهستان) با اوستریا و فرانسه
انگلند ارتباط پیدا باید کرد اگر از این دو یکی دوستی ما را قبول نمود پس بدین
وسیله به تنهائی دیگر را اینست و نابود کنیم بعد از آن بایست دیگر هم به قبضه خود
در آوریم چنانکه اگر چنان باشد حاصل کلام اینکه تمامی ممالک اروپا را از طرف
و تسلط خود بیاوریم

دوازدهم اگر از این دو دولت ... [illegible] ... قبول نکنند پس اینکه
تدبیر باید کرد در مابین این دو حکومت فتنه و فساد واقع شود و بدین جهت ضعیف
گردند از میان آنها ... [illegible] ... آن وقت با قشون ... ریاست مسلط
تاراج سلطنت ... امور تمامی ممالک اروپا فرمان روا گشته و در
انجام کار آنچه سایر ممالک است همه را تحت حکم درآوریم

تمام شد ملم

(پطر اول امپراطور روسیه)

وفات پطر کبیر

هجری	مسیحی
۱۱۳۹	۱۷۲۵

[illegible]

صورت دستخط اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان

(ترجمه قانون نامه عثمانی)

ترجمه قانون نامه در ممالک عثمانیه به تبعه دول خارجه حق تملک املاک میدهد
مورخه هفتم ماه صفر المظفر ۱۲۸۴ هجری
مطابق ۱۸ ماه ژوئن ۱۸۶۷ مسیحی

بجهة

بجهة از دیاد آبادی ملک و رفع مشکلات و اشتباهات که در خصوص اجرای حق
تملک درباره تبعه خارجه در ممالک عثمانیه ظهور رسیده بجهة تحقیق و استحکام آن
حقوق و شرایط و رفع مصالح مالیه و ضبط و اداره ملکیه جاری فصول ذیل بحکم
اعلیحضرت سلطان بعنوان قانون برقرار شد

فصل اول

تبعه خارجه مأذون هستند در جمیع ممالک عثمانیه غیر از ایالت حجاز خواه در شهرها
و خواه در املاک صحرا که اعم از مستغلات یا مزروعات هر جا در حق تملک
بهره یاب شوند با حال اینکه رعایای تبعه عثمانیه بهره یاب هستند بدون شرط دیگر
لکن اینکه تبعه خارجه نیز در باره املاک خود باید محکوم آن قوانین و رسوم باشند
که در حق تبعه عثمانیه جاری میشود چنانکه در ذیل ذکر شده است
این احکام درباره اشخاصی که از تبعه عثمانیه بوده اند و به تبعیت دیگر اختیار کرده اند
از حقوق این قانون خارج و محروم خواهند بود و از برای این قسم اشخاص در خصوص
این مطلب قانون دیگر در آتیه وضع خواهد شد

فصل دوم

چون تبعه خارجه در استیفای املاک خواه در شهر یا در صحرا با تبعه
عثمانیه مطلقاً مساوات کلی و شرکت خواهند بود در امورات راجع به املاک تبعه
خارجه باشند به عینها با تبعه عثمانیه مساوی و در همان حالت باشند نتیجه از این
حالت مساوات حاصل خواهد شد از این قرار است
اولاً تبعه خارجه تبعیت باید مطیع قوانین و رسوم ضبطیه و اداره بلدیه باشند

و همچنین اطاعت نمایند بآن قوانین و رسوم ضبطیه و اداره بلدیه باشند و همچنین
اطاعت نمایند بآن قوانین و رسومی که ایشان در خصوص تملک و نقل و عطا بر جمیع
شرط املاک مجری هست و خواه بعد از این مجری و معمول بشود
ثانیاً باید جمیع مالیات و رسوم دیوانیه که بر املاک شهری و صحرائیه وارد است بدون
وارد بیاید بهر شرط و بهر اسمی که بوده باشد ادا نمایند
ثالثاً باید از برای جمیع مسائل متعلق باملاک دارد و از برای جمیع مرافعات
محاکم خواه مدعی و خواه مدعی علیه هستند در همه رعایت تمام طرفین تبعه خارجه باشند مستقیماً محکوم
دیوانخانهای عثمانیه باشند و در جمیع این امور موافق قانون حق و موافق قانون اصول
و مطابق قانون اهل رفتار خواهند شد و در باب تبعه عثمانیه رفتار میشود با اینکه
در این مواد که تبعه خارجه بر خواسته امتیاز شخص و از تبعیت خارجه وارد نمیشود محافظت
محکمه نمیشد اما بشرط اینکه اجرای آنها را احکام معاهدات در که شخص و اموال منقول
ایشان معین است محفوظ و برقرار و بدون مداخله باشد

فصل سیم

هرگاه یکی از تبعه خارجه که صاحب ملک باشد مفلس شود متصدیان امور افلاس او در حق
طلبکاران و محکمه تجارت عثمانیه خواهند که آن املاکی را که ذاتاً موافق
قانون عوض قرض مرتهن محسوب شود بمقام فروش بیاورند و همچنین هرگاه یکی
از تبعه خارجه برضد تبعه خارجه دیگر که صاحب ملک باشد از جانب محکمه تجارت
خارجه حکمی صادر نماید در خصوص آن حکم نیز بر طبق قرار داد رفتار خواهد شد
و که اجرای حکم مزبور برای فروش یا ضبط املاک موقوف باید رجوع بگذارگران

عثمانیه

عثمانیه نماید و املاکرا که در مقابل عوض قرض محسوب کرد اذن فروش حاصل
نماید خود دادگذاران دیوانخانهای عثمانیه حکم مزبور را جاری خواهند ساخت
که بعد از آنکه شخص مزبور نه املاکرا را در خواهند نمود در شنیدن حقیقة هر دو آن صنف املاکی
هست که بتوان عوض قرض محسوب داشت

فصل چهارم

از تبعه خارجه هر کس مأذون است املاک منقوله خود را که قانون اجازت داده
برسم هبه یا بحکم وصیت بهر کس میخواهد و اگذارد ولکن املاکی که از او باقی
بماند یا املاکی که قانون اجازه نمیدهد که برسم هبه یا وصیت بدیگری واگذارد
توارث تقسیم آن املاک موافق قانون ترتیب عثمانیه معمول خواهد شد

فصل پنجم

هر یک از دول خارجه قرار اینکه دولت عثمانیه در باب اجرای حق تملک
تکلیف مزبوره قبول کرد تبعه آن دولت علیه از فواید این قانون بهره یاب
خواهند بود

ترجمه پروتوکول قانون نامه ارباب حق تملک

قانون نامه تبعه خارجه حق تملک را هیچ خللی نمیرساند بآن معافات و امتیازی
که معاهدات مقرر کرده اند و این معافات در اینجا هستند مثل مسائل شخص
و اموال منقوله آن تبعه خارجه که صاحب املاک بوده حفظ و حمایت خواهند
کرد

چون اجرای این حق تملک اتباع خارجه سابق برای این خواهد داشت و بیش از سابق در
خاک عثمانیه ساکن نامند دولت عثمانیه تکلیف مخصوص داده اشکالات اجرای
این قانون را احتمال می رود در بعضی اماکن ظهور کند قبل از وقت
رفع نماید

مقصود قرارداد این پروتکل با این مضمون است

چون منزل هر شخص در خاک عثمانیه سکنی دارد معاف از هر نوع تعرض میباشد
و هیچکس نمیتواند بدون رضای صاحب خانه داخل منزل او بشود مگر باقتضای
احکام صادره از کارگذاران عدلیه صادر شده باشد و مگر در حالتی که رئیس
محکمه یا مامور دیگر بر حسب اختیار نامه مخصوص حضور داشته باشد لهذا منزل
تبعه خارجه نیز در تحت همین حق و حکم عهدنامجات معاف از هر نوع تعرض و دخول
جبری میباشد و ضابطان حکومت نمیتوانند داخل منزل تبعه خارجه بشوند
مگر با حضور قونسول یا وکیل قونسول که تعلق به تبعه مزبوره داشته باشد
مقصود از منزل همیشگی مسکن و ملحقات اوست که
از انجمله اطاقها و مطبخات و حیاط و باغچه ها و چهاردیوار بوده باشد باستثنای
سایر املاک
در اماکنی که از محل اقامت قونسول کمتر از نه ساعت دوری دارد ضابطان حکومت
جایز نیست در وقت ذکر شده نمیتوانند بدون حضور قونسول داخل منزل تبعه خارجه
بشوند و از آن طرف قونسول هم باید بعد فاصله ساعت حضور نموده کارگذاران
آن محل برسانند بطوریکه از دقیقه هم که از جانب حکومت اخبار رسیده تا دقیقه

ورود

که خود قونسول یا وکیل از طرف او عازم بشود بیشتر از شش ساعت طول نکشد تا اجرای
تحقیق حکومت بیشتر از بیست و چهار ساعت معوق نماند در جاهائیکه از محل اقامت
مامور قونسولگری نه ساعت یا از نه ساعت بیشتر دور باشد ضابطان حکومت
میتوانند باقتضای مورد کارگذاران محل با حضور سه نفر از ریش سفیدان
و معتبرین اعضای مجلس آن محل داخل منزل تبعه خارجه بدون حضور مامور قونسولگری
بشوند و لکن فقط در حالت لزوم فوری بجهة تحقیق و تفحص جنایت قتل و یا قصد قتل و
حرق و سرقت با اسلحه یا دزدی با عنف یا دزدی در شب و در خانه مسکون و یا
عصیان و طغیان با اسلحه و یا تکرار قلب زر
این قرار معمول خواهد بود خواه جنایت از تبعه خارجه صادر شده باشد و خواه
از تبعه عثمانیه و خواه جنایت مزبوره در منزل تبعه خارجه وقوع یافته باشد و خواه
خارج از منزل ایشان در جای دیگر وقوع رسیده باشد
این قرارداد جاری نخواهد بود مگر بر آن جزو املاک که منزل محسوب میشود چنانچه
در فوق معین شده خارج از منزل و در سایر املاک تحقیقات پولیس و ضبطیه بدون
استثنا و امتیاز بی تمام مجری خواهد داشت
اما در صورتیکه شخص بجهة تقصیر جنایت گرفته شود و این شخص از تبعه خارجه باشد
معافات و امتیازات که راجع بشخص اوست مرعی خواهد بود
آن ماموری که در تفتیشهای مخصوص جاهائیکه در فوق تصریح شده باید تفتیش خانگی نماید
و آن اعضای مجلس که باید با او حاضر باشند مجبور خواهند بود در تفصیل تفتیش خانگی را
که با شرح مراتب به جهة فاصله شرح مزبوره را بقونسول و سایر کارگذاران آنجا اطلاع نمایند

که ایشان هم جلب اهل بعرض قونسولگری و اخراج بمکان حاضر برسانند
بجهة تعیین طرز معامله و ضبطیه در آن سه فقره که ذکر شده دولت عثمانیه قرارنامه مخصوص
اعلام خواهد کرد

در جاهائی که از محل اقامت قونسول بیشتر از نه ساعت دور باشد و در آنجاها
قانون ترتیبات عدلیه ولایتی بر قرار شود حکم مجلس منتخبین در دعاوی قضائیه عدلیه
باشند و حکم دیوانخانه آن قضا در حق تبعه خارجه بدون حضور وکیل قونسول
صدور خواهد یافت و لکن از برای تعجیل مرافعاتی که موضوع آن بیشتر از هزار غروش
نباشد و هم از برای آن جنحه تقصیراتی که جزای نقدی آن بیشتر از پانصد غروش
نباشد

اما تبعه خارجه در هر حال حق خواهند داشت که تحقیق و تجدید و استیناف آن احکام را
که موافق قرار فوق صادر شده باشد رجوع به دیوانخانه مسئله آنجا نمایند و این تحقیق
جدید موافق حکم عهدنامجات با حضور قونسول و مرجع حکم دیوانخانه قطع و
معمول خواهد شد

رجوع این تحقیق جدید در هر حال اجرای حکم اول را معوق خواهد گذاشت
در هر حال اجرای جبری احکامی که بشرط فوق صادر شده باشد بدون موافقت
قونسول یا وکیل قونسول و بدون دستیاری ایشان جایز نخواهد بود
دولت عثمانیه قانونی اعلام خواهد کرد که قواعد مرافعه از برای طرفین در اجرای
اصول فوق تصریح و تعیین شود
تبعه خارجه در هر محلی که باشند مأذون خواهند بود که شخصاً خودشان وکالت امور خود را

بدون

بدون حضور قونسول رجوع بمجلس ریاست سفینه آنجا یا به دیوانخانه قضا نمایند
فقط در مسائل قضائیه موضوع آن از اختیار و قدرت آن مجلس و آن دیوانخانه‌ها
خارج نباشد اما در حق تبعه به استیناف امر قرار خواهد ماند و موافق این حق
سابق مزبور داده باشد به دیوانخانه استیناف رجوع و در حضور قونسول یا وکیل او حکمها
تحقیق و قطع خواهد شد لکن باید رضایت تبعه خارجه را به اینکه حکم از او خارج حکم
ذکر شده با حضور قونسول نشود قبل از هر نوع مرافعه بموجب نوشته داده
شود

مخصوصاً تصریح میشود که این حسنه در هیچ جهت در ضبط بدین مرافعات که مسموع
با مالک خواهد بود تأثیری ندارد و آن مرافعات با همان شرایط که قانون بر قرار
کرده است تحقیق و قطع خواهد شد
حق مرافعه توسط وکیل و حق اینکه هر گاه که در مجلس مجبور بدون اختفا بوقوع
برسد و حق اینکه صورت حالاتی که طرفین در روزنامجات طبع کرده در هر
مقام بجهت تبعه خارجه در دیوانخانه‌های عثمانیه ثابت و برقرار خواهد بود
و همچنین بجهت تبعه عثمانیه
قرار فوق معمول خواهد بود تا وقتیکه عهدنامجات قدیم تغییر یابند دولت
عثمانیه این حق خود را حفظ کرده است که برای تغییر عهدنامجات مزبوره بعد
از بین اتفاق دول متحابه بسعی برسد این مقصد و موکول بعد ملل

تاریخ ثبت ۱۲۹۰
هنوز بامضا نرسیده
تنها همان مسوده است

مسوده عهدنامه دوستی و تجارتی فیمابین دولتین ایران و عثمانی بتوسط جناب جلالتمآب حاجی میرزا حسین خان سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم دربار دولت علیه عثمانی

فصل اول

جمیع حقوق و امتیازات و معافیاتی که بموجب عهدنامجات و قرارنامجات از سابق تا امروز به دولت و به تجارت و رعایای ایران از جانب دولت علیه عثمانیه داده شده است بحکم این عهدنامه جدیده ثابت و مستقر میماند مگر آن فقراتی که در این عهدنامه صراحتاً تغییر بیابند

فصل دوم

هر نوع حقوق و امتیازات و معافیاتی که دولت علیه عثمانیه از این سال تا امروز بهر دولت خارجه یا بتجارت یا به تبعه آن دولت داده است دولت علیه عثمانیه کلیه آن حقوق و معافیات و امتیازات را بحکم این عهدنامه به دولت و تجارت و رعایای ایران میدهد و نیز دولت علیه عثمانیه تصدیق و تعهد مینماید که در بعد از این هر قسم حقوق و امتیازات و معافیاتی که بهر دولت خارجه یا بتجارت یا رعایای آن دولت چه مشروطاً چه حقیقتاً بهر اسم که واگذار نماید اگر یک حق و امتیاز مخصوص بعینه یاب باشد شرط این خطه بوده کلیه آن حقوق و امتیازات و معافیات را بدولت و تجارت و رعایای ایران داده باشد نظر بآنکه دولت و تجارت و رعایای ایران هم در آن قرار و اجازه تازه بالاستحقاق از کلیه آن حقوق بهره یاب خواهند بود

فصل

فصل سیم

رعایای دولت علیه ایران که مال‌التجاره خواهند بود و یا شخصاً یا بتوسط وکیل خود در کل ممالک و متعلقات دولت عثمانیه هر نوع امتعه و محصولات ارضیه و صناعیه موجوده در ممالک عثمانیه را مجاز خواهند بود که بی هیچ قسم استثنا خواه بجهت تجارت داخله و خواه بجهت تجارت خارجه بخرند و بفروشند چون دولت علیه عثمانیه تعهد نموده است در هیچیک از محصولات ارضیه و صناعیه ممالک خود را انحصار هیچ قسم تجارت انحصار قرار ندهد لهذا ایران از این در هیچ نقطه ممالک عثمانیه نه از برای خرید و نه از برای فروش و نه از برای حمل و نقل هیچ نوع امتعه هیچ قسم اجازه و تذکره انحصاریه مطالبه نخواهد شد هر حرکتی که از جانب کارگزاران دولت علیه عثمانیه بطریق مطالبه یا اجرای چنان اجازه یا تذکره بشود آن حرکت مخالف عهدنامه بوده دولت علیه عثمانیه تعهد میکند که مرتکبین این حرکت را خواه از وزرا یا رجال دولت و خواه از هر صنف مأمورین دولت باشند فی‌الفور تنبیه شدید نمایند و هر ضرری که از چنان حرکت بر تبعه دولت علیه ایران وارد آید بکمال دقت تدارک نمایند

فصل چهارم

تبعه دولت علیه ایران یا وکلای ایشان هر نوع امتعه و محصولات ارضیه و صناعیه ممالک عثمانیه را بجهت فروش و صرف در داخله ممالک عثمانیه ابتیاع نمایند چنین که بجهت فروش اشیاء مزبوره تا دکه بجهت هر قسم معاملات متعلق باین قسم تجارت باشد فقط همان رسوم را خواهند داد که تبعه دولت عثمانیه یا تبعه دول

خارجه که بیش از همه دول امتیاز و منظور و مساعده هستند در آنجا مراعات
می‌شوند

فصل پنجم

تبعه دولت علیه ایران هر نوع امتعه و محصولات ممالک عثمانیه را در همه جای
ممالک عثمانیه تجارت و هر یک از ممالک خارجه که بخواهند چه از دریا و چه از خشکی
چه بواسطه کشتیهای خود و چه بواسطه کشتیهای عثمانیه و خارجه حمل و نقل نموده از ادای
هر نوع حقوق و رسوم بلکه عاری خواهند بود مگر اینکه در حین نقل این اشیاء
بخارج فقط صدی شش گمرک خواهند داد و از هر متاعی که این صدی شش رسم گمرک
را گرفته باشند دیگر در هیچ نقطه ممالک عثمانیه هیچ قسم حق و رسوم دیگر
مطالبه نخواهد شد خواه متاع مزبور در دست صاحب اولی باشد و خواه بدست
دیگری انتقال یافته باشد و صراحة مقرر است که این صدی شش رسم گمرک در
هر سال صدی یک تنزل خواهد یافت تا اینکه بعد از پنج سال به صدی یک قرار
بیابد

فصل ششم

چون قرار اخذ گمرک اوغالیه از مال التجاره که عبور در ممالک طرفین از عهود
سابقه تا بحال بطریق مساوات معمول بوده است لهذا بحکم این عهدنامه هم عمره نیز تبعه
دولتین علیتین ایران و عثمانیه هر نوع امتعه ارضیه و صناعیه خاصه ممالک طرفین را
داخل ممالک همدیگر نمایند بطریق مساوات صدی هشت رسم اوغالیه گمرک
اول آن دولت گرفته خواهند شد و بعد از آنکه از امتعه مزبوره صدی هشت حق

اوغالیه

اوغالیه گمرک گرفته شد خواه متاع مزبور که در آنجا داده فروخته شود
و خواه بجای دیگر داخل ممالک طرفین نقل گردد در هیچ صورت نه از بایع
و نه از مشتری بابت امتعه مزبوره هیچ اسم و رسم حق دیگر مطالبه نخواهد شد

فصل هفتم

دولتین علیتین به تبعه خود اجازه تجارت توپ و تفنگ و باروت و سایر آلات
حربیه در ممالک طرفین نخواهند داد که در صورتیکه اجازه این تجارت سلاح به تبعه
یکی از سایر دول خارجه داده باشند تفنگ و طپانچه و سایر اشیاء را که فقط برای
و لوازم آن که برای استعمال مخصوص باشد از این منع مستثنی خواهند بود

فصل هشتم

دولت علیه عثمانیه صراحة تعهد می‌نماید که هر وقت دولت علیه ایران کلیه آزاد
خواهند بود هر قسم آلات و اسباب عسکریه از قبیل توپ و تفنگ و نیزه و غیره
هر نوع اشیاء و امتعه حربیه معروف هر وقت که بخواهد از ممالک عثمانیه بر آرد و
بحرا عبور بدهد با اینکه از اشیاء مزبوره هیچ نوع رسوم مطالبه نشود و بعد
اینکه از جانب کارگزاران دولت علیه عثمانیه در عبور آنها اهمال و مسامحت
واشکال ظاهر نشود

فصل نهم

تبعه دولت علیه ایران در تجارت و در جمیع معاملات خود با ممالک عثمانی
و الحقوق و ... در ممالک عثمانیه از هر حیث مثل حقوق و امتیازات اول
خواهند داشت که تا بحال از جانب دولت علیه عثمانیه به تبعه دول اکمل الامتیاز

داده شده است بالمقابل از این داده شود

فصل دهم

کشتیهای دولت علیه ایران و کشتیهای تبعه آن دولت در جمیع دریاها و بنادر و لنگر
گاهها و معابر بحریه ممالک عثمانیه خواه در حمل و نقل امتعه و خواه در رسوم تجارت
از هر جهت مثل حقوق و امتیازات مساوی خواهند داشت و از جانب دولت عثمانیه
بکشتیهای دول خارجه کامل الوداد داده شده است بالمقابل از این داده شود

فصل یازدهم

امتعه ممالک خارجه که مجاز الورود خواهند بود و از هر طرف و از تمامی سرحدات ممالک
عثمانیه بممالک خارجه عبور نمایند دولت علیه عثمانیه صراحةً متعهد میشود
که در عبور این امتعه چه از ایران بممالک خارجه و چه از ممالک خارجه بایران
اقدام بهیچ امری ننماید که موجب منع یا باعث اشکال حمل و نقل امتعه مزبوره از راه
شود و از این امتعه نقلیه در ممالک دولت علیه عثمانیه هیچ قسم گمرک و رسوم مطالبه
نخواهد شد گمرک عبور نقلیه و بعد از انقضای پنج سال تا تاریخ امضای این عهدنامه
رسم مزبور فقط صدی یک قرار خواهد گرفت و نیز مقرر است که هرگاه امتعه
ارضیه و صناعیه محصوله در ایران و در ممالک عثمانیه رسم ادخالیه صدی
هشت مساوی ادا نموده باشند و بخواهند امتعه مزبوره را مساوی بخارج ممالک عثمانیه
حمل نمایند امتعه مزبوره حکم تجارت نقلیه خواهند بود و در این صورت مباشرین
گمرک دولت علیه عثمانیه باید در حین خروج امتعه مزبوره از ممالک عثمانیه مقدار
تفاوت تمام ما بین رسم گمرک صدی هشت و رسم گمرک تجارت نقلیه باشد بصاحب

امتعه

امتعه مزبوره بجای دیگر وارد نمایند

فصل دوازدهم

تبعه ایران در ممالک عثمانیه مشغول تجارت امتعه ممالک خارجه باشند همان
رسوم مساوی را خواهند داد و همان حقوق مساوی خواهند داشت که از برای تبعه دول
خارجه مشغول تجارت امتعه ممالک خودشان مقرر باشد امتعه و محصولات
ممالک ایران به ایالات عراق عرب و کردستان عثمانیه و ایالات
ارزروم و قارص داخل نمایند از امتعه و محصولات مزبوره در این ایالات
عثمانیه فقط صدی شش گمرک خواهند گرفت امتعه و محصولاتی که گمرک دفعه اینطور
گمرک داده اند دیگر بهیچ وجه جایز نخواهد بود که از آن امتعه و محصولات
بیع امر و رسم حق دیگر که مطالبه نمایند نه از مشتری و نه از بایع و در
مقابل این قرار امتعه و محصولاتی که از این ایالات مذکوره در فوق
بممالک ایران حمل و نقل نمایند گمرک اخراجیه آنها از روز تصدیق این عهدنامه
فقط در صدی یک خواهد بود

فصل سیزدهم

چون دولت علیه عثمانیه طالب این است که تجارت دخان و تنباکو در ممالک محروسه
سلطانیه از سایر امتعه تجارتی مشتمل باشد دولت علیه ایران نیز بجهة ابراز
علامت حسن وداد و دوستی صاف و لطف خود نسبت بآن دولت موافقت باین خواهش
مرضیه و از آنجا که حفظ منافع جمعیت خود نیز از جمله لوازم میداند و تبعه
ایران را ملتزم داشته به تجارت دخان شده اند که اگر یک مدت معین باشان

مهلت داده نشود ممکن نیست بتوانند بدون ضرر فاحش خود را خارج نمایند لهذا
فیمابین دولتین علیتین قرار چنین شد که قوانین و نظامات موضوعه بجهت تجارت
دخان در ممالک عثمانیه بعد از مدت یکسال از روز مبادله این عهدنامه بحالت
صورت جریان در باب دخان حاصله در ممالک ایران بیاید و در این مدت یکسال
تباع دخان نیز مثل سایر امتعه حاصله در ایران به آزادی در داخل ممالک
عثمانیه شده و همان حق ادخالیه و سایر امتعه حاصله از ایران همیشه به ادا
آنست کارسازی نمایند و بعد از انقضای مدت یکسال تبعه دولت علیه ایران
در ممالک عثمانیه در باب مرسومات تجارت دخان همان تکالیفی مکلف خواهند
بود که تبعه دول اکملة الوداد مکلف‌اند و از حقوق امتیازات ممتاز و بهره‌مند
شده تبعه دول اکملة الوداد بهره‌مند می‌باشند

فصل چهاردهم

چون در ایالات مجاور ممالک ایران جمع کثیری از رعایای دولت علیه ایران
سکنی دارند تجار و کسبه از ایران داخل آن ایالات می‌سازند بجهت
صرف رعایای ایران است لهذا تجار و کسبه ایران در داخل ممالک عراق
عرب و کردستان عثمانیه و ایالات ارض روم ... حقوق گمرک این دو قسم
تجار در آن ایالات ... از حقوق ادخالیه سایر مال التجاره ایران
... شده و ... از ادای حق ... در کمال آزادی بدون ادای
هیچ نوع گمرک و رسم دیگر بفروش و مصرف خواهد رسید

فصل پانزدهم

تبعه

[illegible]

تبعه دولت علیه عثمانیه در امور تجارتی خود در ممالک ایران همان امتیازات و حقوق
را خواهند داشت که به تبعه سایر دول خارجه داده می‌شود

فصل شانزدهم

امتعه‌ای که بتقلب از گمرک گذرانیده باشند در ممالک طرفین ضبط و بر آن جریمه شده
مشروط بر اینکه در تحقیق مطلب کمال دقت بطریقه عدالت معمول داشته باشند

فصل هفدهم

دولت علیه عثمانیه صراحتاً متعهد می‌شود که بجهت حصول امنیت و تسهیل عبور حجاج و زوار
و زوار عتبات عالیات علاوه بر آنچه در معاهدات سابقه بین الدولتین معین
شده است در جمیع ممالک عثمانیه امنیت جان و مال و احترام کامل ایشان را
و هرگاه آسیب به جان یا مال یا احترام در هر جای ممالک عثمانیه بواسطه غفلت
و تقصیر مستحفظین و کارگزاران دولت بایشان وارد آمده باشد دولت علیه عثمانیه
تعهد می‌نماید که آن مأمورین را ... و ... از ارباب رتب و منصب
باشند در کمال شدت تنبیه و مؤاخذه نموده و از غرامت خسارت ایشان را
و در اماکن متبرکه مذکوره ابداً هیچ قسم تجاوزی بحجاج و زوار ایران یا حجاج و زوار
عثمانیه کرده نشده و نیز صراحتاً مقرر است که از اشیاء ... حجاج و زوار
از ... متفرقه ... از آن قبیل اشیا ... بجهت تجارت
نیست حق گمرک یا رسم دیگر مطالبه نشده و همچنین چون جمع کثیری از تبعه
دولت علیه ایران مشغول در ممالک دولت علیه عثمانیه به تجارت و کسب و حمل و نقل
مال التجاره می‌باشند و عبور ... اهل ایران ... اختصاص ...

دارد دولت عثمانیه تعهد می‌نماید که در امنیت طرق و شوارع و حفظ مال
و جان تبعه ایران کمال اهتمام خود را مصروف سازد و اگر برحسب اتفاق آسیبی
بمال و جان یکی از اهالی وارد آید در همان ایالتی که این واقعه اتفاق افتاده مجرمین
و کارگذاران دولت علیه عثمانیه قادر نخواهند بود در تفحص مرتکبین آن حرکت کامل
سعی بلیغ بعمل داشته و مرتکبین مزبوره را فی الفور گرفتار نمایند و برحسب احکام
شریعت مطهره و قوانین دولت علیه عثمانیه مورد مجازات شوند و هرگاه از طرف
مامورین مزبوره در اجرای تکالیف خود در این فقرات قصور و اهمال نمایند تقاضی
معلوم شود دولت علیه عثمانیه آن مامورین را دارای هر رتبه که باشند تنبیه و مجازات
کامله و مؤاخذه خواهد آورد و از عهده غرامات و خسارات تبعه ایرانی مسروقین
خواهد برآمد

فصل چهارم

دولت علیه ایران قبول و تعهد می‌کند که هر نوع رفتار و سلوکی که در ممالک عثمانیه
در مواد جزائیه نسبت به تبعه ایران معمول باشد عینا همان رفتار و سلوک را
در حق تبعه دولت علیه عثمانیه در مواد جزائیه صادره از اهالی و ممالک ایران
معمول دارد

فصل پنجم

از جانب دولتین علیتین بالاتفاق و بلا تاخیر مامورین مخصوص تعیین خواهند شد که
گمرک و عوارض رسوم گمرک امتعه ممالک ایران که داخل ممالک عثمانیه می‌گردد و همچنین
عوارض رسوم گمرک امتعه ممالک عثمانیه که به ممالک دولت ایران داخل می‌شود

ک

یک تعرفه مشخص کسبنه اشیاء و امتعه تجارتیه ایران در ورود و خروج اولیای
گمرک نماید و چنانچه اشیاء وارده و صادره لازم باشد هر قدر در عوض گمرک داشته باشند
بر تعرفه مزبور از دو طرف تصدیق خواهد شد و این تعرفه بعد از انعقاد
طرفین بلا فاصله مجری خواهد بود الی مدت هفت سال و هرگاه یکی از دولتین
معاهدتین ماه قبل از مدت تعرفه مزبوره را منسوخ نماید باید این میل خود را یک سال
قبل بطرف دیگر اعلام نماید و هرگاه یکی از دولتین معاهدتین مختار خواهد بود و این
میل خود را در انقضای هر هفت سال بطرف دیگر اعلام کند

فصل ششم

این عهدنامه در کل ممالک دولت علیه عثمانیه واقعه در یوروپ و آسیا و مصر
و افریقا و در ممالک عرب و العراق و ایران مجری خواهد بود و مدت اجرای این
عهدنامه از تاریخ مبادله تصدیق نامجات الی دوازده سال خواهد بود یک سال قبل
از انقضای این مدت هریک از دولتین معاهدتین مختار خواهند بود اگر بخواهند تغییر
این عهدنامه را باشند میل خود را بدولت دیگر رسما اعلام نمایند و در صورتیکه
از هیچ طرف چنان میل اعلام نشود این عهدنامه باز تا دوازده
سال دیگر مجری و برقرار خواهد ماند

سواد قرارنامه تلغرافیه منعقده مابین وزارت امور خارجه
دولت علیه ایران و سفارت دولت بهیه انگلیس مقیم دربار ایران
مورخه سنه ۱۲۸۹ هجری مطابق سنه ۱۸۷۲ مسیحی

چون اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کل ممالک ایران دام ملکه و اعلیحضرت پادشاه

ممالک محروسه بریتانی اعظم و ایرلند مایل هستند و روابط مخابره تلغرافات مابین
اروپا و هندوستان را که از خاک ایران عبور می‌نماید در حسب عهدنامجات
قبلی قرار شده و موقوف نظر بوده مزاودت دهند
لهذا مقرر فرموده‌اند در قرارنامه به جهت حصول این مقصود صورت انجام
پذیرد و برای تقدیم این امر از جانب سرکار خودشان وکیل و مختار
اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه
خود صاحب نشان تمثال همایون مکلل بالماس و صاحب حمایل آبی و دارای
شرابه جواهر و حمایل مکلل بالماس و صاحب نشان سرتیپ اول با حمایل مخصوص
آن و دارای نشان اول عقاب سفید با حمایل آبی و صاحب نشان سنت آنا
مکلل بالماس از درجه اول و نشان مجیدیه از درجه اول و نشان اول تاج
آهن و نشان اول لیوپولد و نشان اول دانبروغ و نشان اول سنت
موریس و لازار و نشان اول سنت ساویر دولت یونان و نشان اول
پولر و نشان ... و صاحب نشان اول عثمانیه
و اعلیحضرت پادشاه ممالک محروسه بریتانی اعظم و ایرلند جناب رانلد
فرکسن طامسن انگلیسی شارژدافر دولت انگلیس در دربار دولت ایران و وکلای
معظم الیهما بعد از آنکه در دارالخلافه طهران مجتمع شدند و اختیارنامجات خودشان
را ملاحظه کرده معتبر و ثابت یافتند فصول آتیه را قرار دادند

فصل اول

دولت انگلیس برای ترتیب و تسهیل ارسال تلغرافات (انطرناسیونال) کسب سیم

تا ز

تا زمانی که مفاد رشته که الان تا بین دارالخلافه طهران و بندر بوشهر در ایران
بتوسط سرکار صاحب منصبان مخصوص خود انگلیسیه و اخراجات آن از جانب دولت
انگلیس متحمل شود در عوض ترجیح با مایه مستمری از جانب خزانه خود دولت
انگلیس متعهد می‌شود که این مستمری‌ها برای سالیانه از قرار پانصد تومان
بنا به دولت ایران تعهد می‌کند مبلغ ده هزار تومان در مدت ده سال
از قرار سالی یک هزار تومان به جهت اعانت مخارج مستمری‌های راه به دولت انگلیس
برساند و دولت ایران نیز تعهد می‌نماید هرگونه امدادی در دریافت کسیه آن اینهم برای
صاحب منصبان انگلیس لازم است حق العهده بنماید

فصل دوم

چون برحسب فصل دوازدهم عهدنامه پاریس مورخه چهارم ماه مارچ سنه ۱۸۵۷
کلیه مأموران دولت انگلیس در ایران حق حمایت و محافظت مستوردین و تبعه دولت
ایران دارند چون اداره تلغرافخانه انگلیس مقیم ایران مشغول خدمات دولتی
می‌باشند باید در هر جا که کارگذاران و ملازمان آنها را در تحت حفظ مخصوص خود
نگاهداشته در هر وقت برای تحفظ لازم باشد به نحو و به سایر دیگر همراه اسباب
اطمینان حفظ و امنیت تلغرافخانه‌ها را فراهم بیاورند

فصل سیم

تا زمان انقضای مدت سیم ثالث که در فصل اول مقرر شده است تقسیم رشته‌های
اول و دوم مایه برای مخابرات داخله (انطرناسیونال) کلاً بالسابق برقرار
خواهد بود از روی شروط و فصول مشتمله قرارنامه چهارم ماه رجب المرجب سنه ۱۲۸۲

مقرر شده مجری خواهد بود

فصل چهارم

پس از انتهاء سیم ثالث رئیس اداره تلغرافخانهٔ انگلیس الآن اتمام آن را بدولت
ایران خواهد داد و تقسیم رشته‌ها از قرار ذیل قرار خواهد بود
سیم اول بجز آن رشته که در سنه ۱۲۸۱ انتهاء یافته بجهت مخابره داخله خواهد بود
و رشته‌های ثانی و ثالث برای مخابره (انطرناسیونال) خواهد بود به استثنای آنچه
موجب فصل ششم معین شده

فصل پنجم

بجهت رفع هرگونه اغتشاش در کارکردن این رشته‌های مختلفه تلغرافی دولت
ایران با سیم اول مشغول مخابره خواهند بود و مأمورین دولت انگلیس با سیم ثانی
و ثالث مخابره خواهند کرد دولت ایران برای مأمورین انگلیس اطاق‌های
جداگانه در تلغرافخانه‌ها که در اداره غالب می‌باشند حاضر خواهند
کرد

فصل ششم

هرگاه سیم اول یک وقتی عیب کند یک رشته از سیمها موقتاً برای مخابره
ایرانیها عاریه داده میشود تا زمانی که سیم اول بحالت مخابره بازگشت نماید
مشروط بر آنکه هر دو رشته ثانی و ثالث در تمام امتداد خوب کار کنند
و فارغ از وصل بهمدیگر باشند اگر سیم اول با سیم ثانی یا با ثالث وصل شده و هم
و نقطه یک سیم بی عیب مانده باشد آن وقت برای آنکه با سیم اول اتصال یافته است
مقرر

منفرد خواهند ساخت که مأمورین ایرانی تا هنگام رفع آن اتصال نشده است
بدون وقت با سیم اول مخابره نمایند هرگاه سیم اول با سیم ثانی یا ثالث
اتصال یافته در حالتی که سیم ثالث و ثانی بی عیب مانده باشد یا اینکه سیم ثانی
و ثالث معیوب شده باشد یا اگر هر سه رشته کلیتاً با همدیگر وصل شده باشند
ادارهای ایران و انگلیس با یک رشته که بی عیب مانده است در شبانه روز
از قرار تقسیم یک ثلث وقت مخابره خواهند کرد و روسای ایران و انگلیس قرار
ساعات مخابره را مطابق سهولت رفع و رجوع خواهند داد

فصل هفتم

حاصل کل مخابرات داخله و متوسط رشته سیم دولت ایران میشود تماماً
اختصاص به دولت ایران خواهد داشت منظور از مخابره داخله آن
تحریرات تلغرافیه است که در یک تلغرافخانهٔ ایران شروع شده در تلغرافخانهٔ
دیگر ایران ختم میشود

فصل هشتم

چون دولت ایران قبل از وقت در حق حق مانع که روز خلاف را انشاء …
و نهر حاصل میشود به کمپانی تلغرافی اروپا داده قراری داده شده است دولت
انگلیس قرار گذارده تا هر درجه که مرجع کرده است قبول داده بجز دولت
ایران در عوض سهم … هر ساله از کمپانی نزد به دریافت داده و آن
سالیانه دوازده هزار تومان است به موافق برای هر تحریر تلغرافی … کلمه

از طرف دیگر از قرار از روسیه و از خارجه اروپا به هند بتوسط خط سیم از ملفا
به دولت روس الحاقیه را به تهران می‌رسد ترک می‌نماید لهذا دولت انگلیس و
کمپانی اروپا و هند رسوم مزبوره را بعد از آنجا بین خود قرار به هند تقسیم
خواهند کرد و محاسبات آن را به دولتی که مأخذ دولت ایران مابین خود تفریق
خواهند نمود در خصوص تحریرات (انطرناسیونال) که در ایران شروع
یا ختم می‌شود دولت ایران متعهد می‌شود که مدت سه سال تمام حق (طرمینیل)
خود را برای این قسم تحریرات به دولت انگلیس واگذار کند و دولت انگلیس
هم در عوض آن هر ساله مبلغ ده هزار قران به دولت ایران کارسازی خواهد داشت
پس از انقضای مدت سه سال دولت ایران مختار خواهد بود یا مبلغ سالیانه
را از روی وجه حاصل متوسط تحریرات (طرمینیل) معین شده به قبول
نماید و یا اینکه وجه رسوم تمام تحریرات (طرمینیل) حقیقی را مطالبه و دریافت
کند دولت ایران به اطلاع دولت انگلیس واگذار و مشخص و معین نماید که
کدام تحریرات واقعاً (طرمینیل) می‌باشد و کدام تحریرات را باید (طرانزیت)
دانست که با ایران می‌رسند و حال آنکه مطلب رسیدن معلوم است که محل ارسال
ممالک خارجه است مادامی که این عهدنامه در قوت باقی می‌باشد دولت ایران
بر عهده بگیرد که در مجلس (انطرناسیونال) نمی‌نماید هرگونه تغییرات در نرخ
مخابرات (طرانزیت) و غیره حاصله سوار اهل نشود مگر در صورتیکه قبلاً در وقت
با دولت انگلیس قراری داده باشد

فصل ششم

فصل ششم

چون اداره انگلیس برای ارسال صحیح تمام مخابرات (انطرناسیونال) و تفریق محاسبات آن
مسئول می‌باشد شعبه این مخابرات را از روی نرخی که به موجب قرارنامه (انطرناسیونال)
تلگرافی از وقت در آن معین است وصول خواهند کرد کل مخابرات (انطرناسیونال) که در
ایران شروع می‌شود باید اخبار را مأمورین که از جانب دولت ایران معین شده باشند
قبل از ارسال منعقد ثبت و مهر نمایند مخابرات (انطرناسیونال) که در ایران ختم
می‌شود باید بتوسط همان مأمورین به صاحبان اخبار برسد و مأمورین مذکور مجبورند که
برای این مخابرات اولاً انگلیس قبض به هند تلگراف‌خانه‌های انگلیس و تمام اسنادی که متعلق
به مخابره (انطرناسیونال) است هر وقت برای رجوع و تفتیش اداره ایران حاضر خواهند
بود مخابرات (انطرناسیونال) عبارت از آن مخابراتی است که بتوسط رشته‌های سیم خود از
از ممالک دولت یا از ممالک دول متعدده می‌گذرند

فصل هفتم

نگاهداری رشته‌های تلگرافی و درستی آن با تعیین و اختیار و داراًی به موجب منتقطعاً آن
به دولت رئیس اداره انگلیس و صاحب منصبان ایران خواهد بود
دولت ایران از تاریخ این قرارداد هر ساله مبلغ کمترا قران بوسم رئیس اداره
انگلیس حقه ماه و این مبلغ از وجوه مقرره باید که تلگراف اروپا و هند به دولت
ایران به هر چه در فصل هشتم این قرارداد بزرگ شرط است باید مرتبه تخفیف

فصل هشتم

تکلیف صاحب منصبان هر محل و تنظیف سیم فقط نگاهداری سیم و درستی آن خواهد بود

در حالتی که عمداً به سیم صدمه و نقص وارد بیاورند دولت ایران به واسطه اقدامات موثره
در گرفتن حکام و ملاک محل و رسانیدن مرتکبین و مقصرین را گرفته و تنبیه نمایند لهذا دولت ایران
حکام و کارگزاران طهران و سرحد را امر خواهد فرمود که در مراقبت و اطلاع صاحب منصبان
انگلیس را نمایند کمال مراقبت منظور داشته باشند

فصل دوازدهم

در صورتی که دولت عمداً نقص و خسارتی به رشته‌های سیم وارد بیاورند دولت ایران
اخراجات تعمیر از آن متحمل خواهد شد

فصل سیزدهم

برای سرکار رئیس انگلیس هر وقت اقتضا کند در هر کجا از خطوط رشته‌های سیم و تلگرافخانه‌ها
حاصل نماید و به واسطه اسباب درست کار کردن آنها در هر نوع هیچ هر امری در خانه
تلگرافخانه فراهم بیاورد صاحب منصبان و تلگرافچیان ایرانی احکامات و دستورالعمل
که صاحب منصب مذکور در خصوص اتصال سیم در تلگرافخانه‌ها و وقت و طرز امتحان
رشته‌های سیم صادر بکند مرتباً قبول و تمکین نمایند

فصل چهاردهم

چون شخص دولت که در اواخر سال هجری سنه ۱۲۸۹ قرض دولت ایران به دولت انگلیس از جهت
آلات و ادوات سیم و بعضی مخارج راجعه به نصب سیم اول به مبلغ
یکصد و پانزده هزار و هشتصد و شصت هزار و چهارصد و هفتاد و دو
و ... دولت انگلیس قبول نماید که مبلغ مزبور را به دولت
در ظرف بیست و چهار سال به بیست و چهار قسط مساوی از کمپانی اروپ و هند

نماید

نماید هرگاه کمپانی اروپ و هند بخواهد مبلغ مزبور را زودتر ادا نماید مختار است
هر وقت که از جانب کمپانی اروپ و هند کاری در باب ... اقساط ... بشود
دولت انگلیس از ... دولت ایران اخبار خواهد شد و از وقت دولت ایران
برای هر مبلغی که از قرض مذکور باقی مانده باشد مسئول خواهد بود و بر حسب این فصل
هیچیک از حقوقی که دولت ایران بر طبق قرارنامه در حق کمپانی ایران و کمپانی هند
و انگلستان بر کمپانی مزبوره داشته باشد خللی وارد نخواهد آورد

فصل پانزدهم

هر قسم اسباب که اداره انگلیس از خارج لازم داشته باشد برای رشته سیم در ایران از
رسوم گمرک و باید از عوارضات معاف خواهد بود

فصل شانزدهم

این قرارنامه راجع است به قسمت تلگرافات که از دارالخلافه طهران الی بندر بوشهر
امتداد یافته است و در صورتی که رئیس اداره انگلیس ... اداره تلگراف
طهران و خانقین را به عهده بگیرد این قرارنامه به قسمت تلگراف نیز راجع
خواهد بود و در آن صورت ... قسمت تلگراف از طهران الی خانقین و طرز محاسبات آن
از روی قرارداد مخصوص ما بین ادارات ایران و انگلیس معین خواهد شد

فصل هفدهم

هرگاه ... سیم ... تلگرافخانه ... دولت خارجه ایران و ... دولت انگلیس مقیم دارالخلافه طهران رجوع خواهد شد
که قرار لازمه بدهند

فصل هجدهم

این قرارنامه از روزی برقرار خواهد بود که امضانامه‌ها در آن مبادله شود تا مدت ... و تجزوی
۱۸۹۵ مسیحی باعتبار خود باقی خواهد بود در آن تاریخ اداره انگلیس تمام خط سیم را
بهر حالتی که در آن وقت باشد با تمام رشته ثالث و سیم‌ها را مجاناً به دولت ایران
واگذار خواهد نمود پس از آن هر نوع مداخلت خود را در تلغراف دولت ایران
ترک و موقوف خواهد کرد

فصل نوزدهم

پس از استرداد سیم ثالث دولت انگلیس در خلیج فارس متعهد است در تمام اوقات قبل
از انقضای مدت این قرارنامه و بعد از گذشتن مدت اخبار خط سیم را مجانی حالت
که مت به دولت ایران واگذار نماید و صاحب منصبان و مأمورین خود را از مملکت
ایران بردارد و از آن تاریخ به بعد دیگر به تلغراف دولت ایران هیچ ربطی و
مداخلتی نداشته باشند

فصل بیستم

امضانامه‌های این قرارنامه در مدت پنج ماه یا هر گاه ممکن شود زودتر در
طهران در روز   شهر رمضان سنه ۱۲۸۹ یکهزار و دویست و هشتاد و نه هجری
مطابق ۵ نوامبر سنه ۱۸۷۲
یکهزار و هشتصد و هفتاد
و دو مسیحی
نوشته شد

مهر

صورت قرارنامه منعقده در باب راه آهن فیمابین دولت علیه
ایران و کمپانی انگلیس مورخه روز پنجشنبه نوزدهم شهر جمادی الاولی
مطابق بیست و چهارم اغوست سنه ۱۸۷۲
کمپانی بارون د رویتر انگلیسی

بجهت راه آهن و اعمال منفعه عامه در ایران

مطالب امتیازنامه حقوق از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران به بارون جو
لیوس دو رویتر

فیمابین دولت شاهنشاه ایران و بارون جولیوس دو رویتر در ترتیب شدن فقرات
ذیل منعقد و برقرار است

فقره اول دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه به بارون جولیوس دو رویتر
اجازه و اختیار تام میدهد که در فرنگستان بهر اسم و با هر شرایط که خود مشخص
نماید یک یا چند کمپانی تاسیس و احداث کند که در تمام خاک ایران بانی کارهای
منفعه که در این امتیازنامه مذکور است اقدام کند و آنها را مجری بدارد

فقره دوم دولت علیه ایران از برای مدت هفتاد سال امتیاز مخصوص و انحصاری
و قطعی راه آهن بحر خزر را الی خلیج فارس به بارون جولیوس دو رویتر و به شرکا
یا به کمپانی او واگذار مینماید و همچنین با ایشان حق مخصوص و انحصاری و قطعی میدهد
که هر شعب راه آهن که مناسب بدانند خواه بجهت اتصال ولایات و شهرها
در داخله خاک ایران خواه بجهت اتصال راههای آهن ایران به راههای آهن ممالک
خارجه از هر نقطه از نقاط سرحدات ایران رو به هندوستان و فرنگستان

بسازند و نگاهدارند یا از نو

فقره سیم دولت علیه ایران به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز
انحصاری داده است که در هر نقطه که مناسب بدانند (ترانسپرتها) لوله بکشند
خواه بجهت اتصال معادن و قصبه‌ها و دکانات یا دیگر خواه بجهت اتصال این اماکن
براههای آهن یا بدان نقاطی که کمپانی در آنجاها کار دارد
کمپانی از برای ساختن این ترامواها همان امتیازات و حقوقی را خواهد داشت
که بجهت راه آهن در فقرات چهارم و پنجم و ششم داده شده است
فقره چهارم در قرار این که بجهت ساختن خطوط راههای آهن و شعبه‌های آن و ... های
جنسی و راهها کرزی و تلگراف در راههای احتیاط و سراهای خروج و ورود و
منازل و اماکن سکنی از برای مامورین و کارخانجات الکتریک و گاری رو و محوطات
آنها لازم شود دولت علیه ایران همه آنها را بلا از املاک خالصه مجاناً باین کمپانی
مرحمت و واگذار ... در باب اراضی متعلق باشخاص داشته ... باید کمپانی با صاحبان آن اراضی
با رضای طرفین قراری بگذارد و دولت علیه ایران با تمام وسایل خود کمال سعی
و اهتمام را خواهند نمود که این اراضی را بقیمت عادله مملکت از برای کمپانی خریده
تحصیل شود و اگر لازم شود اصحاب این اراضی را موافق قاعده جبراً راضی به ... اراضی
خود را به کمپانی بفروشند علاوه بر عرض معینه راههای آهن دولت علیه ایران
از هر طرف خطوط ... این ... طول آنها باشد از املاک خالصه
از آن اراضی که تا امضای این قرارنامه زراعت کرده باشند و یا حاصل ... شده
مقدار بیست متر به کمپانی ... علاوه از نهرها و ... که کمپانی باقتضای مصلحت

خود

خود عمارات از برای راههای آهن منازل قرار بدهد و بعضی کمپانی مقتضی
باشد در بعضی نقاط دیگر دولت و لم یزرع منازل به زودی دولت ایران
در آنجاها که کمپانی بخواهد کمپانی چهار هزار ذرع مربع زمین خواهد داد که
بجهت امور مخصوصه در آنجا باشند بتوانند اسباب گذران این دستگاه را
بیاورند

فقره پنجم کمپانی اجازه و حق تمام دارد که بجهت ساختن و حفظ و تعمیر راههای
خود هر مصالحی که لازم داشته باشد از قبیل ریگ و سنگ و آهک و غیره از
املاک خالصه مجاناً بگیرد و بجهت مصالح تعمیرات از قبیل آلات و ادوات و غیره
و چوب و غیره که کمپانی بخواهد در جاهائی که کار دارد بخرد دولت قدغن خواهد کرد
که بیش از قیمت رواج مملکت چیزی در بهای آن نگیرند
فقره ششم هر نوع مصالحی که بجهت ساختن و نگاهداری راه آهن لازم باشد
داخل مملکت ایران خواهد شد بی آنکه هیچ رسومی چه رسوم گمرک چه رسوم
بجهت خروج اجناس نه رسوم دخول نه رسوم انبار و نه رسوم دیگر که در عرض ...
چه از جانب دیوان و چه از جانب اشخاص مطالبه شود و گمرک حق ممانعت
نخواهد داشت اما بطوری که به رعیت و در ... مصالح ... که مقصود است
بهیچ وجه تا تأخیر نخواهد ... و همین حق معافیت از هر نوع رسوم از برای تمام
مصالحی که بجهت اقدامات و کار کردن و تعمیر تعمیرات کمپانی لازم شود از جانب
دولت معهود بر قرار است مامورین و عمال کمپانی از هر نوع مالیات داخلی معاف
خواهند بود و همچنین کل اراضی کمپانی هر ... که در ... باشند از هر نوع مالیات و ...

کمپانی معاف خواهند بود و محصولات کلیه اعمال وابسته کل تصرفات کمپانی بازاد در تمام
خاک ایران عبور و مرور خواهند کرد و در حین خروج از خاک ایران از هر نوع رسوم و
مالیات معاف و آزاد خواهند بود

فصل هفتم مخارج نظامی حفظ راه آهن و مهندسی که باید بر سر آن هر قطعه راه آهن کار
بکنند با موافقت دولت معین منعقد شده در عهده محول می خواهد شد با این امتیاز نامه
ضمیمه

فصل هشتم روزی که این امتیاز نامه ممضی شود چهل هزار لیره انگلیس باسم دولت ایران
و اصحاب این امتیاز در بانک انگلستان رهن گذاشته خواهد شد هرگاه در ظرف
این قرارنامه الی پانزده ماه دیگر شروع باین کار نشود این مبلغ ضبط خواهد شد
مگر اینکه تأخیر شروع کار بحکم اسباب بوده باشد بواسطه جنگ یا موانعی بشود که از اراده
کمپانی خارج باشد از قبیل جنگ و حریق و تعطیل حمل و نقل در ممالک خارجه در صورت
قبض حکم رشت ... هنگام تقدیم کفایت ساختن راه آهن از رشت الی طهران
این وجه از ... است این مبلغ چهل هزار لیره رهن به کمپانی رد خواهد شد

فصل نهم کمپانی تعهد میکند در تمام مدت این امتیاز از منافع خالص حمل راه آهن
صدی ... بدولت ایران بدهد

فصل دهم بعد از انقضای مدت این امتیاز که عبارت از هفتاد سال است باید
اصحاب این امتیاز قبل از وقت در باب اینکه تصرف و تمتع این راه را در مدت
ایشان و تا ... واگذار به دولت گفتگو کنند و قراری بگذارند در صورتیکه
در باب ... دولت و اصحاب امتیاز قرار تازه ... جمیع خطوط ...

این

این امتیاز و قرارنامه ساقط شده باشد با مصالح ثابته و متحرکه خود مال دولت خواهد
بود در باب امتیاز و توابع خط راه آهن رجوع خواهد شد بآن قواعدی که عموماً سایر
دول رعایت کرده اند و شروطی که در این باب بر دولت سابقه هم بشود اصحاب
این امتیاز در عوض راه آهن که به دولت واگذار نموده حق مطالبه هیچ تنخواه و هیچ
ادعائی نخواهند داشت

فصل یازدهم دولت علیه ایران بحکم امتیاز نامه و قرارنامه حاضره باصحاب
این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی میدهد که در مدت طول این
امتیاز در تمام ممالک ایران معادن زغال سنگ و آهن و مس و سرب و نفط و
غیره ... و هر معدن دیگر را ایشان مناسب بدانند کار بکنند و از آنها تمتع بردارند
غیر از آن معادن که ملک مردم است و صاحبان آنها الان در آنها کار میکنند
در خصوص این نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهد آنها را بخرد باید با صاحبان آنها
بر خلاف طرفین معامله نماید بطور ... مقرر است هیچیک از کارکنان ایران
و مأمورین دولت ... و هیچیک از تبعه و رعایا و اشخاص نمیتوانند در خصوص یک
معدن ادعای حق تصرف نماید مگر در صورتیکه در مدت پنج سال قبل ... صورت
... در آن معدن کار کرده باشد خارج از این شرط هر معدن که کمپانی
پیدا بکند ... ملک ... شده و از جانب کمپانی تبعیت شده
... شده و اگر لازم شود دولت صاحبان آن زمین را مجبور
خواهد کرد که ... کمپانی ... دولت معادن ...

وجواهرات از برای خود نگاه میدارد از برای کار کردن این نوع معادن دولت مرقومه
با کمپانی قرار مخصوص گذارد

فقره دوازدهم از محصولات خالص هر معدنی که کمپانی بکار بیندازد دولت ایران
از منافع خالص آن سالی صدی پانزده مرسوم مقرر خواهد گرفت

فقره سیزدهم از برای کار انداختن معادن و اتصال آنها براهای آهن و ترامواها
و طرق دیگر هر قدر زمینی لازم بشود از املاک خالصه مجاناً به کمپانی داده خواهد شد
بجهة کار کردن این معادن کمپانی همه نوع اسباب خواهد بود از امتیازاتی که در فقره
ششم برقرار است و همچنین محکوم بهمان تعهداتی خواهد بود که در فقره نهم
معین است

فقره چهاردهم دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه با صاحب این امتیاز حق
مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی بجهة مدت طول این امتیاز در جنگلهای
ایران واگذار کرد و این جنگلها را بکار بیندازند و از آنها تمتع بردارند این فقره
کار کردن و تشخیص تمتع کمپانی در جنگلهای ایران هر زمینی که باشد بر هر زمینی
که تا امضای این قرارنامه زراعت نشده باشد جایز و معمول خواهد بود در هر
جائی که کمپانی در خیال انجام داشته باشد هر اراضی که دولت بخواهد بفروشد
کمپانی قبل از هر کس حق خواهد داشت که آن اراضی را از دولت بقیمت متداوله
بخرد دولت ایران از منافع خالص این جنگلها سالی صدی پانزده قسمت خواهد برد

فقره پانزدهم دولت علیه ایران با صاحب این

امتیاز

امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری بجهة مدت این امتیاز در تمام ممالک
ممالک ایران بجهة برگردانیدن رودخانه‌ها و جاری کردن آبها و ساختن بندها و سدها
و حوضها و کندن چاهها و نهرها و مجاری مصنوعی و بجهة آوردن آبها که دولت
بر آنها حقی تحمیل نداده باشد و جاری کردن آن آبها به نقاط مختلفه هر جا صاحب
این امتیاز مصلحت بداند هر عمل و کاری و اقداماتی که لازم باشد بجهة مجری داشتن
و هیچ صاحب ملکی نمیتواند عبور این آبها هیچ نوع مانعی بجهة عبور آنها
موانع و عوائق بگذارد از آن طرف هم بصاحب ملکی که از عبور این آبها خساراتی
وارد بیاید کمپانی تفاوت خواهد کرد

دولت علیه ایران بجهة کارها و بناهای آب کشی و هر نوع اعمالاتی که متعلق به آب داشته
باشد هر قدر زمینی که لازم بشود بکمپانی مجاناً خواهد داد و علاوه بر این دولت ایران
از هر طرف جوبها که کمپانی ساخته باشد مقدار بیست ذرع زمین بطول آن جوبها
مجاناً بکمپانی خالصه داده و هر زمینی که بیرون کمپانی بواسطه آبهائی که آورده باشد
دایر کند بتصرف اختیاری و زراعت آن زمین حق کمپانی خالصه بوده کمپانی
قیمت آبهائی که بخواهد بفروشد باتفاق دولت و برضای طرفین معین خواهد
کرد دولت ایران از منافع خالص این آبها سالی صدی پانزده قسمت خواهد
برد

فقره شانزدهم بجهة ساختن راه آهن و امتیازات آن بحکم این قرارنامه با صاحب
این امتیاز نامه واگذار شده است و بجهة اجرای اعمال و متعلق کارها و اقدامات

وجوهات مزبوره فوق ذکر شده است دولت علیه ایران به بارون دو رویتر و شرکای او
یا بوکلای او اجازات و اختیارات تام میدهد و بحکم این قرارنامه اجازه میدهد که مشارالیه
قرض جاری از صد و پنجاه فرانک تا شش میلیون لیره انگلیسی باشد برسم حصه‌های
شراکت یا سندات قرض صادر نماید منفعت و قیمت و طرز و شروط صدور این
مبلغ را صاحب امتیاز بعد مشخص خواهد کرد

فقره هفدهم دولت ایران بحکم این قرارنامه کفیل هر سرمایه که صادر شده باشد
یا بعد صادر شود سالیانه صدی پنج منفعت و مطالبات آن صدی دو هم کفیل اداره شده و به
یکپانا ضمانت میکند

فقره هیجدهم این ضمانت صدی هفت برعهده مداخل معادن و ابنیه و جنگلهای دولت
علیه ایران است این ضمانت مخصوص که اداره داشت بعد پس از اتمام خط راه آهن
از بحر خزر الی اصفهان مطابق همان طرز و ترکیب مذکور در فقره اول معمول باشد
تا آن وقت که با منفعت سالیانه را از روی آن سرمایه ادا نماید صادر شده است
تا از روی آن سرمایه جدید که اجازه و اختیار دارد بموازین مصوبه منفعت صادر نماید
بر حصه داران ادا خواهد کرد

فقره نوزدهم دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه متعهد میکند که اجاره گمرکهای
ایران را از تاریخ ماه مارس ۱۸۷۳ مطابق شهر ۱۲۹۰ هجری تا مدت
بیست و پنج سال با صاحب این امتیاز بدهد بجهت این اجاره گمرکها اصحاب این
امتیاز مبلغ اجاره حالیه را به دولت خواهند داد علاوه بران سالی هم مبلغ

پانصد

پانصد هزار فرانک یا بیست هزار لیره انگلیسی برسم اضافه خواهند داد این شرایط از ابتدای
پنج سال اول مقرر است و از ابتدای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانک مبلغ
اضافه فقط از روی کل منفعت خالص سالانه صدی پانزده منفعت به دولت داده خواهد شد غیر از
قیمت اجاره

فقره بیستم در صورتیکه دولت علیه ایران بعد از این مصمم بشود که امتیاز بانک و یا تجارت
گمرکی و اقتصادی را از هر قبیل که باشد بدهد این امتیاز بحکم این قرارنامه محفوظ و
مخصوص و مقدم است از برای این کمپانی بر جمیع اشخاص و کمپانیهای دیگر حق رجحان
خواهد داشت

فقره بیست و یکم از برای جمیع کارها و اقدامات از قبیل گاز و فرش کوچه‌ها و تزیین
پایتخت و راهها و شوسه‌ها و چاپارخانه‌ها و تلگرافخانه‌ها و آسیاها و کارخانجات و اسباب آلات
و سایر کارخانجات و غیره که بعد از این امتیازی بخواهند اصحاب این امتیاز خاصه
در جمیع این موارد و امتیازات حق رجحان بر جمیع اشخاص و کمپانیهای دیگر خواهند
داشت

فقره بیست و دوم اصحاب این امتیاز در هر وقت میل داشته باشند کل این حقوق
که بواسطه این امتیازنامه داده شده است یا یک جزء این حقوق را به هر طور که بخواهند
یکجا و دیگر یا به مشتری دیگر بفروشند یا منتقل نمایند

فقره بیست و سیم اصحاب این امتیاز متعهد میشوند که این اعمال غیر از اعمال معادن و ابنیه و جنگلها
یا اعمال راه آهن هم شروع کنند قبل به اتمام ممکن [illegible] اجرای آنها را [illegible] دولت علیه

ایران نیست و در طرف حدود ممالک ایران معاملات خارجه که کمپانی مختار است بیاورد
اجرت به هر قدر معامله که کمپانی بجهة اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بقیمت بنادر
مملکت از برای کمپانی بیع خواهد کرد

دولت علیه ایران از برای حفظ امنیت مرزبانی و هر محل که بجهة هر یک از این اعمال
کمپانی داده است و همچنین از برای کمال امنیت هر یک از وکلا و کارگزاران و مأمورین
و عملجات کمپانی هر قدر امداد که لازم باشد اعلام خواهد کرد و هر تدابیری که واجب
باشد حکم باجرای آنها خواهد نمود

فقره بیست و چهارم این امتیازنامه بزبان فارسی ترجمه شده است و در صورت ظهور
مشکلات فیمابین طرفین متعهدین معنی فرانسه اصل تفاسیر خواهد بود در طهران
بتاریخ بیست و پنجم ژوئیه سنه ۱۸۷۲ مطابق روز پنجشنبه هیجدهم شهر جمادی الاولی
سنه ۱۲۸۹ هجری

جناب اشرف امجد میرزا حسین خان مشیرالدوله صدر اعظم دولت علیه ایران
بحکم اختیارنامه مرحمت شده از جانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه
ایران داده شده است باتفاق چند نفر از وزرای دولت این قرارنامه را
امضا و تصدیق داشته و اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی نیز این قرارنامه را
بامضای همایون خود تصدیق فرمودند

محل مهر همایون | ایضاً همایون | السلطان ناصرالدین شاه قاجار

وزرا و وکلای دولت علیه ایران که مهر نموده‌اند بقرار ذیل است

نواب جلیل میرزا [?] اعتضاد السلطنة وزیر علوم	نواب اسعد [?] میرزا علاءالدوله	جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه
جناب میرزا احمد قوام الدوله وزیر مالیات	جناب [?] خان نظام الملک وزیر مالیه	جناب میرزا محمد علی [?] امیر الملک وزیر رسایل [?]
جناب یحیی خان معتمد الملک وزیر دربار همایون	جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک	جناب محمد خان ناصر الملک
جناب حسین خان وزیر فوائد عامه	جناب پاشا خان امین الملک وزیر عدلیه	[illegible]

این یک فقره است در باب تصحیح فقره ابهام قرارنامه سابق که از نو نوشته شده است

بطور صحیح مقرر است که حق دادن وقت اتمام خط راه آهن از رشت الی اصفهان
دولت علیه ایران بجهة اداره شرکت [?] بمحصلات مستقل نخواهد بود
اگر کمپانی لازم خواهد بود که تا آن وقت معادن و راهها و جنگلها و گمرک را بالتمام
رسانیده بکار اندازد و عمل آنها منفعت آن سرمایه که ضمانت شده مساوی باشد
در صورتی که اصحاب امتیاز در آن وقت چنان نتیجه بدست نیاورده باشند از
دولت هیچ مطالبه نخواهند کرد و در اداره همه امور بجهة انجام کمپانی وسیع اتخاذ کرده [?]
نه زیاد [?] مقرر است هیچ تغییر و تبدیلی جایز نخواهد بود [illegible]

نزد ما را از روی مرحمت اولیا به ... با اینکه بعد از اختیار رسمی خود مرحمت دیگر رسید از آنچه

با این طور رضا نداد که در این امتیاز نامه مقرر شده است و نظر به جمیع مقررات که

بارون جولیوس رویتر که قبول این امتیاز نامه حاضر بودن و هیچ استثنا و استعفا

و تغییر نکند جمیع آن تعهدات که مسیو کوت در خصوص این امتیاز نامه در طهران

بر عهده گرفته است تا تاریخ بیست چهارم اوت ۱۸۷۲ مطابق روز سه شنبه

نوزدهم جمادی الثانیه ۱۲۹۸

سواد کاغذی است که مسیو کوت وکیل و مامور بارون جولیوس رویتر در طهران نوشته است

بعد از تمجید و تحسین بعضی فقرات عمده امتیاز نامه راه آهن و اعمال فوائد عامه در ایران که به مقتضای آن اعلیحضرت شاهنشاهی به تاریخ بیست و پنجم ژوئیه ۱۸۷۲ در حق بارون جولیوس رویتر عطا شده ... من که وکیل بارون رویتر هستم در مقابل جناب ناظم الملک وکیل دولت ایران تعهدات ذیل را بر عهده میگیرم

فقره اول قرار به جمیع آن کمپانیها که صاحب امتیازات راه آهن که بخواهند که امتیاز نامه تشکیل نماید قبل از وقت باید به ناظم الملک با کمپانی اعتبار نامه مخصوص داشته باشند تحقیق و قبول نماید

فقره دوم دفاتر حمل جمیع کارها و اقدامات که از این امتیاز نامه مزبور باشد باید قبل از وقت و پیش از اجرا به مامور دولت ... اگر شود و تصدیق او برسد

فقره سیم قیمت و منافع صد در صد ... به اولیا و همچنین قیمت ردو منافع و منافعات سود سرمایه های بعد به هر طرز که باشند به ناظم الملک وکیل ... اگر ...

خواهد

خواهد شد

فقره چهارم جمیع کارهایی که در حقیقت واسطه و مساعدت وکیل اقدامات که متعلق به امتیاز نامه مزبور وارد و مخالف قرار این معروضه و ملک فرنگستان باتفاق مامور دولت ایران در تحت قاعده و ضبط خواهد شد و این مقرر است که کلیه این فقرات مذکوره یک امضای مامور دولت کلیه اجرای آن قواعد کافی خواهد بود و نیز مقرر است که دولت ایران هیچ تکلیفی مخصوص بر عهده ... مرجع نخواهد گذاشت که اجنبی را اختیار ... او و اگر چه تعیین این قرارها بر هم زده حکم این قرار نامه شرط آن خواهد بود که لفظ بلفظ در امتیاز نامه اصلی مندرج باشد

ایضا سواد نوشته مسیو کوت وکیل بارون رویتر که در طهران نوشته است

چون میرزا ملکم خان از ... که از جانب دولت ایران با وصف حقوق داده شده است بارون رویتر ... اگر ادعا او را اعتراف نماید تعهد میکند که این امتیاز نامه ... حاضر ... که مطابق قانون تحصیل کرده است مجری خواهد کرد پس از آنکه میرزا ملکم خان به اطلاع ترک دعوا دولت ایران را از هر نوع مسئولیت بری ساخته باشد

دولت ایران تعهد میکند که به هر نوع و سبب مرحوم بارون رویتر را تقویت نماید که از میرزا ملکم خان این ترک دعوا را بزودی تحصیل که حسب ... اقتدار رسانید

امضاء (کوت)

سواد دستخط همایون شاهنشاهی بعد از مراجعت از سفر فرنگستان

جناب مشیر الدوله از امروز به بعد اگر جهات گفتگو با دولت ایرانی با رایتر یا دیگری

راجع بدولت ایران در فقره راه اهن داشته باشند باید بدهد تا گفتگو شود
و قرار بر آن لازم است داده شود فی شهر سنه ۱۲۹۰ در طهران دهم رمضان المبارک
[illegible] ۳ X

ترجمهٔ قرارنامه ایست که درباب حقوق قونسولها فیمابین دولتین روس و فرانسه منعقد شده است بتاریخ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۱ هجری مطابق هشتم مارس روسی ۱۸۷۴ عیسوی

فصل اول هر یک از دولتین متعاهدتین حق دارند که در مملکت یکدیگر اگر چه در متصرفات انها دیگر لازم باشد در بنادر و محل تجارتها جنرال قونسول و قونسول و ویس قونسول و مامور وکیل قونسول نگاه دارند لیکن هر یک از دولتین مزبورتین این حق را برای خودشان مرعی میدارند که جاهائی که مناسب میدانند مستثنی نمایند و بعضی که در انجاها قونسول متوقف نشود مشروط بر آنکه این حق برای دول دیگر داده نشده باشد جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و ائژان قونسولها بعد از آنکه موافق قرار و رسم اهالی مملکت پذیرفته و شناخته شدند از وقت اقدام باجرای خدمات و تکالیف خودشان خواهند نمود

فصل دویم جنرال قونسولها و قونسولها و قنسولها و نایب های انها و ویس قونسول و ائژان قونسولها که رعیت دولتین هستند که انها را مامور کرده از تحمیلات ابنیه معاف و مسلم خواهند شد اولاً از خانه نزول عساکر و از دادن منزل لشکریان باشند ثانیاً از دادن هر وجه نقدی از دادن مالیات مستقیم و مالیات شخصی و مالیات منقولی که

بجهة

بجهة تقبل تحمیلات و منافع وضع شده است خواه این مالیات را دولت قرار داده باشد خواه جماعت لکن در صورتیکه مامورین مزبور تاجر یا شغل دیگر داشته و با تجارت و یا صنعتی در اهالی مملکت بحق ماموریت خود داشته باشند از وقت انها مطیع همان تحمیلات و عوارضات خواهند شد که سایر اهالی مملکت مشمول شده اند انها را از قبیل گرفتن و توقیف کردن و حبس کردن درباب کارهائیکه موافق قوانین اهالی مملکت باید رجوع بمحکمه نشود (جز آنکه درباب جنایات) از قبیل قتل و سرقت و غیره و اگر مامورین مزبور از قبیل تجار باشند مثل آنان انها را حبس بکنند فقط بجهة تجارت لکن نه بجهة مرافعه داشتن این معنی بلحاظ آنکه انها تجارت دارند و سایر تجار در این قبیل کارها موافق قانون مملکت گرفته و حبس میشوند انها را هم میتوان حبس کرد و اما بجهة داشتن مرافعه حبس انها ممکن نیست زیرا که جنایت در فوق ذکر شد این امتیاز برای انها مرعی داشته شده است

فصل سیم دولتین که دو ملت مختار میشوند جنرال قونسولها و قونسولها و نایب قونسولها انها و ویس قونسولها را لازم داشته باشند باید انها ادای شهادت کنند لکن در این صورت کارگزاران عدلیه باید انها را بموجب کاغذ رسمی دعوت نمایند و اگر علاوه برای مامورین باشند و فقط در کارهای عادی و غیر از جنایت باشد کارگزاران عدلیه باید بخودشان منزل انها رفته از زبان انها استماع شهادت کنند یا آنکه باتفاق رسم مملکت تحریراً از انها سئوال نمایند مامورین مزبور هم مجبور هستند که خواهش کارگزاران عدلیه را در مدتی که تعیین خواهد شد بعمل بیاورند

فصل چهارم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکلای قونسولهای هر یک از
نشان دولت خودشان را بالای در [illegible] گذاشته و این کلمات را بنویسند
(قونسولگری یا ویس قونسولگری یا وکیل قونسولگری دولت فلان) همچنین در بنادر
بحری مختار هستند بیرق دولت خودشان را بالای خانه خودشان یا در کشتی که
سوار شده بجهت خدمت بیرون نصب نمایند و این محقق است که علامات مزبوره
نمی‌توانند دلالت و اعتبار حق پناه قونسولگری شود بلکه فقط بجهت این است که
تبعه و اهالی دولت متبوعه قونسول محل توقف امور خودشان را
بشناسند

فصل پنجم دفترهای قونسولگری در هر وقت مقدس و محترم خواهند بود و ضبط و
انها حقاً جایز نیست چنانچه کارگزاران محلیه نباید بهیچ وقت و بهیچ مستمسکی
که باشد کاغذ نوشتجات و دفترهای آنها را ملاحظه کنند و یا ضبط نمایند اگر قونسول
و ویس قونسول و وکیل قونسول در این مقام هیچ در همان محل تجارت و حرف [illegible] مشغول
باشند آنوقت باید نوشتجات قونسولگری از نوشتجات دایره تجارت تفکیک شود
شود و جدا جدا نگه داشته شود

فصل ششم اگر بعد از جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها فوت شود [illegible]
مثلاً غیبت نماید و یا بیرون از آنوقت دفتردار یا نایب که سابق کارگزاران محلی
همان دولت معرفی شده باشند کالت حق دارند تکالیف قونسولها را معمول و مجری
دارند و در این مدت از همان حقوق و امتیازاتیکه بموجب این عهدنامه به مأمورین
مزبور داده شده بهره‌مند شوند

فصل هفتم جنرال قونسولها و قونسولها حق دارند بشرط مقابله بین دولتین معظمتین مأموریت
اجرای ویس قونسولها و وکیل قونسولها در شهرها و بنادر و جاهائیکه تحت قلمرو
ایالت تعیین نمایند این مأمورین میتوانند بلاتفاوت از تبعه دولتین و یا از تبعه
خارجه انتخاب بشوند و باید از قونسولها که آنها را تعیین کرده‌اند حکمی در دست داشته باشند
بموجب همان حکم مأمورین مزبور در تحت حکم قونسول خواهند بود و آنها از همان معافات
و امتیازاتیکه در این عهدنامه تصریح شده متمتع خواهند شد که از مستثنیات که در
فصول چهارم و پنجم ذکر گردیده و این مخصوصاً متفق است اگر یکی از تبعه دولتی که محل توقف
قونسول است در یکی از شهرها یا بنادر همان مملکت ویس قونسول و یا وکیل قونسول تعیین
شده باشد آنوقت قونسول یا وکیل قونسول یکی از تبعه دولت متبوعه خود محسوب شده
و مطیع قوانینی خواهد شد که سایر تبعه دولت متبوعه خود بجهت همان قوانین را جاری
کنند بطوریکه بهیچ نحو از قوانین مملکت نتوانند منع اجرای مأموریت او بشود و با اینکه
همچنین جمیع دفترهای قونسولگری را کارگزاران محلی نباید هیچ وقت حق ملاحظه نمایند
یا ضبط کنند

فصل هشتم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولها حق دارند
در صورت نقض فصول عهدنامه‌ها یا قراردادها یا در صورتیکه در حق تبعه آنها ظلم
واقع شود و موجب شکایت آنها شده باشد بکارگزاران محلی که در حوزه خودشان شکایت نموده و از ایشان
جواب نمایند در صورتیکه کارگزاران مزبور حرف آنها را مسموع نداشته باشند آنوقت
حق دارند اگر در همان دولت مأمور دیپلوماتیک نداشته باشند کیفیت را اکبر وزارت
خارجه دولت اظهار نمایند

فصل نهم جنرال قونسولها و قونسولها و [illegible] و ویس قونسولها و وکیل قونسولهای
دولتین حق دارند در منزل خودشان بکفایت برسند و در گذشت تبعه خودشان
جزء اینکه با کاپیتانها و ملاحان و مسافرین و تجار و سایر تبعه خودشان رسیدگی کنند حسب مقتضی
برحسب قوانین دولت متبوعه خودشان شهادات و سایر اظهارات اشخاص مزبوره
فوق را نوشته و تصدیق نمایند (و هم عبارت از تصرفات که در باب
وصایا بجهة وراثت سندات ترکه تعیین می‌شود)
اولاً هر قسم اسناد وصیت نامه و قباله و سایر سندات ترکه متعلقه
به تبعه خودشان را بنویسند لکن اگر این سندات در باب رهن که اشتقاق و بیع و شرای
املاک غیر منقول است که در همان مملکت متوقف قونسول است آن وقت باید
سندات مزبوره موافق قواعد و قوانین مخصوصه همان ممالک نوشته
شود
ثانیاً هر قسم سندات را که فیمابین یک نفر یا اشخاص متعدد و اهالی همان مملکت
که در آن متوقف قونسول است نوشته شود همچنین است سندات که فیمابین اهالی همان
مملکت متوقف قونسول جاری می‌شود لکن متعلق باملاک و کارهائی می‌باشند که
در مملکت قونسول واقع است یا کفیل خواهد شد آنها را هم مامورین مزبوره می‌توانند
انشاء و امضا کنند همچنین مامورین مزبوره حق دارند سندات کارگزاران دولت
متبوعه خودشان را ترجمه کنند و یا بمهر خودشان معتبر و تصدیق نمایند جمیع
این سندات که در فوق ذکر شده همچنین سواد و ترجمه‌ها و ملاحظه اگر بطور
لازم معتبر و تصدیق شده بمهر قونسولگری و یا ویس قونسولگری رسیده باشد در محاکم و لدی

مشابه

مشابه اینها همان قوت و اعتبار را خواهد داشت که سایر سندات آنها که در پیش نوشته
یا مامور دولت همان مملکت تمام شده و هم مشروط بر اینکه از این سندات حقوق مهر
ملکی و ثبت دفتر و سایر مالیات معموله مملکتی که همان سندات در آنجا ابراز و مجری
خواهد شد استیفا شده باشد
فصل دهم جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولها و وکیل قونسولهای متعاهدتین
در صورتیکه این قاعده مجری شده و بر شما خودشان اتفاقاً گذشت حق خودشان را یا
کشتی مامور متوفی شده تا اینکه از کاپیتان و یا ملاحان استحقاق نمایند و در شناخت کشتی را
ملاحظه کنند و اظهارات آنها را در باب مسافرت و مدت غیبت و تقاعد و حوادثات
بنویسند و مشروح بنویسند و مسافرت آنها را بمهر نمایند و یا اگر آنها به دیوانخانجات و
دفترخانهای کارگزاران همان مملکت که رفته بروند همراهی نمایند و بجهت [illegible] کارگزاری
و علاوه در باب امورات اتفاقیه یا جزء امضاهای آنها بکنند که در صورتیکه خلاف
قوانین تجارتی مزبوره را مسدود یا حاصل نمایند کارگزاران عدلیه و صاحب منصبهای
گمرکخانه باید جستجو و ملاحظه در حضور قونسول یا وکیل قونسول باشد
در صورت نامه موارد این باب قونسول یا ویس قونسول و یا وکیل قونسول در مملکت
شود باید ساعت ملاحظه و جستجو معلوم شده باشد اگر در ساعت معینه خود قونسول
یا یک نفر وکیل نفرستاد آن وقت کارگزاران محلی بدون حضور قونسول و یا وکیل
او می‌توانند جستجو و ملاحظه لازم را بکنند
این ملحوظ است که این فصل تبعه ایرانی که کارگزاران محلی بموجب قواعد گمرکخانه (بصحت)
اخذ کرده اند شامل نمیشود و اینها نه اینهم و قرار داد بدون حضور قونسول و قونسلخانه

آن مجری خواهند نمود

فصل نوزدهم در باب حفظ نمودن و بار کردن کشتی و پائین آوردن بار را ناخدا و رعیت
مال التجاره و اجناس که در باب قوانین و قواعد معموله مملکت در ایام عریضه ارشد
قونسولها و ویس قونسولها و دیگر قونسولها مکلف هستند و نظم داخله کشتی
خودشان را حفظ نمایند پس در این صورت مشاغل را که کشتیها را
و صاحب منصبان و ملاحان کشتی اتفاق می‌افتد خاصه منازعات را که دارای
و اجرای حقوق قرار نمودند و باشد حقوق مأمورین مزبور را دقیقا ملاحظه می‌کنند
کارگزاران محلیه نباید مداخله نمایند مگر در صورتیکه منازعات و دعوا
که اتفاق افتاده نظم شهر و ساحل را مغشوش کند یا اینکه کسی از اهالی مملکت یا دیگر
که داخل جزو عمله جات کشتی نیست یکی از منازعه کنندگان باشد

در سایر موارد تحقیق کارگزاران محلی این خواهد بود که اگر قونسول یا ویس قونسول
یا دیگر قونسول در باب گرفتن یا حبس کردن شخصی از عمله جات کشتی حمایت آنها را
لازم داشته باشد تقویت لازم را بکنند

اگر لازم بشود که حبس اشخاص مزبوره طول بکشد از وقت قونسول یا ویس قونسول
هر چه زودتر ممکن باشد بموجب اعلام رسمی کارگزاران محلیه اطلاع بدهند

فصل بیستم اگر یکی از عمله جات کشتی فرار نماید

اگر هر در خاک یکی از دو طرف متعاهدین هم باشد جنرال قونسولها و قونسولها و ویس
قونسولها و دیگر قونسولها می‌توانند آنها را اگر چه خواه تبعه دولت خودشان خواه تبعه
دولت خواه مملکت خودشان در این باب لازم است که مأمورین مزبور مراتب را رسماً

بکارگزاران

بکارگزاران محلی اظهار کرده و در اثبات اینکه اشخاص مزبوره فی الحقیقه از عملجات
کشتی متعلقه یا در فهرست کشتی یا رخطها یا سایر نوشته‌ها را که فقره مزبوره اثبات
می‌کند ابراز نمایند و اگر کشتی حرکت کرده باشد سواد صحیح دفتر یا نوشتجات
فوق الذکر را نشان بدهند چنانچه کارگزاران محلی هم بعد از آنکه بصدق
ادعای مأمورین مزبور را بخصوص سطور محقق کرده مجبور هستند در دادن قراری
فرودگاه اداره و معاونت نمایند

ایضاً لازم است که کارگزاران محلی با مأمورین مزبور در باب تفحص و دستگیر فراریها
لازمه حمایت و تقویت را بکنند و برحسب اظهار رسمی مأمورین مزبور آنها را
با خرج قونسولگری در حبس نگاه دارند تا اینکه کشتی و آنها از عملجات او بعد آنجا
برسد یا وسیله فرستادن آنها بمملکت خودشان اتفاق بیفتد اگر از روز حبس
فراریها الی دو ماه وسیله فرستادن منعقد نشده یا اینکه مخارج آنها منظما
مطابق قاعده داده نشده آن وقت کارگزاران محلی مجبور هستند فراریهای
مزبور را از حبس بیرون کنند چنانکه فراریهای مزبور دیگر مجدداً بجهت تقصیر
مزبوره مجبور هستند و دیگر در حبس نگیرند

اگر فراری در ساحل مرتکب خلاف یا یکی از امور جنایت شده باشد اوقات
کارگزاران محلی می‌توانند فرستادن او را الی انقضای تا حکم حبسیه از نوع کار را
دیوانخانه تمام نشود و فتوای دیوانخانه کاملا به اتمام در حق او مجری
گردد

ملاحظه تبعه در این باب تعلق هستند اگر فراری یا عملجات دیگر کشتی یکی از تبعه

مملکت بشود که در ان مملکت اگر داده است از وقت شخص مزبور در تحت مضمون این فصل
مستثنی و معاف می باشد

فصل بیستم هر وقتی که میان صاحب کشتی و بارکننده و بیمه کننده ها اختلاف
باشد قطع و فصل عیوبات را که کشتی رسیده و هم خواه کشتی مزبور در جنس تا دامن
بار روانه بشود و خواه نشود تا مامورین قونسول خواهد کرد مگر اینکه منفعت یکی
از اهالی ان مملکت که مامورین تعیین قونسول است یا منفعت شخص تبعه دولت دیگر
در میان باشد از وقت قطع و فصل انها با کارگذاران محلی خواهد بود

فصل بیست و یکم وقتی که یکی از کشتیهای دولت یا تبعه قونسول غرق بشود کارگذاران
محلی هرچه زودتر مراتب را باستحضار جنرال قونسول یا قونسول یا وکیل قونسول
که اقرب محل وقوع حادثه باشد باید برسانند انها باشد که در باب مستخلص کردن
کشتی غرق شده و یا زیان نشسته روس در ابهای فرانسه می شود باتمام از جانب
جنرال قونسول و قونسول و وکیل قونسول و وکیل قونسول روس معمول خواهد
شد و همچنین بالعکس اهتمامات استخلاص کشتی فرانسه در بنادر روس از جانب مامورین
فرانسه خواهد بود

ماموریت کارگذاران محلی در ان مملکت یکدیگر فقط در این باب خواهد بود که نقد قونسولها
جانب مامورین و نظم را حفظ کنند و حقوق خلاص کننده های کشتی را که جزو
عملیات کشتی شکسته استخلاص نباشند دایر دارند و قواعد را در باب داخل کردن و یا
بیرون بردن اموال مستخلص شده وضع شود مجری نمایند

در صورت غیبت جنرال قونسولها و قونسولها و وکیل قونسولها و نایب قونسولها و

انها

انها و یا مامورین انها کارگذاران محلی باید حمایت لازم را از اشخاص کشتی شکسته
و گذاردن اموال مستخلص شده نصف و حیف و میل نشود

فصل بیست و دوم جنرال قونسولها و قونسولها و وکیل قونسولها و نایب قونسولها از انها و دولتین
و وکلای قونسول در مملکت دولتین متعاهدتین و سایر متصرفات انها از همان
حقوق و امتیازات و معافیتی که مامورین سایر دول متحابه در مملکتین داده شده
بهره مند خواهند شد

فصل بیست و سوم این عهدنامه از روز امضا الی ده سال معمول و مجری خواهد بود
اگر یکی از دولتین متعاهدتین یک سال پیش از انقضای مدت به دولت دیگر اظهار
نکرد که فصول این عهدنامه را متروک دارد باز تا یکسال از تاریخ انقضا
مجری و مستدام خواهد بود

فصل بیست و چهارم رئیس دولت جمهوری فرانسه متعهد می شود که بعد از امضای این عهدنامه
از مجلس ملی تصدیق و اجرای این عهدنامه را حاصل نماید و مبادله این عهدنامه
هرقدر ممکن باشد زودتر در پطربورغ بشود و بلافاصله مجری خواهد بود

جانبین وکلای مختار طرفین این عهدنامه را امضا کرده و با مهر دولتی خودشان ممهور
نمودند در پطربورغ بیستم ماه مارس روسی اول ماه اوریل فرانسه سنه
هزار و هشتصد و هفتاد و چهار مسیحی

محل امضای گورچاکوف وزیر امور خارجه روس   محل امضای جنرال لفلو سفیر
کبیر فرانسه [illegible]

(مطابق ماه ربیع الثانی
۱۲۹۱ هجری)

بسمه تعالی

فیمابین جناب حسین خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران و جناب میرزا ... خان
امین الملک وزیر رسائل خاصه با اختیارنامه و اجازه که از دولت متبوعه خود داشته
از یک طرف و جناب فالکنهاگن ژنرال ماژور مهندس معاف شده از خدمت دولت امپراطوری
روس از طرف دیگر فصول آتیه در باب ساختن راه آهن از کنار ارس تا به شهر
تبریز معین و مقرر گردید

فصل اول

فالکنهاگن ژنرال ماژور مهندس معاف شده از خدمت دولت روس متعهد می‌شود
که راه آهن از نزدیک قصبه جلفا مابین رود ارس و شهر تبریز با پول و سرمایه خود بسازد
و بکار بیندازد که اسم این راه آهن راه آهن تبریز خواهد بود از برای اینکه این راه
آهن را به راه آهن قفقازستان متصل نماید دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران وعده
می‌دهد از دولت اعلیحضرت امپراطور روس خواهش نماید که یک راه آهن از شهر
تفلیس الی سرحد ایران در قصبه جلفا یا نقطه دیگر در رود ارس که مقابل قصبه جلفا
باشد بسازد در این صورت ژنرال ماژور مهندس مشارالیه متعهد می‌شود که راه
آهن خود را به راه آهن روس متصل نماید و به اداره راه آهن روس نصف قیمت پل را
که بر روی رود ارس ساخته می‌شود کارسازی نماید

فصل دوم

فالکنهاگن ژنرال ماژور مهندس حق ندارد که این امتیازنامه را که دولت
اعلیحضرت شاهنشاهی برای ساختن و بکار بردن راه آهن به او داده است به دیگری منتقل نماید

الا

الا که کمپانی که ژنرال مهندس مشارالیه خودش تشکیل داده باشد از برای این راه آهن اعتراف
و تعیین نماید و کیل این کمپانی در تمام مدت ساختن راه آهن جناب فالکنهاگن ژنرال
ماژور را باید داشت و بعد از اتمام راه آهن کمپانی مختار خواهد بود اداره بکار
انداختن راه و اعمال متعلقه به حرکت راه را که به فالکنهاگن رجوع نماید یا به دیگری
چون دولت ایران طالب قانونا از برای اینکه امورات تشکیل شده
این کمپانی ژنرال ماژور فالکنهاگن منعقد خواهد شد مطابق قوانین دولت روس
که از برای انتقال کمپانی‌های راه آهن مقرر است

فصل سوم

ژنرال فالکنهاگن متعهد می‌شود کمپانی که به جهت این مقصود منعقد خواهد شد در مدت شش ماه
بعد از مبادله این امتیازنامه مشروع به ساختن راه آهن نماید مقصود از این شروع به
اشتغال به اعمال جسته گریخته نیست بلکه مقصود اشتغال به اعمال عمده جدی است
به نحوی که اول خبره اقدام کند به اعمال راه را منقطع ننماید و اگر کمپانی خواسته
باشد زودتر از شش ماه بعد از مبادله این امتیازنامه شروع به کار نماید مجاز و مختار
خواهد بود و نیز کمپانی متعهد می‌شود که از تاریخ شروع به کار راه آهن تبریز در مدت پنج سال
تمام راه آهن را کاملا تمام نماید و بکار بیندازد و در این ضمن متعهد می‌شود که اگر دولت
اعلیحضرت امپراطوری راه آهن از تفلیس تا جلفا را زودتر از انقضای مدت مزبور
تمام کند کمپانی ژنرال فالکنهاگن شش ماه بعد از راه آهن تفلیس تا جلفا
این راه آهن را کاملا تمام کند و دولت اعلیحضرت شاهنشاهی وعده می‌دهد که چنانچه
در فصل اول این امتیازنامه مقرر است از دولت اعلیحضرت امپراطوری خواهش نماید

که راه تفلیس بلی ره و در ترقی نموده با تمام برساند و از برای مخارج این کمپانی
مذکوره از عهده تعهدات حق راه به ژنرال فالکنهاگن کنترکتر این کمپانی چهار ماه به
از امضاء و مبادله این امتیاز نامه مبلغ [illegible] هزار [illegible] به جای قرار هر یک از
بانکهای دولت روس که دولت ایران مبلغ آن را باید موافق قواعد بانکهای روسیه معین است
وثیقه می‌گذارد و این وثیقه نسبت به ساخته شدن راه آهن به این تفصیل که پس گرفته
خواهد شد

بعد از تسطیح راه [illegible]	بعد از گذاشتن چوبها [illegible]	بعد از نصب کردن میلهای آهن [illegible]
بعد از راه انداختن چرخ کالسکه [illegible]	[illegible]	

فصل چهارم

آنچه که ساخته می‌شود باید کلیه موافق قواعد عالیه معماری و مهندسی مجری که در راههای
آهن دولت روس معمول است ساخته شود احتیاط و انحراف راه باید به قدری
اکثر بوده انتهای در کار کردن راه ظاهر نشود راه باید یک شعبه باشد و فاصله
مابین دو میل آهن از طرف اندرون باید یک عقده ربع فوط انگلیس باشد طول شیب
که از برای [illegible] چرخ عراده اتفاق ورود شدن عراده‌ها از یکطرف به طرف دیگر ساخته
می‌شود باید موافق اتفاقاتی که از برای کار کردن راه باشد و کلیه باید کمتر از
مبلغ طول تمام راه باشد وزن میلها اگر آهن باشد هر یک یارد انگلیس آن باید
کمتر از پنجاه و چهار گیروانکه انگلیس باشد پلها و [illegible] آنها باید از سنگ یا آجر یا فلز

یا فولاد

یا فولاد از سنگ و تخته [illegible] یا از آهن باشد و در دو کناره به اصطلاح فرانسه (کالا)
مرکوب بند و انبارها از برای حرکت بخار و کارخانه‌ها باید از سنگ یا آجر باشد
سایر بناها هم از منازل که (استاسیون) مرکوب بند و ابنیه که در عوض راه واقع
می‌شود از مصالح معموله وسط به که در آن مکان شده اول است ساخته شود منازل
می‌باید موافق قاعده آب داشته باشد عدد منازل کمتر از نه نباشد عدد نقاط قطع
راههای معمول و قناتهای بر راه باید موافق اقتضای مکان باشد در حین افتتاح
راه باید اسباب متحرک از قرار تفصیل ذیل

چرخ بخار	عراده مسافرنشین از [illegible] درجه	عراده بارکش
[illegible] عدد	[illegible] دستگاه	[illegible] دستگاه

در سال راه حاضر باشند کمپانی باید اسباب متحرک را مطابق ازدیاد تردد
مسافرین و محمول و نقل امتعه از راه آهن زیاد نماید تا به نهایت درجه لزوم راه برسد
کمپانی متعهد می‌شود که چند عراده که نیابان فرانسه (ترن) می‌نامند مخصوص حرکت
موکب همایون حاضر نماید

فصل پنجم

طول حقیقی مسافت راه آهن مبلغی خواهد شد بعد از طرح راه آهن از روی
تحقیقات مفصل

فصل ششم

کمپانی حق خواهد داشت که با پول و به خود راه آهن دیگر را منشعب [illegible] در
[illegible] که در فصل سیم از برای آن معین شده است و هم در مدت چهل و چهار

سال تقویم فرنگی از وقت افتتاح حرکت از روی راه آهن مزبور

فصل هفتم

سرمایه اسمی کمپانی که باصطلاح فرانسه (کاپیتال) [illegible] میگویند سه میلیان و چهارصد و پنجاه هزار با [illegible] روسی معین میشود و بواسطه اخراج و اصدار اسناد موسومه به (اکسیون) منعقد میشود و در اختیار کمپانی خواهد بود که قدری از اسناد اکسیون را باسناد موسومه به (اوبلیقاسیون) تبدیل نماید

فصل هشتم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی بکمپانی ضمانت میدهد که بفرانسه (گارانتی) میگویند از روز اتمام راه آهن تبریز و استبداد حرکت آن و الحاق آن براه آهن از تفلیس به جلفا الی انقضاء مدت امتیاز نامه منفعت خالص سالیانه از قرار صدی ۳ از صد از سرمایه اسمی کمپانی که در فصل هفتم ذکر شده است یعنی سالیانه مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان رایج ایران تومانی ده عدد صاحبقران که هر صاحبقران عبارت است از یک و یک کاپیک و یکربع کاپیک نقره مسکوکات فرانسه (استرلینگ) میگویند بپردازد اما دولت ایران مجبور نیست سکه دیگری بجز سکه خود به تومانی ده عدد صاحبقران مقصود این است که اگر منافع خالص سالیانه راه آهن تبریز بسالی یکصد و پنجاه هزار تومان نقد دولت ایران هر قدر کسر آن باشد بدهد و ادای این پول در سال یکدفعه میشود یعنی یکروز بعد از تقدیم محاسبات کمپانی که آن تقدیم باید هر سال در شب عید نوروز که نهم و بیست و نهم ماه مارس است بشود

فصل نهم

فصل دهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی حق خواهد داشت که حساب مخارج کار کردن راه آهن و منافع او را رسیدگی نماید و این رسیدگی بتوسط اشخاصی که دولت ایران مخصوصاً مأمور مینماید و موافق قواعدی که در [illegible] این موجود معمول است خواهد بود و کمپانی متعهد میشود که مخارج کار کردن راه آهن از اندازه‌ای که قواعد در راه‌های آهن روسیه مقرر اول است تجاوز ننماید

کمپانی متعهد میشود که بدولت اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible] از صد از منافع خالص که از کار کردن راه آهن بعد از برداشتن [illegible] از صد از سرمایه اسمی کمپانی که در فصل هفتم مندرج است حاصل میشود کارسازی کند

فصل یازدهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران وعده میدهد که از دولت امپراطوری خواهش نماید که کمپانی را در فروش اسناد مندرجه در فصل هفتم در ممالک خود تقویت نماید

فصل دوازدهم

بعد از انقضاء مدتی که بجهت تصرف کمپانی در راه آهن در فصل ششم معین شده است دولت اعلیحضرت شاهنشاهی راه آهن مزبور را با جمیع ادوات و آلات متعلقه که [illegible] خود در آن متصرف خواهد شد لکن در این مقام در عوض چرخهای کار و عراده‌ها و آلات و ادوات دیگر که کمپانی ذخیره اسباب که در ابتدای اتمام راه آهن موافق فصل چهارم موجود بجهه افزودن است قیمت آن اسبابها از قرار آن روز به کمپانی داده خواهد شد دولت ایران قیمت و قدر کلی آن اموال و اسباب افزوده شده را تصدیق [illegible]

و یا بر رضای طرفین کمپانی رد خواهد کرد و همچنین کمپانی جمیع تدارکات حرکت و
مصالح دیگر را به دولت اعلیحضرت شاهنشاهی واگذار خواهد کرد و قیمت آنها به اهل خبرهٔ طرفین
یا بنا بر رضا به سهولت کمپانی داده خواهد شد

فصل سیزدهم

کمپانی حق خواهد داشت که نرخ حمل و نقل مسافرین و اموال را از راه آهن تبریز
موافق مقتضیات تجارت و حمل و نقل اموال و اشخاص را موافق قواعد و نظمی که در
راه‌های آهن روس و سایر راه‌های آهن فرنگستان متداول است برقرار دارد

فصل چهاردهم

کمپانی مکلف است که رشتهٔ سیم تلگراف که از برای نظم و حفظ حرکت
راه لازم است از پول خود در پهلوی راه آهن بکشد

فصل پانزدهم

کمپانی مختار است که بعضی عمله‌جات از هر جور و هر گونه اشخاصی را که لازم داشته باشد
خواه از رعیت اعلیحضرت شاهنشاهی خواه از رعایای خارجه بگیرد به شرط اینکه
حال اشخاصی که نوکری کمپانی را خواهند کرد و شرط و [illegible] از آن اشخاص مشهود شرارت
نبوده باشند و در نزد کارگزاران دیوانی مقصر به امر جسیم و جنایت نشده
و اگر اتفاقاً کمپانی چنین شخص را به نوکری خود قبول نموده به محض اینکه کارگزاران
دولت بدواً اظهار نمایند آن شخص را از نوکری خود اخراج نماید

فصل شانزدهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی متعهد می‌شود که کمپانی از زمین‌هایی که در سر راه

آهن

آهن از تبریز الی سرحد روس واقع است زمینی که از برای راه آهن با منازل و مخزن‌های
آن لازم است مجاناً بدهد عرض این اراضی از هر طرف میان راه آهن بیست متر
فرانسه و اما در جاهائی که انبار و منازل باید ساخته شود یکصد متر فرانسه عرض و دویست
متر فرانسه طول خواهد بود
و اگر لازم شود از شعبات راه آهن شعبه‌ای کوچک به اطراف کشیده شود این شرط در
آن باب هم مجری است   و اگر در جاهائی که از برای راه آهن و منازل و متعلقات آن زمین
لازم شود که مال اشخاص باشد و اگر مجبور شوند بناهائی از بناهای متعلقه به دولت یا اشخاص
خراب شود دولت در باب اراضی متعلقه به اشخاص و خراب کردن بناها در صورتی که
کمپانی عوض و قیمت عادلهٔ آنها را بدهد به کمپانی تقویت خواهد نمود
هرگاه اصحاب در فروش اراضی یا تخریب ابنیه با اخذ قیمت عادله راضی نشوند دولت
[illegible] کارگزاران به تخلیهٔ اراضی و تخریب ابنیه که قیمت عادله را اخذ خواهند
کرد مساجد و مقابر و بقاع متبرکه از تخریب مستثنی است

فصل هفدهم

کمپانی مختار خواهد بود که در مدت معینه در اراضی که جنب راه و ابنیهٔ آن تفحص می‌شود
هر نوع مصالحی را که از برای ساختن راه آهن و ابنیه در او یافت شود مجاناً تصرف نماید
و اگر در حدود اراضی که جهت کمپانی تخصیص شده است یا به فاصلهٔ مسافتی که تقریباً [illegible] از جانبین
کیلومتر از راه آهن یا اراضی که جهت آن تخصیص شده است معدن زغال سنگ
یافت شود دولت ایران قبول می‌نماید که حق کار کردن در این معدن را به کمپانی واگذار
نماید و کمپانی متعهد می‌شود که حقوق صاحبان املاک را از سطح زمین آنها ملاحظه کند

و اگر صاحبان املاک مانع کار کردن کمپانی در آن محال بشوند دولت اعلیحضرت شاهنشاهی چنانکه از حقوق در باب تخلیه اراضی از برای راه آهن مقرر شد تقویت خواهند و صاحبان املاک را راضی خواهد کرد

فصل هیجدهم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی متقبل است اینکه در وقت ساختن و کار کردن راه لازم بشود اذن و رخصت معمول کمپانی بدهد که از ناحیه اگر خود دولت چنین ابنیه داشته باشد و هر گاه کمپانی احتیاج خود را به آب از جاهائی که آب بلا مصرف باشد و احداث (ارتزیه) یعنی چاه مصنوعی به تنقیه و احداث قنوات کهنه معمول الملک که بقنوات مردم هیچ احتمال ضرر نداشته باشد از برای حفر انها تحصیل نماید آن وقت آن

فصل نوزدهم

آلات و ادوات و مصالح مخصوصه راه آهن چه در وقت ساختن و چه در وقت کار کردن راه آهن از ادای وجوه گمرک و سایر رسومات معاف خواهد بود

فصل بیستم

اراضی و وجوه و مداخل راه آهن نیز از ادای هر رسومی معاف می باشد و نیز کمپانی از ادای رسوم معاملات و مستندات متعلقه به ساختن و کار کردن راه آهن معاف است از برای حمل و نقل مسافرین و مال التجاره و اشیاء دیگر از راه آهن علاوه بر نرخی که از جانب کمپانی معین شده است نباید اخذ خواهد شد

متفرقه

متفرقه خواه از مستخدمین دولت و خواه خود دولت هیچ رسومی و حقی بعنوان گمرک نخواهد مطالبه و دریافت نماید

فصل بیست یکم

کمپانی اداره امور متعلقه به ترتیب و کار کردن راه آهن و دفترداری و محاسبات خود را در محل مخصوصه راه آهن به وکالت یک نفر مدیر که موسوم به (دیرکتور) مخصوص واگذار نماید و این اداره وکیل کمپانی است هم در نزد اولیای دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران و هم در نزد کارگذاران امور و هم در نزد اشخاص متفرقه که با کمپانی سر و کار دارند و بهمین جهت کل امور متعلقه کمپانی باید باین اداره رجوع شود

فصل بیست و دوم

از برای رسیدگی و قطع و فصل هر نوع گفتگو و گله که در امور کمپانی در اجرای فصول این امتیاز نامه خواه از جانب دولتین قوی شوکتین ایران و روس و خواه از جانب شرکاء و خواه از طرف کمپانی بظهور برسد یک مجلس کمیسیون دائمی منعقد شود مرکب باشد از یک نفر رئیس اجزاء و دو نفر اعضای مجلس از جانب دولت ایران و یک نفر صاحب منصب از ژنرال قونسولگری روس مقیم تبریز با دو نفر از جانب کمپانی در صورت اتفاق آراء امورات اتفاقیه را قطع و فصل نمایند در صورت اختلاف باکثریت و در صورت تساوی به پیشکار آذربایجان و ژنرال قونسولگری روس رجوع نمایند اگر این دو مأمور بزرگ کار را در میان خود قطع و فصل کردند فبها و الا طرفین رجوع به [illegible] خواهند

فصل بیست سیم

اگر دولت علیه حضرت شاهنشاهی خواسته باشند یک راه آهن از تبریز به نقطه دیگر ایران بسازد
باید با اجازه کمپانی باشد و از برای ساختن راههای آهن که در مدت پنج سال
از روز امضای این امتیازنامه حق دولت ایران و یا کمپانی دیگر در مسافت
صد میل انگلیسی از یک نقطه از نقاط راه آهن تبریز به جلفا نمی‌باشد بسازند
دولت علیه حضرت شاهنشاهی کمپانی راه آهن تبریز را در صورت تساوی شروط
بر سایرین ترجیح خواهند داد

فصل سی و چهارم

اگر کمپانی ژنرال فالکن هاکن راه آهن تبریز را بر عهده خود در فصل سیم معین
تمام ننماید مگر از جهت تقصیر خودش بلکه به جهاتی که از اختیار او خارج است از
قبیل وقوع جنگ و محاصره و بلوا و ناخوشی عمومی و امثال آن شده باشد که در موقع
کار مانع اشتغال او باشند و بجهت عدم [illegible] کشتیهای حامل [illegible] راه آهن
سبب بروز اشکالات بجهت عمل گردد مجلس کمیسیون مصدق آن باشد مهلت
اتمام و افتتاح راه آهن به اندازه مدت این موانع و مشکلات امتداد داده خواهد شد
اگر کمپانی بتقصیر خود [illegible] موعد معین خود راه آهن را در مدت معین تمام ننماید دولت
علیه حضرت شاهنشاهی در [illegible] او را [illegible] و [illegible] بتمام ملکیت
نقشه‌ها و [illegible] از کمپانی از جمله تعهدات خود بر [illegible] جمیع حقوق
که امتیازنامه باو داده محروم مانده و مبلغ [illegible] هزار [illegible] و [illegible]
که در فصل سیم مذکور است به دولت ایران تسلیم کرده و در مدت یکسال باید [illegible]
خود را [illegible] و قطعی که به زبان فرانسه (الکه ابیدن) می‌نامند نماید و در این صورت

کمپانی

کمپانی حق دارد در ممالک خارجه به هر کس بخواهد بفروشد

فصل سی و پنجم

چون بر طبق فصل [illegible] این امتیازنامه باید این کمپانی در روسیه منعقد شود ژنرال
فالکن هاکن متعهد می‌شود که تا در ظرف شش ماه بعد از اقدام به ساختن راه آهن
موافق فصل سیم این امتیازنامه صورت قواعد کمپانی را که به زبان فرانسه (اسطاطو)
می‌گویند و موافق قواعد دولت روسیه نوشته و تصدیق شده است به دولت علیه حضرت
شاهنشاهی تقدیم نماید دولت علیه حضرت شاهنشاهی در مدت [illegible] برای ترویج کار کمپانی
با دولت روس قرار گذارد که دولت روس اجازه بدهد که قواعد کمپانی در روزنامه رسمی
نوشته شود و اسناد (اکسیون) و (ابلیگاسیون) کمپانی در آن مملکت دایر گردد

فصل سی و ششم

اسناد موسومه به اکسیون و اسناد موسومه به ابلیگاسیون کمپانی را خود کمپانی
حاضر نماید و این اسناد باید به یک زبان خارجه بعلاوه زبان فارسی یا به السنه
متعدده فرنگستان علاوه زبان فارسی نوشته شود و به ثبت و مهر دولت ایران
برسد و این فقره شرط و مقرر است که کمپانی در شرحی که بر روی آن اسناد
نوشته می‌شود قید و درج نماید که ادای وجه و منافع آن اسناد بعهده کمپانی بالمره و رفع
به دولت ایران نداشته باشد

فصل سی و هفتم

کمپانی ژنرال فالکن هاکن متعهد می‌شود که در (واقعها) جای طبقه اناث
مخصوصه بسازد و نیز در منزلها انبار و قهوه‌خانه و شربت‌دار [illegible] داشته باشد

دیگر از منازل جاری خارجه شود

فصل بیست هشتم

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی متعهد میشود که بعد از امضاء و مبادله این قرارنامه بدون تأخیر و فوراً احکام لازمه صادر نماید که حکام و مباشرین عرض مسالک بهمه سیم و مأمورین . کجاها که برای انداختن و کشیدن سیم و تعیین خطوط راه آهن و ملزومات آن مأمور میشوند لازمه تقویت بعمل آورند

فصل بیست نهم

فالکنهاکن ژنرال ماژور مهندس روس اختیار دارد در جمیع تدابیر لازمه اجرای فصول این اسناد رضانامه مداخله نماید و دولت اعلیحضرت شاهنشاهی قبول مینماید که به فالکنهاکن ژنرال ماژور مهندس فوق الذکر و اولیای دولت کمال تقویت را در هر وقت و از هر بابت جزء النفقه در ساختن و دایر نمودن راه آهن تبریز بعمل آورد

تاریخ پنجشنبه دوازدهم ذیحجه الحرام ۱۲۹۱ هجری مطابق بیست و یکم ژانویه ۱۸۷۵ عیسوی منعقد و ممضی شد محل امضا

[illegible]

همراه ترجمه

بو ایکنچی نامه شاه سلطان حسین صفوی پادشاه هفتم از صفویه طرفندن پطر به الکسی یوویچ پطر کبیر اول سنه ۱۱۰۸ هجری مطابق سال ۱۶۹۶ مسیحی

پطر الکسای اوویچ اولوغ بی اق خان اق اردو نینک و مسکو نینک و کیاو نینک و ولادیمیر نینک و نوغراد نینک و غازان نینک و حاجی ترخان نینک و تودا نینک و بوسفا نینک و اسپلان نینک و توبر نینک و یوغرا نینک و پرم نینک و ویتکا نینک و بلغار نینک و ادورکر انبداعمی بولغان نوغراد نینک چرنیغا نینک و رزان نینک و راستو نینک و یراسلاو نینک و دائی کول نینک و اودور نینک و اوبدور نینک و قاندین نینک و جمله سماطری نینک بیوک شابلیق خان حضرتلرینه بیور دولوک تور لوک تلکو ملک و کربدین کوپ تعجیل ورکیم اولا در یر یره برکیلدن دوستلیق عنان دایرنا جانلیغی قانناشو قلیغی تابان قیلغای صیبادتغاندین صحکره جبا بلیکز نه موندا اق اند و رغای بیز کیم جنت برتبلیق خاقان و اوجاق نشانلیق خسرو عالی مکان شاه بابام انار الله برهانه حضرتلرینه سبز ملکان و کوچیلیکز سبین منکای الچیلارن کوندریلکان که نفس ابرکا تلیق حضرتیکز کیم باد قیلغان سببین منکای کونخلیق بابیده یازغای او شبو نا یوف فوق الادنیک ماردو ملاقات

اوشول کو عجیبه خان اعظملق متاع لادینکزنی سا تقای وسار القابه
ایشکای ایدینکو بردکرونک چاقده کیم شهنشاه هلق فقنی قوتیلق اولتورد
کانیزدن بزا لکاندین کیکای وتینکزنی برکو بدین دولتزنی السکا
تلادیوز لادینه کوزلملق تا بو تلادی هر سار یدین اچلکای ایودی
قو باش بکلیق باتلیغ یرسینکا اسبغرایر بیکاچ صداتیزنی وسنوکو هبیغ
اول عالی رای حضرتیده بو کسرلک اود ولفر تنسقا بدو رسالتی هم هیچ
وشاهلیق نهضتی اوچاقده اوجهان واوعمان رضا سیغه کوزلار یز احبابا
وتابالا رعیه کوزل بو سوزلمرین کوزاقوب اوادلوق مرشد لق خان
ایلان برلیق برکیلقا تنغیرد تاثنا شوقلیق اساسی تاتیق بو قفا با علاوه
تقانلدین اثروقفا ایلان باندانش بولقان فرمان بما الیشانمیز مو جلجه
خدیوانلیق انبلو رمبرکرشقان قودللا بیز اول کو عجیلکرینه بارز
ومیلق ابدوق ورعاتیده حضرتلاری استهوکی کبی سیلوین کو رسالتی
سنادالیهی تو تاد رسیغ ابان سیز سلامت ایلان هندوستان ولایت
رعیه بو تا مسلدرده دو ربته کیم عرش استالتیق معظم الشان شابانی
وانقاه اتالادی اتا صداقت اوزره دین یاز تان تیلقلدیه
بیز سبب تادو یتلا و رجه حضرتلری خزینه سی قندرین بلده ورعاتیغه
اول کو کیرانی فضیل اوزره مهرلی خط کو دکو ز ما عامی سبیدین
تقاسینی تا تیغ دعای ایردی یاد قلغان ولا تیغ رین قیلی و تولایچ
قو مانغه کیم عنت تسان اولقان ملکینی عرصه کیلکای ایردی صرف طرفی

نینک

نینک قاموس سلطان لاریغه جابلار نینک سینیغ بیکان خطبه حضرتیمیز
کوستاروب اوشول عدا لتلیق خان اعظمینک دعاسینی کون لا بوقب
نزیدنا شیو دقان مقا کیم و بلیکا تکیه شادلیق یاد لیغی اوقا بلیود
ومل کو دمسیبین میکای ایتلادی اوتکار بلد قلوبین وعقای خاقانت
سیله کا بینه وعقا باتیزا اباحیده دین حوچوک بو تقانلدین صوتک قرافت
ایله حضرتلاریغه بولک اقا ید ور اول سالو سا بیلان بیوک خانقیرارا
بو نقای کیم خاطرا ایز اسند دینی هر تیکلیغ اوتا تلادی اونک کسکه
رقیغه تو دالا تقاحینی وکونکیو و دین ایتا للادی ادنلد دقیغه باعلاوه
تقاحینی بیلوب هم ینه شه کو تولا استیا جا تلادی بادایر شدا غالیا
قلقیز تیکرا ایلان منکو صحیبس کو لیک بولیغه کسکا سینی دایر تا چاقده ایا
تا تا شوقلی با سیبین بوکیتکا لیق انتهی
دایم حضرت ذوالجلال رضا سیله سلطنت تا شا ما خاقیغه بلاشاناکا

سواد نامه شاه طهماسب ثانی پادشاه ایران که از سلاطین صفویه بوده بطرف کمپانی
اول سنه ١١٣٦ هجری مطابق سال ١٧٢٣ مسیحی
هو الله تعالی شانه العزیز
بسم الله الرحمن الرحیم
مظهر السلطنة والجلالة والابهة والنصفة والعطوفة والمروة والاحسان نظام الکرام
ابو المظفر اولوف الی ارفی خان

مخالصت نامهٔ مودت ختامه واجب الاعزاز اعلیحضرت ثریا منزلت کیوان رفعت
بهرام مرتبت فریدون شوکت بهرام صولت فیروزی دوران عدالت سلطنت و شوکت
و جلالت پناه ابهت و عظمت و نصفت دستگاه دولت و شهامت و عدالت
اکتناه پادشاه جمجاه ستاره سپاه خورشید کلاه فرمانفرمای کل ممالک سمت شمال
اروس و بیلوروس بوزنا پادشاه تخت مسکو و کیوه و ولادیمیر و نوقراد و پسکا
و سمولن و سبیر و لکوس و سولبنسکی و دوربسکا و هریکا و برسکا و لفلنسکی و جنوب
نکا و نوقرود او چرکس او کیر دلنکی و رستکی و برسکادی و بولارار سکی
و بورسکی و ابه ارتشکی و کنه لکی و جمله ترقان در هشتر بهیر و قزلار او قات
که رایات ظفر آیات از دار السلطنه اصفهان با مرد لیعهدی یامن و عظیم القدر
دارای عزم انتظام و ترفیه احوال قاطنین و ساکنین ممالک وسیع المسالک ایران
زمین از درگاه گیهان پناه نواب شوکت و حشمت افزا جهته دار السلطنه قزوین سو
معزز بخیام معدلت فرجام عزم فرموده بودیم که رعیت دین مسیحا پناه عمدة الاماثل
والاعیان المسیحیه لفظاً لا لفقره و المعا (سیمون اردوم) را از جانب نجیب
کبرت سفارت مامور شده و مدتی بود در ولایت ایران توقف نموده
ادراک شرف بساط بوس مجلس بهشت آیین و ملتمس عتبه علیه معلی آدم تزیین
نواب کامیاب سپهر رکاب مالک رقاب اشرف اقدس ارفع اعلی همایون آمیخ
که جان ما غلامان فدای نام و جانش گداهان شه رسول سعادت باب مجلس حضور فیض
شاه جهته فرصت حضور در کمال شایستگی تقدیم رسانیده عرض نمود که در این وقت
خبر از جانب نجیب عمدة الاماثل والاقران قاسم بیک نزد او وارد شده

مشار الیه

مشار الیه را اتابکیه تمام باداء سفارت مامور ساخته خواهشمند آن گردیده که در وقت
اشرف حضور رسیده بعرض رساند که از اطلاع بر مضمون مودت مشحون آن عالیجاه اطلاع
حاصل نماییم که مراسلات اتحاد و دوستی جانبین که از دیرباز معهود و سابق مؤکد
گردیده مستحکم است و از آنجانب بعد از این و از مضمون مودت رسوم رقیمه کریمه مسطور
گردیده بود بجهت آنکه بعرض رسانده باید هر مضمون مرسله که در دار السلطنه اصفهان
عمدة الاماثل (الکسی کاکر) به نیابت او در الکای شماخی و شیروان توقف نموده
هرگاه از مضمون آن پادشاه صاحب عزت و جاه در ممالک محروسه ایران تردد و عبور
می نمایند امری واجب خواهد بود به رسالت مشار الیه مطالب و مهمات ایشان
بجا به سر برده خدمات مصیر حرفی و مقاصد ایشان با نجاح مقرون گردد و بنا بر خواهش
آن دوست صاحب عزت و جاه عالیجاه جلیل القدر الکار و سایر بیگلربیگیان و حکام و
عظام و وزرا و کرام و عمال مجتبه اعمال دیوانی و مباشرین اشغال و مهمات
سلطنت مقرر فرمودیم که در مراعات خاطر عمدة الاقران مشار الیه و نایب او
و سایر تجار رعیت آن دیار لوازم اهتمام بعمل آورده بنوعی که مشار الیهم بهمه
جهت راضی و شاکر گشته لوازم محبت و دوستی را بعرض آن پادشاه خورشید کلاه
رسانند و استظهار بر حد وقوع نامه باشند و بنابر مصاحبه و مودت اتفاق که در روز
ما بین از قدیم الایام واقع شده ظاهر است که با دولت ابد مدت
و پادشاهان دشمنی خیانت از مرگ آن دشمن و آن سرحد از خلاف و اقربت
بنمایند آن حضرت مشکلات واقع شود باید سلطنت ولایت و شوکت پناه جهت
و جلالت دستگاه نهایت دولت اقتدار عالیجاه خلف السلاطین العظام شایسته

شاهزادهٔ السلطنة والدین قرة الشوکة والدولة والاقبال حسینعلی خان والی
کرمان که ... برداری ... ازدربایجان مأمور و انتظام احوال آن طرف به
عهدهٔ اهتمام او مقرر داشته اند عنقریب به تیغ غازیان بهرام انتقام (قزلباش)
بزار اعمال خویش خواهند رسید نظر برابت اکابر و ... نظر
اکسیر اثر بعد ... آن عالیجاه را اسم از ... داشته به خدمات
لایقه که ... دارند مأمور فرمایند در این وقت ...
... رفعت ... پناه عزت ... دستگاه ... المرتبة والمعالی
(... بیک) ملازم خاصه شریفه نایب عالیجاه وزیر دیوان ... را ... بسفارت
مأمور ... را ... فرمودیم که بعد از رسیدن به شرف خدمت آن ...
صاحب عزت و جاه و ... مراسم ... در استحکام مواد محبت
و ائتلاف ... رسانیده ... رفعت ... اثر ...
باقی ایام دولت و عظمت و نصفت ...

... سنه ...

۱۱۳۶

سواد نامه شاه طهماسب ثانی به الکسی ... و ...
... سنه ۱۱۴۱ هجری مطابق سال ۱۷۲۸ ...

هو المستعان

بسم الله الرحمن الرحیم

شاه بابام ایده الله تعالی بالطاف خفیه

منظر

منظر السلطنة و الجلالة و الابهة و النصفة و الشوکة ... الکسی ...
امپراطور دام ایام سلطنته خدایا جهان ... مرتبه ...
وظیفه ... ز ... ازکرم ...
... لطف ... ابتدای ... و فتح و ظفر ...
... و ...
... رفیقان ...
... و جعلناکم خلائف فی الارض ...
... صلوات طیبات ...
... رسول ... حضرت ...
و ما محمد الا رسول ...
رسالت ... درود ...
...
...
...
...
...
...
...
...

و از حدیقهٔ عظمت و اقبال نوزدهٔ سلطنت و اجلال شمع بزم محفل شهریاری
چراغ صبح انجمن نامداری صاحب جاه و ملک بارگاه پادشاه ستاره سپاه خورشید
کلاه دزخمیده و دیهیم سروری برازنده افسر برتری شهنشاه عادل دل آگاه پدر
بر پسر شاه عالیتبار خداوند عالم رو بیراه نگهدار گیتی نگهدار او جلوه گری
ساز که بر عارفان رموز دانش و حکمت پنهان نیست در جناب حق گذا هچه
که دنیا زود فانی و جهان بوقلمون را بقا نیست و مضمون صدق مشحون کل نفس ذائقة الموت
هر فردی از افراد بنی نوع انسان شراب ناگوار مرگ بو از دست ساقی اجل خواهد
چشید و در گلشن جهان زیبن از گلهای رنگارنگ بوقلمون چند روزی دامن
امال و امانی پر نخشه از این باغ بجا ماند بیرون خواهد خرامید
دو در دار دارین باغ آراسته دو وصند از نهرها برخواسته در از در باغ نگریم
زد بگر در باغ بیرون خرام صورت این حال سنوح قضیهٔ مرحوم پادشاه زیگاه جنت
خسرو خورشید کلاه است هر چند از این امر کدورت اثر جان که از برای خاطر
انور نواب همایون ما گرد ترکیب غایت غبار کلفت نشسته لکن از استماع جلوس
آن پادشاه والا مقام بر تخت آبا و عظام دل غنچه سان شگفتن آغاز نهاد جلوس
آن پادشاه دارا افتدا بر اورنگ آبا و اجداد فرخنده و مبارک باد و معلوم آن
سلطنت پیرا خواهد بود که نواب همایون ما بعد از آنکه بامر نواب کامیاب
ملک رقاب ولیعهد شده و در قزوین جلوس فرمودیم چنانچه پیشتر پادشاهان عظام
نامدار و طریقه خسروان والا مقام کامکار است که احوالات خود را در هر حالت
بیگانگر و دوستان خود اشعار می نمایند چگونگی احوالات خود را به پادشاه صاحب جاه

مرحوم

مرحوم امپراطور جد آن پادشاه خورشید کلاه و ابن حضرت خواندکار روم
و مصرب ایلچیان خود ارسال فرموده منتظر آن بودیم که از هر طرف که پادشاهان
عظیم الشان و دوست قدیم این نیازمند درگاه قادر یزدان بوده اند اگر که نزاور
و نیز و بدون پادشاهی و بزرگی ایشان باشد عمل خواهد که محبت و اعانت ایشان
دشمنان خود را دفع و به تخت قدیم خود را تصرف نمائیم بعد از رسیدن ایلچی نواب
همایون ما که خدمت پادشاه مرحوم مزبور سرداران ایشان با سپاه وارد دار المرز
شده توقف نموده و چون اکثر ایلچی حضرت خواندکار رسیده از راه اکثر دولت
واقف بوده این معنی را دولت او نزد خبر از لشکر خود را با سرداران سر حد
داران و اکثر و تعیین نموده با ما فنا دور انواب گردیده و مسافت
آن زمستانات کل امیر چند از ارکان دولت عثمانیه مشعر بر پرسش و توقیع نامه
که جواسیا پادشاه روس را که دشمن قدیم خاندان آل عثمان است ولایت
خود را در قرب جوار ما جا داده و در آن ولایت مسکن ساخته استمداد
و استعانت نگیرند هر چند از این طرف معاذیر چند رقم نمیه منقلعه
شد ببهانهٔ دولت او نیز در مقام مخالفت را برای تصرف ولایات ایران کرده اند
و از جانب مرحوم پادشاه مزبور نیز آثار بیشتر ظهور رسید بلکه روز بروز سپاه
ایشان نیز قدم پیش نهاده بر ورود و تدریج بعضی از ولایات ما را تصرف نموده
و ابن حضرت نازه اقوت ایران و حرکت مخالفین افغان که طایفه رعیت
زاده اند گردیده فی الحقیقه هر گاه این هر دو پادشاه عظیم الشان این نیازمند درگاه
ملک ستانی را در آن زمان که دولت اصفهان همه ممالک ایران در تصرف اولیای

دولت ابد پیوند بود فرصتی دست داده دفع آن طایفه خذلان نشان که حاجت
بدو حجود ننماید زاده و از حوادث روزگار، و شبهه و شکی نماند که هر که در
عمر را با قصد بر پادشاهان نامدار و خواقین صاحب اقتدار روی داده است
قدم جرئت پیش نهد خیر روزی مشارالیه و فتنه شرانگیزی به احسن وجه
دفع و بستر جا در تخت ایران با همه اهتمام مصروف بدارید و چون این نیاز نامه
درگاه حضرت ظل اللهی شاهنشاه عالم پناه ارسال نموده مصلحت را در سکوت
دیده و نامه ای در اظهار دوستی با نام رجب زیاده تمادی امی حضرت جهانگشا
و اطراف دولت، اعلیحضرت معظم له که تا پادشاهان دشمن نیکبخت که دولت خاطر
نگاه در عهد از ورود عزت الدستاه الیه (میرزا بیک) ایلچی در استرآباد
به دربار ملک [illegible] دولت عثمانیه از احتیاط اکمه [illegible] ابواب همایون
ما تا ماه سرکش و بنیاد مخالفت و موافقت را به استرآباد رو حجت داد
[illegible] طایفه ظاهرا [illegible]
و هزار اعلیحضرت جهانگیر [illegible] متفق و [illegible] از امیر [illegible]
وزیر اعظم و عبدالله پاشا سردار و بیگلربیگی [illegible] و احمد پاشا سردار و
بیگلربیگی بغداد و سایر امنای دولت به دربار ملک رفعت رسیده و احسن
الکلام [illegible] ایلچی را که [illegible]
بود در ولایت روم نگاه داشته بعد مضطرب [illegible]
نوشتجات [illegible] ایران [illegible]
ارسال نموده بود نواب همایون ما بنا بر صدق و صفای طینت که حتی ذات

بارکات

بارکات این خانزاده رسالت آیات است این مراتب را بنابر صدق اتحاد [illegible]
خیال فرمودیم که البته حال بر قبح نقض عهد برخورده مرخص نماید که بنای
دوستی را تازه و محکم و معهود را از این بنیان که بنیه پادشاهان است قایم سازند
ایلچی در این خصوص تبیین و نامه نوشته جهت اتمام حجت نزد اعلیحضرت خواندگار
فرستادیم که مقارن این حال نوشته از ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه
نظاماً للدولة [illegible] و الشوکة و الجلالة و الاقبال ([illegible]) جنرال
آن پادشاه والاجاه خورشید کلاه که خیرخواه طرفین و ذریعه عقد و داد [illegible]
آراسته است به مراد شهنشاه ایلچی ما رسید که ایلچی افغان نزد اولیای
دولت عثمانیه رفته کارکنان آل عثمان از راه [illegible] با آن طایفه نام و نشان صلح
نموده اند و متعاقب آن نیز نوشتجات دیگر مصحوب سیادت پناه میرمحمد رضای
رشتی که از سادات و اعیان رشت است و مردی [illegible] در خصوص [illegible]
مزبور دادن ایلچی افغان نزد سردار [illegible]
[illegible] وکلای آن پادشاه والامقام نوشته نزد اولیاء [illegible]
که از جانب نواب همایون [illegible] سردار و صاحب اختیار است فرستاده
ابلاغ کرده بود که سردار را به تاکید [illegible]
ما نموده بود [illegible] نوشتجات [illegible] اطلاع [illegible]
این حال موجب انبساط خاطر خورشید مثال دولت و دشمن [illegible] و از این
اندیشه [illegible] که [illegible] از جانب جناب [illegible] بوده [illegible]
ما و آن پادشاه والاشأن [illegible] آل عثمان [illegible]

هرچه خواهد بود که معامله امنای دولت عثمانیه با افغان از راه خوف و بیم
و خیانت قاصر و دراز کار شده و الا چه گنجایش دارد که پادشاه اولو العزم
چنین که در میان پادشاهان طاق و مشهور آفاق باشند با وجود اینهمه عظمت
و حشمت و حکم اتحاد و بنا اتحاد [illegible] که از آن جانب بی‌غیرتی شده و مرده
[illegible] هرچند طریقه صلح و صلاح که طریقه سلاطین حشمت آیین است بمیان
آورده [illegible] در ممالک پادشاهان مشهور و نقض عهد دوستان قدیم خود
با چنین طایفه سازش نماید در این صورت نواب همایون ما بر خود لازم گردانیدیم
که طریقه [illegible] آن پادشاه [illegible] که [illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] آن پادشاه والا جاه
[illegible] این طایفه ثابت قدم [illegible] صحبت [illegible] آورده و [illegible]
اولیای دولت آن پادشاه رفیع الشأن قرار نموده اند [illegible] دشمنان این
خاندان [illegible] که [illegible] مقام [illegible] باب مضایقه [illegible] ولایت [illegible] که
[illegible] آن حضرت ملک [illegible] کرده [illegible] نموده بود که در عرض
[illegible] اعانت دشمنان ما را دفع نموده [illegible] ما را [illegible] ولایات
ایران که در تصرف [illegible] رفته [illegible] تصرف [illegible] اکثر آنها را خود در تصرف
دارند و از ایشان [illegible] از آنکه [illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] ما [illegible] ولایات ایران [illegible] از تصرف بیرون
رفته [illegible] تصرف [illegible] بقیه آن [illegible] خواهیم [illegible] هرچند
[illegible] جناب [illegible] ایران است که [illegible] نواب [illegible]

[illegible]

[illegible] افغان باشند نهایت این که [illegible] الدیار [illegible]
آل عثمان [illegible] خواهد [illegible] چنین [illegible] آن [illegible] عالم [illegible]
[illegible] اینهمه [illegible] گنجایش [illegible] داشت که از [illegible]
[illegible] ممالک ایران [illegible] تصرف [illegible] داده [illegible] مضایقه
[illegible] عالم [illegible] زیاده [illegible] میان [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] عظیم [illegible] اند [illegible]
[illegible] دولت [illegible] چنانچه [illegible] فرنگستان
[illegible] خدمت [illegible] اتفاق [illegible] امداد نموده اند
[illegible] پادشاه [illegible] هندوستان [illegible] والیان [illegible] ترکستان
[illegible] ایران [illegible] مقام [illegible]
[illegible] امداد و اعانت [illegible] خاندان [illegible]
ممالک [illegible] بسته [illegible]
[illegible] نواب همایون [illegible] که [illegible]
[illegible] دشمنان [illegible] طرف [illegible]
[illegible] حال [illegible] نواب همایون
که [illegible] باشند [illegible] این دولت [illegible] باشند [illegible]
[illegible] دشمنان [illegible] ممالک ایران
[illegible] آن پادشاه رفیع الشأن [illegible] ایشان [illegible]

و بهمه جهت مدار دوستی و یگانگی توقع آن است که در باب استحکام بنای
دوستی و رفع دشمنان باتاکید تمام و در همه باب شرایط آن را منظور فرمایند
که انشاء الله تعالی از این طرف نیز دقیقه مرقوم شده ابدالاباد تخلف در آن
نخواهد شد و ایلچی آن پادشاه را که در دربار بزرگی مدار است مرخص
و مفتخر فرمودیم که با ایلچی که از جانب نواب همایون ما جهت تهنیت آن پادشاه
صاحب اقتدار ملازم شده انشاء الله تعالی فیض یاب ادراک بزم ارم نزم
آن پادشاه ستاره سپاه خواهند شد و چون فیمابین این خانواده والا دودمان
و پادشاهان عظیم الشان مسیحیه از قدیم مرابطه دوستی الی الان مستحکم و مرتب
و فیمابین ارکان آن دو خانواده جهت دوستی محکم بوده و در این وقت از
این نامه سعادت ختامه اعلیحضرت پادشاه مشار الیه و غیره و از برکت آن دوستان یگانه
بزرگ دولتین است مستقر دارند آن حضرت مرحمت جلیل مسئول میشود که سبب خلاف
دوستی که دشمن ایشان شکسته زیاده مینویسیم که هرگاه کارگذاران قدر قدرت تاسیس کرده
باب رسیدن ایلچی و نامه که نزد اعلیحضرت معظم له نوشتیم اهتمام بجا آورده

همواره ابواب مراسلات مفتوح دارند

ایام سلطنت و حشمت و کامرانی مستدام باد

سواد نامه شاه طهماسب ثانی پادشاه دهم از سلاطین صفویه به امپراطور آلمان در سنه ۱۱۳۷ هجری مطابق سال ۱۷۲۴ مسیحی

هو المستعان

هو المستعان

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

شاه عباس ادام الله ظله سلطانه

شاه بابام ابده الله بلطفه الخفی (انتخبوس عمامه) باب بیزدهم
مستغفه حضرت عیسی نبیه و علیه السلام و در این دنیا پادشاه پادشاهان کل فرنگستان
سرکرده و شهریار تمام عیسویان العزالت بر کافه اهل بوم الیزان را بعد از
اظهار تحف دعوات و افیات اجابت آیات مکنون ضمیر شهریاری خفیه و مرفوع
ضمیر منیر مهر انجلا مینماید
بعد از آنکه این نیازمند درگاه اله با برادرزاده نواب کامیاب سپهر رکاب
مالک رقاب از دار السلطنه اصفهان عنان عزیمت بجانب قزوین معطوف داشت
که تختگاه پادشاهان عظیم الشان ایران است معطوف داشته بصلاح و صوابدید
امرای عظام و ارکان دولت و قزلباش ظفر قدرش اعلی مکان شعار که سایه دار
ملازم رکاب همایون و در تحت علم نصرت پرچم سلطنت و لوای ظفر انتمای
خاقانی جمعیت داشتند به سرز سلاطین جنت مکین و نیاکان حشمت آیین برگشت
فیروزمندانه در دار السلطنه ما جلوس سعادت مانوس فیروز
بعد از آن اولیس سپاه از وجود پادشاه و نظر نواب کامیاب
را بر جهان ارا آن تعلق یافت که
که جمعیت سپاه از اجدت و از حیطه
بیرون است معطوف فرموده بجمعیت تمام به قلع و قمع دشمنان اقدام فرموده

پس از حرکت از قزوین محمود با ایلات وان کم گشته به مملکت و طغیان
فرصت جستن گشته قزوین قطع از سپاه رو سپاه خود را با سرکردگان ایل که داشت
بر اینجا قزوین فرستاده خبر نزدید در طرق راه جابجا کارگذاران عرش
اشتباه رسیده هنوز زمین که خیزد زمین با ژاله در رکاب اقدس حاضر بودند
علاوه بر قطع و قمع آن تیره ضیران … و عفو از ایرانی شمار دو الدشان
و خاصان و مقربان درگاه خلافت مکان بجانب اذربایجان نهضت فرموده
که در ان حین سرحال … اثر خبر رسانیده که به ارتقاع جند و مسعود
با سپاه محمود مرده دو لکم قادر چون شکست فاحش جنگ گفت از آن عدد
انبوه … مقتول و بقیة السیف با امان الله سرکرده ایشان از سو که
بود رخدار فرار نموده تا متفرق گردیده و به ازدر دهر باز ایل
و ملاحظه حال غازیان نصرت نشان سعیم رای جهان آرا که دیده اطاعت
و جواب از هر گوشه دشمنان که هیچ الف و دستها برزده الحال که به
منتها از هستند که خاصت نهانها حق با اتفاق و نا … و در این وقت
که در نهضت فیروزیست مرده … ملوس سعادت … زمین واقع و فتح و نصرت
قرین حال … طریقه و استیجار قدیم در ما بین آن … قدوة … البعوة
و امرودی والدشان با بهار … منفقان … که از جانب آن پادشاه
خورشید کلاه … و به بار عظمت مدار … ذات
شریف … دو … نا … باشند اما در این
اوان که … ایران … خاص و عام … حق …

الطلوع

الطلوع که مری کیفیت حالات آن طرف نموده بنا بر علیه لذا این طرف قرین الشرف
بیش دستی داغ کرده نظر … که آن قدیم جا بجا و … قدیم طرفین که از دربار
نیامی استوار … ورده و هست از راه … الدولة … والله
(… کا … چیچیی … شوند) حبذا الله … ملوس … و رسانیدن
خبر این فتح مبین مقرون بمحبت کثیر المودت … سال … فرموده که مراعات
قوانین را که بنا بر اعتبار حضرت … و دا از آن تاریخ الی الان استحکام داده
وارد مستطور … شناسی فرموده … احوال دشمنان این دوستان خاطر
… مفوضات … باشند
بقا ایام الصحبت و ثبات و حرمت پاینده
… ایام …

سواد نامه شاه سلیمان به امپراطور دولت اتریش سنه ۱۰۹۱ هجری

به پولد نیش باشد — لطایف تحفات … و شرایف تحفه ات
… از … کمال رافت و وداد و غایت … و اتحاد …
نظم و تکریم و … اعزاز و تعظیم … مغایرت جانب شریف و …
عزت … شرف … دارای … الماینه … و …
… و … و … و … دوکسان …
… ولایت … و … و …
… و … ولایات … کشوف … و …

قرا کلاه سکردانه که تشییم شمامه مؤالفت ختامه که در این ولا بوسیله شکفتی
ازهار مبارکباد جلوس وجود مقدس برادر یک عرش فرسای شاهی و تهدید
و دادن دارتکیت سعادت بنیاد نقده ز ذات اشرف اقدس در صدر عظیم
القدر سعادت دستگاه سلطنت و تاجداری بیاری باری ارزانی خرامه مودت
تیز عطر بیز جامع الشام و جان و نکهت ریز مشام اشتیاق گردیده شده بود بزم
ارم لطافت نشان و محافل خلوت گل عنبر غوان را رونق و بهای
بهایان افسانه داد و در رتبه یکرنگی در توالت در بیج تازه تازه در مع محبت
به اندازه سلاطین عیسی بزبان بعضی مواد که زبان قلم در ترجمه جریان رفته
بود انشاء الله لازم آن در وقت خویش چنانچه شایسته عهد و خواهد و ایمائی
که در خصوص رفتار رفاهیت بادر بیان کرده حیث سکنه دار السلطنه اصفهان
وادن که بر کنیسه در مقام مواده نامی انگار جنه ایشان نباشند بوده
بود به رونق رفتار آن عارج معارج شوکت و اجلال امر قدر قدر قضا
اقتضا شرف نفاذ یافت پیوسته سلوک مسلک صدق و صفا پیشنهاد و الا
بوده بالفعل هر گز مراد دینه ارکان انگار خواهند کرد مستقبل احوال
مفوض برضای رب جلیل سنه ۱۰۹۰

[illegible]

ایضا

سواد نامه شاه سلیمان به امپراطور اتریش سنه ۱۰۹۱

هو الله سبحانه

حمد لله السلطنة والسلطنة والشهامة والکلالة والعزة والاحسان
(لیوپولدوس) ... محبت اسلوب ... رفیع منزلت سلطنت
و جلالت پناه شوکت و ابهت دستگاه ... نصفت انتساب ...
... صاحب ... سمیه زبده خواقین ... معبود ...
والا جاه ... درگاه حشمت و عظمت الشان خورشید کلاه ... (ازره ...)
در ... بیادگار ... شاه الشمائل و ... عظمت و اقبال ...
الزوال ... و ... از ... و ... و ارباب ...
و کار ... (پادریان) ...
آن ... ممالک ... ایران ... جهان ...
... گردید
... رقم ...
... رعایای ... رضای ...
... والله در باره
ایشان ... شده و ... نامه که
... حال ... مراسم امور عبادت و سلوک
... دوام دولت ... قیام و اقدام ... ان شاء الله

همراه این نوشته پسندیده در امور مرقومه به اعلام حقائق حالات و اظهار
مقاصد و مهمات که در این صوب صواب داشته باشند محرک سلسله دوستی
و موالات و فاتح ابواب مودت و مصافات بوده باشند که همت علیای
پادشاهانه به حصول آن معروف و معطوف گردد سنه ۱۰۹۱

[illegible]

هو الله سبحانه

نامه ایست که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس روحنا فداه به اعلیحضرت سلطان مجید خان فرستاده شده ۱۲۷۵

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و قامت حضرت سلطان عظیم الشان
مقرب الخاقان حاجی میرزا احمد خان که بعنوان وزیر مستقیم در نزد سعادت
و حسن [illegible] حضرت مقیم شده بود تبدیل او لازم آمد و چون حفظ
روابط [illegible] و حسن همجواری که مابین دولت علیه ما و آن دولت سنیه
موجود است مطلوب ملوکانه ما می‌باشد لهذا عمدة الخوانین العظام مقرب
الخاقان میرزا امین خان که در شماره جمله چاکران و معتمدین حضرت ما
محسوب است بعنوان جلیل وزیر مختار و ایلچی مخصوص برای خدمت سفارت
معین شد تا [illegible] شاهانه ما چاپلت بیانات مقرب الخاقان مشار الیه را که از

اول

طرف دولت علیه ما بر تبی [illegible] خاصه [illegible] متفقه باتمام از دیاد مناسبات
و موالات دایره بین الدولتین را که ما مول خالصانه ما می‌باشد حواله
[illegible] فرموده [illegible] باطلاع را آثار محبت و مودت [illegible] است
[illegible] که این [illegible] حرر فی [illegible]

والسلام

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان به اعلیحضرت اقدس روحنا فداه نوشته شده ۱۲۷۶

قرة العین [illegible] بیننا [illegible] القاب ایران است
[illegible] بعض [illegible] سیاحت [illegible] حضره [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] اولان [illegible] اوله [illegible]
[illegible] ذات [illegible] اوله
[illegible] و موالات حقیقیه [illegible] ابراز [illegible]
[illegible] ترک [illegible] ذات [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] اسماعیل [illegible]
[illegible] ارسال اولنمش اولدیغی [illegible] مرکب [illegible]
[illegible] اولدیغی مع الافتخار معلوم اولدقده [illegible]
[illegible] بین الدولتین موجود اولان روابط حسن
همجواری و موالات تأکید و تزایدی [illegible] خالصانه [illegible]
[illegible] نامه [illegible] تحریر و مصحوب [illegible]

[illegible]

بنده تعالی قرین جم فخامت بسیط را اوله قدره بعد از این در طرف خالصانه
نزاع ما رسوالات شاهانه به مشغول قلمی شمن در   تحریراً فی

والسلام

نامه ایست که از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شهریاری روحنا فداه با علیحضرت سلطان مجید خان نوشته شده ۱۲۷۶

بعد الالقاب سابق التحریر

نامه محبت نشان آن اعلیحضرت که واسطه ابلاغ مراسلات خالصانه از طرف
قرین الشرف سلطانانه بود واصل ابواب افزار دوستی گشته شد فاطمه مودت
مراتب ... تشییه ساختم و تزود داده ولی اسلامیتی با رسال رسول و رسایل
مایل است از آنحضرت وجه ضمیر شاهانه نزده بود نه بتتبع و سرود
کرده و در این سوز که مرکب ما را در عداوت اذربایجان و ان نواحی مغرب
هنگام حرکت اهتمام شده بود و تقریب مجاور ممالک آن دولت سیر و سیاحت
داشتیم راغب بودیم که از دولت همجوار ما بعلاوه هنر اظهار مودت سوزه
مودت جانب میرزا احمد خان وو الا ابالت حکمرانی بعد از تقدیم عزم
معاودت مقر سلطنت عظمی بسیع همایون رسید اگر اسم نظر بسیر مرکب ما
بجانب دارالخلافه و طوره تاخیر ورود او مقصود رضوی مابین حاصل شده
از دلیل صفوت آن اعلیحضرت قرار دادیم و نامه مودت علامه سلطانی
که ناظر روابط قرب صیانه سلطانی باعزو تمکین با یکدیگر مراتب اعلیحضرت
بود و مراتب حسن مواالات و مدایح در موافقات خالصانه نسبت به

آن اعلیحضرت افزوده در این اوان سعادت نشان این فرصت را مغتنم
شمردیم که مراتب صفوت و موالات حقایق نگار این نامه مودت
علامه نسبت بذات اعلیحضرت شاهانه اشکار نماییم همواره با رسال رسایل
مخصوصیت و رایت خاطر اقدس همایون ما را مسرور خواهند داشت ایام
دولت و شوکت مستدام باد و نامه تیز زوال

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه با علیحضرت سلطان مجید خان نوشته شده ۱۲۷۶

بعد الالقاب

الحمد لله والمنه و علایق مودت و روابط سلم و صفوت مبانی
جهت جامعه اسلامیه فیمابین دو دولت علیتین مستحکم و استوار و مستحکم و برقرار
و با نقضای مراسم مودت و یگانگی و لوازم مراعات و پیوستگی اسباب
یگانگی و اتحاد میان دو شوکت ابد بنیان مجتمع و اتحاد است و این مناسبت
دولت علیه ناصره الازم آنجنانست که به بهره وری و درجه تسلیم و صفا
و درجه اقصی گذاشته لیه لهذا انشاءالله جمیع ال الله والا ... دولت ابد
مدت و سلطنت جاودانه همایون را که نتیجه سعادت و تمکین جمیع
دول و ملت آن بار ارزو صولت ندارد ... از درجه اول
برادرانه این حضرت التحاف داده نمودیم که عمارت مقرب الخاقان
میرزا حسین خان وزیر مختار را به ایلچیگری و ماموریت مخصوص و سفارت کبرا ابلاغ
نامه از این حسن کار گذاره نماییم که امور دولتین به ...

صلابت و بنیان شوکت افزوده خواهد شد و مکنونات خاطر دوستی مظاهر
که شرحش در عهده ... نامه ... جناب عمده سفیر سابق الالقاب
محول است که ادا نماید و همیشه دوستی مخبران اعلیحضرت را بر حقایق این معنی
... ساز ... ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد   تحریراً فی شهر ...

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان با اعلیحضرت قره ... الکساندر نوشته شده ۱۲۷۷

بعد الالقاب

بین الدولتین موجود اولان روابط قدیمه و فاقیه و ذات نهایت سمات
شاهانه لریله جانب ... نزده ... اولان مخالصت و محبت
اقتضاسنجه بو کره طرف خالصانه مزدن ارسال اولنان نشان ذیشان
... سعد عنوان ... اعتبار ... قدری اولنق اوزره ...
و قبول اولنوب ... حاصل اولان ... بیرون احاطه تحریر
و اشارت در جناب شاهانه لرینک ... ایکی
مکارم ... جانب ... دلالت و ... اولور
آثار شرف مخالصت کاری اظهار ایله ... جانب نزده ...
دولتک ... مرتبه ده ... و محترم بولندقلری ...
رزنده ... و ... بولنسیه ...
ابراز اولنان ... مخالصتدن ... حصول ...
محفوظیت ... تعالی ... عزم شاهانه ...

اوله جغنده ... طرف خالصانه مزدن ... شاهانه لریله ...
اولنمشدر ... ۱۹ ... تحریر

نامه اعلیحضرت سلطان عبد المجید خان به اعلیحضرت امپراطور شاهنشاه ... فی ربیع الاول ۱۲۷۷

بعد الالقاب

نزد نهایت وقدر شاهانه لرنده سفارت دولت علیه مز ... بو کره سلطنت
سنیه مزک رتبه اولیسی حائز رجالندن ... رفعتلو ... الاوه ...
اوزره ... توجیه و اعزام اولنمش اوله جغندن حقنده حسن
نظر شاهانه لری مشمول اولارق ... دولت علیه مز ... و فروع
... ذات ... شاهانه لرینه اولان محبت
و مودت ... بین الدولتین ... اولان مناسبات حقیقیه
... مرتبه ... اولان ... دائر ...
... جناب شاهانه لرینه ... وثوق
و اعتماد ... خالصانه اولدیغی ... جانب و سعادت
... شاهانه لرینه ... اوله جغنده ...
این ... ارسال ... ایلدیکم ...

نزد

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان مجید خان با اعلیحضرت ... نوشته شده ۱۲۷۷

بعد الالقاب

برادر محبت ازرم سلطان عبد المجید خان حضرتلری ایسه بیک ایکیوز یتمش یدی سنه
هجریه سی ذی الحجه سنک اون بر نجی صباحی کونی ارتحال دار بقا ایتمش اوله
نیدن اشبو وقعه مولمه با ذات فخامت سمات شاهانه لرینه اشعار ایله برابر
بوندن حاصل اولان حزن واسف دن جناب شاهانه لرینک دخی حصه دار اوله
جقلرینه قناعت رابطه حضرتلری طرفلرینه درکار اولان الفت و وداده
ارکنجه حاصلدر بونده دخی مبیده ربع طرفه خیر وصول ایرام جناب رب
الاناملک اراده العیدی دولتت سنیه مزک اصول شرعیه سی اوزره
اعداد عظمی قرطاب زاهم حضرتلرینک تخت سلطنت رینه بالتوارث وقوع
بولان جلوس همایون زجمیله بالجلوس هر وجهه ده تر دولت علیه مزله دولت
فخیمه لری بینه ده تمنا موجود اولان جهت جامعه دینیه ومناسبات ودروابط
وداد یه نک تاکید وتاییدینه ذات ملوکانه شاهانه لرینه درکار اولان
مودت خالصه ومحبت فائقه نک دلالتی ایراد بیکنه دیدر و معروف اوله
حقده رهر حاله ذات حشمت آیات لری جناب حقک صون صمدانیتینده
بولنمه لری الطاف الهیه

تمنا دور شهر

دیگه

۲۲

نامه ایست از طرف اعلیحضرت سلطان عزیز خان با علیحضرت شاهنشاهی محمد ارسال شد ۱۲۷۷

بعد الالقاب

جناب حق جل وعلانک اراده ازلیه سیله برادر محبت ازرم سلطان
عبد المجید خان حضرتلرینک مرحوماً عازم گلشن سرای جنان اولمش حسیده ارت
علیه مزک قاعده مرعیه وسنت سنیه سی اوزره بالتوارث اعداد عظمی قرابت اهم
نا دار الیم حضرتلرینک تخت همایون تخت سلطنتلرینه جلوس همایونمز وقوع بولمقله
دولت سنیه مزله دولت فخیمه لری بینده جمیع زمانده موجود اولان جهت
جامعه اسلامیه ومناسبات دوستی وموالاتک بر قات دها تاکید وتقاسی امر
فخیم البالمرام اولدیغنه دولت علیه مز طرفندن اوروبه انجمنک عنبر اتلمه زند
حکم اشتیرنده اوقصه مامور اولوب مراتب دیوانیه مزدن رتبه اولی
بالا دهیه سی ایلیکنده دخی رتبه سی ثانیه اولان حیدر افندی که کان
عنوان مذکوره ایله القاب ایله کمزدن افندی مرسوم ایله بوندن بویله دخی ابقای
امور مامور بسنده مظهر حسن نظر واهتمام شاهانه لری اولمقنه سعی ایده جکنه
اشتباه اولمیه جغندن کنه دوستانه دولت علیه مز طرفندن دنیاکاه تاکید
موالات دولتین اوزره اولان ارزو و رغبت ذاتیمزه دائر جانب شاهانه
مزدن دخی عیلرحقکاه افاده ایه حواله تسبیح وثوق واعتماد اولنمش
التماس ایر و ذات فخامت شاهانه لرینه اولان محبت کامله ومودت خالصه

کمک و تزاید علاقه قلبانه ارتباطیه شده بوده همواره و همچنانه دوام یافته باشد
مبادرت ایدرم هرحاله حصول الیه به مقتضی الطاف مبذوله دون همتا ای
شهر رجب

نامه‌ایست که اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاهی به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان
نوشته شده ۱۲۷۸

بعدالالقاب

نظر بتشیید مبانی وداد و دوستی که مراسم اتحاد که از قدیم مابین دولتین علیتین
باقتضای ضمانات کلیه وحدت جامعه اسلامیه برقرار و پایدار بوده و در مقصود
اهم اهم بوده از حسن نیات مودت بایات جانبین در افزایش و مقصد صفا
ماحصل خاطر محبت ذخایر است در این موقع که از مقتضیات مشیت قادر برحق
جنت مکان زینت جلوس بر تخت سلطنت مرحوم از حضرت سلطان عبدالمجید خان
برادر والاتبار بر بقای اعلیحضرت بیدار دل و سمت سمت انتقال یافت
از مقاصد عمده (یا هدایای) خود شمرده‌ایم که حفظ و تاکید علایق دوستی خالصانه
و مودت جانبین ... ایران و عثمانی را ... کفایت جناب
حاجی میرزا حسین خان ... درجه وزیر مختار و ایلچی کبیر مخصوص که در زمان
سلطنت ... برسم اقامت ... و ... انتظار ...
... آن اعلیحضرت را ... بتقاعد ... که از ... مودت ...
با ... و روابط ... و ... کامه خود خواهد بود ... رسیده‌ایم

کرده

که جلوس مسعود ... بتاریخ ... تجدید و کمافی السابق ...
در تکمیل مرحمات حسن توجهات آن اعلیحضرت ... باشد و بقای
سلطنت و استقلال ... آن اعلیحضرت ... ذات ... صفات
بالطاف حضرت متعال همواره ... شهر ربیع الاول ۷۸

نامه‌ایست که از طرف قرین الشرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه
باعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شد ۱۲۷۸

بعدالالقاب

نامه مودت ختامه ... که ... اعلام ... اعلیحضرت سلطان عبدالمجید خان
غفران مآب خاطر مودت ... را ... انتقال ...
و تخت سلطنت ... آن اعلیحضرت ... مشغول ... مسرت ...
بوده ... افزا ... وصول ... محبت ... حزن ...
... از ... آن قصبه ... حاصل ... آن ...
... مسرت ... صحیح و ... شده
و ... آن ... مودت ... الا ... صفت ...
... و ... آن اعلیحضرت ... حصول ... مقصود
... مودت ... در این ... سلامت و دایم دولت
... که ... ادای رسوم تهنیت و تقدیم شرایط تهنیت ...

ضمیر مهر تنویر برادران دولت فخیمه مشهود گردد لهذا جناب فخامت نصاب عمدة الامرای
العظام مقرب الخاقان محمد رحیم خان علاء الدوله را از اجله چاکران سده سنیه
و اعاظم معتمدان عتبه علیه است بسمت ایلچی گری مأمور آن دربار شوکت قرار فرمودیم
و یقین داریم که جناب مشار الیه بعد از درک حضور حقایق ظهور سلطانی
بطوری که شایسته است از عهده مأموریت خود برآمده رشته مودت را بین الحضرتین
را در این سلوک و مراودات با معتمدان آن درگاه بطوری که ملحوظ شده خاطر مودت
مظاهر آن اعلیحضرت خواهد داشت همیشه مشتاق لقای ذات همایون
حکم الله و ارتقای مدارج عزت و اقبال آن اعلیحضرت را از الطاف
حکیمانه ایزد متعال مسئلت می‌نماییم حرر فی شهر ربیع الآخر ٧٨

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان عزیز خان باعلیحضرت کیوان رفعت شاهنشاهی روحنا فداه نوشته شده ١٢٧

بعد الالقاب

اعداد دعوات مستطاب زمام حضرتلرینک تخت سلطنته رتبه وقوع بولان
جلوس همایونمزدن طولایی تبریک و تهنیتی حاوی اوله رق محمد رحیم
خانک مأموریت فوق العاده سی ایله واسطه سیله ارسال قلنان نامه
محبت ختامه شاهانه لری مآل مسعودی خالصانه مز اولمشدر و دولت
علیه مز ایله دولت فخیمه لری بیننده کمال جاری اولان مناسبات مودت خانک

برای

بیان نامه سی تحصیل آمال همایونه مز ذات محاسن سمات شاهانه لری شکرلو
اولوب صفوت مشار الیه کسب مودت مخصوصه الملوکانه اخص مطالب خیر
خواهانه مزادن بولنمغله حق خالصانه مزده بو جمله ابراز دلایل محبت
واقع اولان ثبات حکم اساسی شوکتکاره دوستانه مزده رقابت و کافه قوت
ویرمش و کمال ممنونیت همایونه مزی موجب اولمشدر و خان مومی الیه مورد
عاطفه درجه اولان تلقیات حسن تشییع ایلمش اولمسیدر
مأموریت مرجوعه سی ایفا ایله ترتیب ترقی ذاتکه انتخابا و دخی بشقه جه لطف طبعی اشتمال
انجش اولدیغنک دخی تعداد همسنه سعادت قرین ایله و کمسنه تمامه معلوم کما
لزوم شاهانه لری اولدقده هر حالده مودت اولونیه بقای آثار محادثت ایله
سنت داره وقرین سعادت مهمش خالصانه در حرر فی غرة رجب المرجب ٧٨

نامه ایست که از طرف اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان باعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه نوشته شده ١٢٧٨

اعداد دعوات مستطاب زمام حضرتلرینک تخت سلطنته رتبه وقوع بولان
جلوس همایونمزدن طولایی دولت علیه مزده سفارت مشیرلری
نه نصب اولنمش اولان حسین خانک مأموریت اقتضا ایلدیگندن تفصیل ارسال
سوی خالصانه مزه قلنان بو قطعه نامه مودت ختامه نهایت بخش ایله رسیده

دولت مخالصت کارے اولنسه رسومی ایلچیک عهدنشانه لرنی وسعلار اولدی
حسن اتحاد ابدیه برابر مامور قلنه ره اتفاقی سلطنت سنیه مزله دولت فخیمه ایرانی
وذات خالصانه مزله جانب قاینت ماب کمرانه لری بینده اتحادی فلتنم
اولمان مخالصه وخالصه نک مستقر وپایدار اولمسنه دلیل قریر اوله جقلری
محظوظیت مخلصانه مزی استلزام ایده جکی واحمد مومی الیهک مشتغل ومناسبات
خالصانه نک کبیر الاربعه وتوقی اولورده حق مساعیده دولت علیه مز طرفندن
مساعدت کوره جکنده شبهه اولمه مغله پایتخت سلطنه مزه عزیمتی تحریر وصحوب
قنباته زیارت وتبسیر عنه طویتمه خاما قدیم شاهانه لری اله قرة لعه ادوام
وخواجرای لازمه رقوت کاری وخالصه منوی مول فاقعه

فی ۱۹ شهر شوال ۸۰

نامه‌ایست که از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه به اعلیحضرت
سلطان عزیز خان نوشته شد ۱۲۸۲

بعد الالقاب

الفت و اتحادی که مدتهاست خداوند متعال مابین دو دولت بهیه ثابت و استوار
و محکم و برقرار است اقتضای آن دارد که در مواقع مسرات و وقایع و موارد
بهجت شمول اشعار بدارد که حکایت از مکنون ضمایر و وداد است از محزون مراتب
ترقی دولتین جهت دولتین منظور داشت و فا کنند صدق و صفا گذاریم
باشد که در بسیر کاهی از انظار ... عطوفت ... کنند

و مسرات باطنیه را ابراز نموده و حیات ... سینه درین زمان فرخنده اوان که ظاهر مسرت
ظاهر و کانه چنان رسیده که علامت ولادت نور دیده ابرار ... در منظر
شاهانه و مسعود ... اعلیحضرت ... لهذا اتفقدیم ای
عهدنامه مودت ... دوره خسته ... مخصوص سلطنت ممالک
خود را ... مودت ... اعلیحضرت ... شایان و ...
از علایم ... شایان است ... اعلیحضرت ... وجناب
مقرب ... الدوله میرزا حسینخان از اجرای
دار الشوری ... وزیر مختار مخصوص خودمان مقیم دربار دولت اعلیحضرت
... مودت ... اختصاص دادیم ... خاطر ...
... حضرت ... ان ... ان ...

ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد شهر ... الثانیه ۸۲

نامه‌ایست که از طرف سنی‌الشرف اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه
به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شد ۱۲۸۳

بعد الالقاب

نامه مودت ... سلطانه ... عظمت ... فاقت ...
... عزت ... اعلیحضرت سلطان ... شاهنشاهی ...
... ان ... مودت جناب ... الله ...
... ان جانب ...

جواب نامه از دیار روابط مودت و تقدیم شرایط اتحاد اراده مکنون ضمیر
مسالت تأثیر ملوکانه مالت و محبت ضمه شاهانه داده ایم تجدید مراسم موالفت
و تشیید مبانی مصافات مقصود فرموده ایم و از لوازم این امر مبارک منظور
فرموده ایم که در این موقع و مقام نوادر حسن مودت را بطور احسن ظاهر و حسنه
و نتایج را که موجب فزایش مصافات و ازدیاد روابط حسنه فیمابین دولتین
علیتین از اینجانب بود و جهد بطفر ملوکانه قرار داده ایم مبین است هر دو طرف کاده
همیشه شامل حال جناب جلالت الله افندی روز بروز افزون و اولی خصوص آن اعلیحضرت
بوده در حضرت همایون نامه رجب حسن اعتماد مأمون خواهد کردید و البته
جناب مشارالیه نیز از محبت خاطر را که دلیل سعادت و کمال اتحاد است
معلوم کرده بنابر اطلاع کامل که از نیات خالصانه محبانه آن اعلیحضرت
در ولایت تاجدار خود دارد باظهار ارادت و خلوص عقیدت زاید
مع ماسبق خود را در این حضرت همایون و دوران دولت روز افزون
محل وثوق و اعتماد خواهد نمود و پیوسته مترصد وصول نامجات سعادت
سمات بوده دوام دوستداران اعلیحضرت را در اریکه سلطنت و فرمانروائی
متمنی است فی شهر صفر المظفر ۸۳

نامه ایست در ارطرف اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان به اعلیحضرت
ظل اللهی روحنا فداه سنه ۱۲۸۳

صدر الالقاب

صدر الالقاب
ذات فخامت سمات شاهانه لرینه دوستکار اولان مودت خیمه بزرگ اژدرفتقابی
اولمق اوزره حق خالصانه مزده برکمال برلسان محبت مخصوصه ایله شهادت ساطع
زنکین یادکار اولمق اوزره ارسال بیوریلان نشان همایونری برابر اولان
نامه والای علاسه فخمانه لری وزد موافقت ایله اخذ اولنمش و مزده برموجب
اولان رابطه مخصوصه وداد به کمک قیمتی عینه حی نه مزده کران بها اوله
قندن بویک قدر و اعتبار یادکاری دخی یکب بیوک دولتین دوستلر
دولتین بینه جاری اولان مناسبتک حسنی الی الابد تایید ایله جلب اتفاق
مملکت تفککه برابر حسیتی کرینه کیدن نور اسیده مزده کلاسید جر
محظوظیت اوله جکی و هر حال تزاید ایام عمر سعادت قیمتلری تنظیر قلقده ایدی
کدن نهاسینه حق خالصانه مزده بر وجه ظهوره کلان آثار مودت شاهانه
لرندن طولایی موجب قیمه محبانه مزی تشییع ضمنه اسبو نامه مخصوص خالصانه
تحریر و تسبیر قیلنه بیرنیه تعالی قرین حکم فی شهر سیلیری اوله قده صدر ازای
دخی یومی دوام جوار بقای اثار فی و شمول عنایت دار و قلق خلوص خالصیده
فی ربیع الثانی ۸۳

نامه ایست در ارطرف اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان به اعلیحضرت
شاهنشاهی روحنا فداه سنه ۱۲۸۳

ذات معالی سمات شاهانه لرینه دوستکار اولان خلوص و محبت خالصانه مرکز

دینی الله و لیتین بر کمال بولنان کمالین و دوستلق علامتی اولمق اوزره هدایای عظمی
نامه مخصوص اولدرق تأسیس ایده کمز شان عثمانیه نک بر قطعه سی ارسال قلنمش
اولنقدر که بو محبت خالصک بیادگاری اولمق اوزره طرف شاهانه لرینه تقدیم
قلنان خالصانه مزایه دلالت هر حالده تمادی ایام عمر و اقبال شاهانه لرینی و حصول
مقاصد و آمال جهانبانه مزه مولنه نیز بینه تعالی قرین گله جگی متوقع اولدقده
بر ترقی جهتی ادامه آثار مودت خیرخواهی لرینه دارایه ملک نامزد
و دعای خالصانه مزه ربیع الثانی ۸۳

نامه اعلیحضرت شاهنشاهی باعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان
شهر شوال المکرم ۱۲۸۳

نامه مودت ترسیم شاهانه با نقش نشان دوستی لازم التعظیم آن اعلیحضرت
و حق اظهار کمال محبت و صفا اهدای جانب حضرت جوانبخت شاهنشاهی
شده بود واصل ابلاغ گردید و چون مراتب صمیمیت و حسن رسوم یگانگی
دولتین را بتقدیم رسانیده و مودت و داد گه آنها در میان حاصل است
دلیل تازه اقامه کرده موجب شعف خاطر محبت بنیاد گردید و ارکان
مسالمت را قوی و ثقلی عظیم چنانکه پیشنهاد خاطر دانی است زیاده از ما سبق
مشید و استوار نمود و سعی در زیبائی است چنین علامت محبت که از آن
طرف قرین الشرف بظهور رسیده همواره بر سم یادگار منظور نظر مخالصت اثر
شاهنشاهی بوده و موجب عزت و احتشام نامی خواهد بود و در دوام نامه مودت

خاتمه

خاتمه مشهود دیگر شده نامه اعلیحضرت مسئلت داریم که روزبروز عمر و عزت و بقا
ذات بزرگ صفات آن اعلیحضرت در سریر جهانبانی و اجلال از اولین مقاصد
و کامرانی بنگرد دعا طرازان اعلیحضرت را در اجابت این معنی بهترین وسیله
می شماریم و همواره با بهای ذخیرات هریک علاقات قواعد مسالمت را مستحکم خواهند
داشت شوال المکرم ۸۳

یادگار نوشته شد

نامه ایست که از طرف حضرت ظل اللهی روحنا فداه به پادشاه
دولت عثمانیه نوشته شده ۱۲۸۳

بعد از شرح حمد و ثنا و درود و نامحدود بر روان پاک پیغمبران و
ائمه اطهار چون عهد دوستی که با صفا اولیای حضور معدلت ظهور پادشاه
صاحب ... فرهنگ و نمایاد دولت دستگاه بهرام بخت فرخنده و دولت دیگر
گشته بر کارنگار دو پادشاه و دیباچه دولت گشته داشته مکشوف رای مهر اقتدار
سلطان ایشان رحمت اعلیحضرت والد ماجد از شهریار از دار الفنا به دار
البقای ... چنانکه در نامه محبت علامه سلطان ... و بحث حزن و
انکسار خاطر مودت آثار شاهنشاهی گردید و از استماع این قضیه که به امداد
و اجلال ما مقرر فرموده ایم و از جانب دیگر جز محبت از جلوس آن
پادشاه بافر و جاه تخت سلطنت وسیع و انبساط فزوده که ارتباط دوستی
که از قرون سالفه تا کنون فیمابین دولتین موجود است ...

از دیدار خورسندی و بهجت بر همه جهان دو دانه تلاقی نمود و وابسته به اعلیحضرت
شده و مبرهن است که سعادت و بهجت و شادی از لوازم محبت و اتحاد است
و به اقتضای سالهائی که در دولت قوی بنیاد با هم داریم این معنی همیشه از طرف
قرین الشرف همایون ما مرعی است و از کمال صفای نیت و کمال بقای آن
اعلیحضرت در بر بهیاری پیوسته طالب هستیم و امید داریم که وجود
مسرت آمود آن اعلیحضرت از هرگونه مصایب و عوارض مصون بوده
با قسم بهجت و سرور مقرون باشند همواره با رسال نامجات مسرت ارکان
مسرت خواهند بود ایام سلطنت و کامرانی مستدام باد تحریر شهر رجب
۱۲۹۳ المرقوم

سواد نامه اعلیحضرت ولیعهد همایون ایران به اعلیحضرت پادشاه بلجیک مورخه شهر جمادی الاولی ۱۲۹۳

بعد از ستایش خداوند و درود و هدیه ثنا چون عهد دوستان یکدل با صفا
اعیان بزم ارم مثال بهشت صاحب جاه با فرهنگ و شهریار با شوکت و دستگاه
بهادر که فرخنده دولت یگانه خجسته بر کامکار پادشاه زیباه دولت بلجیک
دارنده محرف رای مبدأ اعلا مسبب اریم نامه مسرت ختامه آن اعلیحضرت
و منشور از خبر بهجت وقوع عقد ازدواج فیمابین نواب کامیاب کنت
افلاندر برادر کامکار آن اعلیحضرت و خواهر خجسته اختر نواب جنت مآب
پرنس شارل ابر که با احتشام الملک و به آن مبارکه و مسبب بود در استقبال

آن

آن اعلیحضرت از اظهار ملالت نامه ارسالی دوستانه ابلاغ و اعلام نموده از آنجا
که به اقتضای دوستی و مصافات همیشه در سلوک و سرور و اندوه دوستان خود را
با آن اعلیحضرت شریک و انباز میدانیم این قضیه هایله جانسوز آن فاطمه تقاید
ما را قرین اندوه و ملال داشت که شرح آن در طی این نامه مسرت ختامه حالیه
از حد بیرون است که اراده خداوند بر این و به اقتضای حکمت بالغه خود در ازای
هر تلخی شهدی و مکافات هر اندوه سروری مقرر فرموده است امیدواریم
در عالم صبر و شکیبائی اراده و مذاق آن اعلیحضرت و جانشینان آن دولت را به
خداشناسی و رسم تحمل و قرار در این حالت ناگوار تقسیم اقتدار و اختیار
آن اعلیحضرت که اراده و پاداش تحمل و شکیبائی آن دولت را شوکت شان تاریخ
سپهر دوران از سر و بن سلطنت بر دوام و در حمایت شوکت با کمال
اقبال و حضرت پرور داشته همواره از دوستی کار نگارش نامجات مسرت
آیات محرک محبت و دوستی باشند ایام سلطنت و فرزندان مستدام باد

سواد نامه اعلیحضرت تاجدار ایران به اعلیحضرت پادشاه بلجیک مورخه شهر رجب ۱۲۹۶

هدیه ثنا چون عهد دوستان یکدل با صفا اعیان بزم جلالت و دستور
پادشاه صاحب جاه با فرهنگ و شهریار شوکت و دستگاه بهادر که فرخنده
نهال بوستان سلطنت یگانه دولت خجسته بر کامکار پادشاه زیباه دولت بلجیک

داشته کوشش وافی بعمل آید مستدعی داریم که در هنگام ورود او کتوب کرامت
ان اعلیحضرت که مشتمل از خبر بهجت اثر تولد مولود ارجمند از نواب عالیه
مستطاب کامیاب برادر فرخنده اختر ان اعلیحضرت بود از طرف قرین
الشرف ملوکانه پرتو افکن دولت گردیده باتفاق رسومات و مصافات
که مخلصان را در مسرت و حبور با ان اعلیحضرت شریک و انباز نموده این خاطر
و سرور خاطر را از این سرور و حبور قرین کرده است خداوند واهب با منت
نصب ان اعلیحضرت و خاندان سلطنت ابد اقتران امروت قرین مسرت
ناصره گشته با قرین داور و سرور ... ان اعلیحضرت را تهنیت مینگویم
و به ازدیاد تعیم شرایط ... از خداوند متعال بقای شوکت و اجلال
دودمان خجسته اثر را در سایه اقبال ان اعلیحضرت مسئلت می نماییم امیدواریم
همیشه با اظهار سرور ناصره عهد دوستی طرازنده باب کرم دادار ربانی
فتح ابواب مسرت و ازدیاد ... بوده حالت خیر خواه محرر را در اوقات
خاطر مسعود بلاد ملوکانه داریم ایام سلطنت و فر ازدیاد

مستدام باد

ان بتوسط جناب میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر مختار و ایلچی مخصوص مقیم
دربار دولت علیه عثمانی در اعلان انجمن حضور رسانیده بودند گردید از این بشارت مسرت
اکید و حیثیت خاطر حاصل شد ان اعلیحضرت که ما را در سرور و سرور خود با تفاق ما
عهد مودت موافق و انباز داشته اعلام و رسانیده که از این سرور و حظوظ
شریک و سهیم و اسباب طراوت خاطر محبت دوستان اعلیحضرت مایل گردیده است را بطه
یگانگی و مودت به اراده جانب داور خداوند متعال استحکام این جشن مسرت
مال را سعادت دوام شوکت ان اعلیحضرت مسرور ... همواره در سبیل
ثبات مودت ایات مبذول ارکان اتحاد بخشنده ایام سلطنت

مستدام باد

سواد نامه اعلیحضرت شهریار ایران با اعلیحضرت پادشاه
پروس مورخه شهر شعبان ۱۲۸۵

نفحات نسیم تحیاتی که فزون از مدارج اعتدال انوار نجوم ارکان مملک
پادشاه صاحب جاه با فرهنگ خسرو خورشید فر ... اورنگ
جهانبان ... سلطنت مبارک مهر سپهر دولت ... بزرگ
و وقتی ارفرخنده برادر باشکوه اعلیحضرت پادشاه دولت پروس داشته
کوشش ... داریم نامه مودت ختامه نامی و مفاوضه مسرت
افاضه که در حفظ اتفاق و ترویج مراقبات ... ان اعلیحضرت کامکار

بواسطهٔ سفارت دولت ما مقیم اسلامبول شده و با تحیات کریم معمول اعلات
بخش انجمن حضور و بهجت افزای خاطر مودت مظاهر گردید از اینکه کونت
اسپول ثابالمستان و الله تفاق و الله تکار بر بیانات آن اعلیحضرت والا
و مفوض گشته و هم بر جهت در ضمن نامه مودت ختامه استحکام مراودات اتحادیه
ایشان را با این دولت علیه تأیید و استقرار نموده بودند بالخصوص و اشتهار
تمام دلیل تزاید مراودات مذکوره و تشیید مبانی اتحاد شده و جای و محل
کمال امیدواری بود الحمد که فیمابین مراودات مزبوره روز بروز
تشیید و تزاید و تمتع منافع جانبین در ممالک یکدیگر دائمی و مزید خواهد بود
از خداوند رحمت منفعت می‌خواهیم همیشه آن اعلیحضرت کامکار از توفیق
واقتدار و بیان سلطنت و تاجداری تمتع و بهره‌ور باشند در دارالخلافه طهران
در عمارت ارک سلطانی تحریر شد شهر شعبان

۱۲۸۵

سواد نامهٔ اعلیحضرت پادشاه بلجیک مورخه صفر المظفر

۱۲۸۶

برادر مهرافتاده دوست صاحب جاه با فرهنگ و رونق با شوکت و دستگاه بهم
اورنگ فرخنده دولت یگانه خجسته بر کامکار پادشاه والای دولت بلجیک
مکنوف ... ابد همایون نامه جلالت اغاز محبت انجام و گرامی مکتوب عزم
مودت ارتسام که متضمن خبر انتقال ... سلطنت بین فرزند ارجمند

ترجمهٔ نامهٔ خاقان چین باعلیحضرت ملکهٔ انگلیس مورخه شهر جمادی الاولی

۱۲۹۱ مطابق ۱۸۷۴

(دولت ... دیهای من) فرزند شاهنشاه معظم و افخم و حاکم منتخب استحقاق اعطا
سعادت به امر ... علی جانبی و ... ولطف لطیف حضرت پروردگار
در روز ... و شاهنشاه کامکار سلطان هستم که تمام ... تقدیم ... کامکار شده
نود منظور ... از ... کامکار رسید
اینکه فهمیدم آن حضرت گیتی‌ستان در آرزوی صلح و مسالمت بوده و لطف و عاطفت
مرا استمداد داده برای خاطر ایشان اینکه شاهنشاه اعظم و اشرف هستم افراد
صلح کردم بشرط اینکه مخالفت رضای ملکانه هرگز نگشته و تا ابد در رشتهٔ
مسالمت بودن را پایدار بکنم
امروز فرمان دادم که هر سفیر آن حضرت گیتی‌ستان و خود با رتبهٔ کرچیده
حکم کردم و سفیر ممالک چینیه من بازادی تردد نموده و داد و ستد نماید و از
طرف چینی اذیتی با آنها وارد و اذیت نکرده باشند
سفیر حضرت جانبین نموده در دربار مرا تعلق دارد که انتقال خود شان را
اصلاح گشته و دیگر ... های بزرگ حفظ شان مشهور را احتساب بکنند
حمایت و ملازمت جمیع ایشان را خواهند
و حمل اشیا را ممالک مبارکه خودم و تطاول کردن عکس شیار از اوراد علیم
و حکمت حمایت عالیه من سابقه معلوم است ازیراکه اگر شده خواهند

مستفید شده و یک قطعه از قطعات لطف و مرحمت فرموده مشرف گشته کسب علم
و معرفت و افزون نمایند
به شیره جوز (طوطوقوه) امر کردم که از گل آب تابنده خانه (اودوس)
و از نجوم سپاره مشتری (ساوقودان) متوکوبه
بهتر بیدار کردن از بسم برکات یک جبه اعنیه فرستادم
از خدا مرحوم زلفت کم شده و پایت رفته رفته کوچک بشود و در حق
مطلوف و مرام شاهنشاه ما را در درجه کمال است
داعی

رسالة

میزان المقادیر فی تبیان التقادیر

تصنیف قدوة الاعلام الافاضل رضی الدین القزوینی صنفها رئیس فقهاء عصره سلطان العلماء خلیفة السلطان طاب ثراه

رساله میزان المقادیر بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد وآل محمد [illegible]

[illegible]

بالفکر الرزین

بالفکر الرزین [illegible]

[illegible]

الدورة [illegible]

صاحب [illegible]

الهبّا فهو سبع الدرهم ويعم هذا التشكيل بحصول الاوزان المشهورة المذكورة [illegible]

حسبما اتفقنا الى ترتيب الطسوج ... وهو حبتان من شعيرتين ... [illegible]

النصف وهو [illegible] والقيراط وهو قيراط الحل قيراط الدرهم [illegible]

[illegible] قيراط الدرهم [illegible] القيراط [illegible]

في [illegible] القيراط حوالى الطسوج حبتان [illegible]

[illegible] واما القيراط [illegible] شعيرة [illegible]

واما القيراط العراقي [illegible] شعيرات [illegible]

القيراط [illegible] البلاد [illegible] ...

[illegible] العراقي [illegible]

الربع [illegible] ...

[illegible] الدرهم [illegible] شعيرات [illegible] الدرهم [illegible]

والقيراط حوالى الطسوج [illegible] درهم [illegible]

[illegible] الدرهم [illegible]

[illegible] الدرهم [illegible] الدرهم [illegible] شعيرة [illegible]

[illegible] شعيرة [illegible] الدرهم

[illegible]

[illegible]

[illegible] الدرهم [illegible] شعيرة [illegible]

[illegible] والنصف [illegible] الوزن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الشعير [illegible]

[illegible]

[illegible] شعيرة [illegible] درهم [illegible]

درهم [illegible] والعراقي [illegible]

[illegible]

[illegible] البصرة [illegible]

[illegible] شعيرة [illegible]

[illegible] درهم [illegible] شعيرة [illegible]

[illegible] شعيرات

والأوقية أربع عشرة [illegible] دراهم وثلاثة أسباع درهم الشرعي [illegible] قبل [illegible]
كما في الصحاح والقاموس [illegible] درهم وثلث درهم وأربعة [illegible] الأوقية
كتاب الفقه فتأمل [illegible] وقد مر أن الأوقية [illegible]
بين فقهائنا [illegible] أصحاب اللغة والأطباء [illegible] الأوقية عشرة [illegible]
دراهم [illegible] درهم [illegible] قبل الفقهاء [illegible] المعتبر
وعلى الفقهاء [illegible] والأطباء [illegible] عشرة دراهم [illegible]
في شرح القانون [illegible] القاموس [illegible] الجمهور [illegible]
صاحب الصحاح في المصباح [illegible] المعتبرة [illegible]
بعض من الفقهاء [illegible] عشر درهماً [illegible]
والمعتمد المشهور [illegible] الأوقية [illegible] عشر [illegible]
درهماً [illegible] مثقالاً [illegible] في الصحيح [illegible]
[illegible] الأوقية [illegible] درهماً [illegible]
فإنه [illegible] الأوقية [illegible] عشرة دراهم [illegible]
أسباع درهم [illegible] الأوقية [illegible]
مجاز والمشهور [illegible] عشرة [illegible] مثقالاً [illegible]

و[illegible]

[illegible] الصحاح [illegible] الرطل [illegible] عشرة أوقية
[illegible] عشرون درهماً [illegible]
[illegible] الأوقية [illegible] الرطل [illegible]
[illegible] الرطل [illegible]
[illegible] جمهور الخاصة [illegible] ستة آلاف [illegible]
[illegible] عشرة أوقية [illegible] العراقي [illegible]
[illegible] مثقالاً [illegible] جمهور [illegible]
وما [illegible] عشرة [illegible] عشرة أوقية [illegible]
[illegible] مثقالاً [illegible]
أسباع درهم [illegible] الصحاح [illegible] عشرة [illegible]
الرطل [illegible]
[illegible] عشرة أوقية [illegible] مثقالاً [illegible]
[illegible] العراقي [illegible] العراقي
[illegible] العراقي [illegible]
في [illegible] العراقي والمدني [illegible]

ثمانية آلاف ومائتان وثمانية وعشرون شعيرة والكيل اربع شعيرة فهو عشرة اواق
حديدة بالمعيار الاسلامي سبع ارطال ونصف رطل على قفيز العامة [illegible] القفيز عشرة
اوقية والخلاف في القفيز كما مر والمن الرومي [illegible] الاف وثمانمائة شعيرة فهو احد
وعشرين اوقية بالمعيار المذكور سبع ارطال ونصف ربع رطل وفي الكافي عشرة اواق وربع
رطلا وثلثي رطل تقريبا والمن التبريزي [illegible] عشر الاف وثمانمائة [illegible] شعيرة
وستمائة شعيرة سبع رطلين ونصف [illegible] اي الربع [illegible] وفيه اختلاف في
الا ان القفيز في [illegible] من قفيز الاوقية والمن التبريزي [illegible] الف والعمائة شعيرة
سبع ثمانية مثاقيل صيرفي [illegible] والمن الشاهي [illegible] الف [illegible]
شعيرة سبع الف [illegible] مثقال صيرفي ونصف المن التبريزي والاكثر بحسب الوزن اما
المكيال [illegible] القفيز [illegible] الف [illegible] في رطل
فهو [illegible] العلامة [illegible]
هو الرطل [illegible] جماعة منهم ابن [illegible]
والثاني في [illegible] والعلامة [illegible] الاصحاب [illegible]
الرافعي في قدر الرطل العراقي [illegible] والعلامة [illegible]
مذهب [illegible] البصريين [illegible] واللغة [illegible] الف [illegible]

وتحسين الف

[illegible] الف درهم [illegible] العلامة والبلاغة [illegible]
اربع دراهم [illegible] الاوراق الرومي [illegible] اربعة [illegible]
[illegible] اوقية [illegible] الف [illegible] عشرة [illegible] الكافي [illegible]
درهم كما في الكافي [illegible] عشرة الاف درهم او سبعة الاف [illegible]
في [illegible] وفي بعض كتب [illegible] عشرة الاف درهم او سبعة الاف [illegible]
مائة وعشرون رطلا وفي الكافي [illegible] اوقية [illegible] الف ومائتان
ومائتا اوقية [illegible] الف [illegible] الف درهم [illegible] رطل [illegible]
الف او [illegible] الاصح [illegible] بعض المعتبرين [illegible]
[illegible] قنطار [illegible] وقع [illegible]
[illegible] الف مثقال [illegible]
[illegible] مثل [illegible] تقريبا
فيه [illegible] المقادير المقدرة بحسب الكيل [illegible] المقدرات [illegible] الكيل [illegible]
[illegible] الف [illegible] المعتدل [illegible]
[illegible] من العادة [illegible] الف [illegible]
[illegible] المقادير [illegible] المقدرة [illegible]

سورة [illegible] من التعبير بقدره [illegible] بحسب اختلاف الروايات [illegible]
مثقالا [illegible] [illegible] وصل [illegible] [illegible]
فقد القسم الثاني [illegible] في التقدير [illegible] المد [illegible]
ثمانية وثمانون درهما ونصف درهم [illegible] مثقالا [illegible]
سبع رطلا ورطلا العراقي على تقدير [illegible] ابن ابي [illegible]
من المحدثين [illegible] رطل وربع [illegible] الرطل [illegible] معلوم فان [illegible]
والا فمائتان وثمانون درهما [illegible] درهم [illegible] مثقالا ونصف مثقال سبع رطلا
ورطلا على تقدير العراقي [illegible] الا في [illegible] واحد [illegible] درهم
[illegible] مثقالا سبع رطلا [illegible] على تقدير العراقي [illegible]
بحسب [illegible] تقدير الصاع وبحسب [illegible] الصاع [illegible] الاهل [illegible] ثلث [illegible]
[illegible] درهم [illegible] واحد [illegible] مثقالا [illegible] سبع رطلا [illegible] على تقدير [illegible]
[illegible] العراقي [illegible] ثمان [illegible] وخمسون [illegible] سبع درهم [illegible]
[illegible] مثقالا سبع رطلين على تقدير العراقي [illegible] الصاع [illegible]
والخمس مائتان وتسعة وثمانون درهما [illegible] مثقالا ونصف [illegible] سبع
رطلين ورطلا على تقدير العراقي [illegible]

ونصف درهما

ونصف درهما ونصف [illegible] مثقالا [illegible] سبع [illegible] على تقدير العراقي
وانه [illegible] [illegible] الصاع [illegible] سبع [illegible] المد [illegible]
[illegible] الصاع [illegible] الصاع اربعة امداد [illegible] صح
الاربعة ارطال [illegible] العراقي [illegible] سبع [illegible] الرابع [illegible] ارطال
ان [illegible] رطل ونصف [illegible] عشرين [illegible] رطل
ونصف [illegible] [illegible] اختلاف [illegible] المثقال [illegible]
[illegible] [illegible] الرطل [illegible] رطلا [illegible]
[illegible] ارطال [illegible] رطلا ونصف [illegible]
[illegible] عشرة [illegible] [illegible] الرطل [illegible]
[illegible] صح [illegible] [illegible]
[illegible] الصاع اربعة امداد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] في تقدير المد [illegible] الصاع اربعة [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] الرطل [illegible] العراقي [illegible] صاحب القاموس [illegible]
[illegible] ارطال [illegible] رطل على تقدير العراقي [illegible] ارطال [illegible] رطل

على تغيير الحقة ... لأهل العراق ثمانية أرطال على تغيير العامة وعن العلامة ره أنه
ستة أرطال الحقة ويعرف جمهور فقهائنا ... ستة أرطال على تغيير العامة
والكيلجة وهي ... ثمان ... سبع ... أرطال ... أربع أرطال على تغيير العامة كذا
في القاموس والمكوك ... كذا في الصحاح ... عشر رطلا
وربع رطل كذا في القاموس والإردب ... أربعة
وعشرون صاعاً كذا في ... المذهب ... في الأربع الأرطال ...
احتمالات والقفيز مكيال ... سبعة عشر رطلاً ... على تغيير العامة كذا في الصحاح ...
أمنان ... سبع ... صريح ... إذا كان ...
الصاع ... الأرطال ... سبع ... صريح ... عشر رطلا
من حسب القاموس ... اختلاف ... والقفيز المكيال ...
تقدير ويختلف بحسب البلاد ... ثمانية ... أربعة وعشرون ...
والقاموس والكر ... أربعة وعشرون صاعاً
نقل صاحب القاموس ... في الصحاح والجريب المكيال ...
صاحب القاموس ... ستين ... والمعشر
في ... العلامات ... ستين ...

[illegible]

... فيختلف الآراء ... اختلافه في ...
... والتفريع ... في ... والكر المكيال ...
الآف ... صاحب القاموس ...
... والقفيز ...
المقادير المقدر بحسب ... القفيز ... الشبرة ...
... من حيث المساحة ... السطح ...
... عرض الشبرة ...
الشبرة ... صاحب ...
... الشبرة ... شعرات ...
... اعلم ان ... القسم ... التفسير ...
... الخط ... التفسير ...
... شعرات ...
الأكبر ... يكون ...
... التقدير ...
في التقدير ... شعرات ... الشبرة ... شعرات ...

والشعيرة سبع شعرات [illegible] كما ان [illegible] شعيرات والشعيرة سبع شعرات [illegible]
كونها سبع شعرات الشعيرة ست شعرات [illegible] [illegible] فنقل [illegible] [illegible]
ونقل [illegible] [illegible] في شرح لمعة الفقه ولم اطلع على نقل [illegible]
في [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] العكس [illegible] المذهب [illegible] المحقق [illegible]
في تقدير [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شعيرة [illegible] [illegible]
وذكر [illegible] ان يكون [illegible] [illegible] [illegible] الاختلاف [illegible] [illegible] التقدير [illegible]
الا [illegible] سبع [illegible] واحد من التقديرات التي تنقل [illegible] [illegible] [illegible]
يحتمل [illegible] القبضة [illegible] اربع اصابع مضمومة تبلغ ثماني وعشرين [illegible] الشعيرة
[illegible] مائة وست وستين او مائة [illegible] [illegible] [illegible] الشعيرة والشبر
والمعتبر منه شبر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] التقدير [illegible] القبضة
والاصبع [illegible] [illegible] قبضات او [illegible] عشرة اصبعا [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] المراد التحديد [illegible] منضبط [illegible]
تختلف [illegible] القدم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] القامة [illegible]
كان من [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] يختلف بحسب اختلاف [illegible] القامة
والخطوة [illegible] [illegible] المتعارف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

الذراع

الذراع الشرعي [illegible] [illegible] [illegible] ذراع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اصبعا [illegible] ست قبضات والذراع [illegible]
[illegible] [illegible] وعشرين اصبعا [illegible] [illegible] الا [illegible] اصبعا والذراع [illegible]
ذراع الفقه [illegible] [illegible] [illegible] اصبعا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الذراع [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] الشرعية [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
والميل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الف اصبع [illegible]
ذراع الشرعي [illegible] [illegible] [illegible] التقدير [illegible] [illegible] [illegible] الذراع الفقه
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والفرسخ [illegible] اميال [illegible] [illegible]
تقدير الميل [illegible] [illegible] الف ذراع [illegible] الشرعي [illegible] [illegible] الاف [illegible]
الاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] التقدير [illegible] الاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
في الميل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الفرسخ [illegible] [illegible] ذراع
الفقه [illegible] [illegible] الف ذراع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] كان [illegible] [illegible] بخلاف المراد [illegible] [illegible] [illegible] في تقدير الفرسخ [illegible]

الفقهاء الاربعة [illegible] وهو سبعة الاف مثقال [illegible] [illegible] الكرخ [illegible]

الذراع وان عشرين [illegible] ذراع محمد بن ابي [illegible] ثمانية عشر الف [illegible]

عن [illegible] الف [illegible] الاف [illegible] الذراع ولا التفاوت في التقدير [illegible]

الميبدي في حاشية شرح [illegible] الاتفاق [illegible] الميل اربعة

الاف كل الف [illegible] اصبع [illegible] [illegible] الاف كل [illegible]

وعلى التقدير [illegible] الميل [illegible] الف اصبع [illegible] الاتفاق [illegible]

[illegible] الميل [illegible] صاحب القاموس في تفسيره [illegible] الاف [illegible]

[illegible] الميل [illegible] [illegible] [illegible]

ونقل صاحب القاموس في التقدير [illegible] الميل [illegible] شرع [illegible]

شروط [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] الاحتمالات المذكورة

في [illegible] [illegible] المذاهب [illegible] [illegible] عشر

[illegible] [illegible] [illegible] المعتبرة في [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] العشر

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] القصبة في [illegible] [illegible]

عشر [illegible] [illegible] القفيز [illegible] الارض [illegible]

[illegible] الذراع حاصل ضرب القصبة [illegible] صاحب القاموس [illegible]

الارض [illegible] الاف [illegible] ذراع [illegible] [illegible] القفيز

[illegible] [illegible] [illegible] اختلاف اعتبارات [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حاصل ضرب [illegible]

في [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] حاصل ضرب [illegible]

في [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] المذكورة [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] المذاهب [illegible]

إلى القولين الأخيرين في تقدير الكر بالشبر وان تم على الأخير الأكثر كيف ذراع [illegible] إذا

انبسط فيمتنع [illegible] عشرة أشبار ونصف [illegible] أكثر [illegible]

ونشر [illegible] وهذا العبد [illegible] إيراده من التفصيلات لا يكن

لسوق الكلام في التنبيهات [illegible] **تتميم** اعلم ان الشيخ في آخر القانون

ذكر بعض الأكيال والأوزان المعروفة في اليونانية نقلا من كتاب [illegible]

من كتاب [illegible] ابن سرابيون [illegible] في هذه [illegible]

فنشأ التقريب [illegible] على اللغة اليونانية بغير

المعروفة في هذه الأزمان والإفادة في نظم [illegible] ذكرها [illegible]

الطبية [illegible] بعضه من اليونانية وكفى بالفصل الذي ذكره في آخر القانون لكن

ومع لا يمكن ذكرها في هذه [illegible] كثير فائدة [illegible] الى ان نسخ القانون

مختلفة في الكثرة [illegible] اللغات اليونانية والتصحيح على وجه الاطمئنان الى آخر

عسر [illegible] غير صحيح [illegible] غير مفيد [illegible] لكن

مما ذكره [illegible] كثير [illegible] بعض [illegible] كثيرة

غير محصورة [illegible] الشيخ [illegible]

الفائدة [illegible] الشواهد [illegible]

الرطل ونصف

رطل ونصف الرطل ثماني عشرة أوقية [illegible] الصاع [illegible]

والرطل عشرين [illegible] أوقية [illegible]

ثماني عشرة أوقية [illegible] قبل [illegible] الرطل [illegible] مثقالا

[illegible] العشرين [illegible] مثقالا

[illegible] مثقالا [illegible]

[illegible] مثقالا [illegible] ذلك

تتميم [illegible]

قد عرفت مما تقدم ان الدانق [illegible]

[illegible]

ان الدانق [illegible]

[illegible] المعروف [illegible]

[illegible] عشرة [illegible]

[illegible] عشرة [illegible]

[illegible] عشرة [illegible]

[illegible] عشرة [illegible]

ونقد عرفت ان ثمان سنین من شهر[illegible] وارتفعه احدا انهم الا ان [illegible] في اصطلاح
لم یقبل الفضا وکذلک [illegible] خطا [illegible] حتی نرسم ان [illegible]
الدنیا [illegible] شهرات [illegible] ان یعلم ان [illegible] الدنیا [illegible]
[illegible] الدنیا [illegible] لیلقمه و شهرات [illegible] الطلوع للشمس [illegible]
[illegible] حسن جدا [illegible] الدیار [illegible]
[illegible] کون الدنیا [illegible]
عشرة و [illegible] الشهور [illegible]
الارقام [illegible] الفقاط [illegible]
المستقیم حیث [illegible] بعض الا [illegible] الفضا [illegible] **شعر**
[illegible]
[illegible]
[illegible] شعر [illegible]
[illegible]
[illegible] قدر الدرهم [illegible]
[illegible] شعرة [illegible]

[illegible]

ان علم الفضا [illegible] القفال **شعر** [illegible] درهم [illegible]
[illegible] العدد [illegible]
[illegible] الفضا [illegible] ان الدنیا [illegible]
[illegible] الدنیا [illegible]
[illegible] عشر [illegible]
[illegible] الاکل [illegible]
[illegible] الاصح [illegible]
تتمیم [illegible] ان الدراهم [illegible] الشمس [illegible]
ان [illegible] الشرع [illegible]
الفضه [illegible]
[illegible] الفضه [illegible]
الدراهم التی [illegible] عشرة [illegible]
[illegible] الدرهم [illegible]
[illegible]
فی زمان [illegible]

وبهذا يظهر قلة وضع هذا القياس وكأنه توهم كانت الدراهم في بعض الازمنة باعتبار [illegible]
القدرين اللذين ذكرناهما بالنسبة لعلها ما ذكره شيخنا الكبير بهاء الدين قدس الله روحه في باب
الفطرة في صاع الزكاة بما في صحيح حبيب الخثعمي قال كتب ابو جعفر المنصور الى محمد بن
خالد وكان عامله على المدينة ان يسأل اهل المدينة عن الخمسة في الزكاة من المائتين كيف
صارت وزن سبعة ولم يكن هذا على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وامره ان يسأل
فيمن يسأل عبد الله بن الحسن وجعفر بن محمد عليهما السلام قال فسأل اهل المدينة فقالوا ادركنا
من كان قبلنا على هذا فبعث الى عبد الله بن الحسن فسأله فقال كما قال المستفتون من
اهل المدينة قال فقال ما تقول يا ابا عبد الله فقال ان رسول الله صلى الله عليه وآله
جعل في كل اربعين اوقية اوقية فاذا حسبت ذلك كان على وزن سبعة وقد كانت
وزن ستة كانت الدراهم خمسة دوانيق قال حبيب فحسبناه فوجدناه كما قال فاقبل
عبد الله بن الحسن فقال من اين اخذت هذا قال قرأت في كتاب امك فاطمة
عليها السلام قال ثم انصرف فبعث اليه محمد بن خالد ابعث الي بكتاب فاطمة
عليها السلام فارسل اليه ابو عبد الله عليه السلام اني انما اخبرتك اني قرأته ولم اخبرك
انه عندي قال حبيب فجعل محمد بن خالد يقول لي ما رأيت مثل هذا قط انتهى
توضيحه الى ان قال ثم توهم ان المعتبر في الزكاة هو العدد دون الوزن [illegible] اطلاق

الدراهم

الدراهم على ما ليس كذلك من ان النقص من جهة العدد كما توهمه [illegible] ثم اطلع على [illegible]
ويستدل على هذا بتوهم ما حكي عن بعض اهل الظاهر من اعتبار العدد دون الوزن [illegible]
او بعيد عن رسول الله صلى الله عليه وآله ليس فيما دون خمس اواق من الورق صدقة [illegible]
فبعثه هذا التوهم الى القياس على كيفية تشريع سبعة دراهم في زمانه [illegible] الزكاة
مع انه في عهد رسول الله صلى الله عليه وآله كان عشرة دراهم [illegible] ان المعتبر في الزكاة
هو الوزن لا العدد وان الدراهم [illegible] مختلفة وزنا [illegible] الى [illegible] رسول الله صلى الله عليه
وآله فاجاب ابو عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام بان رسول الله صلى الله عليه وآله جعل في كل اربعين
اوقية اوقية يعني ان المعتبر في الزكاة ربع العشر بحسب الوزن لا بحسب العدد وذكر انه
[illegible] ذلك [illegible] في الوزن [illegible] العدد [illegible] عليه السلام [illegible] اذا حسبت
ذلك كان [illegible] ربع العشر بحسب الوزن [illegible]
الزكاة [illegible] هذا الزمان التي [illegible]
ذلك [illegible] الدراهم التي قبل زمانه [illegible] كانت الدراهم
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تتميم من الاوزان التي ينبغي في زماننا التي يرجع اليها في باب المثقال الصيرفي الذي
عليه مدار الكرتين المحمدية العباسية الكتين في هذه الايام حيث ان الكرة المحمدية
والنيم والعباسية التي صنعها [illegible] مدار المثقال الصيرفي [illegible]
المشهورين بين الانام [illegible] التبريزي في زماننا ستمائة [illegible] التي صنعه
القاضي [illegible] وهذا المثقال مع [illegible] هذا الزمان مرجع المقادير المذكورة
ومقياس الاوزان المشهورة المنضبط بالشعيرة [illegible] الا [illegible]
عليه [illegible] العلامة رحمه الله [illegible] ضبط ثمانية وست شعيرات العين وثمانمائة
وخمسة وثمانين جزءا من [illegible] الاف اجزاء الشعيرة [illegible] مكا
بخمسة [illegible] مثقالا وربع مثقال بالصيرفي فالرطل العراقي الذي كان
عنده [illegible] وتسعين مثقالا
والصيرفي [illegible] ربع مثقال [illegible] ان الرطل العراقي عنده عبارة
عن [illegible] مثقالا شرعيا [illegible] الاف [illegible] وسبعين شعيرة من
السبع شعيرة وجب ان يكون المثقال الصيرفي المذكور والتي هي ضبط الرطل
عبارة عن تلك الشعيرات فالنسبة مثقال واحد صيرفي يلزم ان يكون عنده
مائة وست شعيرات العين وثمانمائة وخمسة وثمانين جزءا من خمسة الاف

اجزاء الشعيرة

اجزاء الشعيرة كما ورد بعضهم كان الشيخ [illegible] قدس الله [illegible] ضبط ثمانية والربع شعيرات خمسمائة وخمسة
وسبعين جزءا من سبعمائة وسبعين جزءا من الشعيرة بل تضبط [illegible] الرطل
[illegible] ضبطه العلامة مع [illegible] ان الرطل [illegible] مثقالا [illegible]
[illegible] الاف [illegible] الشعيرة زائدة مع [illegible] شعيرات الرطل العلامة
[illegible] الشعيرة [illegible] في [illegible] التفاوت [illegible]
وجب ان يكون المثقال الصيرفي الذي هو ضبط الرطل عبارة عن هذه الشعيرات الزائدة
على شعيرات رطل العلامة بما ذكرناه فيست مثقالا واحدا صيرفيا يلزم ان يكون عنده عبارة
عن مائة وواربع شعيرات خمسمائة وخمسة وسبعين جزءا من سبعمائة وسبعين جزءا
من شعيرة كما عرفت ثم [illegible] ان الشيخ [illegible] ان لم [illegible] في ذلك الرطل العلامة
وضبط ما [illegible] عنده فاتفقا [illegible] في [illegible] الصاع والرطل [illegible] المثقال الصيرفي
مع ذلك الاختلاف [illegible] الاتفاقات والغرب [illegible] الاتفاق
[illegible] تسعة [illegible] في ذلك [illegible] من [illegible]
اختلاف وعدم الموافقة [illegible] بسبب [illegible] الشعيرة
[illegible] الكرات [illegible] التطويل [illegible]
[illegible] ان ضبطه [illegible] ان [illegible]

ثم نقول ان التفاوت [illegible] المثقال الصيرفي المتعارف في زماننا عبارة عن اربع وعشرين نخوداً [illegible]

[illegible] وثلث ربع [illegible] الشرعي [illegible]

[illegible] ان يكون [illegible] ولكن [illegible]

[illegible] مع [illegible] العلامة

والشيخ [illegible] المثقال الصيرفي زائد [illegible] بمقدار التفاوت الواقع

في الضبط [illegible] وكذا الكلام في التفاوت القليل الواقع [illegible]

[illegible] التفاوت الواقع

في المثقال [illegible] حيث ضبط الشيخ [illegible]

[illegible] ان يكون هذا التفاوت الواقع

في [illegible] التفاوت في المثقال [illegible]

الذي ضبطه الشيخ [illegible]

[illegible] من التفاوت [illegible]

تتميم اعلم ان [illegible]

[illegible] الشعير [illegible]

[illegible] الشعير [illegible]

القياس

القياس [illegible]

[illegible] ان [illegible]

[illegible] ان [illegible]

[illegible]

[illegible] فقال العلامة رحمه الله في التحرير [illegible]

الصاع [illegible] عليه السلام [illegible] والمد رطلان [illegible]

وهذا التقدير تحقيقي [illegible] تقريبي [illegible] اذ التقدير بالمد [illegible] عبارة عن كيل [illegible]

[illegible] التقريب [illegible]

[illegible] ان المد [illegible]

[illegible] المد [illegible]

حتى [illegible] الكيل [illegible]

[illegible] التحقيق [illegible]

[illegible] قول بعض الفقهاء [illegible] الكيل [illegible]

[illegible]

[illegible]

	المن التبريزي	المثقال الصيرفي	الشعيرة	الخردل	الفلس	الفلبة	النقير	القطمير	الذرة	الهباء
[illegible]	٥	٥	٣٨							
[illegible]	٥	٥	٦٨	٣	٥	٠	٥	١	١	٥
[illegible]	٢٢٢	٥٤٤	٢٣							
[illegible]	٣٤٨	١٣٢٣	٧٢							
[illegible]	١٤٨	٥٠٢	٢٢	١	٨	٣	٣	٣	٥	١
[illegible]	٥	٩٢	٧٢							
[illegible]	٥	٩١	٧٥	١	٨	٣	٣	٣	٦	٦
[illegible]	٥	١٥٥	٢٥	٣	٣	٢	٣	٣	٥	١
[illegible]	٥	١٠٧	١٢							
[illegible]	٥	١٣٨	٣٦							
[illegible]	٥	١٤٧	٣٩	٥	١٥	١	٤	٣	٣	٣
[illegible]	١	٨١	١٨	٥	١	٤	١٠	٥	٨	٤
[illegible]	١	٨١	٢٨							
[illegible]	٣٤	٨٥	٦٥							
[illegible]	٣٤	٣٤٥	٦٨	٣	٥	٠	٥	١	١	٥
[illegible]	٦٥	٢٣	٣٩	٢	٦	٥	٥	٦	١٥	٢
[illegible]	٦٦	٥١٤	٢٤							

في عرف الجميع [illegible] يحصل كل من [illegible] يتمكن من تبديل المقادير [illegible] بالطرف الآخر
من جهات [illegible] اقرار وطرح البعض لضعف السند وغيره حيث اتفقت
قواعد الاصول حتى انتهى الى الاختلافات [illegible] مفرعة جميع [illegible]
كل منها [illegible] تعيين المقادير المذكورة المكتوبة التي [illegible]
مفصلة [illegible] قسم معتبر [illegible] في الشرع [illegible] دائرة [illegible]
المقادير [illegible] بل متداول بين المسلمين [illegible] القسم الاول [illegible]
قسمين قسم معتبر عند [illegible] للاصالة [illegible] متعلق [illegible] الاحكام وقسم [illegible]
[illegible] وكونه [illegible] اخر [illegible] الى [illegible]
ولما كان القسم الاول من المقادير المعتبرة في الشرع [illegible] حاجة المكلفين [illegible]
من جهة [illegible] رضوان الله عليهم [illegible] تقديم [illegible]
لبيان تلك المقادير [illegible] بنسبتها واحدا واحدا من الاوزان المعروفة
في زماننا هذا من المن التبريزي الى المثقال الصيرفي والشعيرة [illegible]
جدولا [illegible] المقادير المعتبرة المذكورة [illegible] كل منها [illegible]
من المثقال [illegible] الشعيرة [illegible]

[illegible]

تتميم يظهر مما مر في تضاعيف ما سلف ان الاختلافات الواقعة بين فقهائنا رضي الله عنهم في
قدر المد والصاع والوسق كلها مبنية على خلافهم في [illegible] بما في قدر الرطل العراقي من انه
[illegible] مثقالا او [illegible] مثقالا وهذا الخلاف قائم بين العلامة [illegible]
في قدر المد بين رطل وربع او رطلان وربع بالعراقي وهذا الخلاف قائم بين ابن
ابي نصر البزنطي وغيره من الفقهاء [illegible] الا ان [illegible] الشيخ [illegible] قال العلامة
في التحرير وقول ابن ابي نصر المد رطل وربع معول على رواية ضعيفة [illegible] وقال [illegible]
في [illegible] قول البزنطي ان المد رطل وربع [illegible] المد رطلين [illegible] العراقي
[illegible] الصاع [illegible] مع قطع النظر عن الاختلاف [illegible]
فقهائنا والروايات [illegible] الذكر [illegible]
[illegible] الصدوق [illegible] في باب الاصناف التي
يجب فيها الزكوة وليس [illegible] والشعير [illegible] الوسق ستون صاعا والصاع
[illegible] امداد والمد وزن مائتين [illegible] درهما [illegible] الشيخ رحمه الله
في [illegible] عن ابراهيم بن محمد الهمداني [illegible] الفطرة
فكتبت الى ابي الحسن صاحب العسكر عليه السلام اساله عن ذلك فكتب ان الفطرة صاع من قوت
بلدك [illegible] المدينة [illegible] تسعة ارطال [illegible]

ويكون الفطرة

يكون الفطرة الفا ومائة وسبعين درهما [illegible] مضافا الى [illegible]
[illegible] وكتبت الى ابي الحسن [illegible] بن ابي [illegible] آن [illegible]
الصاع [illegible] الفطرة [illegible] للعراقي [illegible]
المد [illegible] العراقي [illegible] في انه يكون بالوزن الفا ومائة وسبعين وزنه
[illegible] الفطرة [illegible]
[illegible] العراقي [illegible]
[illegible] عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
الصاع والمد رطل ونصف [illegible] الصاع [illegible] وهذا [illegible]
[illegible] الشيخ رحمه الله [illegible]
عن سليمان بن حفص المروزي [illegible] عليه السلام الغسل بصاع [illegible]
[illegible] اربعة امداد والمد مائتان [illegible] وثمانون درهما والدرهم [illegible] حبات
[illegible] عن [illegible]
[illegible] الغسل [illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] امداد وكان المد قدر رطل [illegible] الحديث [illegible] الشيخ رحمه الله
[illegible] الخبر [illegible] امداد [illegible] المد رطل [illegible]

رواية قرر بطلان بعض فالصحيح من حساب الجمل وذلك يعطي ان العدد [illegible] التفسير
سبحانه المراد بعدد المقطعات [illegible] بحساب قطعا [illegible] الا ان [illegible] بحساب الجمل
[illegible] خمسة اعداد وبعضها [illegible] هذه الرواية اربعة اعداد [illegible]
وذلك [illegible] كما كان [illegible] ظهور النبي صلى الله عليه وآله [illegible]
مثل [illegible] عن ابي عبد الله عليه السلام [illegible] فقال [illegible]
[illegible] فبعض خمسة اعداد [illegible]
[illegible] توفي [illegible]
انه [illegible] هذه الرواية [illegible] خمسة اعداد [illegible] الاربعة [illegible]
[illegible] الاربعة اعداد حال [illegible]
[illegible] الاربعة [illegible] حساب الجمل [illegible]
اعداد [illegible] ظهور النبي صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] الاربعة اعداد في صورة [illegible]
وفيه [illegible] ان يكون [illegible] الى [illegible]
ويمكن ان يكون [illegible] الفا ومائة [illegible]
المقطعة [illegible] الف ومائة [illegible]

وايضا

[illegible] خمسة اعداد على [illegible] بعيد [illegible]
عن [illegible] حتى يكمل [illegible] من [illegible]
هذه الرواية [illegible] حتى [illegible]
[illegible] ان [illegible]
واحد [illegible] ان [illegible] عشرة [illegible]
[illegible] في [illegible] ان [illegible]
[illegible] عشرة [illegible]
[illegible] الصحيح [illegible]
[illegible] الفا [illegible] الفا [illegible]
[illegible] ان هذه الرواية [illegible] بعيد [illegible]
[illegible] الرواية الثانية [illegible] ذكره رحمه الله انه [illegible] خمسة اعداد [illegible]
الرواية [illegible]
[illegible] النبي صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] خمسة [illegible] عشرة [illegible]
المشهور [illegible] الله [illegible]

او توجيه الحكم بخمس عشرة او بعبارة من الواحد منها من حيث بعضه الى المقدار المعتبر
ستة ارطال او شبر [illegible] الى قبيل الحجر [illegible] مرافقا لهذا المقدار او بجودة [illegible]
اما عشرة دراهم [illegible] درهم يبلغ سبعة مثاقيل ونصف فخمسة عشر [illegible] ثمانية
واثني عشر مثقالا [illegible] واما عشرة دراهم يبلغ سبعة مثاقيل فخمس عشرة منها
ثمانية [illegible] مثقال واما [illegible] درهما يبلغ ثمانية مثاقيل [illegible] فخمس عشرة منها
ثمانية وتسعة عشر [illegible] مثقالا [illegible] وان لا يبلغ [illegible]
اربعة دراهم [illegible] وخمس [illegible] تزيد على [illegible] فضلا عن خمس عشرة ولم [illegible] التغير [illegible]
[illegible]
بالشهرة والاتفاق [illegible] الصحيح [illegible] الشيخ رحمه الله [illegible]
ان [illegible]
في معنى [illegible]
بهذا المعنى [illegible] ربع رطل عراقي [illegible] العلامة [illegible]
[illegible] المصنف [illegible]
[illegible] الفقهاء [illegible]
فيه [illegible] الاوقية [illegible]

ينقص عن المد

ينقص عن المد او يزيد عليه بالنسبة الى المذاهب واذا [illegible] في الكيل [illegible]
جميع المذاهب فالصحيح [illegible] الصحاح في تفسيره [illegible]
اربعون [illegible] وكذلك كان [illegible] فقال تتميم [illegible]
ان الكر المعتبر في باب الطهارة المعروف [illegible]
مقدر بين [illegible]
اصلاحية [illegible]
[illegible] ان يكون المساحة اصلاحية [illegible]
المساحة [illegible]
كل [illegible]
تفاوت كثير كما [illegible] التحرير [illegible] الشيخ ابي جعفر الطوسي رحمه الله [illegible]
[illegible] رواية [illegible]
فلا [illegible] في هذا الخبر [illegible] في كتاب [illegible] تهذيب الاحكام [illegible]
هذا الخبر [illegible] الشيخ رحمه الله [illegible]
لذلك [illegible]
[illegible]

لا يعتد به لكن [illegible] الشهر ولذلك ظاهر من عرف الكر بالارطال [illegible] العلامة
من متأخري اصحابنا رحمهم الله [illegible] حيث رجح اختيار العراقي في الارطال [illegible]
لما [illegible] من المساحة وذكر انه من عرف الكر بانه يبلغ تكسيره [illegible] اشبار [illegible]
وستة اثمان [illegible] ابن بابويه رحمه الله [illegible] الى اختيار [illegible] الارطال المساحة [illegible]
ما ثبت [illegible] الى ان [illegible] العدد [illegible] بين التقدير [illegible]
ان يكون احد [illegible] الاعلام [illegible]
عدم [illegible] في الشرع فاقبل [illegible] ابن بابويه
لم يعتبر العراقي او غير المدني مع ان الكر [illegible]
[illegible] ان العلامة رحمه الله في المختلف وافق ابن بابويه رحمه الله [illegible]
والشهيد رحمه الله في الذكرى وافق الجمهور فيه ومع هذا [illegible] الارطال
الارطال العراقية [illegible] ان تلك الارطال [illegible]
دون الارطال المدنية [illegible] الارطال العراقية
[illegible] ابن بابويه [illegible] العلامة [illegible] يكون
الارطال المدنية [illegible] التفاوت بين المذهبين [illegible]
التفاوت [illegible] الصاع [illegible]

بقدر ما ينقل

بقدر ما ينقل من الشهيد رحمه الله ان [illegible] الارطال العراقية [illegible] التقدير [illegible]
من [illegible] بخلاف الارطال المدني [illegible]
[illegible] المقام ان الارطال العراقية [illegible] من الارطال المدنية [illegible] ابن بابويه [illegible]
[illegible] المدنية [illegible]
[illegible] التحقيق [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible]
في الكر [illegible] مثقالا [illegible] الارطال العراقية [illegible]
من المدنية [illegible] الى [illegible] يبلغ [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible]
مثقال [illegible] الارطال المدنية [illegible] اثنين [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible] الارطال [illegible]
من الارطال العراقية [illegible] الشهيد رحمه الله [illegible]
[illegible] مثقالا [illegible] مثقالا [illegible]
المدنية [illegible] لا يبلغ الا [illegible] التفاوت الارطال العراقية [illegible]
[illegible] والا يبلغ التفاوت [illegible] المتحدة

في الصلاة ان يحب البرء ان الى حد لبس ذلك كما يشهد به التجربة والقس ببعض الحكمين الى الربا
فلا شك ان المناسب جعل الاصل في القدر المت ثمة وجعل الزائد على الف
الى الاستعلام من فرد ذلك القدر كما فيما نحن فيه ان يكون ما اختاره من الزائد ابتداء
عليه لا نقصا عنه من باب المقدمة ويتحقق كونه القدر المقدر المشروع في نفسه بزيادة
ولا ريب ان المقدمة على القدر المشهور في المسلك منفية عند العلماء من طلاب الاحتياط
او مطلع الاحكام هو ينقص بنقصانه فيه بازيد من زيادة المقدمة عليه فلا ريب في انه
لا يعتمد على زيادته عليه المصحح لكونها مستندة للمشروع الى الحد المذكور العلم
عند الله والله اعلم تتميم مبني التكليف المفيد للشرع المهتم بتحصيل براءة الذمة
ان يكون طريقة التمسك بالاحتياط والعمل على وجه يكون خارجا عن عهدة
الخلاف في جميع ما ذكر من المسائل الخلافية فيختار في قدر المد والصاع
المعتبرين في الكفارات وزكاة الفطرة مسلك مذهب الجمهور الذي قدروا
المد بما يبلغ مائة وسبعة وستين مثقالا صيرفيا واثني عشرة شعيرة والصاع
بما يبلغ ستمائة زيادة وثمانية وستين مثقالا وثمانية واربعين شعيرة اذ هذا التقدير
اكثر من جميع التقادير السابقة كما تردد والاحتياط هنا هو الاكثر ويختار في قدر الرطل
المعتبر في تحقق نصاب الغلات في حقيقة الرطل عن ستة وثمن مثاقيل زيادة

مع كوره

مع كسوره المثبتة في الجدول حتى يكون خمسة اوسق هو هذا النصاب حساب تبريز ماية
وثلثة وثمانين منا وكسرا اذ هذا التقدير في النصاب اقل من سائر التقديرات
والاحتياط هنا هو الاقل وعلى هذا القياس في قدر الكر والمسافة حسب ما يقتضيه
طريقة الاحتياط وذلك انه احسن جمع ما في ارهاما العذر فيه الا اوقات فيتحقق
والنجاة [illegible] عن الوقوع في ما يحتمل من الاثم اذ ربما يقتضي ادراك ملازمته
وتحقيق ما هو الحق من خصوصيته والخروج عن عهدة ما هو الصواب من التكاليف
بفراغ البال والكلام في ما يوجب تضييع الوقت وتضييع العمر في الفضل

والقلب هذا اخر ما اردنا ايراده
في هذه الرسالة وصلى الله [illegible] اختتم
[illegible] المقالة
والله الموفق
والمعز [illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خاتم الانبیاء والمرسلین
محمد و آله الطاهرین صلوة دائمة الی یوم الدین وبعد
چنین در اینولا خاطر ملکوت ناظر کیمیا ماثر نواب قدسی القاب
عالمیان مآب مرکز دایرهٔ دین و دولت قطب فلک ملک و
ملت کافل مصالح الامم مخدوم اصحاب السیف والقلم ناظم مناظم
الملک بالرای الصایب علی اوجه الاتم محیی مراسم المجد و سحاب مظهر
آثار ان الاسماء تنزل من سمائه برحمة الله علی الانام ناشر
صحایف النصفة علی صفحات الایام سلطان اعاظم الوزرا
شرقا و غربا مطاع اعاظم الامرا بعدا و قربا اعتضاد الخلافة الخاقانیة
القاهرة الباهرة السلطانیة اعتماد الدولة العلیة العالیة